

# ویرگی نامی تلاوت استادان

و

مبانی، مفاهیم و راهکارهای توسعه

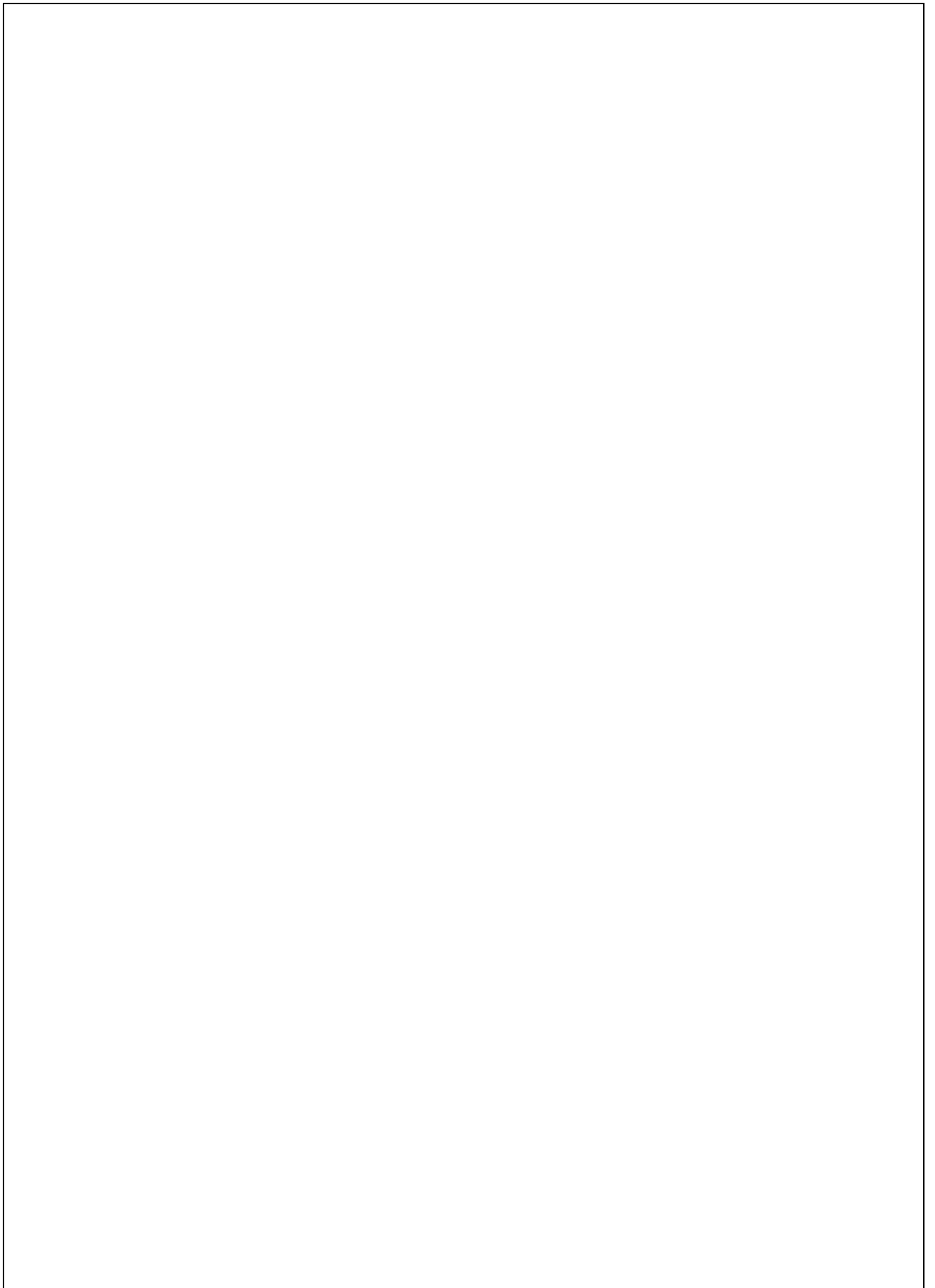
## خط قرآن کریم

مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها

شورای عالی قرآن

حوزه ارتباطات

اردیبهشت ۹۲



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سرشناسه :  
عنوان و نام پدید آور :  
مشخصات نشر :  
مشخصات ظاهری :  
شابک :  
وضعیت فهرست نویسی :  
موضوع :  
موضوع :  
شناسه افزوده :  
شناسه افزوده :  
شناسه افزوده :  
رده بندی کنگره :  
رده بندی کنگره :  
شماره کتابشناسی ملی :

نشست علمی تخصصی اساتید ، قاریان و حافظان ممتاز قرآن کریم (بمبنی: ۱۳۹۲: تهران)  
ویژگی‌های تلاوت استادانه و مبانی، مفاهیم و راهکارهای حفظ قرآن کریم : مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها در نشست علمی - تخصصی اساتید، قاریان و حافظان ممتاز قرآن کریم / شورای عالی قرآن، حوزه ارتباطات.  
تهران : مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۹۲.  
ص. ۳۹۶  
۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۹-۱۱-۸  
فیبا  
قرآن -- قرائت -- کنگره‌ها  
قرآن -- حفظ -- کنگره‌ها  
زرتنگار، مصطفی، ۱۳۵۰ - ویراستار  
شورای عالی قرآن. حوزه ارتباطات  
مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران  
۱۳۹۲ / ۷۴ / ۵ BP  
۲۹۷/۱۵۱  
۳۴۱۷۷۲۱



بازنگری محتوایی و تدوین : مصطفی زرتنگار  
تایپ و حروفچینی : رقیه اسماعیلی نسب  
نوبت و تاریخ چاپ : اول - اسفند ۱۳۹۲  
چاپ و صحافی : تهران - ستاره سبز  
شمارگان : ۱۰۰۰ جلد

#### کمیته علمی نشست :

سیدعلی سرابی (فائز مقام شورای عالی قرآن و رئیس نشست)، دکتر امیرمحمود کاشفی (معاون پژوهش شورای عالی قرآن و رئیس هیأت داوری مقالات)، دکتر کریم دولتی (دبیر بخش حفظ قرآن)، دکتر ابوالفضل خوش منش (عضو هیأت داوری مقالات)، مصطفی زرتنگار (سرپرست واحد پژوهش شورای عالی قرآن) و محمدتقی میرزاجانی (رئیس حوزه ارتباطات شورای عالی قرآن).

#### ارائه کنندگان مقالات و سخنرانی‌ها :

علی اکبر حشمتی، غلامرضا شاه‌میوه اصفهانی، حجت‌الاسلام دکتر محمد حاج ابوالقاسم، احمد ابوالقاسمی، علی اکبر حنیفی، دکتر کریم دولتی، دکتر محمدعلی لسانی، دکتر ابوالفضل خوش منش، محمدحسین فریدونی، رضا نجفی، محمود لطفی‌نیا، حجت‌الاسلام حمید محمدی، حیدر کسمایی، نصرت الله عارف حسینی، جهانبخش فرجی، حسن زرنوشه فراهانی، علی رجبی و مرجان السادات حسینی.

#### کمیته اجرایی نشست :

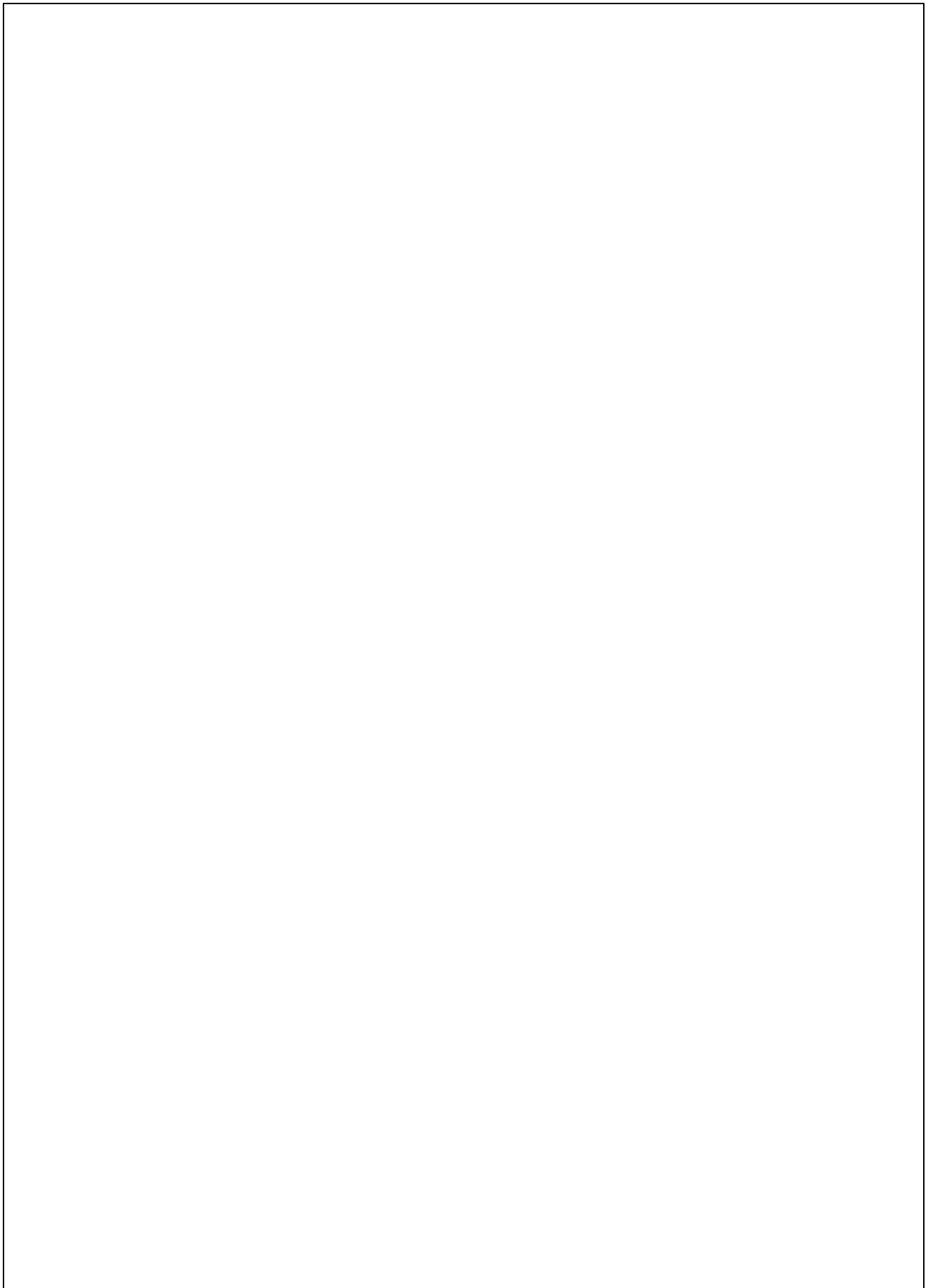
محمدتقی میرزاجانی (دبیر نشست)، یاسر کربلایی میرزایی (سرپرست حوزه اداری مالی شورا و مسئول امور پشتیبانی و مالی نشست) و علی صالحی متین (سرپرست هماهنگی حوزه ارتباطات شورای عالی قرآن و مسئول هماهنگی نشست).

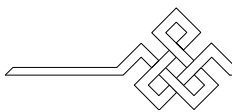
#### باتشکر از :

امیر حسین فقیهی (مسئول اطلاع‌رسانی)، حسین آقاچان پور (مسئول پذیرش)، حمید کریمی (مسئول تبلیغات)، اعظم برآبادی (مسئول هماهنگی دعوت از میهمانان)، محمد اسدی، علی اصغر عنایت، محمد میرزایی، بنیامین رضوانی، محسن صالحی متین، محمد عبداللہی و محمدرضا ادیب (همکاران امور پشتیبانی و مالی)

## فهرست

مقدمه.....	۱
سخنان قائم مقام شورای عالی قرآن در مراسم افتتاحیه.....	۷
<b>بخش اول : مقالات و سخنرانی‌ها با موضوع ویژگی‌های تلاوت استادانه.....</b>	<b>۹</b>
نصاب صوت در تلاوت استادانه.....	۱۱
بررسی کیفیت قرائت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام.....	۲۳
نصاب برتر در تلاوت استادانه، بخش تجوید.....	۴۷
تلاوت استادانه با عنایت به ابزارهای صوتی و لحنی،.....	۶۳
سبک شناسی در هنر تلاوت.....	۸۳
ویژگی‌های تلاوت استادانه.....	۱۲۹
سبک شناسی در تلاوت.....	۱۶۹
اثر «نبر» و «تنخیم» بر القای مفهوم در تلاوت استادانه.....	۱۸۳
سخنی دیگر در باب تلاوت استادانه.....	۲۱۳
اخلاق حرفه‌ای در تلاوت.....	۲۲۳
ملاحظات مخاطبان (در قالب پرسش و پاسخ و ارائه نظرات).....	۲۲۹
<b>بخش دوم : مقالات و سخنرانی‌ها با موضوع مبانی، مفاهیم و راهکارهای توسعه حفظ قرآن کریم.....</b>	<b>۲۳۵</b>
ضرورت و روش حفظ قرآن از دیدگاه قرآن و روایات.....	۲۳۷
حفظ قرآن، به مثابه آغاز تعلیم.....	۲۵۹
جایگاه و اهمیت حفظ قرآن از دیدگاه معصومان (علیهم السلام).....	۲۷۷
حفظ آسان، کاربردی و ماندگار.....	۲۹۵
بازخوانی مفهوم روایت نبوی من تعلم القرآن ثم نسیه لقی الله اجذم.....	۳۰۹
نقش مجموعه‌های مردمی و دولتی در نهادینه کردن حفظ در اقشار جامعه.....	۳۲۵
مقایسه تطبیقی وضعیت حفظ در ایران و کشورهای اسلامی.....	۳۳۱
<b>آشنایی با مزایای قانونی قاریان و حافظان قرآن کریم.....</b>	<b>۳۴۷</b>
مزایای قانونی قاریان و حافظان قرآن کریم.....	۳۴۹
نشست تخصصی به روایت تصویر.....	۳۷۴





## مقدمه

از جمله وظایف شورای عالی قرآن، بررسی عالمانه و تحلیل فنی و محتوایی تلاوت است. بحمدالله برگزاری هشت دوره نشست تخصصی و شکل‌گیری اجتماعی بی‌نظیر از نخبگان قرآنی در این نشست‌ها، آثار و برکات بسیار خوبی به دنبال داشته است.

پس از برگزاری نشست تخصصی سال ۱۳۹۱ که برای نخستین بار با رویکرد علمی و تحلیلی برگزار شد، نهمین نشست سالانه شورای عالی قرآن نیز با همین رویکرد برنامه‌ریزی و اجرا شد. پس از بحث و بررسی‌های صورت گرفته در جلسات متعدد کارشناسی مقرر شد نشست تخصصی سال ۹۲ در محورها و موضوعاتی که در ادامه به آن اشاره می‌شود از ۱۳ تا ۱۵ اردیبهشت ماه در تهران برگزار گردد.

لازم به ذکر است، موضوعات تعیین شده بارها در فرمایشات رهبر معظم انقلاب مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود که ضرورت واکاوی آن را مضاعف می‌نمود.

### محورها و موضوعات مورد بحث در نشست :

۱. ویژگی‌های تلاوت استادانه

- ارائه تلاوت منطبق و متناسب با معنا و مفهوم آیات و مقتضیات مناسبتی، زمانی، مکانی و

مخاطب

- اخلاق حرفه‌ای در تلاوت قرآن (آداب تلاوت، وظایف قاری، وظایف متقابل جامعه قرآنی و

نظام اسلامی)

- سبک تلاوت (تعریف، مؤلفه‌های ایجاد، امکان نوآوری در سبک‌های معروف، باید‌ها و نبایدهای

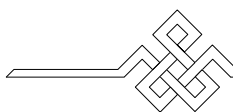
نوآوری)

- نصاب برتر در تلاوت استادانه (در بخش‌های صوت، لحن، تجوید و وقف و ابتدا)

۲. حفظ قرآن

- حفظ در آینه قرآن و حدیث - ضرورت‌ها و فواید، میزان و کیفیت حفظ قرآن

- وضعیت حفظ قرآن در کشورهای موفق در این عرصه و مقایسه آن با جمهوری اسلامی ایران



- وظایف و نقش مجموعه‌های دولتی و مردمی در نهادینه کردن اهتمام به حفظ قرآن در اقشار مختلف جامعه

- حفظ قرآن و آثار آن در فن تلاوت

دبیرخانه نشست پس از تشکیل کمیته‌های اجرایی و محتوایی، نسبت به برگزاری شایسته جامع‌ترین اجتماع تخصصی و آموزشی سالانه قرآنیان کشور اقدام نمود. فراخوان عمومی در رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب جهت ارسال مقاله توسط علاقمندان، سفارش مقاله در تعدادی از موضوعات پیش‌بینی شده به تعدادی از اساتید برجسته، هماهنگی‌های مربوط به دعوت از میهمانان، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی اجرای دقیق برنامه‌ها و... از جمله فعالیت‌هایی بود که در دبیرخانه نشست پی‌گیری شد.

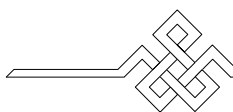
### روایتی از محفل نقد و نظرهای عالمانه

نهمین نشست تخصصی اساتید، قاریان و حافظان ممتاز قرآن کریم، ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۲ با پخش سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، در تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، حسینیه الزهراء (س) آغاز شد. پس از آن، دکتر حسین کرمی به تلاوت آیاتی از قرآن کریم پرداخت.

سپس سیدعلی سرابی، قائم مقام شورای عالی قرآن و رئیس نشست، ضمن خیرمقدم به میهمانان، به سابقه نشست‌های تخصصی شورای عالی قرآن و اهمیت موضوعات نشست نهم اشاره کرد. در ادامه، یک گزارش تصویری شامل مروری بر هشت دوره‌ی نشست‌های تخصصی شورای عالی قرآن پخش شد. در پایان مراسم افتتاحیه، کتاب مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نشست هشتم که در اردیبهشت‌ماه ۹۱ برگزار شده بود، رونمایی شد.

پس از مراسم افتتاحیه، ارائه‌ی مقالات در موضوع حفظ، با دبیری دکتر کریم دولتی آغاز شد. حجت‌الاسلام حمید محمدی به عنوان اولین سخنران، مطالب خود را با موضوع «نقش و وظایف مجموعه‌های مردمی و دولتی در نهادینه کردن حفظ قرآن در اقشار مختلف جامعه ایران اسلامی» ارائه کرد و سپس به سؤالات حاضران پاسخ داد.





در ادامه‌ی برنامه‌های قبل از ظهر، مقاله‌ای با عنوان «تبیین ضرورت حفظ قرآن با مراجعه به آیات و روایات و نکاتی در خصوص حفظ» توسط حجت‌الاسلام دکتر محمدحاج ابوالقاسم ارائه و پس از آن حاضران به تبادل نظر و پرسش و پاسخ پرداختند.

در مقطع بعدازظهر این روز، رضا نجفی و حجت‌الاسلام محمد مهدی طباطبایی مقالات خود را در موضوع «وضعیت حفظ قرآن در کشورهای موفق و مقایسه آن با کشورمان» ارائه کردند. پس از آن حاضران به تبادل نظر پرداختند. سپس، محمدحسین فریدونی به تبیین مزایای قانونی و مصوب قاریان و حافظان ممتاز کشور پرداخت.

با خاتمه برنامه‌های روز اول، با حضور اساتید، قاریان و حافظان ممتاز میهمان در حسینیه جماران، محفل با شکوه انس با قرآن با معنویت خاصی برگزار شد. این محفل، خاطره برنامه قرآنی در محضر امام راحل (ره) در سال ۱۳۶۳ را تجدید نمود.

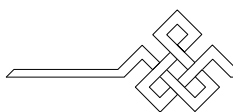
علی رجبی، حافظ بین‌المللی قرآن اولین سخنران روز پنجشنبه بود که به بیان «نکاتی کاربردی در مورد حفظ آسان و ماندگار قرآن» پرداخت.

شهریار پرهیزگار استاد و حافظ برجسته کشورمان به عنوان دومین سخنران این روز، مطالب خود را با عنوان «حفظ و آثار آن در فن تلاوت قرآن» ارائه کرد. پس از آن حاضران به تبادل نظر و پرسش و پاسخ پیرامون مباحث مطرح شده پرداختند.

در ادامه برنامه دو تن از صاحبان مقالات منتخب واصله به دبیرخانه نشست، دکتر کریم دولتی و دکتر ابوالفضل خوش‌منش مقالات خود را ارائه کردند.

دکتر لاله افتخاری رئیس فراکسیون قرآن و عترت مجلس شورای اسلامی از میهمانان روز دوم نشست بود که طی سخنانی کوتاه ضمن تشکر از برگزار کنندگان، برپایی نشست‌های قرآنی با رویکرد علمی را گامی مهم در پیشبرد اهداف بلند مدت فعالیت‌های قرآنی برشمرد.

در بخش دیگر از جلسه دکتر سیدمیعاد صالحی، مشاور رئیس بنیاد ملی نخبگان، در خصوص اقدامات بنیاد نسبت به نخبگان قرآنی توضیحاتی بیان کرد. نظر سنجی جامعی هم با هدف جمع‌آوری نظرات اساتید و قاریان ممتاز پیرامون سطح بندی مسابقات بین‌المللی جهت



دریافت تسهیلات پیش‌بینی شده انجام شد. بیان تجربیات حجت‌الاسلام علیرضا شاهسونی، مدیر مؤسسه بیت‌الاحزان استهبانات فارس از فعالیت‌های موفق مؤسسه شبانه‌روزی حفظ قرآن کریم، آخرین برنامه این مقطع نشست بود.

طبق برنامه‌ی پیش‌بینی شده، از بعد از ظهر پنج‌شنبه، موضوع ویژگی‌های تلاوت استادانه، با دبیری سید علی سرابی در دستور کار قرار گرفت. علی‌اکبر حنیفی به عنوان اولین سخنران، مقاله خود را با موضوع «تلاوت قرآن متناسب با معنا و مفهوم آیات، زمان، مکان و مخاطب» ارائه کرد.

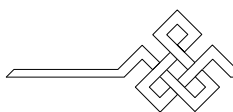
غلامرضا شاه‌میوه اصفهانی، سخنران بعدی بود که مقاله‌ی خود را در موضوع «سبک در قرائت قرآن» ارائه نمود. پس از وی نیز «اخلاق حرفه‌ای در تلاوت» توسط محمود لطفی‌نیا مورد بحث قرار گرفت.

آخرین بخش از برنامه‌های روز دوم پس از بیان مطالبی توسط دکتر محمدرضا ستوده‌نیا و دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، ارائه تعدادی از مقالات منتخب رسیده به دبیرخانه نشست، در موضوع ویژگی‌های تلاوت استادانه، توسط دکتر نصرت‌الله عارف‌حسینی و جهانبخش فرجی بود.

روز دوم نشست با استقبال حداکثری اساتید، قاریان و حافظان ممتاز سراسر کشور روبرو بود، طوری که با وجود فشردگی برنامه‌ها، میهمانان تا حدود ساعت ۲۲ در جلسه حضور داشتند.

در صبح روز جمعه، آخرین روز نشست نهم، حیدر کسمایی صاحب دیگر مقاله منتخب، بحث خود را با موضوع «اثر نبر و تنغیم بر القاء تلاوت استادانه» ارائه کرد. در ادامه برنامه‌ها، مقاله‌ای با موضوع «نصاب برتر در وقف و ابتداء تلاوت استادانه» توسط حسن حکیم‌باشی و پس از آن، یکی دیگر از مقالات برگزیده توسط مرجان‌السادات حسینی با موضوع «بررسی کیفیت قرائت پیامبر اکرم و ائمه معصومین(ع)» ارائه شد.

پس از آن حجت‌الاسلام محمدرضا شهیدی‌پور، مقاله خود را در موضوع «تلاوت قرآن متناسب با معنا و مفهوم آیات، زمان، مکان و مخاطب»، علی‌اکبر حشمتی در موضوع «نصاب



برتر در تجوید تلاوت استادانه» و احمد ابوالقاسمی در موضوع «نصاب برتر در صوت و لحن تلاوت استادانه» مطالب خود را ارائه و حاضران به تبادل نظر و نقد مباحث مطرح شده پرداختند.

در اختتامیه نشست، محمدتقی میرزاجانی، رئیس حوزه ارتباطات شورای عالی قرآن و دبیر نشست تخصصی نهم، گزارشی از برنامه‌های برگزار شده ارائه نمود. پس از آن، از صاحبان مقالات برتر رسیده به دبیرخانه نشست تقدیر به عمل آمد.

لازم به ذکر است مقالات برگزیده، پس از اعلام فراخوان عمومی از بین آثار رسیده به دبیرخانه نشست، داوری و انتخاب شدند. سایر مقالات و سخنرانی‌ها هم به سفارش شورای عالی قرآن توسط تعدادی از اساتید ارائه گردید.

با بازدید از بیست و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، در بعدظهر سومین روز نشست، برنامه‌های نشست علمی تخصصی اساتید، قاریان و حافظان ممتاز قرآن کریم پایان یافت.

#### • نشست تخصصی نهم به روایت آمار:

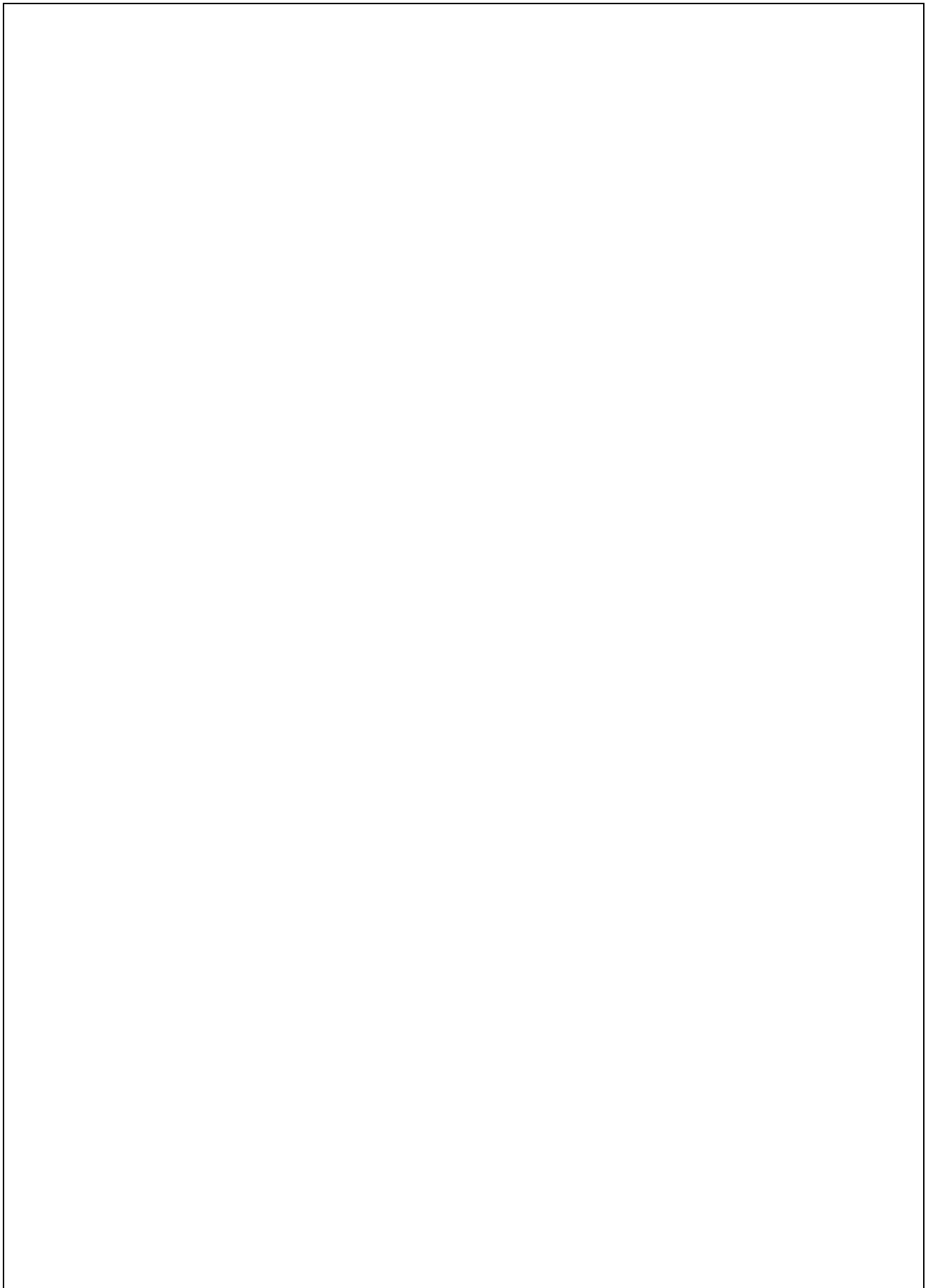
- اساتید، قاریان و حافظان حاضر در نشست: بالغ بر ۳۰۰ نفر
- پراکندگی میهمانان از استان‌های کشور: ۲۹ استان
- تعداد مقالات رسیده به دبیرخانه نشست: ۳۳
- تعداد مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در نشست: ۲۳
- ساعات پرداختن به موضوعات نشست: ۲۱ ساعت مفید
- کرسی تلاوت اجرا شده با پخش زنده از رادیو قرآن: ۱۰ برنامه

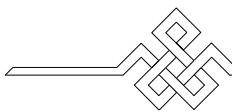
در پایان، از همراهی و معاضدت همه اساتید و عزیزانی که در امور محتوایی و اجرایی برگزاری این برنامه یاری رساندند تقدیر نموده و امید آن دارد که ماحصل این تلاش‌ها مرضی صاحب قرآن و مورد استفاده قرآنیان محترم قرار گیرد.

شورای عالی قرآن

حوزه ارتباطات

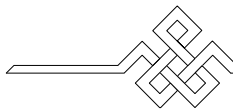
اسفند ۱۳۹۲ - جمادی الاولی ۱۴۳۵





بسم الله الرحمن الرحيم

کَلَّا أَنهَا تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ فِي صَحْفٍ مَكْرَمَةٍ مَرْفُوعَةٍ مَطْهَرَةٍ بَائِدَى سَفَرَةٍ كَرَامٍ بَرَّةٍ  
سلام و خیر مقدم عرض می‌کنم به حضور پیشکشوتان، قاریان ممتاز و حافظان گرانقدر قرآن  
کریم که در خانه خود، شورای عالی قرآن، حضور بهم رساندند.  
به اختصار چند نکته را در ارتباط با نشست‌های تخصصی شورای عالی قرآن عرض می‌کنم.  
رویکرد نشست‌های اولیه شورا، علمی - آموزشی بوده است که از اساتید غیر ایرانی نیز  
دعوت می‌شد. در چند ساله اخیر این رویکرد، علمی - پژوهشی شده است، از جمله نشست سال  
گذشته که با موضوع خشوع در تلاوت و خاستگاه اصطلاحات تجویدی برگزار شد. این دو  
موضوع از سوی اساتید صاحب نظر مورد کنکاش و بررسی و تحلیل قرار گرفت. نشست فعلی  
نیز با موضوع حفظ قرآن و ویژگی‌های تلاوت استادانه است. هدف از انتخاب این موضوع،  
آسیب شناسی جریان قرائت در کشور است.  
در سال‌های اخیر با رشد کمی و کیفی قرائت در کشور مواجه هستیم و قاریان و اساتیدی در کشور  
ما ظهور کرده‌اند که در فنون قرائت حائز نصاب‌های بسیار خوبی شدند و این طور به نظر می‌رسد  
که در فن قرائت به قاریان بزرگ جهان اسلام نزدیک شده‌اند. این باعث مسرت و خوشحالی  
است، اما در افواه و السنه اساتید در خصوص این رشد، بعضی مشکلات و کاستی‌ها با نگرانی  
مطرح می‌شود که مبدا جریان بالنده قرائت در کشور را تحت تأثیر قرار دهد.  
انشاءالله در طول این نشست، با ارایه سخنرانی‌ها و مقالات اساتید و صاحب‌نظران سعی  
می‌کنیم این مشکلات را شناسایی کنیم، نصاب‌های برتر در ارتباط با قرائت و فروع قرائت قرآن؛  
تجوید، وقف و ابتدا، صوت و لحن و مسایل دیگر را مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت به  
شاخصه‌های حقیقی تلاوت استادانه یا برتر دست پیدا کنیم. ضمناً بنا داریم در بحث حفظ هم با  
نگاه آسیب شناسانه مروری بر وضعیت فعلی داشته باشیم و راهکارهای شتاب بیشتر در این حوزه  
را بررسی کنیم.



البته نوع این برنامه‌ها و نشست‌ها پس از اتمام باید مورد پردازش و تدقیق و بررسی قرار گیرند تا به راهکارهای عملیاتی و دستور العمل‌های قابل استفاده در برنامه‌ریزی‌های آموزشی جهت تربیت حافظان و قاریان تبدیل شوند که این مهم در دستور کار شورا قرار دارد. واقعیت این است که نقش برگزاری این نشست‌ها و ارایه مباحث تخصصی در حوزه قرائت، در استحکام پایه‌های علمی فن قرائت غیر قابل انکار است، و بنابراین از ضروریات حرکت قرآنی کشور است.

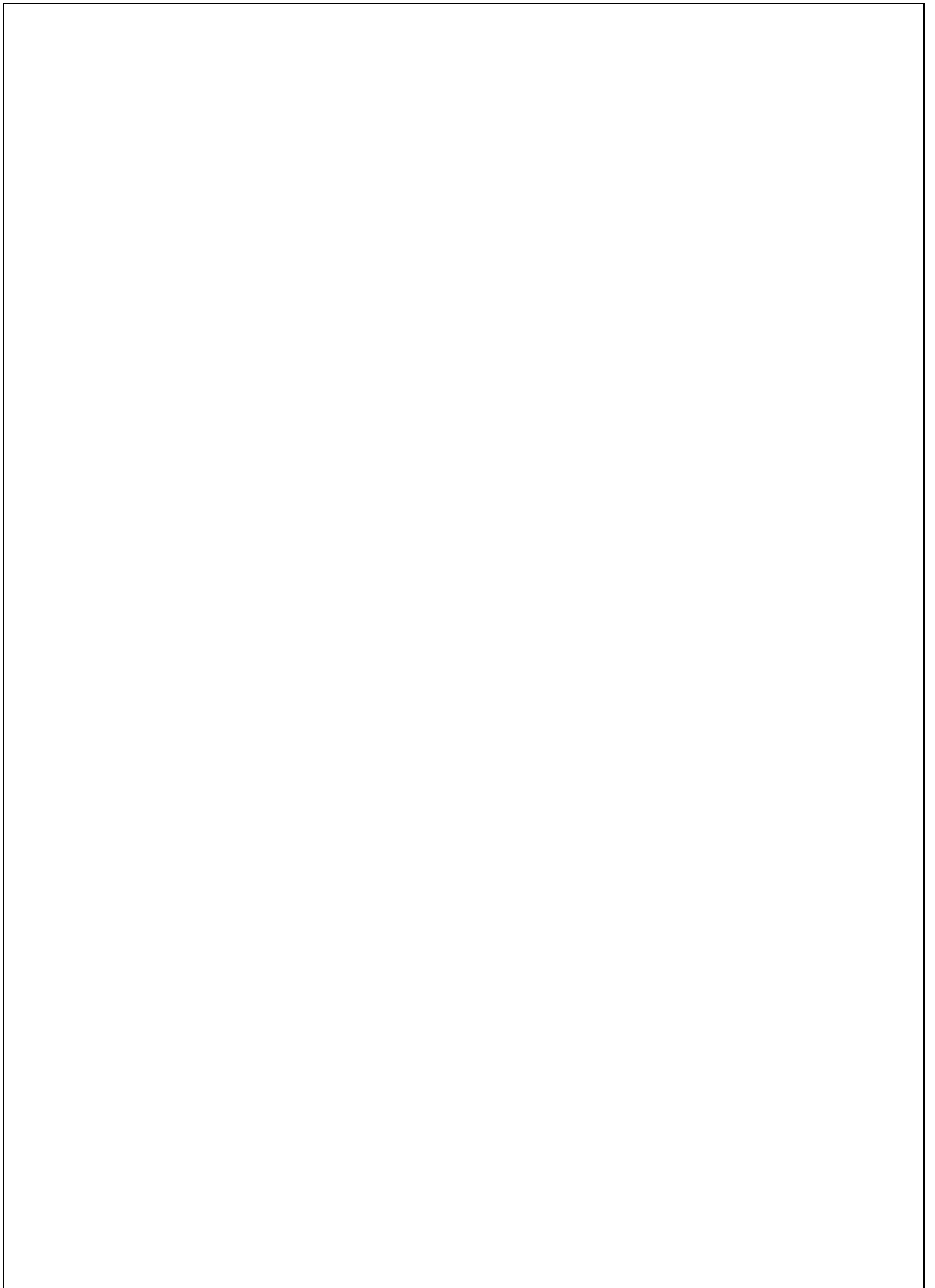
به گفته یکی از علماء، تأثیرگذاری تلاوت قراء از چندین ساعت تفسیر گفتن، اثرش بیشتر است و این به نوعی از اعجاز قرآن است. لذا همه ما باید با همکاری یکدیگر مبانی علمی و ارزشی این فن را تحکیم ببخشیم تا به کارکرد و بهره‌وری بیش از پیش این ابزار ارزشمند در ترویج فرهنگ نورانی قرآن کریم، دست بیابیم.

امیدواریم از رهگذر تلاش‌های صاحب نظران و اساتید بزرگوار قرآن که در این نشست هم حضور پررنگی دارند، زمینه‌های رشد و تعالی بیش از پیش جامعه قرآنی فراهم گردد.

مکتبہ  
دعوتِ اسلامیہ  
فطرت  
جاوید  
پبلیشرز  
لاہور  
پاکستان



و شریکی تالیفات و کتابت استادن







## نصاب صوت در تلاوت استادانه

احمد ابوالقاسمی<sup>۱</sup>

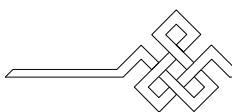
### مقدمه

لازم است قبل از ورود به بحث اصلی توضیح مختصری در خصوص عدالت در تلاوت به عنوان واژه کلیدی در تلاوت استادانه ارایه کنم.

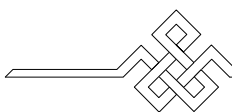
عدالت در کاری که آن کار حاصل به هم پیوستن چند فرایند است، به این معنا است که هر جزء و قسمت آن فعل می‌بایست به اندازه و میزان لازم در شکل‌گیری آن موضوع نقش داشته باشد، نه به میزان مساوی. در تلاوت قرآن نیز باید ببینیم مثلاً صوت چه میزان نقش دارد و چه میزان باید نقش داشته باشد؟ تجوید، لحن و وقف و ابتدا نیز به همین صورت است. به عنوان مثال برای تهیه یک غذا، عدالت این نیست که تمام مواد اولیه آن به اندازه مساوی استفاده شود، بلکه عدالت این است که مواد تشکیل دهنده آن غذا به نسبت معینی در نظر گرفته شود.

---

<sup>۱</sup> . ahmadahnad313au@gmail.com



به همین ترتیب در تلاوت، از به هم پیوستن فرایندها و اجزاء مختلف به میزان مناسب، یک تلاوت نیکو و استادانه خلق خواهد شد. تشخیص تلاوت استادانه از غیر استادانه این است که بینیم چه خاطره‌ای از آن تلاوت در ذهن مستمع خواهد ماند. هر خاطره و وجهی که باقی بماند، آن وجه پرننگ ترین وجه آن تلاوت می‌باشد. اگر کسی یک غذای شور بخورد بعد از چند روز مشخصه شوری آن در ذهنش می‌ماند. تلاوت قرآن هم به همین صورت است. اگر شخصی از محفل انس با قرآن خارج شد و دائماً غرق در آهنگ‌ها و ملودی‌های اجرا شده توسط قاری بود، می‌توان نتیجه گرفت که غلظت آهنگ‌ها و توجه قاری به الحان زیاد بوده است اگر زیبایی صوت قاری در ذهن مستمع ماندگار شد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توجه قاری به صوت بیش از سایر فاکتورهای تلاوت بوده است. البته این مطلب قطعی نیست. ممکن است شخصی صرفاً به بررسی وجه خاصی از تلاوت قاری پردازد و یا آن شخص، شناخت کاملی از زوایای مختلف تلاوت نداشته باشد و از توجه به بعضی فاکتورها غافل باشد که در این خصوص مورد مذکور صدق نمی‌کند، ولی مجموعاً هر کدام از این موارد می‌تواند به صورت جزئی مورد بررسی متخصص آن جزء قرار گیرد. مطلبی که هیچگاه نباید فراموش شود این است که قاری به نوعی می‌بایست عدالت را در فرایندهای یک تلاوت رعایت کند تا مستمع حداقل چند آیه از آن تلاوت را در ذهن داشته باشد. اگر مستمع بعد از شنیدن آیات صرفاً نغمات را در ذهن داشته باشد بیانگر این است که خود آیات در این تلاوت نقشی نداشته بلکه به خدمت نغمات درآمده‌اند. در خصوص صوت نیز به همین صورت است. تلاوتی استادانه است که بعد از آن تلاوت، زیبایی صوت و آیات، هم زمان در ذهن شنونده تداعی شود. اگر تلاوتی انجام گرفت و آیات در ذهن مستمع شکل نگرفت، به این معناست که قاری صرفاً به صوت پرداخته و آیات کاملاً فراموش شده است. این یکی از راه‌های تشخیص تلاوت استادانه از غیر استادانه می‌باشد. گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم که در یک ترانه و آهنگ سنتی به حدی غنای صوتی و آهنگین اثر بالاست که متن شعر در آن محو می‌شود و شنونده صرفاً به آهنگ و صدای خواننده توجه می‌کند و مشاهده می‌کنیم آهنگ آن اثر را بدون اینکه شعر آن را بدانیم، حفظ می‌شویم. البته



این شاید در ترانه ها و آهنگ ها اشکالی ایجاد نکند، ولی در قرائت قرآن این گونه نیست. در قرائت قرآن بنا نیست آیات قرآن به خدمت صوت بیایند و آیات قرآن بهانه‌ای باشند برای هنرنمایی قاری. اگر چنین شود ذهنیت مستمع از قرائت، فقط صوت و یا لحن قاری خواهد بود و هیچ گونه ارتباطی با آیات برقرار نکرده است. این خطایی است که در حال انجام است و برخی از قاریان به این شیوه عمل می‌کنند. شما این مسأله را در بین قراء مصری نیز مشاهده می‌کنید. قاریان ۶۰ سال پیش کشور مصر از صوت خود جهت القاء معانی و مفاهیم قرآن استفاده می‌کردند ولی الآن سبک‌هایی بوجود آمده که این بُعد را کمتر و کم رنگ تر می‌کند. روایات بسیاری در خصوص غنا داریم و الآن می‌بینیم یک قاری تمام امکانات صوتی و حنجره‌ای خود را به کار می‌بندد جهت اجرای یک تلاوت، صوت چنین افرادی مصداق غناست. در اینجا سؤال این است که مرز غنا کجاست؟ به نظر می‌رسد استفاده از تمام امکانات صوتی و تمام توانمندی‌های صوتی در اجرای یک تلاوت نهایتاً به غنا ختم می‌شود و دسترسی به غنا برای تمام قاریان مهیا و امکان پذیر است. (زیرا اگر امکان اجرای غنا برای ما نبود، از آن نهی نمی‌شدیم) بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های تلاوت استادانه در مبحث صوت، شناخت مرز غناست.

به منظور اجرای یک تلاوت استادانه در بخش صوت می‌بایست به سه مؤلفه توجه داشت:

شناخت صوت از نظر ویژگی‌ها، امکانات و توانمندی‌های آن

### شناخت صوت

آیا جنس صوت شما مناسب است یا خیر؟ با توجه به این جنس، صوت شما چه میزان کارایی را جهت اجرای یک تلاوت استادانه دارد؟ و با توجه به جنس صوت می‌بایست چه میزان در تلاوت نقش ایفا کند؟ به عنوان مثال چنانچه در زیبایی صوت دو نفر اختلاف وجود داشته باشد این اختلاف در قالب تلاوت ایشان تأثیر می‌گذارد؟ استادی که صوت زیبا داشته در تلاوت از این مؤلفه بیشتر استفاده می‌کند و استادی که صوت زیبایی نداشته سعی کرده در بحث زیبایی و طنین صوت ورود کمتری داشته باشد و این نقیصه را با استفاده از سایر مؤلفه‌های تلاوت جهت اجرای یک تلاوت ماندگار و استادانه جبران نماید. بنابراین یک استاد می‌داند که صوت او از



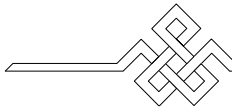
کدام نوع بوده و به چه میزان و چگونه باید از این صوت در تلاوت استفاده کند.

### امکانات

این صوت چه میزان توانایی در ارائه نت‌های مختلف را دارد؟ این توانمندی باعث ایجاد سبک‌ها می‌شود؟ همیشه توانمندی و داشتن یک نقطه قوت، علت رسیدن به یک راهکار نیست، بلکه در خیلی از امور دارا بودن یک نقص می‌تواند شخصی را به راهکارهای جدیدتر برساند. برای مثال شخصی که می‌خواهد به قله برسد، ممکن است مانعی بین راه باشد که نتواند از راه اصلی به قله برسد و توان عبور از آن مانع را نیز ندارد، بنابراین باید چاره کرده و راه دیگری را برای خود جهت رسیدن به قله ترسیم و باز کند. در بسیاری از اوقات مشکلات و نواقص باعث طرح ایده جدید می‌شود. در سبک‌های موجود در تلاوت قرآن، استادی که پرده صوتی اوج ندارد، بخشی از آهنگ‌ها در پرده اوج باقی می‌ماند که به علت داشتن صوت و صدای بم زیبا، این آهنگ‌ها را با پرده پایین و در یک اکتاو پایین تر اجرا می‌کند و بنابراین برای او یک راه جدید خلق می‌شود و این نقص، باعث کاربرد جدیدی در نغمات و در نهایت روش جدیدی در سبک یک تلاوت می‌شود.

مثال دیگر: استادی که صدای بم خوبی دارد، ممکن است ۲۰ دقیقه یک مقام را تلاوت کند چون با بم خوانی ذهن شنونده استراحت داده می‌شود و در مقابل استادی وجود دارد که بم ضعیف و اوج قوی دارد این نقص را با تعویض و ترکیب مقامات رفع می‌کند. این یعنی شناخت امکانات صوتی و این شناخت نسبت به نقطه ضعف صوتی، باعث کمال دیگری در تلاوت می‌گردد.

از جمله امکانات دیگری که در صوت، انعطاف می‌باشد. انعطاف، مؤلفه‌ای است که دست قاری را جهت رفت و برگشت‌های ملودیک باز می‌کند. اگر صدایی انعطاف نداشت چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا می‌تواند شبیه شخصی بخواند که صدای منعطفی دارد؟ قطعاً نمی‌تواند و اگر این کار صورت بگیرد، باعث خروج، ناکوکی و در رفتن آهنگ‌ها از دست قاری می‌شود. صدای استاد حصان بسیار منعطف بوده لذا از این حیث از اساتید برجسته و درجه یک به شمار می‌رود، در مقابل صدای استاد محمود علی البنا در نوعی منعطف و در نوعی منعطف نیست. این استاد

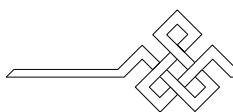


در تلاوت‌ها نقص خود را نمایان نکرده و ماورای استعداد و امکانات صوتی خود را استفاده نکرده است. وی شناخت صحیحی از صوت خود داشته و با همان امکانات تلاوت کرده و می‌بینیم که تلاوت‌های ماندگاری از ایشان به جا مانده است. به همین ترتیب اساتیدی چون صیاد، غلوش، شحات، مصطفی اسماعیل و... از امکانات صوتی مختص خودشان استفاده کرده و تلاوت‌های استادانه‌ای از خود به جا گذاشته‌اند. شناخت امکانات صوتی نیاز حتمی به تحصیلات و دانش آکادمیک ندارد، بلکه گاهی اوقات قاریان خود تشخیص می‌دهند که با چه امکانات صوتی، تلاوتشان تنظیم و زیبا می‌شود. بنابراین در تلاوت استادانه آنچه که مقدم است، شناخت صوت و سپس شناخت ویژگی‌ها و امکانات صوت و به کاربردن این امکانات و ویژگی‌ها در تلاوت است که منتج به اجرای یک تلاوت استادانه می‌شود.

جهت روشن شدن مطلب، مثالی ذکر کنم. شما زمینی دارید در ابعاد  $40 \times 20$  متر. جهت ساخت این زمین نقشه‌ای طراحی می‌کنید. آیا اگر متر از این زمین  $400 \times 200$  متر بود، آن نقشه را ده برابر می‌کردید؟ مسلماً نه. البته باید نقشه را عوض کرد چون به عنوان مثال در عرض زمینی که  $20$  متر است می‌توان  $3$  اتاق ایجاد کرد ولی در عرض زمینی که  $200$  متر است تعداد بیشتری میتوان اطاق داشت.

در تلاوت، نظر خیلی از قراء این است که فلان استاد این میزان پرده صوتی دارد، من هم همان میزان را دارم ولی در پنج پرده پایین تر. با این حال همان نقشه را پیاده می‌کند! این تفکر نادرست است و باید نقشه تلاوت مقداری تغییر کند (و مطابق شرایط و امکانات صوتی هر قاری تنظیم گردد)

مثلاً فکر کنید که استاد شعشاعی که دارای صدای بم و قوی بوده یک تلاوت اجرا می‌کند. فرض کنیم شخصی دیگر دارای همان میزان بوده با این تفاوت که اگر صدای استاد شعشاعی دارای  $15$  درجه صوتی خوب بوده، آن شخص هم همان  $15$  درجه را داشته اما  $15$  درجه صوتی استاد شعشاعی به زبان ساده از  $1$  تا  $15$  است و درجات صوتی شخص دیگر از  $6$  تا  $20$ . آیا می‌توان همان نقشه تلاوت استاد شعشاعی را در تلاوتش پیاده کند؟ قطعاً نمی‌شود. با اینکه با



همان میزان صوت می توان همان آهنگ ها را پیاده کرد، اما می بینید که نتیجه این اجرا با اجرای استاد شعشاعی متفاوت می شود و باید تغییراتی در نقشه تلاوت داده شود، ولی البته این تلاوت در کلیات، شبیه تلاوت استاد شعشاعی می شود لیکن در جزئیات باید تغییراتی داشته باشد. مثلاً اجرای پرده های صوتی بالای استاد، در آستانه مطلوب شنوایی مستمعین بوده در صورتی که ممکن است پرده های بالای صوتی قاری دیگر در آستانه مطلوب شنوایی مستمعین نبوده و گوش مستمع تحمل شنیدن این اوج را که در صدای این شخص کمی به جیغ نزدیکتر است، نداشته باشد. مثل تفاوت در وجود یک مهمه در کلاس درس دانشگاه مردان و یک مهمه در کلاس دختر بچه های کلاس اول ابتدایی. هر دو مهمه است ولی تفاوت، کاملاً محسوس است. بنابراین می بایست تغییراتی در تلاوت صورت بگیرد. علاوه بر میزان پرده های صوتی، جایگاه صوت از نظر بم و زیر بودن هم می تواند مؤثر باشد و تا حدودی طرح نقشه تلاوتمان را تغییر دهد.

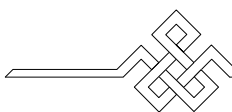
مدل بالا به عنوان مدل اول در این خصوص می باشد. گاهی شکل زمین شما کاملاً متفاوت است. مثلاً زمین شما ۲۰ × ۲۰ شده است. قطعاً طرح شما هم فرق خواهد کرد. شکل زمین شما از حالت مستطیل تبدیل به مربع شده که باید طرح و نقشه عوض شود. در تلاوت هم زمانی است که ویژگی ها و امکانات صوت کاملاً متفاوت از ویژگی ها و امکانات صوت دیگری می باشد (این در بحثی دیگر قرار می گیرد)

برخی از افراد به بنده مراجعه می کنند که از چه استادی باید تقلید کنیم؟

در خصوص ارائه یک نقشه صحیح جهت صوت در تلاوت می بایست در ابتدا نوع صوت و امکانات آن شناخته شود باید بررسی کنید که :

صدای شما آیا بم خوب دارد یا اوج خوب؟ یا اوج و بم را هر دو با هم دارد؟ برای هر کدام از این ها می توان یک مدل صوتی تعریف کرد.

صدایی که بم خوب دارد و اوج ندارد، صدایی که اوج های زیبا دارد ولی بم ندارد. صدای دیگر و مدل صوتی دیگر که خاص است و آن، نه بم خیلی زیبا دارد و نه اوج زیبا. بنابراین باید میزان پرده ها و نوع آن را شناخت. بعد از شناخت صوت باید جایگاه صوت را شناخت.

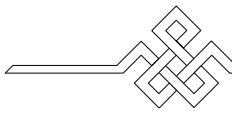


مطلب دیگر، انعطاف پذیری و تحریر و امکان پذیرش و اجرای طنین‌های مختلف صوتی است که از جمله امکانات صوت می‌باشد.

امکان اجرای طنین‌های صوتی حالتی است که یک فرد چند نوع صوت را می‌تواند ارائه کند. اشخاصی که این امکان برایشان وجود ندارد نمی‌توانند قصه بگویند و توانایی اجرای چند صوت را ندارند. یعنی تغییر در صوت بعضی از اشخاص، کمتر امکان دارد. شناخت طنین‌های صوتی از جمله امکانات صوت بوده که حتماً برای اجرای یک تلاوت استادانه مورد نیاز است. همین مطلب در ولوم صدا نیز صدق می‌کند. برخی از صداها تلرانس (Telorance) کم و زیاد شدنشان بیشتر از دیگران است. به طور مثال استاد عبدالباسط توانایی این را دارد که صدایش را خیلی قوی و یا خیلی ضعیف کند. برخی از آیاتی که ایشان تلاوت کرده‌اند از نظر ولوم به صفر می‌رسد، مانند آیه ۴۵ سوره مدثر «وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» و یا در آیه ۱۱ سوره مریم «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» و در خیلی از موارد دیگر صدا به صفر می‌رسد و دوباره صدا باز می‌شود. این مؤلفه‌ای است که هر شخصی ندارد و بنابراین یکی از ویژگی‌های صوت، میزان ولوم است که باید آن را شناخت و با تمرین سعی شود که این امکان را تا حدی ارتقاء دهیم.

سلايق و علايق از ديگر امکانات صوت پيشه است. آيا همه افراد ديدگاهشان در خصوص تزيين يکي است؟ شخصي ممکن است به رنگ آبي علاقه افراطی داشته باشد شخصي به قرمز و... اين اشخاص اگر با اين سليقه بخواهند مکاني را تزيين کنند، قطعاً متفاوت از هم خواهد بود. مثلاً استاد شيعش با آن صدای خاص خود، حداکثر امکانات صوتی خود را با بهترين سلايق آميخته و باعث اجرای تلاوت‌های ماندگار وی گشته است.

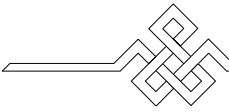
یکی دیگر از عوامل امکانات صوتی، شناخت شگردهای صوتی و آهنگین است و این از مهمترين ابزارها جهت اجرای تلاوت استادانه می‌باشد. در بين قرأء، استادی وجود ندارد که همه آهنگ‌ها را با تمام گوشه‌ها و ظرافتها اجرا کرده باشد. به همین علت مشاهده می‌کنید که برخی از اساتید، بعضی از آهنگ‌ها را قوی‌تر از ديگر آهنگ‌ها خوانده‌اند. به دليل اینکه ذات استاد با



آن نوع صوت و آهنگ، سازگاری بیشتری دارد. لذا در خصوص انتخاب یک استاد برای تقلید نو قاریان می‌بایست تا حدودی این موارد نیز در نظر گرفته شود.

البته این سلاقی می‌تواند در معلمی بار منفی داشته باشد، معلمی که سلیقه خاصی در صوت و لحن دارد و این سلیقه را برای همه شاگردانش تجویز می‌کند. هر شخصی می‌بایست با توجه به امکانات و توانمندی‌های صوتی و علایق شخصی خود برنامه و نقشه‌ای جهت تلاوت دریافت کند. به عنوان مثال شما به عنوان یک مربی ورزشی برای همه اعضاء تیم، کفش شماره ۴۲ تجویز می‌کنید. چون پای خودتان شماره ۴۲ است! یک استاد می‌بایست با توجه به روحیات، جنس، ویژگی‌ها و امکانات صوت شاگرد، قاری مرجعی را برای تقلید کردن به او معرفی کند. البته سلاقی هر شخص محترم است. هنر یک استاد در به کارگیری صوت است و هنر استاد دیگری در به کارگیری الحان. لذا اینکه بگوئیم فلان استاد خوب می‌خواند و فلان استاد خوب نمی‌خواند، اشتباه است. هر کس سلیقه خاص خود را دارد و به همه سلیقه‌ها می‌بایست احترام گذاشت. قطعاً شخصی که استاد آموزش قرآن است بایستی در مباحث قرائت، کلی نگر باشد. گاهی موارد دیده می‌شود بعضی از اساتید تعلیم قرائت، به دلیل گرایش شدید به یک قاری، دیگران را دچار مشکل میکنند و گاهی با اطمینان کامل میگویند قاری فقط فلانی و بقیه هیچ! اساساً اینگونه افراد نه معلّم خوبی هستند و نه قاضی و داور خوب. یک استاد و معلّم خوب کسی است که بتواند خیلی خوب نقاط قوت و ضعف احتمالی اساتید تلاوت را شناخته و تبیین کند. بالاخص در داوری مسابقات، یک داور نقایص و محاسن اساتید را باید بدون تعصب، بداند و با سلیقه شخصی خود نمره ندهد. به نظر بنده، برای هر گروه از شنوندگان با سلاقی مختلف، یک قاری با همان روحیات و ویژگی‌ها وجود دارد و این اختلاف طبع انسانها یکی از وجوه زیبایی در خلقت خداست که موجب تنوع و پیشرفتهای عظیم انسانها شده است. البته یک انسان آگاه کسی است که به دیگران هم حق انتخاب بدهد. در اینجا ذکر یک نکته برای اساتید تعلیم قرائت مفید خواهد بود و آن تقسیم کردن قاریان بزرگ جهان اسلام به دو دسته می‌باشد: قاریانی که فقط قرائت آنان مورد توجه است و بسیار زیبا تلاوت نموده اند و قاریانی که علاوه بر زیبایی تلاوت،





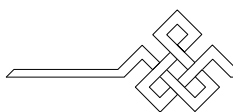
در فنون نیز مرجع هستند. به عنوان مثال استاد عبدالفتاح شعشاعی یکی از معتبرترین اساتید در دنیای قرائت میباشد که می‌تواند به عنوان یک مرجع در فراگیری الحان و نغمات برای دیگران سرمشق باشد.

یکی دیگر از فرایندها و امکاناتی که به کار بردن آن به طور صحیح، باعث اجرای یک تلاوت استادانه می‌شود میزان پردازش ذهنی است. میزان پردازش ذهنی بیانگر این مطلب است که شما چه مقدار سرعت عمل در تصمیم‌گیری و ریسک کردن در تنوع پرده‌ها و خلق آهنگ‌ها و ملودی‌ها خواهید داشت. مثال عینی این مطلب این است: افرادی هستند که در یک لحظه می‌توانند چند کار را انجام دهند. یعنی میزان پردازش ذهنی‌شان به حدی بالاست که هم زمان چند کار را می‌توانند با هم انجام دهند، مانند راننده‌ای که هم زمان، هم رانندگی می‌کند، هم با تلفن صحبت می‌کند، هم به اخبار گوش می‌دهد و کیفیت هیچ کدام از این فعالیت‌ها هم پایین نمی‌آید. این شخص پردازش ذهنی بالایی دارد.

در تلاوت قرآن نیز همین طور است. میزان پردازش ذهنی یک قاری از مهمترین عوامل در یک تلاوت استادانه است که چگونه مؤلفه‌های مختلف قرائت به اندازه مشخص توسط قاری به کار گرفته شود تا خلق یک تلاوت استادانه صورت پذیرد.

یک قاری می‌بایست با پردازش ذهنی بالا رابطه صحیح بین تمام مؤلفه‌های یک تلاوت برقرار کند و این از مشکل‌ترین کارها در خصوص تلاوت است. رابطه صحیح بین مؤلفه‌ها موجب می‌شود که قاری بداند با چه میزان صوت چه نوع آهنگ و ملودی اجرا کند و با چه میزان آهنگ، چه مقدار صوت به کار برد. بعضی اوقات به قاریان عرض می‌کنم که شما صدای خود را نمی‌شنوید. شاید تعجب کنند که مگر می‌شود یک قاری صدای خود را نشنود؟ بله، چون به حدی یک قاری غرق در الحان می‌شود که دیگر توجه به صوت خود ندارد.

پس از برقرار کردن رابطه صحیح بین اجزاء یک تلاوت و برقراری عدالت در صوت، لحن، تجوید، وقف و ابتدا که یک امر درونی است، بحث دیگری داریم به عنوان مخاطبین که یک مبحث بیرونی است.

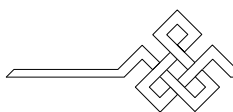


مخاطبین شما چه کسانی هستند؟ با توجه به مخاطبین چه مقدار تلاوت شما می‌تواند معنا محور باشد؟ شما برای یک گروه خاص مانند دانش آموزان دبستانی چه مقدار صوت و چه مقدار آهنگ می‌بایست به کار برید؟ این طیف چه میزان به برداشت از معانی آیات توجه دارند و چه میزان به جلوه‌های هنری تلاوت؟ بنابراین با توجه به مخاطب، می‌توانیم سبک‌هایمان را تغییر دهیم. نوع استفاده از صوت، نوع استفاده از لحن، ارائه یک تلاوت معناگرا و...؛ درصد به کارگیری همه این مباحث با توجه به مخاطب، متفاوت است و این اختلاف‌ها در تلاوت یک قاری نشانه استادانه بودن تلاوت می‌باشد. به کارگیری تمام فرآیندهای یک تلاوت می‌بایست با توجه به سلیقه معقول و مشروع مخاطب اتفاق بیافتد.

چرا معقول و مشروع؟ مخاطبینی هستند که خواست و توقع‌شان از قاری، اشتباه و نامعقول است. آیا شما باید تلاوت خود را بر اساس این خواسته‌ها اجرا کنید؟ نیازهای معقول، یعنی از شما توقع چه تلاوتی دارند و نیازهای مشروع یعنی آیا این خواسته‌ها طبق ضوابطی است که برای یک تلاوت صحیح از طرف بزرگان دین تعیین شده باشد؟

آیا اگر مخاطب هر چه خواست، قاری باید اجرا کند یا اینکه نوع قرائت قاری باید براساس فرمایش معصومین (علیهم السلام) باشد؟ عوام زدگی یکی از مشکلات قرائت در کشور شده است. یعنی قاری می‌تواند با توجه به نیازهای مخاطب و تبعیت نکردن از تمامی خواسته‌های مخاطب، باعث رشد مخاطبین در شناخت اجزای مختلف قرائت بشود و نباید فکر کند که اگر صوت و لحن را در تلاوتی اجرا کردیم و به شدت مورد تشویق حضار قرار گرفت، آن تلاوت خوب است و در غیر اینصورت، تلاوت خوبی نبوده است.

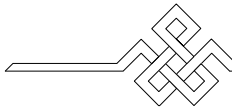
مثالی در اینجا ذکر می‌کنم. تلاوت استاد شعشاعی برای مخاطبینی که آشنا با مفاهیم و معانی و زبان قرآن هستند، نوع خاصی جلوه می‌دهد و مورد توجه مستمعین خاص قرار می‌گیرد. در صورتی که اگر همین تلاوت در کشور ما اجرا شود با توجه به اینکه مستمعین کشور ما درک خاصی از تلاوت معناگرا و آشنایی کامل با معانی و مفاهیم آیات ندارند، ممکن است مورد قبول عموم واقع نشده و نمره قبولی از طرف آنان دریافت نکند. ایشان یک تلاوت در کشور عراق



اجرا می‌کند، مردم عراق علاقه شدید به او پیدا کرده، این علاقه و گرایش به تلاوت او باعث می‌شود که و بارها از ایشان دعوت صورت می‌گیرد. برخی گفته‌اند ایشان یک دوره کامل قرآن را در عراق خوانده است. اگر همین استاد شعشاعی به ایران دعوت می‌شد، قطعاً مورد استقبال قرار نمی‌گرفت و برای بار دوم دعوت نمی‌شد، چون نگاه این دو طیف با هم متفاوت است. حالا به نظر شما اگر ما به مجلسی رفتیم برای اجراء تلاوت و مستمعین آن معنا و مفهوم آیات را نمی‌دانستند، آیا مجاز هستیم بدون در نظر گرفتن مفاهیم و معانی، تلاوت داشته باشیم؟ ما نباید از اصول کلی تلاوت خارج شویم. این انعطاف باید در صوت و لحن و سایر اجزاء تلاوت ما وجود داشته باشد که بتوانیم حتی المقدور نیاز مخاطب را مرتفع کنیم.

بنابر همین مطلب دو نوع تلاوت وجود دارد: تلاوت هیجانی همراه با تشویق و تلاوت هیجانی بدون تشویق.

در تلاوت هیجانی همراه با تشویق، قاری بر اساس ریتم و نغمه می‌خواند و رفت و برگشت‌های آهنگین را به گونه‌ای اجرا می‌کند که موجب هیجان در مستمع شده، در نهایت منجر به تشویق می‌شود. اما در تلاوت هیجانی بدون تشویق، ریتم خاصی در تلاوت وجود ندارد و قاری ضمن اینکه هیجانی در درون مستمع ایجاد کرده مستمع را به سکوت وا می‌دارد. به عنوان مثال: تلاوت استاد منشاوی هیجانی و تشویقی است در صورتی که تلاوت استاد حصان هیجانی است ولی خیلی تشویقی نیست. مدل تلاوتی که استاد حصان اختیار کرده، مدل کم نفس و ۱۵ تا ۲۰ ثانیه- ای است. بنابراین اشتباه است اگر بگوییم ایشان کم نفس بوده‌اند، بلکه مدل تلاوت ایشان به گونه‌ای بوده که نفس در آن، کاربرد نداشته و کوتاه‌خوانی بوده است. اما سبک استاد طبلاوی، استاد عبدالباسط و امثال ایشان از سبک‌ها و مدل‌های بلندخوانی است. قطعاً استادی که ۳۰ سال از یک مدل بلندخوانی استفاده می‌کند، نفسش بیشتر می‌شود و این بلندی نفس خود هیجان‌انگیز است و استادی که مدل و سبک تلاوتش کوتاه‌خوانی است، نفسش به همان مدل و همان اندازه تنظیم می‌شود (به سبک عبدالباسط و طبلاوی خواندن با قطعات کوتاه و یا به سبک حصان خواندن با قطعات بلند، امکان‌پذیر نیست).



پس قاری که سبک تلاوتش تشویقی نیست، نبایستی مخاطب زده شود و کلیه اجزای تلاوت خود را به جهت تشویق مخاطب تغییر دهد چرا که در اینصورت اعتماد به نفس خویش را از دست می‌دهد و این تغییر باعث بروز مشکلات در تلاوت او خواهد شد.

**\* نکته پایانی سخن ما :**

رعایت اصول و قواعدی است که برای قاری تبیین شده است. یکی از مواردی که انجام آن گاهی موجب بعضی محدودیتها می‌شود، رعایت اصول حاکم بر تلاوت یعنی رعایت قواعد تجویدی و اداء الحروف و رعایت محللهای وقف و وصل در آیات است. رعایت این موارد گاهی نیاز به دقت بیشتر دارد که ممکن است بخشی از انرژی فکری و ذهنی قاری را به خود معطوف کند و در نتیجه کمی اجرا را سخت تر کرده و امکان انجام برخی تحرکات را از قاری بگیرد.

خلاصه بحث: تلاوت استادانه به معنای داشتن اطلاع کافی از صوت و شناخت و تسلط بر امکانات و ویژگیهای آن و به کارگیری صحیح آن برای بروز منویات و علائق و سلیقه شخصی هر قاری - مطابق اصول و چهارچوب شرعی - می‌باشد.



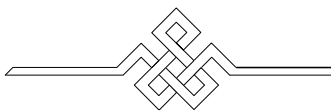
## بررسی کیفیت قرائت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام

مرجان السادات حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

قرائت قرآن، تنها راهی است که ندای وحی در قلب هر مسلمانی، طنین‌انداز می‌شود و ضرب‌آهنگ آن، عقل و روح را جلا می‌بخشد و آدمی را برای پذیرش آموزه‌های الهی، آماده می‌سازد. از همین روست که قرآن به تأکید، مسئله قرائت را گوشزد می‌کند و پیشوایان معصوم دائماً آن را یادآور می‌شوند. نگاشته پیش رو، دارای مقدمه، دو بخش اصلی و یک خاتمه (نتیجه‌گیری) می‌باشد. در بخش اول آهنگ قرائت پیامبر اکرم از منظر آیات قرآن، روایات و ملازمه عقلی بررسی شده در بخش دوم آهنگ قرائت امام علی، امام حسین، امام زین العابدین، امام باقر، امام کاظم و امام زمان (علیهم السلام) در آئینه آیات و روایات پرداخته شده است و در خاتمه نیز نتیجه‌گیری از بحث و فهرست منابع و مأخذ قرار دارد.

**کلید واژگان:** قرآن، تلاوت، قرائت آهنگین، پیامبر اسلام و ائمه معصومین (علیهم السلام)



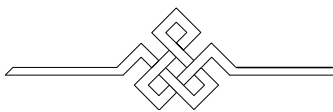
#### مقدمه

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن، نظم آهنگ و موسیقی آن است. از آن جا که موسیقی و صوت زیبا، تأثیری شگرف در تحول و دگرگونی روح انسان دارد، خداوند آیات کتاب خود را با موسیقی خارق العاده و اعجاز آمیزی درهم آمیخته است. هنر، مقوله‌ای است که از آغاز آفرینش انسان تاکنون پا به پای آدمی پیش رفته است. برای حوزه معرفت بشری هم چون فلسفه، ریاضیات و علوم تجربی می‌توان سرآغاز و سرگذشتی بیان کرد، اما هنر، حیاتی بی‌آغاز و سرگذشتی نانوشتنی دارد. در تعریف هنر، نظریات مختلفی از سوی صاحب نظران ارایه شده است، به عنوان مثال: فیلسین شاله، فیلسوف فرانسوی، گفته است: «هنر، کوشش برای ایجاد زیبایی، یا ایجاد ایده آل است».

در باب هنر و نقش آن در زندگی بشر نیز گفته‌ها و نوشته‌های فراوانی وجود دارد، اما همه آن‌ها در حقیقت، تاریخی از تجلیات هنر آدمی است و از حقیقت حضور هنر در زوایای بشری چندان که باید پرده برنگرفته است.

این حضور پنهان و بی‌بدیل را تنها در یک جا می‌توان سراغ گرفت و آن حوزه دین و معرفت تعالی بخش روح آدمی است. دین از گذشته‌های تاریخ تاکنون همگام با هنر و حتی بسی ژرف‌تر، هزار توی حیات و هستی بشر را در نور دیده است. در طول تاریخ، این دو مقوله، یعنی هنر و دین، آن چنان در هم تنیده‌اند که بازشناسی و جداسازی آن‌ها از یک دیگر ناممکن می‌نماید. شاید این پیوند و پیوستگی از آن روست که دین و هنر هر دو ریشه در پنهان جان و مایه در عمق هستی انسان و جهان دارند و با گوش جان می‌توان «فطرت الله التي فطر الناس علیها» را از آنها باز شنید. از این رو هم چنان که دین، مقدس و متعالی است، هنر نیز ریشه در قداست‌ها و تعالی جویی‌های انسان دارد و همان طور که دیانت بدون دستگیری پیامبران، به کژی و کاستی می‌گراید، هنرمندی نیز بدون رهنمود خدای هنر و هستی به بیراهه می‌رود.

از سوی دیگر، خداوند بزرگ و خالق انسان‌ها و زیبایی‌ها، برای هدایت و سعادت انسان و گسترش کمالات و زیبایی‌های انسانی، قرآن را نازل فرمود. قرآن کتابی است که باطنی عمیق،



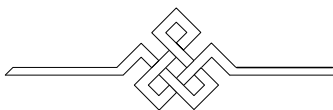
ظاهری زیبا و بیانی شیرین دارد. قرآن معجزه بی‌پایانی است که از جنبه‌های گوناگون، دارای اعجاز و خارق‌العادگی است. اعجاز بیانی قرآن از جمله جلوه‌های خارق‌العاده قرآن است.

سخن‌دانان عرب (از نظر ادبی)، اعجاز قرآن را در گرو فصاحت و بلاغت والای آن دانسته‌اند. رسا بودن بیان، روان بودن عبارات، گزینش دقیق کلمات و نظم آن‌ها، چنان ترکیبی در آیات قرآن به وجود آورده که از لحاظ تعبیر و آوای الفاظ و کلمات، بافتی به هم پیوسته و گره خورده فراهم آورده است، به گونه‌ای که گویی سراسر هر آیه و سوره، واحد منسجمی را تشکیل داده که غیرقابل تفکیک است. تمامی این‌ها بر این مطلب دلالت دارد که قرآن سخن خداست. گزینش واژه‌های قرآنی به گونه‌ای انجام گرفته که:

اولاً: تناسب آوای حروف کلمات هم ردیف آن رعایت گردیده است، به صورتی که آخرین حرف از هر کلمه پیشین با اولین حرف از کلمه بعدی هم آوا و هم آهنگ شده است. ثانیاً: تناسب معنوی کلمات با یک دیگر رعایت شده است، تا از لحاظ مفهومی نیز بافت منسجمی به وجود آید.

ثالثاً: فصاحت کلمات (طبق شرایطی که در علم معانی و بیان قید شده) کاملاً لحاظ گردیده است، و در مجموع، هر یک از واژه‌ها به گونه‌ای در جایگاه مخصوص خود قرار گرفته است که قابل تغییر و تبدیل نمی‌باشد.

اسلوب و شیوه بیان قرآنی، در عین این که موجب جذب و کشش عرب گردیده است، با هیچ یک از اسلوب و شیوه‌های متداول آن زمان شباهت و قرابتی ندارد. قرآن سبکی نو و روشی تازه در بیان، ارایه داد که برای عرب بی‌سابقه بود و بعد از آن هم نتوانستند در چنین سبکی سخنی بسرایند. با این که نظم و تألیف قرآن کاملاً تازگی داشت ولی از چارچوب اسلوب‌های کلامی عرب بیرون نبود. این از شگفتی‌های سخنوری است که سخنور سبکی بیافریند که مورد پذیرش شنوندگان قرار گیرد، با آن که از شیوه‌های متعارف سخن گفتن آنان خارج است و شگفت آورتر آن که از تمامی محاسن شیوه‌های کلامی متعارف بهره گرفته باشد بی آن که از معایب آن‌ها چیزی در آن یافت شود.



یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن، نظم آهنگ و موسیقی آن است. از آن جا که موسیقی و صورت زیبا، تأثیر شگرفی در تحوّل و دگرگونی روح انسان دارد، خداوند سبحان، آیات کتاب خود را با موسیقی خارق‌العاده و اعجاز‌آمیزی درهم تنیده است. آهنگ کلمات و موسیقی ترکیبات قرآنی، آن چنان هماهنگ و متناسب با معانی و مقاصد آیات است و آن چنان فضایی از قداست و طهارت و شور و حرارت و جذابیت در روح آدمی می‌آفریند که بی‌اختیار، روح در قبضه قرآن قرار گرفته، مستانه به سیر و سلوک در فضای ملکوتی آیات می‌پردازد. نظم آهنگ و ازگان قرآن، دارای نغمه‌ای دلکش و نوایی دلپذیر است که احساسات آدمی را برانگیخته و دل‌ها را شیفته خود می‌کند و اگر این صوت زیبا از لسان حضرت رسول و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) باشد هم بسیار دلنشین و هم سودمند است.

یکی از ابزارهای ترویج اسلام استفاده از آهنگ و موسیقی قرآن است؛ چرا که قاریان روح تلاوت خود را از بزرگان دین دریافت کرده‌اند و در این مقاله به بررسی آهنگ و موسیقی قرائت پیامبر، ائمه معصومین (علیهم‌السلام) از منظر قرآن و روایات پرداخته شده است. باشد که سلوک متعالی سفیران الهی و راهنمایان به سوی رستگاری، توشه راهمان شود.

### بخش اول: بررسی کیفیت قرائت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

طبق یک اصل کلی همه انبیا خوش صدا بودند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ما بعث الله نبياً الا حسن الصوت». پیامبر اسلام نیز دارای صدای خوش و گوش‌نوازی بوده است. اما کتاب آسمانی خود را با چه صدا و لحنی می‌خوانده است در تاریخ مهمل گذاشته شده است.

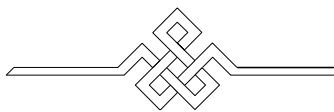
از این رو برای کشف کیفیت قرائت پیامبر اکرم، دو مرحله را بررسی می‌کنیم:

بررسی کیفیت قرائت آن حضرت از طریق آیات قرآن و روایات

### بررسی کیفیت قرائت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از طریق آیات قرآن

اگر بخواهیم مراحل دریافت قرآن کریم از ملکوت اعلی توسط پیامبر و ابلاغ آن به مردم را





از خلال آیات قرآن به دست آوریم، شش مرحله را می‌توانیم نام ببریم:

۱. وجود قرآن در امّ الكتاب و عالم غیب، نزد پروردگار: «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ» آیات فراوان دیگری نیز (از ریشه نزول) دلالت بر نزول قرآن از نزد پروردگار دارد.
۲. انتقال قرآن از عالم ربوی و غیب محض توسط جبرئیل، امین وحی: «تَزَلَّ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ»<sup>۲</sup> که این اولین دریافت قرآن است. نیز: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ...»<sup>۳</sup>
۳. فرود قرآن بر قلب پیامبر که دومین دریافت به حساب می‌آید: «علی قلبک»: در دو آیه پیشین و «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»<sup>۴</sup> اولین و بارزترین مصداق آیه، قلب پاک و سالم و امین پیامبر اسلام است که منزّه از همه پلیدی‌ها است و از آن به عصمت یاد می‌کنیم. در این مرحله، دریافت به تدریج صورت می‌گرفت:

«... وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»<sup>۵</sup> «تا اینجا مراحل ماوراء طبیعت بود از مرحله بعد قرآن به عالم طبیعت نازل

می‌شود.

۴. جریان قرآن از قلب به زبان پیامبر که ظهور تجلی قرآن در عالم ماده است و از آن، گاه به قرائت و گاه به تلاوت تعبیر می‌شود. آیات فراوانی بر این مرحله دلالت می‌کند که برخی از آنها اشاره می‌شود. «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»<sup>۶</sup> «فَإِنَّمَا يَسْرُنَا بِلِسَانِكَ...»<sup>۷</sup> «وَ أَنْ أتلُوا الْقُرْآنَ»<sup>۸</sup> «وَ رَتَلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»<sup>۹</sup>

۱. سوره زخرف، آیه ۴.

۲. سوره شعراء، آیه ۱۹۳.

۳. سوره بقره، آیه ۹۷.

۴. سوره واقعه، آیه ۷۹.

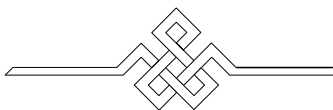
۵. سوره اسراء، آیه ۱۰۶.

۶. سوره نحل، آیه ۹۸.

۷. سوره مریم، آیه ۹۷.

۸. سوره نمل، آیه ۹۲.

۹. سوره مزمل، آیه ۴.



۵. رساندن پیام الهی از طریق زبان پیامبر به گوش مردم که به عناوین تلاوت قرائت، تبلیغ، انذار و غیره تعبیر شده است: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ»، «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ»، «... لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ»، «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا...»<sup>۴</sup>.  
 علامه طباطبائی و آیت الله جوادی آملی معتقدند که از برخی آیات قرآن استفاده می‌شود که پایان مرحله وحی، گوش مردم است. در این مرحله «آهنگ قرائت قرآن» ظهور خارجی پیدا کرده است.

۶. رساندن پیام الهی، از گوش مردم به قلب آنان، برای درک مفاهیم قرآن و تبعیت از دستورات آن:

«... قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا»، «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أذنٌ وَإِعِيَّةً»<sup>۷</sup>.

در مرحله ششم «آهنگ قرائت قرآن» تأثیر به سزایی در اقبال شنوندگان و تأثیر پذیرفتن آنان دارد. گرچه قرآن یادی از قرائت آهنگین پیامبر یاد نکرده، اما از آیه شریفه سوره مزمل: «... وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» و نیز «لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ...» و به کمک روایات و شواهد عرفی دال بر تأثیر قرائت آهنگین نسبت به خواندن معمولی می‌توان استنتاج کرد که پیامبر اکرم اجمالاً قرآن را با نوعی نغمه خاص تلاوت می‌کردند، تا بهترین نوع ابلاغ و مؤثرترین روش نفوذ در دلها را به کار گرفته باشند.<sup>۸</sup>

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲. سوره اسراء، آیه ۱۰۶.

۳. سوره انعام، آیه ۱۹.

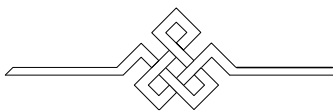
۴. سوره اعراف، آیه ۲۰۴.

۵. قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۶۷.

۶. سوره نساء، آیه ۶۳.

۷. سوره حاقه، آیه ۱۲.

۸. دانشمندان اعتراف می‌کنند که بهره‌گیری از ابزار هنر موسیقی در متون مقدس... موجب تأثیر بیشتر در دل‌های شنوندگان و عامل جذب آنان می‌گردد. مفاتیح الشرایع ج ۱، ص ۱۲۰ (: ویستحب ان یكون - المؤذن - حسن الصوت لیقبل القلوب)



### شواهد تاریخی تأثیر قرائت آهنگین پیامبر اسلام

گزارشاتی هرچند ناقص، از عکس العمل شنوندگان قرائت پیامبر اکرم در تاریخ نقل شده است که به ضمیمه احادیث بیانگر زیبایی قرائت پیامبر، نتیجه می‌دهد که: آن حضرت به صورت آهنگین قرآن را می‌خوانده است. احادیث را در مرحله بعد به طور تفصیل بیان خواهیم کرد. اما شواهد تاریخی جذب مستمعین قرآن، با وجود کفر و کینه دشمنان، عبارتند از:

۱- روزی پیامبر اکرم سوره غافر را در مسجد الحرام قرائت می‌کرد، ولید بن مغیره - سخن‌شناس و ادیب عرب - نزدیک او قرار گرفت و به قرائتش گوش فرا داد. پیامبر که دید او می‌شنود، دوباره آیات را تکرار کرد. ولید تحت تأثیر قرائت آن حضرت واقع شد، به نزد قبیله خود آمد و به آنها گفت: به خدا سوگند از محمد هم اکنون گفتاری شنیدم که نه به گفتار آدمی می‌ماند و نه به گفتار جن و پری، و برای سخنش شیرینی و بر آن درخشندگی ویژه بود. ابتدایش پر بهره و پایش گوارا بود و این گفتار به پیش می‌تازد و باز پس نمی‌ماند.<sup>۱</sup>

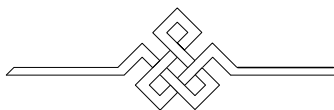
۲- روزی پیامبر اسلام مفروق بن عمرو را به اسلام دعوت کرد. او از رسول خدا پرسید: ای برادر قریشی! مردم را به چه دعوت می‌کنی؟ رسول خدا آیات ۱۵۰ تا ۱۵۲ سوره انعام را بر او تلاوت کردند. او گفت: زیاتر از آن سخنی نشنیده‌ام رسول خدا بار دیگر این آیه را خواندند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»<sup>۲</sup>. آنگاه مفروق گفت: ای برادر قریشی تو مردم را به مکارم اخلاق و محاسن اعمال - اخلاق و نیکوکاری - دعوت می‌کنی!<sup>۳</sup>

۳- شبی ابوسفیان و ابوجهل و اخنس بن شریق بی‌خبر از یکدیگر مخفیانه به نزدیک خانه پیامبر(ص) آمدند تا قرآنش را بشنوند و از شب تا سحر پیامبر قرآن می‌خواند و آنان به گوش

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۹۷ و الجامع لاحکام القرآن ج ۱۹، ص ۷۲.

۲. سوره نحل، آیه ۹۰.

۳. دلائل النبوه و معرفة احوال صاحب الشریعة، ج ۲، ص ۴۲۴؛ عیون الاثر فی فنون المغازی و السیر (السیر النبویه)، ج ۱، ص ۲۰۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۸، ص ۲۰۲؛ تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ج ۴، ص ۱۵۳.



نشستند. پس از اتمام قرائت آن حضرت، هر کدام به سوی منزل خویش بازگشتند. تصادفاً در راه به هم برخوردند و یکدیگر را ملامت کرده، متفرق شدند. اما هیچکدام نتوانستند شیفتگی خود را نسبت به قرائت آنحضرت کتمان کنند. از این رو شب دوم نیز مخفیانه به نزد پیامبر آمدند و تا سحر قرآنش را گوش دادند و دوباره در هنگام بازگشت با یکدیگر برخوردند و باز یکدیگر را سرزنش کردند و از هم جدا شدند، شب سوم نیز عین همین حادثه تکرار شد.<sup>۱</sup>

۴- عتبه بن ربیع از جمله کسانی بود که تحت تأثیر قرائت پیامبر اسلام (ص) واقع شد. روزی به نمایندگی قریش به نزد پیامبر آمد و به ایشان پیشنهادی کرد تا دست از رسالتش بردارد و قریش و خدایانش را به خودشان واگذارد. پیامبر پس از پایان سخنان عتبه شروع به قرائت آیات سوره فصلت تا آیه سی و هفتم نمود. آنگاه سجده نموده، به عتبه گفت: این است پاسخ تو. وقتی که عتبه به سوی دوستانش برگشت، همه گفتند که او تحت تأثیر پیغمبر واقع شده است. هنگامی که از او پرسیدند از نتیجه مذاکره چه خبر؟ پاسخ داد: گفتاری بی سابقه شنیدم که نه به شعر می ماند و نه به جادو و نه به گفتار کاهنان و غیب گویان.<sup>۲</sup>

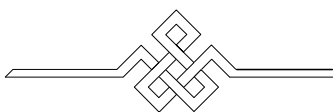
۵- طفیل بن عمرو که هم پیمان قریش بود به مکه آمد. اشراف قریش از او خواستند تا از پیامبر اکرم که سخنش را چون سحر و سبب اختلاف در مکه می دانستند، پرهیز کند و سخن او را گوش ندهد. او نیز چنین تصمیم گرفت. روزی در مسجد الحرام رسول خدا را مشغول نماز دید. به آیاتی که توسط پیامبر قرائت می شد، گوش فرا داد احساس کرد که سخنی زیباست با خود گفت: این اندازه توانایی دارم که سخن نیکو را از سخن زشت تشخیص دهم. سپس نزد آنحضرت رفت.

ایشان آیاتی از قرآن را بر او خواندند. او گفت: نیکوتر و موزون تر از آنها نشنیده ام. آنگاه اسلام را پذیرفت و به میان قبیله خویش رفت، و به جهت نفوذی که داشت، افراد زیادی اسلام را پذیرفتند.<sup>۳</sup>

۱. سیره النبویه، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. سیره ابن هشام، ص ۳۱۴.

۳. طبقات الکبری، ج ۴، صص ۲۳۷-۲۳۹.



۶- اسعد بن زراره از طائفه خزرج در ملاقات با پیامبر اسلام با بیرون آوردن پنبه از گوشش بعد از شنیدن آیات ۱۵۱ تا ۱۵۴ سوره انعام (منشور ده گانه قرآن) مجذوب قرائت آن حضرت شد و اسلام آورد.<sup>۱</sup>

۷- جیر بن مطعم - از مشرکین - می گوید: در یکی از غروب‌ها شنیدم که پیامبر سوره طور را می خواند. هیچکس را ندیدم که بدان زیبایی قرآن را بخواند. وی بعدها مسلمان شد.<sup>۲</sup>  
در تمامی مواردی که بیان شد، جذب شنوندگان می تواند از دو جهت باشد که البته قابل جمع هستند:

یکی از جهت محتوای سخن پیام، و دیگری به جهت نحوه ادای آن حضرت. (موزون بودن اداء کلمات در تلاوت قرآن، رسا و مجهور بودن صدا، رعایت آداب نظیر سجده تلاوت، حزن و...، تکرار آیات در برخی مجالس به اقتضاء حال مخاطب یا اهمیت آیه و مواردی از این قبیل).

### بررسی کیفیت قرائت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از طریق روایات

به دو طریق می توان از روایات وارده، کیفیت قرائت پیامبر اکرم را بررسی نمود:

اول: روایات ضمیمه و واسطه و کلی از قبیل آنکه: «هر چه را پیامبر دستور می داده خود عمل می کرده است». قرائت، سنت نبوی است که سینه به سینه به ما رسیده است.

دوم: روایاتی که مستقیماً قرائت پیامبر را توصیف نموده است.

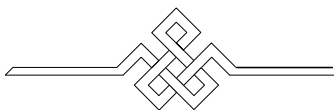
در این جا راه دوم مورد نظر است که به وسیله این روایات، آهنگ قرائت پیامبر را اجمالاً می توان به دست آورد. این روایات چند دسته اند و هر یک دارای مضامینی، از جمله:

۱- پیامبر با صدای بلند قرآن می خواندند:

ام هانی بنت ابو طالب می گوید: من در حالی که در اتاق خود نشسته بودم صدای قرائت

۱. قرآن و آخرین پیامبر صص ۸۸-۸۶؛ تفسیر سوره بقره، ذیل بحث اعجاز.

۲. سیره رسول خدا، ص ۲۲۲-۲۲۳.



پیامبر را می شنیدم. گزارش های تاریخی حاکی از قرائت آن حضرت با صدای بلند است، مانند استماع مشرکان مکه از کوچه های مختلف، به قرائت پیامبر.<sup>۲</sup>

۲- پیامبر به صورت واضح و حرف به حرف و آیه به آیه قرآن می خواندند :  
ام سلمه می گوید: پیامبر به صورت واضح و حرف به حرف و آیه به آیه قرآن می خواند به گونه ای که می توانستی حروف آیات را بشماری.<sup>۳</sup>

۳- پیامبر در قرائت قرآن صدایش را می کشیدند و (مدّ می دادند)  
از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که: پیامبر، قرآن را با صدای خوش و کشیده و بدون ترجیع می خواند.<sup>۴</sup>

انس بن مالک می گوید: پیامبر صدایش را در قرائت قرآن می کشید، مثلاً در آیه «بسم الله الرحمن الرحیم»، «الله» و «الرحمن» و «الرحیم» را می کشید.<sup>۵</sup>

۴- پیامبر با ترتیل قرآن می خواندند (که لازمه آن رعایت قواعد تجوید و وقف و ابتداست)  
خداوند مشخصاً و با تأکید از پیامبر خواسته است که قرآن را به صورت ترتیل بخواند.<sup>۶</sup>  
ترتیل را نیز حفظ الوقوف و اداء الحروف یا تجوید الحروف و معرفة الوقوف معنا کرده اند.<sup>۷</sup>  
۵- پیامبر با صدای زیبا قرآن را تلاوت می فرمودند :

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: پیامبر در قرائت قرآن خوش صدا بود. و نیز امام باقر (علیه السلام)

۱. معانی الآثار، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۳۷.

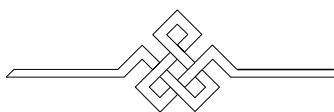
۳. سنن ترمذی، ابواب ثواب القرآن، حدیث شماره ۲۹۲۳؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۸۱.

۴. جمال القراء و کمال الاقراء، ج ۲، (نسخه خطی)، ص ۵۲۵.

۵. باب مد القرائة. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۷۸.

۶. سوره مزمل، آیه ۴.

۷. تفسیر صافی (مقدمه ۱۱۱ از قول امیرالمؤمنین)، ج ۱، ص ۲۰۹.



می فرمایند: پیامبر زیباترین صدا را در تلاوت قرآن داشت.<sup>۱</sup>

جبیر بن مطعم می گوید: هنگام مغرب پیامبر را دیدم که سوره طور را تلاوت می کرد هیچ کس را به زیبایی صدا یا به زیبایی قرائت او ندیده بودم و آنگاه که به آیه: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ» رسید نزدیک بود قلبم بایستد (از شدت هیجان و اثر پذیری).<sup>۲</sup>

براء بن عاذب می گوید: پیامبر را دیدم که در نماز عشاء یا شب هنگام سوره «التین و الزیتون» را تلاوت می کرد که زیاتر از آن نشنیده بودم.<sup>۳</sup>

۶- (به طور کلی) پیامبر به صورت آهنگین قرآن را تلاوت می کرده اند :

از پیامبر روایت شده است که فرمود: خداوند به چیزی گوش نمی دهد بهتر از آن گونه که به قرائت پیامبر گوش می دهد آن هنگام که با صدای بلند قرآن را به صورت آهنگین قرائت می کند.<sup>۴</sup>

۷- پیامبر با ترجیع - تحدیر قرآن را تلاوت می کرده اند :

ام هانی نقل می کند که من در اتاق خوابیده بودم که صدای قرائت پیامبر را می شنیدم که با ترجیع قرآن را تلاوت می کرد.<sup>۵</sup>

عبدالله بن مغفل می گوید: من پیامبر را هنگام فتح مکه بر شترش دیدم که قرآن را با ترجیع می خواند.<sup>۶</sup>

البته سخاوی دو روایت یکی از امام علی (علیه السلام) و دیگری از انس بن مالک نقل کرده که

۱. سنن النبی، ص ۳۱۱

۲. سوره طور، آیه ۳۵.

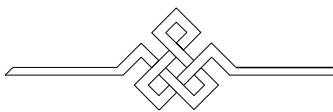
۳. صحیح مسلم، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۳۳۸؛ فتح الباری فی شرح صحیح بخاری.

۴. الاذان، ج ۱، ص ۱۹۴

۵. صحیح مسلم، صلاة المسافرين، باب استحباب تحسین الصوت بالقرآن، شماره ۷۹۲

۶. معانی الآثار، ج ۱، ص ۳۴۴

۷. فتح الباری، ج ۹، ص ۹۲



پیامبر صدایش را می کشید، اما ترجیح نمی داد.<sup>۱</sup>

۸- پیامبر به صورت حزین قرآن را تلاوت می کردند :

روایات متعددی رسیده است که قرآن به صورت محزون نازل شده است پس آن را همان گونه بخوانید. این روایت نشان می دهد خود پیامبر نیز همان گونه می خوانده است.<sup>۲</sup>

### تأثیر قرائت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بر شنوندگان

پیامبر گرامی اسلام به گونه ای قرآن را تلاوت می کردند که بر شنوندگان تأثیر گذار بوده است. این تأثیر می تواند تأثیر احساسی و عاطفی نیز باشد. در این قسمت از مقاله شواهدی از تأثیر احساسی قرآن بر شنوندگان، که یکی از عوامل مهم آن آوای قرائت است، ذکر می شود.

۱- «... تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ...»<sup>۳</sup>، و هر زمانی آیاتی را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند، چشم های آن ها را می بینی که از شوق اشک می ریزد، به خاطر حقیقتی که دریافته اند.

دریافت حقیقت می تواند از طریق اقناع فکری و یا از طریق دریافت قلبی (با تأثیر بر احساسات) باشد. همچنانکه در عصر حاضر نیز دانشمندان مسیحی اعتراف کرده اند که مسیحیان تنها در اثر شنیدن آهنگ قرائت قرآن نسبت به آن احساس پیوند قلبی کرده و مجذوب می شوند.<sup>۴</sup>

۲- «ثُمَّ نَظَرَ \* ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ \* ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ \* فَقالَ إِنَّ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ يُؤْتَرُ»، سپس نگاهی

۱. جمال القراء، ج ۲، ص ۵۲۵

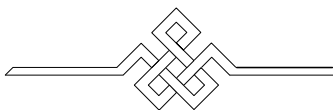
۲. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۱؛ اصول کافی، ج ۴؛ ص ۴۱۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲۴

۳. سوره مائده، آیه ۸۳

۴. تنها به ذکر چند شاهد اکتفا می شود: کنت گریک استاد دانشگاه کمبریج در کتاب قران را چگونه شناختم، ص ۳۰ می گوید: قرآن در خواننده اروپایی اثر جذب مغناطیسی دارد. فرید گیوم: عده کثیری از مسیحیان عرب زبان، سبک قرآن را ستوده اند، ترجمه انگلیسی قرآن آربری، ص ۱۰. بارتمی سنت هیلر در کتاب محمد و قرآن آورده است: مسیحیان عرب زبان اعتراف دارند این کتاب شریف چه تأثیر شگرفی در دل و جان شنوندگان دارد. (قرآن ناطق، ص ۲۸۲)

۵. سوره مدثر، آیات ۲۱- ۲۴





افکنند، بعد چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد؛ سپس پشت (به حق) کرد و تکبر ورزید، و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست!

یک جنبه از زیبایی و گیرایی و افسونگری قرآن در محتوا، الفاظ و آهنگ آن است که ولید بن مغیره را واداشت بگوید: «به خدا سوگند که گفتار محمد شیرین است و درخشنده و تنومند و پربار»<sup>۱</sup>.

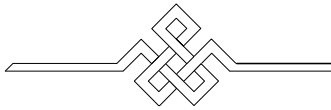
۳- «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ»، کافران گفتند: «گوش به این قرآن فرانهید؛ و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید. به جهت تشابه ابزار مقابله به مثل و برای کم کردن تأثیر قرآن، از سر و صدا استفاده می کردند تا تأثیر آهنگ دلنشین قرائت قرآن را تحت الشعاع قرار دهند. همچنانکه در برابر استدلال قرآن، استدلال می آوردند و در برابر قصه های قرآن، افسانه سرایی می کردند و در برابر نظم و وزن قرآن، گفتار موزون و مسجع می ساختند.

۴- «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»<sup>۳</sup> آیا وقت آن نرسیده است که دل های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب هایشان قساوت پیدا کرد؛ و بسیاری از آنها گناه کارند! فروتنی و تسلیم دل می تواند از طریق کیفیت ادای گفتار نیز باشد چنانچه در موعظه به کار می آید پس با آهنگ قرائت به ویژه با تأکیدی که بر خواندن محزون قرآن شده است می توان

۱. سیره النبویه، ج ۱، ص ۲۸۹. تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۹۷. تفسیر قرطبی، ج ۱۹، ص ۷۲.

۲. سوره فصلت، آیه ۲۶

۳. سوره حدید، آیه ۱۶



خضوع دل‌ها را موجب شد. در این آیه بین خشوع دل‌ها و نزول قرآن - مقصود مرحله قرائت قرآن است - ربط داده شده است پس قرائت محزون آیات قرآن یکی از مصادیق امتثال این آیه شریفه است.

۵ - «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ»<sup>۱</sup>.

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود؛ این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند؛ و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود.

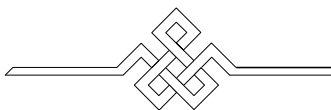
یکی از مصادیق ایجاد خشوع و خشیت الهی، قرائت زیبا و محزون و معنا دار است. گرچه ممکن است خود خواندن و مطالعه آیات و تصور مفاهیم آن‌ها نیز موجب تحریک احساسات و آثار برونی آن گردد اما تأثیر قرائت ظاهری بر عامه مردم بیشتر است.

۶- «و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا \* وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا \* قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا \* وَ يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا \* وَ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا»<sup>۲</sup>.

و ما قرآن را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بعنوان بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نفرستادیم و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛

۱. سوره زمر، آیه ۲۳.

۲. سوره اسراء، آیات ۱۰۹ - ۱۰۵.



و آن را بتدریج نازل کردیم.

بگو: «خواه به آن ایمان بیاورید، و خواه ایمان نیاورید، کسانی که پیش از آن به آن‌ها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می‌شود، سجده کنان به خاک می‌افتند و می‌گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده‌هایش به یقین انجام شدنی است آن‌ها (بی‌اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند؛ و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می‌افزاید.

### بخش دوم: بررسی قرائت آهنگین ائمه معصومین (علیهم السلام) در آئینه روایات

در این که اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)، دائماً با قرآن محشور بوده و به قرائت قرآن مداومت داشتند شکی نیست. اما درباره کیفیت قرائت آنها حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که به صورت قانون عام درباره تلاوت ائمه دوازده گانه می‌فرماید: آنان مصداق کامل آیه ۱۲۱ سوره بقره هستند!

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛  
 «کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده‌ایم آن را چنان که شایسته آن است می‌خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند».

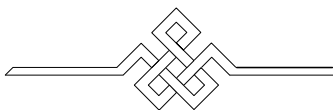
قرائت آهنگین قرآن از جمله لوازم حق تلاوت می‌تواند شمرده شود که ائمه معصومین آن را رعایت کرده‌اند. در اینجا به طور ویژه به چند حدیث درباره قرائت آهنگین آنان اشاره می‌گردد:

### قرائت امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

روایات متعددی از طریق شیعه و سنی درباره امام القراء بودن آن حضرت نقل شده است. چند تن از ائمه قرائات همچون عاصم، حمزه و ابو عمرو بصری سند قرائات خود را به ایشان متصل می‌کنند.

به جز آنان، قاریان و مقریان سرشناس - همچون ابوالاسود دوئلی و حمران بن اعین و عبدالرحمن بن

۱. اصول کافی، کتاب الحجة، ج ۱، حدیث ۵۶۰.



حبيب سلمی و ابان بن تغلب - و ائمه معصومین نیز سند قرائت خود را به امیر مؤمنان متصل می کنند.<sup>۱</sup>  
 برخی قواعد تجویدی نیز از آن حضرت نقل شده است اما درباره کیفیت قرائت آن حضرت  
 از نظر لحن، مدرکی در دست نیست جز کلیاتی یا دستوراتی، از جمله:

۱- «و احسنوا تلاوته»،<sup>۲</sup> ظاهره انقی.<sup>۳</sup>

۲- امام کاظم (علیه السلام) درباره رسول خدا و ائمه معصومین (علیهم السلام) می فرماید: آنان همه زیبا  
 می خوانند اما مصلحت نمی دانند که قرائت زیبای خود را ابراز کنند، زیرا مردم طاقت شنیدنش را  
 ندارند.<sup>۴</sup>

۳- از قاری برجسته کوفه، ابو عبدالرحمن سلمی - استاد عاصم - نقل شده است که گفت:

«ما رأیت أقرأ من علی بن ابی طالب» من بهتر از امام علی قاری قرآن ندیدم.<sup>۵</sup>

۴- شعبی نیز می گوید: هیچ کس را دانشمندتر از علی و فرزندان شایسته اش نسبت به قرآن  
 نمی شناسم.<sup>۶</sup>

۵- ابن ابی الحدید از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که امیر مؤمنان (علیه السلام) بعد از نماز صبح  
 در مسجد کوفه به تعقیبات می پرداخت تا طلوع آفتاب، آن گاه شاگردانش جمع می شدند و به  
 آنان فقه و قرآن می آموخت و پس از زمان مشخصی کلاس را تعطیل می کرد و می رفت.<sup>۷</sup>  
 برخی از دانشمندان علی پژوه چنین نوشته اند: حضرت امیرالمؤمنین قرآن که می خواند هیچ  
 صدایی و هیچ قاری قرآنی یارای مقابله با او را نداشت.<sup>۸</sup>

۱. جمال القراء، ج ۲، ص ۴۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۳. همان، خطبه ۱۸.

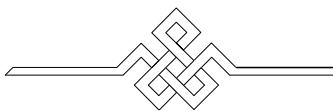
۴. اصول کافی، کتاب فضائل القرآن، ج ۱، ص ۶۱۵، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۴

۵. مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۹ (آخر سوره رعد).

۶. همان

۷. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۹.

۸. الگوهای رفتاری امام علی (ع)، ج ۶، ص ۳۹.



### قرائت امام حسین (علیه السلام)

این که رأس مطهر امام حسین بر سر نیزه قرآن خوانده، از ضروریات تاریخ است که هم علمای شیعه و هم علمای اهل سنت آن را به سند صحیح نقل کرده‌اند؛ از جمله شیخ مفید و نیز محمد بن سلیمان الکوفی و ابن حمزه طوسی و قطب الدین راوندی و ابن شهر آشوب و سید هاشم البحرانی، همگی در کتاب‌هایشان این حکایت را آورده‌اند:

زید بن ارقم نقل می‌کند زمانی که عیدالله بن زیاد دستور داد که سر مقدس سالار شهیدان را در محله‌ها و در کوی و برزن و بازارهای کوفه بگردانند، در حالی که سر آن بزرگوار روی نیزه بود، از جلو غرفه من عبور می‌دادند، دیدم که سر مطهر ابی‌عبدالله (علیه السلام) این آیه از قرآن را تلاوت می‌کرد:

«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»<sup>۱</sup>

در این هنگام که من موی بر تنم راست شده بود ناگهان از خود بی‌خود شده، فریاد زدم: ای فرزند رسول خدا داستان تو از اصحاب کهف بسیار اعجاب‌انگیزتر و شگفت‌آورتر است.<sup>۲</sup>

### قرائت امام سجاد (علیه السلام)

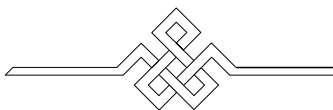
از روایات به دست می‌آید که امام زین العابدین یکی از بهترین و خوش‌صداترین قاریان قرآن بوده‌اند به گونه‌ای که شنوندگان مجذوب قرائت آهنگین ایشان می‌شدند.

### قرائت امام باقر (علیه السلام)

درباره این امام همام، روایتی از امام صادق (علیه السلام) رسیده است که بیانگر زیبایی آهنگ قرائت آن حضرت است. قرائت شبانه آن حضرت، رهگذران را پشت در خانه خود می‌خکوب می‌کرد؛ افزون بر آن، ابان بن تغلب از قاریان برجسته آن عصر در علوم اسلامی شاگرد آن

۱. سوره کهف، آیه ۹.

۲. مقتل مقرر، ص ۴۳۳



حضرت بود. همچنین حرمان بن اعین از قاریان بزرگ - که حمزه بن حبيب از طریق سلیمان بن مهران، شاگرد او بوده است - شاگرد آن حضرت بوده است.<sup>۲</sup>  
ابوغالب زرازی می گوید: «عموی ما حرمان از اصحاب امام سجاد(ع) و از علمای بزرگ شیعه است که درباره بزرگی مقامش کسی شک ندارد».<sup>۳</sup>

### قرائت امام صادق (علیه السلام)

درباره امام صادق گر چه روایتی از قرائت آن حضرت وارد نشده است، اما برخی از ائمه قرائت و قاریان برجسته شاگردان آن حضرت بوده اند که مهمترین آنان ابو عمرو بن علاء و حمزه بن حبيب زیات از قرآء سبعة می باشند.<sup>۴</sup>

### قرائت امام کاظم (علیه السلام)

اکنون چند روایتی که قرائت امام سجاد، امام باقر و امام کاظم را به تصویر کشیده است را بیان می کنیم:

معاویه بن عمار از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که در ضمن حدیثی فرمود: علی بن الحسین - زین العابدین - زیباترین مردم بود از حیث صدا در قرائت قرآن و صدایش را در هنگام قرائت بلند می کرد به گونه ای که اهل خانه آن می شنیدند، امام باقر نیز بهترین صدا را در قرائت قرآن داشت و شبانگهان که در نمازش قرآن می خواند رهگذران آب فروش - سقاها - و دیگران، بر در خانه اش می ایستادند و به تلاوتش گوش فرا می دادند.<sup>۵</sup>

علی بن محمد نوفلی از امام کاظم (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: امام سجاد وقتی قرآن

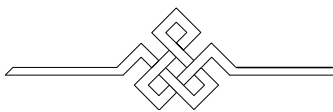
۱. رجال نجاشی، ص ۸.

۲. نفایس الفنون، فصل سوم از فن ششم، علم قرائت از مقاله دوم.

۳. رساله ابی غالب الزراری و ملحقاتها، ص ۱۱۳.

۴. همان

۵. متصرفات سرائر، حدیث ۱۷.



می خواند، گاه رهگذری که می گذشت از شدت زیبایی و گیرایی قرائت آن حضرت مدهوش می شد.<sup>۱</sup>

سهل بن زیاد به سند خود از امام صادق نقل می کند که فرمود: امام علی بن الحسین در قرائت آهنگین قرآن از همه خوش صدا تر بود و آب فروشان مدینه که از کنار منزل آن حضرت عبور می کردند، می ایستادند و به قرائتش گوش فرا می دادند. امام باقر نیز در قرائت قرآن بهترین صدا را در میان مردم داشت.<sup>۲</sup>

حفص بن غیاث، از راویان امام کاظم می گوید: آن حضرت به شیوه محزون قرائت می کردند و هنگامی که قرآن می خواندند، گویی انسانی را مخاطب خود قرار می دادند.<sup>۳</sup>

### قرائت امام زمان (عج)

میرزا حسین نوری در کتاب نجم الثاقب می گوید: ملا زین العابدین سلماسی برای من نقل می کرد که روزی علامه سید مهدی بحر العلوم وارد حرم امیرالمؤمنین شد و به این بیت ترنم می کرد:

چه خوش است صوت قرآن، ز تو دلربا شنیدن  
به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن  
از سید از سبب خواندن این بیت سؤال کردم، فرمود: چون وارد حرم امیرالمؤمنین شدم دیدم حضرت حجت را که در بالای سر، قرآن تلاوت می فرمود به آواز بلند؛ چون صدای آن بزرگوار را شنیدم آن بیت را خواندم. چون وارد حرم شدم، قرائت را تمام نمودند و از حرم بیرون رفتند.<sup>۴</sup>

### نتیجه گیری:

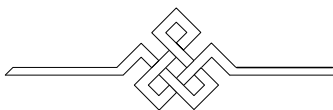
۱- از طریق تأمل در آیات قرآن و نقل تاریخ در خصوص کیفیت قرائت پیامبر اکرم و ائمه

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۹. باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن.

۲. همان، ص ۴۲۰.

۳. همان، ص ۴۰۹.

۴. نجم الثاقب، ج ۲، ص ۴۷۸، باب هفتم، حکایت ۷۹. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.



معصومین (علیه السلام) و اصحاب آنان به این نتیجه می‌رسیم که آنان قرآن را با لحن دلنشین و جذّاب می‌خواندند. امامان و قاریان سرشناس صحابه و تابعه و پیروان آنان که در تاریخ به عنوان قاریان خوش خوان مطرح شده‌اند، پس از آنکه قرائت آهنگین قرآن در حرکت تکاملی خود سر و سامان گرفت دانشمندان و قرآن‌پژوهان پی بردند که این جنبه قرآن می‌تواند یکی از وجوه اعجاز آن به حساب آید. گاه از آن به فصاحت و گاه به بلاغت و گاه به حلاوت و اخیراً به اعجاز هنری و یا اعجاز صوتی یا اعجاز موسیقائی قرآن تعبیر می‌کنند. جایگاه درک این جنبه اعجاز، ذوق انسان است که در دل خود آن را در می‌یابد و می‌پسندد و بر آن آفرین می‌گوید گرچه نتواند دلیل خود را توضیح دهد. می‌توان مجموع این عناوین را تحت عنوان «اعجاز ذوقی» گرد آورد. برخی نیز از آن به «اعجاز نفسی» تعبیر کرده‌اند.

۲- رهبران و دانشمندان اسلامی خود را متعهد به ترویج اسلام در سراسر جهان می‌دانند تا زمینه جهان شمولی این دین آسمانی - که در قرآن به آن وعده داده شده است - را فراهم سازند. پیاده کردن مقررات و آرمانهای دینی در جامعه و وظیفه رهبران و مدیران جامعه دینی است. یکی از ابزارهای ترویج اسلام، تسخیر احساسات بشر و نفوذ در دل انسانهاست. بهترین راه برای این کار، بهره‌گیری از آوای دلنشین و اعجاز گونه قرائت قرآن است. قاریان قرآن به عنوان سفیران اسلام تنها به کمک آهنگ و موسیقی قرائت قرآن افراد زیادی را به اسلام سوق داده‌اند.

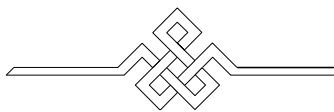
برای نمونه:

استاد محمود خلیل الحصری می‌گوید: یکی از قاریان ممتاز بغداد به نام «سبط الخياط» جماعتی از یهودیان و مسیحیانی را در اثر آهنگ قرائت خود مسلمان کرده است.<sup>۲</sup> خود استاد حصری می‌گوید: در سال ۱۹۶۵ به مدت ۱۰ روز در مسجد پاریس به تلاوت قرآن پرداختم ۱۰ نفر از فرانسویان مسیحی به دین اسلام مشرف شدند.

۱. سوره توبه، آیه ۳۳ / سوره فتح، آیه ۲۸ / سوره صف، آیه ۹ / سوره انبیا، آیه ۱۰۵ / سوره قصص، آیه ۵.

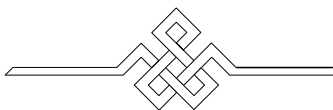
۲. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم، ص ۲۳.





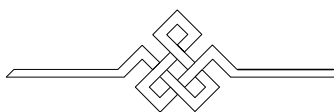
عبدالباسط محمد عبدالصمد نیز می گوید: در اوگاندا در یکی از مجالس قرائت قرآن، ۹۲ نفر به اسلام رو آورده‌اند.

سخن آخر: برای درک زیبایی آهنگ قرائت قرآن باید با اهل آن نشست و اطلاعات نظری و عمل خود را درباره این موضوع افزود و حجابهای افسردگی و دل مشغولی و تعجیل و اضطراب را از خود دور کرد تا بتوان این جنبه از جمال قرآن را بی پرده دید و (به عنوان زمینه ساز تدبّر) در آیات الهی تدبّر نمود.

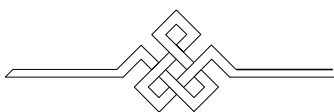


## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۳. آملی، محمد بن محمود، نفایس الفنون، گردآوری: بهروز روتیان، تهران: فردوس، ۱۳۵۱ ش.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر، انتشارات حضور، ۱۳۸۱ ش.
۵. ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۸ ق.
۶. ابن سید الناس، عیون الاثر فی فنون المغازی و السیر (السیر النبویه)، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۶ ق.
۷. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۸. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ ش.
۹. ابن هشام، محمد بن عبدالملک، سیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، قم: انتشارات ایران ۱۳۶۳ ش.
۱۰. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۲. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. جان داوونپورت، لورا واکسیا واکلریعذر، تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن به ضمیمه خاورشناسی و توطئه خاورشناسان؛ پیشرفت سریع اسلام، مترجم: غلامرضا سعیدی، نشر اطلاعات، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. جعفریان، رسول، سیره رسول خدا (ص)، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. حبیبی، علی، آداب و احکام تلاوت قرآن کریم، انتشارات یاسین، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. حسینی، علی اکبر، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. حسینی جلالی، سید محمد رضا (محقق)، رساله ابی غالب الزراری و ملحقاتها، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، قم ۱۴۱۱.



۲۱. حلی، ابن ادریس، متصرفات سرائر، قم، بی تا.
۲۲. دشتی، محمد، الگوهای رفتاری امام علی (ع)، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۹ش.
۲۳. سخاوی، علم الدین بن محمد، جمال القراء و کمال الاقراء، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (نسخه خطی).
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی، مترجم: سید محمد حسین سجاد، انتشارات نور ثامن، ۱۳۸۷ش.
۲۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۶. طحاوی، معانی الاثار، انتشارات کردستان، ۱۳۸۳ش.
۲۷. طه حلبی، محمد ابوالفضل ابراهیم، شرح نهج البلاغه، قاهره ۱۳۷۹هـ.ق.
۲۸. عاملی، سید محمد؛ مدارک الأحکام، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ق.
۲۹. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۳۰. عسقلانی، شهاب الدین ابن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح بخاری، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۳۱. فروغ، مهدی، مداومت در اصول موسیقی ایران، مقاله آشنایی با موسیقی تلاوت قرآن کریم، روزنامه اطلاعات شماره ۲۱۵۳۷.
۳۲. فیض کاشانی، محمد شاه مرتضی، مفاتیح الشرایع، انتشارات سنایی، ۱۳۸۶ش.
۳۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر صافی، تحقیق: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، انتشارات نوید اسلام ۱۳۸۷ش.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۸هـ.ق.
۳۵. گریک، کینت، قرآن را چگونه شناختم، مترجم: ذبیح الله منصوری ناشر: مجید زبان، ۱۳۸۳ش.
۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (ع)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م.
۳۷. مطهری، مرتضی، تفسیر سوره بقره، انتشارات صدرا ۱۳۸۸ش.
۳۸. مرقم، سید عبدالرزاق، مقتل مرقم، مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۶ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر (ص)، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ش.
۴۰. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.



۴۱. نسائی، احمد بن شعيب، سنن نسائی، تهران: مكتبة الحديثة، ۱۳۷۱ ش.
۴۲. نوری، حسین، النجم الثاقب، آستان مقدس صاحب الزمان، جمکران ۱۴۱۲ هـ.ق.
۴۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، كتاب الصلاة، بیروت دارالفکر، بی تا.



## نصاب برتر در تلاوت استادانه

### بخش تجوید

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ  
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ أَعْذْنَا وَ أَهَالِينَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ  
مِمَّا اسْتَعَدَّنَا مِنْهُ، وَ أَجْرْنَا مِمَّا اسْتَجْرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِكَ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ، قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَصَفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ  
تَرْتِيلًا.

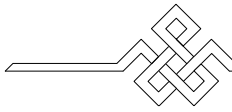
علی اکبر حشمتی<sup>۱</sup>

مقدمه :

قرآن کریم، انسان را اعم از زن و مرد تکریم می کند (ولقد کرمنا بنی آدم... اسراء : ۷۰) و سبب کرامت را نیز خلافت الهی می داند. (انّی جاعل فی الارض خلیفه - بقره : ۳۰) و خلیفه کسی است که قانون مستخلف عنه را اجرا کند، نه هوی و هوس و وهم خود را، و گرنه از خلافت معزول و از کرامت محروم می شود.

---

۱. nezarat110@gmail.com



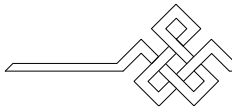
بنابراین همه انسان‌ها به پیروی از کتب آسمانی و خلفاء و پیامبران الهی فراخوانده شده‌اند تا در این سیر روحانی، به قلّه رفیع انسانیت صعود نموده و به مقام محمود (شفاعت) نائل آیند. بدیهی است خداوند منان برای دستیابی به این موفقیت و حصول به نتیجه مطلوب و تسهیل عبور از عقبه‌های کنود و پریچ و خم این صعود فنی، ابزار متعدد و مناسبی را در اختیارمان قرار داده تا با تمسک به قرآن کریم و تبعیت و پیروی از حضرات معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) که به عنوان والاترین الگوهای بشری و اعتصام بحبل الله و صراط مستقیم معرفی شده‌اند، به این مقام منیع مشرف، و انتقالی سهل و آسان داشته باشیم.

شبروان را عشق بازی کی بود با حور عین	شبروان را عشق‌بازی بس بود با حور شب
فاسقان لایعقلند از جرعه انگور روز	عاشقان مستند اما از می انگور شب
قدر روز خود ندانند اهل غفلت سال و ماه	قدر روز خود که داند، آن‌که شد رنجور شب

«خواجه عبدالله انصاری»

در آیات ابتدایی سوره مزمل، به قسمی از این مهمات به عنوان قیام و تلاوت قرآن در دل شب، و در آیه ۷۹ سوره اسراء به تهجد و نافله شب اشاره شده که تردیدی نیست، از امتزاج این دو ذکر شریف، اکسیر عظیم ایصال به مطلوب حاصل و توفیق هر انسان و کوی و علوی را در نیل به بارگاه ربوبی و تربیت او برای هم‌نشینی در عندملیک مقتدر، فراهم می‌آورد. قسم دیگر بهره‌وری از این عناصر عبودی، اقامه نماز و تلاوت قرآن در امکانه و ازمنه مقدس و روحانی است که در این باب هم روایات بسیاری وارد شده و فضایل کثیری برای ذاکر و عامل آن ذکر گردیده است.

- اقامه نماز و تلاوت قرآن در حرمین شریفین، در حرم معصومین سلام الله علیهم اجمعین، مسجد کوفه، مسجد سهله، مساجد دیگر، ماه مبارک رمضان و لیالی قدر و.... مزایایی دارد که شرح فضائل آن بی‌شمار است و ادراک آن، از مقوله قیاس و حساب و کتاب بشری خارج است. لذا این دو امر مهم در برخی از آیات و روایات به عنوان یکی از کاربردی‌ترین ابزار تعالی انسان و اهل الله شدن مورد عنایت قرار گرفته تا در این مسیر بتوانیم در بالارفتن و شایستگی یافتن



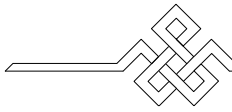
- خود در استفاضه از مواهب خاصه الهی و تثبیت حاکمیت و فناوری فطرت و نوآوری عقل‌مان، بهره‌مند شویم. اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (اعراف: ۵۵)
- وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (اسراء: ۷۹)
- وَمِنَ آثَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ (طه: ۱۳۰)
- وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (انسان: ۲۶)
- كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ؛ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (ذاریات: ۱۸-۱۷)
- وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (طور: ۴۹)
- إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (مزمّل: ۲۳)
- وَالْفَجْرِ؛ وَلَيَالٍ عَشْرٍ؛ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (فجر: ۱-۳)

تا نگرید ابر کی خندد چمن	تا نگرید طفل کی نوشد لبن
ای برادر طفل، طفل چشم توست	کام خود موقوف زاری دان نخست
کام تو موقوف زاری دل است	بی تضرع کامیابی مشکل است
گر همی خواهی که مشکل حل شود	خار محرومی به گل مبدل شود
گر همی خواهی که آن خلعت رسد	پس بگریان طفل دیده بر جسد

«مثنوی مولوی»

از خداوند مَنان مسئلت داریم به همه عزیزان و قرآنیان، توفیق انس بیشتر با قرآن کریم و مکتب ائمه هدی (سلام‌الله علیهم اجمعین) را بیش از پیش عطا فرموده و ما را اهل القرآن زنده بدارد و اهل القرآن بمیراند.

\* تکلیف نگارنده این سطور در این محفل محتشم و نورانی و در حضور پیش کسوتان، اساتید، قاریان و حافظان و اهل القرآن، ارائه مقاله‌ای است در باب ویژگی‌ها و نصاب برتر در تلاوت استادانه، خصوصاً در مبحث تجوید، که با مقدمه‌ای که بیان شد، سعی می‌کنم این موضوع را در چند محور، بطور اختصار، تقدیم نمایم.



- الف - حق و حقوق تلاوت از دیدگاه قرآن کریم.
- ب - حق و حقوق تلاوت از دیدگاه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین)
- ج - حق و حقوق تلاوت از دیدگاه مقام معظم رهبری «مدظله العالی»
- د - نگاهی به وضعیت کنونی تلاوت و بررسی استدراجی آن از دهه ۶۰ تا کنون و از دوران متقدمین تا معاصرین (از حیث تجوید محوری و رعایت آن در قرائت قاریان مصری و ایرانی)
- میزان تأثیرپذیری قاریان ایرانی از آثار متقدمین، متأخرین و معاصرین «کشور مصر» و نقش فرهنگ سازی آن در تجوید عملی
- توصیه‌هایی مشفقانه به قاریان عزیزمان، خصوصاً نسل جوان

### الف) حق و حقوق تلاوت از دیدگاه قرآن کریم

ذات احدیت در باب تلاوت قرآن کریم به کلیات بسنده فرموده و با توجه به ظرفیت و گنجایش بشر، در آیه ۱۲۱ سوره بقره این چنین می‌فرماید:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.

کسانی که به آن‌ها کتاب آسمانی دادیم، آن را چنان که سزاوار تلاوت است (در مقام عمل) تلاوت می‌کنند، آنان یقیناً اهل ایمانند؛ و کسانی که به کتاب خدا کافر شدند، آنان همانا زیان کارانند.

تذکر: قرار گرفتن کلمه حق (که به عنوان یکی از کلمات کلیدی و حدود ۳۰۰ بار در قرآن کریم بکار رفته) در اول برخی از فرازهای آیات کریمه، حکایت از توجه برانگیز بودن و مهم بودن آن امر دارد، به طوری که بعضی از مفسرین این تأکید را نهایت تلاش برای دریافت و فهم و شناخت آیات قرآن ذکر کرده‌اند.

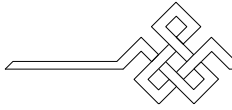
- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ (آل عمران: ۱۰۲)

- وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ (انعام: ۹۱ و حج: ۷۴)

- وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج: ۷۸)

- وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمُ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا (حدید: ۲۷) و آیات دیگر.





### ب: حق و حقوق تلاوت از دیدگاه معصومین

امام صادق (علیه السلام) مراد از «يَتْلُوْنَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» را در چند گزینه مهم مورد توجه و عنایت قرار داده‌اند که ابتدا موارد آن را فهرست‌وار عرض نموده و در ادامه، نسبت به مورد حق اول که به موضوع این همایش نزدیک‌تر است، قدری توضیح خواهیم داد. می‌فرمایند:

- يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ (آیات کریمه را شمرده می‌خوانند)
- يَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيَهُ (در معانی آن فهم و تفقه می‌کنند)
- يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ (به احکام و دستورات آن عمل می‌کنند)
- يَرْجُونَ وَعْدَهُ (به وعده‌های آن امیدوارند)
- يَخْشَوْنَ عَذَابَهُ (از وعیدهای آن بیم و ترس دارند)
- يَتَمَثَّلُونَ قِصَصَهُ (به حقایق داستان‌ها توجه می‌نمایند) مقصود، کاربردی نمودن آن در زندگی است
- يَعْتَبِرُونَ لِمِثَالِهِ (از مثل‌های آن عبرت می‌گیرند)
- يَأْتُونَ بِأَمْرِهِ (اوامر الهی را انجام می‌دهند)
- وَيَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَهُ (و از نواهی الهی اجتناب می‌ورزند)

\* حق اول (که همان قرائت قرآن کریم و شمرده خواندن همراه با تدبیر است):

در این معنا، دو بیان از امیر کلام حضرت امام المتقین علی (علیه السلام)، نقل شده است که می‌فرمایند:

۱- التَّرْتِيلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ آدَاءُ الْحُرُوفِ (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳)

۲- التَّرْتِيلُ تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَ مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ (النَّشْرُ فِي قِرَائَاتِ الْعَشْرِ، ج ۱، ص ۲۰۹)

- عبدالله بن سلیمان از امام صادق (علیه السلام) در باب این معنا آورده که آن امام همام از قول

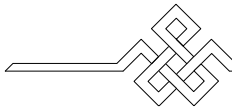
امیرالمؤمنین (علیه السلام) منظور از « وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً » را این گونه بیان فرموده‌اند:

« بَيْنَهُ تَبْيَانًا، وَ لَا تَهْدَهُ هَذَا الشَّعْرُ، وَ لَا تَنْتَرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ »

و این بیان به معنای اداء حروف از مخرج؛ همراه با اعطای حق و مستحق آن (شناخت مخارج

- شناخت صفات - و شناخت احکامی که به علت ترکیب بر حروف عارض می‌شود. مانند اظهار، ادغام،

اخفاء، اقلاب، ترقیق، تفخیم، تغلیظ و مابقی ...) می‌تواند باشد.



- امام «التَّحْقِيقُ» می فرماید: آن را خوب بیان کنید، کلماتش را واضح و روشن و آشکار اداء کنید (ترک مبالغه و تکلف در مخارج و صفات حروف)

- آن را مانند شعر و بطور شتاب زده نخوانید (رعایت حرکات و نظم حروف)

- آن را هم چون ریگ، پراکنده نسازید (اجتناب از کشش‌های بی‌مورد در حرکات، حروف، حروف مدی بلاسبب، و توجه جدی به مراعات محلّ وقف‌های قرآن در حین تلاوت)  
سپس در لزوم اصلاح نیت و هدف از قرائت قرآن هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

« وَلَكِنْ أَفْزَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ »

و اما دل‌های سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس بیندازید. یعنی لطیف شوید، دل‌هایتان نرم شود و از قساوت خارج شوید که اگر این‌گونه شد، در مستمع نیز تأثیر گذار خواهد بود.

« وَلَا يَكُنْ هَمٌّ أَحَدَكُمْ آخِرَ السُّورَةِ »

و سعی و تلاش‌تان این نباشد که فقط سوره را به پایان برسانید. یعنی هدف اصلی از تلاوت، همانا تفکر و تدبّر در معانی آن و بکار بستن دستوراتش باشد.

ابن جزری در النّشر فی قرائات العّشر، ج ۱، ص ۲۱۴ می‌گوید:

قاریان قرآن کریم، کسانی هستند که ضوابط تجوید را می‌شناسد و در به کارگیری آن در هنگام قرائت، در نهایت اتقان و زیبایی و صحت، تلاش می‌کنند.

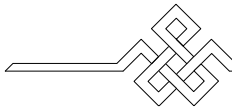
- و در نحوه فراگیری تجوید عملی می‌گوید:

برای رسیدن به این درجه از اتقان و تجوید، بهترین راه، تمرین دادن زبان و تکرار الفاظی

است که از دهان استاد اخذ می‌شود (همان سند)

ابوعمر و دانی نیز عقیده دارد:

تجوید جز از طریق سخت‌کوشی قاریان و تمرین و ممارست فک (دهان) آموخته نمی‌شود (همان سند)  
بنابراین فراگیری تجوید عملی، صرفاً با مطالعه آثار نوشته شده در این باب، امکان‌پذیر نبوده و تنها راه آموختن، صورت شنیداری آن است که از راه مشافهه و استماع از دهان استاد مجرب



که الفاظ را به صورت صحیح و متقن اداء می کند، فراهم می آید (و این یعنی، همان تواتر و روش صحابه و تابعین و پیروان ایشان)

لذا برای یادگیری عملی تجوید دو راه مورد تأکید است:

۱- استماع و خوب گوش فرادادن به تلفظ و قرائت استاد

۲- اقرار و خواندن در حضور استاد و رفع اشکالات شاگرد توسط او

که البته به نظر برخی از اساتید، روش دوم ارجح بوده و طبعاً جمع بین این دو روش، بهتر است.

\* در اصول کافی، در کتاب فضل القرآن «در باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن» از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که امام از قول پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده اند:

أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا، وَإِيَّكُمْ وَ لِحُونَ أَهْلِ الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَائِرِ (که در بعضی نسخ، اهل کتابین هم آمده است) فَانَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجَعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنُّوحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرْاقِيهِمْ. قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ وَقُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُ لَهُ شَأْنُهُمْ.

که تذکر: توجه داشته باشیم که هر جا ائمه معصومین (سلام الله عليهم اجمعين) در باب قرائت قرآن کریم ملاحظه و یا رهنمودی داشته اند، به تعبیر خودمانی، دست به عصا راه رفته و با توجه به شناختی که از حد و حصر و ظرفیت ما دارند، ضمن تشویق بر این امر مبارک، از عواقب سوء و به بیراهه رفتن قاریان قرآن، به شدت بیم داده و تحذیر فرموده اند!

- حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) ضمن توجه دادن و ترغیب به قرائت قرآن با صوت و لحن دلنشین

عرب، شدیداً از آلوده شدن قرائت قرآن به الحان غیرمجاز، هشدار می دهند و می فرمایند:

دوری کنید از لحن بدکاران و اهل گناهان کبیره (که بر کیفیت خواندن یهود و نصاری هم اطلاق شده است) به درستی که پس از من مردمانی می آیند، قرآن را همچون آوازخوانی و نوحه خوانی و رهبانی (به روش کلیسایی) در حنجره می چرخانند. دل های ایشان و هر کسی که از خواندن آن مشعوف و شاد می شود، وارونه است.

که البته این بدان معنا نیست که هر نغمه ای که برخوردار از لحن عرب باشد، برای قرائت قرآن قابل استفاده است. بلکه باید از نغماتی استفاده شود که غنا نباشد؛ و مرز بین حلال و حرام



در آن معلوم باشد. و تردیدی نیست که تفکیک و تشخیص این مرزبندی، فقط و فقط به عهده اساتید متدین و میرز در این فن می‌باشد، « یعنی اساتیدی که حکم و فتاوی فقهی غناء در موسیقی را به خوبی بدانند و مصادیق غنای حرام را بشناسند و از حریم آن محافظت کنند».

- متأسفانه امروزه در تعدادی از کلاس‌های قرائت که تدریس مبانی صوت و لحن در آن حرف اول را می‌زند، مبحث موسیقی (آموزش سولفژ با ادوات و یا به نحو مجازی آن) به طور علنی و با جسارت تمام تعلیم داده می‌شود! که به نوعی می‌توان دور افتادن از آنچه را مراد و مقصود ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین) است، ملاحظه نمود!

بنده چندی پیش، رادیو قرآن را می‌شنیدم که یکی از کارشناسان، مبانی لحن می‌گفت و فارغ از این که این رادیو در همه جا شنیده می‌شود (خاص و عام)، مطالبی مطرح می‌کرد که صرفاً جنبه آموزش خصوصی داشت و اصلاً برای پخش از رادیو قرآن و برای عموم مردم به صلاح نبود! و این یعنی افراط و نشناختن مرزبندی‌ها و عدم توجه رسانه به اهمیت و ظرافت موضوع! استاد مروّت همیشه این تذکر مهم را در کلاس‌های خود مرور می‌نمود و به ما هشدار می‌داد که مواظب باشید تجوید را فدای صوت و لحن نکنید! بدانید که الحان خوش برای القاء معانی و مفاهیم آیات در نظر گرفته شده، نه برای اطوار ریختن و آوازخواندن!

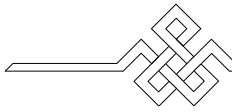
\* در عیون الاخبار الرضا (علیه السلام) در حدیث ۲۰۷، از امام علی (علیه السلام) نقل می‌کند که امام از قول پیامبر « صلی الله علیه و آله و سلم » می‌فرماید:

أَنْتِي (اخاف) عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالدِّينِ،..... وَ أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ

به درستی که بر شما در هراس هستم از خفیف شمردن و بی‌توجهی کردن به دین... و از این که قرآن مانند مزموّر و سرود خوانده شود!

کتابته در باب اهمیت دادن به قرائت قرآن با صوت و لحن خوش، احادیث متعدد و معتبری وارد شده و جواز ترویج صحیح آن نیز صادر گردیده است.

به نظر می‌رسد قرائت بدون رعایت تجوید، یعنی هَذَا الشَّعْر ( آوازخوانی) و قرائت بدون رعایت وقف و ابتداء، یعنی نَثْرَ الرَّمْلِ (پراکندگی کلمات و جملات و فرازها و نارسایی الفاظ و مفاهیم).



و تلاوت استادانه، تلاوتی است که این اسباب را یکجا فراهم آورده و حق هر کدام، به نحو احسن مراعات گردد.

\* تلاوت استادانه و نصاب برتر (مقبول و مشروع)

- توجه داشتن به فرهنگ اصیل قرائت (یعنی سلیقه‌ای عمل نکردن و بر حذر بودن از به روز شدن)

- توجه داشتن به ریشه‌های دیرینه قرائت (یعنی توصل و متابعت از فرهنگ قرائت سابقون)

- توجه داشتن به اصول قرائت (که مستحیل در زمان نمی‌شود و همان نحوه قرائت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

و معصومین سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین است)

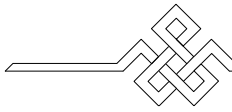
- توجه داشتن به خشوع و خضوع در تلاوت (یعنی قرائت معناگرایانه و هماهنگی ظاهر و باطن در ارائه اثری مفید و مؤثر در تطبیق صحیح لفظ و معنا، و حضور قلب قاری در هنگام تلاوت؛ بفهمد و بداند چه می‌خواند؛ و فقط آهنگ و موسیقی و لفاظی نباشد.)

- توجه داشتن به نشر صحیح و منطقی اصول قرائت و معیارهای خداپسندانه، نه صرفاً مردم‌پسند و فرونشاندۀ عطش کاذب و به دنبال سراب فرستادن مستمعین! بلکه فرو نشانندۀ عطش صادق آن‌ها که فقط در یک تلاوت فاخر وجود دارد و تلاوت و تلاوت‌گر را ماندگار می‌کند.

- یعنی مطابق با عرضه و تقاضا و آنچه زمان و مکان می‌خواهد (باری به هر جهت و بدون تدبیر و بنا بر سفارش میزبان) انجام نگیرد و به هر قیمتی، به حوزه تقاضا پاسخ داده نشود، بلکه طوری تلاوت شود که همه از منہ را پوشش دهد و نیاز حقیقی مشتاقان را در هر زمانی مرتفع سازد (مانند تعداد معنی‌به از تلاوت‌های قاریان برجسته مصری که ماندگار شده و بعضاً برای عوام و خواص و روح‌افزاست)

قاریان محترم بایستی از نیات ناخالص و منبعث از اندیشه‌ها و پندارهای آفل به دور باشند (یعنی از خواندن برای کسب مال دنیا، شهرت و ریا و فراهم آوردن رضایت‌مندی خلق پرهیز کنند) و بدانند که این لطف الهی شامل هر کس نمی‌شود؛ و اگر احدی را در بر گرفت و برای این امر مقدس انتخاب شد، بر اوست که با تمام قوا از این کرامت، عزت و افتخار محافظت نماید.

(اگر سالکی محرم راز گشت بیند بند بر وی در بازگشت)



که متأسفانه این امر مهم در سال‌های نه چندان دور به ضعف گراییده و تا حدود قابل توجهی از اصول صحیح آن دور افتاده است و بایستی در مدار راستین خود قرار گیرد.

چون تو در قرآن حق بگریختی      با روان انبیاء آمیختی  
 هست قرآن حال‌های انبیاء      ماهیان بحر پاک کبریاء  
 و رِبخوانی و نه‌ای قرآن‌پذیر      انبیاء و اولیاء را دیده‌گیر  
 «مثنوی مولوی»

### ج) حق و حقوق تلاوت از دیدگاه مقام معظم رهبری

این نگاه همواره در پیام‌ها و بیانات مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» نیز به وفور دیده می‌شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

- امروز فرصتی تاریخی و استثنایی است برای این که قرآن در هدایت فکر و عمل انسان‌ها، قدرت و چیرگی خود را نشان دهد. اما این متوقف است بر این که ما خود، به سرچشمه جوشان معارف و هدایت قرآن دست یابیم. قرآن را بفهمیم، در آن تدبّر کنیم، آن را محور بحث و فحوص سازیم و در اعماق آن غور کنیم.

واقعیّت تلخ این است که قرآن هنوز در جامعه ما، یک امر عمومی نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند و احترام می‌گذارند؛ اما عده کمی همواره آن را تلاوت و عده کمتری در آن تدبّر می‌کنند.

- تلاوت قرآن، بزرگ‌ترین شرف است؛ هم چنان که پیامبر «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» فرموده‌اند: اشرافُ اُمتی حَمَلَةُ الْقُرْآن.

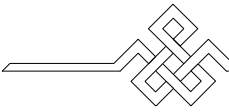
- اگر ملتی بخواهد به قرآن عمل کند، قدم اولش آشنایی با همین الفاظ و ظواهر قرآن است.

- عامه مردم باید با قرآن انس بگیرند. این انس، حرکت به سمت مفاهیم قرآن را تضمین می‌کند.

- یک آیه را که شما خوب می‌خوانید؛ گاهی از یک ساعت سخنرانی یک نفر درباره آن

آیه، بیشتر ارزش دارد، یعنی این تلاوت واقعاً انقلابی در روح ایجاد می‌کند.

- شکر هر نعمتی، عبارت است از این که انسان آن نعمت را در جای خودش صرف کند و



شکر این صدای خوب و این نفس قوی و این آشنایی با رموز تلاوت، همین است که گفته شد.

\* معظم له در لزوم رعایت تجوید می‌فرماید:

- صحیح خواندن را جدی بگیرید. باید صحیح بخوانید.

من می‌بینم بعضی از قراء خوب ما وقتی می‌خوانند، هنوز در گوشه و کنار خواندن‌هایشان

یک بخش‌های ناصحیحی روی مبنای عربی خوانی و تجوید هست که نباید باشد!

مد زیادی، ادغام ناقص، اخفای ناقص، که در نتیجه می‌شود غلط خوانی!

\* در خصوص لزوم توجه به وقف و ابتداء صحیح می‌فرماید:

- پریشب من تلویزیون را تماشا می‌کردم، یکی از قاریان ایرانی قرآن می‌خواند؛ واقعاً قطع و

وصلش آدم را کلافه می‌کرد!

چرا این گونه قطع و وصل می‌کنید؟ این یک علم است در قرائت!

نگویید که فلان کس در مصر خوانده؛ بی‌خود کرده که خوانده؛ مگر هر چه را هر کس

بخواند، همان برای شما حجت می‌شود؟

- من به برادرانی که اهل تلاوت قرآن‌اند مکرر یادآور شده‌ام که شما نمی‌توانید خوب

تلاوت کنید در حالی که نمی‌دانید کجا باید وصل کنید، کجا باید وقف کنید و کجا را مناسب

است با چه لحنی بخوانید.

و توصیه‌های دیگری که فراوان مطرح فرموده و قاریان محترم را بدان هشدار و توجه

داده‌اند.

#### د) نگاهی به وضعیت کنونی تلاوت و بررسی استدراجی آن

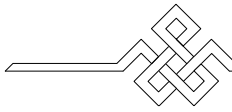
نگاهی به ادوار گذشته و فاصله گرفتن از اصالت‌های منحصر به قرائت قرآن کریم، این

اختلاف فاز و تغییرات نسبتاً غیراصولی در این فن شریف را به خوبی نشان می‌دهد که بایستی

برای بهبود آن چاره‌اندیشی شود.

هر چند امید واثق داریم، نسل کنونی با پیروی از اصالت‌ها، این امتیاز را ارج بنهد. و بحمدالله

این مهم، در تلاوت‌هایی که اخیراً از برخی عزیزان شنیده می‌شود، کاملاً مشهود و قابل تحسین



است ولی کافی نبوده و به نظر می‌رسد، الگو قراردادن قرائت‌های اصیل، باید به طور جدی در دستور کار قرار گرفته و به عنوان یک روش مبنایی ادامه یابد؛ و اساتید محترم نیز شاگردان خود را بر این مسیر روشن، راهنمایی و دلالت کنند و در این رابطه، بشیر و نذیر باشند. «یعنی هم قرائت را بیاموزند، هم اخلاق قرائت را»

ما به اندازه کافی مورد هجمه دشمنان هستیم. قرآن کریم در حال حاضر مورد تهاجم دشمنان است. باید سعی کنیم هرچه می‌توانیم پایه‌های اعتقاد به این کتاب مبین را به روش‌های صحیح و درست، در ذهن شاگردان و مخاطبین خود القاء کنیم. حمل گوهر قرآن کار بسیار دشواری است. چون دائماً شیاطین در کمین‌اند تا اعتقادات ما را مورد هجمه و دستبرد قرار دهند.

فرمان قرآن در این خصوص عبارت از این است که «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قاریان عزیز این نکته مهم را باور داشته باشند که در هنگام قرائت قرآن، حلقوم آن‌ها مجرای کلام وحی است و باید قدر این نعمت عظیم را بدانند.

دقت داشته باشیم که وفور ذلت باطنه، موجب ظهور عزت ظاهره می‌شود، و این همان اقرار به عجز و ناتوانی در برابر ذات احدیت و دوری از تصویری است که شیطان را به آنانیت کشانیده و پشتوانه ۶ هزار سال عبادتش را به باد فنا داد! مبادا برخوردار بودن از این هنر شریف، در ما ایجاد غرور کند و خصم دیرینه (اِنَّه لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ) را بر ما فائق آورد و بشود آنچه نباید بشود.

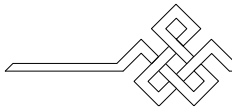
فراموش نکنیم که تمامی خلقت نیازمند به خداوند منان است و هیچ نیرو و اراده‌ای بدون اراده حق تعالی، در جهان هستی تأثیرگذار نیست (لَا مَوْثِرَ فِي الْوُجُودِ اِلَّا اللهُ).

و این حقیقت را باور کنیم که در برابر او فقیر مطلق هستیم و او غنی مطلق است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (سوره فاطر: ۱۵)

تردید نکنیم که اگر امدادهای او شامل نشود و حضرتش یاری نفرماید، اراده انسان مؤثر نخواهد بود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، و در هر قدمی که به سوی او برمی‌داریم، از





خودش استمداد بطیلم و درخواست کنیم تا در این راه پرخطر، دستگیر و راهنمای ما باشد. چون فقط در حریم امن الهی است که می‌توان از شرّ وساوس شیطان و آسیب‌های دنیایی در امان بود. اساتید عزیز بعد روان‌شناختی خود را تقویت کنند و قبل از شروع به آموزش و پرورش شاگردان خود، ظرفیت آن‌ها را شناخته و منطبق با اندازه ایشان، به تعلیم پردازند تا معاذالله به بیراهه نروند و طالبان این فیض عظیم، با قلب سلیم، به سرمنزل مقصود واصل شوند.

اندازه‌نگهدار اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است

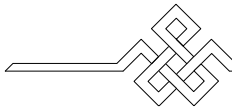
به عزیزانی که ان‌شاءالله در آینده‌ای نه چندان دور، قاریان و حافظانی ممتاز خواهند شد، توصیه می‌کنیم که قبل از ورود به عالم حفظ و قرائت، خودیابی کنند و از حدّ و اندازه خود با خبر شوند (عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ) و بدانند که برای چه و با چه هدفی وارد این بحر بیکران می‌شوند؛ سپس با نیت خالص وارد شوند.

- در کلاس‌هایی شرکت کنند که جامع و دربرگیرنده اصول و فروع باشد و به همه امورات معنوی و اخلاقی، از جمله آموزش تخصصی قرائت قرآن کریم، پرداخته می‌شود.

- برای رضای خدا قرآن بخوانند، نه خلق خدا. و قصدشان این باشد که از مَصْعَد و بِالْأَبْرِ این کتاب مبین، بیشتر برای امور آخرت استفاده کنند تا امور دنیا؛ که اگر اینطور شد، هم دنیای‌شان آباد می‌شود، هم آخرت‌شان.

- سعی کنند در مراسم و محافلی که برای قرائت قرآن دعوت می‌شوند «به اقتضاء، قرائت کنند نه به تقاضا»

محصول تقاضا، هدیه‌ای است که خرج اکل و شرب می‌شود؛ اَمَّا ثَمَرَةُ اِقْتِضَاءٍ، دست‌یابی به سِرِّ فِرْقَانٍ و تمییز صبیح کاذب از صبیح صادق است و فرآیندی جز باقیات الصالحات ندارد «و الاخرة خیر و ابقى»



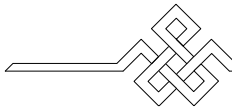
- برای جبران کمبودهای مادی خود از این مسیر نورانی، اصرار نوزند و بیشتر در پی جبران کمبودهای معنوی خود باشند و با پوشیدن لباس تقوی (که نیکوترین جامهٔ جسم و جان است) تکریم شوند و کرامت یابند. وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَالِكَ خَيْرٌ (اعراف: ۲۶)

### سخن آخر

اگر از هر یک از ما خواسته شود که فی‌المجلس ۳۰ نفر از ده‌ها اساتید و قاریان برجستهٔ مصری را (از متقدمین تا معاصرین) که تلاوت‌های ایشان غالباً از حیث تجوید عملی سالم‌تر، صحیح‌تر و نسبتاً بی‌عیب‌تر است، نام ببریم، فکر می‌کنید نام چند نفر از ایشان به ذهن خطور می‌کند؟

به نظر می‌رسد، در خلال یادآوری، با مشکل کمبود اسامی روبرو خواهیم شد! حال اگر این تعداد به ۲۰ و کمتر از آن تقلیل یابد، قطعاً سرعت تصور بیشتر شده و فقط اسامی تعدادی از ایشان که در چند نام ماندگار شهرت دارند، متبادر به ذهن می‌شود که همگی از متقدمین و متأخرین‌اند و احتمالاً در درجات بعد، تعداد اندکی از معاصرین نیز به فهرست‌مان اضافه می‌گردد. و این امر در خصوص اساتید و قاریان ایران اسلامی نیز مصداق داشته و تعداد انگشت‌شماری از ایشان، که به عنوان اساتید شناخته شده و قاریان نسل طلایی قرائت در چند دههٔ گذشته (دهه‌های ۵۰ و ۶۰) و بعضاً نیز خروجی تجوید محوری در مسابقات بوده (مربوط به دهه‌های ۶۰-۷۰ و نیمهٔ اول ۸۰) و از اساتید مطرح و سکان‌دار این امر مبارک در کشور می‌باشند، نام برده خواهد شد.

فلذا اهمیت بخشیدن بیش از حد لازم به مقولهٔ صوت و لحن در مسابقات قرآنی و کمرنگ شدن قدر تجوید و وقف و ابتداء، تجربهٔ تلخی بود که در سالهای اخیر و با حسن نیت و برای تلطیف هر چه بیشتر قرائت‌ها مورد توجه برخی از اساتید قرار گرفت و به رغم بهره‌مندی قاریان ما از مزایا و فراگیری مبانی هنری آن (که بایستی با دقت و کنترل بیشتری صورت می‌پذیرفت) تبعات مناسبی نداشته و در مواقعی نیز به عنوان مهم‌ترین اصل قرائت محسوب می‌شود! به طوری که در برخی از تلاوت‌ها این خلأ جدی (تجوید عملی) کاملاً مشهود است و امیدواریم در فرصتی



عاجل و با توجه به عوارض غیرمتوازن آن، مورد عنایت اساتید گرانقدر قرار گرفته و به نحو مقتضی چاره اندیشی فرمایند.

این که گفته شود کسر ۵ امتیاز از وقف و ابتداء و افزودن آن به امتیاز صوت و کسر ۵ امتیاز از تجوید و افزودن آن به امتیاز لحن اهمیت چندانی ندارد؛ شاید در ظاهر این چنین باشد و ناچیز جلوه کند؛ اما در باطن امر، تغییرات ماهوی ایجاد نموده و از جهات روانی نیز تأثیرات به سزایی دارد و این نقیصه و کمبود (قرائت سالم) در تلاوت‌های سال‌های اخیر واضح و مبرهن است؛ و به نظر می‌رسد در مقوله تجوید و وقف و ابتداء که به تعبیری اساس قرائت‌اند، نوعی تنزل کیفی رخ داده و تلاوت‌ها غالباً از چارچوب واقعی و استانداردها فاصله پیدا کرده است.

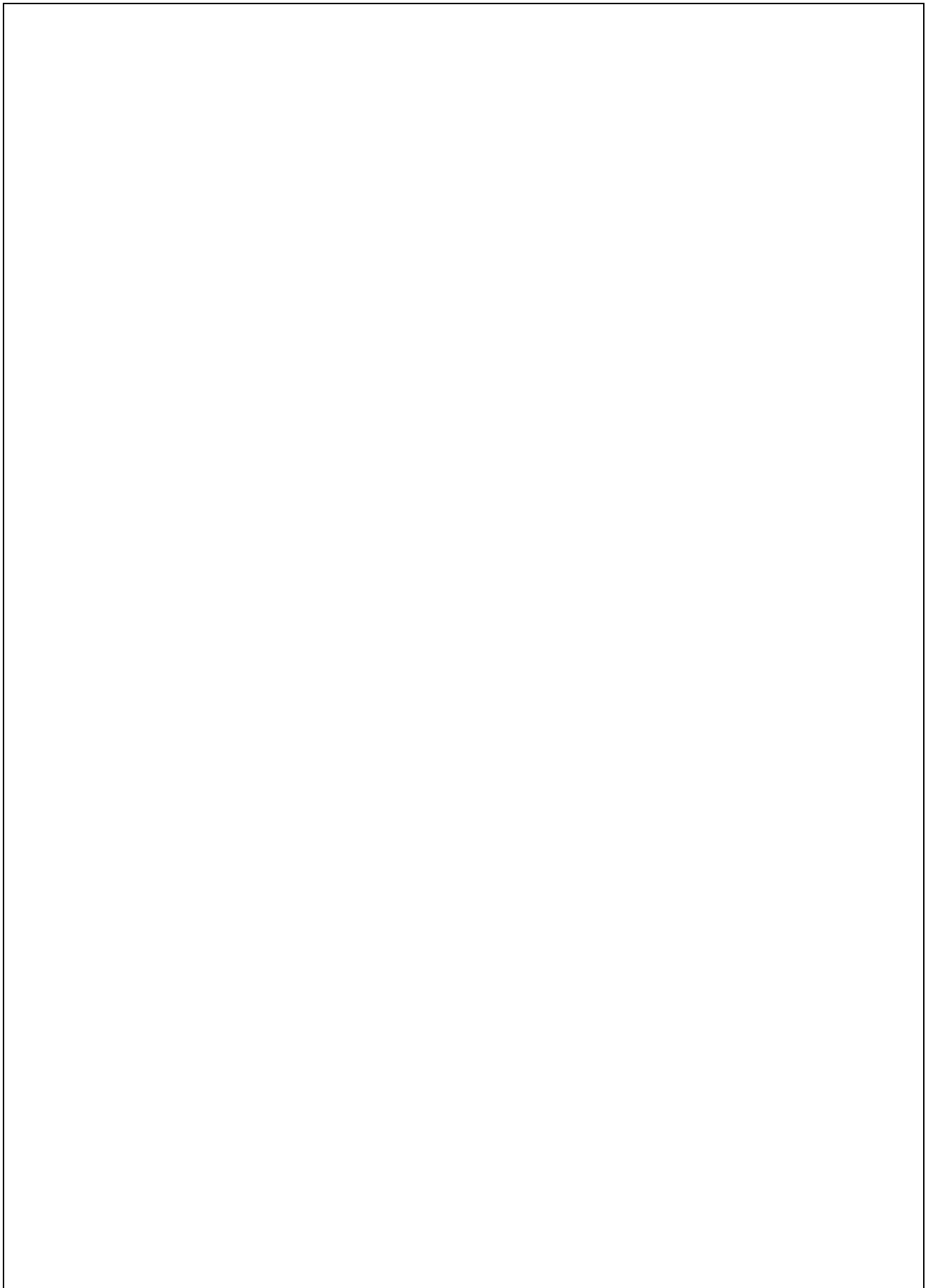
و اما در این برهه از زمان که بحمدالله اقشار مختلف مردمی به این امر مقدس (حفظ و قرائت قرآن کریم) اقبال نو نشان داده‌اند و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله‌العالی» نیز کراراً بر تربیت نسل‌های قرآنی تأکید فرموده و از حفظ قرآن کریم به عنوان یکی از ملزومات این انس یاد می‌کنند؛ برماست که در امر فصیح‌خوانی حافظان و قاریان ارجمند اهتمام ورزیده و با توجه به توصیه‌های معظم‌له و اساتید این فن شریف، مشتاقان این سیر نورانی را با اصول و مبانی اصیل آن بیشتر آشنا نموده و در این نهضت قرآنی تشریک مساعی مضاعفی داشته باشیم. که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند :

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعَلُّمِهِ.

سزاوار است مؤمن تا نمرده است قرآن را یاد گیرد و یا در راه یاد گرفتن باشد.

نگته‌ها چون تیغ برآن است تیز	گرنرداری تو سپر واپس گریز
پیش این پولاد بی‌اسپر میا	کز بُریدن تیغ را نبود حیا
از خدا می‌خواه تا زین نکته‌ها	در نلغزی و رسی در انتها
چونکه از قرآن بسی گمره شدند	با رسن قومی درون چه شدند
مر رسن را نیست جرمی ای عنود	چون تو را سودای سر بالا نبود

« مثنوی مولوی »





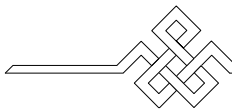
**تلاوت استادانه با عنایت به :**  
**ابزارهای صوتی و لحنی، تجلی محتوا، مفهوم و حسن انتخاب آیات**  
**در مناسبت‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها و مخاطبان خاص و عام**

علی اکبر حنیفی

**مقدمه**

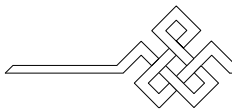
هدف از انجام کارها، حتی برای انجام یک کار معلوم و مشخص، می‌تواند متفاوت باشد، مثلاً گل برای زینت، استفاده از خواص دارویی و تزئینی و یا استخراج رایحه و عطر و... مورد علاقه است. اما باغبان، گلی را برای کسب درآمد می‌کارد و شخص دیگری همان گل را برای تزئین منزل شخصی و یا استفاده دارویی خریداری و تهیه می‌کند، و یا سازمان و نهادی، جهت استفاده و بهره‌برداری عموم مردم، اقدام به کاشت گل و گیاه می‌نماید.

شکی نیست که برخی از گلها صرفاً در سایه و به دور از آفتاب و برخی حتماً در آفتاب و انواعی از آنها فقط در هوای مرطوب و دسته‌ای از آنها در هوای خشک و گونه‌هایی مخصوص در مناطق کوهستانی و وحشی هستند و گونه‌هایی در گلدان و شماری از آنها در گلخانه و برخی



- در هوای آزاد و جایگاه بزرگ قابلیت کشت دارند و دهها فرض دیگر...
- قرائت قرآن مجید نیز با اهداف خاص و عام و تحت شرایط و ویژگی‌های مختلفی انجام می‌شود که در این مقام به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.
- اهم مواردی که با موضوع مقاله مرتبط بوده و در حد امکان تشریح خواهند شد، عبارتند از:
۱. عنوان مقاله با یکی از ضوابط لحنی در آئین‌نامه‌های مسابقات قرآنی، هم پوشانی دارد.
  ۲. فرق قرائت و اقراء و تفاوت‌های مفهومی و اجرایی آنها و شواهد مربوط.
  ۳. انواع اقراء: اقراء کلامی (فصحی‌خوانی) - اقراء نغمی.
  ۴. تفاوت‌های اجرایی اقراء کلامی و نغمی. محدودیت‌های اجرایی هر یک از آنها و...
  ۵. نقش صوت و ابزارهای آن در تجلّی محتوا و مفهوم.
  ۶. نقش لحن بیانی در قرائت.
  ۷. تعابیر و تفاسیر لحنی، حالت‌های لحن بیانی.
  ۸. نقش نغم در تلاوت قرآن
  ۹. تفاوت‌های آشکار و بین‌دنیای موسیقی و فضای قرائت قرآن مجید. (ریتم و ساز - محدودیت‌ها و مشروعیت‌ها)
  ۱۰. تخصیص حالت حُزن در خصوص قرائت قرآن مجید و حذف فیزیکی جمیع حالت‌های اجرایی - بیانی دیگر از عالم قرائت
  ۱۱. نحوه عملکرد مقام‌ها، ملودیها، نغمه‌ها، تحریرهای بیانی، جلوه‌های ویژه بیانی، در محتوا و معنا
  ۱۲. حسّ، یکی از عوامل اصلی و ابزارهای درونی مؤثر در ایجاد حالت‌های درست بیانی (شکی نیست که حس محور اتصال لفظ و لحن و ماده و معنی در قرائت است)
  ۱۳. احادیث و روایات و فرمایش بزرگان در خصوص موارد مذکور در مقاله.
  ۱۴. مناسبت‌ها، زمان‌ها، مکان‌ها، مخاطبان (صنف، سن، جنس...)
  ۱۵. حسن انتخاب آیات و تطبیق و تخصیص آنها برای موارد مذکور.

\*\*\*\*\*



۱- عنوان مقاله با ضوابط لحنی و معیارهای آن در آئین نامه مسابقات رسمی کشور، مطابقت دارد.

توضیح: در آئین نامه مسابقات رسمی در بیان ضوابط و معیارهای لحنی به مواردی برخورد می‌کنیم که مهمترین آنها بشرح زیر است:

تنوع ردیف‌های لحنی و پرده‌ها، صرف نظر از تغییر نغمه و یا درجه و فاصله با مقصد تنوع بخشی که به لحاظ جلوگیری از ملال و خستگی مخاطب انجام می‌شود، توجه به معنا و فضا و محتوای آیات یکی از علل تغییر مقام و نغمه و درجه می‌باشد.

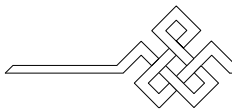
رعایت تکیه‌های صوتی یا نبرها

نبرها از مهمترین عامل فهم آیات هستند، چرا که اگر نبره‌ای مطابق معنا، رعایت نشود، اساساً ممکن است معنای آیه عوض شود مثلاً در بیت زیر با تغییر نبره دو معنای کاملاً متضاد ایجاد می‌شود:

حالت اول) تن آدمی شریفست به جان آدمیت      نه همین لباس زیباست نشان آدمیت  
حالت دوم) تن آدمی شریف است به جان آدمیت؟      نه، همین لباس زیباست نشان آدمیت  
و در قرائت قرآن مجید مثلاً جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را می‌توان به دو صورت اخباری و سؤالی خواند که دو معنای کاملاً متضاد ارائه می‌دهد.

فرود زیبا: شروع و فرود زیبا چه از نظر انتخاب قطعه و چه از نظر نغمه و حالت مهم است. فرض کنیم قاری انتهای سوره حج به سوره مؤمنون وصل و اول آیه ۶ (أَلَا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ) فرود بیاید. و یا در وصل دو سوره تا « وَالضُّحَىٰ \* وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ » بخواند و فرود بیاید، در اینصورت موجب تعجب مخاطب خواهد شد، و یا فرود را با آهنگی غیر مناسب و یا با حالتی نامتعارف اجرا کند که این‌ها نیز مثل بسیاری از حالات نامناسب، از تلاوت باید حذف شود.

مواردی نظیر القای معانی و مفاهیم آیات نیز در آئین نامه ذکر شده که در یک تلاوت استادانه، بسیار مؤثر است و بین قاری آگاه و ناآگاه از معانی، فاصله می‌اندازد. توجه به معانی و مفهوم عبارتهای قرآنی در تلاوت قرآن مجید یک اصل انکارناپذیر است که باید سرلوحه



تمرینات و هنرنمایی او قرار گیرد.

۲- فرق قرائت و اقراء و تفاوت‌های مفهومی و اجرایی آنها و شواهد مربوط.

- اقراء: «عبارت از خواندن قرآن بر کسی و واداشتن و ترغیب او بر قرائت قرآن است»

اقراء در قرآن مجید به عنوان خواندن قرآن برای دیگری تعریف شده است.

در سوره اعلی آیه ۶ می‌فرماید: «سنقرئک فلا تنسی»، یعنی به زودی قرآن را بر تو خواهیم

خواند و تو آنرا فراموش نخواهی کرد.

در حدیثی، از رسول خدا نقل شده است که فرموده‌اند: «خیرکم من تعلّم القرآن و أقرّءه»<sup>۱</sup>

یعنی، بهترین شما کسی است که قرآن را بخواند و برای دیگران نیز تلاوت نماید.

اگر چه بعضی کلمه «اقراء» را تعلیم دادن ذکر نموده‌اند ولی باز هم به مفهوم آنست که آنچه

را خود می‌خواند به دیگران نیز انتقال دهد، و در هر صورت «اقراء» برای دیگران خواندن و یا

عرضه آن به استاد برای ملاحظه درستی قرائت می‌باشد.

البته در فضیلت یادگیری و یاد دهی قرآن شکی نیست، کما اینکه حضرت رسول اکرم

فرموده‌اند:

«خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه» یعنی بهترین شما کسی است که قرآن را فراگیرد و به

دیگران هم یاد دهد.

این حدیث در بعضی منابع دیگر به صورت «خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه» نقل شده است.

در کشورهای عربی به قاریان مشهور «مقرء» گفته می‌شود. مقرء، کسی است که قرآن را بر

دیگران می‌خواند. این واژه که به قاریان طراز اول اطلاق می‌شود، از آن جهت افتخار آمیز است

که اولین مقرء قرآن، خداوند سبحان می‌باشد، آنجا که فرمود «سنقرئک فلا تنسی». این کلمه فقط

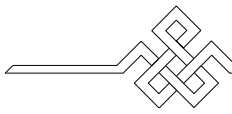
یکبار و آن هم در آیه ۶ سوره اعلی آمده است.

۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ح ۲۳۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۸۹، صفحه ۱۸۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۵، حدیث ۴۵۷۹.





هدف و مقصود از اقرآء انتقال لفظ و متن به منظور آگاهی بخشی از محتوای متن است، پس در اقرآء هم لفظ و هم معنا منتقل می‌گردد. بنابراین قاری می‌بایست انتقال الفاظ و معانی را به بهترین و صحیحترین شکل ممکن مورد توجه قرار دهد.

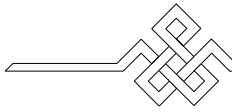
### ۳- انواع اقرآء: اقرآء کلامی محض (فصیح‌خوانی) - اقرآء نغمی

اقرآء کلامی محض، قرائتی بسیار هنرمندانه و هوشمندانه و جذاب و مؤثر برای دیگران است، که البته تمام ضوابط قرائت و ارکان آن از قبیل تجوید، وقف و ابتدا و صوت به استثنای نغمه کاملاً مراعات می‌شود و قرائتی کاملاً تخصصی و در عالی‌ترین درجه قرار دارد. چنین قرائتی به ویژه اگر صدای مقرر، رنگ خوبی داشته باشد رعشه بر اندام شنونده می‌افکند و تا عمق وجودش نفوذ می‌کند. به این قرائت فصیح‌خوانی قرآن هم اطلاق می‌گردد. در تمام کشورهای اسلامی و به ویژه کشورهای عربی، از این قرائت برای تلاوت آیات، اذکار و قرائت ادعیه و مناجات و خواندن احادیث استفاده می‌شود.

اقرآء نغمی یا قرائت منغوم قرآن مجید بر دیگران یعنی مخاطبین است.

منظور از نغم، همه آنچه که در موسیقی مطرح می‌باشد نیست. در موسیقی، ملودی و سرعت، ریتم، صوت، ساز، کلام و شعر، تصفیر و دست‌افشانی و آواز و غیره مطرح است، اما در قرائت قرآن، صرفاً در قالب ملودی و صوت انسان و کلام الهی موضوعیت پیدا می‌کند. اساساً دو چیز خمیر مایه و عنصر و ماده اصلی موسیقی است که اگر آنرا از موسیقی بگیرند، دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند، و آن دو چیز: یکی ریتم است و دیگری ساز. در حالیکه اگر این دو چیز و یا یکی از آن دو به قرائت قرآن آمیخته شود قرائت قرآن از مشروعیت و مقبولیت ساقط می‌شود، زیرا به موجب احادیث وارده در قرائت قرآن نمی‌توان از ریتم و ساز استفاده کرد.

- در مورد ریتم از امیرمؤمنان نقل شد که قرآن را مانند نوحه نخوانید (زیرا نوحه ریتم دارد) علاوه بر آن، ریتم با تجوید و وقف و ابتدا کاملاً تضاد دارند و قابل جمع نیستند.



- دربارهٔ عدم استفاده از ساز در قرائت قرآن نیز حدیث ذیل، نمونه واضحی است: «من أشرط الساعة اضاعة الاصوات و أتباع الشهوات و الميل الى الاهواء، الى أن قال: فعندها يكون اقوامٌ يتعلمون لغير الله و يتخذونه مزاميراً و يكون اقوامٌ يتفقهون لغير الله و تكثر اولاد الزنا، يتغنون بالقرآن، الى ان قال : و يستحسنون الكوبة و المعازف...»<sup>۱</sup>

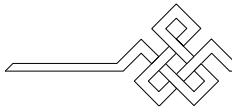
۴- تفاوت‌های اجرایی اقرء کلامی و اقرء نغمی و محدودیت‌های اجرایی هر یک از آنها فضای اقرء کلامی، سخت و محدود است. فرض کنیم فردی روی زمین راه می‌رود، در اینصورت کمی بجهد یا تندتر و کندتر راه برود اما نمی‌تواند بال بگشاید و به آسمان پرواز کند و یا در عمق زمین فرو رود. در صورتیکه در فضای اقرء نغمی، مسأله کاملاً متفاوت، نامحدود و شناور است، مثل کسی که در دریا و یا در استخر عمیقی شنا می‌کند، در اینصورت هم می‌تواند در آن راه برود و سرعت‌های متفاوتی را انتخاب کند و یا از کف آب به سمت عمیقترین قسمت آب فرو رود و یا از اعماق آب پرواز کند و به سطح آب برسد. بنابراین نغم، اقرء را غوطه‌ور و قدرت و امکان حرکت‌های متعدد را فراهم می‌کند. (مثال‌های عملی و توأم با قرائت در جلسه اجرا شد)

در فضای اقرء کلامی فواصل افقی (فواصل زمانی درجات صوتی) و فواصل عمودی (نبره‌ها) محدود و کوتاه و کم هستند، در حالیکه در اقرء نغمی این فواصل بسیار گسترده‌تر و بیشتر هستند. (اجراء عملی در جلسه)

در فضای اقرء کلامی، تحریر وجود ندارد و به تبع آن بحثی از نوع تحریر، ملودی تحریری، سرعت تحریرها و... وجود ندارد و اساساً قابلیت اجرایی تحریر در حد صفر است، در حالیکه این امور از شاخصه‌های اصلی اقرء نغمی بوده و بدون تحریر زینت بخشی قرائت و جاذبه آن به شدت کاسته می‌شود.

در فضای اقرء کلامی بحثی تحت عنوان ملودی وجود ندارد اما در اقرء نغمی، ملودی، اساس اجراء مقامات و نغمات است و نغمات و مقامات با ملودی‌ها شکل می‌گیرند و مفهوم پیدا می‌کنند.

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۱.



نتیجه اینکه فضای اجرای نغمی امکان تجسم حالت‌های حزن، شادی، تهدید، انذار، تبشیر و ..... را دارد.

#### ۵- نقش صوت و ابزارهای آن در تجلی محتوا و مفهوم

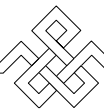
صوت، اولین رکن از ارکان پنجگانه تلاوت است. در عالم سکوت و بی‌صوتی، کلیه ارکان دیگر قرائت به جز فرم «صامت خوانی» موضوعیت خود را از دست می‌دهند. صوت، از مؤلفه‌های متعددی تشکیل می‌گردد برخی از آنها را که ارتباط بیشتری با موضوع مقاله دارند، ذکر می‌کنیم و از ذکر سایر مؤلفه‌ها و تأثیر آنها برای رعایت اختصار خودداری می‌شود.

رنین: آنچه که فعلاً در آئین‌نامه‌ها تحت عنوان «طنین» ذکر شده در واقع «رنین» است که در فارسی «رنگ» و در لغت فرانسه «تمبر» نامیده می‌شود.

حاصل جمع دو مؤلفه صوت که یکی میزان صفا و نقاوت صوت و دیگری شدت صوت است، رنین (طنین) می‌باشد، بنابراین هر چه صدا صافتر و دارای شدت مناسبتری باشد، رنین صوت بهتر و زیباتر خواهد بود. در نقطه مقابل هر چه صدا خش دارتر و گرفته‌تر و شدیدتر و یا ضعیفتر باشد، رنین صوت نامطلوبتر می‌شود. اگر رنین صدا جذّاب باشد، به خودی خود موجب جذب و جلب مخاطب و در نتیجه انتقال محتوا و مفهوم و تأثیر آیات می‌گردد. معروف است که «سعدی» در حال عبور شنید که فردی قرآن می‌خواند با صدایی زشت، گفت چه می‌کنی؟ گفت برای رضای خدا قرآن می‌خوانم. گفت: بیا و برای رضای خدا بخوان!

گر قرآن بدین نمط خوانی      ببری رونق مسلمانی

بنابراین صوت خوش طنین، یکی از موهبت‌های برجسته الهی است که (به تنهایی) نقش به‌سزایی در تأثیر قرائت داشته و مخاطب را در موضع استماع قرار می‌دهد و راه را برای انتقال مفاهیم فراهم می‌سازد. اصطلاحاتی نظیر صوت حسن، صوت خاشع، صدای گرم، صدای ملکوتی، صدای حزین، صدای دلنشین، صدای آسمانی و دیگر اصطلاحات رایج، در واقع توصیف نقش «رنین» صدا در قرائت می‌باشد.



- درجات و فواصل صوتی:

این مبحث دارای اهمیت ویژه‌ای است. چرا که محور بین صوت و لحن می‌باشد. یعنی علاوه بر اینکه موضوعی صوتی است، در همان حال مقوله لحنی هم می‌باشد و عملکرد این بخش در حقیقت به کیفیت تجلی محتوا و مفهوم و انتخابها می‌انجامد و آنرا بهبود می‌بخشد. «حرکت یعنی انتقال از یک مکان به مکانی دیگر» و فواصل اصلی و مهم در قرائت، در واقع حرکت روی نقاط و خطوطی است که مطلوبیت قرائت و اشتیاق بر قرائت را به شدت افزایش می‌دهد.

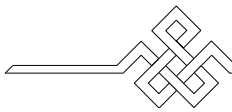
بدنه یک مقام از سه نقطه محوری و مفصلی یا سه فصل تشکیل شده که قطعات منفصله مقام هستند، این سه فاصله از زیباترین و تأثیرگذارترین فواصل و درجات صوتی محسوب می‌شوند. ملودیه‌ها و ضمائم و ترکیبات لحنی و نغمات یک مقام در محدوده و وسعت یک اکتاو اجرا می‌شوند.

هر اکتاو از دو فاصله ۳ یا ۵ درجه‌ای تشکیل می‌گردد، که به ترتیب ثلاثی، جنس و عقد مشهور هستند.

فواصل چهارصدایی که واحد ملودیک و پایه نغمات هستند در فارسی «دانگ» و در فرانسه تراکورد و در عربی به «جنس» معروف و مشهورند. بنابراین در یک اکتاو که محدوده اجرایی کامل یک مقام است، دو جنس وجود دارد که به آنها جنس ادنی و جنس اعلی گفته می‌شود. اولین صدای جنس ادنی که همان حرکت اول است برای مشخص شدن میزان فرکانس صدای مورد نظر برای شروع تلاوت ضرورت دارد، به عبارت دیگر صرفاً جنبه «کرسی» در خطاطی را دارد مثل خط نازک و نامحسوسی که روی صفحه می‌کشیم تا حروف و کلمات و عباراتی را که می‌نویسیم در ردیف هم قرار گرفته و صاف و مرتب شوند و اشاره به هیچ نغمه‌ای ندارد و به آن درجه تونیک و یا به عربی درجه رکوز نیز گفته می‌شود.

بنابر نظر مشهور در لحن، به نقطه رکوز یک مقام قرار (حرکت اول) و به درجه پنجم آن

۱. کتاب الموسیقی العربیه - عمر عبدالرحمن الحمصی .



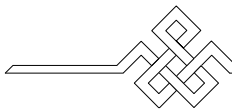
رکوز «جواب» (حرکت دوم) و به درجه هشتم آن «جواب الجواب» گفته می‌شود، اگر چه در صوت به درجه رکوز قرار و به اکتاو آن جواب و به اکتاو بعد از آن جواب الجواب گفته می‌شود ولی اشتراک مفهومی هر دو نظریه قابل اثبات می‌باشد. در هر صورت، این سه نقطه، محور و اساس اکثر امور صوتی و لحنی و اجرای حرکات مختلف الحان می‌باشند. این سه نقطه خاص که در سه نقطه ویژه و مرزبندی شده و بلوکه شده از یک مقام کاملاً معین هستند، بهترین و زیباترین و مؤثرترین و مطلوبترین درجات هر مقام به شمار می‌روند و به همین علت به آنها «حرکت» هم گفته می‌شود، چون نقطه عطف و محور انتقال از یک ملودی به ملودی دیگر هستند. هر کدام از این نقاط ذکر شده اثرات مفهومی و حسی و محتوایی متفاوتی را بر مخاطب می‌گذارند:

الف - خواندن یک مقام روی الفاظ آیات بر روی درجه رکوز و قرار یک مقام، مخاطب را در حالتی معنوی فرو برده و فضا را ملکوتی می‌نماید. به طور کلی صداهای بَم «درون گرا» هستند.

ب - خواندن آیات قرآن مجید روی درجه پنجم (حرکت ثانویه)، مخاطب را در حُزن و اندوه و عمق فرو می‌برد و شنونده را بیشتر مجذوب می‌کند و تأثیر حرکت قبلی را افزایش و اثر آنرا تکامل می‌بخشد.

ج - خواندن آیات الهی روی درجه هشتم مقام البته به شرطی حرکات قبلی در گامهای بالا اجراء شده باشند موجب هیجان مخاطب و توجه شدید و جلب کامل او می‌گردد و احساس مخاطب را تحریک و به شنیدن دقیق آیات و علت زیر و بم شدن صداها دقیق و حسّاس می‌نماید، این صداها برون گرا هستند.

نتیجه اینکه نقاط برجسته و حرکتهای مختلف در یک مقام وسایلی هستند که برای بیان بهتر قسمتهای مختلف یک داستان و یا گفتگو و مطلبی که در قرآن ذکر گردیده لازم و ضروری و موجب تمیز این بخشها از یکدیگر و تجسّم محتوا به صورت مناسب از طریق انتخاب صالح و شایسته فاصله مورد نظر می‌باشد.



مثلاً یک حرکت می‌تواند قول قائل باشد و حرکت دیگر پاسخ مخاطب قول یا یک حرکت قسم باشد و حرکت بعد جواب قسم و مقسم له و یا حرکتی شرط و حرکت دیگر جزای شرط.

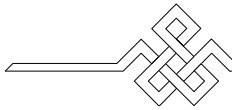
۶ و ۷- نقش لحن بیانی در قرائت (تعبیر و تفاسیر لحنی، حالت‌های لحن بیانی)

در تشریح کلمه لحن به سه موضوع مهم لفظ و حسّ و نغم که اعضاء پیکره و شاکله لحنی هستند، بر می‌خوریم (لام لحن لفظ است و حاءش حال لین نون آن نغم است و آهنگ حزین) نغم تنها بعد موسیقایی لحن، به شمار می‌رود که اصطلاحاً به آن، لحن مقامی می‌گوییم و به مجموعه مطالب و موارد دو بعد دیگر که لفظ و حسّ هستند، «لحن بیانی» اطلاق می‌شود (به برخی موارد لحن بیانی «لحن الاداء» گفته می‌شود ولی «لحن الاداء» شامل همه موارد لحن بیانی نیست و لذا «لحن بیانی» جامعتر و کاملتر می‌باشد)

مهمترین مقوله‌هایی را که در لحن بیانی قرار دارند و کاملاً با موضوع مقاله مرتبط می‌باشند، عبارتند از:

الف - متن و کلام که مرتبط با لفظ می‌باشند. کلام و نطق، یکی از بارزترین صفات انسانی است و انضباط و انطباق الفاظ و کلمات و جملاتی که انسان به کار می‌برد، نسبت به انتظارات موجود در مخاطب و مستمع، از ارتباط عمیقی برخوردار است، به نحوی که اگر شخصی نتواند الفاظ و کلمات و جملات را به جا و درست استفاده کند، سلامت عقل خود را زیر سؤال برده است. و برعکس، هر اندازه مفاهیم و مقاصد مورد نظر، ادیبانه و عالمانه مطرح شوند، زیباتر و تأثیرگذارترند و آنهایی که به این قله‌ها رسیده‌اند، همواره نام و نشان تاریخی به دست آورده و ماندگار شده‌اند.

از آنجا که متن که پایه لفظ است و در قرآن مجید و قرائت آن، ساخته و پرداخته و مصنوع فکر و اندیشه و دست بشر نیست، و کلام خداوند می‌باشد، پس به قدری مرتفع است که درک شکوه و عظمت زیبایی‌ها و بواطن آن برای بزرگ‌ترین و نامی‌ترین ادباء و عقلاء و علماء و فضلا و دانشمندان در طول تاریخ زندگی بشر محال می‌باشد و لذا فکر و اندیشه و ذوق و سلیقه و احساس بشر در آن راه ندارد.



از پشه‌ی لاغری چه خیزد

جایی که عقاب پر بریزد

لحن بیانی به عنوان تحسین قرائت و تزیین متن و کلام و حفظ متن و الفاظ قرآن از انحراف در برداشت، به صورت‌های مختلف عمل می‌کند که برخی از آن‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

#### ب - اختلاف قرائت

تهیه یا ساخت یا بهینه کردن و یا حذف و اضافه در متن قرآن کریم کاملاً منتفی است، چرا که در اختیار بشر نیست و هرگونه تغییر در متن قرآن اگر به اندازه یک نقطه و یا یک حرکت باشد، چنانچه منطبق با روایات متقن و موثق نباشد، قطعاً مردود بوده و تحریف محسوب می‌شود. نتیجه این که جنبه نوشتاری قرآن کریم که همان متن کلام الهی است برخلاف دو عنصر حس و نغم، تابع اراده و اختیار قاری نیست، مگر آن‌چه که در علم قرائات مطرح شده است.

مثلاً تمامی حرکات و کلمات سوره مبارکه «الفاتحه» کاملاً مشخص است و کسی نمی‌تواند و حق ندارد به اختیار و سلیقه خود آن‌ها را تغییر دهد ولی برای بعضی از حرکات و حروف و کلمات، دو یا چند روایت وجود دارد.

همه می‌دانیم که جمله «مالک یوم الدین» یکی از آیات سوره مبارکه «الفاتحه» است. ولی همین کلمه به چند شکل دیگر از جمله ملک، ملّاک، ملیک نیز خوانده شده است. به جز عاصم و کسایی و یعقوب و خلف، باقی قرّاء آن را «مَلِک» خوانده‌اند.

بنابراین در یک تلاوت استادانه، استفاده از وجوه و طرق و روایات مختلف که تفاوت در متن است، شنونده و مخاطب را در فکر می‌برد و سؤال‌های متعددی را برای او به وجود می‌آورد که این خود امری سازنده است و شنونده را به تحلیل معانی و اخذ مفاهیم و مقایسه آن‌ها سوق داده و موجب آگاهی بیشتر او می‌شود، علاوه بر آن تزیین تلاوت از دیگر آثار این روش می‌باشد.



### ج - تجوید

فرض کنید یک متن فارسی را بخواهیم با اصول و قواعد قرائت قرآن - به خصوص - با تجوید بخوانیم، قطعاً زشت و مضحک خواهد شد و بر عکس اگر بخواهیم یک آیه‌ای را با لحن فارسی بخوانیم موجب تعجب و تحیر مخاطب می‌گردد.

تجوید اثرات بسیار مثبتی دارد که بعضی از آن‌ها را که منطبق با موضوع مقاله است ذکر می‌کنیم:

- در صورت عدم رعایت تجوید، مخاطب رغبتی به شنیدن نشان نمی‌دهد، هر چند بسیاری از مخاطبان هیچ آشنایی با تجوید ندارند، اما دوست دارند قرآن را با لهجه درست عربی بشنوند.

- تجوید، تا حدود زیادی موجب حفظ و حراست معنا و مفهوم کلمات و آیات می‌شود، زیرا اگر حروف و کلمات صحیح قرائت نشوند معنا و مفهوم آن‌ها تغییر می‌کند.

- به خاطر رعایت مسایل تجوید و تلاش برای تلفظ درست و رعایت مدود و غنه‌ها و وجود وقف‌ها و اظهار و ادغام و اخفاء و تغلیظ و ترقیق و سکت و ده‌ها قاعده دیگر، حروف و کلمات واضح و روشن تلفظ می‌شود و این مسأله بسیار آموزنده بوده و نقش الگویی دارد.

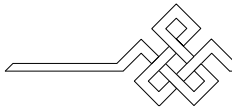
- رعایت تجوید، باعث یکسان شدن لهجه در تلفظ حروف و کلمات قرآنی می‌گردد و قرآء مختلف از ملیت‌های مختلف نیز قرآن را به نحو واحدی تلاوت می‌کنند.

نتیجه این که تجوید علاوه بر حفظ محتوا و مفهوم کلمات، موجب جلب مخاطب و ایفاد نقش یکسان سازی نحوه قرائت شده و در تجمیل و تزیین آن تأثیر دارد.

### د - وقف و ابتدا و کیفیت انطباق آن با معنا و مفهوم آیات

وقف و ابتدا علم موسعی است که صرفاً برای قرائت قرآن مجید ابداع شده است. همان‌طور که علم و فن تجوید، نیز خاص قرائت قرآن می‌باشد، ولی این دو فن گاهی به صورت نسبی در سایر قرائت‌ها هم استفاده می‌شوند.





ارتباط وقف و ابتدا به لحن بیانی در برخی موارد وقف وابتدا مشهود است از جمله وقف بیان و وقف معانقه.

وقف بیان - در قرآن کلماتی هستند که از نظر معنا و لفظ به کلمات ما بعد و ماقبل خود وابسته هستند و اقتضا می‌کند که روی آنها وقف نکنیم ولی برای جلوگیری از ایجاد معانی متفاوت و متضاد و دور از انتظار و اشتباه اگر چه از نظر وقف وابتدا تعلق معنایی و لفظی به مابعد و ماقبل ممکن است داشته باشد، ولی بهتر است روی آنها وقف کنیم. این نوع وقف‌ها را «وقف بیان» نامیده‌اند.

عدی بن حاتم طایی، که محدث و از صحابه پیامبر و رییس طایفه بنی طیّ در دوران جاهلیت و پس از اسلام بوده خبری را از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل می‌کند: جاء رجلان الی رسول الله فتشهد أحدهما فقال: مَنْ یطع الله و رسوله فقد رشد و من یعصهما! فقال رسول الله: قُمْ (اذهب) بئس الخطیب أنت.<sup>۱</sup>

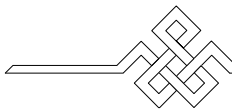
دو مرد خدمت رسول اکرم رسیدند، یکی از آنان گفت (هنگام شهادتین) هر که خدا و رسول او را اطاعت کند رستگار می‌شود و هر که آن دو را نافرمانی کند (و در اینجا وقف نمود و ادامه آن را که «فقد غوی» بود نگفت)، رسول خدا بر آشفته و گفت: برخیز و برون رو، تو بد گوینده ای هستی.

در صورتی که بهتر بود در «فقد رشد» می‌ایستاد و جمله «و من یعصهما فقد غوی» را جدا و کامل می‌خواند ابوعمرو دانی پس از آوردن خبر فوق می‌گوید: اگر هنگام گفت و گو میان دو مخلوق، این گونه وقف کردن ناپسند و بی‌معنا باشد، کراهت این گونه وقف کردن هنگام قرائت کلام خداوند بیشتر و ناشایسته‌تر است.

- مثلاً در خصوص وقف بیان، آیات ۸ و ۹ سوره فتح را مطرح نموده‌اند:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا \* لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّوهُ وَتَتَّقُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾

۱. ابوالفضل علمای، در آمدی بر دانش وقف وابتدا، صفحه ۳۳، به نقل از کتاب «المکنتی» صفحه ۱۳۳.



که بین دو کلمه توقروه و تسبّحوه هیچ علامت وقفی نیست و سه حالت وجود دارد:  
اول - اگر کل آیه یک نفس خوانده شود، از نظر وقف و ابتدایی کاملاً درست است ولی به دلیل شبهه‌ای که ایجاد می‌کند بهتر است یک نفس خوانده نشود.

دوم - اگر روی «توقروه» وقف و از «تسبّحوه» شروع شود هر چند ارتباطی لفظی و معنایی آن‌ها عدم وقف را در اولویت قرار داده ولی چون شبهه‌ای ایجاد نمی‌کند از نظر بیانی در اولویت قرار دارد.

سوم - اگر روی «تسبّحوه» وقف شود، خلاف معنای اراده شده را به ذهن می‌آورد و ضمیر «ه» در «تسبّحوه» به رسول خدا برمی‌گردد در حالی که ضمیر یاد شده به «الله» برمی‌گردد چون تقدیس و تسبیح از آن خداوند است.

#### - وقف معانقه

این گونه وقف‌ها باعث ایجاد معانی جدید و متفاوت به دلیل اختلاف در تفسیر و برداشت می‌گردند.

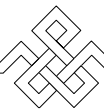
مثال: بعد از آنکه قوم بنی‌اسرائیل از دستور خدا و حضرت موسی در خصوص ورود به سرزمین مقدس، از بیم جانشان سرپیچی کردند، این آیه نازل شد:

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ. (مانده: ۲۶)

حال اگر وقف بر «علیهم» شود معنای آیه چنین می‌شود «این سرزمین مقدس برای همیشه بر آنان حرام و ممنوع است ولی سرگردانی آن‌ها چهل سال طول می‌کشد.

و اگر بر «اربعین سنة» وقف شود، معنای آیه چنین می‌شود: این سرزمین مقدس تا چهل سال بر آنان ممنوع و حرام است.

این کار لحن بیانی است که مجال لازم را برای طرح هر دو حالت و یا جمع آن‌ها فراهم می‌کند. نتیجه این گونه وقف‌ها و ابتداها اگر با حسن سلیقه و اطلاع کافی استفاده شوند، موجب بهبود تلاوت و لحن بیانی و به فکر فروبردن مستمع و جذّابیت قرائت می‌شود.



ه- نبره‌های معنا محور

نبره که به آن آکسان و تأکید و استرس هم گفته می‌شود، یکی از مهم‌ترین عوامل لحن بیانی به شمار می‌رود و علاوه بر ایجاد زیبایی و جاذبه، در ایجاد معانی و جداسازی کلمات و حروف از هم و ظاهر نمودن حالت‌های مختلف و غیره نقش دارد و بر سه نوع است:

۱- نبره‌های لفظی که به بعضی از کاربرد و آثار آن‌ها در بالا اشاره شد.

۲- نبره‌های نغمی که همان اصوات برجسته و ممتاز ریز نغمه‌ها و ملودی‌ها می‌باشد.

۳- نبره‌های لحنی که جمع هوشمندانه، هنرمندانه و عالمانه دو نبره لفظی و نغمی می‌باشد، و در این صورت آهنگ و کلام بر یکدیگر منطبق می‌شوند و اصول بیان الفاظ و انغام به صورت متحد و یکپارچه به تجلی زیبایی‌های کلام و انغام، کمک می‌کنند. در مثال‌های زیر، نبره‌ها را از نظر مفهوم و معنای به وجود آمده بررسی می‌کنیم.

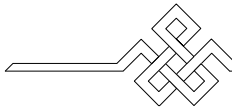
- در یک جمله، به هنگام قرائت متناسب با معنا و مفهوم آن، بعضی از صداها بلندتر و رساتر و قوی‌تر و واضح‌تر و برجسته‌ترند و به همین خاطر صداها «نبره‌دار» نام دارند. تغییر جای نبره به اختیار قاری است ولی در هر صورت در هر ملودی یک دو صدا نبره دار هستند.

به عنوان مثال در جمله «لا اله الا الله» نبره روی «لا» می‌تواند بلندترین آن‌ها باشد تا نفی را برساند، در این صورت کلمه «لا» به معنای «نیست» مورد تأکید واقع شده.

هم‌چنین می‌توان الف «اله» را مورد تأکید قرار داد و برجسته نمود که در این صورت «خدایی» مشخص‌تر شده و یا کلمه «الا» و یا کلمه «الله» که با فرض اجراء درست همه آن‌ها معنا انتقال می‌یابد.

- و یا در جمله «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم»، قاری با تشخیص خود و بر حسب اطلاعات و معلومات خود از مفهوم آیه، جای نبره‌ها را تعیین می‌کند.

- جایگاه یک نبره در جمله و میزان فرکانس و زیر و بمی و ارتفاع آن مطلق نیست و نباید موقعیت آن را به جز مواردی محدود به حرف خاصی تخصیص داد، بلکه قاری با تکرار جمله براساس برداشت‌های متفاوت، می‌تواند اقدام به تفسیر لحنی نماید و چهره‌های مفهومی متفاوتی



ارائه نماید.

به عبارت دیگر با کاربرد نبره‌ها و جابجا کردن محل آن‌ها چه به صورت کلامی و لفظی و چه به صورت نغمی، می‌توانیم تمام احتمالاتی را که - به درستی - در مفهوم و منظور و مقصود آیه وجود دارد پیاده کنیم، که به آن تفسیر لحنی گفته می‌شود.

نتیجه این که معانی و مفاهیم درست جملات و آیات قرآن کریم با وجود نبره‌های صحیح و درست خیلی بهتر ظاهر می‌شوند و در مواردی هم بدون نبره مناسب، مفهوم مورد نظر حاصل نمی‌شود و به طور کلی وظیفه تطبیق قرائت با معنا را که در لحن بیانی یکی از مؤلفه‌های اصلی است، نبره‌ها برعهده دارند.

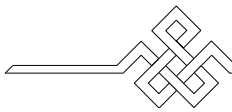
و - تطبیق قرائت با معنا

حالت‌های استفهامی و خبری و تعجبی و تأکیدی و کنایه‌ای و رغبت و شوق و انواع تعبیرات که تعداد آن‌ها را متجاوز از ۱۰ مورد می‌دانند، در لحن بیانی متبلور می‌شود و عامل ایجاد و ارائه آن‌ها لحن بیانی است نه لحن مقامی و به برخی از آن‌ها در بحث نبره‌ها، اشاره شد و در اینجا به دو مثال خاص اشاره می‌گردد.

قرآء بزرگ، به حالت و حس «تشویق» و حس و حالت «اشباع» خیلی تأکید دارند. براساس تعالیمی که تحت عنوان این دو واژه مطرح می‌شود، «تشویق» عبارت است از حالتی در قرائت که مخاطب را به شنیدن جملات و آیات پشت سر هم تشویق می‌کند یعنی هر جمله‌ای را طوری می‌خواند و وقف می‌کند که شنونده احساس می‌کند هنوز مطلب تمام نشده و ادامه دارد و در حالت انتظار قرار می‌گیرد، چرا که نتیجه و هدف از تنزیل آیات قبلی در آیات بعدی مشخص می‌شود. «اشباع» حالت قرائت در هنگامی است که شنونده متوجه تمام شدن جمله و کلام می‌شود.

مثلاً « فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ \* وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ \* إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ \* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ \* تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ » (واقعه: ۷۵ تا ۸۰)

قاری هر یک از آیات فوق را می‌بایست طوری بخواند که شنونده احساس کند اینجا پایان



کار نیست (تشویق) و می‌تواند طوری بخواند و وقف کند که گویی مطلب در اینجا کاملاً تمام گردیده و نقطه پایان است (اشباع)

ز - حس، حال، حالت

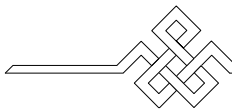
یک وجه مهم بیانی، لحن بیانی است که انتقال مفهوم و معنا را، آن‌گونه که شایسته و کاملاً مورد انتظار است، محقق می‌کند.

رعایت صحیح نبره‌ها، ایجاد حالت‌ها و حس توأم و منطبق بر معنای آیه، از خصوصیات لحن بیانی به شمار می‌رود. در حقیقت مفهوم لحن بیانی، از تطبیق قرائت با معنا و مفهوم آیه معلوم می‌شود.

حالت‌های ترس و وحشت و خوف و تهدید و ناامیدی و یأس و پریشانی و تنفر و انزجار و بیزاری، حالت‌های رضایت‌مندی رغبت و شوق و امید و آرزو و عشق و علاقه و بیان موارد حسن و آرزوها و اهداف پسندیده، دعا، نفرین، خبر، تهدید، تبشیر، انذار، نقل، داستان، روایت سرگذشت و ده‌ها سرفصل دیگر مثل ذکر اوصاف متقین و مؤمنین و یا بالعکس برای انطباق قرائت با موضوع خود، نیازمند حس لازم و داشتن حالت‌های مطابق با مسأله می‌باشند، که بدون آن، مفهوم مورد نظر یا واقع نمی‌شود و یا برداشت صحیحی از جمله و آیه به همراه ندارد و یا احساس مورد نظر را کاهش داده و یا آن‌را تغییر می‌دهد و از حالت جدی به شوخی مبدل می‌سازد. به این نمونه‌ها توجه کنید:

- فرض کنید شخصی به هنگام عرض تسلیت به فرد مصیبت زده، حالت مناسب نداشته باشد، مثلاً به هنگام عرض تسلیت و بیان احساسات خود به او بگوید: «من این مصیبت جانکاه را صمیمانه به شما تسلیت عرض می‌کنم» اما در موقع گفتن این متن، تبسم و قهقهه و حالت شادی داشته باشد!

- فرض دوم: موقعی که کسی بخواهد به دیگری، مناسبت مسرت بخشی را تبریک بگوید، اما حالت و حس عزا به خود بگیرد و مثلاً جمله: «من ازدواج شما دو عزیز را تبریک عرض می‌کنم» را با حالت و حس گریه و زاری بیان نماید!



طبیعتاً، هر دو حالت گذشته خطاست، اگر چه الفاظ و نبره‌ها، درست استفاده شده‌اند ولی به علت عدم تطابق حس و حالت مناسب، چنین گویشی کاملاً مردود است.

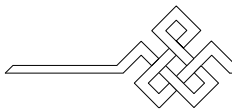
بنابراین در جملات قرآنی مانند: « وَأَمْرَاتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ » (هود: ۷۱)

دو امر خنده و بشارت جمع شده‌اند و نباید با حالت حُزن و اندوه قرائت شود، بلکه باید حالت مناسب را مجسّم سازد.

- مثلاً دو آیه «واعف عنا واغفرلنا و ارحمنا انت مولینا...» - «یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم» از جهت حس و حالت‌های درونی و بیرونی و لفظی و نغمی و حسی یکسان خوانده نمی‌شوند.

### نتیجه‌گیری :

- ۱- تلاوت منطبق با معنا و مفهوم آیات به ضوابط، معیارها، ابزارها و مهارت‌های خاصی نیازمند است.
- ۲- با توجه به اهمیت انطباق معانی آیات با قرائت قاری، در آیین نامه‌های داوری مسابقات قرآنی بندهای متعددی از جمله «رعایت تکیه‌های صوتی یا نبره‌ها» و «القای معانی و مفاهیم آیات» ذکر گردیده است.
- ۳- در اقراء که خواندن قرآن بر دیگران است. وسایل و ابزارهایی که در موسیقی برای انتقال مورد استفاده واقع می‌شوند (از جمله ریتم و ساز) به طور قطع مورد استفاده نیستند و ابزارهای قرایی از جمله نغم بدون ایقاع و وزن ریتمیک و صوت انسان و کلام الهی سه مؤلفه اساسی «اقراء» می‌باشد.
- ۴- صوت، اولین و مهم‌ترین ابزار قرائت است. در عالم «صمت» و بی‌صدایی ارکان قرائت از جمله لحن، تجوید، وقف و ابتدا موضوعیت ندارند. صوت عامل انتقال بین قاری و مستمع است.
- ۵- رنین (طنین) حاصل جمع دو مؤلفه اصلی صوت یعنی «نقاوت و صافی و پاکی صوت» و



«شدت و قوت صوت» می‌باشد و هر چه صدا صاف‌تر و شفاف‌تر بوده و از شدت لازم و مناسب برخوردار باشد، تأثیر صدا بر شنونده و جذب او برای استماع و القای معانی و مفاهیم و پیام آیات، بیشتر می‌شود.

۶- درجات و فواصل صوتی، نقاط برجسته و حرکت‌های مختلف در یک مقام، وسایلی هستند که برای بیان بهتر قسمت‌های مختلف یک داستان و یا یک گفتگو و مطلبی که در قرآن ذکر گردیده لازم و ضروری و موجب تمیز این بخش‌ها از یکدیگر و تجسم محتوا به صورت مناسب از طریق انتخاب صحیح و فواصل صوتی مورد نظر می‌باشد.

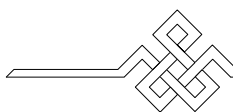
۷- متن و کلام که مرتبط با لفظ می‌باشد، و کلام و نطق یکی از بارزترین ویژگی‌های انسان است و انضباط و انطباق الفاظ و کلمات و جملاتی که انسان به کار می‌برد، نسبت به انتظارات موجود در مخاطب و مستمع، از ارتباط عمیقی برخوردار است، به نحوی که اگر شخصی نتواند الفاظ و کلمات و جملات را به جا و درست استفاده کند، بعضاً سلامتی او زیر سؤال است و کسانی مفاهیم و معانی و مقاصد و مطالب را ادیبانه، عرفانی، عالمانه، هنرمندانه مطرح نموده‌اند، ماندگار شده‌اند.

۸- اهم موارد لحن بیانی عبارتند از: متن و کلام، تجوید، وقف و ابتدا (و مشخصاً وقف بیان، وقف معانقه)، نبره‌های معنا محور، تطبیق قرائت با معنا و حس و حالت و حال مناسب و منطبق با آیات.

۹- در یک تلاوت استادانه، استفاده از برخی وجوه و طرق و روایات مختلف که در تفاوت در متن و اصوات و قرائت می‌باشد، شنونده را در فکر فرو می‌برد و به تحلیل معانی و اخذ مفاهیم و مقایسه آن‌ها سوق می‌دهد.

۱۰- تجوید، علاوه بر حفظ محتوا و مفهوم کلمات، موجب جلب توجه مخاطب و ایفاء نقش القاء معانی و مفاهیم از طریق تلفظ درست حروف و کلمات و تجمیل قرائت می‌گردد.

۱۱- علم وقف صرفاً برای قرائت قرآن است و اهم موارد تأثیرگذار آن در معنا و مفهوم، وقف بیان، معانقه می‌باشند.



- ۱۲- نبره‌های معنا محور موجب تجلی معانی و مفاهیم جملات و آیات قرآن کریم می‌گردند. به طور کلی وظیفه تطبیق قرائت با معنا را نبره‌ها برعهده دارند.
- ۱۳- حس و حالت و حال از ابزارهای لحن بیان می‌باشند، ایجاد حالت و حس منطبق با معنا و مفهوم آیه، جزئی از رسالت لحن بیانی با استفاده از ابزار و مهارت‌های حسی و حالی می‌باشد.





## سبک‌شناسی در هنر تلاوت

غلامرضا شاه‌میوه اصفهانی<sup>۱</sup>

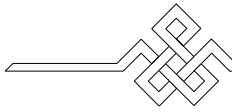
### مقدمه

سخن‌پیرامون موضوعی است که هر چند برای اهالی هنر تلاوت قرآن کریم کاملاً ملموس و قابل درک است اما مع‌الاسف در طی گذشت تقریباً هشتاد سال از سابقه ثبت و ضبط شده فن خوشخوانی قرآن کریم در کشور مصر، هیچ کار مطالعاتی و پژوهشی در مورد آن صورت نگرفته است. بنابراین فقدان منابع مکتوب یا شنیداری در این زمینه هر پژوهش‌گری را با مشکل مواجه می‌کند.

مسئله وجود سبک‌ها در تلاوت قرآن کریم به شیوه مصری که موضوع مقاله حاضر است اگر چه به لحاظ شنیداری موضوعی قطعی و مسلم برای اهل فن به حساب می‌آید اما ابعاد و زوایای آن تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است.

---

۱ . isfahani.1964@yahoo.com

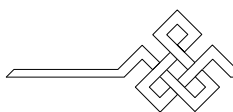


مهم‌ترین دلیل چنین موضوعی، غفلت پژوهش‌گران عرصه موسیقی تلاوت از پرداختن به مسئله سبک‌ها در تلاوت است. شاید نخستین بار این موضوع توسط نگارنده این مقاله در فصل چهارم کتاب «پژوهشی در جلوه‌های موسیقایی هنر تلاوت» به شکل اجمال مورد توجه و بررسی قرار گرفت. بنابراین نوشتار حاضر نیز در راستای همان نگاه اما با اندک تفصیل بیشتر ارایه شده است.

همان‌طور که می‌دانیم در بسیاری از مقوله‌های هنری، فرهنگی و ادبی وجود مکاتب و سبک‌های گوناگون امری غیرقابل انکار است برای نمونه در هنر معماری، به سبک‌هایی مانند رومی، باروک، گوتیک، فولدینگ و آبستره برمی‌خوریم که براساس تفکرات مبدعین، نیاز و خواست جامعه و تحت تأثیر عناصر مکانی و زمانی در هر دوره‌ای شکل گرفته و مورد استقبال علاقمندان واقع شده است. یا در موسیقی به طبقه‌بندی‌هایی مختلفی می‌رسیم که هر کدام براساس صورت و محتوای موجود در نوع موسیقی انجام گرفته است که فارغ از برخی کلی‌نگری‌ها در موسیقی دارای گونه‌های متنوعی همچون موسیقی مقامی و کلاسیک، مکتب ایرانی، هندی، عربی، شرق‌دور، افریقایی و اروپایی است. یا مثلاً در بخش موسیقی اروپا با سبک‌هایی مانند باروک کلاسیک، رمانتیک، و مدرن روبرو می‌شویم. به همین ترتیب در نقاشی، خوشنویسی، ادبیات و شعر نیز سبک‌ها و مکاتب مختلفی رخ می‌نمایند که همگی بیانگر وجود و اهمیت مسئله «سبک» است. موضوع سبک‌ها از جهات مختلفی می‌تواند دارای اهمیت باشد که در ادامه این نوشتار و پس از بیان برخی ابعاد و زوایای آن برای مخاطبان گرامی نمایان خواهد شد.

### تعریف سبک

در خصوص مفهوم لغوی سبک گفته‌اند که سبک به معنای گداختن و ریختن زر و سیم است. سباک کسی است که طلا یا نقره را می‌گدازد و آن را در قالب‌هایی از پیش ساخته ریخته و به شکلی که مورد نظرش است درمی‌آورد. سبیکه قطعه‌ای از زر و سیم شکل داده شده است. اما در مورد مفهوم اصطلاحی سبک به دلیل تنوع مقوله‌های هنری و ادبی سبک پذیر تعریفی که



قابل تعمیم به تمامی رشته‌ها از جمله معماری، نقاشی، موسیقی و ادبیات باشد ارایه نشده است و معمولاً در هر یک از این گونه‌ها سبک‌ها تعریف خاص خود را دارند. اکنون با هم نظری به برخی از این تعاریف می‌افکنیم:

دهخدا در لغت نامه خود سبک را شامل دو موضوع فکر یا معنی و صورت یا شکل می‌داند. محمد معین در فرهنگ فارسی ذیل سبک چنین آورده است:

«روشی است خاص که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می‌کند. طرز بیان مافی‌الضمیر است.»

محمد تقی بهار در سبک شناسی خود سبک را چنین تعریف نموده است:

«سبک در اصطلاح عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القاء می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می‌باشد!»<sup>۱</sup>

عبدالحسین زرین کوب می‌گوید:

«سبک عبارت است از شیوه خاص در نزد هر گوینده، تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج و طبع او. طبع شاعر در سبک او تأثیر دارد»<sup>۲</sup>

محمود درگاهی در کتاب نقد شعر در ایران گفته است:

«سبک جلوه گاه درون است. به عبارت روشن‌تر نمودار روحانیت آفریننده است»<sup>۳</sup>

صاحب‌نظر دیگری به نام کوالف می‌گوید:

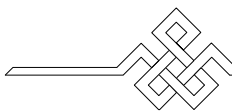
«سبک آمیزه‌ای است از شیوه‌های هنری، درونمایه و عقاید هنرمند»<sup>۴</sup>

۱. محمد تقی بهار - سبک شناسی ص ۱۸.

۲. عبدالحسین زرین کوب - شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب ص ۱۷۵.

۳. محمود درگاهی - نقد شعر در ایران ص ۱۷۳

۴. همان ص ۱۷۰



و بالاخره گفته‌اند: «سبک یک هنرمند چیزی نیست جز آن شگردهایی که در آن فرم‌های هنری خویش را به کار می‌گیرد»<sup>۱</sup>

همان‌طور که ملاحظه فرمودید این تعاریف ناظر به سبک در شعر و ادبیات است اما شاید تعریف زیر تنها تعریفی است از سبک که می‌توان آن را به تمامی رشته‌های هنر تعمیم داد. «شخصیت بیانی مخصوص فرد یا گروهی از هنرمندان در انتخاب، برنامه‌ریزی، سازماندهی و شیوه اجرایی به شکلی است که عناصر و عوامل زیبایی شناختی بصری یا سمعی در مکان یا زمان خاصی به صورت قالب مورد استفاده قرار گیرد.»<sup>۲</sup>

«در حقیقت، سبک‌ها را می‌توان جلوه‌های متنوع و مختلف از تحولات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، فکری و فنی ایجاد شده برای یک مقوله هنری یا ادبی دانست که به دلیل برخورداری از محتوا یا صورت تازه و نو، توانسته‌اند مخاطبان جدید را به خود جذب کنند.»<sup>۳</sup>

در تلاوت قرآن کریم به شیوه مصری می‌توان تعریف سبک یا مکتب را این‌گونه ارایه نمود: «شیوه مورد استفاده یک قاری قرآن در خلق الحان و نغمات، مبتنی بر رعایت اصول و احکام شناخته شده در فن تلاوت به گونه‌ای است که آن شیوه پیش از وی مورد استفاده دیگران قرار نگرفته باشد.

در مورد عناصر مختلف موجد یک سبک در تلاوت در ادامه مقاله سخن خواهیم گفت.

«علل پیدایش سبک‌ها»

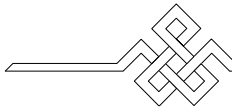
درباره علل و عوامل شکل‌گیری سبک‌ها نیز دیدگاه‌های بسیار متفاوتی وجود دارد اما به طور خلاصه می‌توان ریشه‌های تحقق سبک‌ها را در چهار موضوع مورد بازشناسی قرار داد.

#### ۱- نیاز و خواست عموم یا خواص

<sup>۱</sup> . عبدالرضا سبزی - پایان نامه دکتری نقل از سایت شخصی ایشان

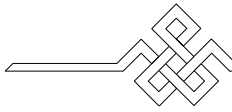
<sup>۲</sup> . مقاله سبک شناسی در هنر - نقل از سایت آفتاب .

<sup>۳</sup> . هنر تلاوت - غلامرضا شاه میوه ص ۱۸۳ .



بسیاری از سبک‌های هنری در طول تاریخ براساس نیازهای جامعه و با توجه به بازخورد افکار عمومی و یا حتی خواص یک رشته هنری مانند معماری، نقاشی و یا موسیقی پدید آمده‌اند. از آن‌جا که سلیقه و پسند جوامع بشری در برهه‌های مختلف تاریخ در حال تغییر و گذار بوده است، پس هنرمند نیز برای ارضاء این سلیقه و پسند دست به ایجاد سبکی جدید زده است. درک این مفهوم در موضوع شناخت ماهیت سبک از اهمیت فراوانی برخوردار است بنابراین برای روشن شدن هر چه بیشتر آن به ذکر مثالی در زمینه سبک‌های موسیقی در اروپا بین قرون شانزدهم تا بیستم میلادی می‌پردازیم. در بین سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی شاهد سبکی در موسیقی اروپا بنام «باروک (Barok)» هستیم که اساس آن بر اشرافیت و تجمل‌گرایی است که ریشه در شیوه زندگی مردم در آن دوره دارد. در این دوره موسیقی به سمت زینت دادن فراوان به قطعات، پیوستگی تم‌ها و در نتیجه یگانگی حالات عاطفی، برخوردار از بافت پلی‌فونیک، تم‌های ثابت و کم‌انعطاف و یک‌نواختی در ریتم‌گرایش پیدا می‌کند. این نوع از موسیقی با کسانی هم‌چون باخ، ویوالدی و مونتوردی شناخته و معرفی می‌شود. پس از آن شاهد دورانی در موسیقی اروپا هستیم که به دوران «کلاسیک (classic)» مشهور است که از ۱۷۵۰ تا ۱۸۳۰ میلادی در اوج شکوفایی خود قرار می‌گیرد. در این سبک، ملودی از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود و حتی توجه به ملودی‌های روستایی یا محلی که جنبه عامیانه دارند نیز در دستور کار موسیقیدانان قرار می‌گیرد. فلذا توجه اقشار پایین‌تر جامعه نیز به آن جلب می‌شود. اساس این سبک بر زیبایی و سادگی ملودی‌ها، متضاد بودن حالات موسیقی در ایجاد احساسات و عواطف مختلف در شنونده و انعطاف ریتم‌های مورد استفاده استوار است. این سبک با بزرگانی نظیر بتهوون، موتزارت و هایدن شناخته می‌شود.

اما در فاصله بین سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۱۰ میلادی به واسطه ایجاد برخی نامالیقات در زندگی مردم اروپا، گرایش و سلیقه موسیقیدانان به سمت و سویی می‌رود که مردم را بیشتر به سمت خیال و رویاپردازی سوق دهد، استفاده از ملودی‌های بسیار عاشقانه و پراحساس، ریتم‌های متنوع، رنگارنگی در هارمونی، استفاده فراوان از دینامیسم (dynamism) صدا سبکی را به وجود



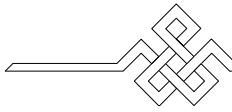
می آورد که به آن «رمانتیک (romantic)» گفته می شود. موسیقیدانانی مانند شوپن، شوبرت، جایکفسکی و شومان دنباله رو چنین مکتبی بوده اند. سرانجام به دورانی می رسیم که اندک اندک زندگی اجتماعی مردم وارد مرحله جدیدی از پیشرفت و فن آوری می شود. عصر ماشین از راه می رسد و مدرنیته (Modernite) را همراه خود پدید می آورد. انسان ماشینی و صنعتی دست مایه ای برای برخی از موسیقیدانان می شود تا ادوات و آلات جدیدی را وارد موسیقی نموده و تم هایی نو را براساس زندگی مردم طراحی کنند. بسیاری از قواعد موسیقی از جمله قواعد هارمونی در این دوران از دیدگاه موسیقیدانان دست و پاگیر پنداشته می شوند. این دوران را در موسیقی با نام موسیقی «مدرن (modern)» می شناسند. از بارزترین موسیقیدانان این دوره می توان به شوستاکوویچ (Shostakovic)، بارتوک (Bartouk) و هیندمیت (Hindemith) اشاره نمود.

## ۲- ایدئولوژی و نحوه نگرش فرد

از جمله عوامل مؤثر در پیدایش سبک ها که البته بی ارتباط با عامل نخست هم نیست طرز تلقی و نحوه نگرش هنرمند به جهان پیرامون خود است. گاه فارغ از خواست و پسند جامعه در دورانی از تاریخ هنر شاهد آن هستیم که هنرمند بواسطه نبوغ فراوان و استحکام اندیشه هایش توانسته از چارچوب قواعد تعریف شده قبلی بگریزد و مکتب یا سبکی نو را پایه گذاری کند. ادوار مختلف تاریخی گاه آن چنان تحت تأثیر نوع و تفکر این افراد قرار گرفته است که حتی می توان آن عصر یا دوره را بنام فرد نام گذاری کرد. برای مثال در هنر تلاوت بی جا نیست اگر گفته شود عصر شیخ محمد رفعت، یا عصر مصطفی اسماعیل.

برای روشن شدن هر چه بیشتر این موضوع به ذکر مثالی می پردازیم.

در هنر معماری گاه ملاحظه ای می کنیم که یک سبک براساس نوع تفکر و طرز نگرش مبدع آن به وجود آمده است. برای نمونه در دوران باروک شکوه بنا و تزئینات آن به عنوان محور اصلی مورد توجه قرار داشته اما بعدها تفکر جدیدی شکل می گیرد که سبک معماری فولدینگ (folding) را پدید می آورد. در این سبک، توجه به بناهایی که در خط افق قرار می گیرند



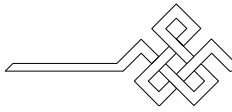
جایگزین بناهای با ارتفاع زیاد و باشکوه‌تر می‌شود. مبنای چنین تفکری این بود که طبع انسان همواره با خطوطی که در راستای افق قرار دارند بیشتر سازگار است بنابراین باید بناهایی که ساخته می‌شود در چشم انداز اصلی دارای خطوط افقی باشند. یا مثلاً در تاریخ معماری شاهد ایجاد تفکری نو هستیم که سبک معماری ارگانیک (organic) را پدید می‌آورد. در این سبک با استفاده از عوامل طبیعی محیط پیرامون و آب و هوای خاص هر منطقه ساختمان‌ها طراحی و ساخته می‌شود، فلذا در بناهایی که با این سبک ساخته می‌شود گاه شاهد هستیم که مثلاً آبخاری در وسط محوطه بیرونی وجود دارد که از زیر اتاق‌های بنا عبور می‌کند.

### ۳- زمان پیدایش

توجه به عامل یا عنصر زمان در پیدایش سبک‌ها مسئله بسیار مهمی است. گاه دلیل و منشأ پیدایش یک سبک مقتضیات خاص یک دوره تاریخی است. نتیجه چنین چیزی مشابهت آثاری است که در آن دوران پدید آمده و به مرور شیوه یا اسلوبی جدید را که تنها متعلق به همان زمان خاص است شکل می‌دهد. برای مثال در هنر پیکر تراشی یا حکاکی روی سنگ در دورانی از تاریخ توجه به برخی از حیوانات در دستور کار قرار می‌گیرد که البته ناشی از اعتقادات مذهبی یا وجود زمینه‌های فرهنگی خاص آن دوره است. نمونه چنین هنری را در مصر باستان و ایران باستان در اشکالی مانند عقاب، اسب، شیر و سگ می‌توان ملاحظه نمود که تنها متعلق به همان دوران است و با تغییر مقتضیات زمانی چنین سبک‌هایی از بین رفته است.

### ۴- مکان پیدایش

اینکه یک سبک برای محقق شدن لاجرم تحت تأثیر عوامل پیرامونی است امری غیر قابل انکار است. علاوه بر عنصر زمان، عنصر مکان نیز نقش بسزایی در مسئله پیدایش و تولد سبک‌ها دارد. یقیناً زمینه‌های موجود فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی در هر سرزمینی می‌تواند بر ایجاد سبکی خاص تأثیر گذار باشد. سبک معماری اسلامی برخاسته از بسترهای فرهنگی و دینی خاص سرزمین‌های اسلامی است و بنا براین نباید انتظار داشت چنین سبکی در سرزمین‌های

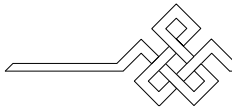


اروپایی ایجاد شود همان‌طور که توقع ایجاد سبک معماری گوتیک در سرزمین‌های اسلامی هم بیهوده است. در تلاوت قرآن کریم به شیوه مصری که موضوع مقاله حاضر است نیز قطعاً وجود عوامل فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی ویژه سرزمین مصر در پدیدار شدن هنر تلاوت و به دنبال آن سبک‌های زیبا و متنوع آن موضوعی بسیار حائز اهمیت و اثرگذار است که در پژوهش و مطالعه روی سبک‌ها قطعاً باید مورد توجه پژوهشگر قرار گیرد. اینکه چرا هنر تلاوت در سرزمین‌های دیگر اسلامی مانند عربستان که مهد اسلام و قرآن کریم است پدید نمی‌آید به همین عوامل محیطی و مکانی باز می‌گردد. از جمله این عوامل می‌توان به توجه ویژه مردم به قرآن کریم به عنوان انتخاب نخست در همه امور و شئون زندگی، برخورداری قاطبه مردم مصر از قریحه و ذوق موسیقایی افزون‌تر نسبت به سایر ملل اسلامی، وجود مشرب و فرهنگ تصوف از صدها سال قبل در آن کشور که در پرورش قریحه و درک موسیقایی مورد اشاره نقش به‌سزایی داشته است، احساس معنوی پررنگ‌تر همراه با ترنم و سماع که این موضوع ناشی از همان فرهنگ تصوف است و بالاخره وجود زیرساخت‌های علمی و عملی مورد نیاز مانند الأزره، کُتاب و معاهد قرائت، اشاره کرد.

#### « سبک در تلاوت قرآن و تقسیمات آن »

موضوع سبک در تلاوت قرآن با چالش‌هایی پیش‌روست که لازم می‌دانیم برای برطرف کردن آن‌ها مقدماً اشاره‌ای به دیدگاه‌های مختلف و طبقه‌بندی‌های ارائه شده توسط برخی از صاحب‌نظران و یا کارشناسان بنماییم. مطالعات موجود نشان می‌دهد که مصریان علاقه فراوانی به طبقه‌بندی قرآء و اصوات آنان داشته و گاه تعبیرات مختلفی در اقوال آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال صوت الذهبی، صوت الفضی، صوت الماسی، صوت الملائکی یا صوت المعبر و امثال این‌ها از جمله این تعبیرات و یا القابی است که در مورد قرآء مختلف و بزرگ مصری به کار رفته است. همچنین در خصوص لحن یا شیوه اداء آن‌ها نیز اقوال مختلفی وجود دارد که برخی از آن‌ها در کشور ما نیز مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. اکنون نظری به





این طبقه‌بندی‌ها می‌اندازیم .

در یک طبقه‌بندی مشهور و بدون توجه به نام قاری خاص، قرآء مصری به چهار دسته قرآء کلاسیکی، شعبی، مدرن و غنواتی تقسیم می‌شوند.<sup>۱</sup>

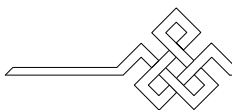
۱- قرآء کلاسیکی به آنانی اطلاق می‌شود که در تلاوت خود از شیوه اجراء مقامات به شکل کامل و سپس انتقال به مقام بعدی استفاده می‌کنند. برای نمونه مرحوم مصطفی اسماعیل را جزء این دسته قرار می‌دهند .

۲- قرآء شعبی (مردمی) کسانی هستند که صدای آنان مورد اقبال عامه مردم قرار داشته و در تلاوتشان از الحان ساده و کم انعطاف ( قابل فهم تر برای مردم) و در برخی موارد از نفس‌های بلند ( مورد اقبال مردم ) استفاده می‌کنند. مرحوم عبدالباسط، طبلای و سعید مسلم را هم جزء این گروه محسوب می‌کنند .

۳- قرآء مدرن : به آن گروهی از قرآء گفته می‌شود که در تلاوت خود تقییدی به هیچ مقامی نداشته و در یک کلام مسیر تلاوت آنان غیرقابل پیش‌بینی است. کسانی مانند مرحوم حصان و مرحوم شعشاعی را جزء این گروه قرار می‌دهند .

۴- قرآء غنواتی : آن دسته از قرآء هستند که احکام تلاوت را قربانی اجراء نغمات و آهنگ‌ها نموده و در اصطلاح مرتکب غناء در تلاوت می‌شوند. این گروه به جای این که لحن خود را با الفاظ آیات شریفه قرآن منطبق سازند، آهنگ‌های پیش ساخته خود را به هر قیمتی بر کلمات قرآنی منطبق می‌نمایند. البته بدیهی است که در انجام این عمل در بسیاری از اوقات از اصول و احکام اولیه تلاوت هم عدول می‌نمایند. در واقع واژه غنواتی از «غناء» در تلاوت گرفته شده که امری مذموم بوده و در مقابل تغنی که امری ممدوح است قرار دارد. در این گروه توجه چندانی به مفهومی خواندن قرآن نشده و ظاهرسازی تلاوت از طریق نغمه‌پردازی فراوان همراه با تحریرها و آرایه‌های لحنی و صوتی در دستور کار قرار دارد. عده‌ای نسل امروز قاریان مصر را جزء این گروه می‌دانند.

<sup>۱</sup> . مصاحبه اختصاصی نویسنده و استاد دغاغله با محمد هلبوی در مصر.



نوع دیگری از طبقه‌بندی هم می‌توان ارائه نمود که در آن سبک‌های تلاوت به سه گروه تقسیم می‌شود:

۱- سبک اصلی: به سبکی اطلاق می‌شود که ضمن برخورداری از صورت جدید از چنان غنای لحنی در محتوا برخوردار است که روی سبک‌های هم دوره یا پس از خود تأثیر می‌گذارد مانند سبک رفعت یا مصطفی اسماعیل.

۲- سبک مستقل: سبکی است که هر چند شباهتی با سبک‌های پیش از خود نداشته اما در حد و اندازه‌ای هم نبوده که بتواند سبک‌های دیگر را تحت تأثیر قرار دهد و لذا در برهه‌ای از زمان متوقف مانده است.

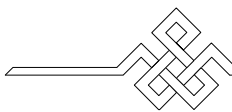
برای مثال سبک عبدالعزیز علی الفرج و محمود عبدالحکم جزء این دسته قرار دارد.

۳- سبک متأثر: سبکی است که در عین برخورداری از استقلال نسبی از یکی از سبک‌های اصلی تأثیر گرفته است. سبک کامل یوسف البهیمی و سبک شحات محمدانور را جزء این گروه قرار می‌دهند.

طبقه‌بندی دیگری که براساس تأثیر زمان بر روی سبک‌ها می‌توان ارائه کرد طبقه‌بندی است که در آن سبک‌ها به سه گروه زنده، مرده و فرسوده تقسیم می‌شوند.

۱- سبک زنده: سبکی است فرا زمانی که گذر ایام روی اقبال عمومی نسبت به آن سبک و دنبال کردن آن توسط قراء دیگر تأثیری نگذاشته و همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. سبک یا مکتب تلاوت منشاوی، مصطفی اسماعیل و عبدالباسط جزء این گروه قرار دارد.

۲- سبک مرده: سبکی است که مشمول گذر زمان بوده و به مرور رهروان خود را از دست داده است. شاید بتوان گفت چنین سبک‌هایی به دلیل بافت خاص لحنی خود و یکنواختی در ردیف‌ها توفیق چندانی در ارضاء سلیقه مخاطب به دست نیاورده و در مقطعی از تاریخ تلاوت متوقف مانده‌اند. البته در این موضوع پسند و سلیقه عمومی معیار است و نه پسند خواص، زیرا چه بسا خواص حتی در دوران حاضر نیز علاقه‌مندی‌هایی از خود نسبت به برخی از سبک‌های مرده نشان دهند. سبک‌هایی مانند علی محمود، محمد سلامه و عبدالعظیم زاهر را می‌توان جزء این دسته دانست.



۳- سبک فرسوده: سبک‌های فرسوده یا پیر به آن‌هایی گفته می‌شود که هر چند هنوز هم دارای اقبال عمومی هستند اما در مقایسه با دوران اوج و شکوفایی سبک، به مرور از میزان توجه نسبت به آن‌ها کاسته شده است. برای نمونه سبک‌هایی مانند سبک رفعت و شعیب می‌توانند در این گروه قرار گیرند.

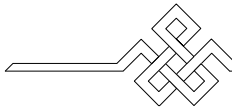
همان‌طور که ملاحظه می‌کنید هیچ‌یک از این تقسیمات و طبقه‌بندی‌ها از استحکام لازم برخوردار نبوده و می‌توان به هر یک از آنها ایراداتی را وارد ساخت. برای نمونه در طبقه‌بندی اول، اساساً معلوم نیست ملاک و معیار، بافت لحنی تلاوت است یا استقبال مردم (شعب) یا رعایت احکام تلاوت؟

هنگامی که به مصادیق این طبقه‌بندی فکر می‌کنیم سؤالات زیادی در ذهن ما شکل می‌گیرد از جمله اینکه آیا امکان جمع بین این انواع نیست؟ کم نبوده‌اند قاریان کلاسیک خوان که بسیار نیز مورد استقبال مردم قرار داشته‌اند. حتی در حال حاضر بسیاری از قاریانی که از طیف قرآء غنواتی هستند مورد استقبال شعب یا مردم قرار دارند.

در حقیقت، متفاوت بودن ملاک‌ها، معتبر بودن این طبقه‌بندی را حداقل در بحث سبک‌شناسی زیر سؤال می‌برد گرچه ممکن است در جای خود بتواند مورد استفاده و استناد قرار گیرد زیرا بهر حال ذهنیت خوبی در مورد شناخت قرآء مصری به دستداران هنر تلاوت می‌دهد.

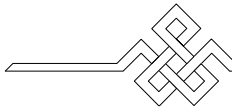
در تقسیم بندی نوع دوم هم ملاحظه می‌کنیم که وضعیت بخش زیادی از قاریان مصری که در هشتاد سال گذشته در عرصه تلاوت به شهرت و اعتبار رسیده‌اند نامعلوم است زیرا تلاوت بسیاری از ایشان به گونه‌ای است که نه می‌توان آنها را دارای سبک اصلی یا مستقل دانست و نه حتی دارای سبک متأثر. زیرا میزان نوآوری ارایه شده توسط آنان به اندازه‌ای نبوده که اساساً مصداق قاری صاحب سبک قرار گیرند. برای مثال قرآئی همچون احمد ابوالمعاطی، عبدالوهاب طنطاوی و طاروطی هرگز در این طبقه بندی قرار نمی‌گیرند.

ما در اینجا قصد نداریم که بیش از این به نقد این طبقه‌بندی‌ها پردازیم، بلکه ذکر این موارد را مقدمه‌ای قرار داده‌ایم بر نوعی از طبقه بندی در خصوص شیوه تلاوت قرآء مشهور مصری که



در ادامه راجع به آن صحبت خواهیم کرد. اما پیش از آن باید بگوئیم که تقلید گریزی در کشور مصر امری بسیار مهم و مثبت انگاشته می‌شود. بطوری که حتی برای کسی که می‌خواهد مجوز تلاوت در رادیو و تلویزیون مصر را بدست آورد در صدر اولویت‌ها (توسط هیأت ممتحنه) قرار دارد. بنابراین مجموعاً سعی و اهتمام تمامی قراء مصری که می‌خواهند در سطوح عالی تلاوت مطرح شوند بر چنین موضوع مهمی قرار دارد.

اما این که تا چه اندازه به موفقیت دست پیدا می‌کنند متفاوت است. گاهی این تلاش منجر به ایجاد یک مدرسه یا مکتب گردیده و گاه ممکن است به ایجاد سبکی جدید یا نهایتاً طریقی نو بیانجامد. البته نباید از نظر دور داشت که در بسیاری از موارد کار یک قاری قرآن در مصر با تقلید از دیگران آغاز می‌شود. آن‌چنان که در مورد تعداد زیادی از قاریان بزرگ چنین مسئله‌ای صدق می‌کند. از جمله می‌توان به تقلید حصان یا غلوش از مصطفی اسماعیل یا تقلید شعیش و عبدالباسط از محمد رفعت در ابتدای کار آنان اشاره نمود. لکن همان‌طور که گفته شد قاری مصری تا مرحله‌ای از رشد و تکامل لحنی پیش می‌رود که احساس و تلقی استقلال نسبی شیوه در مورد او نزد اهل فن بوجود آید. سؤال مهم در این باره این است که موضوع عدم تقلید یا استقلال در شیوه او تا چه اندازه از حیث صورت و محتوا عمق دارد؟ در نگاه اول وقتی به منابع موجود در مورد قاریان مصری اعم از زندگی‌نامه یا مصاحبه‌های بر جای مانده از ایشان مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که حتی آن دسته از قاریانی که چندان ابداعی در تلاوت‌های‌شان دیده نمی‌شود، نیز خود را صاحب سبک می‌پندارند. مثلاً کسانی مانند احمد نعینع یا فتحی الملیجی که به جز اندک تغییراتی در ظاهر لحن خود عملاً و علناً مقلد مرحوم مصطفی اسماعیل هستند هم خود را دارای سبک مستقل می‌دانند. اما آیا واقعاً ملاک و معیاری برای تشخیص درستی این ادعاها وجود نداشته و باید به صرف ادعای هر قاری وی را صاحب سبک دانست؟ موضوعی که اخیراً در کشور ما هم مورد ادعای برخی از قراء ممتاز قرار گرفته است. فلذا باید گفت هر چه میزان استقلال یک قاری از دیگر قاریان پیش از خود یا هم عصر خود بیشتر باشد. منزلت و جایگاه او نزد اهل فن بیشتر است. بنابراین باید در مورد او از عنوان یا اصطلاح درست و مناسب

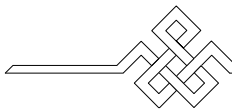


استفاده کرد.

در این خصوص نگارنده معتقد است سه عنوان اصلی مکتب یا مدرسه، سبک یا شیوه و بالاخره طریق یا منهج را می‌توان ارایه نمود که در اینجا به شرح هر یک از این سه عنوان می‌پردازیم.

#### ۱- مکتب

مکتب که در کشور مصر از آن به عنوان مدرسه تلاوت یاد می‌شود دارای وجوه و ابعادی است که آن را از سایر عناوین جدا می‌کند. هنگامی که از مکتب سخن می‌گوییم. خصوصیتی را مورد توجه قرار می‌دهیم که از عمق بیشتری برخوردار بوده و بیشتر از آن که صورت و نما را در برگیرد محتوا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌طور که در بسیاری از هنرها مکتب طرز عمل گروهی از افراد در بکارگیری قالب و محتوا را شامل می‌شود، در تلاوت قرآن هم می‌تواند چنین باشد. البته این مسئله تنها یکی از وجوه مکتب است. علاوه بر این در پاره‌ای از موارد مکتب می‌تواند شیوه یک فرد را هم شامل شود که تنها ویژه خود اوست. در حقیقت مکاتب در تلاوت قرآن هم می‌تواند جنبه گروهی یا منطقه‌ای داشته باشد و هم جنبه فردی. جنبه فردی یک مکتب از آن حیث دارای اهمیت است که طرز نگرش و ایدئولوژی یک قاری را در تلاوت نمایان می‌سازد. برای مثال: گاه ممکن است نگرش یک قاری به مسئله تلاوت نگرش مفهومی بوده و اهتمام وی در تلاوت این باشد که القاء معانی را سرلوحه کار خود قرار دهد. بنابراین چنین کسی می‌تواند صاحب یک مکتب شخصی محسوب گردد. در چنین نگرشی مسئله اصلی این نیست که وی از چه مقاماتی با چه ترتیب و چیدمانی بهره می‌گیرد یا این که در کجای یک لحن یا نغمه از تحریر استفاده می‌کند، بلکه اساس این است که چگونه از مقامات و الحان در جهت القاء معانی و رعایت تعبیرات قرآنی بهره می‌جوید. بنابراین قاری بزرگی مانند عبدالفتاح شعشعی را می‌توان دارای مکتب یا مدرسه خاص خود دانست. یا دیدگاه دیگری که معتقد است وقتی معانی قرآن در قلب و ذهن مستمع جای می‌گیرد که قاری بتواند ابتدا با استفاده از تاکتیک انغام و استفاده از ظرفیت‌های موجود در آنها و در نتیجه ارایه یک موسیقی سالم و برجسته ایشان را



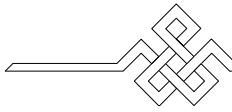
جذب و سپس به بیان تعبيرات مختلف قرآنی با استفاده از این ابزار پردازد مسلماً می‌تواند مکتب خاصی را پدید آورد که صاحب آن کسی جز مرحوم مصطفی اسماعیل نیست .

یا مثلاً در مکتب دیگری با این پدیده روبرو می‌شویم که قاری اساس کار خود را در تلاوت بر بداهه یا تلاوت تلقایی قرار داده و آهنگ خود را تابعی از آهنگ ذاتی و درونی آیات قرار می‌دهد. در این مکتب، جریان نغمات و الحان بر اساس لحظه و حال قاری تعیین و اجراء می‌گردد. فلذا در این نگرش هیچ‌گاه کلیشه و قالب مشخصی ارایه نمی‌شود. در این مکتب مستمع در هر تلاوت با پدیده‌های جدیدی روبرو می‌شود. اما نباید غافل شد که حتی در چنین مکتبی در عین کثرت در الحان، نوعی از وحدت کلی در لحن دیده می‌شود که به مرور بر اساس عادات حسّی و فنی قاری در بستر زمان شکل می‌گیرد. نمونه بارز این مکتب مرحوم شیخ محمد رفعت است .

اما نوع دیگری از مکتب یا مدرسه در تلاوت قرآن وجود دارد که جنبه گروهی داشته و بر اساس عامل جغرافیا و وضعیت مناطق مختلف در مصر شکل گرفته است .

در سفری که در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی به همراه استاد مهدی دغاغله به کشور مصر داشتیم این مسئله بیش از پیش برای ما ملموس گردید. زیرا پس از آن که در یکی از سحرگاهان به استماع تلاوت قاری مصری حلمی الجمل نشسته بودیم، وقتی در پایان تلاوت از ایشان پرسیدم آیا شما در تلاوت خود از الحان حمدی الزامل استفاده می‌کنید وی در جواب خنده‌ای کرد و گفت: نه این‌طور نیست که من مستقیماً از ایشان چیزی اقتباس کرده باشم بلکه چون هر دو ما اهل منصوره هستیم، طبیعی است که الحان و نغمات رایج در تلاوت‌های قرآء این منطقه که از ده‌ها سال قبل مورد استفاده قرار می‌گرفته، در تلاوت هر دوی ما هم نمایان شود. این سخن باعث تأمل بیشتر نگارنده گردید و پس از مراجعت با مطالعه روی محل تولد یا تحصیل بسیاری از قرآء مصری به این نتیجه رسیدم که در برخی از مناطق قاری خیز مصر مانند غربیه، شرقیه و صعید<sup>۱</sup> نوعی از مشابهت در میان شیوه‌های لحنی قرآء آن مناطق، وجود دارد. البته در اینجا نمی‌خواهم ادعا کنم که در این مسئله استثنائاتی وجود ندارد اما با قدری تأمل و دقت می‌توان به وجود این

<sup>۱</sup> . صعید به بخشی از مناطق جنوبی مصر اطلاق می‌شود که شامل استانهای است که زیر استان اسوان قرار دارند.

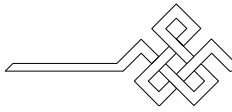


مشابهت‌ها پی برد. در حقیقت روح حاکم بر تلاوت‌های مکاتب منطقه‌ای روح یکسانی است. نمونه چنین موضوعی را در کشور خودمان و در میان مکاتب مداحی اهل بیت علیهم صلوات الله ملاحظه می‌کنیم. یقیناً نوع آهنگ‌ها و اداء مداحان آذری زبان در تبریز، اردبیل و زنجان، تفاوت‌های قابل درکی با مکتب جنوب کشور شامل بوشهر و خوزستان یا مکتب تهران و اصفهان دارد. این تفاوت‌ها گرچه ممکن است از نقطه نظر زوایای فنی برای خود ذاکرین اهل بیت «ع» مسلم و مشخص باشد اما حداقل در ظاهر موسیقی ارایه شده برای عامه مردم هم قابل لمس است. البته باید اذعان نمود که این تفاوت‌ها در تلاوت قرآء مصری که از مناطق مختلف سر برآورده‌اند به اندازه مکاتب مداحی خودمان قابل لمس نمی‌باشد.

نباید فراموش کنیم که در شکل‌گیری مکاتب منطقه‌ای دو عامل بسیار مؤثر وجود دارد. نخست این که شهرها و مناطقی که جریان آموزش علوم و فنون تلاوت در آنها پر رونق‌تر بوده و افراد زیادی از روستاها و بخش‌های دیگر را جذب خود می‌نموده است نقش به‌سزایی در این مسئله داشته‌اند. شهرهایی مانند طنطا یا زقازیق که دو مرکز قرآنی مهم مصر در استان‌های غربیه و شرقیه هستند از آن جمله‌اند. عامل دوم مسئله هم‌جواری یا نزدیکی شهرهای دیگر به این مراکز است که موجب شده گاه مکاتب منطقه‌ای شامل چندین استان نزدیک به هم باشد. برای مثال شهرهای نزدیک به طنطا (مرکز غربیه) همواره تحت تأثیر مکتب غربیه قرار داشته‌اند.

برای احراز هر چه بیشتر صحت این نظریه، نیاز به یک کار پژوهشی گسترده وجود دارد اما برای نویسنده این نوشتار وجود حداقل ۳ مکتب غربیه، شرقیه و صعید محرز است.

بنابراین هنگامی که از مکتب سخن می‌گوییم گاه مرادمان رعایت اصول مشترکی است که در بین قرآء یک منطقه از نظر ساختار لحنی تلاوت مورد استفاده قرار گرفته به طوری که توجه به آن‌ها خاستگاه با پایگاه قاری مورد نظر را معلوم می‌نماید و گاه منظورمان از مکتب همان شیوه ارایه شده توسط یک فرد است که به دلیل برخورداری از غنای لحنی فراوان و محتوایی قابل توجه (که برخاسته از نبوغ یک قاری بزرگ است)، چیزی فراتر و بالاتر از سبک را تداعی می‌نماید. بر این اساس تعداد مکاتب اعم از فردی یا گروهی (منطقه‌ای) چندان زیاد نبوده و شاید



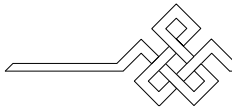
به عدد انگشتان دو دست نرسد. به نظر نگارنده علاوه بر مکاتب منطقه‌ای یاد شده، شیوه‌های تلاوت اساتیدی همچون، رفعت، شعشاعی، مصطفی اسماعیل، عبدالباسط، خانواده منشاوی‌ها و حصان را می‌توان جزء مکاتب مهم تلاوت در کشور مصر دانست. در این میان مکتب شرقیه که با قاریانی مانند زناتی، شیب، شحات انور، متولی عبدالعال و طاروطی معرفی می‌شود برای مخاطبان این نوشتار قابل فهم‌تر است.

## ۲- سبک

سبک‌ها در تلاوت قرآن می‌توانند برخاسته از مکاتب یاد شده باشند بنابراین سبک زیرشاخه مکتب است. سبک یا اسلوب در تلاوت میزانی از نوآوری و ابداع است که هم در محتوا و هم در صورت تلاوت شکل گرفته و بتواند مخاطبان و رهروانی را به دنبال خود بکشد. تفاوت مهم سبک با مکتب را می‌توان در این موضوع دانست که صاحب مکتب علاوه بر شیوه اداء مستقل، دارای طرز تفکر جدید و مستقلی نیز هست در حالی که در مورد صاحب سبک فقط مساله استقلال در شیوه لحن و اداء مطرح است. بدیهی است سبک‌ها همواره طی یک روند زمانی چندساله به وجود آمده و خلق الساعه نیستند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، بسیاری از قرآء صاحب سبک جهان در ابتداء از شیوه دیگران تقلید نموده و طی یک دوره ۱۰ تا ۲۰ ساله توانسته‌اند به استقلال در سبک دست یابند. اساساً تا تقلید نباشد ابداع هم محقق نخواهد شد. تا وقتی که قاری از آنچه پیش از او اتفاق افتاده آگاهی نداشته و بدان واقف نباشد نخواهد توانست دست به نوآوری بزند، گاه ممکن است چند قاری صاحب سبک متعلق به یک مکتب باشند بنابراین تعداد سبک‌ها می‌تواند بسیار بیشتر از مکاتب تلاوت باشد.

با عنایت به این توضیحات تعدادی از سبک‌های مشهور تلاوت در مصر را می‌توان به نام اشخاص زیر ثبت نمود: محمد سلامه - طه الفشنی - محمود عبدالحکم - محمود خلیل الحصری - ابوالعینین شعیب - کامل یوسف البهتیمی - محمود علی البناء - محمد محمود رمضان - حمدی الزامل - احمد شیب - محمود عمران - شحات انور - متولی عبدالعال - محمد بسیونی و محمد اللیثی .



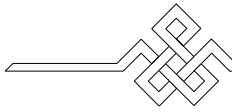


## ۳- طریق

آن‌چنان که پیش از این هم اشاره رفت، در برخی موارد، در شیوه یک قاری تعلق خاصی به یک سبک مشهور دیده می‌شود، در حقیقت قاری سعی می‌نماید مبنای کار خود را استفاده از یک سبک مشخص قرار داده اما تغییراتی در ظاهر و نمای سبک اصلی ایجاد نماید. به طوری که برای اهل فن معلوم است که این تغییرات در محتوا و برنامه‌ها صورت نگرفته است. برای مثال استفاده از تحریرهای افزون‌تر یا کمتر در برخی نغمات مشابه تغییر جزئی در قفلات بکاربردن ترکیبات بیشتر و یا موتیف سازی در نغمات سبک مورد تقلید از جمله این موارد هستند. نمونه این گونه قراء هم در نسل جدید مصر دیده می‌شوند و هم در یکی دو نسل پیش‌تر. مثلاً در این گروه می‌توان به افرادی مانند عوضین المغربی، احمد نعین و فتحی الملیجی که با سبک مبنایی مصطفی اسماعیل تلاوت می‌کنند، همچنین انور و محمود شحات که سبک پدر خود یعنی شحات انور را اساس کار خود قرار داده‌اند و یا شیخ احمد الرزیقی که از سبک منشاوی‌ها تبعیت می‌کند اشاره نمود. در این بین قاریانی همچون محمد هلیل، فرج‌الله شاذلی، محمود اسماعیل الشریف و طنطاوی را هم می‌توان صاحب طریق دانست.

اکنون برای این که جایگاه این سه عنوان در تلاوت قرآن مصری مشخص‌تر گردد، آن را با هنر معماری مقایسه می‌کنیم.

همان‌طور که می‌دانید هنگامی که یک معمار می‌خواهد بنایی را طراحی کرده و بسازد با چند موضوع مختلف مواجه است. نخست ایده و نگرشی است که در ساخت بنای مورد نظر می‌خواهد دنبال کند، در واقع باید ببیند که اساس کار خود را بر کدام مکتب قرار می‌دهد؟ آیا می‌خواهد از مکاتب سنتی ایرانی بهره گیرد یا از معماری اروپایی و یا ایده‌ای مدرن را دنبال می‌نماید؟ بدیهی است پشت هر کدام از این مکاتب تفکری وجود دارد. چه بسا در یک مکتب ممکن است اصالت با تعدد فضاها و خرد کردن مساحت بوده و در دیگری بر وسعت و عظمت و تعبیه فضاها بزرگ با سقف‌های بلندتر. موضوع بعدی پلان یا نقشه است که براساس ابعاد زمین مورد نظر و مکتب معماری تهیه می‌شود. مسئله سوم ابزارها و روش‌هایی است که در ساخت بنا



به کار گرفته می‌شود. موضوع چهارم مواد ساختمانی است که متناسب با سبک معماری و محیطی که قرار است بنای مورد نظر در آن‌جا ساخته شود اعم از آجر، سنگ، سیمان، چوب و غیره انتخاب می‌شود و دست آخر، تزئینات ظاهری ساختمان و آن‌چه مربوط به نمای آن می‌شود که می‌تواند شامل رنگ، گچبری، آרק بندی‌ها، کنگره‌ها، کاشی کاری، نورپردازی و امثال آن شود.

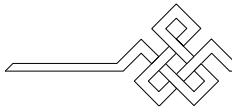
در این مقایسه مکتب معماری و پلان اولیه را می‌توان معادل مکتب در تلاوت قرآن، ابزارها، روش‌ها و مواد مورد استفاده، بمثابة سبک و سرانجام آنچه در ظاهر و نمای ساختمان انجام می‌شود را معادل طریق انگاشت.

« علل تفاوت و تمایز مکاتب و سبک‌ها »

برای درک هر چه مطلوب‌تر دلایل و ریشه‌های تفاوت مکاتب یا سبک‌ها در تلاوت قرآن کریم لازم است سه حوزه مختلف را در این زمینه از یکدیگر تفکیک و هر کدام را به طور جداگانه مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

#### ۱- حوزه اصوات

شاید در نگاه اول این‌طور به نظر رسد که مؤلفه صوت، خود به طور مستقیم در سبک یا اسلوب یک قاری نقش چندانی نداشته باشد، زیرا وقتی کسی با صدایی از جنس دیگر سبک یک قاری سرشناس را تقلید می‌کند شنوندگان آگاه متوجه می‌شوند که وی در حال تقلید از کدام قاری است. بنابراین مسئله صدا باید از اصل شیوه یا سبک قاری منتزع بوده و تأثیر چندانی در سبک نداشته باشد. اما واقعیت آن است که هر چند این سخن تا اندازه‌ای درست است اما وقتی ما از ریشه‌های پدید آمدن یک سبک سخن می‌گوییم، ناچار باید به ویژگی‌های صوتی قاری صاحب سبک، توجه کنیم زیرا سنگ بنای سبک مورد نظر با توجه به مختصات صوتی آن قاری گذاشته شده و شالوده آن را تشکیل می‌دهد. از طرفی هر فرد خبیر به هنر تلاوت می‌داند که وقتی یک صدا با خصوصیات ویژه‌ای که دارد با نغمات مختلف در هم می‌آمیزد معجون و ترکیبی را پدید می‌آورد که در شرایط مشابه، وقتی صدای دیگری همان نغمات را اجرا می‌کند،



یقیناً نتیجه‌ای غیر از پدیده اول حاصل می‌شود برای مثال اگر فرض نماییم دو قاری نامی از یک نیت یکسان شروع به تلاوت عبارتی واحد از قرآن کریم در مقام نهایند تاثر حاصل می‌تواند کاملاً متفاوت باشد.

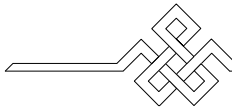
این مسئله نیازمند داشتن درکی عمیق از الحان و اصوات قرآنی و آشنایی با این فن است. اساساً به خاطر همین موضوع است که در افواه طرفداران تلاوت در مصر گفته می‌شود که مثلاً حجاز فلان قاری زیباتر و تأثیرگذارتر از قاری دیگر است. می‌دانیم صدا مهم‌ترین عنصر یا مؤلفه در هنر تلاوت است. اساساً نشر و گسترش آیات قرآن کریم پس از نزول آن پیش و بیش از آن که مرهون کتابت باشد، مرهون قرائت می‌باشد که مبتنی بر صوت است. آیات شریفه قرآن در ابتدا از طریق اصوات به قلب و جان مسلمانان وارد شد و به همین سبب از همان روزهای آغازین نزول قرآن کریم بر قلب نازنین پیامبر «ص»، ایشان بر خوشخوانی قرآن کریم و استجاب آن تأکید فرموده و مسلمانان را به بهره‌گیری از صدا و لحن زیبا و درست ترغیب و تشویق نمودند. از طرفی می‌دانیم که خداوند به هر کس، صدایی عطا کرده که دارای ابعاد و ویژگی‌های متفاوت از دیگران بوده و از حیث فنی می‌تواند در اشکال و قالب‌های متفاوتی هم بکار گرفته شود.

در این مبحث ما قصد داریم به بررسی ویژگی‌های صوت در نزد قراء صاحب سبک جهان پرداخته و معلوم نماییم که هر ویژگی چه نقشی می‌تواند در ایجاد یک سبک ایفاء نماید.

#### الف - وسعت صوت

وسعت صوت که به آن مساحت یا گستره صوتی هم اطلاق می‌شود. به محدوده‌ای گفته می‌شود که شامل بم‌ترین تا زیرترین نت سالم در صدای یک فرد است، به طوری که وی را قادر می‌سازد تا نغمات و الحان مورد استفاده در یک قطعه موسیقی یا تلاوت قرآن را به اجرا و نمایش بگذارد، این موضوع از دو جهت قابل بررسی است.

یک) از جهت قابلیت و استعدادی که ذاتاً برای یک صدا قابل تصور است. همان‌طور که

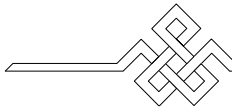


می‌دانیم انسان‌ها در برخورداری از وسعت صدا در مرتبه یکسان و مشابهی قرار ندارند. برخی قادر هستند گستره‌ای بیش از دو اکتاو یا ۱۵ درجه را مورد استفاده قرار داده، در حالی که شاید برای برخی دیگر رسیدن به ۱۲ درجه هم یک آرزو باشد.

می‌دانیم که محدوده اجراء کامل الحان و نغمات قرآنی چیزی در حد ۲ اکتاو یا ۱۵ درجه و به تعبیر دیگر ۱۲ پرده است. بنابراین برای آن دسته از قاریانی که محدوده صدایشان در این حد است به طور ذاتی این امکان وجود دارد که بتوانند طیف کاملی از نغمات را در تلاوت خود به نمایش بگذارند در حالی که برای کسانی که در صدای‌شان چنین محدوده‌ای ملاحظه نمی‌شود این امکان وجود ندارد. در نتیجه این دسته از قاریان باید یا از برخی نغمات (خصوصاً بخش جوابات) چشم پوشی کرده یا با استفاده از روش‌های خاص (شیوه اوج‌گیری متفاوت که در ادامه راجع به آن صحبت خواهیم کرد) به این محدوده دسترسی پیدا کنند. برای درک بهتر موضوع قاریانی هم چون محمود عبدالحکم و محمود طبلاوی که وسعتی در حدود ۱/۵ اکتاو دارند را با قاریانی مانند رفعت، عمران، و شحات که وسعت صدای‌شان بالاتر از ۲ اکتاو است مقایسه نمایید.

دو) از جهت میزان کاربرد این وسعت نیز قرآء مختلف در اجراء عملکرد متفاوتی دارند. گاه ملاحظه می‌شود که قاری مانند منشاوی و یا عبدالباسط به رغم برخورداری از گستره صوتی مطلوب و کامل در تلاوت اساساً از اجراء جوابات در تلاوت خود صرف نظر کرده‌اند، در حقیقت این گونه قرآء یا از حد کمتری از محدوده ذاتی صدای خود استفاده کرده‌اند و یا به دلیل شیوه اوج‌گیری خاص خود و استفاده از مدولاسیون‌های (modulation) مکرر چندین بار درجه صدای خود را بالا برده و برخی از نغمات را که معمولاً در بخش اول هر مقام مورد استفاده دیگر قرآء قرار گرفته، در بالاترین طبقات صوتی خود اجراء می‌نمایند. بعنوان مثال می‌توان به اجراء بخش اول حجاز در تلاوت عبدالباسط و غماز همین مقام در تلاوت منشاوی اشاره کرد.

برای نمونه محمد صدیق منشاوی، عبدالباسط و محمد الیثی جزء این گروه قرار دارند.

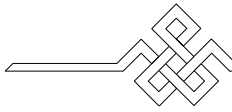


## ب - انعطاف و سرعت صوت

موضوع انعطاف پذیری یک صدا و تمکن آن در اجراء نتهای سریع از جمله نکات بسیار مهم در تمایز و تفاوت سبکی با سبک دیگر است. قدرت مانور حنجره هر قاری با قاری دیگر متفاوت است. بنابراین هر کس براساس شناختی که از صدای خود در این بخش دارد اقدام به انتخاب شیوه لحنی و نیز دور تلاوت خود می‌نماید. بدیهی است هر چه سرعت صدا بیشتر باشد، (به صداهایی که قابلیت اجراء نتهای سریع را دارند صدای لیریک (Lyric) گفته می‌شود) امکان انتقال درجات در یک نغمه و آرایه برخی مهارت‌های صوتی و تنغیمی در تلاوت برای قاری بیشتر فراهم می‌شود. در واقع دست قاری در استفاده از انتقالات سریع، بهره‌مندی از ترکیبات متنوع و آرایه هیجان بیشتر در نغمات (که ممکن است جذابیت بیشتری را برای مستمع فراهم کند)، بازتر است. بنابراین نیازی به توضیح ندارد که قدرت مانور قاری مانند حصان بسیار افزون‌تر از کسانی مانند بسیونی یا محمود علی البنا می‌باشد. نکته‌ای که در این بخش حایز اهمیت است این است که هر چند برخی از قرآء بزرگ از سرعت بسیار خوبی در صوت خود برخوردار بوده‌اند اما از شیوه لحنی با دور تند در تلاوت خود استفاده نکرده‌اند. بنابراین برای چنین قاریانی این امکان وجود داشته است که از هر سرعتی که مایلند در تلاوت خود استفاده کنند اما عکس آن هیچ‌گاه صادق نیست. یعنی برای آنان که حنجره ایشان قدرت مانور بالایی ندارد امکان استفاده از دورهای تند و انتقال‌های سریع درجات وجود نداشته و آنان همواره باید از دور کند یا میانه در تلاوت خود بهره ببرند. بر این اساس یکی از نمودهای اصلی تفاوت سبک‌ها مسئله سرعت اجراء و دور تلاوت است که در ادامه مورد بررسی بیشتری قرار خواهد گرفت.

## ج - تحریر

تحریر که در میان عربها به زخارف صوتی یا عرب معروف است از جمله ویژگی‌های صداست که نقش بسیاری در ایجاد حال و هوای خاص یک سبک ایفاء می‌کند. اساساً تحریر از مهم‌ترین ویژگی‌های آواز شرقی در قالب‌های مختلف آن است. در تلاوت قرآن هم بود و نبود



تحریر و کم و زیاد آن و نیز نوع تحریرها می‌تواند چهره یک تلاوت را تغییر دهد. این موضوع از دو جهت قابل بررسی است:

یک) از حیث میزان استفاده از تحریرها در مجموعه تلاوت. باید بگوییم که گاه مبنای تلاوت یک قاری در اجراء نغمات این است که از تحریر بعنوان عنصر اصلی استفاده نماید. در حقیقت از آنجا که ممکن است تحریر به عنوان نقطه قوت صدای یک قاری مطرح باشد، وی از تحریرها در هر جا که بتواند استفاده می‌کند. در این رویکرد قاری از تحریر به عنوان محور تزئین نغمات بهره می‌گیرد. وقتی که به استماع یک تلاوت از این قاریان می‌نشینیم، احساس می‌کنیم که حجم بالایی از موسیقی تلاوت ایشان به تحریر اختصاص دارد. در صورتی که در سبک قاری دیگر، استفاده از تحریرها ممکن است بنا به ضرورت و بسته به نیاز نغمه انجام پذیرد هر چند که صدای وی تحریرپذیری بالایی هم داشته باشد ...

در چنین سبک‌هایی نوعی از اعتدال در کاربرد تحریرها به چشم می‌خورد. سرانجام سبک‌هایی را ملاحظه می‌کنیم که تحریر در آنها حجمی اندک و نقشی کم رنگ دارد. بنابراین در یک تقسیم بندی کلی می‌توان سبک‌های مختلف را از این حیث در سه گروه طبقه بندی کرد.

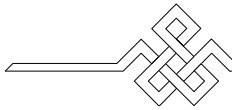
گروه اول/ سبک‌های پر تحریر مانند سبک غلوش، هاشم هیبه، طبلاوی و طنطاوی

گروه دوم/ سبک‌های معتدل مانند سبک رفعت، مصطفی اسماعیل، منشاوی، عبدالباسط و حصان

گروه سوم/ سبک‌های کم تحریر مانند سبک علی محمود و عبدالفتاح شعشاعی

دو) از نظر نوع تحریرهای مورد استفاده در تلاوت یک قاری که به خصوصیات ذاتی صدای او و ساختار حنجره‌اش بستگی دارد. این موضوع هم در القاء یک سبک خاص در ذهن مخاطب تأثیر بسزایی دارد. در این باره می‌توان به چند موضوع مختلف اشاره کرد از جمله سرعت اجراء تحریرها که به سه گروه سریع - میانه و کند قابل تقسیم است. شکل تحریرها یا مدل آن که می‌تواند انواع مختلفی از جمله تحریرهای توگلوبی یا حنجره‌ای (شکسته) سایشی قدرتی ولومی، انتقالی و غیره داشته باشد.

از جمله قاریان مصری که تقریباً مجموعه‌ای از انواع تحریرها در سبک آنها به نمایش در



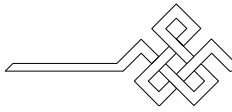
آمده است محمدصدیق منشاوی و حصان هستند. در حالی که برخی از قاریان تنها به اجراء یک یا دو مدل تحریر بسنده کرده‌اند که از این دسته می‌توان به هاشم هیبه، طبلای و عزت العنانی اشاره نمود.

#### د- طنین یا رنگ صوت

هر چند این ویژگی که بیانگر شخصیت یک صدا می‌باشد نقش چندانی در ساختار لحنی یک اثر موسیقایی نداشته و حتی در نوشتن یک قطعه موسیقی هم علامت خاصی برای آن وجود ندارد، اما در موسیقی آوازی مسئله طنین یا رنگ صدا بسیار حایز اهمیت است. لکن این اهمیت نه بواسطه نقشی است که در اسلوب یا شیوه لحنی دارد بلکه بخاطر ایجاد حال و هوای ویژه در یک تلاوت یا سبک است. به این ترتیب می‌توان گفت طنین یا رنگ صدا هیچ نقشی در ساختار یک سبک ندارد اما از نگاه سطحی یا عامیانه می‌توان به آن توجه کرد. چرا که اندک تأثیری در ذهن شنونده عامی، از رنگ صدای قاری باقی می‌ماند که اشتباهاً به پای حساب سبک یا اسلوب وی گذاشته می‌شود. بخاطر همین است که وقتی یک قاری مقلد از کسی مانند عبدالباسط، مصطفی اسماعیل یا رفعت تقلید می‌کند، در صورتی که صدایش رنگ مشابهی با قاری مورد تبعیت وی داشته باشد، تقلید او تأثیر بیشتری روی عوام خواهد داشت. اما از نگاه تخصصی، طنین یا رنگ در شکل‌گیری سبک و تمایز آن از انواع دیگر نقش مستقیمی ندارد. این مسئله در مورد زیر و بم ذاتی یک صدا نیز مطرح است.

#### ه- حجم یا شدت

این ویژگی هم مانند طنین تأثیر چندانی در اصل شکل‌گیری یک سبک ندارد. در این مورد هم ممکن است برداشتی سطحی و عامیانه وجود داشته باشد که صداهای قوی و پر حجم را در مقابل صداهای کم قوت و کم حجم قرار داده و با مقایسه بین آنها اختلاف حجم را به حساب تفاوت در سبک بگذارند.



## ۲- بافت موسیقایی (مقامی)

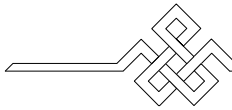
برای مشخص شدن مفهوم بافت در موسیقی باید مثالی بزنیم، فرض کنید برای بافتن یک قطعه فرش که دارای تارهای ظریف و نازک است از ابریشم استفاده کنیم به طوری که گره‌های حاصله بسیار ریز و ظریف درآید. یقیناً چنین فرشی با هر نقشی که روی آن باشد از نظر بافت دارای لطافت، نازکی و نرمی بیشتری است نسبت به زمانی که فرش را با تارهای درشت و با استفاده از کرک یا پشم بیافیم. در اینجا فارغ از نقش، مساله مهم جنس فرش و ویژگی‌های آن است. بنابراین ممکن است از تعبیراتی مانند نرمی و زبری یا درشتی و ریزی فرش در مورد توصیف آن استفاده کنیم اما از زیبایی و زشتی آن سخنی نگوییم. بافت لحنی هم در ذات خود چنین مفهومی را در بردارد. یعنی نوع استفاده از نغمات و الحان در تلاوت یک قاری ممکن است تلاوت او را ملایم‌تر یا نرم‌تر و در دیگری عکس آن بنمایاند.

به نظر می‌رسد در موسیقی تلاوت هم نوع چیدمان اصوات و نغمات در کنار هم در سبک هر قاری می‌تواند جلوه‌های متفاوتی داشته باشد. بنابراین در مبحث بافت، ما به بیان مواردی می‌پردازیم که مربوط به شیوه و نوع استفاده از مقامات یا نغمات در سبک‌های مختلف است.

## الف - کمیت مقامات مورد استفاده در یک سبک

از استماع آثار و برجای مانده از قرآء بزرگ این گونه برمی‌آید که ایشان در استفاده از مقامات و فروع آنها، تفاوت‌های آشکاری داشته و حتی این موضوع در مصاحبه‌های ایشان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه شیخ رفعت (به نقل از فرزندش) گفته است که در تلاوت‌های خود تلاش نموده تا از ظرفیت تمامی مقامات عربی استفاده نماید و این کار را به این منظور انجام می‌داده تا همه مخاطبان خود را که دارای سلیق مختلف بوده و ممکن است هر کس از یک یا چند مقام بیشتر خوشش بیاید ارضاء نماید. به هر حال قدر مسلم، برخی از قرآء همچون رفعت، علی محمود، حصان و عمران از طیف وسیع تری از مقامات اصلی، فرعی و مرکب بهره برده‌اند. اما در مقابل برخی دیگر از آنان در تلاوت‌های خود، حتی از تعدادی مقامات اصلی هم





چشم پوشی کرده و یا بندرت از آنها استفاده کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به فقدان مقام‌های کرد، سیکا و نهاوند در سبک عبدالباسط و کرد و عجم در سبک طبلای اشاره کرد. این موضوع به ما نشان می‌دهد که هر قاری، رنگ آمیزی لحنی خاص خود را دارد، چنین موضوعی در نظر اول می‌تواند موجب تفاوت این سبک‌ها از یکدیگر شود.

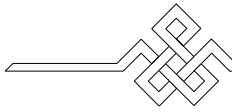
#### ب - پررنگ تر بودن برخی از مقامات در یک سبک

از جمله مواردی که می‌تواند بافت موسیقایی یک سبک را نسبت به دیگری متفاوت نشان دهد. میزان بهره‌گیری بیشتر قاری از یک یا دو مقام در تلاوت است. اهالی هنر تلاوت بخوبی واقف هستند که در پاره‌ای از سبک‌ها برخی از مقامات نقش اساسی و محوری دارند و به آنها بیشتر پرداخته می‌شود. برای مثال می‌توان به مقام‌های بیات و راست و نهاوند در سبک مصطفی اسماعیل، بیات راست و چهارکا در سبک عبدالباسط، کرد و اثر کرد در سبک محمود رمضان، حجاز و حجاز کار در سبک زناتی و راست و سیکا در سبک غلوش اشاره کرد.

#### ج - ترتیب استفاده از مقامات

همانطور که می‌دانید قاریان مطرح جهان، عموماً در استفاده از مقامات و مشتقات آنها از ترتیب همانندی پیروی نمی‌کنند و بهمین خاطر در هر سبکی ممکن است چیدمان خاصی وجود داشته باشد، حتی در تلاوت‌های مختلف یک قاری نیز ممکن است این ترتیب به اشکال مختلفی ظاهر گردد. لیکن براساس قاعده «اغلیت» در مجموع می‌توان در این خصوص قضاوت نموده و برای آن سبک، خط سیر مشخصی را ترسیم نمود. برای مثال ترتیب مقامات در سبک مصطفی اسماعیل، غالباً از بیات به شکل کامل، صبا، حجاز، سیکا، نهاوند، راست و چهارکا تبعیت نموده و در برخی مواقع یک یا دو مقام از این مجموعه حذف می‌گردد. در حالی که در سبک شحات انور این ترتیب به گونه‌ای دیگر دیده می‌شود که معمولاً شامل بیات مقدماتی، راست، سیکا یا چهارکا حجاز، بیات، صبا نهاوند و بیات است.

در این شیوه هم گاه جای حجاز با نهاوند عوض شده و در پاره‌ای اوقات یک یا دو مقام



حذف می‌شود. بدیهی است در شیوه مصطفی اسماعیل اجراء کامل مقام بیات و مشتقات آن در یک سوم ابتدایی تلاوت و همچنین اجراء مقام راست پس از مقدمه کوتاهی از بیات در تلاوت شحات انور، رنگ آمیزی و بافت لحنی متفاوتی از این دو شیوه به ذهن مستمع القاء می‌کند.

#### د - نحوه استفاده از مقامات مرکب و ترکیبات نغمه‌ای

در بین سبک‌های مختلف، گاه به سبک‌هایی بر می‌خوریم که بسیار ساده و مستقیم و عاری از هر گونه پیچیدگی موسیقایی است. در مقابل سبک‌هایی یافت می‌شود که سرشار از ظرایف و پیچیدگی لحنی است. از جمله مواردی که نقش پر اهمیتی در نمایش این سادگی یا پیچیدگی ایفاء می‌کند. استفاده یا عدم استفاده از مقامات مرکب یا ترکیب‌های مختلف در تلاوت است. وقتی سبک‌های مختلف را از این حیث مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که بطور کلی در این زمینه سه گروه اصلی وجود دارد:

گروه اول/ سبک‌های بی ترکیب یا کم ترکیب مانند عبدالباسط، طبلاوی و عبدالحکم

گروه دوم/ سبک‌های میانه مانند مصطفی اسماعیل، منشاوی، شحات انور، شعیب و رمضان

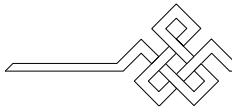
گروه سوم/ سبک‌های پر ترکیب مثل علی محمود، رفعت، شعشاعی، طه الفشنی، حصان و

عمران

توجه داشته باشید هنگامی که از موضوع ترکیب در تلاوت سخن می‌گوییم، موارد مختلفی را در نظر داریم که لازم است اندکی در مورد آن توضیح داده شود.

اولاً ممکن است که دو جنس (تراکورد) از مقامات به گونه‌ای در کنار هم قرار گیرند که مجموعاً یک مقام مرکب مانند هزام، عشاق مصری، بستکار، شوق افزا و غیره را تشکیل دهند که لازمه چنین امری این است که جنس پائین و بالای مقام و نیز حالت اتصال، انفصال یا تداخل بین آنها درست اجراء گردد تا بتوان عنوان مقام مرکب را بر آن نهاد.

ثانیاً این امکان وجود دارد که در یک نغمه یا نفس لحنی از فواصل یا اجناس مختلف استفاده شود اما نحوه در کنار هم قرار گرفتن آنها به گونه‌ای نباشد که مقام مرکبی را پدید آورد.



در چنین مواردی این عمل ترکیب یا تلوین نام دارد. مانند ترکیب نهاوند و راست در تلاوت شعیش یا حجاز و نهاوند در تلاوت حصان.

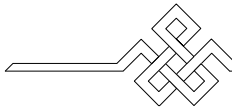
ثانیاً الزاماً این گونه نیست که ترکیب تنها به شکل دو یا چند جنس مختلف در کنار هم ظاهر شود بلکه گاه ممکن است بین دو یا چند مقام فرعی از یک مقام اصلی هم اتفاق افتد. نظیر ترکیب حجاز نوا و حجاز حسینی و نیز بیات حسینی بیات عجمی در تلاوت‌های مصطفی اسماعیل.

هـ- طبقه صوتی مورد استفاده در اجراء مقامات و فروع آنها

اینکه کدام قسمت از مقام در چه طبقه‌ای از صدای قاری اجراء شود، مسئله‌ای بسیار مهم و تأثیرگذار در تمایز و تفاوت دو سبک است. همانطور که می‌دانیم در اجراء یک مقام سه بخش مشخص‌تر وجود دارد که در نزد قراء به قرار، غماز و جواب شهرت دارد. قراء مختلف در اجراء این سه بخش تفاوت‌هایی با هم دارند که متناسب با وسعت صدای قاری و یا قصد و اراده او در انتخاب طبقه صوتی، حالات مختلفی را پدید می‌آورد. که بطور کلی از چند حالت زیر خارج نیست:

حالت اول/ سبک‌هایی که در آنها مقامات به شیوه ۲ اکتاوی (چهار دانگ کامل) اجراء شده و وسعت صدای قاری هم منطبق بر این ۲ اکتاو است مانند سبک‌های مصطفی اسماعیل و شحات انور  
حالت دوم/ سبک‌هایی که در آنها مقامات به شیوه سه دانگ پائین (بدون جوابات) اجراء می‌شود در حالی که وسعت صدای قاری همان ۲ اکتاو است مانند سبک‌های منشاوی، عبدالباسط و الی  
حالت سوم/ سبک‌هایی که در آنها مقامات در سه دانگ بالا اجراء شده و وسعت صدای قاری در حدود ۱/۵ اکتاو است مانند سبک‌های حصان و احمد شیب

حالت چهارم/ سبک‌هایی که در آنها مقامات در سه دانگ پائین اجراء می‌شود و وسعت صدای قاری هم در حدود ۱/۵ اکتاو است مانند سبک محمود عبدالحکم و طبلاوی  
در هر یک از این حالات چارگانه قرارات، غمازات و جوابات در طبقات صوتی مختلفی اجراء می‌شود که نتیجتاً تأثیرات متفاوتی هم از آن بروز می‌کند. بر این اساس در یک شیوه



ممکن است اوج صدای قاری منطبق بر اوج مقام باشد در چنین حالتی اصطلاحاً گفته می‌شود که نردبان صوتی بر نردبان مقامات انطباق دارد. اما اگر قاری با اوج صدای خود نغمه میانی یک مقام مثلاً غماز مقام را بخواند در اصطلاح نردبان صوتی وی بالاتر از نردبان مقام قرار گرفته است. بنابراین در چنین حالتی اجراء غماز یک مقام مانند حجاز تأثیری متفاوت از اجراء همان غماز در دو و نیم پرده پایین‌تر از اوج صدای قاری خواهد داشت که البته این موضوع هم می‌تواند تأثیر فراوانی در تمایز دو سبک از همدیگر داشته باشد.

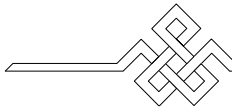
### ۳- حوزه برنامه‌ها و روش‌ها

این حوزه شامل مواردی خواهد شد که به راهبرد یا رویکرد تلاوت قاری، برنامه‌هایی که طراحی کرده و روش‌ها یا مهارت‌هایی که در این خصوص به کار می‌گیرد مربوط می‌شود. هر چند این حوزه بی‌ارتباط با دو حوزه پیشین نیست اما چون جنس برنامه‌ها و روش‌ها با دو حوزه دیگر که عناصر جدایی‌ناپذیر تلاوت هستند تفاوت دارد، موارد مربوط به آن را بطور مجزا مطرح کردیم. این موارد را می‌توان در چند بخش طبقه‌بندی کرد.

#### الف - شیوه تقطیع آیات

تقطیع در اینجا به معنی قطعه بندی آیات براساس نوع وقفی است که قاری انجام می‌دهد. شاید این سوال مطرح شود که مگر مکانهای وقف صحیح در آیات قرآن کاملاً معلوم و مشخص نبوده و هر قاری ملزم به رعایت آنها نیست؟ پس مسئله تقطیع آیات و تفاوت آن در نزد قراء چه معنایی دارد؟ بر این اساس ممکن است برخی معتقد باشند که چنین مبحثی جایگاهی در نمایش یک سبک ندارد. اما با نگاهی پژوهش‌گرانه به تلاوتهای قراء صاحب نام جهان بخوبی در می‌یابیم که آنان حتی در مواضع مشابه عملکردهای متفاوتی داشته‌اند. این مسئله به چهار موضوع مختلف مربوط می‌شود که ذیلاً به آنها اشاره می‌نماییم:

اولاً بلندی و کوتاهی نفس در نزد قراء مختلف، توانمندی ایشان را در ارایه جملات مختلف قرآنی متفاوت می‌سازد. یقیناً امکان تلاوت آیات بلندتر که برای اجراء آن نیاز به نفس‌هایی در



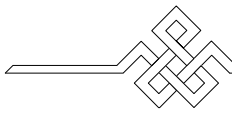
حدود ۴۰ تا ۵۰ ثانیه است برای قاری مانند عبدالباسط بسیار بیشتر است تا قاری مانند حصان که نفس وی تقریباً در بهترین حالت حدود ۲۵ ثانیه است. بنابراین اگر قرار باشد قطعه‌ای را که عبدالباسط با یک نفس می‌خواند، قاری همچون حصان بخواند مطمئناً با دو تا سه نفس خواهد خواند بنابراین قطعه بندی این دو از این حیث متفاوت است.

ثانیاً یکی از عوامل مؤثر در تقطیع که ارتباط چندانی به مسئله بلندی و کوتاهی نفس ندارد رویکرد مفهومی قاری در بیان آیات و عبارات قرآنی است، به این شکل که با نوع خاصی از وقف سعی می‌نماید معنا را بیشتر در ذهن شنونده و مخاطب آیات حکم نموده و او را به فکر و تدبر وادار نماید.

در حالی که وقتی همان قطعه توسط قاری دیگری خوانده می‌شود دیگر شاهد چنین وقفی نبوده و در نتیجه تقطیع وی متفاوت از قاری نخست خواهد بود. برای مثال می‌توان به وقف شعاعی بر کلمه «عدو» در عبارت «ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدواً» در سوره مبارک فاطر، وقف منشاوی بر کلمه «هو الله» در سوره مبارک که حشر، وقف شحات بر کلمه «سبحانه» در سوره مبارک انعام و وقف مصطفی اسماعیل بر کلمه «تمشی» در سوره مبارک قصص اشاره نمود.

ثالثاً موضوع دیگری که گاه در تقطیع یک قاری می‌تواند مؤثر باشد رویکرد تنغیمی و لحنی وی می‌باشد. مواردی از این دست در تلاوت‌های قراء نسل‌های اول و دوم کمتر دیده می‌شود اما در قاریان دو نسل اخیر بسیار افزون‌تر شده است. در این مورد قاری با وقف خاص بر یک عبارت کوتاه، یک نغمه یا ملودی را در دو سه بخش مجزاً به اجراء می‌گذارد مانند اجراء «له الحکم» در مقام راست توسط شحات انور (با سه بار تکرار) که در تلاوت سوره‌های قصص و انفطار وجود دارد. گاهی نیز قاری با تکرار یک کلمه بخش‌های مختلف یک مقام را با قفلات متفاوت به نمایش می‌گذارد مانند تکرار عبارت ایاک نعبد توسط شحات انور در سوره مبارک حمد.

رابعاً استفاده از قرائات مختلف سبعة یا عشره در یک عبارت واحد که گاه ممکن است رویکرد تنغیمی هم در آن وجود داشته باشد اما چون مبنای تکرار قاری در اینجا ارایه قرائات یا روایات متفاوت است بطور جداگانه آنرا مطرح کرده‌ایم. مانند تکرارهای مرحوم مصطفی اسماعیل

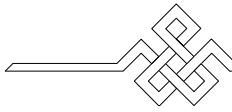


در سوره مبارکه قمر، آنجا که عبارت «و لقد ترکناها آیه» را چهار بار می‌خواند و یا موارد مشابهی که در برخی تلاوتهای موجود از قراء مشهور مصری همچون رفعت و منشاوی دیده می‌شود. بنابراین مسئله تقطیع آیات در سبک‌های قاریان مختلف می‌تواند از یکدیگر متفاوت باشد. شیوه تقطیع قاری مانند حصان که به کم نفسی مشهور است بقدری مورد توجه قرار داشته که حتی موضوع پایان نامه دکترای یک محقق عرب قرار گرفته است.

#### ب - سرعت اداء یا دور تلاوت

آنچه مشخص است این است که قراء صاحب سبک و مشهور جهان، دارای سرعت‌های متفاوتی در اجراء الفاظ قرآن در قالب لحن متبوع خود هستند. معیار تندی و کندی سرعت تلاوت، در اصل، به میزان کشش صداهای کوتاه و بلند بستگی دارد. این مسئله بشدت می‌تواند حال و هوای یک سبک را تحت تأثیر خود قرار دهد. شاید در میان وجوه تمایز سبک‌ها از یکدیگر هیچکدام به اندازه مسئله سرعت برای عوام قابل درک نباشد. حتی گاه مخاطبان تلاوت، بدون توجه به جهات دیگر مانند نوع مقامات، تحریرها، وسعت صدا و ... بر اساس همین عامل سرعت از یک سبک استقبال کمتر یا بیشتری بعمل می‌آورند. زیرا هر انسانی ممکن است بسته به روحیات، تمایلات و حالات درونی خود از تلاوت کند یا تند خوشش بیاید. روحیه افراد پر هیجان و فعال با تلاوت‌هایی که از دور تندتری برخوردارند بیشتر ممکن است همخوانی داشته باشد اما افرادی که قدری آرامتر و خونسردتر هستند با تلاوت‌هایی که از دور کندتری برخوردار هستند ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. این مسئله یکی از چالش‌های پیش روی تلاوت قاریان کشور ما نیز هست. زیرا برخی از آنان هنوز تصمیم درستی در مورد انتخاب سرعت مناسب در تلاوت خود نداشته و در نتیجه گاه بیش از حد معمول کند و یا حتی تند می‌خوانند. مسئله انتخاب سرعت مناسب در تلاوت یک قاری ارتباط مستقیم با ویژگی‌های صوت وی مانند انعطاف و تحریر و همچنین اسلوب لحنی او دارد.

به هر حال در این خصوص می‌توان قاریان صاحب سبک را در چهار گروه جای داد:



گروه اول / تندخوان مانند علی محمود، احمد سلیمان سعدنی، علی الفرج و حصان  
 گروه دوم / میانه تندخوان نظیر منشاوی، طبلاوی، عبدالباسط و صیاد  
 گروه سوم / میانه کندخوان مثل رفعت، مصطفی اسماعیل، شعشاعی و کامل یوسف  
 گروه چهارم / کند خوان مانند غلوش، علی البنا و شحات انور

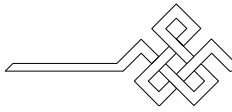
### ج - نحوه انتقال اجناس و مقامات

انتقال، از جمله مهم‌ترین افعال یک قاری در تلاوت است و انواع مختلفی دارد. اهل فن بخوبی می‌دانند که انتقال از یک جنس به جنس دیگر یا از یک مقام به مقام دیگر می‌تواند از درجات یا نت‌های مختلفی صورت پذیرد. حتی گاه این انتقالات می‌تواند از طریق اجناس واسطه و در حد اشاره کوتاه به آن جنس انجام شود.

هنگامی که نحوه انتقالات قاریان صاحب اسلوب و سبک را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم، گاه به تفاوت‌های آشکاری در این خصوص بر می‌خوریم که لازم است در اینجا به چند مورد از آنها اشاره کنیم:

اولاً نحوه انتقال به یک مقام یا جنس واحد در دو شیوه ممکن است کاملاً متفاوت باشد. برای مثال انتقال به حجاز، در سبک مصطفی اسماعیل غالباً از طریق اجراء حجاز کار و سپس ورود به درجه چهارم حجاز که به حجاز نوا معروف است انجام می‌شود در حالی که در سبک شحات این انتقال در اکثر موارد از سیکا به درجه پنجم حجاز که به حجاز حسینی شهرت دارد و یا مستقیماً از حجاز نوا صورت می‌گیرد.

ثانیاً در پاره‌ای از سبک‌ها انتقال به یک مقام مشخص همواره از یک مقام خاص صورت می‌گیرد مانند انتقال به راست پس از مقام حجاز در تلاوت عبدالباسط یا انتقال به صبا پس از بیات در تلاوت مصطفی اسماعیل که در ۹۰٪ موارد انتقال از این مقام صورت گرفته است. اما در مقابل در پاره‌ای از سبک‌ها این انتقالات از قاعده مشخصی تبعیت نکرده و ممکن است از هر مقامی این انتقال انجام شود برای مثال نحوه انتقالات علی محمود، شعشاعی و حصان را می‌توان



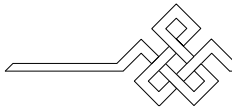
ذکر کرد که در آن مثلاً ورود به نه‌اوند گاه از سیکا، زمانی از حجاز و در مواردی هم از بیات و راست به این مقام صورت می‌گیرد.

ثالثاً تعداد انتقال‌ها در یک نفس لحنی در برخی سبک‌ها محدود به یک یا دو انتقال است در حالی که در برخی دیگر به چهار الی پنج انتقال هم می‌رسد مانند انتقال‌های حصان و علی محمود رابعاً درجه صوتی مورد استفاده در یک سبک برای انتقال ممکن است با سبک دیگر کاملاً متفاوت باشد برای مثال در سبک مصطفی اسماعیل غالباً پیش از انتقال، بازگشت به قرار مقام قبلی صورت گرفته و سپس از درجه اول مقام دوم انتقال صورت می‌گیرد. در حالی که در برخی شیوه‌ها این انتقال‌ها از طریق درجه پنجم یا غماز مقام انجام می‌شود. مانند انتقال‌های طه الفشنی و حصان که در برخی موارد به این شکل عمل می‌شود.

#### د - قفلات

از جمله وجوه تفاوت و تمایز قاریان برجسته و مطرح، تفاوت‌های آنان در اجراء قفلات است. قفله، شیوه پایان دادن به یک آهنگ یا ردیف لحنی است که در موسیقی مقامی عرب بویژه در جاهایی که از بداهه خوانی یا «ارتجال» استفاده می‌شود اهمیت بالایی دارد. علاقمندان به تلاوت قرآن و ابتهال در کشوری همچون مصر از قدیم الایام توجه خاصی به مسئله قفلات داشته و دارند زیرا قفله پایان یک آهنگ را به شنونده اعلام و او را به تشویق وادار می‌دارد. بنابراین نقطه وصل ابراز احساسات شنونده حرفه‌ای یا سمیعّه به قاری و عملکرد لحنی او محسوب می‌شود. قفلات دارای انواع مختلف و متنوعی هستند که در یک طبقه بندی اصلی به دو گروه قفلات تام یا اشباعی و قفلات معلّق یا تشویقی (در حالت شوق و انتظار نگه داشتن) تقسیم می‌شوند. در قفلات تام، گوش شنونده کاملاً آقناع گردیده و آهنگ به نُت ایست می‌رسد. در حالیکه در قفلات معلّق حالت انتظار باقی می‌ماند اما این حالت به معنای قطع ناگهانی و بدون عمد آهنگ نیست. از آنجا که قفله آخرین بخش یک ملودی یا نغمه است، اثر فراوانی بر ذهن شنونده باقی می‌گذارد. بهمین دلیل حتی اگر یک قاری در هر ردیف کارنامه خوبی داشته باشد اما در اجراء





قفلات دچار ضعف یا نقصان شود، سابقه خوب قبلی را هم از بین خواهد برد. قفل‌ات انواع فراوانی از لحاظ شکلی و ساختار ملودیک دارند پیشینه تاریخی برخی از قفل‌ات مشهور برای ما معلوم نیست و شاید به دهها سال قبل از ضبط نخستین تلاوت‌ها در رادیو مصر برسد. اما اگر مبنای بررسی و پژوهش خود را از زمانی قرار دهیم که نخستین تلاوت از شیخ محمد رفعت ضبط گردیده است، از آن زمان به بعد شاهد ظهور قفله‌های متنوع و زیبایی در تلاوت‌های قاریان برجسته مصری بوده‌ایم که برخی از آنها برای نخستین بار توسط آن قاری اجراء و بنام خود او در عرف تلاوت ثبت شده است. به طوری که اگر چنین قفل‌اتی مورد استفاده دیگر قرآء قرار بگیرد برای اهل فن معلوم است که وی از چه کسی تقلید نموده است.

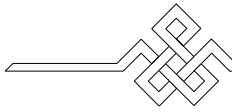
در میان قاریان مشهور و صاحب سبک، برخی از استعداد بسیار بالاتری برخوردار بوده و در قفله‌سازی ید طولایی دارند که از جمله آنها می‌توان به شیخ علی محمود، مصطفی اسماعیل، منشاوی، حصان، شحات انور و محمد عمران اشاره کرد. در عین حال نباید از نظر دور داشت که حتی آنان که در قفله‌پردازی از تنوع چندانی برخوردار نبوده‌اند نیز قفله‌های خاص خود را به نمایش گذاشته‌اند.

بهر حال باید بگوییم که یکی از مهمترین تظاهرات سبکی مسئله قفل‌ات است و اتفاقاً همین قفله‌ها هستند که در طول تاریخ قرائت، ظرفیت‌های دست نیافته‌ای برای قاریانی که به دنبال تقلید گریزی و ابداع بوده‌اند داشته و دارد.

#### ه- شیوه نغمه پردازی

روشن است که اجراء نغمات مختلف می‌تواند با کمک برخی از فنون و مهارت‌های مختلف انجام شده و تأثیر نغمه را بر مستمع افزایش دهد. ممکن است یک نغمه بطور مستقیم و کم نوسان و یا بالعکس همراه با تحرک بیشتر روی درجات به اجراء درآمده و یا در اجراء یک نغمه برخی از آرایه‌های صوتی مورد استفاده قاری قرار گیرد. ما در این بخش به برخی از مهمترین موارد اشاره می‌نماییم:

یک (انتقال درجات به شکل نزولی یا صعودی



این روش بطور واضح در شیوه تلاوت برخی از قاریان بزرگ مصری بعنوان یک کار مبتیایی در اجراء نغمات مورد استفاده قرار گرفته است. در حالی که در برخی دیگر یا بندرت و یا ابداً مورد استفاده قرار نگرفته است.

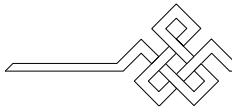
برای مثال در سبک‌هایی همچون مصطفی اسماعیل، رفعت، حصان، شحات انورو منشاوی چنین روشی به کرات و در یک نفس لحنی دیده می‌شود اما در شیوه برخی دیگر مانند عبدالباسط، طبلاوی و عبدالعظیم زاهر یا ابداً به چشم نمی‌خورد و یا بندرت وجود دارد به طوری که نمی‌توان آنرا وجه غالب سبک دانست. فلذا این موضوع تفاوت‌های آشکاری را در نغمه‌پردازی این دو گروه ایجاد می‌کند. در بین قرائی که از این روش استفاده نموده‌اند دو حالت دیده می‌شود.

حالت اول - شیوه انتقال درجات (بالا رونده یا پائین رونده) به شکل منفصل، به طوری که در حرکت صعودی و یا نزولی هر نت بطور مجزا شنیده می‌شود به این روش یا تکنیک استکاتو (staccato) گفته می‌شود که به معنای مقطع می‌باشد.

حالت دوم - شیوه انتقال درجات به صورت متصل و به هم چسبیده نت‌ها، به گونه‌ای که یک ملودی ممتد صعودی یا نزولی به اجراء گذاشته می‌شود. به این روش هم لگاتو (legato) می‌گویند که به معنای چسبیده به هم است. در بین قاریان مصری پاره‌ای تنها از روش اول و پاره‌ای هم از هر دو روش استفاده کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به محمدصدیق منشاوی اشاره نمود.

دو) بکارگیری فواصل در اجراء یک نغمه

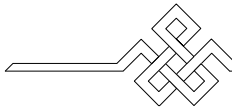
هنگامی که به تلاوت‌های قراء مشهور جهان گوش می‌دهیم، متوجه می‌شویم که تعدادی از آنان در هنگام اجراء نغمات در یک نفس لحنی از نت‌های با فاصله استفاده کرده‌اند به طوری که گاه بین دو نت حتی ۸ درجه صوتی اختلاف وجود دارد. در این روش قاری با حذف نت‌های میانی از برخی فواصل موسیقایی مانند فاصله سوم، چهارم، پنجم، ششم یا هشتم استفاده می‌کند. بطور معمول استفاده از فواصل سوم و چهارم در نغمات مختلف در تلاوت‌های اکثر قراء بزرگ دیده می‌شود اما فواصل بیشتر تنها توسط برخی از آنان اجراء گردیده است. برای مثال فاصله



هشتم یا اکتاو در سبک‌هایی مانند عبدالباسط یا شعیب در یک نفس دیده نمی‌شود و آنان معمولاً این فاصله را در دو نفس مجزا از هم مورد استفاده قرار داده‌اند. درحالی‌که در تلاوت جمع کثیری از قرآء بزرگ مانند رفعت، شعاعی، علی محمود، مصطفی اسماعیل، حصان، رمضان، غلوش و شحات به وفور دیده می‌شود. البته در این بین افرادی مانند شعاعی، رفعت، علی محمود، رمضان و عمران از این روش بطور افراطی‌تری بهره گرفته‌اند به طوری که گاه در یک نفس سه الی چهار بار از فواصل مختلف در کنار هم استفاده می‌کنند. لازم بذکر است که استفاده از فواصل به گوش بسیار حساس و قوی نیاز دارد که قاری در اوج و حسیض نغمات و پرده‌ها، جای نت را گم نکرده و فاصله را خطا (فالش) نخواند. بهمین دلیل است که شاید تعدادی از قرآء بزرگ برای پرهیز از وقوع چنین خطایی در تلاوت، از اجراء اینگونه فواصل خودداری کرده‌اند. معروف است که استفاده از فواصل در یک موسیقی می‌تواند القاء کننده هیجان بیشتر و حالتی حماسی داشته باشد در حالی که استفاده از نت‌های نزدیک به هم و به شکل متصل حسی تغزلی وار و رمانتیک را در شنونده پدید می‌آورد.

سه ( موتیف سازی

اگر یک ملودی را معادل یک جمله در موسیقی بدانیم، موتیف (motife) حکم کلمه را در این جمله دارد. موتیف به معنی مایه یا تم هم می‌باشد اما در این جا منظور از موتیف، کلمات موسیقایی قابل فهم است که ملودی با توجه به آنها معنی پیدا می‌کند. یک موتیف ممکن است از دو یا چند نت بوجود آید. اگر به تلاوت‌های قرآء مصری توجه کنیم، متوجه می‌شویم که برخی از آنان در اجراء یک ردیف لحنی به تکرار برخی از اجزاء آن به طور متوالی و یا با اندکی فاصله می‌پردازند. این عمل باعث بسط نغمه گردیده و در مواردی که قطعه یا عبارت طولانی است کاربرد بیشتری پیدا می‌کند. در اجراء یک نغمه یا ردیف می‌توان هر موتیف را یک یا چندبار تکرار نمود. یکی از مواردی که در مقایسه یک نغمه یا ردیف مشترک مثلاً بیات نوا یا حجاز حسینی که توسط دو قاری صاحب سبک به اجراء در می‌آید، می‌تواند موجب تمایز نغمه مورد نظر در دو شیوه گردد، موتیف سازی‌هایی است که ممکن است هر کدام از این دو قاری



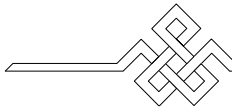
در برخی از اجزاء نغمه مزبور از خود به نمایش بگذارند. این مسئله در تلاوت‌های قرآء نسل اول بسیار کمتر دیده می‌شود اما هر چه به سمت نسل‌های بعدی پیش می‌رویم شاهد هستیم که تکرار موتیف‌ها در نغمات افزایش یافته و حتی امروزه به عنوان یکی از محورهای تلاوت در قرآء نسل امروز مصر و حتی کشورمان خود را متجلی ساخته است.

وقوع چنین پدیده‌ای بدین خاطر است که در این بخش فضاهای زیادی برای ابداع و نوآوری وجود دارد و این در حالیست که روز بروز ظرفیت پدید آوردن سبکی جدید محدود و محدودتر می‌شود. بنابراین قاریانی که تمایل به نوآوری دارند خودبخود به سمت چنین موضوعی سوق داده می‌شوند. براین اساس همانطور که پیش تر ارایه گردید در مبحث طریق در تلاوت، قاری در بخش‌هایی می‌تواند به ابداع دست بزند که ماهیتاً به محتوای سبک مربوط نبوده و بیشتر به ظاهر و نمای آن مربوط می‌شود. موتیف سازی در نغمات یکی از روش‌هایی است که می‌تواند طریق یک قاری را از دیگری متمایز نماید.

تکرار موتیف‌ها در تلاوت قرآء بزرگی همچون مصطفی اسماعیل، عبدالباسط، منشاوی، شحات، حصان و عمران و برخی از قرآء نسل جدید همچون طاروطی، اللیثی، انور و محمود شحات وجود دارد اما میزان استفاده از آن متفاوت می‌باشد. برای مثال مصطفی اسماعیل در آیه کیف بنینها و زیناها... از سوره مبارکه ق در مقام شوری، محمد صدیق منشاوی در آیه هو الذی خلقکم من تراب... از سوره مبارکه غافر در مقام صبا و عبدالباسط در آیه وحنانمن لدناوزکوه... از سوره مبارکه مریم در مقام حجاز از تکرار موتیف استفاده کرده‌اند.

چهار) استفاده از نوانس (nuance)

از دیگر روشهایی که می‌تواند تأثیر فراوانی در زیبا سازی نغمات در تلاوت قرآن داشته باشد استفاده از دینامیسم (dynamism) صدا یا ایجاد نوانس در حین اجراء نغمات است. این مسئله در بین قرآء به تغییر ولوم و حجم صدا نیز معروف است اما در موسیقی از آن تحت عنوان پیانو (piano) و فورته (forte) کردن صدا بحث می‌شود. پیانو به معنی ضعیف کردن و فورته به معنی



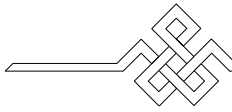
قوی کردن صدا ساز یا آواز است. اگر در حین اجراء نغمه قاری از اختلاف ولوم صدای خود بهره برده و در مواضعی شدت و حجم صدا را کم و زیاد کند اصطلاحاً از نوانس که در لغت به معنای اختلاف جزئی می‌باشد استفاده نموده است. در بین قاریان مصری، به روشنی می‌بینیم که هر چه از قاریان نسل اول به سمت نسل‌های بعدی پیش می‌رویم این مهارت، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. گویی با پیشرفت موسیقی تلاوت گرایش زیادتری برای استفاده از برخی روش‌ها در زیباسازی انغام در قاریان متاخر پدید آمده است. عده‌ای از قاریان صاحب سبک نغمات مورد نظر خود را با شدت و ولوم یکنواختی به اجراء در می‌آورند در حالی که تعدادی دیگر در برخی فراز و فرودهای نغمه، شدت و ولوم صدای خود را کاهش یا افزایش می‌دهند و به این ترتیب نغمه را تأثیرگذارتر می‌نمایند. البته استفاده از این تکنیک به جنس صدای قاری و میزان شدت ذاتی آن و پیچ و خم‌های نغمه‌ای که اجراء می‌شود بستگی دارد.

یقیناً بازی با دینامیسم صدا موجب ترغیب بیشتر احساس شنونده و در نتیجه عمیق‌تر شدن تأثیر نغمات بر وی می‌گردد.

هر چند کارکرد این روش در تلاوت با آنچه در موسیقی تحت عنوان پیانو و فورتو کردن وجود دارد اندکی متفاوت است اما به هر حال اصطلاح دیگری در موسیقی برای رساندن چنین مفهومی وجود ندارد. از جمله افرادی که از این روش در تلاوت‌های خود بهره برده‌اند می‌توان به مصطفی اسماعیل، عبدالباسط، منشاوی، غلوش، شحات انور، طنطاوی، شیب، صیاد، حصان و عمران اشاره کرد.

علاوه بر این موضوع که از حجم کم و زیاد صدا در نغمه پردازای استفاده شده است، موضوع دیگری نیز وجود دارد که در موسیقی از آن تحت عنوان تکنیک کرشندو (crescendo) و دی کرشندو (decerescendo) یاد می‌شود.

در تکنیک کرشندو هر ملودی یا نغمه از صدای ضعیف به سمت صدای قوی آغاز می‌شود و در دی کرشندو از صدای قوی به سمت صدای ضعیف پایان می‌پذیرد. این موضوع کمک می‌کند که در ابتداء هر نغمه خطر افزایش یا کاهش کوک صحیح از بین رفته و در پایان نیز



کلمات پرش کمتری پیدا کنند که در نتیجه نغمه سالم تر و زیباتر به اجراء در می آید. چنین مهارتی در تعداد اندکی از قرآء مصری آن هم نه در همه موارد مورد استفاده قرار گرفته است که از جمله بارزترین آنها می توان به مصطفی اسماعیل، منشاوی و شحات انور اشاره نمود. در مجموع بهره گیری از این مهارتها می تواند چهره یک موسیقی را نرم تر و عاطفی تر نشان دهد.

#### و - روش اوج گیری

اوج گیری در تلاوت، مسئله ای مهم بشمار می رود زیرا هر گونه خطایی در اجراء نغمه ای که موجب انتقال قاری به طبقات بالاتر صدا می شود ممکن است سرنوشت یک تلاوت را تحت الشعاع خود قرار دهد. بنابراین انتخاب شیوه مناسب در این بخش حائز اهمیت است و موجب می شود که قاری نغمات را متناسب با مساحت و وسعت صدای خود و بر اساس پلان و نقشه ای که در ذهن دارد اجراء کند. لذا در بین قرآء بزرگ و نامی جهان هر کس بر اساس شناختی که از وسعت صدای خود و نیز مقاماتی که می خواهد اجراء کند از الگویی خاص در اوج گیری پیروی می کند هر چند بعضاً مشاهده شده که در برخی از تلاوت ها قاری از شیوه معمول خود که وجه غالب سبک اوست نیز عدول کرده و از الگوی دیگری استفاده نموده است.

با بررسی سبک های تلاوت به این نتیجه می رسیم که بطور معمول شش شیوه اصلی در اوج گیری وجود دارد که در اینجا به ذکر آنها می پردازیم.

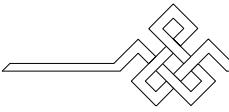
یک ( شیوه اوج گیری از درجه هشتم صدا با مقام بیات که به شیوه اکتاوی معروف است و در سبک هایی همچون رفعت، رمضان، شعیب و عمران دیده می شود.

دو ( شیوه اوج گیری از درجه هفتم صدا با مقام راست که در سبک هایی مانند شحات انور، متولی عبدالعال و برخی از قرآء مکتب شرقیه دیده می شود.

سه ( شیوه اوج گیری از درجه هفتم صدا با مقام راست و سپس انتقال به درجه هشتم در مقام

بیات مانند سبک مصطفی اسماعیل، محمود علی البنا و کامل یوسف البهیمی

چهار ( شیوه اوج گیری از درجه چهارم صدا با مقام بیات نظیر سبک عبدالباسط، بسیونی و طبلاوی

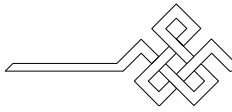


پنج) شیوه اوج‌گیری از درجه چهارم صدا با مقام راست همچون سبک منشاوی و احمد شعیب  
شش) شیوه اوج‌گیری از درجه پنجم صدا با مقام بیات مانند سبک هاشم هبیه در برخی  
موارد اندک

گرچه مسئله اوج‌گیری در ظاهر، تأثیر زیادی در تمایز سبک‌ها ندارد اما از آنجا که در سایر  
اجزا اثرگذار است، به ذکر این موضوع هم پرداختیم.

#### ز - شروع و فرود

موضوع شروع و فرود در تلاوت از آن جهت دارای اهمیت است که می‌تواند بعنوان نقطه  
وصل مستمع به قاری و نقطه جدایی از او تأثیرات متفاوتی را از خود باقی بگذارد. بسیاری از  
علاقمندان به هنر تلاوت از نحوه شروع یک قاری به قضاوت در مورد مجموعه تلاوت او  
می‌پردازند هر چند چنین قضاوتی می‌تواند تا حد زیادی مشمول خطا و اشتباه گردد اما به هر حال  
حاکمی از اهمیت شروع در یک تلاوت است. از طرفی آخرین نغمه‌ای که قاری در تلاوت خود  
اجرا می‌کند هم بدلیل اثری که بر ذهن شنونده باقی می‌گذارد و او را تا مدتی در حال و هوای  
تلاوت وی نگه می‌دارد در جای خود حایز اهمیت است. ضمن اینکه از نظر فنی اساساً نغمه و  
طبقه صوتی شروع تلاوت نقش فراوان و تعیین‌کننده‌ای در چیدمان لحنی قاری داشته و می‌تواند  
مشخص‌کننده کل سرنوشت یک تلاوت باشد، پس از اهمیت ویژه‌ای در مقایسه با سایر نغمات  
ارایه شده در تلاوت برخوردار است. همچنین فرود هم می‌تواند از بعد فنی در جای خود دارای  
اهمیت باشد زیرا به معنای اعلام پایان تلاوت بوده و به همین جهت انتخاب نغمه و طبقه صوتی  
مناسب در پایان تلاوت در جای خود می‌تواند بسیار مهم تلقی گردد. بدین خاطر است که در  
سبک‌های مختلف، مدل‌های متفاوتی از شروع و فرود دیده می‌شود که از مهمترین شروع‌ها  
می‌توان به شروع در مقام بیات و از درجات اول، چهارم و در مواردی اندک از درجه پنجم و نیز  
شروع در مقام راست اشاره کرد. البته این که یک قاری از چه مقامی و با چه درجه‌ای شروع به  
تلاوت می‌کند تنها موضوع قابل توجه در موضوع شروع نیست بلکه ملودی اجراء شده در شروع  
هم می‌تواند در جذابیت آن نقش فراوانی داشته باشد. برای مثال از جمله زیباترین شروع‌ها از نظر



ملودی می‌توان شروع‌های کامل یوسف البهتیمی، شعیش، شحات انور، حصان و غلوش دانست، در حالی که معمولاً شروع‌های مصطفی اسماعیل زیبایی بسیار کمتری در مقایسه با آنان دارد. شاید به جرأت بتوان گفت که با احتساب مقام، درجه شروع و نیز نوع ملودی اجراء شده توسط قرآء مشهور قریب بیست مدل شروع در تلاوت‌های مشاهیر وجود دارد.

درباره فرود نیز باید گفت با توجه به تعدد مقامات فرود، درجه‌ای که فرود از آنجا انجام می‌گیرد و نیز ملودی فرود تعداد این فرودها بسیار زیاد و متنوع و شاید به بیش از سی مدل برسد. در این بخش هم قرآء مصری غالباً از مقام بیات، در مرتبه بعد از مقامات راست و کرد و در مواردی اندک هم از مقامهای حجاز، نهاوند و سیکا استفاده نموده‌اند.

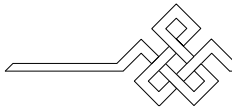
از جمله زیباترین فرودها، فرود اکتاوی مصطفی اسماعیل به شکل نهاوند بیات، فرودهای رفعت و منشای در بیات، فرودهای کامل یوسف در راست و بیات و فرودهای شحات انور در مقام بیات و نهاوند را می‌توان ذکر نمود.

بنابراین می‌توان گفت که نعمات شروع و فرود در سبک‌های مختلف هم از جمله وجوه تمایز آنها بحساب می‌آید. آنچه بیان گردید مجموعه علل و اسباب اختلاف یا تفاوت در مکاتب، سبک‌ها و طرق تلاوت بود که به نظر نویسنده می‌توان با توجه به این علل و اسباب به یک ارزیابی دقیق و جامع دست یافت و بر اساس آن درباره امکان ایجاد مکتب، سبک یا طریق نو در تلاوت قضاوتی درست پیدا نمود.

«امکان ایجاد سبک جدید در ایران و ضرورت آن»

اکنون پس از توضیحات کافی و وافی در مورد واژگان مختلف مرتبط با سبک، علل پیدایش سبک‌ها، و دلایل تفاوت سبک‌ها می‌توانیم به تحلیلی درست در مورد امکان ایجاد سبک نو در تلاوت قرآن کریم دست یابیم. به همین منظور لازم است چند مسئله را از هم تفکیک نمائیم. اولاً نباید فراموش کنیم که در تلاوت قرآن برای قاری، مسئله اصلی ارایه سبک یا طریق جدید به هر قیمتی و با هر هزینه‌ای نیست بلکه به اعتقاد اینجانب یک تلاوت دارای ابعاد فنی لازم، جذاب و تأثیر گذار، حتی اگر به تقلید از یکی از مکاتب یا سبک‌های مشهور هم





انجام پذیرد، می‌تواند مستمع و مخاطب را اقناع نماید. بهمین خاطر است که هنوز هم اگر یک قاری بخوبی بتواند ارایه‌گر تقلیدی مطلوب از قاریانی همچون، عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، شحات انور و امثالهم باشد، مردم از آن استقبال کرده و تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

ثانیاً مطالعات نشان می‌دهد که با گذشت چندین دهه از ظهور و پیدایش نخستین سبک‌های تلاوت، هر چه به سمت نسل‌های بعدی پیش رفته‌ایم از دامنه سبک‌های جدید کاسته شده و شاید بتوان گفت آخرین کسی که توانست نوآوری‌های خود را در اندازه یک سبک به نمایش بگذارد مرحوم شحات انور بود. این موضوع به چند دلیل اتفاق افتاده است که ذیلاً به آنها اشاره می‌کنیم.

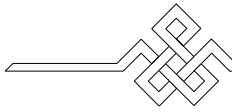
۱- کم شدن یا پرشدن ظرفیت‌های موجود از بعد فنی برای ارایه سبکی جدید در تلاوت (محدودیت نغمات، مهارت‌ها، روش‌ها و قالب‌ها از مهمترین موارد هستند).

۲- بالاتر رفتن سطح فن آوری در سه دهه اخیر از جمله ظهور دستگاه‌های ضبط و پخش صدا، گسترش رسانه‌های تصویری و صوتی که موجب می‌شود به سرعت هر گونه ابداع یا نوآوری پیش از آنکه به نام صاحب آن اشتهار یابد توسط دیگران مورد تقلید قرار گرفته و انتشار یابد. نتیجه این موضوع از بین رفتن انگیزه‌های افراد مبتکر و مبدع در ارایه کارهای نو خواهد بود.

۳- کاهش شنوندگان حرفه‌ای یا «سمیع» در مصر که محرک‌های اصلی قاریان نسل‌های پیشین در کوشش بیشتر آنان برای ابداع و نوآوری بوده‌اند.

۴- تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در دهه‌های اخیر در کشور مصر که موجب تغییر ذائقه بسیاری از مردم و خصوصاً نسل جوان در مورد تلاوت قراء مصری گردیده است. به طوری که اگر در چهل یا پنجاه سال قبل انتخاب اول مردم حضور در محافل تلاوت قرآن بود. امروز این مسئله در خوشبینانه‌ترین حالت در اولویت‌های دست‌چندم آنان قرار دارد. هر چند با این وجود وضعیت مصر هنوز هم از بسیاری کشورهای اسلامی دیگر از نظر استقبال قرآنی مطلوب‌تر است.

۵- افزایش مادیات و رفاه طلبی و به تبع آن کاهش انگیزه‌های معنوی در زندگی قاریان



مصری طی سه دهه گذشته که باعث گردیده کمتر تن به سختی‌های ابداع داده و شوق چندانی برای آن نداشته باشند، در واقع بسیاری از آنان به همان داشته‌های خود و سطح موجود تلاوتی که دارند بسنده کرده‌اند زیرا آن را برای امرار معاش مکفی می‌دانند.

ثالثاً - باید دانست که برای تحقق هر گونه ابداعی در تلاوت نیاز به مقدمات و لوازمی است که تا موجود نباشد ابداعی هم صورت نخواهد گرفت. حال، این ابداع در حد ارایه یک سبک باشد یا طریق، فرقی نمی‌کند.

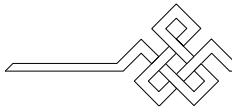
اهم این لوازم یا شرایط عبارت است از:

۱- وجود انگیزه‌های درونی یا بیرونی بسیار قوی که می‌تواند ناشی از محرک‌های مختلف باشد. برای مثال اگر گفته شود که قرآنی که تمایل به تلاوت در رسانه صدا و سیما دارند نباید مقلد باشند و تنها با این شرط تلاوت آنان پذیرفته خواهد شد، قطعاً آنان را به سمت ابداع بیشتر حتی در حد ارایه طریق سوق خواهد داد. همان‌طور که در مصر هم چنین قانونی وجود دارد. یا فرض کنید که اگر جایزه‌ای چند صد میلیونی برای ارایه شیوه‌های نو در تلاوت تعیین کرده و فرصتی مثلاً ۳ ساله را به قراء بدهند. یقیناً می‌تواند آنها را در این مسیر به تلاش و تحرک بیشتر وادار کند.

۲- تسلط کامل قاری بر ابعاد فن تلاوت از حیث تجوید، وقف و ابتداء، لحن و برخورداری از صدایی استاندارد، به طوری که با توجه به موارد یاد شده سطح تلاوت وی مورد تأیید اساتید و کارشناسان قرار داشته باشد.

۳- احاطه لازم بر مجموعه آثار گذشتگان و آنچه به عنوان تراث در زمینه تلاوت قرآن از قاریان صاحب سبک جهان اسلام باقی مانده است. زیرا بدون توجه به میراث پیشینیان نمی‌توان ابداعی صورت داد حتی در این خصوص لازم است قاری پا را فراتر گذاشته و به مقایسه بین این آثار پرداخته و مسیر تاریخی یا ترتیب تاریخی الحان را هم مورد توجه قرار دهد.

۴- برخورداری از دانش کافی در زمینه مقامات عربی و تسلط در اجرای آنها. بدون شک برای کسی که می‌خواهد در زمینه تلاوت نوآوری داشته باشد، لازم است تا از ظرفیت‌های



موجود در مقامات و فروع آنها آگاهی داشته و از آن استفاده نماید. همانطور که بسیاری از قاریان صاحب سبک جهان از چنین دانشی برخوردار بوده‌اند.

#### ۵- برخورداری از نبوغ موسیقایی ویژه

به طور کلی هر نوع ابداع و نوآوری، نبوغ و استعداد خاص خود را می‌طلبد و البته در تلاوت قرآن کریم نیز که نوعی پدیده موسیقایی است هم یک استعداد ویژه موسیقایی لازم است تا با کمک سایر لوازم یاد شده منجر به ابداع گردد. منظور از این استعداد و نبوغ ویژه مطمئناً چیزی غیر از استعداد عمومی است که تقریباً تمامی قاریان حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای از آنان برخوردار هستند. در شکل‌گیری چنین استعدادی علاوه بر قریحه موسیقایی قوی، تیزگوشی و قدرت تحلیل، هوش سرشار یا آی کیو (IQ) بسیار بالایی هم نیاز است.

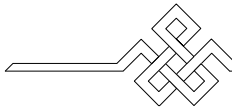
بر این اساس می‌توان ادعا کرد که اصولاً امکان ایجاد سبک یا طریق جدید در تلاوت، برای تعداد زیادی از قرآء بدلیل برخورداری از هوش متوسط و فقدان نبوغ وجود ندارد.

اکنون با توجه به موارد یاد شده و نیز مطالعات و تجربیات نویسنده نتیجه می‌گیریم که در حال حاضر در دو عنوان مکتب و سبک امکان نوآوری بسیار ضعیف و شاید در حد صفر بوده اما در بخش طریق در تلاوت هنوز ظرفیت‌های خوبی وجود دارد که از جمله می‌توان به موضوعات موتیف سازی، قفله‌سازی، تزریق نغمات مرکب و فرعی جدید در تلاوت استفاده از ترکیبات تازه و بدیع، بکارگیری نت‌های عرضی، تغییر در فرم تحریرها و جایگاه آن در نغمه، تغییر در چیدمان نغمات، استفاده از برخی تکنیک‌های موسیقایی که عرفاً در تلاوت قابل استفاده باشد و تنوع در نحوه انتقال مقامات اشاره نمود.

اما نباید فراموش کرد که انجام هر فعلی به منظور نوآوری در تلاوت تنها در صورتی مورد پذیرش خواهد بود که دارای سه شرط اساسی زیر باشد:

اول/ با شأن تلاوت بعنوان هنری مقدس و دینی تناسب داشته باشد. دوم/ نوآوری‌ها خللی به اصول و احکام اولیه تلاوت وارد نسازد.

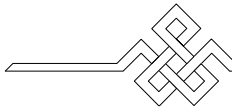
سوم/ مورد پذیرش عرف تلاوت و شنوندگان حرفه‌ای آن قرار گیرد.



در پایان توجه خوانندگان ارجمند را به یک پرسش مهم جلب می‌کنم و آن این است که آیا در حال حاضر اولویت جامعه قرآء ایران پدید آوردن شیوه‌ای نو در تلاوت است یا افزایش سطح کیفی تلاوت‌ها به اندازه‌ای که تأثیر گذاری قابل توجهی بر مخاطبان داشته باشند؟ یقیناً چالش امروز مسئله هنر تلاوت قرآن در کشور عزیزمان این نیست که قاریان ما ابداعات چندانی نداشته و اکثریت قریب باتفاق آنان مقلد هستند بلکه مشکل اینجاست که تلاوت ایرانی (بجز اندک موارد) تأثیر گذاری بالایی ندارد. به تعبیر دیگر مخاطب را میخکوب نمی‌کند. و این یکی از تفاوت‌های مهم و اساسی تلاوت مصری و ایرانی است.

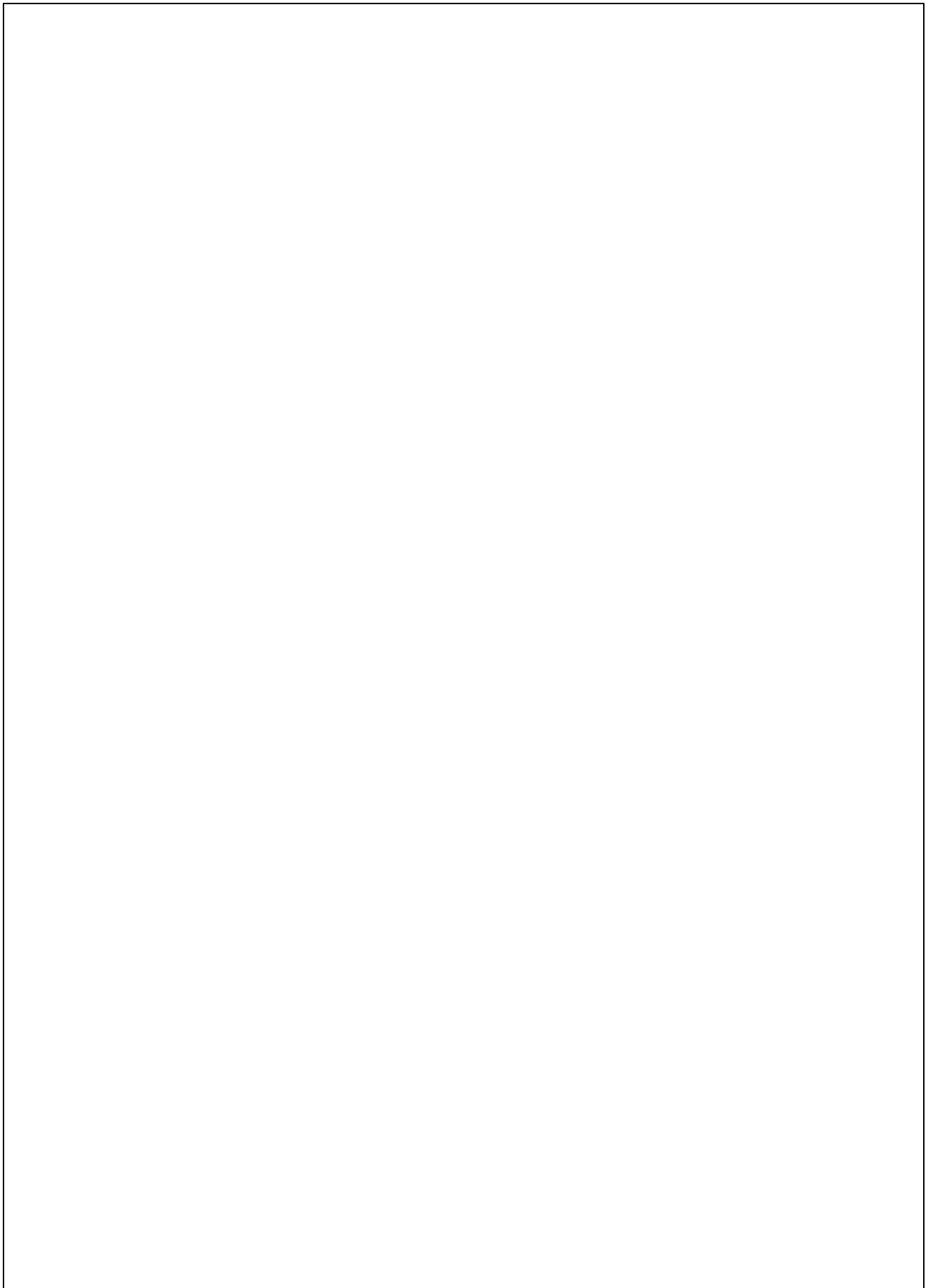
شاید به جرأت بتوان گفت که تعداد قرآء تأثیرگذار ایرانی کمتر از ۲۰ نفر است (گرچه سطح این اثر گذاری در حد چندان بالایی نیست). در صورتی که ما زمانی می‌توانیم ادعای نوآوری در سبک یا طریق داشته باشیم که حداقل این تعداد بالاتر از ۲۰۰ نفر باشد. بنابراین در حال حاضر با این سطح از توانایی، حتی نوآوری‌های قاریان ایرانی هم چندان تأثیرگذار نبوده و فایده‌ای برآن مترتب نیست. آنچه مهم است این است که تلاش کنیم قاریان عزیز ما به آنچنان تسلطی در تلاوت دست یابند که از همان نخستین نغمه‌های شروع تلاوت، شنوندگان خود را در شوق استماع بقیه تلاوت نگه دارند. نه اینکه پس از ۴ تا ۵ دقیقه تلاوت، شنوندگانی که در محفل تلاوت حضور دارند آرزو کنند کاش قاری زودتر به تلاوت خود پایان بخشد. لذا تأثیر گذاری یک تلاوت ارتباطی با تقلیدی یا غیر تقلیدی بودن آن ندارد.

بنابراین به نظر اینجانب اولویت نخست قاریان ما نیل به چنین کیفیتی در تلاوت است حال اگر ابداعی هم در تلاوت‌های آنان نباشد، اتفاق خاصی نمی‌افتد. علاوه براین اساساً مخاطبان تلاوت در کشور ما تفاوت‌های زیادی با مخاطبان تلاوت در مصر دارند در اینجا بسیاری از مردم متوجه تقلید یا عدم تقلید یک قاری نمی‌شوند در حالی که در مصر قاطبه مردم این موضوع را می‌فهمند. با آرزوی توفیقات روزافزون برای جامعه قرآنی کشور بویژه قرآء عزیز میهن اسلامی.



**فهرست منابع :**

۱. منابع اینترنتی
۲. سبک‌شناسی محمد تقی بهار
۳. پایان نامه دکتری - عبدالرضا سبزی
۴. هنر در گذر زمان - هلن گاردنر - نشر آگه ۱۳۶۵
۵. سبک‌ها و مکتب‌های هنری - ایان چیلورز - هارولد آذربورن - ترجمه فرهاد گشایش
۶. سفراء القرآن - احمد همام
۷. سبک‌شناسی معماری ایران - دکتر محمد کریم پیرنیا - تدوین غلامحسین معماریان
۸. هنر تلاوت - غلامرضا شاه میوه ۱۳۸۲
۹. نقد شعر در ایران محمود درگاهی
۱۰. شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب - عبدالحسین زرین کوب
۱۱. مصاحبه‌های شخصی نویسنده با اساتید و قاریان مصری





## ویژگی‌های تلاوت استادانه

ارائه تلاوت منطبق و متناسب با معنا و مفهوم آیات و مقتضیات مناسبتی، زمانی، مکانی و مخاطب  
و نصاب برتر در تلاوت استادانه  
(در بخش‌های صوت و لحن، تجوید و وقف و ابتدا)

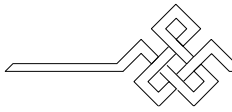
نصرت الله (عارف) حسینی<sup>۱</sup>

### مقدمه

تلاوت قرآن کریم که مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و هنرهاست، امروزه از پیشرفت خوب و قابل توجهی برخوردار بوده است و در قالب یک هنر اسلامی و پرطرفدار در بین مسلمانان مطرح است. در ایران اسلامی پس از پیروزی انقلاب بستر مناسبی برای توسعه فعالیت‌های قرآنی از جمله هنر تلاوت فراهم شد و در مدتی کوتاه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای صورت گرفت. اما آسیب‌هایی از جمله آسیب برگزاری مسابقات قرآن بشکل غیر حرفه‌ای آن، عدم پشتیبانی و سازماندهی مناسب توسط سازمان‌های قرآنی و عوامل دیگر که موضوع این مقاله

aref1444@yahoo.com

۱. مدرس دانشگاه علمی کاربردی شعبه جهاد دانشگاهی.



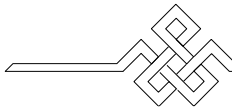
نیست، مانع سیر منطقی و اصولی آن شد. کشور ما، علی‌رغم پیشرفت چشمگیری که در هنر تلاوت قرآن داشته و علی‌رغم ظهور قاریان ممتاز و توانمند بسیاری که روز به روز هم بیشتر می‌شوند، فاصله جدی با عصر طلایی قرائت قرآن در کشور مصر دارد. البته مقایسه وضعیت تلاوت قرآن در کشور ما با کشور مصر با آن پیشینه تاریخی در امر تلاوت، روش صحیحی نیست. البته نکته قابل توجه این است که بخشی از این فاصله و تفاوت، بخاطر عدم آگاهی فنی و حرفه‌ای قاریان ما برای داشتن تلاوت ممتاز و یا بعبارتی تلاوت استادانه است و از آنجا که موضوع مقاله ویژگی‌های تلاوت استادانه است در این مقاله صرف نظر از عوامل خارجی و نقش سازمانهای قرآنی، صرفاً به تلاوت استادانه به اقتضاء ویژگیها و محدودیتهای ساختاری یک مقاله با پیش فرض های زیر پرداخته می‌شود:

(۱) هر فعالیت برای پیشرفت نیازمند یک الگو است. از طرفی میزان سرآمدی و ممتاز بودن هر کس در رشته خودش را باید با مقایسه با بهترینهای آن رشته سنجید. از آنجا که در تلاوت قرآن، ما به قرآء مصری تأسی کرده ایم پس برای نیل به سرآمدی و ممتازی، نیازمند الگو قرار دادن آنها هستیم. مگر آنکه روزی از آنها برتر شویم. نکته قابل توجه این است که وقتی صحبت از تلاوت قرآن در کشور مصر می‌شود، منظور عصر طلایی قرائت قرآن در کشور مصر و قاریانی همچون محمد رفعت، عبدالفتاح شعشاعی، مصطفی اسماعیل، منشاوی، عبدالباسط، محمود علی البناء، کامل یوسف، حصان و... می‌باشد.

(۲) توجه به این نکته مهم است که غیر از موضوعات مربوط به علوم تجوید، وقف و ابتدا و اختلاف قرائت که دارای منابع غنی هستند، در بقیه مؤلفه‌های مربوط به تلاوت قرآن کریم مانند صوت، لحن، فنون تلاوت و مسائل پیرامونی آن از جمله تطبیق الحان با مفاهیم، روانشناسی تلاوت و...، تعداد منابع مدون و متقن بسیار کم است و کار علمی زیادی روی آنها صورت نگرفته است. بنابراین در این مقاله سعی خواهم نمود ضمن استناد به منابع موجود با استدلال و تشریح، نظریات خود را تبیین نمایم.

از طرفی باید متذکر شد که بخش عمده‌ای از فنون و تکنیکهای تلاوت، هنری و ذوقی





است و جنس آنها خیلی قابل استاد به منابع علمی نیست. لذا الگو گیری و کسب مهارت از نمونه های تلاوت بزرگان تلاوت و تحلیل و توجه عمیق به تلاوت آنها نکات مهمی را می‌تواند به ذهن متبادر کند که نگارنده سعی کرده از این فرصت استفاده کند.

۳) خواننده مقاله ممکن است هنگام مطالعه، سؤالات زیادی برایش پیش آید که البته بعضی از آنها را می‌توان حدس زد. ولی نکته‌ی قابل ذکر این است که بخاطر محدودیتهای ساختاری مقاله نمی‌توان به همه آنها پرداخت. از طرفی اقتضاء یک مقاله علمی بر خلاف یک جزوه آموزشی، پرداختن به کلیات و اجتناب از ورود به جزئیات آموزشی است.

۴) مخاطبان و قاریان مورد بحث مقاله کسانی هستند که به درجه نسبتاً بالایی از تلاوت نائل شده‌اند.

### پیشینه تحقیق

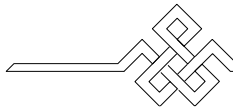
همانطور که بیان شد متأسفانه تا کنون کار علمی قوی و قابل استنادی در خصوص تمامی مؤلفه‌های لازم در تلاوت انجام نشده و یکی از علتهای آن این است که ما تلاوت قرآن را در صوت و لحن و تجوید و وقف و ابتدا خلاصه می‌کنیم، حال آنکه خیلی موضوعات قابل توجه دیگری هم وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد. بنابراین تا کنون پیشینه خاصی در فضایی که در مقاله توسط نگارنده بیان می‌شود، مشاهده نگردیده است.

### ضرورت پژوهش

افزایش معلومات و گشودن افق جدید برای قاریان قرآن

### اهداف پژوهش

اساتید، معلمین و قاریان قرآن نیازمند تبادل نظر و انتقال دانش‌ها و تجارب خود هستند. به ویژه اینکه در مباحث تخصصی تلاوت قرآن، جلسات آموزشی و تبادل نظر و مانند آنها خیلی به ندرت تشکیل می‌شود و یا اگر تشکیل هم شود امکان حضور برای همگان وجود ندارد. از طرفی در تلاوت قرآن در سطوح بالا افراد بطور انفرادی کسب علم و تجربه می‌کنند و بنابراین لازم



است بستری فراهم شود تا آخرین اندوخته‌های علمی و تجارب خود را به یکدیگر انتقال دهند و انجام پژوهش و برگزاری نشست‌های تخصصی برای اطلاع از جدیدترین تحقیقات علمی و انتقال تجارب و یافته‌ها بسیار هدف مهم و با ارزشی است.

### روش پژوهش

روش پژوهش تألیفی است.

### اصطلاحات مقاله

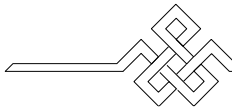
«تلاوت تلحینی تفهیمی» یعنی تلاوتی که به روش تحقیق مجلسی و همراه با صوت و لحن حرفه‌ای است و درعین حال مفاهیم آیات را در بر گرفته و انتقال می‌دهد.  
«زیبا شناختی» یعنی شناخت هنرنمایی‌ها و ریزه‌کاری‌های صوتی - لحنی و پردازشهای صوتی در منطقه مطلوب صدا.

### اجزاء مقاله

در این مقاله ابتدا به جایگاه و ریشه تجوید، لحن، صوت، وقف و ابتدا و راهکارهای ارتقاء آن‌ها و برخی مؤلفه‌های دیگر در تلاوت استادانه می‌پردازیم و سپس به تلاوت متناسب با معنا و مفهوم آیات می‌پردازیم.

### تجوید استادانه

تجوید را می‌توان به دو دسته بندی کلی احکام و فصاحت تقسیم کرد که در هر دوی آن‌ها ما دستگاہ تکلم را برای تلفظ صحیح، آوای صحیح، میزان کشش‌ها و... تربیت می‌کنیم. در واقع با رعایت کامل تجوید لهجه‌ای خاص که منطبق با قواعد و احکام و موسیقی خاص تجویدی است را در دستگاہ تکلم خود نهادینه می‌کنیم و اگر خوب به این موضوع توجه شود در واقع ما لحن خاصی را پیروی می‌کنیم که قانونمند است. به ویژه در بخش فصاحت که شامل طرز تلفظ صحیح صداهای کوتاه و بلند و توازن مقدار کشش‌ها و ممتاز بودن مخارج حروف می‌باشد و



همچنین در بخش احکام که می‌آموزیم، چگونه حروفی را درشت و یا نازک ادا کنیم، در همه این آموزش‌ها در واقع تولید لهجه‌ای یعنی اجرای لحنی را فرا می‌گیریم که به آن لحن بیانی می‌گویند. لذا با ممارست فراوان این لهجه و در واقع این لحن بیانی که قانونمند، مشخص و ثابت است و هیچ تغییر و تحولی در آن صورت نمی‌گیرد می‌تواند عجب دستگاہ تکلم شود. مانند صحبت کردن که نیازی نیست فکر کنیم کلمات را با چه لهجه‌ای و چگونه تلفظ کنیم بنابراین انتظار این است که در تلاوت استادانه به این مرحله برسیم اما توجه به چند نکته ضروری است:

۱. تجوید جزئی از لحن است هم به لحاظ بیانی و هم به دلیل اینکه قاری را مکلف می‌کند که در هنگام تلاوت بعضی کشش‌ها و تغییر زوایا را در خروجی صدا ایجاد کند که در واقع نوعی تغییر آهنگ و لحن است.

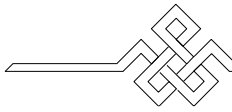
۲. اگر در تجوید قرآء ممتاز ایرانی اشکالاتی دیده می‌شود به دلایل زیر است:

۲.۱ هنوز نتوانسته‌اند از زبان مادری و آوایی خود فاصله بگیرند یا به عبارتی به مرحله‌ای رسیده باشند که به محض تلاوت، خود را کاملاً از فضای زبان و لهجه‌ی فارسی جدا و دستگاہ تکلم را کاملاً مهیای لهجه‌ی تجویدی کنند. البته این کار بسیار مشکلی است که تمرین و ممارست زیادی نیاز دارد. در تلاوت استادانه قاری باید بتواند بلافاصله شخصیت زبانی، آوایی و گویشی خود را تغییر دهد.

۲.۲ مهارت لازم را در ارتباط با تنظیم صوت، لحن و نفس به خاطر محدودیت‌هایی که تجوید ایجاد می‌کند، ندارند.

۲.۳ بخشی از آن ریشه‌روانی دارد، انسان‌های مضطرب و عجول و بی‌نظم حتی در رعایت قواعد تجویدی، مثل میزان کشش‌ها، رعایت توازن‌ها و نظم تجویدی، موفق نیستند.

۲.۴ با تجوید حرفه‌ای آشنا نیستند، اقتضاء و تجوید حرفه‌ای این است که به سبب تنظیمات لحنی معنی‌دار، در برخی موارد با اندکی تسامح و البته هنرمندانه و قواعد تجویدی را بدون نقصان رعایت کنند چرا که فلسفه تجوید زیبا کردن تلاوت است نه عاملی که باعث تقلیل زیبایی شود. البته رعایت حقوق حروف و احکام از ملزومات است که باید نهادینه و با تلاوت



عجین شود در واقع نوعی تعامل هنرمندانه بین حکم تجویدی و حکم لحنی باعث می‌شود که ضمن رعایت و توجه به جایگاه هر دو مؤلفه مهم تلاوت، اصول زیباشناختی و تأثیرگذاری، بیشتر رعایت گردد.

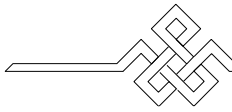
### لحن استادانه

لحن برگرفته از سبک کاملاً تقلیدی نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد، چراکه در تلاوت کاملاً تقلیدی نمی‌توان تمام توانمندی‌های شخص مقلد را شناسایی کرد و شرایط برای بروز تمام استعدادها و فراهم نیست. سبک تقلیدی تحمیل شخصیت و حس درونی قاری مقلد است. بعد از مرحله ابتدایی در تلاوت که شخص حتماً باید تقلید کند و بعد از اینکه اصول تلاوت را شناخت، لازم است قاری برای به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت خود تقلید صرف را کنار گذاشته و از الگوهای متعدد و متفاوت استفاده کند که در این مرحله مجاز است با آگاهی و توجه به نکات ذیل از تمامی تلاوت‌های ممتاز و تمامی نغمه‌هایی که مناسب تلاوت قرآن است، استفاده کند:

۱- تقلید در مسائلی است که انسان درباره آن‌ها، علم و آگاهی ندارد و تقلید در مسائل ذوقی، سلیقه‌ای و حسی بی‌معناست.

۲- فعل و انفعالات درونی افراد با شنیدن نغمات یکسان در شرایط یکسان متفاوت است. به فرض اگر به دو برادر دوقلو از نوع همزاد و همسان از دوران کودکی به طور یکسان آموزش دهیم و حتی تلاوت‌ها و نغمه‌هایی که می‌شنوند هم یکسان باشد، بعد از سال‌ها که آنها دو قاری مطرح شوند، مشاهده خواهد شد که سبکشان با هم متفاوت خواهد بود. در بیان احوالات استاد محمد صدیق منشاوی و استاد کامل یوسف البهیمی داریم که آن‌ها برای آموزش قرآن به یک مکتب می‌رفتند و استادشان یک نفر بوده است ولی ملاحظه می‌کنیم که چقدر سبک تلاوتشان با هم متفاوت است.

سبک تلاوت هر کس بستگی به شخصیت، روحیات، علم و دانش، خلاقیت و استعداد او دارد بنابراین به تعداد قراء ممتازی که تلاوتشان از حد متوسط و خوب گذشته و حرفه‌ای شده‌اند

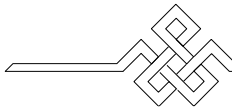


(یعنی با ملزومات تلاوت آشنایی داشته و مسلط هستند) می‌تواند سبک وجود داشته باشد. البته بیان این نکته لازم است که زمانی قاری می‌تواند خواندن مستقل داشته باشد که به ذوق و استعداد درونی خود اجازه بروز دهد و برای آن موانع ایجاد نکند. باید در دریای بی کران الحان قرآن آزادانه شنا کرد و هرگوه‌ری که جذّاب بنظر رسید برداشت و استفاده نمود. یکی از موانعی که باعث عدم بروز ذوق درونی می‌شود، تحت تأثیر قرار گرفتن فرهنگ تلاوتی جامعه است. مثلاً وقتی استاد شحات محمد انور به ایران می‌آید تا مدت‌ها، تمام تلاوت‌ها به آن سمت و سو می‌رود، در حالیکه آن سبک برای همگان مناسب نیست. یکی دیگر از موانع، عدم شناخت صدا است که در بخش صوت به آن می‌پردازیم.

۳- در تلاوت قرآن فراگیری الحان، سماعی است ولی انسان ذاتاً با موسیقی آشنا است و حس درونی او قدرت اجتهاد دارد و مغز و قوه‌ی تحلیل و پردازش او قدرت ترکیب و تلفیق دارد. لذا باید میل باطنی و حس درونی را شناخت و باید قاری کشف کند که در او کدام الحان اثر ماندگار دارد و او را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. شناخت این مسئله قاری را در پیدا کردن استعداد لحنی او کمک می‌کند و در این صورت می‌تواند با دریافت مناسب الحان اثرگذار، حس درونی خود را فعال و پویا کند.

۴- در فراگیری سبک‌ها باید به محدوده صوتی خود به لحاظ اندازه مساحت و ارتفاع صدا توجه کند در ضمن پرده شروع مناسب، بالا بردن کیفیت اجراء، انتخاب نغمات جذّاب و توجه به تحرک در تلاوت از نکات بسیار مهم است.

۵- وجود قاری را مانند پردازشگری در نظر بگیرید که ورودی آن الحان و نغماتی است که در او اثر فراوان می‌گذارد، پردازشگر آن حس و حال و شخصیت او است که آزادانه و دائماً در حال زمزمه نغمات و پردازش آن‌ها باشد و خروجی آن الحانی می‌باشد که برگرفته از حس او است و بر اساس فضای حاکم بر زمان و مکان تلاوت و ساختار آیات و مفاهیم آن در شخص قاری پدید می‌آید، نه الحانی که مغز آن‌ها را چیش می‌کند. (چیش مغزی برای مبتدیان است) در تلاوت استادانه فرمانده تلاوت و نحوه به کارگیری بقیه مؤلفه‌ها، «حس» است حتماً قاریان با

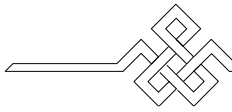


تجربه تأیید می‌کنند که برخی نغمات و الحان با وجود اینکه در مقایسه با برخی نغمات دیگر کمتر شنیده شده‌اند اما در تلاوت ناخودآگاه بیشتر استفاده می‌شوند و یا این که بعضی وقت‌ها قاری فرازی را می‌خواند به او گفته می‌شود آیا تلاوت‌های فلان استاد را گوش می‌کنی در حالی که اصلاً قاری از آن استاد تقلید نمی‌کند. همه این‌ها نشان می‌دهد که انسان ذاتاً برای پذیرش بعضی از الحان و پردازش بعضی از قطعات در مقایسه با الحان دیگر آمادگی فراوان دارد (البته این در افراد مختلف متفاوت است) و ناخودآگاه می‌تواند خلاقیت داشته باشد به طوری که نغمه‌ای را نوآوری کند که محصول فعل و انفعالات درونی است که برگرفته از حافظه تلحینی (منظور محلی از حافظه که نغمات و الحان در آن ذخیره می‌شود) با مدیریت حس درونی است. پس استاد برای تلاوت استادانه باید شناخت عمیق روی احوالات خود به لحاظ میزان تأثیرپذیری از نغمات متفاوت داشته باشد و دروازه حس درونی که گوش موسیقایی است، را فعال نماید.

یک استاد برای اینکه استعداد ذاتی و موسیقایی او در زمینه ی لحن بروز کند خود را با محدود کردن در یک دسته از نغمات و الحان خاص، محدود نمی‌کند. ورود الحان در ذهن قاری و پردازش درونی آن باید بقدری زیاد باشد که پردازشگر اصلی وجود، یعنی «حس» از آن تبلور یابد و به مثابه حضور در یک باغ پر از انواع میوه به فراخور میل خود بهترین میوه‌ها را بچیند. یک استاد، تمام الحان و انغام و فنون و تکنیک‌های لحن را باید با تمرکز کامل بشنود و وجودش سرشار از حالات مختلف لحنی باشد، اما هیچگاه تصمیم نگیرد که به شکلی خاص تلاوت کند. شکل و حالت تلاوت را به آمادگی صوتی، حس و حال، فضای تلاوتی و فضای آیات واگذار کند. البته تلاوت باید به لحاظ موسیقایی دارای منطق و ساختار صحیح باشد.

#### صوت استادانه

صوت از مهم‌ترین ارکان تلاوت است که رابطه مستقیم با سایر ارکان تلاوت دارد. صوت جلوه‌گاه و منزلگاه لحن است. تجوید در صوت آماده می‌تواند خود را نشان دهد و میزان نفس که لازمه وصل‌ها و شروع‌های مناسب در بسیاری موارد است، ارتباط مستقیم با تنظیم خروجی



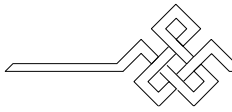
صوت دارد.

قاری قرآنی که به حد ممتاز رسیده است، نشان می‌دهد که دارای صوت خوبی بوده است. البته باید این نکته را گفت که به ندرت می‌توان یک صوت کامل را دارا بود و افرادی که دارای صداهای بی‌نقص هستند، خیلی نادرند یعنی صداهایی که همه مشخصه‌های صوتی مانند ارتفاع و مساحت کامل، انعطاف، شدت، قدرت، زیبایی، چالاک‌ی، جذابیت را یکجا به طور کامل داشته باشند. البته قاریانی که به حد ممتاز نائل شده‌اند، حداقل برخی از مشخصه‌های ویژه صوت را دارا هستند و همین کفایت می‌کند. آن‌چه که بسیار مهم است این که هر قاری صدای خود را به خوبی بشناسد. شناخت صدا آن‌قدر مهم است که می‌توان از آن به عنوان طی کردن نصف راه در تلاوت قرآن یاد کرد. شناخت صدا یعنی اینکه قاری بداند که از صدای خود چگونه به صورت بهینه استفاده نماید و به این مهارت نائل گردد که از صدای خود چگونه و به چه ترتیب در اجرای الحان، تکنیک‌های صوتی و لحنی استفاده نماید که قطع به یقین این شناخت او را به یک تلاوت منحصر به فرد نائل می‌کند. برای شناخت صدا توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- هر صدایی حتی صداهای کامل دارای یک منطقه مطلوب و یک منطقه نامطلوب هستند که باید شناخته شوند.

۲- همه صداها قدرت و آمادگی اجرای تمام نغمات را بطور کامل و جذاب ندارند یعنی هر لحن و نغمه‌ای در هر صدایی جذاب نیست. هر صدایی برای اجرای یک مکتب خاص از الحان مناسب است و به همین خاطر سبک‌ها با هم متمایز می‌شود. چه بسیارند قاریانی که الحانی را بر صدای خود تحمیل می‌کنند که زیبایی ندارد و صدا را دچار تکلف می‌کند.

۳- با هر صدایی که مناسب تلاوت قرآن است می‌توان ممتاز شد. فقط کافی است تشخیص دهیم صدای ما در اجرای آن‌ها و چگونگی ترکیب اصوات و چگونگی به کارگیری فضاهای صوتی مختلف در حالت ترکیب، به زحمت نمی‌افتد. در تأیید به کارگیری انواع صدا برای ممتاز شدن، بعنوان مثال به صدای استاد شعبان عبدالعزیز صیاد و صدای استاد احمد عامر توجه کرده و آن‌ها را با هم مقایسه کنید. هر کدام با صدایی متفاوت در سبک انتخابی مناسب خود جزء مشاهیر



تلاوت شدند.

۴- صدا باید برای اجرا آماده باشد. نوع آماده شدن صدا (به جز تمرینات عمومی آماده‌گی صدا که در دوره پرورش صدا به آن اشاره می‌شود) در حنجره‌های مختلف متفاوت است که قاری باید آن را بداند.

۵- به صوت باید بعنوان یک موجود زنده نگاه کرد که سخن می‌گوید و تقاضا دارد و اعتراض دارد و پیام دارد. صدا خود می‌گوید که در هر لحظه و در هر شرایطی چگونه باید از آن استفاده شود.

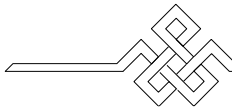
۶- صدا حداقل در چهار منطقه در دستگاه تکلم تشدید می‌گردد و می‌توان در آن چهار منطقه که شامل گلو، دهان، بینی و سر است روی آن کارهای صوتی زیبا انجام داد و هنگام پردازش لحن روی آن‌ها کار ترکیبی انجام داد. قاری باید تشدید کننده‌های صوتی را بشناسد و در استفاده از آن‌ها تسلط داشته باشد.

۷- ساختار صدا را از لحاظ تغذیه و جغرافیا باید شناخت.

۸- صدا مانند اثر انگشت دارای یک ویژگی خاص و منحصر به فرد است که می‌توان آن را شناخت و تربیت کرد و از صدای دیگران متمایز نمود. در واقع یکی از مهم‌ترین عللی که باعث گردیده سبک قاریان مشهور با هم متفاوت باشد، این است که ویژگی خاص صدا تعیین کننده سبک و سیاق تلاوت آنها بوده است. بنابراین با هر صدایی به شرطی که حداقل‌ها را داشته باشد (از نظر لحن) قابلیت اجرای لحن را داشته باشد و به شرط مجهز بودن به گوش موسیقایی قوی، می‌توان با شناخت ویژگی منحصر به فرد صدا، از برترین‌ها در امر تلاوت قرآن بود.

علاوه بر شناخت صدا باید آن را بطور ویژه و خاص تربیت کرده، پرورش داد، چون صوت رکن رکن تلاوت است و جلوه بقیه عناصر و مؤلفه‌های تلاوت در آن است. لذا باید چالاک و توانمند باشد. بنابراین باید تمام عضلات و اندام‌هایی که در تولید، پردازش، تشدید و انتشار صوت نقش دارند را تربیت کرد و آن‌ها را عضلانی و قوی نمود. البته این کار در اثر تلاوت و تمرین‌های زیاد به طور غیر مستقیم انجام می‌شود ولی هم، زمان می‌برد و هم این که چون





تمرینات مستقیماً متمرکز بر صدا نیست، اثرش در مقایسه با تمرینات خاص تربیت صدا کمتر خواهد شد. روشی که نگارنده پیشنهاد می‌دهد این است که برای رسیدن به یک صدای مطلوب و افزایش عمر آن و شناخت نقاط ضعف و قوت آن، گذراندن یک دوره کامل پرورش و تربیت صدا برای رسیدن به تلاوت استادانه ضروری است. دوره تربیت و پرورش صدا یکی از همان دوره‌هایی است که نیازمند یک کار کارگاهی است و در این مقاله نمی‌توان به آن پرداخت.

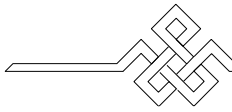
این دوره نتایج مهمی را در بردارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تسلط بر آماده و گرم کردن سریع صدا
۲. افزایش قدرت، قوت و بُرد صدا
۳. کشف نقاط و جایگاه‌های جدید در صدا و فعال شدن نت‌های خفته در صدا
۴. شناخت بهتر صدا و آگاهی از محدوده مطلوب و نامطلوب صدا
۵. تسلط بر انتقال و به کارگیری فضاهای صوتی (تشدید کننده‌ها)
۶. مرتفع نمودن مشکلات صوتی

### وقف و ابتدای استادانه

وقف و ابتدا یک علم است که مبتنی بر مفاهیم و زوایای ادبی (و توجه به معنای) آیات می‌باشد. قاریان قرآن کریم در سطح استادی باید به خوبی از آن بهره‌مند باشند. اما توجه به این نکته مهم است که الزاماتی که دانش وقف و ابتدا در تلاوت ایجاد می‌کند و محدودیت‌هایی که به همراه دارد، خود یک نوع ضابطه‌مندی لحن است و به تنظیم لحن و معنادار و پیام‌دار کردن آن کمک می‌کند. یک قاری برای داشتن تلاوت حرفه‌ای و استادانه از محل‌های مناسب وقف و شروع به شایستگی استفاده می‌کند و چنانچه بتواند از پردازش‌های لحنی با عنایت به حالت‌های مختلف شروع و وقف استفاده می‌کند و آیات را به چند صورتی که علم وقف و ابتدا اجازه می‌دهد تلاوت می‌کند و در هر بار یکنوع پردازش لحنی و جلوه‌های صوتی را نمایان می‌کند.

در تلاوت استادانه برای ارائه یک تلاوت مفهوم دار و جذّاب، می‌توان از حالت‌های مختلف وقف و شروع به شکل‌های مختلف، استفاده کرد. یعنی به کارگیری دانش وقف و ابتدا با



وقف‌ها و شروع‌های مناسب و اجرای حالت‌های مختلف و جابجایی و پردازش‌های مختلف، یک آیه را به چند صورت می‌توان تلاوت کرد و ذهن مخاطب را برای دریافت پیام آیه و وا داشتن او به تفکر در آیه، آماده نمود.

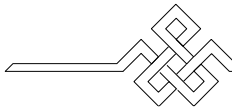
### عنصر «حس» در تلاوت

همان‌طور که قبلاً گفته شده صوت، لحن و سبک تلاوت هر قاری، برگرفته از حس و دروئیات اوست که نقش آن در تلاوت نقش فرماندهی است. حس است که فضای تلاوت را تعیین می‌کند، حس است که در بین آن همه نغمه ذخیره شده در حافظه تلحینی، برخی را به اقتضاء شرایط درونی و بیرونی برمی‌گزیند.

بسیار اتفاق می‌افتد که در اوج آمادگی صدایی و علی‌رغم انجام تمرینات و شرایط خوب محیطی، قاری به علت عدم ارتباط با خود (کشف حس درونی) نمی‌تواند خوب تلاوت کند و به عکس برای هر قاری حداقل یکبار اتفاق افتاده است که مثلاً در مجلسی از او برای تلاوت دعوت شود و او به دلیل عدم آمادگی صدا امتناع می‌کند اما با اصرار دیگران شروع به تلاوت می‌کند و از قضا آن تلاوت یکی از بهترین تلاوت‌های او می‌شود. البته این امر دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها فعالیت ممتاز حس است، به دلیل این که قاری در آن لحظه هیچ‌امیدی به صدای خود ندارد و فقط از ضمیر خود و حس خود مدد می‌گیرد و با حالتی خاضعانه و عدم تکیه بر توانایی خود شروع به تلاوت نموده و چون از خودِ ظاهری رها می‌شود خودِ باطنی او جلوه‌نمایی می‌کند، اندوخته‌های او در زمینه تلاوت عیان می‌شود.

حس برآیند شخصیت، روحیات دانش، خلاقیت، خواطر و تمامی مسائل درونی شخص و ارتباطش با دنیای بیرون است و حاصلش یک نغمه درونی و یک زمزمه درونی است.

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که وقتی در اتومبیل، در خانه و یا هر جایی که در خلوت خود یکدفعه شروع به تلاوت قرآن می‌کنید و یکدفعه (برخلاف شکل مرسوم تلاوت قرآن و صرف نظر از مقدماتش) یک فرازی یا یک قطعه‌ای را تلاوت می‌کنید، علت این که در آن نغمه و آن شکل تلاوت کردید چه بود؟ آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چه عاملی باعث شد که در آن پرده



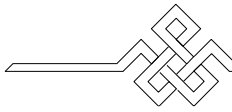
صوتی، در آن حالت، در آن آهنگ و به آن شکل تلاوت کنید؟

در پاسخ باید گفت: که علت آن دلایل زیادی می‌تواند داشته باشد ولی مهمترین آن این است که حس و حال درونی و فضای بیرونی که مستقیماً بر روی احوالات انسان تأثیر دارد، اقتضاء می‌کنند که تلاوت در آن لحظه با آن روش، و در آن مقام و به آن شکل باشد. لذا در رد نظریه برخی از اساتید که می‌گویند هر مقامی برای تلاوت در آیات خاصی است، باید گفت هر مقام و لحنی بستگی دارد به این که در چه حالتی و با چه حسی تلاوت می‌شود. مثلاً برخی می‌گویند مقام نهانند برای آیاتی است که بشارت دهنده است و برای آیات بهشتی باید تلاوت شود، در حالی که مقام نهانند را با حس محزون و کوبنده و سخت هم می‌توان تلاوت کرد. حس و حال هر کس تعیین کننده رنگ تلاوتش می‌باشد. یا مثلاً مقام صبا که ذاتاً محزون است را می‌توان با حس شاد و حالت فرح نیز تلاوت کرد و اگر قاری حس و حالی مفرح در آن لحظه داشته باشد علی‌رغم حالت خاص حزن‌انگیز مقام صبا، اجرای او گونه دیگری خواهد داشت و می‌توان از آن پیامی غیر محزون نیز دریافت نمود.

مسائل درونی و روحی مربوط به تلاوت قرآن کریم از جمله «حس درونی» و نغمه ذاتی و بسیاری از مسائل دیگر باب جدیدی را در تلاوت قرآن کریم باز نموده است که می‌توان بر آن نام روانشناسی تلاوت نهاد. بنابراین برای داشتن تلاوت استادانه، قاری باید یک ارتباط عمیق با درون و حالات خود داشته باشد و از تلاوت‌های فکری که خالی از احساس است پرهیز کند. چنین تک تک نغمات کنار هم بر اساس فکر، عادت و تقلید، کار مبتدیان است. قاری قرآن برای ارائه تلاوت استادانه باید با فرماندهی حالت درونی و حس خود و با شناخت صدای خود و رعایت توانمندی‌ها و نقطه ضعف‌های آن تلاوت کند. به عبارتی نقش «حس» و «صدا» در تلاوت بسیار مهم و تعیین کننده است. و می‌توان از آن دو به عنوان راهبران تلاوت استادانه یاد کرد.

### تلاوت متناسب با معنا و مفهوم آیات

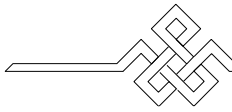
بدیهی است که یک گوینده در انتقال مفهوم مطالب خود و رسیدن به اهدافی که از بیان مطالب دنبال می‌کند، نیازمند فهم کامل و دقیق محتوای مورد مطلوب خود است و الا نمی‌تواند



پیامی به مستمع منتقل نماید. پس برای انتقال مفاهیم و رساندن پیام و تکیه بر برجستگی‌های پیام، ابتدا باید به خوبی بداند که چه می‌خواهد بگوید و سپس با استفاده از ابزاری مناسب مقصود خود را برساند. اما دو حالت ممکن است وجود داشته باشد. حالت اول اینکه مطالب متعلق به کس دیگری است و خود صرفاً گوینده است و حالت دوم اینکه مطالب متعلق به خود اوست. پر واضح است در حالت دوم کار او برای انتقال مطلب راحت‌تر است. چراکه خود می‌داند چه می‌خواهد بگوید و از مفهوم، پیام و محتوای مطالب خود کاملاً آگاه است. در این صورت فقط باید مجهز به ابزار پیام‌رسانی و فن بیان و تجربه باشد ولی اگر مطالب و محتوا برای کسی دیگر باشد، ابتدا خود باید به خوبی آن را درک کند. و اگر در برداشت صحیح آن موفق باشد، آنگاه می‌تواند با استفاده از ابزار لازم و تسلط بر فن بیان و به کارگیری لحن مناسب مفهوم و پیام را انتقال دهد. تلاوت قرآن کریم نوعی انتقال مفاهیم است، هم به لحاظ موسیقی و هم به لحاظ محتوایی. یعنی هم موسیقی قرآن پیام دارد و هم محتوای آن. اما در تلاوت قرآن کریم حالت دوم وجود دارد. آیات روح بخش قرآن کریم دارای مضامین و مفاهیم بلندی است (که سخن خداوند منان است) و تلاوت‌کننده آن باید با استفاده از ابزاری متناسب با معنا و مفاهیم سعی در انتقال پیامها و مضامین آن داشته باشد. اما تلاوت متناسب با معنا و مفهوم علاوه بر شباهت‌های آن از حیث انتقال مفاهیم که در خواندن متن به آن اشاره شد، تفاوت‌های قابل توجهی با پیغام‌رسانی و قرائت متون که ساخته و پرداخته انسانها است، دارد که در اینجا به تعدادی از این تفاوتها اشاره می‌شود:

#### ۱- تفاوت کلام خداوندی با کلام بشری

قرآن کریم، عیناً سخن خداوند است که در نزول دفعی یکباره بر قلب نازنین پیامبر اکرم نازل شده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «فَضَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»: برتری قرآن بر سایر کلامها مانند برتری خدا بر مخلوقات اوست.

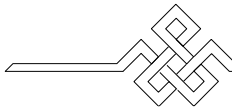


به نسبت بزرگی خداوند به انسان و برتری او، کلام او نیز برتر و بزرگتر است. پس راه رسیدن به درک واقعی سخنان خداوند هم به همین نسبت بزرگ و طولانی است. یعنی هر انسانی به نسبت نزدیکی که به خداوند دارد می‌تواند آیات قرآن کریم را بفهمد. پیامبر اکرم می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ»: همانا برای قرآن ظاهر و باطنی هست و برای هر باطنی، باطنی تا هفت بطن.

طبق این حدیث، قرآن کریم هفت بطن دارد یعنی دارای هفت لایه و سطح است که رسیدن به هر لایه و سطح آن نیازمند پیمودن مراحل است که به نظر می‌آید به دانش، اعتقاد، تقوا، عرفان، طی طریق، زلالی روح، نزدیکی به کمالات انسانی، پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) که قرآن ناطقند (و عوامل دیگر) بستگی دارد. بنابراین تلاش برای رسیدن به درک بطن اول و لایه اول برای هر قرائت کننده‌ای که انگیزه‌ی تلاوت استادانه یعنی تلاوت متناسب با معنا و مفاهیم را دارد، حداقل حرکت است. البته لازم به ذکر است که شنونده هم باید گوش و دل آماده داشته باشد. اما تا حدود زیادی قاری می‌تواند شرایط را برای دریافت پیام توسط مخاطبان و تأثیر گذاری بر آنان آماده کند. همانطور که حضور در یک مجلس معنوی و شرایط سخنران و آمادگی معنوی او، می‌تواند در ذهن و قلب مستمع آمادگی ایجاد کند. با توجه به رجوع به روش آموزشی قرآن توسط اهل بیت علیهم السلام به ویژه پیامبر اکرم که ده آیه ده آیه آموزش می‌دادند و هر آیه را تبیین و توضیح می‌فرمودند و با توجه به آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» و تأکید آیات و روایات بر تدبر در تلاوت قرآن کریم، و با توجه به اینکه مخاطبان پیامبر با زبان عربی آشنایی داشتند، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً فراگیری مفاهیم آیات جزء آموزش اولیه‌ی قرآن بوده است که همراه با آموزش روخوانی و تلاوت آیات انجام می‌شده است. در حالی که ما آن را مستقل می‌بینیم و ثانیاً آشنایی با ادبیات عرب و معانی واژگان و جملات و آیات قرآن کریم و مفاهیم آن برای هر تلاوت کننده‌ای ضروری است. مگر آنکه به این مطلوب یعنی ارائه تلاوت همراه با انتقال مفاهیم از راه دیگری

۱ عوالی اللئالی، جلد ۴، صفحه ۱۰۷

۲ سوره مزمل، آیه ۴



نائل شود که در بخشی دیگر از این مقاله خواهد آمد.

## ۲- انطباق محتوای آیات با فطرت بشری آن را از کلام غیر خداوندی متمایز می‌کند

هر جا که سخن از سوی خدا و بندگان خاص خداست که کلام آنها برگرفته از کلام خداوند است، چون جنسش منطبق با جنس فطرت الهی است که در وجود بشری نهاده شده است: «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» بنابراین متفاوت با کلام عادی بشریست و فهم و درک آن به خاطر هم جنس بودن آن با روح بشری بشرطی که آن را آلوده نکرده باشد، امکان دیگری برای درک آیات است که این درک مبتنی بر دانش تنها نیست.

«وَنَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»<sup>۱</sup> روح انسانی روح الهی است پس قادر است کلام او را با فطرت خود درک کند، و از این امتیاز می‌تواند برای فهم کلام خداوند و سخنان او بهره ببرد. مصداق ذکر خداوند و کلام خداوند، قرآن کریم است که آرامش دهنده هر قلب آماده‌ای است. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۲</sup> پس نتیجه اینکه تلاوت آیات روح بخش قرآن کریم از لحاظ اثرگذاری در مقایسه با دیگر متون غیر الهی، بسیار پر ثمرتر است؛ چراکه متون بشری غیر مرتبط با وحی، با فطرت انسان نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. ولی قرآن کریم غذای روح است و نفوذ کننده در دل‌های آماده است و بسیار بوده اند کسانی که با شنیدن نغمه‌ی دلربای قرآن کریم متحول شده اند. پس اگر قاری بفهمد که چه می‌خواند، آنچه که تلاوت می‌کند حلقه وصل فطرت او و فطرت مخاطب است. یعنی یک استاد در تلاوت استادانه خود از این ویژگی مشترک خود و مستمع خود (یعنی فطرت الهی) به خوبی استفاده می‌کند.

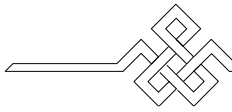
## ۳- موسیقی و نظم آهنگ باطنی آیات قرآن کریم

با تحقیقات بسیاری معلوم گردیده است که آیات قرآن کریم با اینکه شعر نیست و با اینکه

۱. سوره روم، آیه ۳۰

۲. سوره حجر، آیه ۲۹

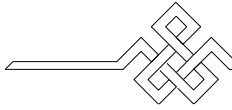
۳. سوره رعد، آیه ۲۸



دارای قافیه‌های ظاهری که در ادبیات با آن آشنا شده‌ایم نیست، دارای یک نظم آهنگ و یک موسیقی باطنی است که درک آن دارای سطوح مختلف است. در ابتدایی‌ترین سطح آن، تفاوت و اختلاف سبک و سیاق آن با دیگر متون حس می‌شود. به همین خاطر هر تلاوت کننده ای بعد از مدتی حتی اگر آشنایی کامل با فنون تلاوت نداشته باشد، در تلاوت او یک روند منظم ایجاد می‌شود و در سطوح بالاتر هرچقدر تجربه کسب می‌کند و هرچه قاری با ساختار آیات و نظم آهنگ و ظرایف لحنی و ریزه کاری‌های آن آشنا می‌شود و هرچه در تلاوت توانمندتر می‌شود، بیشتر متوجه موسیقی ذاتی غیر قابل وصف آن می‌شود. چون فطرت درونی، بسیاری از ابعاد آن را درک می‌کند، در حالیکه ممکن است هیچگاه نتواند درک خود را در قالب الفاظ بیان کند. موسیقی و هارمونی قرآن کریم همانند دیگر ابعاد آن از جلوه‌های اعجاز آن است و دستیابی به اعجاز کار بشر عادی نیست اما همانند سایر کمالات که انسان می‌تواند آنها را کسب کند و در طی وصول آن باشد، می‌تواند به اندازه استعداد و به اندازه تلاش به این ضرب آهنگ و نظم ذاتی و سبک چینش حروف و کلمات دست پیدا کند، که اگر چنین اتفاقی بیافتد بهتر می‌تواند آن را به صدای خوش و الحان موزون زینت دهد.

در واقع آگاهی از شکل باطنی کلمات یعنی چینش خاص آنها از لحاظ هجاها، حرکات و آواها و ارتباط آنها با یکدیگر زمینه وسیع‌تری را به لحاظ چینش نغمات و ریز ملودی‌ها و نت‌ها فرا روی قاری باز می‌کند و می‌توان تا حدودی تعمیم داد که هر جا قطعه و فرازی بیشتر از قطعات و فرازهای دیگر در تلاوت اساتید مشهور جهان اسلام در دل نشسته و اثر گذارتر بوده خبر از نزدیکی و پیوستگی پردازش صدای آن لحظه قاری با موسیقی باطنی آن کلمه و یا آن آیه می‌دهد. و این یکی از ویژگی‌های تلاوت استادانه است. پیام آیات، سیاق آیات، موسیقی و هارمونی آیات ماندگار است. پس هرگاه تلاوتی به لحاظ تناسب آهنگی و تناسب صدایی و هم جنسی لحنی به آیه نزدیک شود، ماندگار می‌شود.

قاری قرآن کریم اگر از لحاظ معنویت و صفای دل و سلامت به درجه‌ی والایی برسد، اگرچه دانش لازم را هم نداشته باشد با دانش سطحی هم می‌تواند به درک خوبی از آیات نائل



شود و با تمام وجود آن را حس کند. قاری قرآن اگر روح پاک و قلبی سلیم داشته باشد آیات را خوب می‌فهمد و وقتی خوب فهمید می‌تواند با استفاده از ابزاری مناسب که به آنها پرداخته خواهد شد به خوبی انتقال دهد به شرطی که قلب مستمع و دل و جان مخاطب نیز آماده باشد. چه بسیار بوده اند مردان و زنانی که با شنیدن یک آیه منقلب شده و مسیر زندگی خود را کردند و توانستند با درک عمیق آیه با جان و دل خود راه صد ساله را در یک شب بپیمایند.

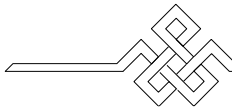
مرد باده نشینی نزد رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌رسد. از وی می‌خواهد که برای او قرآن تلاوت کند و وقتی آیات «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» از سوره زلزال بر او تلاوت می‌شود، مرد ناگهان برمی‌خیزد و می‌رود. پیامبر می‌فرماید: «تَكْفِيهِ هَذِهِ الْآيَةِ رَجَعَ فَقِيهًا» این آیه او را کفایت کرد و در حالیکه فقیه شد، بازگشت. آری اگر انسان آماده باشد، فهم یک آیه هم می‌تواند در او انقلاب ایجاد کند. انقلابی که او را به درک والایی از قرآن برساند. اما نباید فراموش کرد که درک جنبه‌های هنری تلاوت قرآن و درک زیور تلاوت یعنی صدا و لحن خوش برای هر کس که دل سپاری می‌کند مؤثر است. آنچه که مهم است این است که قاری قرآن کریم باید با معانی و مفاهیم و تفسیر آیات آشنا باشد. ولی این شرط کافی نیست، چرا که اگر این چنین بود باید عالمان و مفسران قرآن کریم بهترین قاریان باشند و چه بسا قاریانی داریم که از لحاظ دانش و فهم آیات در سطح پایینی هستند ولی تلاوتهای اثرگذاری دارند. آنچه که مهم است این که قاری قرآن کریم باید به اندازه ظرفیت و دانش خود، آیه را درک کند و سعی در انتقال آن داشته باشد و بدیهی است که این مهم به وسیله افزایش توانمندیهای صوتی و لحنی و مؤلفه‌های دیگر مورد نیاز تلاوت قابل اجرا می‌باشد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

«لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ»<sup>۲</sup>

۱. نورالثقلین، جلد ۵، صفحه ۶۵۰

۲. نهج الفصاحه، حکمت ۲۲۶۵



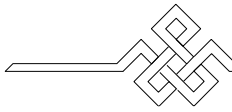


### تلاوت تلحینی تفهیمی اجتهادی است نه اکتسابی

از آنجا که برداشت افراد از آیات قرآن کریم وابسته به دانش، ظرفیت های درونی، شخصیت، معنویت و تجربه تلاوتی آنها دارد، لذا هر کس به اندازه خودش می‌تواند آیات را درک کند و حتی نگاه افراد در تشخیص نکات و کلمات برجسته آیات که نیاز به تأکید و توجه و پردازش خاص دارد، نیز متفاوت است.

در اینجا خاطره‌ای را از یکی از کلاسهای قاریان نقل می‌کنم. در یک جمع ۲۰ نفری از آنها خواستم در مورد آیه «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ» نظرات خود را از لحاظ تطبیق لحن با آیه هنگام تلاوتشان و محل های تأکیدات لحنی اعلام کنند و جالب اینجاست که تقریباً تمامی نظرات باهم متفاوت بود. اما آنچه که جالب به نظر آمد این بود که فقط دانستن ترجمه ساده آیه و فکر و تأمل درباره آن مطالب زیادی را در ذهنشان متبادر کرد و هر کدام به جنبه یا جنبه هایی از لحاظ بالا و پایین آوردن صدا، تغییر لحن و آهنگ، برجسته نمودن و یا خفیف کردن و مانند آنها توجه داشتند و در عین حال که نظراتشان با هم متفاوت بود اما جمع آنها با لحاظ نمودن قواعد صرف و نحو و آشنایی اجمالی با آیات قبل و بعد، توانست الحان متناسبی با معنا را به ذهن متبادر کند که در صدای هر کدام و با حس هر کدام شنیدنی و اثر گذار بود. در پایان آن جلسه به آن‌ها گفتم اینکه قاری به معنا و محتوای آیه فکر کند، مؤثرترین قدم است، چرا که نفس فکر کردن، لحن قاری را تحت الشعاع قرار داده و در تلاوت وی مؤثر است. نتیجه اینکه تطبیق و تناسب تلاوت با معنا و مفاهیم، یک امر ثابت و یک قانون مشخص ندارد بلکه به تعداد قاریانی که بر معنا و مفهوم مسلط هستند، با توجه به تفاوت شخصیت، روحیات، احساسات، نکته سنجی ها، میزان دقت، میزان معرفت الله، معرفت النفس، خودسازی، صفای باطن، تجربه تلاوت، استعداد ذاتی، خلاقیت، برداشتهای متفاوت (البته منطبق بر سیاق آیات)، می‌تواند تلاوتهای مختلف مبتنی بر معنا و مفهوم وجود داشته باشد. بدین معنی که اگر حتی یک

۱. سوره عنکبوت، آیه ۲۱

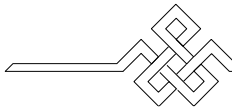


آیه را برای تعدادی از قاریان ممتاز و نسبتاً هم سطح، مفسری واحد تبیین کند و آنها در جریان تمامی زوایای آیات قرار بگیرند و همه آنها سعی در تلاوت تنغیمی تفهیمی آن داشته باشند، مشاهده خواهد شد که سبک و روش هر کدام در تلاوت متفاوت بوده و برجستگی‌های لحنی و ظرایف تأکیدی و چینش لحنی آنها متفاوت خواهد بود. این بدین معنی است که اولاً تلاوت تلحینی تفهیمی، اجتهادی است و ثانیاً اینکه عنصری دیگر که خروجی برآیند شخصیت، دانش، خلاقیت، خواطر، روحیات و... است (که می‌توان آن را حس قاری نامید) در تلاوت به ویژه تلاوتهای تلحینی تفهیمی نقش بسزایی دارد و ثالثاً توانمندی اجرای آن بفرض اگر برداشت ثابت از مفهوم آیه داشته باشند، متفاوت است و بواسطه تفاوت‌هایی که ذکر شد و حتی تفاوت رنگ و طنین صدا و تفاوت کیفیت اجرا متفاوت خواهد بود. اما نکته قابل توجه این است که داشتن حداقل‌هایی برای همه قاریان جهت داشتن تلاوت متناسب با معنا و مفهوم تلاوت تلحینی تفهیمی ضروری است و توجه به نکات ذیل بسیار مهم است:

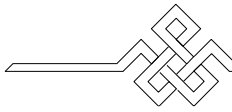
۱- نفس خود نغمه و آهنگ قرآنی، پیام و مفهوم دارد

هر نغمه و آهنگی که مناسب تلاوت قرآن است حتی اگر متناسب با مفهوم آیات نباشد، خود مفهومی دارد و پیامی انتقال می‌دهد، به سه علت: اول اینکه تلاوت قرآن با تلاوت سایر کلام‌ها متفاوت است. دوم اینکه نفس اجرای یک نغمه یا یک لحن به علت منطق موسیقائی و نظم آهنگی، خود پیامی دارد که اگر به درستی انجام شود و شنونده در شرایط عادی و فارغ از هرگونه مزاحمت بشنود، دربرگیرنده یک مفهوم است و پیام رسانی به مخاطب خواهد داشت و سوم اینکه یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن این است که ساختار آیات، قواعد تجویدی و ارتباط کلمات و جملات و محل‌های مناسب وقف و شروع، خود محدودیت‌ها و هدایت‌هایی را به همراه خواهد داشت که منجر به تنظیم آهنگ و پیام دار شدن آن می‌شود.

آنچه مطلوب یک تلاوت استادانه است این که مفاهیم ذاتی یک نغمه ملودی و یا یک سلسله نغمات، همگی هم سو، در خدمت معنا و مفاهیم آیات قرار گیرند و هم راستا و منطبق و



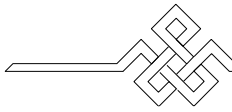
متناسب با مفاهیم آیات باشند و در واقع پیام رسانی نغمه در خدمت مفاهیم آیات قرار گیرد. بدین معنی که اگر پیامهایی که یک ملودی در یک لحظه خاص و در یک حنجره خاص انتقال می‌دهد، عجین شود با مفاهیم و معانی آیاتی که شخص قاری برداشت می‌کند، تلاوتی شکل می‌گیرد که ترکیب و تمزیح تلحین و تفهیم است. اینجاست که اگر قاری در اجرا و فهم هردوی آنها تبحر و تسلط کافی داشته باشد، تلاوت او نوعی تصویرگری، پردازشگری، مفهوم‌نمایی و پیام‌رسانی آیات می‌شود. بنابراین قاری قرآن باید بداند که لازم است در اجرای نغمات و پیام‌رسانی از طریق الحان، اصوات، فنون و تکنیکهای صوتی مسلط باشد و هم چنین درک خوبی از مضمون و مفهوم آیات و ارتباط آن با آیات قبل و بعد، داشته باشد. اما توجه به این نکته مهم است که یک تلاوت با رعایت فنون ممتاز، تلاوت و صوت و لحن خوب و ممتاز نوعی تلاوت تلحینی است که همراه با مفهوم است چون اولاً قرآن کریم با سایر کلام‌ها متفاوت است و نغمه متناسب به آن نیز متفاوت خواهد شد و ثانیاً اینکه خود ساختار آیات محدودیت‌ها و هدایت‌هایی را در تلاوت ایجاد می‌کند، که این عین پیام‌رسانی در هنگام تلاوت است. به همین خاطر است که در مورد بسیاری از تلاوت‌ها و یا قطعات اثرگذار نمی‌توان داوری کرد و گفت به خاطر اثر و ماندگاری که این تلاوت یا این قطعه داشته است، پس لزوماً قاری آن برداشت عمیق و یا حتی سطحی از آیه را در سر می‌پرورانده است و به عکس در مورد یک تلاوت کم اثر بگوئیم قرائت‌کننده آن توجهی به معنا و مفهوم نداشته است. چراکه شاید در انتقال و اجرای نغمه ناموفق بوده است. ولی آنچه مسلم است ترکیب و تلفیق تلحین درست یا تفهیم مناسب می‌تواند اثر فطری و ماندگاری در دل‌های آماده بگذارد. و نکته دیگر اینکه هرچقدر نسبت این تلفیق و ترکیب یعنی تلحین و تفهیم افزایش یابد با توجه به اینکه هر دو فرایند روحی است، ماندگارتر خواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که نسبت این ترکیب لزوماً ثابت نیست مثلاً ممکن است قاری با استفاده از شرایط خاص آن لحظه خود به لحاظ صدا، حس و حال و انتخاب خوب و شرایط معنوی، اجرای آهنگ و نغمه را بسیار ممتاز انجام دهد و حال آنکه ممکن است از مفهوم آیه پیام کمی را دریافت کرده و یا اصلاً دریافت نکرده و یا نتوانسته است در لحن خود انتقال دهد.



اما چون انتقال پیام با آهنگ ممتاز بوده و از نظر فنون تلاوت، همه چیز سر جای خود بوده، تلاوت او اثر فراوان گذاشته است و می‌توان بر آن تلاوت تلحینی تفهیمی نام نهاد. فراموش نشود که آیات با سایر کلام متفاوت است و از همه لحاظ ویژگی‌هایی دارد که با کلام بشری فرق دارد و دارای موسیقی باطنی است و محدودیت‌هایی به همراه دارد و هم اینکه همراه با تلاوت، اعتقاد وجود دارد و این سه امر به نغمه و آهنگ در قالب رعایت اصول زیبا شناختی و همچنین رعایت نکات فنی، هویت می‌بخشد و آن را شنیدنی می‌کند. به همین خاطر حتی عوام و افراد کم اعتقاد و بی‌توجه نسبت به دین هم می‌گویند صوت قرآن با همه اصوات متفاوت است. در حالی که ممکن است حتی الفاظ قرآن را هم نشناسند.

## ۲- افزایش توانمندی صوت بعنوان رکن مهم تلاوت

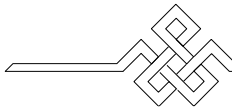
افزایش توانمندی صوت بعنوان رکن مهم تلاوت که رابطه مستقیم با سایر ارکان مثل لحن، وقف و ابتدا، تجوید و... دارد، بسیار مهم است چراکه تفهیم آیات بوسیله تلحین و اجرای درست و کیفیت بالای صوتی انجام می‌شود و صوت که دربرگیرنده لحن، تجوید و وقف و ابتدا است (به شرط داشتن دانش آنها)، زمانی می‌تواند نقش ایفا کند که از لحاظ توانمندی با توجه به ظرفیت‌های قاری در حد قابل ملاحظه‌ای پرورش یافته باشد. لازم به ذکر است که ما لحن را همان جلوه صوت می‌دانیم و تجوید را تحسین لحن بیانی و وقف و ابتدا را دانش تنظیم الحان به لحاظ شروع و وقف مناسب می‌دانیم و همه این‌ها فقط در صوت جلوه‌گری می‌کند و حتی «میزان نفس» که در اجرای وقف و ابتدای صحیح بسیار مؤثر است، ارتباط مستقیم با تنظیم خروجی صوت دارد. بنابراین صوت رکن رکن عناصر تلاوت است. برخی از قاریان و اساتید و معلمین قرآنی نمی‌دانند که صوت را می‌توان به عنوان یک عنصر مستقل تربیت نمود و اگر تحت تربیت و پرورش قرار گیرد، توانمندی‌های آن در زوایای مختلف از جمله طنین، چالاکی، شدت، قدرت، حجم و... افزایش پیدا می‌کند. آن وقت بستر برای ظهور ممتاز بقیه عناصر بوجود می‌آید. به شرط آن که قاری از گوش موسیقایی و حس خوب و ممتازی برخوردار باشد که



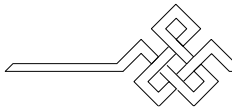
انشاءالله در بخش دیگری از این مقاله به آن پرداخته خواهد شد. لذا توجه به این نکته ضروری است که همان طور که برای انجام یک ورزش خاص مثلاً فوتبال یا وزنه برداری پرورش عضلات درگیر آن ورزش و انجام تمرینات مرتبط در موفقیت ورزشکار مؤثر است، استفاده از صوت مطلوب نیز نیازمند پرورش عضلاتی است که در تولید، پردازش، تشدید و انتشار صوت نقش دارند و انجام تمرینات پرورش صدا تحت نظر مربی برای به ظهور رساندن بقیه عناصر تلاوت می‌باشد. البته ممکن است این سؤال پیش بیاید که آیا قرآء ممتاز و برجسته جهان اسلام همگی تمرینات مربوط به پرورش صدا را انجام داده‌اند؟ و آیا داشتن صدای خوب و تلاوت احسن مستلزم انجام تربیت صدا بطور ویژه است؟ در پاسخ باید گفت اولاً که تلاوتهای ممتاز قرآء مصری مربوط به عصر طلایی تلاوت در کشور مصر است که در آن زمان، برای پرورش صدا تحقیقات علمی دامنه داری وجود نداشته است و ثانیاً قرآء مربوط به آن زمان با توجه به حرفه‌ای بودن تلاوت قرآن در کشور مصر بر اثر ممارست فراوان و تمرینات بسیار زیاد و کسب تجربه به صداهایی ایده آل و ممتاز دست پیدا کردند. ثالثاً از تلاوتهای ممتاز آنها می‌توان پی برد که روی صدا کاری خاص انجام داده و با آن حرفه‌ای برخورد نموده‌اند و رابعاً پرورش صدا در بین آنها در طول زمان و به طور غیر مستقیم انجام شده است و عضلات نقش آفرین در صدای آنها چالاک و توانمند است. حال آنکه با توجه به تحقیقات و پژوهشهای انجام شده راه تربیت و پرورش صدا را می‌توان بسیار کوتاه نمود و علاوه بر تأسی بر مکتب و روش بزرگان تلاوت، می‌توان بر روی صدا کار خاص و متمرکز انجام داد و با یک مسیر میانبر مسیر پرورش صدا را کوتاه کرد.

### ۳- آشنایی با ترجمه آیات و ادبیات عرب از ابزار مهم تلاوت تلحینی تفهیمی

آشنایی با ترجمه آیات و اشراف بر بعضی از مطالب مهم ادبیات عرب مانند انواع (ما)، انواع (و)، انواع (من) و ادوات شرط و ادوات استفهام و... که قاری را در فهم ابتدایی آیه کمک می‌کند و در ادامه اطلاع از فضای آیات و ارتباط آن با قبل و بعد خود، باعث می‌شود قاری در فضای آیات قرار گیرد و حس و حالش منطبق و مرتبط با فضای آیات باشد و همین کفایت



میکنند که تلحین پیرو و در خدمت تفهیم آیات باشد و همان نکته‌ای که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد یعنی قاری بفهمد که چه می‌خواهد بگوید و در چه حال و هوا و فضایی تلاوت می‌کند. نکته‌ی بسیار مهم این است که قرار نیست قاری هنگام تلاوت برای هر کلمه به دنبال یک ریز نغمه و تغییر نت و تحریرهای خاص و تکنیکهای صوتی و لحنی خاص بگردد. این کار خود نوعی فاصله گرفتن از تلحین و تفهیم است چرا که تمام قوای قاری باید در خدمت حس و حال و فضای بیرونی و درونیش قرار بگیرد که محصول برداشت از آیات و شرایط موجود است. مانند قایق سواری که خود را به حرکت موجهای آرام می‌سپارد و تمرکزش فقط هدایت قایق به سمت مقصد است. در ضمن مجموع دانش، فن، هنر، خلاقیت و تفهیم مفاهیم آیات باید یکجا در ارتباط باهم اجرا شود و همه این کارها همزمان و باهم انجام می‌شود. مثلاً کسی که می‌خواهد پیغامی را برساند و یا خبری را بدهد و یا حرفی را بزند، به رساندن مفهوم کل پیامش می‌اندیشد نه به تک تک کلمات و نحوه استفاده از واژه‌ها و یا مثلاً راننده به تک تک عناصر رانندگی مثل دنده، کلاچ، ترمز، گاز و فرمان نگاه نمی‌کند و برای هر کدام مغز خود را مشغول نمی‌کند بلکه بر اثر تمرین، تمام کارها را با هم و بدون فکر کردن و بدون مشغول نمودن مغز انجام می‌دهد و فقط در ذهن خود مقصد را حک کرده است. بطور کلی در اجرای کارهای حسی و ارتباطی و هنری مثل تلاوت قرآن هرگاه مغز بطور مستقیم مشغول شود جای حس و ارتباط را می‌گیرد و در تلاوت قرآن هم، اندیشه در بین اجرای الحان و مشغول نمودن ذهن مانع انتقال مفهوم و پیام نغمه و نهایتاً مانع رساندن پیام آیه می‌شود بلکه مغز و اندیشه بطور مستقیم در فرایند تمرین، نقش آفرینی می‌کند. بنابراین قاری باید با دیدن آیه با دانشی که از قبل کسب کرده، بلافاصله پیام آن را بفهمد و با انتخاب درست ناشی از حس درست و رعایت نکات فنی و رعایت اصول زیبا شناختی و شناخت مطلوب از صدا و پیدا کردن خود، تلحین و تفهیم کند. آشنایی با آیه حتی در سطح ترجمه، شأن نزول و شناخت فضای آیه ناخودآگاه حس و حالی را در قاری پدید می‌آورد و اگر قاری معتقد به انجام یک کار معنوی و الهی و متوجه انجام مسئولیتی مهم که نمایندگی پیغام رسانی خداوند در آن لحظه است، باشد، با فهم آیه، در او حالتی پدید آمده و عکس‌العملی



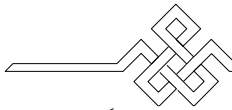
به دنبال دارد که آن بطور غیرارادی در تلحین و سعی او در تفهیم آیات مؤثر خواهد بود. حال هرچه سطح دانش و آمادگی درونی او برای دریافت پیام و مفهوم آیه بیشتر باشد و هر اندازه مجهز به مؤلفه‌های تلاوت (مانند صوت، لحن زیبا، تکنیک‌های صوتی و زیبا شناختی و...) باشد، بهتر می‌تواند مفهوم را انتقال دهد و به عبارتی تلاوت او با معنا و مفهوم تناسب خواهد داشت.

#### ۴- مجهز بودن به حافظه تلحینی

تلاوت متناسب با معنی و مفهوم آیات علاوه بر شروط فوق و موارد مذکور نیازمند مجهز بودن به حافظه تلحینی غنی است، بدین معنی که قاری باید دارای ذهنی مملو از نغمات، الحان، ریز نغمات و تأکیدات لحنی باشد. قاری قرآن دارای حس و حال متفاوت و هیجان در حال تغییر است، از طرفی حس و حالی که در اثر ارتباط با آیات و فهم مضامین آن در قاری ایجاد می‌شود، حالات متنوع و احساسات متغیری را در قاری ایجاد می‌کند که برای بروز آن در زمان تلحین آیات، نیاز به یک منبع لحنی و یک حافظه پر از نغمات متنوع دارد که به فراخور حس قاری با حال درونی او هماهنگ شود و بهنگام، از ذهن او تراوش کند و از حالت قوه به فعل درآمده و اجرا شود. هرچه نغمات انباشته شده در ذهن و تبحر قاری در ترکیب و تلطیف و تزئین آنها با توجه معانی آیات بیشتر باشد، در تلاوت تلحینی تفهیمی موفق تر خواهد بود. البته این توانمندی نیازمند داشتن گوش موسیقایی قوی است که بیشتر آن ذاتی و خدادادی و مقداری اکتسابی می‌باشد و با تمرین و ممارست بدست می‌آید. چه بسا بسیاری از افراد صدای خوبی دارند، یعنی ذاتاً صدای آنها زیباست ولی چون گوش موسیقایی قوی ندارند در امر تلحین و نغمه پردازی موفق نیستند.

#### ۵ - تلاوت استادانه همراه با ویژگی های لحن عرب انجام می‌شود

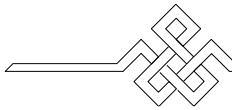
در آیه سوم سوره زخرف خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». همچنین در آیه دوم سوره یوسف می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» و همچنین در بیان ارزشمندی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که می‌فرمایند: «إِقْرُؤْ الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِ وَ



أصواتها...» از آنجا که قرآن به زبان عربی نازل شده است و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سفارش به تلاوت قرآن به الحان عربی نموده اند، پس باید الحان عربی را فرا گرفت حتی اگر مخاطبان ما عرب زبان نباشند. لحن عرب به دو مؤلفه لحن بیانی و مقامی تقسیم می‌شود. در اینجا لازم است که منظور از لحن بیانی و مقامی را اجمالاً تشریح کنم. لحن بیانی یعنی آهنگ و لهجه بیان و کلام بدون موسیقی. البته هیچ کلامی بدون موسیقی نیست ولی چون در صحبت کردن و بیان، موسیقی و نغمه پردازی به حداقل می‌رسد، آنچه از آهنگ باقی می‌ماند لحن صداها، آواها و تغییر نت‌هاها برای نشان دادن آکسان یا نبر کلمه است و همچنین همانطور که از نامش پیداست لحن در بیان است که بوسیله آن می‌توان مقصود را از بیان جملات پرسشی و خبری و تعجبی و... رساند. تجوید و رعایت آکسانها، نبرها و یا تأکیدات جزء لحن بیانی است، چراکه در حالت بیان یعنی تلاوت بدون آهنگ و تلحین هم رعایت آنها ضروری است و هم در بیان عادی مورد لحاظ است. در علم تجوید حق حرف، مستحق حرف و احکام آموخته می‌شود به عبارتی قاری لحن بیان و شیوه ادای حروف و کلمات را در حالت انفرادی و در جمله می‌آموزد. البته توجه به نحوه تلفظ حرکات و بویژه فتحه و الف مدی و رعایت ضوابط خاص آن بسیار مهم است که اگر تلفظ فتحه و الف مدی به لهجه فصیح عربی انجام شود، متضمن تلفظ حرکات دیگر نیز می‌باشد. اما رعایت آکسانها و نبرها با لهجه عرب، مغفول مانده است. از آنجا که از مشخصه‌های هر زبان رعایت محل تأکیدات در کلام است، نه تنها زبان عربی و قرآن کریم از این قاعده مستثنی نیست، بلکه برخلاف زبانهای دیگر شناخت محل‌های تأکید و نیز کلمات در زبان عربی قانونمند است. از آنجا که لحن متناسب با معنا باید ویژگی‌های لحن عرب را داشته باشد و یکی از مهمترین ویژگی‌های آن رعایت نبرها یا آکسانها است، در اینجا به اختصار اشاره‌ای به بحث نبر (آکسان) می‌کنیم:

نبر یا آکسان کلمه یعنی گرانیگاه و محل ثقل و تکیه کلمه و هجایی که کلمه بر آن سوار است. مثلاً کلمه دو هجایی ((شما)) در فارسی به لهجه تهرانی، آکسانش در حرف ((ش)) و در



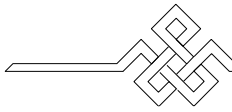


لهجه یزدی در هجای ((ما)) است. در قرآن کریم نیز اینگونه است. اکثر قراء ایرانی در کلمه ((ءامنوا)) آکسان را روی ((ءا)) می‌آورند، در حالیکه آکسان آن طبق قانون آواشناسی بر روی هجای ((م)) می‌باشد.

و یا مثلاً کلمه ((لَبَسْتَخَلْفَنَّهُمْ)) را به هفت صورت به لحاظ جایگاه نبر و تأکید می‌توان تلاوت کرد که فقط یکی از آنها درست است و آن آوردن نبر بر روی هجای ششم یعنی ((نون دوم)) است.

#### تعریف علمی نبر یا تکیه در کلمات

نبر یعنی تفاوت هجای محل تأکید در کلمه به لحاظ نت موسیقایی. بدین معنی که محل نبر کلمه یا هجای محل تکیه به لحاظ نت موسیقایی با نت هجای ماقبل و ما بعد خود متفاوت است و در حداکثر قریب به اتفاق از لحاظ موسیقایی از نت هجای ماقبل و یا ما بعد خود بالاتر است. دانستن محل تأکید و نبر کلمات در قرآن کریم مانند زبان فارسی سماعی نیست، بلکه دارای قوانین مشخص و مدوّن است. براساس آنچه در منابع آواشناسی زبان عربی از جمله کتاب آواشناسی زبان عربی (دکتر انیس) آمده است می‌توان آن را در قالب شناخت هجاهای زبان عربی و یا قرآن کریم و فراگیری شش قانون و تبصره‌هایی فرا گرفت که در این مجال نمی‌گنجد و فقط برای روشن شدن مطلب، مثالی را مطرح می‌کنم: کلمه ((ءَاتِيَهُمَا)) دارای چهار هجا است. بنابراین آن را به چهار صورت می‌توان خواند. حالت اول: محل تکیه بر روی «ءا». حالت دوم: محل تکیه بر روی «ت». حالت سوم: محل تکیه بر روی «ه». حالت چهارم: محل تکیه بر روی «ما». یک فارسی زبان بر اساس عادت و حافظه زبانی، وقتی با این کلمه روبرو می‌شود، ناخودآگاه بر روی تا تأکید و آکسان می‌گذارد، در حالی که طبق قانون اگر هجای ماقبل آخر کلمه از نوع اول باشد و هجای ماقبل آخر کلمه از نوع اول نباشد، تأکید بر روی هجای ماقبل آخر است یعنی نبر این کلمه بر روی «ه» خواهد بود. شایان ذکر است که لازمه فهم دقیق این مثال و محل نبر تمام کلمات قرآنی نیازمند آموزش قواعد آن است که در این مقاله مجال آن وجود ندارد.



### اقسام تأکیدات (نبر)

۱- تأکید در کلمه در لحن بیانی: که توضیح آن گذشت و نیازمند فراگیری قوانین و شناخت هجاهاست و با استفاده از آنها بدون استماع و بدون حفظ کردن می‌توان محل نبر تمام کلمات قرآنی را فرا گرفت.

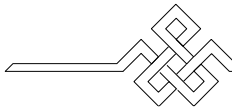
### ۲- تأکید در جمله در لحن بیانی:

به دو جمله زیر توجه بفرمایید:

برادرم دیروز به بازار رفت.

کلاغ هنگام پرش پرش شکست.

در جمله اول می‌توان با تأکید بر روی تک تک کلمات، مفهومی را تأکید و منظور متفاوتی را با تأکید بر روی سایر کلمات به مخاطب القاء نمود. مثلاً تأکید بر کلمه «برادرم» این مضمون را می‌رساند که برادرم به بازار رفت و کس دیگری این کار را انجام نداده است و یا تأکید بر روی کلمه «دیروز» این مفهوم را می‌رساند که دیروز به بازار رفته است نه روز دیگر. در جمله دوم پرش اول منظور پر کلاغ است و پرش دوم منظور پریدن است که این جمله را هنگام خواندن فقط با قدری نامحسوس و ذره‌ای تغییر در لحن پرش اول و پرش دوم میتوان مفاهیم آن را از هم جدا کرد و مفهوم جمله را رساند. این تغییر لحن و این انتخاب لحن بدون آهنگ گذاری و استفاده از تکنیک لحن بیانی است که می‌تواند مفهوم جمله را برساند. وقتی یک شخصی این جمله را می‌خواند، زمانی می‌تواند آهنگ مناسب، منطبق بر معنا استفاده کند که فرق دو پرش را بداند. در قرآن کریم تلاوت استادانه، تلاوتی است که قاری ابتدا در حالت بیانی بداند که تأکید بر کدام کلمه ضروری، بر کدام کلمه بلامانع و بر کدام کلمه سلیقه ای است و آنگاه به تلحین پردازد. مثلاً آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را که دارای چهار کلمه است در لحن بیانی به چهار حالت با تأکید بر «قل»، «هو»، «الله» و «احد» می‌توان تلاوت کرد. در نگاه اول بیشتر قاریان معتقد بر تأکید بر «الله» هستند که باید در پاسخ گفت این اجتهادی است و می‌تواند تأکید بر روی چهار کلمه صورت گیرد. نتیجه اینکه قاری باید بتواند با دیدن یک جمله یا یک آیه ویژگی‌های آواشناسی عربی آن

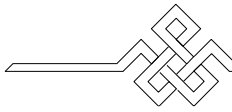


را هم به لحاظ آکسان کلمه‌ای و هم به لحاظ آکسان جمله‌ای و هم شناخت ظرایف لحن بیانی، بشناسد. آنگاه به تلحین و نهایتاً تفهیم پردازد.

### ۳- تکیه و نبر در کلمه در لحن مقامی

لحن مقامی یعنی همان الحان و ملودی‌هایی که در قالب مقامات موسیقایی تلاوت می‌کنیم. همان طور که گفته شد قرآن را باید با لحن عربی تلاوت کرد و در قالب این لحن عربی، تلاش برای رساندن پیام و مفاهیم آیات است و یکی از ویژگی‌های لحن عربی رعایت آکسان و نبر کلمات است و از آنجا که بحث بر روی تلاوت‌های تلحینی تفهیمی یعنی تلاوت متناسب با معنا و مفهوم است، پس باید به اندازه‌ی اقتضاء این مقاله به تکیه و نبر در کلمه در لحن مقامی اشاره کنیم. در واقع وقتی یک کلمه را آهنگین تلاوت می‌کنیم باید بتوانیم تکیه را در حالت تلحین بر کلمه و محل آکسان سوار کنیم یا به عبارتی تأکید لحن مقامی و لحن بیانی را آمیخته کنیم. هنگامی که کلمه به لهجه صحیح و فصیح عربی تلفظ شد به لحن عرب نزدیک شده‌ایم و لحن صحیح عرب زمینه را برای تلاوت استادانه فراهم می‌کند.

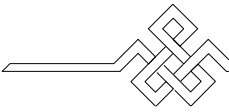
تکیه و نبر در لحن مقامی در حالت کلی پیرو قوانین لحن بیانی است که در لحن بیانی به یک قانون و یک مورد اشاره کردیم (در کلمه آتیهما). اما تسلط و رعایت قوانین مستلزم ملاحظات و نکات و تبصره‌هایی است. در تلاوت قرآن به سبک تحقیق و در اجرای مقامات و الحان به سبک تلاوت‌های امروزی، بیشترین تغییر و تنوع در کلمات و هجاهای آن از لحاظ نت و پرده‌ها ملاحظه می‌شود و دائماً صوت در پرده‌ها و نتهای مختلف بالا و پایین می‌شود. به عبارتی اجرای الحان، نغمه‌ها و ریز نغمه‌ها و تحریرها و تعویض پی در پی نتهای این اقتضاء را دارد. بنابراین این اجرای نبر و یا آکسان و یا تکیه بر کلمه در بین مجموعه‌ای از نتهای دائماً در حال تغییر و همچنین تشخیص اجرای آن توسط کسی که در حال تلاوت است. کار نسبتاً مشکلی است و نیاز به گوش موسیقایی توانمند و ورزیده دارد. در این جا بار دیگر برای روشن شدن مطلب تعریف علمی و موسیقایی نبر یا آکسان در کلمه را از نظر می‌گذرانیم. به لحاظ موسیقایی نبر یعنی نت



محل تأکید یا آکسان (محل تکیه) با نت هجای قبل و بعد خود متفاوت باشد که در اکثر موارد از هر دوی آنها بالاتر و در اقل موارد از یکی از آنها بالاتر است. همانطور که گفته شد نبر و تکیه در لحن مقامی در کلمه، در حالت کلی پیرو شناخت پنج نوع هجای عربی و قوانین شش گانه (که مجال طرح آن در این مقال نیست) می‌باشد. اما تسلط و رعایت قوانین، مستلزم نکات و ملاحظاتی افزون بر قوانین مذکور است و رعایت تبصره‌هایی را به دنبال دارد. اما توجه به این نکته مهم است که تلاوتهای تلحینی یا به سبک تحقیق را به دو گروه کلی تلاوتهای با حجم تلحین پایین و تلاوتهایی با حجم تلحین بالا می‌توان تقسیم نمود و در تلاوتهای با حجم تلحین پایین و یا تلاوتهای کلاسیک پیروی از قوانین نبرها و تأکیدات به وضوح مشخص است. مانند تلاوت سورهٔ مریم استاد عبدالباسط. اما در تلاوتهای با حجم تلحین بالا ملاحظات و تبصره‌هایی افزون بر قوانین شش گانه نبرها وجود دارد که در اینجا فقط به یک مورد آن اشاره میکنیم:

در تلاوتهای تلحینی مخصوصاً تلاوتهای دارای حجم بالا در هر جمله لحنی و یا هر قطعه و در بیشتر کلمات، به لحاظ نغمه‌ای و لحنی، نقطه یا نقاطی (منظور بخشی از کلمه) وجود دارد که کار خاص لحنی یا تحریر شاخص و ویژه در آن اجرا می‌شود. قاری باید سعی در انطباق و یکی کردن تأکید و آکسان لحنی با تأکید و آکسان مقامی را داشته باشد. اما در تلاوتهای تلحینی با حجم بالا این کار نسبتاً مشکل است و ملاحظه می‌شود که در برخی موارد حتی در تلاوت قرآء مشهور، این انطباق یعنی یکی شدن محل تأکید مقامی و بیانی صورت نگرفته است. اما این بدان معنی نیست که آکسان یا تکیه بر کلمه از بین می‌رود، بلکه ممکن است در صورت عدم انطباق یکی از حالت‌های زیر اتفاق بیافتد:

اتفاق اول: محل اصلی تأکید و هجای محل تأکید، وزن کلمه را تحمل می‌کند، ولی از برجستگی کمتری نسبت به محل تأکید لحن برخوردار باشد. در این صورت اگر فرد آشنا با لهجه عرب تصور صحیح از فصاحت کلمه داشته باشد و عدم برجستگی لازم محل تأکید، بر اساس قوانین لحن بیانی، خللی در برداشت او نسبت به فصاحت کلمه نگذارد، قابل قبول خواهد بود. همانند قطعه شعری که خوانده شود و در یک کلمه قدری تلفظ آن و آکسان آن با حالت عادی



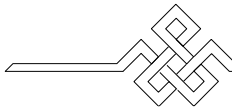
کلمه فرق کند. ولی یک فارس زبان تلفظ و آکسان آن را کامل درک می‌کند و آن را می‌پذیرد.

**اتفاق دوم:** محل تکیه و آکسان از جای خود حرکت کند و به هجای برجسته کلمه به لحاظ مقامی منتقل شود که این موضوع به لحاظ فصاحت در لهجه عرب خطا است. اما در تلاوت‌های فوق حرفه‌ای و هنری بواسطه مقبولیت استاد با اندکی تسامح مقبول است و به آن بعنوان یک کار هنری و حرفه‌ای نگاه می‌شود. مانند عدم رعایت کامل برخی قواعد تجویدی در تلاوت‌های حرفه‌ای و تلحینی با حجم بالا در برخی از تلاوت‌های اساتید مشهور جهان اسلام.

**اتفاق سوم:** در تعریف علمی آکسان گفته شد که محل آکسان، نت بالاتر نسبت به ماقبل و ما بعد خود دارد ولی اتفاق سومی که ممکن است در صورت عدم انطباق محل تکیه مقامی و محل تکیه بیانی صورت گیرد، این است که محل تأکید یک طرفه باشد. یعنی محل نبر یا تأکید فقط نسبت به هجای یک طرف بالاتر باشد که به این تکیه می‌توان تکیه یک طرفه گفت. لازم به ذکر است که برای روشن شدن مبحث تأکید کلمه در لحن مقامی فقط یک موضوع را بعنوان نمونه مطرح نمودم حال آنکه این مبحث دامنه مفصلی دارد که طرح و آموزش آن در این مقاله امکان پذیر نیست.

#### ۴- تکیه کلمه در جمله در لحن مقامی

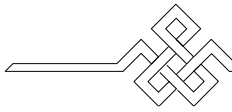
تأکید کلمه در جمله در هنگام تنغیم نیازمند دانش فراوان، به لحاظ آشنایی با تفسیر و زوایای مفهومی جمله است. همچنین نیازمند توانمندی فراوان به لحاظ فنی در شاخص نمودن و به ویژه تأکید کردن روی کلمه یا کلمات در جمله است و هم نیازمند تسلط فراوان بر شناخت لحن جملات به لحاظ ساختاری (پرسشی، خبری، تعجبی، تحکمی، دستوری، داستانی و...) است. نکته قابل توجه این است که نمی‌توان جملات قرآنی را با الحان جملات فارسی شبیه سازی کرد. مثلاً یک جمله پرسشی را نمی‌توان با لحن فارسی در قرآن پرسشی تلاوت کرد. بلکه عرب زبان، برای نشان دادن نوع جملات، الحان متفاوت دارد. تأکیدات در کلمات در لحن مقامی به معنای با صدا یا نُتِ بلند خواندن آن کلمه نیست، بلکه ایجاد برجستگی لحنی و ایجاد نوعی



تحریر صرفاً خاص و انجام یک نوع پردازش و تکنیک صوتی روی آن می‌تواند آن را متمایز کرده و مقصود را برساند. نتیجه اینکه برجستگی‌ها و تخفیف‌ها و تأکیدها و پردازشهای لحنی خاص روی کلمات در جملات و آیات از ویژگی‌های تلاوت استادانه در رساندن مفهوم آیات به مخاطب است.

### تلاوت متناسب با زمان، مکان و مخاطب

قبل از هر چیز باید گفته شود تلاوت قرآن با روش تحقیق و تزئین آن با الحان و نغمات، یک کار کاملاً هنری است. هر کار هنری برگرفته از حس و تحولات و ویژگی درونی شخص است و خبر از ضمیر او می‌دهد. بروز و جلوه نمایی هنر برگرفته از حس است. در واقع هنر جلوه فعل و انفعالات خودآگاه و ناخودآگاه درون است. نکته قابل توجه این است که قاری در زمانها و مکانها و موقعیتهای مختلف، حس و حال متفاوت دارد و هیجانان و درونیات و شادابی و نشاط روانی او متغیر است. به همین دلیل هیچ تلاوتی و هیچ اجرایی تکرار شدنی نیست. یعنی اگر تلاوت خوبی توسط یک قاری انجام شود و او صدای تلاوت خود را ضبط کند و همان تلاوت را با رعایت همه شرایط تکرار کند باز با تلاوت قبلی متفاوت خواهد بود. چون حس و حال فرد و ارتباطی که توانسته است در آن تلاوت با محیط و مخاطب برقرار کند، متفاوت است. حتی در تلاوت قرآن مشهور جهان اسلام بعضی از تلاوتها فقط یکبار اتفاق افتاده است. تلاوت سوره حشر استاد عبدالباسط فقط یکبار اتفاق می‌افتد یا تلاوت سوره مریم استاد کامل یوسف البهیمی فقط یکبار اتفاق می‌افتد. اگرچه قرآن مذکور تلاوتهای ناب و منحصر به فرد زیادی داشته اند اما تلاوت سوره حشر یا تکویر استاد عبدالباسط و تلاوت سوره آل عمران استاد محمد الیثی با آن حالت و با آن احساس و با آن ارتباط فقط در آن زمان و مکان و شرایط درونی و بیرونی خاص یکبار رخ داده است. روانشناسان برای انسان حدود ۲۰۰۰۰ حالت هیجانی تخمین زده اند که این حالتها و هیجانان و برابند آنها در شرایط مختلف احساسات متفاوت برای انسان بوجود می‌آورد. البته این فقط حالات درونی اوست که هم تحت تأثیر فعل و انفعالات درونی و هم تحت تأثیر عوامل بیرونی و خارجی است. آنچه که مهم است این است که برای ارائه یک تلاوت استادانه



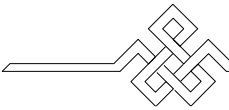
که متناسب با زمان، مکان و مخاطب باشد، باید به فن برقراری ارتباط مسلط بود.

### ارتباط با خود

برآیند همه هیجانات و حالات و درونیات انسان و تأثیرات عوامل بیرونی و تمامی مسائل جسمی و روحی و مسائل جغرافیایی و تأثیرات متفاوت زمانها و تأثیرات متفاوت مکانها و نوع مخاطبان، در درون انسان حالات و احساسات و شرایطی را بوجود می‌آورد که برآیند آن یک نغمه درونی و یک زمزمه دلی منحصر به فرد است که فقط برای خود شخص قابل درک است. منظور از نغمه درونی این است که اگر انسان به حالت و درونیات و خلوت خود توجه کند و بدون اینکه تصمیم بگیرد که چگونه باید تلاوت کند وقتی خوب توجه کند متوجه می‌شود میل درونی او به سمت و سوی یک فضایی خاص است و درون او میل به تلاوت در یک فضایی دارد که شاید با تصمیم‌گیری و انتخابی که مبتنی بر تفکر و اندیشه است، متفاوت باشد. به یقین آنچه برای خود شخص به لحاظ حسی و درونی مطلوب تر است، اثرگذارتر است چرا که شخص تلاوت کننده خود باید از خواندن خود تأثیر بپذیرد تا بتواند مؤثر واقع شود و اقتضاء یک تلاوت استادانه این است که در هر ساعت و زمانی خود را پیدا کند. چون همانطور که گفته شد هنر تلاوت قرآن یک کار حسی است و یک نوع انتقال حس و برقراری ارتباط است و در کارهای حسی و دلی زمانی می‌توان موفق بود که مانعی بر آن مستولی نشود و امکان برقراری ارتباط وجود داشته باشد. مثلاً افکار مزاحم، خودنمایی، تحت تأثیر منفی جو و مخاطب قرار گرفتن، افکار منفی، مشغولیت ذهن، عدم اعتماد به نفس و دهها علتی که باعث عدم دستیابی به نغمه و زمزمه درونی شود، باید از بین برود. به عبارتی باید بتوان با خود ارتباط برقرار کرد و درواقع به لحاظ روانشناختی وقتی می‌توان با دیگران ارتباط برقرار نمود که با خود ارتباط برقرار کرده باشیم.

### ارتباط با معنویات

قاری قرآن در تلاوت استادانه در هر زمان و مکان و در محضر هر مخاطبی حتی در اجراهای

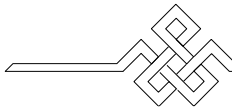


زنده تلویزیونی و رادیویی باید بتواند ارتباط با معنویات که شامل ارتباط با خدا، ارتباط با آیات (به لحاظ معنا و مفاهیم آیات)، است داشته باشد و جلب رضایت خداوند و اخلاص را تحصیل کند و قطعاً تلاشی که برای خدا باشد و رضایت غیر خداوند را جلب نکند، اثر بخش خواهد بود.

### ارتباط با زمان و مکان و فضای حاکم

پر واضح است که حضور در هر مکانی و قرار گرفتن در هر زمانی فضا و حالتی را در وجود انسان به دنبال دارد. مثلاً ورود یک قاری در یک مسجد پر از جمعیت در یکی از شبهای ماه مبارک رمضان آن هم در نزدیکی سحر ماه مبارک، فضای خاصی را ایجاد میکند که با فضای تلاوتی در یک روز عادی مثلاً ده صبح در سالنی که جمعیت اندکی در آن هستند و خیلی هم اهل قرآن نیستند، بسیار متفاوت است. یعنی هر زمان و مکان و موقعیتی فضایی را که برآیند همه عوامل مثبت و منفی است، را به دنبال دارد و شخص قاری باید بتواند با توجه به نغمه درونی و فضای حسی خود با آن فضای حاکم ارتباط برقرار کند یعنی فضای درون و فضای بیرون را باید همسو کند. در تلاوت استادانه قاری می‌تواند حس کند که چگونه تلاوت خود را شروع کند تا متناسب با فضا باشد. چه آیاتی بخواند، چگونه بخواند، چگونه ادامه دهد، چگونه بر جو محیط حاکم شود و چگونه از شرایط مطلوب استفاده کند و بر شرایط نامطلوب فائق گردد. دهها عامل و بلکه صدها عامل می‌تواند تلاوت قاری را تحت تأثیر مثبت و یا منفی قرار دهد. از تلفنی که جهت دعوت از قاری به عمل می‌آید تا ترافیک خیابان و آلودگی هوا و تا تنظیم صوت و میکروفن گرفته همه و همه مؤثرند. اما در تلاوت استادانه قاری تمام تلاش خود را باید به کار گیرد که بر فضا حاکم شود و احاطه پیدا کند نه اینکه محیط شود حس آرامش روانی و پرهیز از عصبانیت بسیار ضروری است و تکنیکهای بسیاری را باید تجربه کند و فرا گیرد (که بیان آنها در اینجا امکان پذیر نیست) مثلاً وقتی میکروفن و صوت آماده نیست باید صدای خود را از طریق گوش درونی بشنود نه از صدای ناکوک و خراب بیرون و دهها تکنیک دیگر. به طور کلی در تلاوت استادانه باید فضای حاکم را دریافت کرد و با قدرت درونی و غلبه حس و نغمه و زمزمه درونی بر محیط فائق آمد. البته همسو کردن فضای حاکم نیاز به شناخت دقیق و کاملی دارد که





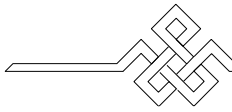
نیازمند دقت، تجربه و حس روانشناسی و جامعه‌شناسی ممتاز است و در یک کلام قاری باید تشخیص دهد که فضا چه می‌طلبد و سعی در همسویی با فضای درونی خود نماید. یک تلاوت استادانه تلاوتی است که درک خوب و شناخت کاملی از محیط تلاوت داشته باشد و منطبق و همسو با فضای حاکم در محیط باشد. قاری باید بتواند با فضا ارتباط برقرار کند. هر زمانی که ارتباط برقرار شد آنگاه می‌توان حس خود را انتقال داد.

### ارتباط با مخاطب

آنچه که در تعاملات انسانی حرف اول را می‌زند و نتایج و برکات بسیاری را به همراه دارد، برقراری ارتباط است. در همه تعاملات انسانی ارتباط روحی و عاطفی می‌تواند جنبه‌های مثبت را به همراه داشته باشد به ویژه این که رودرروی افراد اختیاری باشد. قاری قرآن کریم که در محافل و مجالس برای مستمعین تلاوت قرآن میکند باید بتواند ابتدا با آنها ارتباط برقرار کند و اذهان و افکار را متوجه کند و این ارتباط می‌تواند از یک سلام کردن محبت آمیز شروع و تا شرح و توضیح روان و قابل فهم آیات قبل از تلاوت ادامه داشته باشد. برقراری ارتباط هم جنبه ظاهری دارد و هم جنبه باطنی.

### الف) جنبه ظاهری

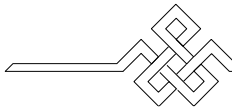
جنبه ظاهری ارتباط می‌تواند دهها گونه مختلف داشته باشد، بسته به نوع مخاطب می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً برقراری ارتباط با مستمع و مخاطبانی که دانش آموزان یک مدرسه ابتدایی هستند با مخاطبان یک همایش بین‌المللی بسیار متفاوت است. اما در همه آنها نگاه محبت آمیز به چهره مخاطبان و رعایت ادب، تواضع و وقار و سعی در ارتباط کلامی قبل از تلاوت، می‌تواند مشترک باشد و خشوع که در روایات مربوط به آداب تلاوت به آن اشاره شده است. البته برقراری ارتباط ظاهری به فراخور محفل و نوع مخاطب متفاوت است. مثلاً تلاوت در جمع نوجوانان نیازمند نوعی ارتباط ظاهری قبل از تلاوت مثل هم صحبت شدن با آنها، بیان یک خاطره و یک نکته و توجه دهی به آیات و حتی تعیین آیات برای تلاوت توسط آنها و موارد



متعددی می‌تواند باشد، برقراری ارتباط در محافل قرآن کریم می‌تواند شرح مختصر و جذاب و توجه دهی به نکات برجسته آیات و یا بیان یک داستان مرتبط قبل از تلاوت باشد. برقراری ارتباط هنری است که با توجه به شخصیت و روحیات قاری در تلاوت استادانه می‌تواند ایجاد شود و خوشبختانه در برخی موارد آنقدر قاری مشهور می‌شود که حضورش برای مخاطب در همان لحظه اول ارتباط را برقرار میکند. اما نکته مهم این است که قاری در طول تلاوت باید بتواند ارتباط نگاهی خود را همراه با خشوع و رعایت آداب تلاوت به صورت عادلانه با حضار داشته باشد. این نگاه قبل از تلاوت و حتی در طول تلاوت، حامل پیامهایی است از جمله این که شما حضار برای من مهم هستید. اگر قاری از اول تا آخر تلاوت سر خود را پایین اندازد و با چهره عبوس و غمگین تلاوت کند. ممکن است این تلقی را در ذهن مخاطب ایجاد کند که حضورش خیلی مهم نیست و در این صورت نمی‌تواند با قاری ارتباط برقرار کند. در تلاوت استادانه ارتباط برقرار کردن با مخاطب دو سویه و بسیار مهم است. در این ارتباط می‌توان مخاطبین و مستمعین را همسوی تلاوت خود کرد و از این هم سویی و جلب توجه آنها انرژی مثبت گرفت و تشویق آنها را به همراه داشت. برقراری ارتباط در تلاوت استادانه هنری است که قاری قرآن علاوه بر زوایای هنری دیگر تلاوت، باید آن را تحصیل کند.

#### ب) جنبه معنوی

ارتباط یک وجه ظاهری دارد که تا حدودی به آن پرداخته شد و یک جنبه باطنی که آن برقراری ارتباط روحی و درونی با مخاطب است و با توجه به این که قاری و مخاطب فصل مشترک دارند و آن هم داشتن اعتقاد به خداوند و قرآن کریم است و با توجه به این که برای امر مشترکی (که همان تلاوت و استماع قرآن کریم است) در کنار هم قرار می‌گیرند، بنابراین برقراری ارتباط روحی و درونی را میسر میکند. اگر قاری بتواند با ممارست به این ارتباط روحی نائل آید آن وقت می‌تواند حس خود را انتقال دهد. (همان زمزمه درونی و همان نغمه درونی که گفته شد) در واقع نغمه و زمزمه درونی برآیند تمام حالات، شرایط و درونیات است و در درون قاری ایجاد می‌شود و باید مبنای تلاوت و حس و حال او شود. در این صورت آن زمزمه درونی خود



را می‌تواند به مستمع انتقال دهد و در آن صورت است که سلیقه مخاطب و ذوق مخاطب همان ذوقی می‌شود که قاری دنبال میکند و مخاطب و مستمع به لحاظ روحی هم سوی تلاوت قاری می‌شود و چون قاری توانسته است از طریق برقراری ارتباط روحی، حس خود را انتقال دهد شنیدن تلاوت او برای مستمعین لذت بخش خواهد بود. در تلاوت قراء مشهور جهان ملاحظه می‌شود که به محض شنیدن استعاذه، از همان اول انسان در حال و هوای آن تلاوت و حس و دل انسان در اختیار آن استاد قرار می‌گیرد و هر قطعه ای که او تلاوت میکند انسان حس میکند در وجود خود به دنبال این قطعه بوده است. جنبه معنوی ارتباط در تلاوت استادانه از جنبه های بسیار ارزشمند هنر تلاوت است که می‌تواند جنبه ها و مؤلفه های دیگر را به همراه داشته باشد.

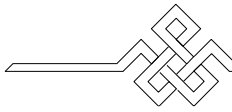
نتایجی که از این نوشتار بدست می‌آیند، عبارتند از:

(۱) تسلط بر ادبیات عرب، معانی لغات، اصطلاحات، مفاهیم کلی آیات و فضای مترتب بر آنها در حد استطاعت، برای داشتن تلاوت استادانه ضروری است. قاری باید با تمام وجود حس کند که چه می‌خواند.

(۲) اعتقاد و ایمان راسخ و یقین قلبی نسبت به خداوند و مفاهیم والا و ارزشمند قرآن کریم، عامل مهمی برای بکارگیری توانمندیهای ذاتی قاری قرآن کریم در ایجاد ارتباط و انتقال مفاهیم آیات به مستمع خواهد بود.

(۳) به دلیل همجنس بودن آیات قرآن کریم با فطرت الهی، اثرگذاری و اثرپذیری که از خواندن و شنیدن آیات قرآن کریم بوجود می‌آید، بسیار ملموس تر از متون غیر مرتبط با وحی است.

(۴) آیات قرآن کریم دارای وزن و آهنگ و هارمونی و موسیقی باطنی در سطوح مختلف است که البته به دلیل اعجاز قرآن، دست پیدا کردن به تمام سطوح این نظم و چینش حروف و کلمات و آواها به سادگی ممکن نیست و درک این موسیقی و نظم باطنی که علم موسیقی هم از بیان و تشریح آن عاجز است نیاز به توفیق الهی، زمان، تجربه و درایت دارد. آمیختگی و نزدیکی



لحن و آهنگی که قاری در تلاوتش استفاده می‌کند با آهنگ ذاتی کلمات و جملات، قاری را به تلاوت استادانه نزدیک می‌کند. عبارتی اگر قاری قرآن کریم آهنگ ذاتی آیات را دریافت کند، آیات خود می‌گویند چگونه باید خوانده شوند.

۵) قاری قرآن کریم برای ارائه تلاوت استادانه علاوه بر مجهز بودن به جنبه‌های هنری تلاوت و فنون آن در حد عالی، نیازمند صفای دل، سلامت قلب و وارستگی است تا ظرف وجودی او برای دریافت آیات آماده شود و در آن صورت پیام آیات را به خوبی دریافت و ارایه خواهد کرد.

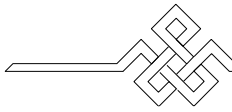
۶) تلاوت قرآن کریم متناسب با معنا و مفاهیم، اجتهادی است نه اکتسابی.

۷) هر نغمه‌ای که در تلاوت قرآن کریم استفاده می‌شود هم به لحاظ نفس موسیقی و هم به لحاظ محدودیت‌ها و هدایت‌هایی که خود آیه در اجرای نغمه ایجاد می‌کند، دارای پیام است و مهم این است که در تلاوت استادانه، مفاهیم و پیام‌های ذاتی الحان در خدمت پیامها و مفاهیم آیات باشد.

۸) صوت، رکن رکین تمامی عناصر تلاوت است، جلوه همه مؤلفه‌ها و ملزومات تلاوت است، منزلگاه و جلوه لحن مقامی و بیانی است که اگر آماده و چالاک و توانمند باشد، قاری قادر به ارائه مفاهیم متناسب با تلاوت خواهد بود. پس تربیت و پرورش صدا و شناخت صدا که خود سرفصلی مهم است، در تلاوت استادانه، از اهم واجبات است.

۹) تلاوت قرآن کریم یک امر حسّی است و در اجرای امور حسّی نباید فکر بطور مستقیم نقش داشته باشد. قاری قرآن کریم با توجه به دانش و اندوخته‌های قبلی و آمادگی کاملی که از ممارست بدست می‌آورد، هنگام اجرا و تلاوت، ضمن پایبندی به ضوابط و قوانین تلاوت، کاملاً در فضای آیات قرار گیرد و با فراغ بال و حس قوی، آنها را تلاوت کند. تلاوت استادانه انتقال قوی حسّ است.

۱۰) قاری قرآن کریم نیازمند مجموعه‌ای غنی از الحان، انغام، حالات و فنون بکارگیری آنها که متناسب با شخصیت و سلیقه درونی اوست، می‌باشد که هر لحظه به اقتضاء حس و حال و



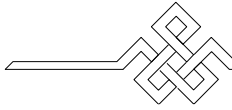
فضای تلاوت و فضای آیات و اقتضاء دهها عامل دیگر از آنها استفاده کند.

۱۱) برجسته کردن، تأکید کردن، تخفیف نمودن، انجام پژوهشهای لحنی و صوتی خاص روی کلمات و جملات در آیات و رعایت نبرها در لحن بیانی و مقامی از ویژگی‌های تلاوت استادانه جهت انتقال مفهوم آیات به مخاطب است.

۱۲) قاری قرآن کریم برای ارائه یک تلاوت استادانه نیازمند تسلط بر هنر ارتباط است که گونه‌های مختلف دارد: ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با فضا و ارتباط با مخاطب. در این صورت می‌تواند فضا را منطبق و همسو با حس و حال و فضای درونی خود بنماید.

۱۳) تلاوت استادانه تلاوتی است که حاشیه نداشته باشد. متوجه معنویات، دارای اخلاص و رنگ خدایی باشد تا بتواند با عمق آیات ارتباط برقرار کند و به زمزمه درونی و فضای حسی خود دست یابی پیدا کند.

۱۴) جنبه معنوی هنر ارتباط در تلاوت استادانه از جنبه‌های ارزشمند هنر تلاوت است که می‌تواند مؤلفه‌های دیگر تلاوت را به همراه داشته باشد.



**منابع :**

۱. قرآن کریم
۲. نهج الفصاحه
۳. جامع الاخبار، شعیری
۴. اصول کافی، کلینی، چاپ دارالاسلامیه
۵. نورالثقلین، حویزی
۶. عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور
۷. صدای خود را آزاد کنید ( راجرلاو)
۸. تکنیک آواز ( لارابرا نینگ هندرسون)



## سبک شناسی در تلاوت

جهانبخش فرجی<sup>۱</sup>

### مقدمه:

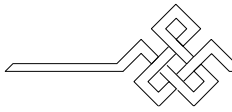
هنر تلاوت قرآن هنریست برگرفته از متن زیبا و استثنایی قرآن و تجوید خاص و ریتم آزاد و آهنگ پذیر آن.

هر نغمه، ملودی و نوایی اگر به قرآن ارائه شود تحت قوانین قرائت قرآن قرار گرفته و به شکلی معنوی و منحصر بفرد، دلربایی می کند.

این هنر تنها هنر مقامی است که نیاز به همراهی هیچ سازی ندارد و اگر آن را از دسته هنرهای آوازی بدانیم باید این را اضافه کنیم که هر جمله موسیقی آن باید کامل بوده و مفهوم داشته باشد، و لذا هرگز تالی قرآن اجازه نفس گرفتن و تقطیع کردن نداشته (بخلاف آواز ایرانی، موال، ابتهال و...) و همه چیز از ساخت ملودی، ترکیب، انتقال، فراز و فرود و تحریر در فکر تالی و احساس خاشعانه او در خواندن این کلام و حیانی به ظهور میرسد.

---

<sup>۱</sup> . jahan\_bakhsh@yahoo.com



اساتید و بزرگان و تبیین کنندگان این فن بطور جامع و عملی تمامی زوایای این هنر را به منصفه ظهور رسانده و آئینه تمام و کمالی از جلوه‌ها و زوایای مختلف این هنر بشمار می‌روند. نویسنده ضمن احترام به کاوشگران و مدرسان این عرصه سعی کرده از زاویه اساتید این فن به ارائه ناگفته‌ها و نقاط مخفی آن پردازد.

### بخش نخست: تعاریف پایه

#### الف - گام و دستگاه

گام اصطلاحی است در موسیقی کنونی که به مجموعه‌ای از هشت نت با فواصل مشخص فرکانسی، اطلاق شده و از رفت و برگشت آن یک احساس منحصر بفردی به شنونده دست می‌دهد. این احساس خاص در موسیقی شرق به اصطلاحی بنام «دستگاه» معروف شده است. هنر الهی تلاوت، که سینه به سینه و بطور گوشه و فراگیری ردیفهای گوناگون تلاوت بوجود آمده، عملاً به فراگیری گام که نقشه راه محسوب می‌شود، نیازمند نیست و شناخت گامهای مختلف دستگاههای قرآنی تنها می‌تواند در بعد آکادمیک و تحلیل، کمکی برای نظریه پردازها و مدرسان دانشگاهی این فن محسوب گردد.

#### ب - مقام، گوشه و ردیف

مقام عبارتی است که اساس و حلقه اصلی هنر تلاوت و موسیقی مقامی است. طبق تحقیق نگارنده و مستندات موجود در متون ارائه شده در تدریس هنر تلاوت، این اصطلاح حتی توسط افرادی که مدرس این موضوع هستند، بطور دقیق، صحیح و کامل توضیح داده نشده است و اکثراً آن را با دستگاه یکسان می‌گیرند.

مقام، مدگردانی یک قاری قرآن یا یک آواز خوان شرقی در یک دستگاه است، یعنی ارائه نغماتی نو و منحصر بفرد از هشت نت موجود در دستگاه.

از طرفی، گوشه، نغمه‌ای خاص در یک مقام مشخص است و نقش کلیدی در ارائه منتظم مقام دارد. در موسیقی مقامی هر آن امکان دارد که مجری مقام بتواند با خلاقیت و بصورت





بداهه، ضمن ارائه مرتب گوشه‌های یک مقام، گوشه ای جدید را در طرح خود ایجاد نماید. عبارتی مختصر، مقام؛ مجموعه ای از گوشه های ثابت یا بدیعی است که در یک دستگاه اجرا میشوند و اجرای گوشه های جدید در یک مقام خود یکی از ارکان ایجاد سبکی جدید در هنر تلاوت است.

نکته مهم: مدگردانی در یک دستگاه باعث خلق گوشه های جدید در مقام ارائه شده در آن دستگاه می‌گردد می‌تواند گوشه ای جدیدتر خلق نماید.

برای روشن شدن مطلب بطور مثال دستگاه حجاز، را بررسی میکنیم:  
دستگاه حجاز از هشت نت یا درجه صوتی تشکیل شده و اگر آنرا طبق تعریف متداول از نت (ر) شروع کنیم خواهیم داشت:

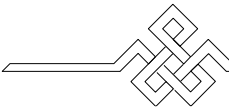
ر- می بمل - فا دیز - سل - لا - سی بمل - د - ر

وقتی ما این هشت درجه را بصورت رفت و برگشت اجرا کنیم احساس خاصی را برای ما ایجاد می‌کند که برایش نام دستگاه حجاز را در نظر میگیریم.

برای درک بهتر در نظر بگیرید که چند نوازنده محلی، یک اثر را در دستگاه حجاز بصورت بداهه و با حسی خاص و فواصل و تأکیدات منحصر بفرد و بدیع ارائه نمایند، احساس ما بعنوان شنونده این است که همه آنها در دستگاه حجاز مینوازند، (البته با بداهه ها، تزیینات و نغمات خاص خود).

پس موسیقی مقامی یا بهتر بگوییم خط ملودی (نغمه ای) مقامی در یک دستگاه مشخص، مجموعه ای از ملودیه‌ها یا نغمات متنوع و منحصر بفرد است که هر قوم یا گروهی با پشتوانه فرهنگی نسل های قبل خود، آنرا عرضه میدارند.

اگر این نغمات یا گوشه ها در یک زمانی، ثابت و بدون نو آوری مشهود برای مستمعین عرضه شوند به آنها ردیف گفته می‌شود. در تلاوت قرآن هم، ردیف خواندن نقش بسیار مهمی دارد و هم اکنون این ردیفها به نام استادی برجسته دسته بندی شده اند. بطور کلی ردیف خواندن اغلب اساتید برجسته یکسان است، اما اگر این ردیف خواندن تحت تأثیر منطقه ای دیگر با



گوش و احساسات خاص آن منطقه ارائه شود و قاری با تحریرها و تزیینات خاص آن منطقه، آنرا ارائه نماید، ایجاد سبکی جدید در ذهن شنونده بوجود می آید.

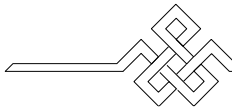
خلاصه و نتیجه گیری بسیار مهم از این بخش این است که مقام شناسی اساس ورود به جهان تلاوت و موسیقی شرقی است و موسیقی مقامی موسیقی پویایی است که ضمن تأکید بر نغمات گذشتگان بدنبال نو آوری و سبکهای جدید است.

یعنی اگر موسیقی مقامی را به موسیقی موقعیت و مکان تعبیر کنیم میتوان گفت هر قوم و نژادی در فرهنگ شرق، با مدگردانی درنت های یک دستگاه و با پشتوانه تاریخی و البته تأکیدات گویشی خود، با حسی منحصر بفرد، ردیفی خاص خود را ابداع نموده است. در طول تاریخ هم نوابی بوجود آمده اند که ضمن حفظ ردیفهای یک مقام، به آنها گوشههایی جدید افزوده و ردیف خواندن را بنام خود ثبت کرده اند.

نکته دیگر اینکه اصول ترکیب مقامات در دستگاههای مختلف یا انتقال از یک مقام در یک دستگاه، به مقام در دستگاه دیگر مبتنی است بر تسلط و شناخت کامل گوشه ها و نغمات بکار برده شده در سمفونی (قطعه طولانی) موسیقی شرقی. و این تسلط، بعنوان پشتوانه خلق اثرهای جدید و یا ردیفهای جدید مطرح بوده و تأکید میکنیم که هیچ محدودیتی برای خلق نغمات ترکیبی جدید، انتقالهای جدید و گوشه های بدیع و در نتیجه ردیفی جدید، وجود ندارد.

اما تفاوت تلاوت قرآن با آوازهای فارسی و عربی در این است که ما در تلاوت قرآن شاهد یک سمفونی کامل از اجتماع ردیفها و ترکیبات قدیم و جدید هستیم، در حالیکه در آوازهای فارسی و عربی ما بیشتر ردیفهای جمع شده و ثابت در یک مقام را میخوانیم، هرچند این بضاعت هم در آوازهای فارسی وجود دارد که در آن ترکیب و نوآوری بوجود آید. در پایان این بخش اصطلاحات انتقال و ترکیب را ارائه می کنم.

ترکیب ساده عبارت است از تغییر نغمه از یک گوشه در یک مقام، به گوشه ای در مقامی دیگر و سپس برگشت به مقام اول. اگر در ترکیب بجای دو مقام، چند مقام شرکت داشته باشند این ترکیب را پیچیده نام گذاری مینماییم.



اما منظور از انتقال، ورود به مقام دیگر و ماندن بر مقام جدید است.

### بخش دوم: تعریف تحریر

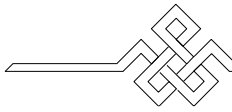
تحریر در موسیقی شرقی مفهومی کاملاً خاص دارد و باید جدای از تعاریف عرفی و تقسیم بندیهای آن به این مفهوم اثرگذار و کلیدی پرداخت.

تحریر از دیدگاه نگارنده یعنی اجرای سریع و متوالی یک یا چند نت (پرده یا درجه صوتی). و در تلاوت قرآن، تحریر اغلب همراه است با تقسیم شدن یک نت به اجزای ریزتر و اجرای آن نشان از تسلط مجری در پردازش ریز پرده‌ها (ربع پرده و ریزتر) و در نتیجه شرقی شدن صدا دارد. در تحریرهای قرآنی، هم درجه صوتی به قسمتهای کششی کوچکتر تقسیم می‌شود، هم فواصل. باید توجه کنیم که نحوه تقسیم نت در این تعریف مطرح نیست و این تعریف تنها از جنبه ماهیتی برای تحریر در نظر گرفته شده است. از طرفی هرچه صدا تحریر پذیرتر باشد صدا گرمتر، حزین تر، سینه‌ای و دارای برد کمتر است. در ایجاد تحریر بخصوص در اوج صدا، ولوم صدا بطور طبیعی، کمی افت نموده و تمرکز بر حنجره بیشتر می‌شود، لذا اگر آمادگی حنجره برای ایجاد تحریرهای ریز و دشوار وجود نداشته باشد، صدای تلاوت کننده دچار افت و ناکوکی می‌شود.

نکته‌ای که اخیراً کمتر در تلاوت قرآن به آن توجه شده (و اصلاً به آن پرداخته نشده) این است که بعنوان یک قانون مهم باور داشته باشیم تحریر زینتی است که باید در خدمت مفهوم الهی و وحیانی قرآن قرار داشته باشد. در واقع تحریر، نمک خواندن در مکتب شرق است و اگر بی موقع و بدون دقت در معنا و نظم آهنگ کلمه و جمله اجرا شده یا بیش از حد بکار گرفته شود، خواندن، بی نمک و یا بسیار شور می‌شود.

جایگاه تحریرهای شرقی در حنجره است و باید یک کنترل توقف گونه از نفس (ولوم گیری) در هنگام تحریر در فضای حنجره وجود داشته باشد تا تحریر خلق گردد.

هرچه تحریر متنوع تر و ریزتر اجرا شود از عیار بالاتری برخوردار است. برای تسلط اجرا کننده تحریر، تنها راه، تمرین زیاد با نظارت استاد بوده و البته نوع آن به میزان استعداد ذاتی و



تحریر پذیری تارهای صوتی خواننده بستگی دارد.

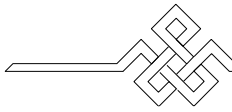
نکته اول - در تلاوت قرآن، میتوان با دهانی بسته تر از حد استاندارد و کنترل ولوم صدا، هم ربع پرده‌ها را درست ادا نمود و هم تحریرهای ریزتر خاص تلاوت را اجرا کرد.

نکته دوم - در تحریرهای مکتب هندی و افغانی ما شاهد تحریرهای بسیار ریز و مطول هستیم که در تمام یا اکثر فواصل قطعات آوازی‌شان دیده می‌شود و گاهی مشاهده میکنیم که بعضی از قاریان بدون آگاهی از اینکه این نوع تحریرها (خصوصاً نزولی با شیب انفجاری)، تحریرهای وزین و مناسبی برای تلاوت نیستند، از آنها استفاده مینمایند. در بکارگیری تحریر، توجه به معنا، حفظ وزن آیات، توجه داشتن به سیاق کلام و آرامش بخشی بجای هیجانی بودن، باید مد نظر یک قاری خاشع باشد.

### بخش سوم : طنین

طنین از عناصر مهم در هنر تلاوت است. هر قاری که در عرصه تلاوت به شهرت میرسد دارای طیننی قابل قبول و ممتاز است و بسته به جدید بودن طنین، میتوان آن را به تنهایی اساس یک سبک معرفی نمود. حتی اگر با تغییراتی جزئی، ردیف تلاوتی یک فرد دیگری را ارائه نماید. پس به نظر می‌رسد شرط کافی برای صاحب سبک شدن، داشتن طیننی متفاوت و جدید نسبت به دیگر قاریان است. برای روشن شدن اهمیت طنین در ایجاد سبک، می‌توان استاد شحات و فرزندان او را مثال زد؛ فرزندان این استاد هرچند در سبک پدرشان تغییراتی ایجاد کرده اند اما چون دارای طیننی یکسان با استاد هستند، دارای سبک جدیدی نیستند. در واقع آنان تنها به سبک و ردیفهای پدرشان، گوشه‌ها و تزئینات جدیدی اضافه نموده اند.

البته این نکته را باید بعنوان یکی از مقدمات اصلی در ایجاد سبک در تلاوت بپذیریم که تقلید ردیفهای استاد مقبول ما اولین گام برای ورود به جهان تلاوت و در نتیجه صاحب سبک شدن است. تقلید علاوه بر اینکه مقلد را با ردیفهای یک استاد آشنا می‌کند، عملاً باعث صدا سازی او نیز می‌شود. بهرحال مهمترین فاکتور در اجرای صحیح یک نغمه، صدایی ساخته شده، شناخته شده و بدون خروج و ناکوکی است.



بنابراین جنس صدا یا طنین که یکی از معجزات و پیچیدگیهای خلقت است، در بحث سبک شناسی مهمترین عنصر است. طنین های طلایی تلاوت از نظر نگارنده، طنین صدای استاد عبدالباسط و استاد منشاوی می باشد.

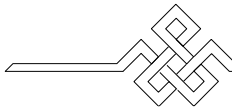
یکی از موارد پیچیده و خارق العاده در بحث طنین، تقلید است. گاهی علاقه وافر یک شاگرد و مستمع (که در تستهای صدا ممکن است رد شود) به طنین یک استاد، باعث می شود که وی طنین استاد را دقیقاً تقلید نماید درحالیکه این اتفاق نادر و عجیب همانگونه که گفته شد با قوانین آکادمیک و فیزیکی منطبق نیست.

تنها چیزی که می تواند این تفاوت بسیار کم را برای ما ملموس کند، فیزیک خاص فضای دهان و بینی و ادای مخارج حروف مقلد است.

#### بخش چهارم: هجاء ها و تأکیدات صوتی و ابداع نغمه

هجاء ها در زبان عربی تعریف شده و مشخصند. تکیه بر این هجاءها تابع قوانین مشخصی است که در کتب مربوطه آورده شده است. در مبحث ساخت و ابداع یک نغمه بر روی کلمات، که عنصر اصلی جمله های قرآنی هستند، باید گفت چون روش تحقیق در تلاوت با زمان بیشتر نسبت به ترتیل، مفاهیم را ارائه می نماید، لذا شنونده ضمن لذت بردن از ترکیب، ابداع و زیبایی نغمه، همزمان به درک مفاهیم کلمات در جملات موسیقایی اجرا شده توجه می نماید و اگر برای نمونه تأکید صوتی نامتعارفی را در یک هجاء مشخص شنید، سیستم شنوائش آن را تصحیح می کند. در واقع در تلاوت و استماع آن اولویت با ایجاد خشوع، جذب عرفانی و انس بیشتر مستمع با قرآن است. مقوله تلاوت آیات پر نغز قرآن، با هیجانات و داد و فریادهای نمایشی قاری و مستمع هیچگونه ارتباطی ندارد.

در تلاوت قرآن تکیه های صوتی برای رساندن مفهوم جمله بیشترین نقش را ایفا می کند یعنی اینکه تلاوت گر قرآن باید به این نکته دقت کند که طوری نغمات را بر کلام منطبق کند که کلمات در جمله، خود را بهتر نشان دهند و در عین حال خدشه ای بر وزین بودن نغمه وارد نشود. رعایت این اصل، مبنای هنر مواکبه در تلاوت قرآن است.



در واقع میتوان گفت هرچه درک قاری از مفاهیم قرآن و نقش کلمات و جملات آن بیشتر باشد، عیار تلاوتش بالاتر است.

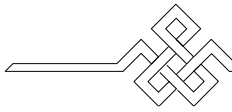
نکته مهم - تلاوت قرآن از روی مصحف هر چند ثواب بسیار دارد اما در مفهوم گرایي و داشتن يك نقشه راه صحيح در تلاوت، ايجاد اشكال مي كند چرا كه قسمتي از مغز در گير پيدا كردن كلمات است در صورتيكه اگر قاري از حفظ تلاوت نمايد نظرش به كل جمله ايست كه قرار است اجرا كند لذا از حفظ خواندن يعني نصف بيشتتر راه را در تلاوت مفهومي طي كردن. اساتيدي هستند كه با درك بالا و احساس بي نظيرشان از متن قرآن و موسيقي مقامي آن، تأكيدات صوتي عجيب و بديعي خلق مينمايند كه قبل از ايشان هيچ استادي اين روش را ارائه ننموده است لذا اين مشخصه هم يكي از ارکان ايجاد سبک است. گاهي ممكن است استاد يك جمله را با تأكيدات مختلف ارائه نمايد بطوري كه شنونده را به مفاهيم تازه تري از قرآن نزديك كند (انگار كه استاد در حال ارائه تفسيري جديد از جملات قرآن است) لذا نبايد كلمات و جملات قرآن را صرفاً يك جمله عربي با تأكيدات ثابت فرض نمود و يك نسخه موسيقيي واحد براي آن پيچيد. اگر اينچنين فرض شود، هم اكنون مي باست قرآن تنها به يك روش و فرم خاص آن هم با رعايت آكسانهاي استاندارد زبان عرب خوانده شود.

### بخش پنجم: نفس

نحوه نفس گيري و استفاده صحيح از نفس در تلاوت قرآن يك مقوله بسيار مهم در هنر تلاوت است.

در تمامي موسيقي ها چه شرقي و چه عربي، خواندن بايد با تنفس ديافراگمي انجام شود. از مشخصه اصلي اين نحوه تنفس اين است كه فشاري بر حنجره وجود نداشته و خواننده صورتی برافروخته و در نتیجه صدایی پر تکلف ندارد. در ضمن، بر محدوده نفس خود هم کنترل و اشراف كامل داشته و هرگز دچار كمبود نفس در پايان فرازها نمي شود.

در مقوله تلاوت قرآن و مكاتب عرفاني و موسيقيي شرق، تنفس شكمي يا ديافراگمي نقشي اساسي در مكاشفات عرفاني دارد. اين نقش در تلاوت قرآن بطور كامل نشان داده شده و قاري



قرآن اجازه نفس کشیدن در حین تلاوت را ندارد. یکی از ضررهای کشیدن نفس در حین تلاوت، آسیب رساندن به سیستم تصفیه خون (قلب و ریه) و ایجاد بیماری در حنجره است که در این مقطع از توضیحات مبسوط آن می‌گذریم.

بهرحال یکی از تفاوت‌های عمده تلاوت با دیگر خواندن‌ها در همین نفس ممتد آن است و این نحوه نفس‌گیری از اصول متقن در تلاوت است.

نگارنده از چند سال قبل با مطالعه در تمرینات گوناگون تنفس دیافراگمی، موفق به ابداع یک تمرین مفید و کاربردی برای داشتن تنفسی صحیح در تلاوت شده که بحمدالله در ایران و کشورهای مسلمان بجز مصر در حال گسترش است.

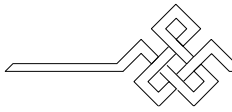
اما از بعد کمی باید گفت که تنفس، خود می‌تواند در ایجاد سبک تأثیرگذار باشد. همانگونه که در خلق نعمات جدید یا ارائه یک گوشه جدید مقوله‌های فراوانی اثر دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره شد. اما نکته مهم در خلق این نعمات نو، علاوه بر ایجاد، پرداخت صحیح آن‌هاست. یکی از عواملی که در پرداخت گوشه‌ها به شکل بدیع مؤثر است، تنفس است.

قاریانی که دارای نفس زیاد هستند بطور معمول برای پرداخت نغمه و ابداع در آن، دست بازتری دارند و البته این اساتید در بین مستمعین هم طرفدار بیشتری دارند. قاریان پر نفس معمولاً از تحریرهای کم، جملات موسیقایی بلند و انعطاف صدایی کمتری بهره می‌برند و قاریان کم نفس از جملات موسیقایی کوتاه‌تر، تحریر زیادتر و انعطاف صدایی بیشتر بهره می‌برند. لذا مشاهده می‌کنیم که مقدار نفس در ایجاد یک سبک از اهمیت زیادی برخوردار است. بطور معمول و معقول قاریان کم نفس برای جذب مخاطب و تأثیر هنری بر ایشان باید مرتب در حال خلق گوشه‌های کوتاه باشند و لذا این دسته از قاریان باید نوع بیشتری بخرج دهند.

### بخش ششم: ربع پرده

نکته‌ای که کمتر در چند سال اخیر به آن پرداخته و کم‌کم به دست فراموشی سپرده شده - حتی در مکتب موسیقی عرب - موضوع ربع پرده است.

حتی در تمرینات صداسازی و سلفژ به این مقوله مهم پرداخته نمی‌شود.



ربع پرده در یک کلمه یعنی حزن. هر صدایی که با ناله همراه است صدایی است پر از ربع پرده. لذا اگر از بکارگیری ربع پرده در تلاوت قرآن غافل شویم عملاً حزن را در تلاوت کم کرده‌ایم.

نکته بسیار مهم این است که اجرای تحریرهای ریز و هیجانی نشان از داشتن یک صدای منعطف قرآنی و دارای ربع پرده نیست.

ما برای رفع این معضل و پرداختن بیشتر به مقوله ربع پرده و در نتیجه صدای قرآنی منعطف و حزین داشتن، از همان ابتدای تمرین سلفی، از اکتاو ۲۴ فاصله‌ای بجای اکتاو ۱۲ فاصله‌ای غربی استفاده می‌کنیم. کاری که اصلاً در تمرینات اساتید حال حاضر دیده نشده و با تمرکز بر تمرینات با اکتاو غربی عملاً از صداهای حزین شرقی فاصله و به صداهای غربی نزدیکتر شده‌ایم. از طرفی ربع پرده در تلاوت قرآن نقشی مهم ایفا می‌کند و اساس خلق گوشه‌های نو و با رنگ و فضای متنوع را فراهم می‌آورد، لذا اگر بخواهیم بعنوان یک شنونده معمولی وجود ربع پرده را بصورت عملی حس کنیم باید بگوییم که تلاوت بدون ربع پرده یعنی تلاوتی غربی و بدون نوآوری، مانند آنچه که هم اکنون در حوزه خلیج فارس می‌شنویم و اغلب نغمات بدون ربع پرده اجرا می‌شوند.

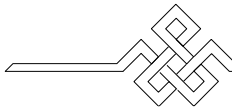
اگر بخواهیم جایگاه ربع پرده و اثر آنرا بطور ملموس در کشور خودمان و در موسیقی اصیل خود، درک کنیم، اجرای سرود «ای ایران» با صدای مرحوم بنان و آقای قره باغی نمونه بارزی از آن است.

\*برخی از پرسش‌های رایج و پاسخ آن‌ها:

۱- آیا الزاماً تلاوت برتر تلاوتی دارای سبکی جدید و متفاوت است؟ و آیا عیار تلاوت‌های معنا گرایانه با ردیف‌های غیر معمول و طینی منحصر بفرد، از تلاوت‌های ردیفی و صاحب سبک کمتر است؟

پاسخ: جواب منفی است. می‌شود با نگرش مفهومی به آیات الهی و با طینی خاص و معنوی و چهره ای نورانی و موجه که از خشوع درونی قاری خبر دارد، اثری را خلق کرد که همه را





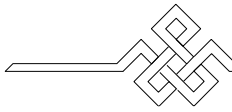
شیفته خود نماید.

۲- آیا قاری اجازه دارد غرق در هیجانات مخاطب قرار گرفته و بر اساس موقعیت مکانی، زمانی و مناسبتی و با استفاده از نعمات و تحریرهای مربوط به موقعیت تلاوت نماید؟  
 پاسخ: استاد و قاری قرآن باید تمامی هنر خود را در خدمت مفاهیم قرآن و انتقال آن‌ها و ایجاد حزن و شوق الهی در مستمع قرار دهد، لذا حتی اگر قرار است در مناسبت‌های شاد و یا در فضای نغمه‌ای و تحریری خاص یک محل و بجهت جذب مخاطب، ابداعی انجام دهد باید اصول را فدای فروع نموده و بدعتی در تلاوت ایجاد نکند. تحریرهای هندی (تحریر بسیار ریز نزولی) که در شبه جزیره هند رایج است و متأسفانه در تلاوت برخی قراء مصری و ایرانی باب شده در هیچ یک از اساتید قدیمی (و صاحب نصاب) این هنر الهی، دیده نشده است.

۳- آیا قاری حق دارد اصول مفهومی، تجویدی و متقن تلاوت را فدای تحریرهای نامتعارف، نفس‌زیاد، کششهای اضافی، از بین بردن توازن، و تشویق و داد و فریادهای مستمع کند؟ و آیا مستمع هم حق تحریک قاری در خروج از اصول تلاوت را دارد؟  
 پاسخ: قاری اصلاً مجاز نیست که اصل تجوید، احکام و مخارج و صفات حروف را فدای جو حاکم بر جلسه نماید. تلاوت صحیح و خاشعانه، هر جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این یعنی ایمان و یقین کامل قاری و مستمع به اعجاز کلامی قرآن.

۴- آیا تلاوتهای اساتید مصری (بجز استاد رفعت، استاد عبدالفتاح و استاد حصان که فی‌البداهه نعمات را بر اساس معنا انتخاب و اغلب ابداع می‌کنند) که طراحی و هندسه تلاوت از قبل، در تلاوت بصورت ثابت فرض شده است (بر اساس ردیفهای ثابت و مشخص)، حد نصاب یک تلاوت برتر را دارا هستند؟

پاسخ: بله، دارا هستند. در واقع قاری در این روش با مهارت و خلاقیت منحصر بفردش سعی می‌کند ردیف را بر آیات، درست بنشانند و آنقدر این کار را در رکوعات مختلف انجام داده که



تسلط کامل در این امر دارد. در این سبک قاری همیشه گوشه های اضافی را در محفوظاتش دارد و ممکن است بسته به حس و حالش تغییری در ردیف هم ایجاد نماید. اما اگر بخواهیم کلاس و عیار این روش را با روش قاریان بداهه خوان و مفهومی مثل رفعت، شعشاعی و حصان بسنجیم باید بگوییم فاصله بسیار است.

۵- آیا برای نصب درست لحن بر کلام، داشتن ردیف و استخوان بندی مشخص در تلاوت لازم است؟

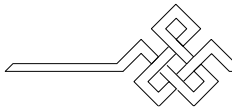
پاسخ: شیوه ردیف خوانی از اصول موسیقی شرقی بویژه ایرانی است. در این شیوه خواننده هم تسلط بر متن دارد، هم بر نغمه و لذا حفظ آیات و متن هم برایش آسان می شود. بهر حال این شیوه اساس هنر تلاوت امروزیست و قاری در این شیوه بندرت خروج لحنی دارد. از موارد نادر در پوشش نیافتن درست کلام توسط لحن، قفله های ناقص و یا بسیار زائد و مدود اضافی است، هرچند گاهی اوقات استاد کمبود نغمه را در قفله جبران می کند که این از مهارت قاریان این شیوه است. اغلب ردیفها در حال حاضر همان ردیفهای قاریان عصر طلایی مصر هستند. در این روش شنونده لذت بسیار زیادی برده و در آرامشی کامل مشغول درک مفاهیم انتقالی است.

۶- آیا نظم آهنگ آیات می تواند نغمات مناسب با باطن و مفهوم آیه خلق نماید؟

پاسخ: هر رکوع از قرآن که حداقل یک موضوع خاص را انتقال میدهد، دارای یک وزن و آهنگ خاص به خود است. لذا باید قاری قرآن با این پیش فرض در ضرب آهنگ و نظم عروضی یا ایقاعی آیات هم مفهوم تأمل نموده و بر اساس آن لحن را بر کلام بنشانند. خیلی از اوقات این مطالعه باعث خلق اثرها و نغمه های فاخر می شود.

- در پایان - برای نمونه - به مشخصات ردیفی و تحریری در تلاوت چند استاد مصری اشاره می کنیم:

۱- استاد عبدالباسط (دارای طنین طلایی)



تحریرهای این استاد فوق العاده ریز، کوتاه، بجا و متعادل است. او تحریرهای نزولی یا صعودی را در تلاوت خود بکار نمی‌برد و منحنی تلاوتش بسیار لطیف و ملایم با دامنه کوتاه و منظم می‌باشد. معیار این قاری در تلاوت، وزین خواندن و القاء معانی قرآن است. او از قاریان ردیف خوان است.

#### ۲- استاد محمد صدیق منشاوی (دارای طنین طلایی)

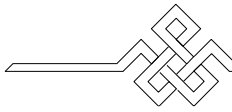
این استاد نیز که یکی از الگوهای تلاوتی استاد عبدالباسط است، دقیقاً تحریرهایی با مشخصات استاد عبدالباسط دارد. منحنی تلاوت او شبیه عبدالباسط است با تفاوت‌های جزئی که به محدوده صدایی و توان صدایی وی نسبت به عبدالباسط برمی‌گردد. برای مثال استاد منشاوی استراحت‌های بم خوانی را بیشتر بکار می‌برد و محدوده صدای او در محدوده باس باریتون است در حالیکه عبدالباسط توان تداوم در اوج خوانی بیشتر از منشاوی بوده و صدایش در محدوده باریتون تنور است.

این قاری از اساتید ردیف خوان به شمار می‌آید.

۳- استاد رفعت: تحریرهای این استاد، فوق العاده ریز، کوتاه، بجا و متعادل است. او تحریرهای نزولی یا صعودی را در تلاوت خود بکار نمی‌برد و منحنی تلاوتش لطیف و ملایم با دامنه کوتاه و منظم است که در بین آن گاهی حرکت‌های صعودی و نزولی اکتاوی هم مشاهده می‌شود. معیار وی در تلاوت، بداهه خوانی و القاء معانی قرآن است.

۴- استاد کامل یوسف: این استاد شیوه بداهه خوانی استاد رفعت را به شیوه ردیفی تبدیل کرده است. صدایی استثنایی و حزین، بدون تحریرهای صعودی و نزولی. ابتکارات او در تلاوت عبارتند از: خواندن فواصل، استفاده از تحریرهای پلکانی صعودی و نزولی، اجرای نغمات اکتاوی نزولی در محدوده نادر یک اکتاو و نیمی، اجرای تحریرهای بسیار ریز و کوتاه مثل اساتید دیگر و خواندن نزولی از بالاترین درجه صوتی

۵- استاد محمود علی البنا: تحریرهای این استاد درشت، کوتاه، بجا و متعادل است. وی تحریرهای نزولی یا صعودی را در تلاوت خود بکار نمی‌برد. منحنی تلاوتش بسیار لطیف و



ملایم با دامنه کوتاه و منظم است، اما در بین این نرمی تسلطی عجیب در ردیفهای نزولی دارد، بطوریکه در بسیاری از لحظات تلاوت، از این روش استفاده می کنند. معیار این قاری در تلاوت، ایجاد سبکی نو مبتنی بر حفظ اصول تلاوت بوده است. وی از قاریان ردیف خوان می باشد.



## اثر «نبر» و «تنغیم» بر القای مفهوم در تلاوت استادانه

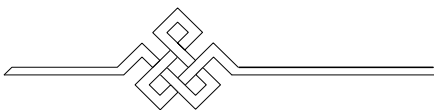
حیدر کسمائی<sup>۱</sup>

### چکیده

«تلاوت» و «قرائت» یکی نیستند. هر تلاوتی، قرائت است؛ اما هر قرائتی لزوماً تلاوت محسوب نمی‌شود. قرائت برای عموم خواندن به کار می‌رود؛ ولی تلاوت فقط برای خواندن قرآن استفاده می‌شود. تلاوت استادانه در حقیقت همان تلاوت هنرمندانه، علمی و جذاب است که باید در راستای رسیدن به هدف، یعنی القای صحیح معانی و مفهوم آیات، باشد. «نبر» و «تنغیم» از مباحث علم تجوید و آواشناسی هستند که می‌توانند اثر قابل توجهی بر معنا و مفهوم کلمات و جملات داشته باشند. «نبر» یا «Stress» همان تکیه و فشار صوتی بر قسمتی از کلمه است که برای تسلط بر آن باید انواع «هجا» را بشناسیم. هر کلمه از یک تا هفت هجا تشکیل می‌شود؛ البته ممکن است بافت آن‌ها تکراری باشد. هجا در زبان عربی شش بافت دارد. «نبر» در هر کلمه باید طبق قواعد مشخص شده، روی یک هجای خاص باشد و تغییر محل آن می‌تواند معنای کلمه را تغییر دهد.

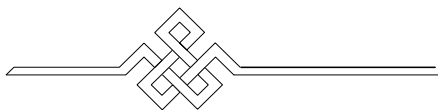
Kasmaei.h@gmail.com

۱. مدرس دانشگاه مجازی المصطفی و دانشگاه قرآن و حدیث



«تنغیم» همان آهنگ جملات است که می‌تواند در القای مفهوم آن‌ها تأثیرگذار باشد. تبیین اینکه هر جمله در تلاوت، سؤالی، خبری، تعجبی یا انشایی است، به کمک تنغیم صورت می‌گیرد و از معیارهای تلاوت استادانه به حساب می‌آید.

**کلید واژگان:** قرآن، قرائت، تلاوت، آواشناسی، نبر، هجا، تنغیم



## مقدمه

از آنجا که قرآن کریم با هدف هدایت و راهنمایی انسان‌ها نازل شده است، اولین گام برای کسب این هدایت را می‌توان قرائت و تلاوت آن برشمرد.

تلاوت قرآن می‌تواند به دو صورت:

تلاوت فردی (شخصی)، به معنای خواندن شخص برای خود (نه دیگران)؛ و تلاوت تبلیغی (نمایشی) به معنای عرضه به دیگران در مجلس، محفل یا برای ضبط می‌باشد.

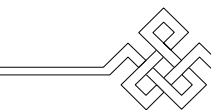
با اینکه تلاوت شخصی، آداب و شرایط خود را دارد، اما تلاوت تبلیغی قطعاً مستلزم مهارت، هنر و شرایط خاصی است؛ به ویژه اگر بخواهد در حد عالی صورت گیرد و به «تلاوت استادانه» متصف شود.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین هدف در تلاوت تبلیغی، القای هنرمندانه مفاهیم و معانی آیات به شنوندگان است.

از جمله عوامل تأثیرگذار در ارائه تلاوت متناسب و منطبق بر معنا و مفهوم آیات، می‌توان به گزینه‌های زیر اشاره نمود:

- ۱- تجوید و آواشناسی عربی
- ۲- وقف و ابتدا
- ۳- صوت و لحن
- ۴- اختلاف قرائات
- ۵- تکنیک‌های حرفه‌ای (در نظر گرفتن: مخاطبین، زمان، مکان و سایر شرایط)

هر کدام از این گزینه‌ها احتیاج به شرح مفصّلی دارد که از ظرفیت این مقاله خارج است. با توجه به اینکه در آواشناسی و تجوید، اهمیت مبحث «نبر» و «تنغیم» مغفول مانده و کمتر بررسی و تحقیق شده است، این مقاله را به موضوع «اثر نبر و تنغیم بر القای مفهوم در تلاوت استادانه» اختصاص داده‌ام. به امید آن که بتوانم خدمتی هر چند ناچیز در ارتقای تلاوت‌های هنرمندانه و استادانه قاریان عزیز، ارائه دهم.



قبل از ورود به بحث اصلی، دو مطلب «تفاوت قرائت و تلاوت» و «مشروعیت تلاوت ماهرانه و استادانه» را به عنوان پیش نیاز بحث، به اختصار بیان می‌کنیم.

### تفاوت «قرائت» و «تلاوت»

«قرأ»: خواند؛ قرأ القرآن یعنی قرآن خواند. (لغت‌نامه دهخدا)

«تلاوت»: خواندن، قرائت کردن. (فرهنگ معین)

«تلاوت» به معنای خواندن با اندیشه و تأمل. (لغت‌نامه دهخدا)

راغب اصفهانی، تلاوت در لغت را این گونه معنا کرده است: تلاوت به معنای اَبَّاع و پیروی است. گاهی پیروی در جسم است و گاهی در اقتدای حکم. مصدرش تَلَّوْ و تَلَّو است و در تلاوت، پیروی در تدبیر معنا می‌باشد.

با توجه به معانی ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت: هر تلاوتی، قرائت است؛ اما هر قرائتی لزوماً تلاوت محسوب نمی‌شود. معمولاً تلاوت در مکانی به کار می‌رود که مطالب قرائت شده، وجوب پیروی و تبعیت را در پی آورد.

از این رو عرب‌زبان‌ها برای خواندن نامه می‌گویند: «قرأت رسالتک» و هیچ‌گاه نمی‌گویند: «تلوت رسالتک».

فرق معنایی تلاوت و قرائت را شاید بتوان این گونه نیز بیان کرد: قرائت به معنای خواندن ظاهر آیات (کمیت) می‌باشد؛ اما تلاوت هم خواندن ظاهر آیات است و هم توجه به معنای آن؛ یعنی ضمن خواندن آیات الهی، به معانی، مفاهیم، مصادیق و اوامر و نواهی (کیفیت) نیز توجه داشته باشیم.

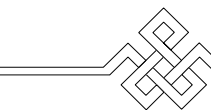
نکته مهم‌تر این است که «قرائت» برای خواندن به طور عام (قرآن و غیر قرآن) گفته می‌شود؛ ولی «تلاوت» فقط برای خواندن قرآن و کتب آسمانی به کار می‌رود.

محمود سرائب در مقاله، القرآن کریم بین القرائة و التلاوة، (مجله بقیة الله) گفته:

«فالتلاوة تعنی ملامسة الحقائق القرآنية للقلب، واحدة تلو الأخرى. لتنفذ الى الأعماق و تغرس التقوی

و الخشیة من الله اللذان هما من أهم الآداب الباطنية القلبية لتلاوة القرآن الکریم.»





ترجمه: منظور و مقصود از تلاوت لمس قلبی حقایق قرآن، یکی پس از دیگری است، تا در اعماق انسان نفوذ کند و تقوا و خشیت از خداوند را بکارد، که آن دو از مهمترین آداب باطنی و قلبی تلاوت قرآن کریم هستند.

لفظ تلاوت فقط یک بار در قرآن کریم آمده است: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۱۲۱)  
 اما این واژه به همراه مشتقات آن، ۶۱ بار در ۵۱ آیه قرآن کریم ذکر شده است.<sup>۱</sup> که عمدتاً مشتقات آن برای خواندن مطالبی به کار رفته که پیروی از مضامین آنها ضروری است.<sup>۲</sup>

### حق تلاوت

در معنای حق تلاوت، آراء نزدیکی ارایه شده؛ برخی آن را خواندن یا پیروی کردن با خضوع و خشوع، صفای اعتقاد، و بدون تغییر و تحریف قرآن دانسته‌اند؛<sup>۳</sup> و بعضی دیگر، درنگ کردن به هنگام ذکر بهشت و جهنم، طلب بهشت از خدا و پناه بردن به او از شر جهنم بیان کرده‌اند.<sup>۴</sup>  
 از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) راجع به معنای این آیه می‌پرسند. ایشان فرمودند: «[حق تلاوت یعنی] حق تبعیت در پیروی از آن».<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر این آیه می‌فرماید: «یرتلون آیاته، و یتفهّمون معانیه، یعملون بأحكامه و یرجون وعده... و إنّما هو تدبّر آیاته».<sup>۶</sup> آیاتش را به ترتیل می‌خوانند، سعی در فهم معانی آن دارند و به احکامش عمل می‌کنند... همانا (حق تلاوت) همان تدبّر در آیات است.

۱. محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم الفهرس، باب «تلو»، ص ۱۶۶

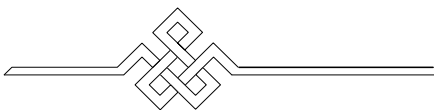
۲. مفردات القرآن، ج ۱، ماده «تلو»

۳. برگرفته از تفاسیر: میزان، نورالثقلین، نمونه و مجمع البیان.

۴. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۱۱. از قول امام صادق علیه السلام نیز نزدیک به این مضمون آمده است.

۵. میزان الحکمه، جلد ۸ صفحه ۳۳۴۰، حدیث ۱۶۵۱۸

۶. همان، حدیث ۱۶۵۱۷



### مشروعیت تلاوت ماهرانه و استادانه

شاید بعضی‌ها در مشروعیت تلاوت ماهرانه و استادانه اشکال تراشی کرده و آن را زیر سؤال ببرند. برای رد این اشکال به بیان سه حدیث اکتفا می‌کنیم:

۱. روایت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره تلاوت ابوموسی اشعری.

شیخ طوسی در «المبسوط» روایت را به این صورت نقل می‌کند: «و روی أن النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سمع عبدالله بن قیس (ابوموسی الأشعری) یقرأ، فقال: لقد أوتی هذا مزماراً من مزامیر داود. و قال ابوموسی: و قال لی رسول الله: لو رأیتنی و أنا أسمع قراءتک. فقلت: لو علمت أنك تسمعنی لحبّرتہ تحبیراً»<sup>۱</sup> ابوموسی اشعری می‌گوید: (روزی) رسول خدا به من فرمود: ای کاش مرا می‌دید که چگونه قرائت تو را می‌شنیدم! به آن حضرت عرض کردم: اگر می‌دانستم که شما تلاوت من را می‌شنوید، آن را می‌آراستم و تزئین می‌نمودم.

ثعلبی در کتاب الکشف و البیان (معروف به تفسیر ثعلبی) این روایت را این‌طور بیان می‌کند: «اما والله یا رسول الله لو علمت أنك تسمع قرائتی لحسنتُ صوتی و زدته تحبیراً»<sup>۲</sup> به خدا سوگند، ای رسول‌الله اگر می‌دانستم که شما قرائت مرا گوش می‌نمایید صدایم را زیباتر نموده و آن را بیشتر می‌آراستم.

در لسان العرب آمده است: «حبر الشيء تحبیراً: إذا حسّنه و تزین بها، و فی حدیث ابوموسی «حبرته تحبیراً» یرید تحسین الصوت.»<sup>۳</sup>

۲. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در وصف متقین فرمودند: «أما اللیل فصافون أقدامهم تالین کلام ربّهم یحبرونه تحبیراً و یرتلونه»<sup>۴</sup>

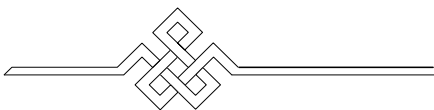
۱. امثال وهابی‌های بی‌منطق و متحجّر که بعضی تلاوت‌ها را بدعت می‌دانند.

۲. المبسوط، ج ۸، ص ۲۲۲.

۳. الکشف و البیان، ج ۴، ص ۸۵.

۴. لسان العرب، حرف حاء، باب حبر.

۵. (متقین) در شب هنگام، پاها را جفت نموده (کنایه از همت و ادب)، کلام پروردگار را به زیباترین وجه، شمرده شمرده تلاوت می‌کنند.



در همین رابطه، حسان بن ثابت در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام گفته است:

أیذهب مدحی و المحبر ضائع  
و ما المدح فی جنب الإله بضائع

صاحب بحار الانوار می گوید: «حبر الکلام أو الخط أو الشعر: حسنه و زینته»<sup>۱</sup>

۳. از رسول گرامی اسلام، روایت شده است: «الماهر بالقراءن مع السفارة الکرام البررة»<sup>۲</sup>

بعضی منظور از مهارت در قرآن را مهارت حفظ آن دانسته اند ولی برخی دیگر مانند ابن

الجوزی آن را «مهارت در قرائت» ذکر کرده اند «الماهر بالقراءن هو الحاذق بالقراءة»<sup>۳</sup>

در لسان العرب آمده است: «المهارة: الحذق فی الشئ، وفی الحدیث: «مَثَلُ الماهرِ بالقراءنِ مَثَلُ

السفرة» الماهر: الحاذق بالقرآن».

فرهنگ معین حاذق را به معنای ماهر، استاد، دانا گرفته است.

روایت های زیاد دیگری را در این باب می توان ارائه کرد؛ از جمله روایت هایی که از حسن

و زیبایی تلاوت ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً حضرت سیدالسااجدین علیه السلام نقل شده است، ولی

برای طولانی نشدن سخن به همین سه روایت اکتفا می کنیم.

### جایگاه «نبر» و «تنغیم» در آواشناسی عربی

اگر علم تجوید و آواشناسی را بررسی کنیم، دو موضوع «نبر» و «تنغیم» را می یابیم که در

رساندن مفهوم بسیار تأثیر گذارند.

با اینکه موضوع «نبر» و «تنغیم» را اکثراً موضوعی جدید و نتیجه پژوهش های علم فونتیک

می دانند که ریشه غربی دارد؛ لیکن با نگاه ژرف در درسنامه آواشناسی عربی (قرآنی) و آثار

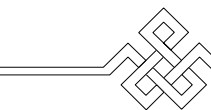
علمای قدیم زبان، می توان نشانه های آن ها را آشکارا دید.

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۷۳. در کتاب نجم السعادة مرحوم محمودی (ج ۳، ص ۴۸) این حدیث این گونه آمده است: «أما

اللَّيْلُ فصافون أقدامهم تالين أغر الكلام و أحسن النظام، یحبرونه تحبیراً و یرتلونه ترتیلاً».

۲. صحیح مسلم، صلاة المسافر، فصل الماهر فی القرآن، ص ۷۹۸.

۳. غریب القرآن، ص ۳۱۵.



ما در این نوشتار به دنبال استفاده عملی از این موضوع در قرائت قرآن و شناخت اصول آن هستیم.

### نبر (Stress)

شاید بتوان کلمه «نبر» در عربی را معادل کلمه «Stress» در زبان انگلیسی، و «Accent» در زبان فرانسه قرار داد که در فارسی معمولاً به آن «تکیه» می‌گویند.<sup>۱</sup>

زبان‌شناسان قدیم، «نبر» را در زبان عربی، ارتفاع صوت یا «همز» می‌دانستند. ابن‌النباری می‌گوید: «نبر» نزد عرب‌ها یعنی ارتفاع صوت.<sup>۲</sup>

مقایس اللغه «همز» را مترادف «غمز» و «ضعط» به معنی فشار دانسته است و می‌گوید: «همزه در بین حروف به این نام معروف شده است چون با فشار و سختی از مخرجش ادا می‌شود».<sup>۳</sup> بنابراین شاید بتوان گفت که «نبر» و «همز» در نزد گذشتگان به یک معنا بوده است. طبق تحلیل‌های زبان‌شناختی عرب، بنی‌تمیم در استفاده از «نبر» و حجازی‌ها در عدم استعمال آن مشهور بودند.

در روایتی، شخصی خدمت رسول خدا رسید و ایشان را «یا نبی‌ا الله» (همراه با نبر یا همز) خطاب کرد. رسول خدا به او فرمود «لا تنبر باسمی». اسم من را بدون نبر بگو؛ یعنی مرا «یا نبی‌الله» صدا کن.<sup>۴</sup>

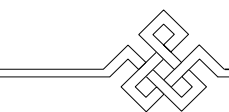
آواشناسان جدید، تعریف دیگری برای نبر یا «Stress» بیان کرده‌اند که با تعریف لغوی زبان‌دانان قدیم به «همز» متفاوت است. ولی اگر تعریف آن‌ها از «نبر» به معنای ارتفاع صوت باشد، شاید بتوان گفت نظر متأخرین و متقدمین، نقطه مشترک داشته و کمی به هم نزدیک است. دکتر ابراهیم انیس اولین دانشمند معاصر آواشناسی عربی است که «نبر» را مورد بحث قرار

۱. ابراهیم انیس، الاصوات اللغویه، ترجمه ابوالفضل علامی.

۲. لسان العرب، ماده نبر.

۳. مقایس اللغه، ماده همز.

۴. همان.



داد. وی آواشناسی عربی را با متد و نگاهی جدید، کنکاش کرد و با بررسی قرائت قاریان بزرگ معاصر خود، اصول نبر را در زبان عربی بنیان نهاد. نظریات وی تاکنون، استوار و مورد توجه آواشناسان بوده است.

او در کتاب ارزشمند خود «الاصوات اللغویة»، نبر را این گونه تعریف می کند: «نبر عبارت است از فعالیت تمامی اندام‌های گفتار در یک زمان، هنگام تلفظ هجای تکیه‌دار (نبر دار)»<sup>۱</sup>

دکتر تمام حسّان «نبر» را «وضوح نسبی یک صوت یا هجا، در مقایسه با ماندش در یک جمله یا مقطع» می داند.<sup>۲</sup>

دکتر کمال بشر بر توضیح این تعاریف می افزاید و می گوید: «هجاها در گفتار از نظر ضعف و قوت نسبت به هم دیگر متفاوتند؛ هجای نبردار، نیروی نسبتاً بیشتری از دستگاه گویش می طلبد. مثلاً اگر به کلمه «ضرب» (ض / ر / ب) توجه کنید، خواهید دید هجای اول یعنی «ض» از دو هجای دیگر، یعنی «ر / ب» تکیه یا نبر بیشتری دارد».<sup>۳</sup>

دانشمندان غربی نیز تقریباً همین تعاریف را بیان کرده‌اند؛ شاید بتوان گفت تعاریف دانشمندان آواشناسی عرب معاصر، اقتباسی از گفتار آن‌ها است.

دانیل جونز<sup>۴</sup> می گوید: متکلم، هجای نبر دار (تکیه‌دار) را با جهد بیشتری نسبت به دیگر هجاهای مجاور ادا می کند. پس نبر فعالیت ذاتی متکلم است که نتیجه آن برجسته شدن یک هجا نسبت به دیگر هجاهاست.<sup>۵</sup>

بعضی از آواشناسان غربی، درک مفهوم نبر (Stress) به معنای مذکور را توسط زبانان قدیم

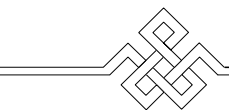
۱. آواشناسی زبان عربی، ترجمه ابوالفضل علامی، صفر سفید رو، ص ۱۵۷.

۲. مناهج البحث فی اللّغة، ص ۱۹۴.

۳. علم اللّغة العالمیة، قسم الاصوات، ص ۱۶۲.

۴. Daniel Jones

۵. دراسة الصوت اللّغوی، ص ۱۸۸.



عرب، مانند سیبویه و ابن جنی و غیره، بعید می‌دانند.<sup>۱</sup> ولی شواهد پژوهش‌های نحوی و زبانی خلاف آن را ثابت می‌کند؛ البته تعاریف آن‌ها شاید تا این حد وضوح و تمرکز را نداشته باشد. در مقابل برخی از مستشرقین مانند «بروکلمان» و «جان کانتینو» وجود «نبر» در زبان عربی را تأیید و به شناخت و درک آن توسط علمای قدیم اذعان کرده‌اند. به تبع آن‌ها دانشمندان آواشناس معاصر همچون دکتر ابراهیم انیس، رمضان عبدالنواب، عبدالصبور شاهین، احمد مختار، تمام حسان و... نیز در مؤلفاتشان به آن اشاره نموده‌اند.<sup>۲</sup>

در حقیقت شواهد زیادی دالّ بر شناخت علمای قدیم تجوید از «نبر» وجود دارد. دکتر غانم قدوری حمد در «الدراسات الصوتیه عند علماء التجوید» نقل می‌کند:

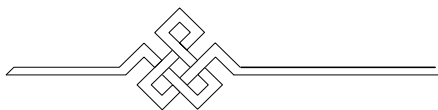
سمرقندی (ت. ۷۸۰) یکی از علمای بزرگ تجوید در قرن هشتم در قصیده (العقد الفرید) راجع به «نبر» می‌گوید:

إذا «ما» لَنفی أو لَجحد فِصوتها ار	فَعن و لَلاستفهام مَکَن و عدّلا
و فی غیر اخفض صوتها و الذی بما	شِبیة بمعناه فقسه لتفضلا
کهمز الاستفهام مع من و أن و إن	و افعال تفضیل و کیف و هل و لا

خود او در شرح آن می‌گوید: «در کلماتی مانند «ما قلت» باید صدای «ما» که نافیه است بالا رود، و اگر صوت پایین رود دانسته می‌شود که آن «ما» خبری است، و اگر متوسط (بین بین) باشد مشخص می‌شود که «ما» استفهامی است.»

لذا بعضی از علمای تجوید قدیم، «نبر» را جزء لحن خفی دانسته‌اند که شناخت آن، امری «مشافه‌ای» بوده، و شاگرد باید محل آنها را شنیداری از استاد خود فراگیرد و عملاً بر او اقراء نماید.

۱. شاده، برجستراسر و فتری فلیش، از جمله کسانی هستند که وجود نبر را در نزد علمای قدیم نحوی عرب، منتفی می‌دانند.  
 ۲. علم الاصوات بین القدماء و المحدثین، ص ۱۰۴.



### انواع بافت «هجاء» یا «Syllable» در کلمات عربی

برای شناخت محل «نبر» در کلمه ابتدا باید انواع بافت (هجای) کلمات را بشناسیم. دکتر ابراهیم انیس هجاهای عربی در یک کلمه را به پنج بافت محدود کرده است:

- ۱- «آوای ساکن + آوای لین کوتاه» مانند: (حروف متحرک) «م»
- ۲- «آوای ساکن + آوای لین کشیده» مانند: (حروف متحرک + حرف مدی) «مآ»
- ۳- «آوای ساکن + آوای لین کوتاه + آوای ساکن» مانند: (حروف متحرک + حروف ساکن) «مَن»
- ۴- «آوای ساکن + آوای لین کشیده + آوای ساکن» مانند: «مآء»  
(حرف متحرک + حرف مدی + حرف ساکن) فقط در حالت وقف پدید می آید
- ۵- «آوای ساکن + آوای لین کوتاه + آوای ساکن + آوای ساکن» مانند: «مرء»  
(حرف متحرک + حرف ساکن + حرف ساکن) فقط در حالت وقف پدید می آید

اما «دکتر مناف مهدی محمد» در کتاب «علم الأصوات اللغویه»، یک بافت دیگر به آن

اضافه کرد:

- ۶- «آوای ساکن + آوای لین کشیده + آوای ساکن + آوای ساکن» مانند: «رآد» یا «حآج» یا «جآن»  
(حرف متحرک + حرف مدی + حرف ساکن مشدد) فقط در حالت وقف پدید می آید
- او عقیده دارد دکتر ابراهیم انیس، بخاطر نادر بودن کلمات دارای این بافت، از ذکر آن چشم پوشی کرده یا از آن غافل شده است.<sup>۲</sup>

زبان‌دانان عربی و غربی برای اختصار و آسانی، رموز و نشانه‌هایی برای «آواها» قرار داده‌اند:

«C» یا «ص» ← آواهای صامت<sup>۳</sup>

«V» یا «ح» ← آواهای مصوت<sup>۱</sup> («V» یا «ح» = حرکات؛ «VV» یا «حح» = حروف مدی)

۱. تلفظ «سیلاب» در فارسی (در آمادگی یا پیش دبستان یا اول دبستان) سابقاً نیز به همین معنا به کار می‌رفت که اکنون کمتر استفاده می‌شود. و به جای آن «بخش» به کار می‌رود.

۲. علم الاصوات اللغویه، ص ۱۲۱.

۳. همان «صداهاى ساکن» و در اصطلاح فارسی «هم‌خوان‌ها» گفته می‌شوند که هنگام تولید، مخرج مشخصی در دستگاه تکلم ندارند.

با توجه به این نشانه‌ها، انواع هجا‌های شش‌گانه این گونه رمزگذاری می‌کردند:

- ۱- ص ح = cv<sup>۲</sup> مانند «مَ»  
 ۲- ص ح ح = CVV مانند «مَأَ»  
 ۳- ص ح ص = CVC مانند «مَنْ»  
 ۴- ص ح ح ص = CVVC مانند «مَاءَ»  
 ۵- ص ح ص ص = CVCC مانند «مَرَّ»  
 ۶- ص ح ح ص ص = CVVCC مانند «حَاجَّ»

برای روشن‌تر شدن مطلب، چند کلمه از آیه‌ای را با این نشانه‌ها بیان می‌کنیم:

مثال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

آواها	أَلْ / حَمْ / دُ // لَلْ / لَلْ / اِهْ // رَبِّ / بِلْ // عَا / لَلْ / مِي نْ
نوع	۳ / ۳ / ۱ // ۱ / ۲ / ۳ // ۳ / ۳ // ۴ / ۱ / ۲
رمز عربی	ص ح ص / اص ح / ص اص ح // ص ح ص / اص ح / اص ح // ص ح ص / اص ح / اص ح // ص ح ص
رمز غربی	CVVC/CV/CVV // CVC/CVC // CV/CVV/CVC // CV/CVC/CVC

لازم به تذکر است که بافت‌های «۴»، «۵» و «۶» فقط در وقف بر کلمات پدید می‌آیند و

شایع‌ترین بافت در کلمات عربی انواع «۱»، «۲» و «۳» هستند.<sup>۳</sup>

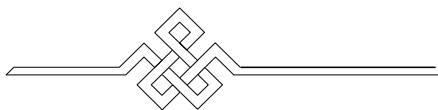
۱. همان صداهای کوتاه (حرکات) و کشیده (حروف مدی) هستند که در فارسی به آنها «واکه‌ها» گفته می‌شود. مصوت‌ها، صدای مجهوری هستند که مخرج مشخصی ندارند. در فضای دهان و حلق تولید می‌گردند و فقط می‌توانند همراه با آوای صامت، تولید شوند.

در عربی نام‌های دیگری نیز برای آوای صامت و مصوت گفته شده‌است؛ مانند «طلیق» و «حبیس». اما شاید بهترین آنها حروف «جامده» و «ذاتیه» باشد که دکتر غانم قدوری الحمد، در کتاب خود، «الدراسات الصوتیه عند علماء التجوید»، با پژوهش در آثار زبان‌دانان قدیم عرب، آنها را برگزید. در فارسی نیز می‌توان دو اصطلاح حروف «سخت» و «روان» را برای آنها به کار برد.

۲. حرف «c» از اول کلمه «Consonne» به معنای آوای صامت، و حرف «v» از اول کلمه «Voyelle» به معنای آوای مصوت گرفته شده‌است.

۳. الاصوات اللغویة، ص ۱۶۴؛ مناهج البحث فی اللّغة، ص ۱۷۳.





کلمات عربی، شامل حداقل یک و حداکثر هفت هجا هستند!

کلمات تک هجایی:

«CV» مانند: «و، ف، ل، ل، ل، ب» که همه از حروف عطف، یا جر، یا از این قبیل هستند.

«CVV» مانند: «نی، یا، ذو و...»

«CVC» مانند: «کم، عن، من، لو، هل، بل و...»

کلمات، معمولاً از تکرار این هجاها تشکیل می‌شوند:

مثال اول: CV افعال ثلاثی مجرد ماضی «کتب» ⇨ «CV/CV/CV»

مثال دوم: CVV «نوحیها» ⇨ «CVV/CVV/CVV»

مثال سوم: CVC «ذکر» ⇨ «CVC/CVC»

مثال چهارم: آمیخته از انواع گذشته «سمیع علم» ⇨ «CVC/CVV/CV/CVC/CVV/CV»

مثال پنجم: کلمات بلند «فسیخفیکهم» ⇨ «CV/CV/CV/CVV/CVC/CV/CV»

### نبر در زبانهای دیگر دنیا

در بعضی از زبانها «نبر»، خود، یک «واج»<sup>۲</sup> (آوا) به شمار می‌آید. و در معنای بعضی از کلمات تأثیرگذار است. مثلاً در زبان انگلیسی کلمه «Import» اگر نبر در هجای اول باشد، اسم؛ و اگر در هجای دوم باشد تبدیل به فعل می‌گردد. کلمات دیگر می‌مانند «Subject · Permit · Convert · Contract» نیز از این قبیل‌اند.<sup>۳</sup>

«نبر» در وجه دلالتی نیز تأثیرگذار است؛ مثلاً کلمه «August» که بر ماه «آگست» و یا اسم علم دلالت دارد، اگر «نبر» آن از هجای اول به هجای دوم منتقل شود، بر صفت «جلیل و باهیت»

۱. حداقل در کلماتی مانند: حروف عطف «ف» یا «و» که یک هجا دارند. حداکثر در کلماتی مانند: «فسیخفیکهم» که دارای ۷ هجا هستند.

۲. (Phoneme) فونیم؛ به معنای، واج، واگ، حرف صوتی و آوا.

۳. مبادئ اللسانیات، ص ۱۶۳.



دلالت می‌کند و معنای آن تغییر می‌یابد.<sup>۱</sup>

بعضی زبان‌ها، قانونی مشخص در مواضع «نبر» دارند، به این معنا که «نبر» در هجای معینی از همه کلمات واقع می‌شود. فنلاند، چک و لهستان از جمله کشورهایی هستند که این چنین زبانی دارند. مثلاً لهستانی‌ها بر هجای دوم (از انتهای) کلمه «نبر» می‌دهند.<sup>۲</sup>

زبان انگلیسی مکان معینی برای «نبر» ندارد و طبق نیاز هر کلمه و مفهوم آن، مکان «نبر» تغییر می‌کند. اما فرانسوی‌ها مکان ثابتی برای «نبر» دارند. آنها بر هجای آخر مجموعه کلمات (نه یک کلمه) «نبر» می‌دهند.<sup>۳</sup> لذا وقتی فرانسوی‌ها، انگلیسی صحبت می‌کنند و طبق عادت خود بر انتهای کلمات (یا جمله) تکیه می‌کنند، در انگلیسی‌ها نوعی بیگانگی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود رغبتی به هم کلام شدن با آنها نکنند. البته ممکن است این امر در کشورها و زبان‌های دیگر هم رخ دهد.

این نکته نیز گفتنی به نظر می‌رسد که در مرور زمان و طی قرن‌ها، دگرگونی‌هایی بر آوای زبان‌ها به وجود می‌آید که منجر به تغییر مفهوم کلمات و جملات می‌گردد. یکی از عوامل تأثیرگذار «نبر» است که با انتقال جایگاه آن در هجاهای کلمات می‌تواند در این دگرگونی دخیل باشد.

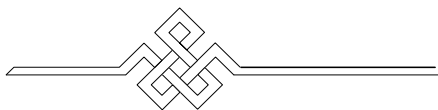
دکتر ابراهیم انیس از اولین کسانی است که در کتاب «الأصوات اللغویة» به این مسأله اشاره کرده است. او طی تحقیقاتی در قرائت قاریان دوران خود در مصر مشاهده کرد، که نبر در کلام آنها تابع قانونی است و به ندرت از آن تخلف می‌کنند. البته او اذعان می‌کند: «جایگاه‌های تکیه (نبر) در دیگر گویش‌های جدید مصری، تابع قوانین دیگری است. برای مثال مشاهده می‌شود که بعضی از اهالی صعید مصر با مردم قاهره در محل تکیه (نبر) روی هجاهای کلمات قرآن، اختلاف

۱. دراسة الصوت اللغوی، ص ۱۸۸.

۲. علم الاصوات اللغویة، ص ۱۲۷.

۳. علم الاصوات بین القدماء و المحدثین، ص ۱۰۱.

۴. علم الاصوات اللغویة، ص ۱۲۷.



دارند.<sup>۱</sup>

قبل از بیان حالت‌های «نبر»، تذکر چند نکته ضروری است:  
نکته اول: شمارش هجاها از آخر کلمه به اول کلمه صورت می‌گیرد. (از چپ به راست)  
مثال:

«نَسْتَعِين» ⇐ «نَس / تَ / عِين» ⇐ هجای اول: «عِين»، هجای دوم: «تَ»، هجای سوم: «نَس»  
«كَانَ» ⇐ «كَانَ» ⇐ هجای اول: «نَ»، هجای دوم: «كَانَ»

نکته دوم: حروفی که در رسم‌الخط مصحف وجود دارند ولی تلفظ نمی‌شوند، جزء هجاها به حساب نمی‌آیند.

مثال:

«ءَامَنُوا» ⇐ «ءَا / مَ / نُوءُ»<sup>۲</sup> ⇐ « CVV / CV / CVV »

و بر عکس آن حروفی که در رسم‌الخط نگاشته نشده ولی در تلفظ موجودند، جزء هجا قرار می‌گیرند.

مثال:

«نُنْجِي»<sup>۳</sup> ⇐ «نُنْ / جِي» ⇐ « CVV / CVC »  
«سَمِيعًا» ⇐ «سَ / مِ / عِنْ» ⇐ « CVC / CVV / CV »

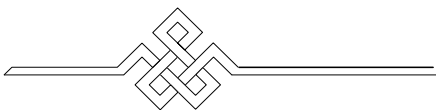
### حالت‌های نبر در کلمه

این بحث در اکثر کتاب‌های آواشناسی کمی پیچیده و گنگ است؛ ولی ما می‌خواهیم آن را بسیار ساده و قابل فهم، بیان کنیم:  
«نبر» در کلمه بیش از دو حالت ندارد:

۱. الاصوات اللغوية، ص ۱۵۹.

۲. منظور «الف» و او جماعت است که نوشته شده اما تلفظ نمی‌شود.

۳. انبیاء: ۸۸



حالت اول:

به هجای «اول» (یعنی همان هجای آخر کلمه) می‌نگریم؛ اگر از نوع «۴» یا «۵» یا «۶» باشد محل نبر در همان هجا است. (منظور «CVVC» و «CVCC» و «CVVCC» است.)<sup>۱</sup>

مثال: «نستعین» (در وقف) ⇨ «نَسْ / تَ / عِینُ» ⇨ «CVVC / CV / CVC»

محل «نبر» در هجای «عین» است.

«مُسْتَقَرَّ» (در وقف) ⇨ «مُسُ / تَ / قَرَّ» ⇨ «CVCC / CV / CVC»

محل «نبر» در هجای «قَرَّ» می‌باشد.

حالت دوم:

اگر هجای «اول» (یعنی همان هجای آخر کلمه) از نوع «۱» یا «۲» یا «۳» باشد، محل «نبر» در هجای قبلش است.

مانند:

«کامل» ⇨ «کَا / مَلُ» ⇨ «CVC / CVV» ⇨ محل نبر در «کا» می‌باشد.

«صِرَاطُ» ⇨ «صِ / رَاُ / طُ» ⇨ «CV / CVV / CV» ⇨ محل نبر در «را» می‌باشد.

تبصره ۱: در این حالت اگر هجای «دوم» از نوع «۱» باشد، باید به هجای «سوم» نگاه کنیم، در

صورتی که هجای «سوم» هم از نوع «۱» باشد هجای «سوم» محل نبر خواهد بود.

مانند:

«سَمِعَا» ⇨ «سَ / مِ / عَا» ⇨ «CVV / CV / CV» ⇨ محل نبر در «س» می‌باشد.

«كَتَبَ» ⇨ «كُ / تَ / بَ» ⇨ «CV / CV / CV» ⇨ محل نبر در «ک» می‌باشد.

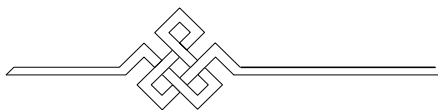
«إِجْتَمَعَ» ⇨ «إِجُ / تَ / مَ / عَ» ⇨ «CV / CV / CV / CVC» ⇨ محل نبر در «ت» می‌باشد.

تبصره ۲: اگر هجای «دوم» از نوع «۱» باشد و هجای «سوم» هم از نوع «۱» باشد و هجای

«چهارم» هم از نوع «۱» باشد، محل «نبر» از هجای «سوم» به هجای «چهارم» می‌رود. فقط در این

حالت است که نبر به هجای چهارم تعلق می‌گیرد و این نوع کلمات نادرند.

۱. همان‌طور که بیان شد، این سه نوع فقط در حالت وقف رخ می‌دهند.



مثال: « سَمَكَةٌ » ⇔ « سَ / مَ / كَ / تُنْ » ⇔ « CVC/CV/CV/CV »

محل «نبر» در «س» می‌باشد.

« عَلِمَةٌ » ⇔ « عَ / لَ / مَ / هُ » ⇔ « CV/CV/CV/CV »

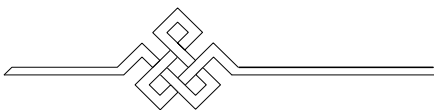
محل «نبر» در «ع» می‌باشد.

### خلاصه‌ای از مواضع «نبر» در کلمات عربی

محل نبر در هجاها				مثال	کلمات
اول	دوم	سوم	چهارم		
<input checked="" type="checkbox"/>				مَنْ، مَا، لَأَ	یک هجایی‌ها
	<input checked="" type="checkbox"/>			قَاتِلُ، كَاتِبُ	دو هجایی‌ها
		<input checked="" type="checkbox"/>		كَتَبَ، عَمِلَ	سه هجایی‌ها: فعل ثلاثی مجرد
	<input checked="" type="checkbox"/>			يَكْتُبُ، يَعْمَلُ	سه هجایی‌ها: مضارع ثلاثی مجرد
	<input checked="" type="checkbox"/>			بَيَّانُهُ	چهار هجایی‌ها: بر وزن فعاله
	<input checked="" type="checkbox"/>			مَكْتُوبٌ	بر وزن مفعول
		<input checked="" type="checkbox"/>		إِسْتَرْقَ	بر وزن افتعل
<input checked="" type="checkbox"/>				نَسْتَعِينُ، مُسْتَقَرٌّ، حَاجٌّ	هجای اول از نوع «۴ یا ۵ یا ۶»
	<input checked="" type="checkbox"/>			إِسْتَفْهَمَ (در وصل)	هجای اول از نوع «۱ یا ۲ یا ۳» هجایی قبل، از نوع «۱» قبلش «۲ یا ۳»
		<input checked="" type="checkbox"/>		عَنْبٌ (در وصل)	هجای دوم «۱» و قبلش «۱» سه هجایی
		<input checked="" type="checkbox"/>		إِنْكَسَرَ (در وصل)	هجای دوم «۱» و قبلش «۱» چهار هجایی
			<input checked="" type="checkbox"/>	سَفَرَةٌ (در وصل)	هجای دوم، سوم و چهارم از نوع «۱»

توجه: حرف آخر کلمات اگر بر اثر وقف ساکن شود در محل نبر تأثیر می‌گذارد.

مثال: « نَأْكُلُ » ⇔ « نَأَ / كُ / لُ » ⇔ « CV/CV/CVC »



در وصل، محل «نبر» در هجای دوم یعنی « کُ » می‌باشد، اما در وقف که حرف آخر کلمه، ساکن می‌شود:

« نَأْكُلُ » ⇔ « نَأُ / كُْلُ » ⇔ « CVC/CVC »

محل «نبر» در هجای دوّم یعنی «نَأُ» می‌باشد.

به همین ترتیب: « مَدَيْنَ »، « مَدَيْنُ »

« كَتَبَ »، « كَتَبْتُ »

تذکر: احکام تجویدی از قبیل مخارج، صفات و احکامی مانند ترقیق، تفخیم، مد، اخفاء، ادغام (غیر از ادغام کبیر) تغییری در محل «نبر» ایجاد نمی‌کنند.

### آسیب‌های معنایی به سبب اشتباه در محل «نبر»

فایده عملی بحث از «نبر» به این موضوع برمی‌گردد. با تشخیص غلط محل «نبر» در بعضی از کلمات، ممکن است معنای کلمه تغییر یابد یا به کل، نامفهوم شود.

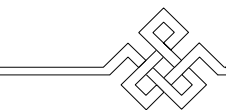
### آسیب اول

اگر قبل از کلمه، یکی از حروف زائد، مانند: «و»، «ف»، «ال» و... وجود داشته باشد، آن حرف جزء هجاهای کلمه به حساب نمی‌آید. مانند: «وَسَعَى» که باید نبر بر «س» باشد؛ اگر به اشتباه «و» را جزء کلمه بدانیم، محل نبر روی «و» قرار می‌گیرد که باعث تغییر معنا می‌شود؛ چرا که اصل این کلمه از «سعی و تلاش» بوده‌است که با نبر غلط به معنای وسعت و گستردگی (وَسَع) تبدیل می‌شود. مثال‌های دیگر:

- در کلمه «لَمَعَ» نبر در حرف «م» صحیح است و به معنای «معیت» یعنی «همراه بودن» می‌باشد؛ ولی اگر نبر «لَمَعَ» را در حرف «ل» انجام دهیم، معنای کلمه به «درخشندگی» تبدیل می‌شود.

۱. «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا»، (اسراء: ۱۹)

۲. «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، (عنکبوت: ۶۹)



- کلمه «فَسَقَى» از خانواده «سقایت» یعنی آب دادن است که نبر آن طبق قواعد گفته شده «س» می‌باشد، اما اگر بر حرف «ف» منتقل شود، به معنای «فسق» تغییر می‌کند.  
 - «فتری» به معنای «پس می‌بینی» و از ریشه «دیدن» است، طبق قواعد مذکور در کلمه «تری» (ت/رأ) نبر این کلمه در هجای دوّم یعنی «ت» می‌باشد و اگر به اشتباه «فاء» را نیز جزء کلمه حساب کنیم (ف/ت/رأ) طبق قواعد مذکور، نبر در هجای سوّم یعنی «ف» قرار می‌گیرد که معنای کلمه را کاملاً تغییر داده و به اشتباه «فتور» یعنی سست شدن، معنا می‌دهد.  
 کلمات زیادی را از این قبیل می‌توان ذکر کرد که اگر محل «نبر» آن را به درستی پیدا نکنیم، می‌تواند تبدیل معنا یا بی‌معنا شدن کلمه را به همراه داشته باشد، مانند:

✓ «فَقَدَ» ⇨ پس به تحقیق؛	✗ «فَقَدَ» ⇨ گم کرد.
✓ «اَلْسَعَى» ⇨ او سعی کرد؛	✗ «اَلْسَعَى» ⇨ گزیدن، نیش زدن.
✓ «اَمَّنْ» ⇨ چه کسی؛	✗ «اَمَّنْ» ⇨ ایمن شد، آمین گفت.
✓ «اَلْمَ عِنْدَكَ» ⇨ آیا نداری؛	✗ «اَلْمَ عِنْدَكَ» ⇨ درد داری.

### آسیب دوم

بی‌دقتی در مواضع «نبر»، گاهی دو کلمه مجزا را به یک کلمه تبدیل می‌کند:

«أَوْكَمْ» = «آیا نه؟»	⇨ «أَوْكَمْ» = «آیا تنگ پالان» <sup>۳</sup>
«بَلْ هُمْ» = «بلکه آنها»	⇨ «بَلْ هُمْ» = «غفلتشان»
«يَوْمَ هُمْ» = «روزی که آنها»	⇨ «يَوْمَ هُمْ» = «روزشان»

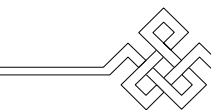
### تذکره:

در قرآن به کلماتی برمی‌خوریم که گاهی سرهم (متصل)، و گاهی جدا (منفصل) نوشته

۱. «فَسَقَى لُهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ»، (قصص: ۲۴)

۲. «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»، (مانده: ۵۲)

۳. «وَكَمْ» به معنای «تنگ پالان» یا «پالان تنگ قاطرها است».



می‌شوند، که آنها را در مبحث موصول و مفصول در علم رسم المصحف بررسی می‌کنند. ما در صدد استقصای این بحث و ارائه کل کلمات نیستیم؛ ولیکن از آنجا که مفصول یا موصول بودن آنها ممکن است باعث توهم قاریان شده و آنها را در تشخیص محل «نبر» با مشکل مواجه سازد، به اختصار، این موضوع را بیان می‌کنیم.

این گونه کلمات به دو نوع تقسیم می‌شوند!

۱. کلماتی که به علت رابطه صوتی (ادغام)، متصل نوشته شده‌اند.
۲. کلماتی که بدون رابطه صوتی، متصل نوشته شده‌اند.

### نوع اول:

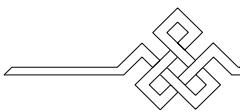
- « أَلَا » به صورت موصول، و یک مرتبه مفصول: « أَنْ لَأَ »
- « مِمَّا » به صورت موصول، و ۳ مرتبه مفصول: « مِنْ مَا »
- « عَمَّا » به صورت موصول، و یک مرتبه مفصول: « عَنِّ مَا »
- « إِمَّا » به صورت موصول، و یک مرتبه مفصول: « إِنْ مَا »
- « فِإِلْمَ » یک مرتبه موصول، و یک مرتبه مفصول: « فِإِنْ لَمَ »
- « أَلَنْ » « أَلَوْ » دو مرتبه موصول، و باقی موارد مفصول: « أَنْ لَنْ » « أَنْ لَوْ »
- « أَمَّنْ » « أَمَّا » به صورت موصول، و ۴ مرتبه مفصول: « أَنْ مَنِّ » « أَنْ مَا »

### نوع دوم:

- « فِيمَا » به صورت موصول، و ۱۱ مرتبه مفصول: « فِي مَا »
- « كَلَّمَا » به صورت موصول، و دو مرتبه مفصول: « كُلِّ مَا »
- « أَيْنَمَا » به صورت موصول، و ۳ مرتبه موصول: « أَيْنَمَا »
- « لَبِئْسَ مَا » به صورت مفصول، و ۳ مرتبه موصول: « بئسَ مَا »
- « إِنَّمَا » به صورت موصول، و یک مرتبه مفصول: « أَنْ مَا »

۱. غانم قدوری الحمد، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری.





- «لکیلا» ۴ مرتبه موصول، و ۳ مرتبه مفصول: «لکی لا»
- «یا بن أم» یک مرتبه مفصول، و یک مرتبه موصول: «یبنؤم»
- «فمال» ۴ مرتبه مفصول، و در باقی موارد «لام» به کلمه بعدی وصل شده است. «فمالهؤلا»

دانشمندان زبان عربی راجع به این که چرا این حروف در رسم المصحف گاهی وصل (موصول) و گاهی جدا از هم (مفصول) نگاشته شده اند، دلایل و نظریات مختلفی ارائه داده اند. شاید جامع ترین بحث راجع به این موضوع را دکتر غانم قدوری در کتاب «رسم المصحف» بیان نموده.

آنچه برای ما اهمیت دارد، آن است که اگر طبق رسم المصحف، حروف وصل شده را یک کلمه بدانیم یا این که آن را به صورت مفصول، دو کلمه حساب کنیم، «نبر» متفاوتی خواهد داشت.

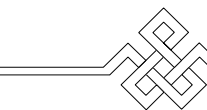
مثلاً اگر کلمه «أین ما» را مفصول در نظر بگیریم، خواهیم داشت: «أین/ن» + «ما»، یعنی دو محل «نبر»؟

اما اگر آن را یک کلمه به صورت موصول (أینما) فرض کنیم، خواهیم داشت: «أین/ن/ما»، در این صورت فقط یک هجای آن دارای «نبر» خواهد بود و آن «ن» است. باقی کلمات نیز به همین ترتیب، این مشکل را دارند.

این موضوع احتیاج به بررسی و پژوهش بیشتری دارد و خود می تواند موضوع یک مقاله یا پایان نامه باشد.

آنچه را می توان از کتاب های آواشناسی و مقالات موجود در این زمینه به دست آورد، این گونه خلاصه می شود:

- ۱- کلماتی که مرکب از دو حرف آحادی (تکی) و ضمیر هستند، مانند: «فلهم، ولکم، ألكم، فبهم و ولهم» بدون احتساب حرف اول (حرف عطف)، «نبر» روی هجای «دوم» قرار می گیرد.
- ۲- تمام حروفی که قبل از «ما» می آیند و اغلب با آن ترکیب می شوند، مانند: «أنا، إنما، ممّا،



عَمَّا، إِمَّا، كَلَّمَا، فِيمَا؛ چون «ما» نافیه نیست، بهتر است دو حرف را یک کلمه واحد حساب کنیم و طبق قاعده، فقط یک «نبر»، آن هم در هجای دوم آن قرار گیرد.<sup>۱</sup>

۳- در «أَلَّا» که معمولاً ترکیبی است از «أَنَّ» و «لَا»ی نافیه یا ناهیه، بهتر است علاوه بر «نبر» خودش، «لَا» به طور جداگانه «نبر» داشته باشد تا تأثیر نفی و نهی آن مشخص باشد. در کلمه «لِکَلِّیَا» نیز که ۴ مرتبه موصول و ۳ مرتبه مفصول آمده است، همان گونه عمل می شود.

۴- در کلماتی مانند «أَمَّنْ»، «أَلَّنْ» یا «فِأَلْمْ»، چه مفصول باشد و چه موصول، بهتر است آنها را دو کلمه حساب کنیم و برای هر یک «نبر» جداگانه ای قرار دهیم. زیرا «لَنْ» و «لَمْ» فقط برای نفی به کار می روند و «مَنْ» اسم استفهام به معنای «چه کسی؟» است. که اگر این کلمه را مفصول ندانیم و تنها با یک «نبر» بخوانیم، با «أَمَّنْ» به معنای «آمین گفت» اشتباه گرفته می شود.

### آسیب سوم

بی دقتی در مواضع نبر، گاهی یک کلمه را تبدیل به دو کلمه می کند.

مثال اول: «مِنْکُمْ» ⇔ «مِنْ / کُمْ» نبر آن فقط در هجای دوم (از آخر) است. ولی وقتی نبر را در «کُمْ» اجرا کنیم، این کلمه به دو کلمه «مِنْ» و «کُمْ» تبدیل می شود که غلط است.  
مثال دوم: «یَوْمَهُمْ» ⇔ «یَوْمَ / هُمْ» «نبر» فقط در هجای دوم یعنی «مَ» می باشد و اگر بر «هَمْ» نیز «نبر» دهیم، این کلمه را به دو واژه «یَوْمَ» و «هَمْ» تبدیل کرده ایم و معنای صحیح «روزشان» به معنای غلط «روزی که آنها» تغییر می کند.

مثال سوم: «رَبَّنَا» ⇔ «رَبِّ / بَ / نَا» «نبر» باید در هجای دوم، یعنی «بَ» باشد. اما اگر نبر را بر «نا» بگذاریم، این کلمه به دو کلمه تبدیل می شود و نامفهوم می گردد.

مثال چهارم: «رَأَوْهُمْ» ⇔ «رَأَوْ / هُمْ» نبر در هجای دوم است. اگر این کلمه را به دو کلمه «رَأَوْ» و «هَمْ» تبدیل کنیم، معنای آن کاملاً تغییر می کند. «وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا» یعنی «اگر آنها را دیدند می گویند». اما «وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا» یعنی «اگر بینا شدند، خودشان می گفتند»

۱. البته بعضی ها، کلمات معدودی را طبق نظر خود استننا کرده اند. (محمد بن مصطفی الکیل، مبحث النبر فی القرآن الکریم)



مثال پنجم: «ما لها» اگر فقط نبر در «لها» باشد، این دو کلمه یک کلمه شمرده می‌شوند.  
 «ما لها» به معنای «آن را چه شده»، «ما» اسم استفهام و در محل رفع ابتدا و «لها» متعلق به خبر محذوف «ما». در حالی که اگر یک نبر دهیم، به معنای «آنچه (از اموال) دارد» تبدیل می‌شود

### آسیب چهارم

کلماتی که تغییر محل «نبر» در آنها، دو اعراب، دو ترجمه یا دو تفسیر ایجاد می‌کند.  
 مثال اول: «لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ»<sup>۱</sup>  
 تفسیر اول: اگر «ما» در اینجا موصوله باشد، ترجمه آن، چنین می‌شود: «تا از میوه آن و آنچه دستشان ساخته است، بخورند. پس سپاس نمی‌گذارند؟»<sup>۲</sup>  
 تفسیر دوم: اگر «ما» نافیه باشد، ترجمه این گونه می‌گردد: «تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است، آیا شکر خدا را به جا نمی‌آورند؟»<sup>۳</sup>  
 لذا برای تبیین تفسیر اول، باید نبر را بر واو قرار دهیم: «وَمَا»؛ و برای تبیین تفسیر دوم، «ما» را با فشار زیاد «نبر» می‌دهیم.

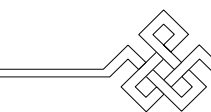
مثال دوم: «و إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطفّفين: ۳)  
 بعضی‌ها «کالوهم» و «وزنوهم» را دو کلمه دانسته‌اند یعنی: «کالوا» + «هم» همچنین «وزنوا» + «هم». و بعضی‌ها هر کدام را یک کلمه.  
 از قرآء سبعة، حمزه، آن را دو کلمه قلمداد می‌کرد و معنای آن را «هم إذا کالوا أو وزنوا یخسرون»، می‌دانست؛ اما کسانی آن را یک کلمه و به معنای «کالوا لهم و وزنوا إلیهم» بیان می‌کرد.  
 بیشتر لغویون عرب، «هم» را ضمیر تأکید بر «واو» جمع برشمرده‌اند و نبود «الف» جمع در کلمه را بهترین دلیل بر صحت نظرشان می‌دانند.<sup>۴</sup>

۱. یس: ۳۵

۲. ترجمه‌های: معزی، مشکینی، انصاریان، آیتی، الهی‌قمش‌های، تفسیر المیزان، روشن، خواجوی، روان‌جاوید و فولادوند.

۳. ترجمه‌های: مکارم، اشرفی، بروجدی، تفسیر آسان، روض الجنان، شعرانی، مجتبی، تفسیر التبیان.

۴. محمد خلیل الزروق، الوقف الصرفی، ص ۲۴۷.



محل «نبر» در اینجا می‌تواند نشانه‌ی برگزیدن هر کدام از اقوال باشد و به وسیله آن می‌توان معنای صحیح آیه را تبیین کرد.

### تنغیم «Intonation»

دکتر ابراهیم انیس اولین کسی از عرب‌زبان‌ها بود که در کتابش «الأصوات اللغویة» به «تنغیم» اشاره‌ی مختصری کرد و بعد از او شاگردانش به طور گسترده‌ای در این زمینه پژوهش کردند. البته نحوین بزرگی مانند ابن جنی، ابن یعیش، الرمانی، زرکشی و... قرن‌ها قبل به این موضوع اشارات مستقیم و غیرمستقیمی کرده‌اند.

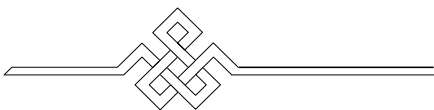
دکتر غانم قدوری در مورد آشنایی علمای قدیم با «تنغیم» می‌گوید:  
از اموری که آواشناسان جدید زبان عربی نفهمیده‌اند این است که علمای تجوید (قدیم) وجود «تنغیم» را درک و نمونه‌های آنرا شناخته‌اند، که بعضی اصطلاح «نغمه» و بعضی «ارتفاع و فرود صوت» را برای آن بکار برده‌اند، و آن همان معنای «تنغیم» نزد آواشناسان جدید می‌باشد.  
اما دانشمندان آواشناس غربی در باب تنغیم یا همان «آهنگ گفتار»، بحث و پژوهش‌های زیادی داشته‌اند. و به تبع آنها آواشناس عربی تعریف‌های مختلفی از تنغیم نموده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌نمایم:

تمام حسان آن را این طور تعریف کرده‌است: «النغم اصطلاحاً: هو ارتفاع الصوت و انخفاضه اثناء الکلام»<sup>۱</sup>  
دکتر احمد محمد قدور: «دادن نغمات معینی (Tones) به کلام که از اختلاف درجه صوتی (Pitch) ناشی می‌شود.»<sup>۲</sup>

در مجموع می‌توان «تنغیم» را اینطور تعریف کرد: بالا و پائین بردن صوت و دادن نغمات معینی به کلام به صورتی که یک جمله، مفاهیم مختلفی را تداعی کند.  
تنغیم در شناخت نوع جملات بسیار مؤثر است؛ تشخیص سؤالی، خبری، تعجبی یا... بودن

۱. مفاهیم البحث فی اللغة، ص ۱۴۶

۲. مبادئ اللسانیات، ص ۱۶۶



جمله. جمله‌ای مانند: «علی به مشهد رفت.» را می‌توان با «تنغیم» مختلفی بیان کرد که هر کدام تداعی‌کننده مفهوم خاصی باشد.

با استفاده هنرمندانه از تنغیم، می‌توان معنا و مفهوم آیات و جملات قرآن کریم را، آن چنان که مقصود است، به شنوندگان القا کرد که این توانایی از لوازم تلاوت استادانه است.

مثال اول: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ»<sup>۱</sup>

بعضی از مفسرین «تبغی» را در تقدیر، «آبتغی» به صورت استفهامی دانسته‌اند.<sup>۲</sup> که می‌توان با استفاده استادانه از «تنغیم» این معنا را به شنوندگان رساند.

مثال دوم: «قَالُوا يَا أَبَانَا مَا تَبْغِي هَذِهِ بَضَاعَتَنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا»<sup>۳</sup>

عده‌ای «ما» را استفهامی می‌دانند که معنا این گونه می‌شود: «پدر، ما دیگر چه می‌خواهیم؟»<sup>۴</sup> ولی گروهی دیگر گفته‌اند «ما» می‌تواند نافی باشد و به معنی «پدر، ما دیگر چیزی نمی‌خواهیم»<sup>۵</sup> در آید. که به وسیله «تنغیم» می‌توان مفهوم مورد نظر را منتقل کرد.

در بعضی اشعار فارسی و عربی این «تنغیم» است که مقصود را مشخص می‌کند:

آن یکی شیر است کادم می‌خورد      آن یکی شیر است کادم می‌خورد

چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت      چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت<sup>۶</sup>

در این ابیات از جناس تام استفاده شده است که به آن «ترصیع مع التجنيس» گویند. تنها وجه تشخیص آنها، تکیه و آهنگ کلام یا همان «تنغیم» است.

بعضی از دانشمندان آواشناسی عرب عقیده دارند رابطه محکمی بین «نبر» و «تنغیم» وجود

۱. سوره تحریم: آیه ۱

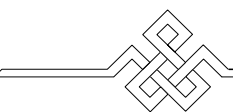
۲. علم اللغه العام، ص ۵۴۴.

۳. سوره یوسف: آیه ۶۵

۴. ترجمه آیت الله مکارم.

۵. علم الاصوات بین القدماء والمحدثین، ص ۱۱۵.

۶. ابیات مشهوری منسوب به مولوی.



دارد. آنها «نبر» را واکنش صوتی (فشار) در هجای یک کلمه، و «تنغیم» را فراز و فرود (فشار) در کلمات و آهنگ یک جمله می‌دانند.<sup>۱</sup>

### جایگاه «نبر» و «تنغیم» در مسابقات قرائت قرآن کریم

قطعاً رعایت صحیح «نبر» و «تنغیم» در نمایان شدن میزان استادی و تسلط قاری در مسابقات، موضوع مهمی است. که با توجه به پیشرفت سطح داوری در سال‌های گذشته این موضوع تا اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفته و در آیین‌نامه برای آن جایگاهی پیش‌بینی شده است. پرسش اینجاست که آیا میزان امتیاز و جایگاه آن در آیین‌نامه واقعی و صحیح است؟ ظاهراً این موضوع، خود احتیاج به مقاله‌ای جداگانه و مفصل دارد؛ اما برای تکمیل و شمولیت موضوع اشاره مختصری به آن می‌کنیم:

صوت انسانی دارای دو بعد استخدای است که البته باهم ارتباط وثیقی دارند:

۱. تولید آواهای کلامی (الصوت اللغوی)

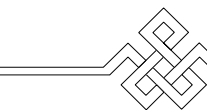
۲. تولید موسیقی کلامی (الصوت الموسیقی)

با توجه به مطالبی که در فصل‌های گذشته عرض کردیم، منظور از تولید آواها همان حروف و کلمات است، و منظور از تولید موسیقی کلامی، قرار دادن حروف و کلمات در قالب ملودی، نغمات و دستگاه‌های لحنی می‌باشد. که هر دو نشأت گرفته از صدای انسان است.

دانشمندان علم آواشناسی (الاصوات اللغویه) مانند: دکتر ابراهیم انیس، احمد مختار عمر، تمام حسان، غانم قدوری الحمد، احمد قدور و... «نبر» و «تنغیم» را در مبحث مخارج و صفات که مربوط به تولید آواها و جنبه لغوی دارد، مطرح نموده‌اند. همچنین بعضی علمای تجوید قدیم (همانطور که ذکر شد) آنها را جزء لحن خفی برشمرده و مورد بررسی قرار داده‌اند.

۱. علم الأصوات بین القدماء والمحدثین، ص ۱۱۲.

۲. لحن یا ملودی در موسیقی به معنای توالی چند نت است که به گوش شنونده احساس آغاز و پایان داشتن این سلسله از نت‌ها را می‌دهد. لحن، آن بخش از یک قطعه موسیقی است که به آسانی در یاد می‌ماند و می‌توان آن را زمزمه کرد یا با سوت نواخت.



دانشمندان علم موسیقی کمتر موضوع «نبر» و «تنغیم» را مطرح کرده‌اند. شاید به «تنغیم» که ارتباطی نسبی با موضوع موسیقی و نغمات دارد، بعضی‌ها اشاره‌هایی داشته‌اند. البته اساتید «صوت و لحن» معاصر بصورت اجمالی به آنها پرداخته‌اند، لیکن اشارات آنها قابل قیاس با پژوهش‌های وسیع آواشناسان نیست.

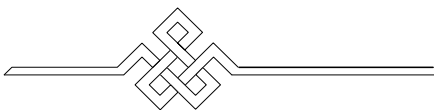
در هر حال با توجه به حساسیت و اهمیت داوری، همچنین گستره وظایف داوران و توانایی آنها، به نظر می‌رسد از آنجا که «نبر» راجع به تکیه صوتی یک مقطع از حروف کلمه است، و خلل در آن گاهی موجب اشکال معنایی و فصاحتی می‌گردد، از سوی دیگر این موضوع همانطور که عرض شد، جزء درسنامه آواشناسی و تجوید بوده، و معمولاً باید اساتید و داوران تجوید بر آن مسلط باشند. لذا بهتر است در مسابقات قرائت قرآن کریم، در قسمت «فصاحت» و توسط داور تجوید محاسبه گردد.

اما با اینکه «تنغیم» هم به نوعی مانند «نبر» بر معنا تأثیر گذار است، ولی با توجه به ارتباط و همگونی با موسیقی کلام و صوت لحن می‌تواند در قسمت لحن (نغمات) داوری و محاسبه شود.

### خاتمه

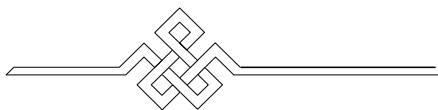
- در مفهوم «قرائت»، اغلب جنبه «کمی» مطرح است؛ ولی در «تلاوت» بیشتر جنبه «کیفی» مد نظر می‌باشد. لذا هر «تلاوت» می‌تواند «قرائت» باشد؛ اما عکس آن صحیح نیست.
- «تلاوت» بر غیر، به صورت ماهرانه و استادانه، با توجه به آیات و روایات، نه فقط مشروعیت دارد، بلکه ممدوح است.
- تشخیص صحیح محل «نبر» در کلمات نیازمند شناخت انواع هجاء و بافت آنها است.
- ملاک تشخیص هجاها در کلمات، تلفظ آوایی آنها است؛ نه رسم‌المصحف یا رسم الخط.

۱. برخی اصطلاح «تنغیم» را به جای «لحن» به کار می‌برند که ناصواب است؛ چراکه این اصطلاح مربوط به علم آواشناسی بوده و به معنای اختلاف درجه صوتی (pitch) در کلام است. البته اصطلاح «نغمات» که جمع «نغمه» به معنای دستگاه‌های آوازی است، صحیح به نظر می‌رسد.



- حروفی که تلفظ می‌شوند، اما نگاشته نشده‌اند، ضمن هجاهای کلمه محسوب می‌شوند و در تشخیص محل «نبر» مؤثرند. بالعکس، حروفی که نگاشته شده، اما تلفظ نمی‌شوند، جزء هجای کلمه نیستند.
- اشتباه در محل «نبر» کلمات، گاه به فساد معنایی کلمه و یا به بی‌معنا شدن آن می‌انجامد.
- کلماتی که در رسم‌المصحف گاهی موصول و گاهی مفصول نوشته شده‌اند، بیشتر مواقع، در ترکیب با حرف «لا» دو کلمه با دو محل «نبر»، و در ترکیب با حرف «ما» یک کلمه با یک محل «نبر» احتساب می‌گردند.
- در بعضی جملات یا آیات فقط با استفاده از «تنغیم» می‌توان مفهوم و مقصود صحیح را رساند لذا تسلط کامل بر ترجمه و مفاهیم قرآن و فراگیری اصول «تنغیم» و توجه به رعایت آنها برای رساندن مفهوم صحیح، بسیار ضروری به نظر می‌رسد و از پیش‌نیازهای تلاوت استادانه است.
- پیشنهاد می‌شود در مسابقات تلاوت قرآن کریم، رعایت صحیح «نبر» کلمات در قسمت «فصاحت» از بخش «تجوید»، و رعایت صحیح «تنغیم» جملات در بخش «لحن» مورد نظر و احتساب قرار گیرد.

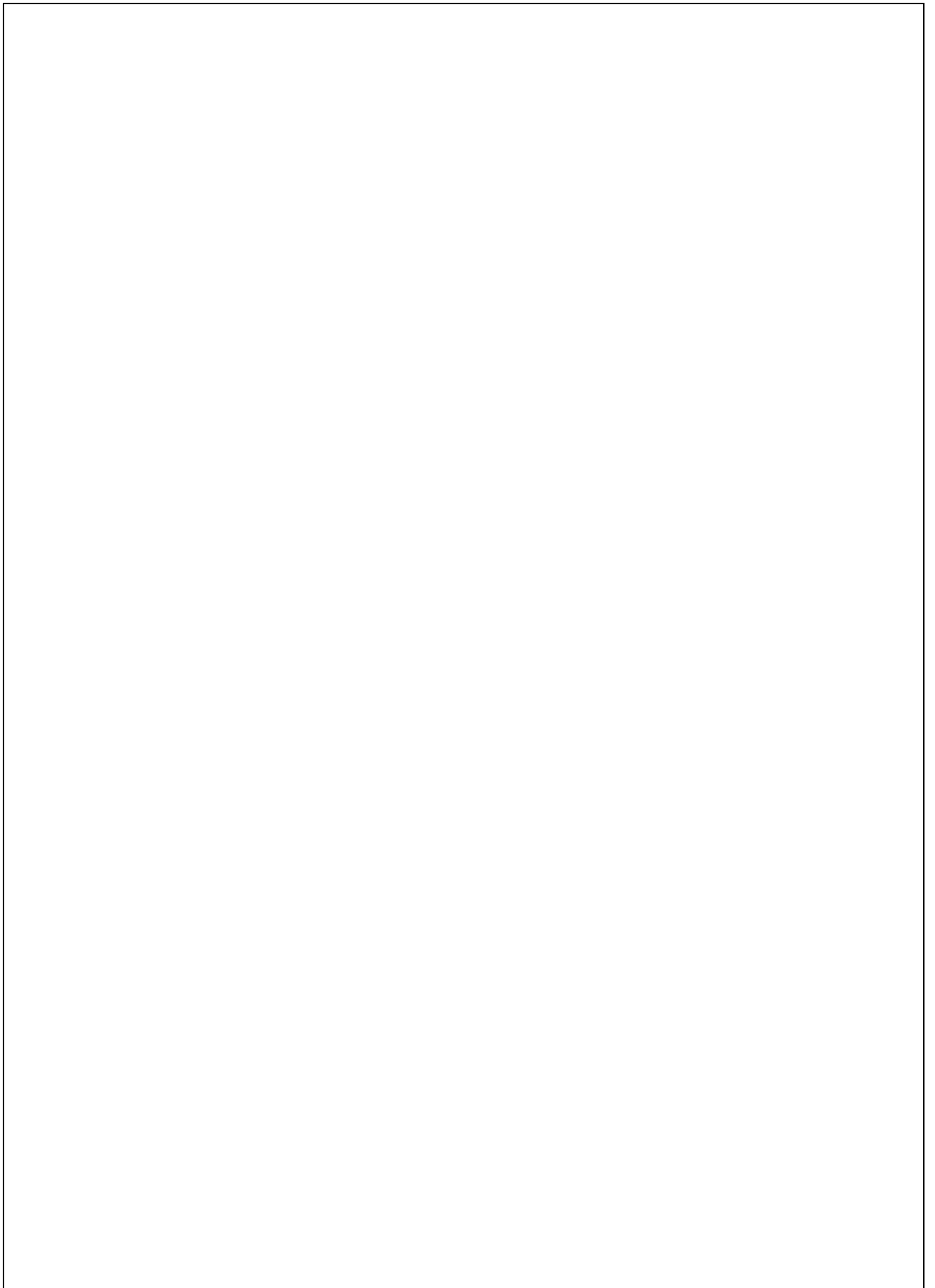




## منابع

### القرآن الکریم

- ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، تحقیق عبدالسلام هارون، قاهره، دار احیاء الکتب، ۱۳۷۱هـ
- ابن الجوزی، غریب القرآن، بی جا، بی نا، بی تا.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴هـ
- انیس، ابراهیم، آواشناسی زبان عربی، ترجمه ابوالفضل علامی، چاپ اول، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۴ش.
- التجفی، احمد جاسم، التنغیم و دلالتہ فی القرآن الکریم، کارشناسی ارشد، دانشگاه کوفه، دانشکده علوم قرآن.
- الزروق، محمد خلیل، الوقف الصرفی، چاپ اول، لیبی، منشورات جامعه تازیونس، ۱۹۹۹م.
- ثعلبی، الکشف و البیان، بی جا، بی نا، بی تا.
- حسان، تمام، مناهج البحث فی اللغه، چاپ اول، مغرب، دار الشافه و دارالبیضاء، ۱۹۷۹م.
- سرائب، محمود، القرآن الکریم بین القرائة و التلاوة، مجله بقیه الله، بی نا، بی تا.
- سیب، خیر الدین، الاسلوب و الاداء، چاپ اول، دمشق، دار الکتب الطیب، ۱۴۲۸هـ
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة، بی تا
- شیخ طوسی، المبسوط، بی جا، بی نا، بی تا.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس، چاپ اول، بیروت، انتشارات مؤسسه اعلمی، ۱۹۹۹م.
- علامه مجلسی، بحار الانوار، نسخه کامپیوتری، مؤسسه نور.
- قدوری، احمد محمد، مبادئ اللسانیات، چاپ دوم، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۸م.
- قدوری الحمد، غانم، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، چاپ دوم، قم، اسوه، ۱۳۸۳ش.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲هـ
- میزان، علی حسن، علم الاصوات بین القدماء و المحدثین، چاپ دوم، لیبی، دار شموع الثقافیه، ۲۰۰۹م.
- مختار عمر، احمد، دراسة الصوت اللغوی، چاپ اول، قاهره، عالم الکتب، ۱۹۷۶م.
- مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱هـ
- مهدی محمد، مناف، علم الاصوات اللغویة، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۹۸م.
- حجازی، محمود فهمی، علم اللغه العربیة، کویت، وكالة المطبوعات، ۱۹۷۳م.
- حسان، تمام، مناهج البحث فی اللغه، دارالثقافة، دارالبیضاء، ۱۹۷۹م





## سخنی دیگر در باب تلاوت استادانه

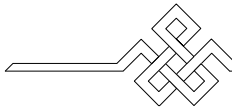
دکتر محمدعلی لسانی فشارکی<sup>۱</sup>

### مقدمه

نهمین نشست تخصصی اساتید و قاریان و حافظان ممتاز قرآن کریم، با دو موضوع ویژگی‌های تلاوت استادانه و حفظ قرآن کریم که درست در نیمه چهارمین دهه شکوفایی نهضت حسینی، و پیروزی حرکت پُر برکت انقلاب ناب اسلامی در کشور عزیزمان از سوی شورای عالی قرآن در عاصمه جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید، توفیقی شکرگزاردنی و افتخار آمیز را برای نگارنده این مقاله پدید آورد که بتواند در شامگاه روز دوم این همایش بی آرایش، پاسی گذشته از شب جمعه، در پرتو عنایت استادان و سروران برگزار کننده و شرکت کننده، آن میعاد مبارک - با عنوان «بازنگری در شیوه‌های تلاوت مجلسی و تحفیظ قرآن در جمهوری اسلامی ایران» یا «آسیب شناسی سامانه‌های تحفیظ قرآن و تلاوت مجلسی در جمهوری اسلامی

---

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مدیر گروه مطالعات قرآنی و حدیثی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ایران» پردازد.

روز اول همایش، مصادف بود با میلاد صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و نیز زاد روز حضرت امام خمینی رضوان الله علیه، و روز دَوّم «روز معلم» و روز سوم نیز «روز مطبوعات» بود. نشست‌های صبح و عصر جمعه ۱۲ اردیبهشت، روز معلم و یادواره شهادت استاد شهید مرتضی مطهری، با ارائه مقالات برگزیده استادان برجسته، بدون هیچ گونه یادکردی از روز معلم و استاد، سپری شده بود. از سوی دیگر، سخنوران و صاحب‌نظران در مقوله حفظ و تحفیظ قرآن در باب ضرورت حفظ قرآن در رجوع به آیات و روایات با وضعیت حفظ قرآن در کشورهای موقت و مقایسه آن با کشورمان؛ حفظ قرآن و آثار آن در فن تلاوت؛ وظایف مجموعه‌های دولتی و مردمی در نهادینه کردن حفظ قرآن؛ نکاتی مفید در باب حفظ آسان قرآن کریم و همچنین در مقوله تلاوت استادانه، در باب تلاوت متناسب با معنا و زمان و مکان و مخاطب؛ اخلاق حرفه‌ای در تلاوت متناسب با معنا و زمان و مکان و مخاطب؛ اخلاق حرفه‌ای در تلاوت؛ بایدها و نبایدها در سبک تلاوت، نصاب برتر در الحان تلاوت، آن‌چنان استادانه و نکته‌سنجانه داد سخن داده بودند که دیگر جایی برای عرض عرایض مدّ نظر نگارنده باقی نمانده بود. اما، هنوز و همچنان «تلاوت استادانه» در انتظار بیان معنا و مفهوم، مستور و مکتوم مانده بود. ناگزیر، سخن گفتن در راستای یکی از آن دو عنوان پیش گفته، جای خودش را به گفت و گو در این دو مقوله اخیر داد: روز معلم (که البته به گونه‌ای معنادار جای خود را به «شب معلم» داده بود) و «تلاوت استادانه»، مقاله حاضر رهاورد آن گشت و گذار معنوی شبانه در آن جمع صمیمی یاران همدل و همزبان است.

### \* استادی و شاگردی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ! الخدای رحمان معلم قرآن است و خالق انسان و معلم بیان و هموست که بیان را به انسان تعلیم داده است. مطابق

۱. سوره رحمان: آیات ۱ تا ۴.



دستورالعمل‌های روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، اگر موضوع تحقیق ما «تعلیم و تعلّم» یا «استادی و شاگردی» باشد، وقتی آیات اصلی مشتمل بر واژگان کلیدی تعلیم و تعلّم را به ترتیب آخر به اول قرآن کریم مرتّب می‌کنیم و مفهوم یابی آیات را آغاز می‌کنیم، ردیف‌های ۱ و ۲ در تحقیق موضوعی، آیه ۵ و آیه ۴ سوره علق‌اند که می‌گویند: خدای اکرم پیامبر اعظم، نخستین معلّم و معلّم یکتای انسان است؛ مطلبی که بعدها در سوره رحمان به توضیح و بیان بیشتری می‌پیوندد.

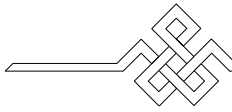
سامانه استادی و شاگردی یا تعلیم و تعلّم در مکتب قرآن با معرفی استاد و معلّم نمونه و شاگرد و متعلّم نمونه آغاز می‌شود. معلّم اول خدای رحمان و شاگرد اول خاتم پیامبران است. معلّمان و استادان باید استادی و معلّمی را از خدای رحمان یاد بگیرند، شاگردان و متعلّمان تلمّد (تَتَلَمَّدُوا)، تعلّم و شاگردی را از خاتم پیامبران باید یاد بگیرند. استاد و معلّم نمونه قرآن، خدای رحمان، فضل عظیم خودش را شامل حال شاگردش خاتم پیامبران می‌گرداند: «وَعَلَّمَكُمَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُونَ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ عَظِيمًا». استاد و معلّم اول، شاگرد اول خودش را از مسجد الحرام، شبانه، به مسجد الاقصی می‌برد، و در دامنه کوه طور برای او کلاس فشرده اختصاصی برگزار می‌کند و آیات کبرای خود را به او نشان می‌دهد: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>۳</sup> «علامه طباطبایی (ره) می‌فرمایند: چهل سال خدای سمیع و بصیر او را زیر نظر می‌گیرد، تا آنکه این شاگرد نمونه، مجتبی و مصطفی و منتجب و منتخب آن استاد نمونه می‌گردد.

کلیدی ترین کلمه در سامانه ارتباطی این استاد و شاگرد نمونه، کلمه «بعده» است. «عبد» یعنی بنده، کاملاً در اختیار مولا، گویی که از خود هیچ گونه گزینش و اختیار و انتخابی ندارد.

۱. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱ ش.

۲. سوره نساء: آیات ۱۱۳.

۳. سوره اسراء: آیه ۱، سوره نجم: آیات ۱ تا ۱۸، درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی، انتشارات نصایح، قم، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۴ تا ۱۹۸.



گزینش دارد؛ اختیار دارد؛ انتخاب دارد؛ اما، با گزینش و اختیار و انتخاب، خودش را - با تمام وجود - در اختیار استاد گذارده است. استاد هم متقابلاً به او قول ضمانت و کفالت و کفایت داده است: « أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ »<sup>۱</sup>، آنوقت، خیر این استادی و شاگردی آنچنان فراگیر است که به همه کائنات رسیده است و می‌رسد: «و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین»<sup>۲</sup>

\* مقام معلمی تلاوت کننده قرآن کریم:

پیش ارائه گفت و گو تحت عنوان «تلاوت استادانه» به بیان این مطلب بسیار مهم و تعیین کننده پردازیم که قاری معظم و مقری مکرم که برای مردم قرآن را تلاوت می‌کند، بنا به تعریف و تبیین قرآن کریم، به موجب تلاوت قرآن برای مردم، معلم مردم است و بر مستمعان و مخاطبان سمت و مقام معلمی دارد؛ چنانکه از دیرباز در دعای مستجاب حضرت ابراهیم (علیه السلام) آمده است:

«رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۳</sup>.

قاری محترم قرآن، در هر مجلس و هر موقعیتی که می‌خواهد برای عده‌ای از مستمعان و مخاطبان قرآن بخواند، ابتدا باید کلاس خود را بیاراید و تشکیل بدهد و عملاً، مقام و موقعیت معلمی خود را نسبت به آن جمع خاطر نشان سازد، و با ارائه مقدمه‌ای - هر چند نه چندان طولانی، مگر آنکه اقتضا داشته باشد - موقتاً جمیع مستمعان را به عنوان شاگردان خود در مکتب قرآن با خود همراه کند و سامانه «تلاوت» را که در واقع «کار مشترک قاری و مستمع» است، فعال گرداند؛ «تلاوت» را که در واقع «کار مشترک قاری و مستمع» است، فعال گرداند؛ آنگاه به «تلاوت آیات بینات» پردازد.

۱. سوره زمر: آیات ۳۶.

۲. سوره انبیاء: آیات ۱۰۷.

۳. سوره بقره: آیات ۱۲۹.



مثلاً، قاری گرامی و ارجمندمان در آغاز یکی از نشست‌های همین «همایش نهم» به جای آنکه بی مقدمه استعاده کنند، و در شرایطی که مستمعان از طرح ذهنی مدنظر ایشان، هیچ خبری نداشتند، بسمله بگویند و تلاوت بسیار جالب و مناسب و متناسب خودشان را ارائه کنند (در اینجا نگارنده در مقام بررسی و نقد خود طرح تلاوت نیست)، می‌توانستند مثل خطیب نماز جمعه یا امام جمعه به حاضران سلام کنند: «السلام علیکم ایها المؤمنون و رحمة الله و برکاته»، آنگاه توضیح بدهند که من امروز در جمع شما قاریان و حافظان ممتاز کشور، تلاوت خود را از آیات اواخر سوره مبارکه انبیا شروع می‌کنم: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ»<sup>۱</sup>. به آیه «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ»<sup>۲</sup> که می‌رسم، این آیه و آیه بعد از آن را در اوج قرائت می‌کنم. آیه شریفه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۳</sup> در همین مجموعه آیات قرار دارد که آتش اشتیاق به ظهور موفور السرور بقیة الله اعظم مهدی موعود (عج) را در دلهای منتظران شعله ور می‌سازد. آیه شریفه «وَلَمَّا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۴</sup> در ادامه این آیات توجه دو چندان مستمعان را می‌طلبد. از آنجا به بعد، به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) سوره کوثر را قرائت می‌کنم و فرود می‌آیم. شما هم اگر خواستید می‌توانید سوره کوثر را همراه من زمزمه کنید.

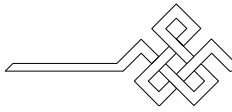
نگارنده در مقاله «الفبای خشوع در تلاوت» مطلب را به اینجا رسانیده بود که قاری نباید «برای» مردم قرآن بخواند. شرط «تلاوت خاشعانه» آن است که «بر» مردم قرآن خوانده شود، نه برای مردم. آن بیان در آن زمان تا حدودی جنبه «نقضی» داشت. اینک، این «بیان حلی» آن بیان نقضی است. وقتی قاری ارجمند ما بتواند در مقدمه تلاوت خود ابتکار عمل را به دست خویش بگیرد و «فضای تلاوت» را آماده کند، مستمعان در پرتو تعلیم و توجیه قاری محترم، از آغاز تا

۱. سوره انبیا: آیه ۱۰۱.

۲. سوره انبیا: آیه ۱۰۴.

۳. سوره انبیا: آیه ۱۰۵.

۴. سوره انبیا: آیه ۱۰۷.



پایان تلاوت با ایشان همراه خواهند گردید، و قاری محترم می‌تواند دیگر دغدغه جلب توجه مستمعان را نداشته باشد و بین خود و خدای خود با کمال حضور قلب و در نهایت خشوع، به تلاوت کلام الله پردازد.

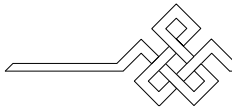
### \* تعریف معلّم و کارکرد یک معلّم (استاد)

«استاد» کسی را گویند که به کار خودش وارد است، ورود دارد؛ استاد/استاذ، اُستا، اوستا، یعنی ماهر، با مهارت، صاحب مهارت، حاذق، حادق، سرور، رئیس، معلّم، آموزگار، آموزنده. در مقابل، «شاگرد» آموزنده علم یا هنر نزد کسی؛ کسی که در نزد معلّم و استاد تحصیل علم یا صنعت کند و کسی که در مدرسه به تحصیل پردازد؛ تلمیذ و محصلّ و متعلّم؛ تلمیذ: کسی که در نزد معلّم و استاد کسب علم و هنر می‌کند.<sup>۱</sup>

استاد به عنوان معلّم چه عملکردی دارد و کارکرد استاد به عنوان «معلّم» چیست؟ معلّم چه کار می‌کند و چه کار باید بکند؟ حرفی که جملگی برآند، آن است که معلّم کارش تعلیم است. معلّم اسم فاعل است از مصدر تعلیم. تعلیم هم یعنی انتقال دادن علم، ارائه علم، در اختیار قراردادن علم، همان طور که «متعلّم» اسم فاعل از مصدر تعلّم است و کارش دریافت علم است. این همان حرف درستی است که نتیجه نه چندان درست آن این شده است که کار استاد (معلّم) را «تولید علم» قلمداد کنند. اما حرف درست‌تری هم در اینجا هست. تعلیم می‌تواند به معنای «عالم گردانیدن» و «عالم پروراندن» باشد. معلّم (استاد) کار اصلی اش، کار کارستانش، پروراندن دانشوران و تربیت عالمان برای آینده پس از خودش است؛ عالمانی که بتوانند «معلّم» باشند و آنان نیز به نوبه خود عالمان دیگری را تربیت کنند؛ تا این زنجیره استاد و شاگرد و سامانه شاگردی و استادی شکل بگیرد و فعّال بشود. مگر نه این است که شاگرد اول آن معلّم اول، تحت تعلیم معلّم و استادش، هم عالم شد و هم معلّم: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» \* هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

۱. لغتنامه دهخدا، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۰ ش، ذیل «استاد» و «شاگرد».





الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ<sup>۱</sup>! استاد (معلم) کژی‌ها و کاستی‌های شاگرد (متعلم) را شناسایی می‌کند و آن کژی‌ها و کاستی‌ها را از میان برمی‌دارد، تا شاگرد استاد بشود. این حرف خیلی درست‌تر است و این سخن قرآن است؛ آن یکی، آن حرفی که جملگی بر آن بودند، چندان «قرآنی» نیست؛ سخن قرآن نیست.

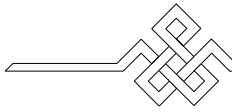
### \* تلاوت استادانه

«استادانه» از نظر دستور زبان «قید» است، یعنی همچون استادان، به طریقهٔ اساتید، ماهرانه<sup>۲</sup>. ترکیب «تلاوت استادانه» یک ترکیب وصفی است که می‌تواند به راحتی با ترکیب اضافی اشتباه بشود، چنانکه سالیان سال است در خیلی جاها اشتباه شده است و بسیاری چنین پنداشته‌اند که تلاوت استادانه یعنی آنکه شخص تلاوت کننده تلاوت یک استاد را اجرا و ارائه کند، درست همچون خود آن استاد، در حالی که چه بسا خودش استاد نباشد. این طور نیست. «تلاوت استادانه» یعنی آنکه شخص تلاوت کننده استاد تلاوت باشد، در تلاوت، استاد باشد، آنگاه تلاوت کند قرآن کریم را به عنوان یک «قاری ممتاز». این است آن چیزی که نهمین نشست تخصصی شورای عالی قرآن در جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن بوده است.

«استاد» کسی است که روزگارانی نزد استاد، شاگردی کرده است تا استاد شده است. به هر مقدار و به هر میزان و با هر کمیت و کیفیت که «شاگردی» کرده باشد، به همان میزان «استاد» شده است. «استادی» هر استادی به میزان «شاگردی» او نزد استاد است. این «شاگردی کردن» هم به هیچ وجه عبارت از حضور در کلاس‌ها یا جلسات درس استاد نیست. اینکه مدتی مدید، حتی سالیان متمادی، کسی در حوزهٔ قرائت یک استاد یا استادان متعدّد حضور داشته باشد و امثال اینها، «شاگردی کردن» نیست. «شاگردی کردن» عبارتست از تلقّی و تلقین دو به دو و روبه رو، و به تعبیری که علامهٔ طباطبایی (ره) برای شاگردی خاتم پیامبران نزد خدای سبحان به کار برده‌اند

۱. سوره جمعه: آیات ۱ و ۲.

۲. لغتنامهٔ دهخدا، چاپخانهٔ مجلس، ۱۳۳۰ ش، ذیل «استادانه»



«مُشَافَهَةٌ»: «سُنُّرٌ كَ فَلَا تَنْسَى!». شاگردی کردن یعنی مدّت قابل توجهی که بتواند در عرف عام و عرف خاص برای استاد شدن یک شاگرد کفایت کند.

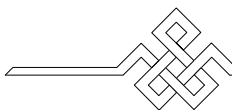
### \* شاگرد مجتهد نه شاگرد مُقلِّد

بهترین عرصه تشبیه برای بیان این مطلب، حوزه‌های علمیّه است که قرن‌هاست زنجیره استادی و شاگردی در آنها برقرار، و سامانه شاگردی و استادی که از آن سخن می‌گوییم در این حوزه‌ها فعّال است. نگارنده بر این تشبیه اصرار دارد. شأن قاریان محترم قرآن و حاملان وحی خداوند سبحان هرگز دون شأن فقهای عظام نیست. وقتی مقام معظم رهبری می‌فرماید: ما باید برای قاریان خودمان منبر بگذاریم و قاریان ما باید منبر بروند، منظور همین است. شأن منبر این بوده و هست که فقها و مجتهدان باید منبر بروند. بگذریم از این آن غالباً برای ما جا افتاده است که فقها و مجتهدین منبر نمی‌روند، یا نباید منبر بروند. حتی درست تر این است که فقها و مجتهدین هم که منبر می‌روند، باید بر سر منبر برای مردم قرآن بخوانند، همان کاری که خطیب و امام جمعه هم موظف است حتماً انجام بدهد.

در حوزه علمیّه قم، آیت الله العظمی سید حسین بروجردی - اعلی الله مقامه - را در نظر بگیرید. در عصر حاضر شاید شمار شاگردان آیت الله بروجردی که هنوز در قید حیات‌اند و در زمره فقها و مجتهدین‌اند، از چهل و پنجاه متجاوز باشد. چندین تن از آیات عظام و مراجع تقلید فعلی و قبلی، از شاگردان ایشان بوده و هستند. شاگردانی که پس از طی دوران شاگردی، «مجتهد» شده‌اند و دیگر «مُقلِّد» نیستند. این عبارت معمولاً در متن «اجازة اجتهاد» که علمای شیعه برای شاگردان خودشان صادر می‌کنند درج و قید می‌شود که از این پس «تقلید برای صاحب این اجازه حرام است».

اشکالی ندارد که شاگردان ابتدا و برای مدتی از استادان تقلید کنند، چه بسا باید هم تقلید کنند، از قدیم معمول بوده است که برای تمرین شاعری، کارآموزان، سروده‌های شاعران شهیر و

۱. سوره اعلی: آیه ۶.



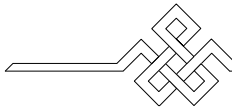
برجسته را تقلید می کرده‌اند. قدری که پیش می‌رفته‌اند، به استقبال غزل‌ها و قصیده‌های شاعران بزرگ، دیگر برای خودشان، به غزل سرایی و قصیده سرایی می‌پرداخته‌اند. امروز در متن و حاشیه حوزه علمیه، شاید نتوانیم از شاگردان آیت الله بروجردی کسی را پیدا که هنوز مقلد باشد. «شاگردی» کردن اصلاً به معنای تقلید کردن از استاد نیست. با تقلید از استادان هرگز کسی به مقام استادی نخواهد رسید. استاد باید شاگردانش را برای استادی تربیت کند و شاگرد باید بکوشد تا به بهره‌گیری از تعلیم استاد خودش را بر کشد و به مقام استادی برسد، و آماده باشد برای آنکه استادان دیگری را پروراند.

#### \* الگوهای قابل اجرا در حوزه و دانشگاه

الگوی اول برای دست‌یابی به «تلاوت استادانه» فعال گردانیدن سامانه استادی و شاگردی فعال در حوزه‌های علمیه، در عرصه قرائت و تربیت قاریان ممتاز است که نگارنده چون عملاً یک فرد حوزوی نیست، از این بیشتر درباره آن سخنی ندارد. الگوی دوم روال و مسیر تدارک و تدوین رساله‌های دکتری دانشگاهی در سرتاسر جهان و از جمله در کشور عزیزمان است که با گذرانیدن آن، شخص به درجه دکتری نائل می‌شود که معادل همان «اجتهاد» در حوزه‌های علمیه است. این سامانه، از مرحله انتخاب یا تعیین استاد راهنما و تهیه و تدوین پروپوزال تا زمانی که در حضور هیأت داوران، مرکب از استاد راهنما و استادان مشاور و استادان داور داخلی و خارجی از رساله دکتری دفاع می‌شود، می‌تواند برای تشخیص و تربیت و تأیید رسمی «استادان تلاوت» مورد استفاده قرار بگیرد، و هر چند سال یک بار بتوانیم شاهد فارغ التحصیل شدن رسمی عده‌ای از استادان قرائت و قاریان «استاد» باشیم.

#### \* الگوی کرسی‌های نظریه پردازی

مقام معظم رهبری در این چند سال گذشته، نظیر رهنمودهای پدرانه و دلسوزانه که مرتباً برای جامعه قاریان داشته‌اند، در عرصه‌های دیگر از جمله در ارتباط با برقراری و برگزاری کرسی‌های نظریه پردازی داشته‌اند. این سامانه سالهاست که فعال است و دستاوردها و نتایج آن



مشهود گردیده است. ساز و کار و مقدرات این طرح ملی و کشوری هم از مرحله تقاضا و اعلام برگزاری یک کرسی نظریه پردازی، تا مرحله اجرای نهایی که غالباً یکی دو سال یا بیشتر به طور می انجامد، الگوی دیگری است که می تواند در جامعه معظم قاریان مورد بهره برداری قرار بگیرد و هر از چند گاه، یک «استاد» جدید به طور رسمی در عرصه «تلاوت استادانه» ظهور کند و به جمع استادان برجسته تلاوت که قاعدتاً هر یک برای خود صاحب سبک یا مکتب اند، بپیوندند.

\*\*\*

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ \* رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا  
 إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ۲

۱. سوره ممتحنه: آیات ۴ و ۵.

۲. سوره حشر: آیه ۱۰.



## اخلاق حرفه‌ای در تلاوت

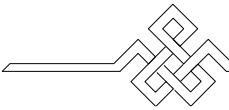
محمود لطفی نیا<sup>۱</sup>

بحث سنگینی که بر عهده بنده نهاده شده حدود یکماه و اندی است که فکرم را به خود مشغول ساخته و پیرامون آن مطالعه کردم و سعی ام بر آن بوده که نکاتی را ازسیره و کلام بزرگان و عالمان عامل، جمع آوری و به محضر شما ارایه کنم. اما به جهت عدم اکتفای وقت، شاید بتوانم فقط نکاتی را به عنوان مقدمه مطلب به عرض برسانم.

پس از سی سال کار جدی در عرصه هنرقدسی تلاوت، می توانم بگویم هنوز تلاوت قرآن برای ما جنب حرفه‌ای ندارد. خصوصاً اینکه، با مطالعه روایات و احادیث اهلیت (علیهم السلام) در منابع روایی مکتب تشیع برمی آید که چه بسا آن بزرگواران نسبت به حرفه ای شدن تلاوت قرآن و لاجرم کسب در آمد با آن، اعلام کراهت می کردند. ولی با اقتضات کنونی جهان اسلام و گستردگی جغرافیایی آن و گوناگونی نژاد و زبان مسلمانان ازسویی و نیازشان به تلاوت

---

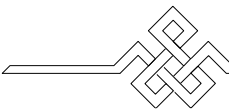
۱ . quranmahmood@yahoo.com



قرآن در شئون مختلف از سوی دیگر، قرائت قرآن را تبدیل کرده به یک زبان مشترک بین مسلمانان. برگزاری مسابقات و به رقابت گذاردن هنر تلاوت آهنگین قرآن - به طور خاص - باعث پدید آمدن برکاتی شده که شاید برآورد واقعی آن از عهده ما خارج باشد، و این خود بستری را فراهم می‌آورد تا برخی از جوانان مسلمان و نیروهای مستعد و خوش صوت به صورت حرفه‌ای وقت خود را اختصاص به تلاوت قرآن برای دیگر مسلمانان قرار دهند. و این امر بطور طبیعی در جوامع مسلمین شأن و موقعیت خود را یافته است.

در کشورمان نیز طی سالهای متمادی که رهبر معظم انقلاب با همه مخالفتی که از سوی برخی محافل حوزوی و دانشگاهی روبرو بود، نسبت به توسعه و ترویج هنر قرائت قرآن توصیه‌های بسیار داشتند تا این هنر قدسی تثبیت شود و به عنوان زمینه‌ای برای فراهم شدن فرهنگ انس با قرآن در جامعه نهادینه گردد. در پی این امر، رادیو قرآن، سیمای قرآن و بسیاری از دستگاهها و تشکلهای قرآنی به وجود آمد. این تعامل انسانی با این گستره وسیع، حکایت از اجتماع عظیم انسانی و جامعه بزرگی دارد که اگر فاقد نظامی به عنوان نظام اخلاقی باشد، سرانجام نیکی نخواهد داشت. ولذا بر متولیان این امر (یعنی ما قرآنیان) است تا بپذیرند که باید رفتار و سلو کشان حاکی از تعهد به یک نظام اخلاقی در شأن قرآن کریم باشد. بنابراین قاری قرآن معتقد به مکتب اهلیت (علیهم السلام) ضمن اینکه مهارتهای حرفه‌ای تلاوت قرآن را در حد اعلی کسب می‌نماید ولی آن را حرفه خود و محل درآمد برای خود قرار نمی‌دهد. و صد البته این حرف به منزله عدم پشتیبانی و قدر دانی مالی از قاریان و حافظان قرآن نمی‌باشد، بلکه نظام اسلامی و امت اسلام موظفند نسبت به آنان تقدیری شایسته بعمل آورند.

کتب اخلاقی و روایاتی را که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و بزرگان دین پیرامون افضلیت قرآن و حافظان و حاملان و قاریان آن آمده، اگر ملاحظه کنیم می‌بینیم در بطن جامعه بسیاری از مردم عوام در عین حالی که با این روایات آشنایی ندارند، اما سطح بالایی از رفتار سنجیده و بزرگووارانه را از نیروهای قرآنی جامعه انتظار دارند. لذا شخصیت یک قاری قرآن باید از حیث اخلاق و رفتار، برتر و شاخص تر از دیگر اقشار جامعه باشد. بزرگترین منشأ اخلاق، وحی قرآنی



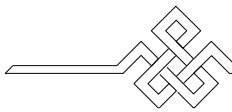
است. اساساً دین عبارتست از سیره رفتاری بر آمده از دستورات خداوند تبارک و تعالی، از طرفی سیره رفتاری اساساً باید در رفتار آدمی متجلی شود. لذا کسانی که متدین به دینی هستند باید متخلق به آن دین نیز باشند. پس رابطه دین و اخلاق رابطه ای مستقیم و بدون واسطه است. اخلاق، قواعد رفتاری و دستوراتی است که بر مبنای عمل به آنها، لحظه به لحظه موقعیت انسان، نسبت به خود و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، استوار می‌گردد. زیرا زندگی اجتماعی آداب دارد و او باید خود را مؤدب به آداب اجتماعی نماید.

جمله ای را رهبر معظم انقلاب اخیراً در دیداری با شاعران و ذاکران اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند، که بمناسبت موضوع بحث برای شما عرض میکنم:

«هر چه مبلغان دینی و مداحان از لحاظ تقوا، اخلاق، عفت، تدین و پاکی دل و زبان، نمود تحسین آور بیشتری داشته باشند، در ایفای مؤثر شأن مداحی و استفاده از این فرصت برای اثرگذاری بر دلها و معرفت افزایی بهره گیری کنند».

و این دقیقاً همان چیزی است که از قاریان و حافظان و همه اهل قرآن نیز انتظار می‌رود. باید توجه داشت که اخلاق و پاکی دل و زبان مختص صنف خاصی نیست، بلکه برای همه اصناف بشر زیننده است. و به خصوص آنهایی که با قرآن و دین سروکار دارند سزاوار تر اند به رعایت قواعد آن. ما که قرآن را میخوانیم و به قداست و نورانیتش اعتقاد داریم، ومی دانیم منشأ این نورانیت ذات اقدس الهی است، نمود نورانیت آن را کجا باید مشاهده کنیم؟

مسئلاً از خودمان باید شروع کنیم. قاری قرآن در خانه خودش، در محله و شهرش و در کشور خودش نیز قاری قرآن است. یعنی شهره شهر است به انس با قرآن. لذا لزوماً باید اخلاق و رفتار خود را متصف به قرآن و صفات قرآنی نماید. خیلی از سجایای اخلاقی را می‌توان در خلال سوره‌ها، آیات و موضوعات گوناگون مطروحه در سراسر قرآن مشاهده کرد. اگر قرار باشد ما نیز مثل سایر انسانها زندگی کنیم، از همان اول تکلیفمان باید روشن باشد. چرا که رفتار متدینان و قرآنیان زیر ذره بین است. متأسفانه ما در بسیاری از موارد، رفتارمان مربای به تربیت دینی نیست، اگر چه متأسفانه مسمای به رفتار دینی هست. ما غنی ترین آداب تربیتی و معارف



اخلاقی را در اسلام و بخصوص در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) داریم. لکن در سیره وسلوکمان نسبت به آنها بی توجهی کرده و در نتیجه عادات رفتاری ما به هنجار نمی‌شود.

این حرکت (نشست علمی) و اینگونه مباحث می‌بایست ادامه داشته باشد تا نتایج حاصل از آن به عنوان مرامنامه یا نظامنامه علمی و اخلاقی سبب تذکر اهل قرآن گردد.

ایران هم اکنون قلب بیداری اسلامی است و ما قرآنیان به عنوان سربازان خط مقدم جبهه فرهنگی هستیم.

نشانه‌های قرآن را باید بیشتر در خود پیاده کنیم. روایاتی که اشاره به اهل قرآن در آخر الزمان دارند، خیلی خطیر است. ما باید تلاش کنیم خدای ناکرده از منافقان و آنهایی که مورد لعن قرآن هستند، نباشیم. قرآن کریم در معرفی الگوی جامع اخلاق و رفتار انسانی و قرآنی می‌فرماید:

« وَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ »

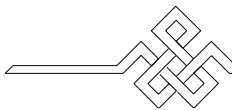
آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «اگر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قابل تأسی نبود، قرآن اینگونه نمی‌فرمود.» یعنی تأسی به پیامبر، شدنی و دست‌یافتنی است و مگر نه این است که خود فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لَأُتِمَّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» حال، آیا لازم نیست در خود یک بازنگری داشته باشیم و ببینیم چقدر در مسیر هدف پیامبر اکرم و قرآن کریم حرکت می‌کنیم؟!

آیا ما (اهل قرآن) می‌توانیم صرفاً برای تأمین معیشت قرآن بخوانیم و ارزشهای سفارش شده توسط پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) را کنار بگذاریم؟

این مسأله را بخصوص برای قاریان و حافظان جوان عرض میکنم، که مبادا توهم کسب معیشت با قرآن در آنها بوجود آمده و آنان را از حقیقت قرآن دور کند. قرائت و إقراء و جلب قلوب مخاطبان، یک امر مقدس است و ما خواه ناخواه بر اساس مشیت الهی در این امر واقع شده‌ایم. همانطور که به عنوان مثال خواهران حافظ و قاری قرآن باید عقّت خود و شأن اسلامی خود را بشناسند و رعایت کنند، من و شما برادران قاری و حافظ نیز باید شئون اخلاقی خود را شناخته و ملتزم به رعایت آن باشیم.

در دعای مکارم اخلاق از امام سجّاد (علیه السلام) که ایشان را می‌توان از مصادیق والای قرآنی دانست



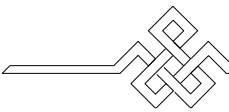


شمرده، بیش از هفتاد مورد از اخلاقیات ذکر شده که ذیل درخواستهایی که از خداوند دارد، می‌خواهد تا در وجودش محقق کند و نیز اموری را از او سلب نماید. مطالعه و بررسی معارف نهفته در این دعا و دستورات آن، به عنوان سازو کار اخلاق حرفه‌ای قاریان قرآن، دائماً باید در رفتار ما متجلی باشد.

به عنوان مثال با اندک تأمل پیرامون کیفیت پردازش صوت و لحن در قرائت قرآن و مبانی آن، در خواهیم یافت که قرائت قرآن دارای نظام بسیار مستحکمی است که قاری را باز میدارد از آنکه از روی هوای نفس صدا گردانی کند، زیرا کار او متمایز از کار یک آوازه خوان است که بخواهد صرفاً هنرمندی خود را بنمایاند. قاری قرآن نباید از روی میل خودش و صرفاً بخاطر ذوق موسیقایی خود آوای قرائتش را شکل دهد. بلکه صداها باید متناسب با ضربآهنگ کلمات قرآنی باشند و این ضربآهنگ کلمات به صورت اعجاز گونه‌ای در تدوین علم تجوید، استاندارد سازی شده و قاری قرآن حق ندارد از حدود تعریف شده آن، با استفاده از فنون صوتی و صدا گردانی که صرفاً براساس میل شخصی خود و نه بر مبنای ضوابط ساختاری و شاکله کلمات قرآنی و حوزه مفهومی آن شکل می‌دهد، تجاوز نماید.

اندازه فواصل و کششها در آوای قرآنی باید متناسب با اندازه فیزیکی کلمات و جملات شکل گیرد و آلا هیچ احساس معنوی به مخاطب دست نخواهد داد. (چرا که از حقیقت وجودی کلمات عدول کرده و به ابزاری برای جلب خاطر شنونده و خوش آیند وی تبدیل شده، نه جلب رضایت خدا و انگیزش توجّه و تدبّر نسبت به آیات الهی در مستمع!)

جمله مشهوری از شیخ مصطفی اسماعیل به نقل از مرحوم استاد اوحدی (رحمة الله علیه) شنیدم مبنی بر این که قاری چه کار کند تا خوب بخواند و مردم هم از تلاوت او لذت ببرند؟ ایشان گفته بود که قاری ابتدا باید خود از قرائتش لذت ببرد تا بتواند بر دیگران نیز تأثیرگذار باشد. و منظور او از این لذت نه تنها یک اشتیاق نفسانی بلکه یک احساس درونی متکی به فهم است و از ارتباط حرف به حرف قاری با کلمات قرآنی حاصل می‌شود. قاری باید با شاکله کلمات و جملات قرآنی چه از حیث فیزیک ساختاری و چه مفهوم درونی ارتباط حسی برقرار کند.



دقت و تأمل در تلاوتهای قاریان بزرگی مثل عبدالفتاح شعشعی، عبدالباسط محمد عبدالصمد، محمدصدیق منشاوی و محمود خلیل الحصری با توجه به توانمندیهای موجود در جنس صوت آنان و انعطاف خوبی که در صدای آنهاست، در می‌یابیم که در عین سادگی و دلنشینی چینش اصوات، با زیر و بم کردن همین صداهای کششی ساده، چنان نوای روح بخشی را برای عام و خاص ارایه می‌کنند، که پس از سالهای متمادی هنوز با شنیدن تلاوت آنها احساس طراوت و تازگی میکنیم و در نفس ما نشاط معنوی ایجاد می‌شود. ولذا تلاوت برآمده از تقوا و اخلاص و ادب قاری برای قرائت آیات الهی است که می‌تواند مصداقی از اخلاق حرفه‌ای قاریان قرآن در حین تلاوت باشد. اما من و شمای قاری و حافظ قرآن چه کار کنیم که عنوان قاری قرآن بر ما صدق کند؟ و از این عنوان فقط اسمی برایمان نسازیم، که از اعتبار آن برای آبادی دنیای خود استفاده کنیم و از آخرت خود غافل شویم!

به قول یکی از اساتید بزرگوارم (حفظه الله): «اسلام وصف است نه اسم» یعنی اخلاق و قواعد رفتار اسلامی و قرآنی باید در رفتار ما قابل مشاهده باشد تا وقتی ما را ببینند بین اسم و مسمی تطابقی باشد. نه اینکه اسم ما هیچ سنخیتی با رسم ما نداشته باشد. این هاهمه حدیث نفس بود.

اگر معتقد باشیم قاریان، حافظان و اساتید قرآن یک جامعه حرفه‌ای هستند که می‌توانند این گونه باشند، پس برای یک جامعه حرفه‌ای، باید نظام نامه اخلاقی وجود داشته باشد که همه بدان پایبند باشند و صد البته، هیچ نظام نامه‌ای بالاتر از خود قرآن نیست که اگر انشاءالله روز به روز با آن بیشتر مأنوس بوده و تخلق به اخلاق قرآنی داشته باشیم، باعث خواهد شد، برکات آن بیشتر و بیشتر موجب اصلاح رفتارمان و نورانیت قلبمان گردد.

و چه زیبا می‌فرمایند مقام معظم رهبری: «عزیزان من! قرآن نور است و حقیقتاً دل و روح را روشن می‌کند. اگر با قرآن انس پیدا کنید، می‌بینید که دل و جان شما نورانی می‌شود. به برکت قرآن بسیاری از ظلمات و ابهامها از قلب و روح انسان زدوده می‌شود.»



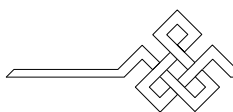
## ملاحظات مخاطبان

( در قالب پرسش و پاسخ و ارایه نظرات )

۱- آقای سرابی: ما برای تخلّق به اخلاق قرآنی و تأدیّب به آداب الهی، باید برنامه داشته باشیم و در محضر استاد اخلاق شاگردی مستمر داشته باشیم. ما به عنوان مبلغان قرآن و سربازان بیداری اسلامی، باید به تعالیم قرآن بیشتر از دیگران عامل باشیم. از مرحوم امام خمینی نیز این جمله معروف است که قرآن خوان باید اخلاق قرآنی داشته باشد. این مسأله در بین حرفه‌های گوناگون رایج است که هر حرفه‌ای اخلاق و آداب خاص خود را دارد.

۲- آیا در جامعه قرآنی سیستم کنترل و نظارتی برای اخلاق حرفه‌ای داریم و یا قصد داریم طراحی بکنیم؟

آقای لطفی‌نیا: فضای جامعه قرآنی را با فضاهای دیگر اشتباه نگیریم. در شأن قرآء و حفاظ نیست که مثل سایر حرفه‌ها کمیته انضباطی مثلاً تشکیل دهیم ولی به هر حال موارد غیرقابل پیش‌بینی را در قالب تهیه نظام‌نامه اخلاقی طراحی کنیم.



آقای سرابی: از طرفی تهیه نظام‌نامه خاص قرآء از حساسیت ویژه برخوردار است. البته مراکزی وجود دارد که به جامعه قرآنی خدمات می‌دهند و خدمات می‌گیرند ولی به صورت متمرکز - چنین چیزی - وجود ندارد. دغدغه دستگاه‌های مختلف هم بوده و در این همایش می‌خواستیم طرح موضوع شود و ذهن دوستان نیز درگیر این مسأله شود و احیاناً پیشنهاداتی بدهند.

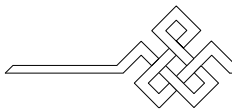
۳- آقای دکتر ستوده‌نیا برخی ملاحظات در خصوص سخنرانی‌های ارائه شده وجود دارد، از جمله:

الف - در مطالبی ضمن یکی از مقالات ارایه شده این مطلب ذکر شد که «حق تلاوته» همان تلاوت استادانه است. بنده مراجعه به تفاسیر کردم. آیه قبل می‌فرماید: «ولن ترضی عنک الیهود و لالنصاری حتی تتبع ملتهم» و این آیه می‌فرماید: «الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حقّ تلاوته اولئک یؤمنون به»

یعنی یهود و نصاری اگر کتاب خود را خوب بخوانند به پیامبر اسلام ایمان خواهند آورد، بنابراین «حق تلاوته» ربطی به تلاوت استادانه (به آن معنا و مقصودی که توسط برخی سخنرانان اراده شده) ندارد.

ب - در رابطه با آکسان‌ها باید گفت آکسان‌ها تابع مقاصد بلاغی هستند. در علم معانی و بیان یاد می‌دهند که گوینده چگونه براساس مقتضای شنونده صحبت کند. فراز و نشیب صوت تابع مقاصد بلاغی کلام است. مثلاً ممکن است «لا» نافیه علاوه بر نفی، قصد تحذیر هم داشته باشد.

و هم چنین است در مورد «ما» که نافیه است یا موصولیه، هر کدام یک اقتضایی در نحوه خواندن دارد. یا مثلاً عبارت «وَبَالَ امرها» او را نباید جدای از «بَالَ» خواند پس آکسان‌ها فرع بر تفسیر است. (آقای دکتر بستانی: مثلاً کلّ شیء فعلوه فی الزبر، باید تأکید روی «فی الزبر» باشد نه کلمات دیگر)



ج - یکی از آسیب‌های جلسات قرآنی آن است که عرضه شاگرد بر استاد به طور کامل وجود ندارد و از طرفی استاد باید اقرء را به خوبی عرضه کند. این دو طرف باید باشد هم عرضه، هم اقرء (کما این که مطابق برخی روایات - به فرض صحّت سند و دلالت متن - پیامبر اسلام در اواخر عمر مبارک‌شان، دوبار قرآن را بر جبرئیل عرضه کردند)

د - تلاوت یک سری آرایه دارد و یکسری پیرایه. آرایه منظور تحسین است.

ما به عنوان فعالان در عرصه قرآن، تا چه اندازه توانسته‌ایم پیرایه‌ها را اصلاح کنیم.

(پیرایه‌ها اعم از تحریرهای اضافی، حرکات نامناسب و ... می‌باشد)

هنر قاری آن است که پیرایه‌ها را کنترل کند و اجازه ندهد صدا و تحریر، او را پیش ببرد. در

نسل قدیم قرء مصری این ممیزه کاملاً مشهود است.

این‌ها قوانینی دارد که ان‌شاءالله برای همایش تخصصی بعدی برای تدوین آن‌ها باید اقدام

لازم و ضروری صورت بگیرد.

ه - نکته‌ای در باب «اقرء» باید ذکر کرد که این کلمه از باب افعال و ریشه «قرء» است.

هر متن خواندنی، قرائت است ولی ممکن است اقرء نباشد، چون اقرء، خواندن با هدف

تعلیم است. پس اقرء مهمل نداریم. لذا تجدیدنظری در تقسیم‌بندی‌های اقرء باید بشود.

اقرء در آیه «ستقرئک فلاتنسی»، منظور تعلیم پیامبر و تضمین عدم فراموشی آن حضرت

است و با بحث‌های ما فرق دارد.

۴- این مباحث (مرتبط با تکنیک‌های فنی صوتی - لحنی) باعث نشود انس با خود قرآن بین

جامعه قرآنی و عامه مردم کم‌تر شود.

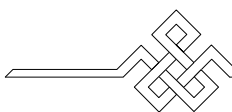
۵- بحث معنویت و اخلاق در قرائت یک اصل است و قاریان خیلی بیشتر از افراد دیگر باید

به آن پایبند باشند.

۶- انتخاب نغمه برای یک آیه به خصوص، از جانب یک قاری استاد، سلیقه‌ای و احساسی

است و اگر خوب اجرا شود مورد استقبال واقع می‌شود.

۷- فضای کلامی با فضای نغمی فرق دارد. فضای نغمی خیلی وسیع‌تر و گسترده‌تر است.



غوطه‌وری در این فضا وجود دارد. این که گفته می‌شود تأکید بر کلمه را در این قسمت باید ایجاد کرد، این در فضای کلامی است.

۸- شیوه شیخ نقشبندی که در اثناء تلاوت به صورت گفتاری می‌خواند و از موسیقی خارج می‌شود، دیگر تنغیم نیست، لذا خود یک شیوه است نه مکتب. چون شرط مکتب داشتن، (در قرائت قرآن) نغمه داشتن است.

۹- نحوه خواندن قاری ارتباط با معنا می‌تواند پیدا کند. استفاده از فواصل در نغمه‌ها می‌تواند حالت تهاجمی، حماسی، عاطفی و حزین را ایجاد نماید.

۱۰- در اجراء الحان و نغمه‌ها محدودیتی در استفاده از آکسان‌ها وجود ندارد، آن چنان که این محدودیت در فصیح‌خوانی هست. ممکن است مثلاً یک قاری متبحر در بخش اول کلمه آکسان را وارد کند، قاری دیگر در بخش دوم و هر دو نیز معنا محور باشند، البته خط قرمزهایی هست.

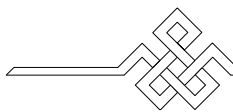
۱۱- ضربآهنگ کلمات و سیاق جملات، یک امر ثابت است تکیه در کلام و تکیه در کلمه دو بحث است ما سه گونه نبر داریم:

در سیاق گفتار: قوی، متوسط و ضعیف که این‌ها براساس نحوه گفتار در کلام عرب است و ذوقی و شخصی نیست.

نکته دیگر، درباره قرائت عبدالباسط گفته شد که تلاوت او معنا محور نیست!

بله اگر معنا محوری را یک امر انتزاعی از صوت محوری قرار دهیم می‌توان گفت تلاوت عبدالباسط با مثلاً مصطفی اسماعیل متفاوت است، اما اگر معنا محوری، با رعایت ضربآهنگ گفتار و سیاق کلام در تلاوت عبدالباسط نباشد، اعتبار تلاوت او ساقط می‌شود. لذا در بطن تلاوت عبدالباسط، معنای محوری نهفته است. بله می‌توان این طور گفت که: شیوه ارائه معنا محوری در عبدالباسط با مصطفی اسماعیل و سایرین متفاوت است.

۱۲- از فاکتورهای تلاوت احسن، تطابق لحن بر معنا و تأثر لحن از معنا است یعنی تصویر معانی و سبک داشتن در تلاوت، که به نوعی اساتید قصد داشتند به ایضاح و تبیین این موضوع

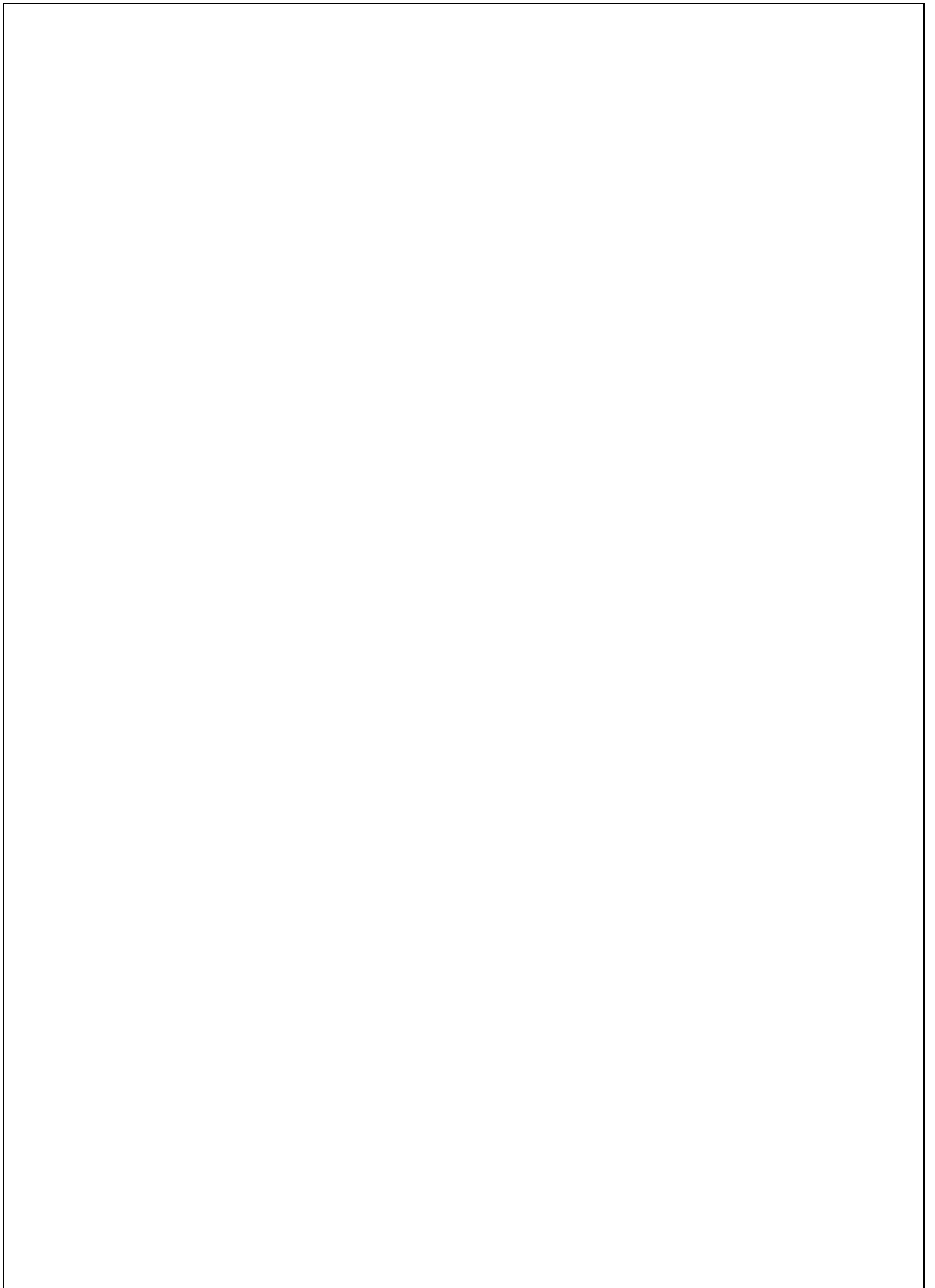


بپردازند.

۱۳- عمل کردن به این مباحث تنوری (مربوط به سبک تلاوت و غیره) بسیار مشکل است چون فضای حاکم بر تلاوت کشور، متأثر و محکوم به آیین نامه مسابقات است که امکان هر نوآوری را برای قاری از بین می‌برد. در این زمینه حتی باید همایشی برگزار نمود.

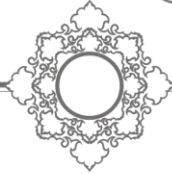
نکته بعد: آیا می‌شود از ترکیب موسیقی فارسی با موسیقی عربی به سبک جدید رسید؟ [جواب (آقای شاه‌میوه): محرک‌های درونی و بیرونی لازم است که شیوه‌ی جدید در تلاوت ابداع شود و این محرک‌ها در کشور ما وجود ندارد از سوی متولیان امر]

۱۴- همه مطالب که به صورت نظری مطرح شد، لازمه عمل به آن‌ها این است که قاریان بتوانند در محافل اجرا کنند. ولی متأسفانه مجال اجرای تلاوت در کشور ما خیلی کم است. و این مسأله نیاز به برنامه‌ریزی فرهنگی وجود دارد و حمایت مراکز قرآنی از قراء در این خصوص، ضروری است.



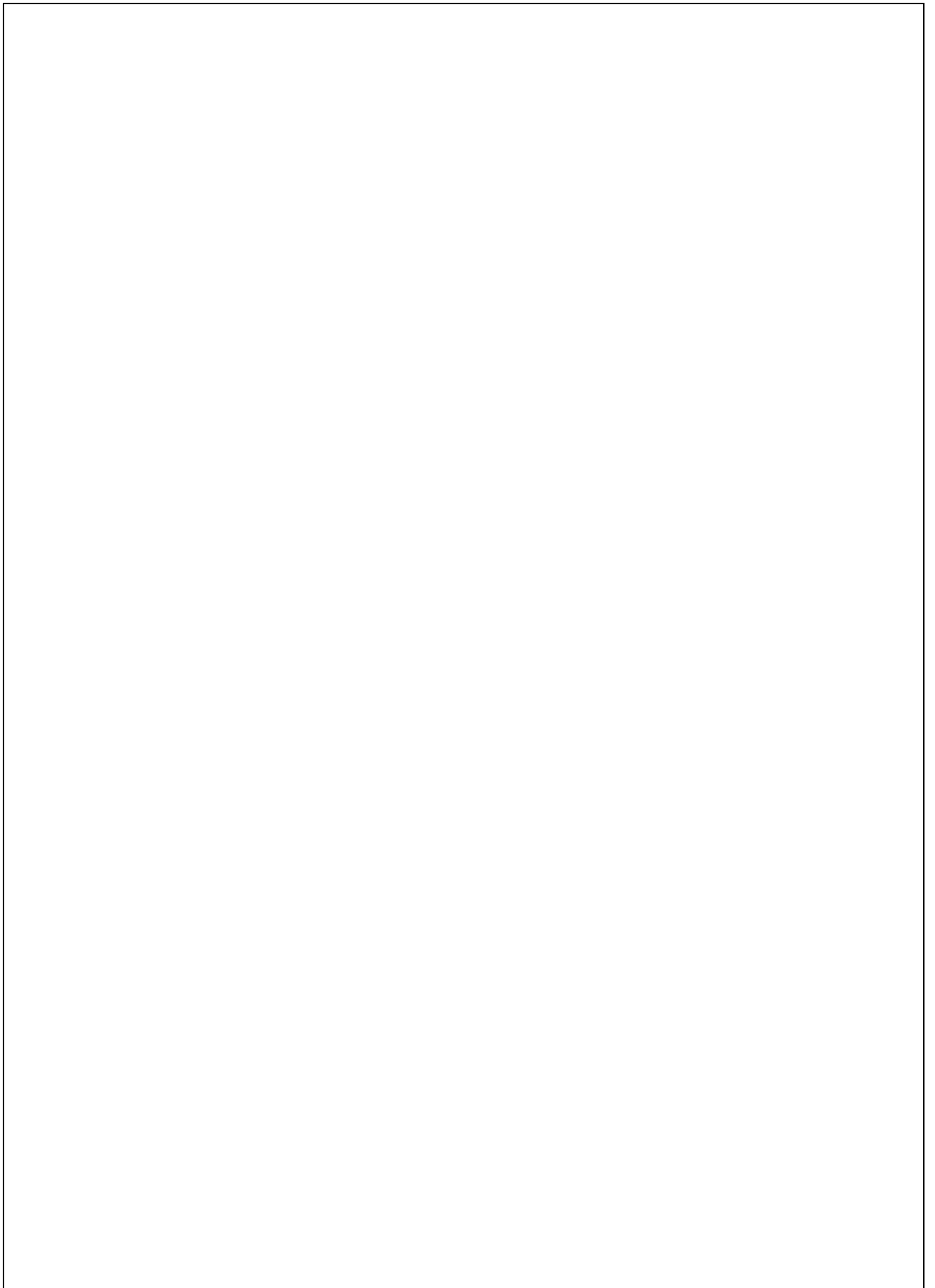


میکرم  
حفظ  
نستار  
فطرت  
نخست  
تخصص  
ارشد  
پایه



مبانی بنفایم و راهکارهای توسعه

# حفظ قرآن کریم





## ضرورت و روش حفظ قرآن از دیدگاه قرآن و روایات

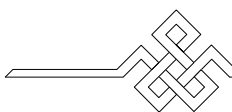
حجت الاسلام دکتر محمد حاج ابوالقاسم<sup>۱</sup>

### چکیده

موضوع حفظ قرآن کریم بعنوان یک عمل پسندیده از دیرباز مورد توجه منابع اصیل دینی بخصوص سنت قرار داشته و در روایات وارده از پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام این موضوع به شکل گسترده ای مورد توجه قرار گرفته است.

روایات مذکور در محورهای توصیه نسبت به حفظ قرآن، ترغیب به حفظ از طریق: بیان امتیازات معنوی، امتیازات اجتماعی، فواید و برکات حفظ قرآن، تشویق مادی برای حافظان قرآن و توصیه های ویژه در موضوعات مختلف به حافظان قرآن از جمله تشویق به مرور کردن آیات و آموزش برخی دعاها برای حفظ و رهنمودهایی برای تقویت حافظه قابل تبیین است.

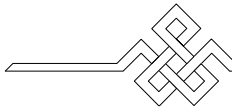
از سوی دیگر با نگاهی به روایات وارده میتوان به برتری روش محتوا محور در حفظ قرآن نسبت به روش صوت محور، که مبتنی بر حافظه شنیداری و نیز روش تصویر محور که مبتنی بر حافظه دیداری است، اذعان نمود. اگر چه استفاده از مزایای روش صوت محور و یا تصویر محور نیز از لابلای روایات وارده قابل استفاده است.



## ضرورت و روش حفظ قرآن از دیدگاه قرآن و روایات

نیز میتوان از میان روشهای آموزش قرآن روش مبتنی بر تلقین را برتر از روشهای دیگر از جمله حفظ با تکرار فردی و یا حفظ با محوریت کتابت که در برخی کشورها مرسوم است، دانست.

**کلید واژگان:** قرآن، روایات معصومین، ضرورت حفظ، فوائد حفظ، امتیازات حفظ، روشهای حفظ، روشهای آموزش حفظ



#### مقدمه

پس از قرآن کریم، مهمترین منبعی که برای شناخت فرهنگ اسلامی به آن مراجعه میشود، گفتار، رفتار و تقریر معصومان است، چرا که آنان به عنوان معلّمان و مفسران قرآن کریم از سوی خدای تعالی، عهده دار هدایت و راهبری بشریتند. با بررسی فرمایشات نورانی این عزیزان، در میابیم که ایشان در ضمن سخنان فراوانی که در این باره بیان فرموده اند، اقدام به تدوین یک نظام جامع برای تشویق، ترغیب و هدایت جامعه ی اسلامی به انس با قرآن از طریق حفظ آن، نموده اند.

با توجه به این که در مجامع کامل روایی، باب یا ابوابی به حفظ و حافظان قرآن اختصاص یافته است، بیان تمام روایات این موضوع نیازمند کتاب مستقّلی است؛ از همین رو برای رعایت اختصار، در این نوشتار فقط به بیان اجمالی و فهرست گونه این روایات در شش دسته، بسنده می کنیم.

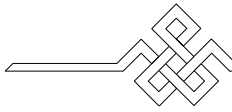
#### دسته یکم - توصیه نسبت به حفظ قرآن

با بررسی تاریخ و روایات وارده از پیامبر گرامی اسلام و ائمه طاهرين عليهم السلام، به روایاتی بر می خوریم که آنان اصحاب و یاران خویش را به صورتهای گوناگون به حفظ قرآن کریم توصیه فرموده اند. ناگفته پیداست که تشویق به یک امر، نشانگر مطلوبیت و اهمیت آن امر در نظر آن مردان پاک الهی است.

پیامبر گرامی اسلام به یاران و اصحاب خویش توصیه میفرمود: «قرآن را بخوانید و آن را به خاطر سپارید، چرا که خداوند قلبی که قرآن را در خود جای داده است، عذاب نمی کند».<sup>۱</sup> این امر تا بدان جا مورد توجه و عنایت حضرت بود که درباره افراد بی بهره از حفظ قرآن این گونه فرموده اند: «کسی که در اندرونش چیزی از قرآن نیست، همانند خانه ای ویران است».<sup>۲</sup>

۱. اِقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَ اسْتَظْهِرُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنَ؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۴۵، بَابُ اسْتِحْبَابِ حِفْظِ الْقُرْآنِ وَ تَحْمِلِ الْمَشَقَّةِ فِي تَعَلُّمِهِ وَ حِفْظِهِ.

۲. إِنْ أَلْدَى لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ؛ میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۴۸۱۶، ح ۱۶۴۷۴.



دسته دوم - ترغیب به حفظ از طریق بیان امتیازات معنوی

درجه حافظ قرآن در بهشت

پیامبر اکرم فرمود: درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است. چون صاحب قرآن وارد بهشت شود، به او گفته میشود، بخوان و بالا برو. هر آیه‌ای را درجه‌ای است. پس [در آن روز] برتر از درجه حافظ قرآن درجه ای نیست.<sup>۱</sup>

همنشینی حافظ قرآن با انبیاء (علیهم السلام)

پیامبر اکرم فرمود: «گرامی ترین مردم نزد خداوند پس از انبیاء، علماء و پس از ایشان حاملان قرآنند. مانند انبیاء از دنیا خارج میشوند و به همراه ایشان محشور میگردند و با ایشان از پل صراط عبور کرده و پاداششان نیز همانند پاداش انبیاء است. پس خوش به حال طالبان علم و حاملان قرآن به سبب شرف و کرامتی که در نزد خداوند دارند...»<sup>۲</sup>

دسته سوم - ترغیب به حفظ از طریق بیان امتیازات اجتماعی

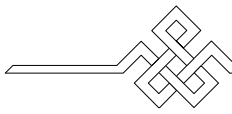
اولویت حافظ قرآن در مناصب اجتماعی در عصر نبوی

در عصر نبوی، حفظ قرآن چنان اهمیت داشت که حتی غلامان حافظ قرآن نیز بر مردم عادی مقدم شمرده می شدند. مسلمانان، سخت به یادگرفتن و حفظ قرآن اهمیت می دادند و اصولاً شخصیت افراد در آن عصر تا حد زیادی با این معیار شناخته می شد که تا چه اندازه از آیات قرآن را حفظ کرده بودند. وقتی مهاجران به مدینه هجرت کردند، سالم، غلام ابوحنیفه،

۱. عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَدَدُ دَرَجِ الْجَنَّةِ عَدَدُ آيِ الْقُرْآنِ فَإِذَا دَخَلَ صَاحِبُ الْقُرْآنِ الْجَنَّةَ قِيلَ لَهُ ارْقَأْ وَ ارْقَأْ [اِقْرَأْ وَ ارْقَأْ] لِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةٌ فَلَا تَكُونُ فَوْقَ حَافِظِ الْقُرْآنِ دَرَجَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۲.

۲. (إِنَّ أَكْرَمَ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا يَخْرُجُ الْأَنْبِيَاءُ وَ يُحْشَرُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ يَمُرُّونَ عَلَى الصَّرَاطِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ يَأْخُذُونَ تَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ فَطُوبَى لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَ حَامِلِ الْقُرْآنِ مِمَّا لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكِرَامَةِ وَ الشَّرَفِ) مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۴۴، ح ۴۶۰۴.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۷.



به دلیل اینکه از همه به فنون قرائت و حفظ قرآن آشناتر بود، امامت جماعت آن‌ها را بر عهده داشت.<sup>۱</sup>

بر کسانی که اطلاعی از تاریخ اسلام دارند، منزلت بلند قاریان و حافظان قرآن و مقام رفیع ایشان در میان مردم [عصر نبوی]، پوشیده نیست.<sup>۲</sup>

با توجه به همین جایگاه رفیع بوده است که تاریخ، نام حافظان قرآن در عصر پیامبر را ثبت نموده است و نام مولای متقیان علی (علیه‌السلام) در صدر آن میدرخشد.<sup>۳</sup>

بسیاری از منصب‌ها و مسئولیت‌ها، همچون فرماندهی و امامت جماعت به حسب میزان آشنایی و حفظ اشخاص از قرآن کریم، به ایشان محوّل می‌گردید. تاریخ شواهد بسیاری بر آن اقامه کرده است.

از جمله این که روزی نبی مکرم اسلام قصد داشت جمعیتی را [برای انجام مأموریتی] به مکانی بفرستد. ایشان از یک یک آنان می‌پرسید که چه مقدار از قرآن و کدام سوره را حفظ دارد، تا به جوانی که از همه سنّش کمتر بود رسید؛ او در جواب این سؤال حضرت، اظهار داشت: قسمتی از قرآن به علاوه سوره بقره را حفظ دارد. حضرت رو به جمعیت کرد و فرمود: اکنون بروید؛ این جوان امیر بر شما است. گفتند: ای پیامبر خدا او از همه ما سنّ کمتری دارد. حضرت فرمود: آری ولی سوره بقره را حفظ دارد.<sup>۴</sup>

همچنین در هنگام خاک سپاری شهدای جنگ اُحد، فرمود: ببینید کدام یک از آنها [آیات] بیشتری از قرآن حفظ کرده است، پس [برای اکرام و بزرگداشت او] او را پیش از دیگران به خاک بسپارید.<sup>۵</sup>

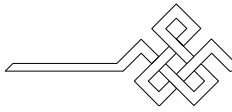
۱. معجم حقاظ القرآن عبر التاريخ، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۳.

۳. کشف الفهارس، ص ۱۳۳.

۴. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۵.

۵. عن رسول الله فی غزوة اُحد فی دفن الشهداء؛ انظروا أكثرهم جمعاً للقرآن فاجعلوه أمام صاحبه فی القبر. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۵۲۳.



شریف ترین امت

رسول گرامی اسلام فرمود: «شریف ترین مردم امت من، حاملان قرآن و شب زنده دارانند»<sup>۱</sup>.

توصیه به اکرام حافظان قرآن

پیامبر رحمت فرمود: «حامل قرآن، پرچم دار اسلام است، هر که او را گرامی بدارد، خداوند را گرامی داشته است و هر که به او اهانت کند، لعنت خداوند بر اوست»<sup>۲</sup>.

بیان تأثیرات مثبت حفظ قرآن بر جامعه

پیامبر اسلام در سخنی گهربار، یکی از فواید حفظ قرآن و حامل این کتاب مقدس را از بُعد اجتماعی، این گونه بیان فرموده‌اند: «قرآن را فرا بگیرید؛ زیرا حامل و (حافظ) قرآن همانند کسی است که انبانی پر از مُشک را به دوش گیرد، اگر آن را باز کند بوی خوش آن، مشام‌ها را معطر نماید و اگر آن را نگاه دارد، عطر نگاه داشته است»<sup>۳</sup>.

دسته چهارم - ترغیب از طریق بیان فواید و برکات حفظ قرآن

در برخی روایات فواید و خواصی برای حفظ قرآن ذکر شده است؛ این امر نشانگر اهمیت و سودمندی حفظ قرآن کریم است. در عین حال نوعی تشویق و تحریص مسلمانان بر این امر مقدس نیز به شمار می‌رود. در ادامه به برخی از این احادیث اشاره می‌شود.

بهره مندی از عقل

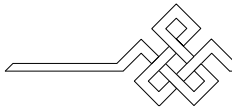
رسول اکرم فرمود: «هر که قرآن را حفظ نماید، خداوند او را تا پایان عمر از نعمت عقل

۱. عن ابن عباس قال: قال رسول الله: أشرف أمتي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ؛ معاني الأخبار، ص ۱۷۸.

۲. حَامِلُ الْقُرْآنِ حَامِلُ رَايَةِ الْإِسْلَامِ، مَنْ أَكْرَمَهُ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ، وَمَنْ أَهَانَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. ميزان الحكمة، ج ۳، ص ۲۵۲۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۴۶.





بهره‌مند می‌نماید».<sup>۱</sup>

مصونیت از بلا

رسول اکرم فرمود: «هنگامی که خداوند بلایی را از آسمان میفرستد، حاملان قرآن و آنان که بر اوقات نماز مراقبت میکنند و آبادگران مساجد را، از آن حفظ می‌کند».<sup>۲</sup>

آمزش گناهان

رسول گرامی اسلام فرمود: «کسی که قرآن را از حفظ بخواند و گمان کند خدای تعالی او را نمی‌آمزد، در شمار کسانی است که آیات الهی را به تمسخر گرفته است».<sup>۳</sup>

سرشناسی و مهتری در بهشت

پیامبر اکرم فرمود: «حاملان (حافظان) قرآن، سرشناسان اهل بهشت اند».<sup>۴</sup>

حق شفاعت

رسول اکرم فرمود: «کسی که قرآن را به خاطر سپرده و حفظ نماید و حلال آن را حلال و حرام آن را حرام بداند، خدای تعالی او را وارد بهشت سازد و شفاعت او را برای ده نفر از خاندانش که تمامی آن‌ها اهل آتش اند [اما مستحق شفاعت]، بپذیرد».<sup>۵</sup>

دسته پنجم - تشویق‌های مادی برای حفظ قرآن

با مطالعه تاریخ و سیره، به مواردی دست می‌یابیم که معصومین برای تشویق به حفظ، برای حافظان قرآن سهم ویژه‌ای از بیت المال مسلمین قرار داده اند.

۱. مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ مَتَعَهُ اللَّهُ بِعَقْلِهِ حَتَّى يَمُوتَ؛ ميزان الحکمة، ج ۱۰ ص ۴۸۱۸، ح ۱۶۴۸۸.

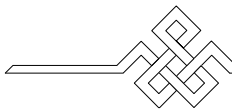
۲. إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَاقِبَةً مِنَ السَّمَاءِ عُوْفِيْ مِنْهَا حَمَلَةٌ الْقُرْآنِ وَ رِعَاةُ الشَّمْسِ أَيْ الْحَافِظُونَ لِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَ عَمَّارُ

الْمَسَاجِدِ؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۰.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۶۹.

۴. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۷.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۴۵.



امام علی در زمان خلافت خویش برای سوق دادن مسلمانان به سمت حفظ قرآن و قدردانی از تلاش های حافظان و نشان دادن جایگاه آنان در جامعه اسلامی می فرمودند: «کسی که اسلام را بپذیرد و قرآن را قرائت (حفظ) نماید، سالانه دویست دینار از بیت المال مسلمانان سهم دارد، اگر در دنیا از آن محروم گردد، در روز قیامت که به آن نیازمندتر است به طور کامل آن را دریافت خواهد نمود».<sup>۱</sup>

دسته ششم - توصیه های ویژه به حافظان

تشویق به مرور کردن آیات

یکی از وظایف مهمی که حافظ قرآن با آن مواجه است، مرور و یادآوری آیات است. در این باره از پیامبر گرامی اسلام روایت شده که فرمودند: «با یادآوری (و مرور) آیات قرآن، بر (حفظ) آن مواظبت کنید».<sup>۲</sup>

همچنین در حدیثی دیگر می فرمایند: «اگر حافظ و همنشین قرآن همت گمارد و شب و روز (به مرور) و قرائت آن پردازد، آن را به یاد می آورد، در غیر این صورت آن را فراموش می کند».<sup>۳</sup>

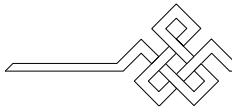
بی توجهی و غفلت از مرور آیات، موجب ضعف در محفوظات و فراموشی آن میگردد. از یاد بردن آیات حفظ شده، آن قدر ناپسند و نازیباست که اهل بیت، آن را موجب حسرت ابدی میدانند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر که سوره ای از قرآن را فراموش نماید، آن سوره با صورتی زیبا و درجه ای رفیع در بهشت بر او تمثّل یافته [و ظاهر میگردد]؛ هنگامی که فرد، آن سوره [تمثّل

۱. مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ طَائِعًا وَ قَرَأَ الْقُرْآنَ ظَاهِرًا فَلَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِائَتَا دِينَارٍ فِي بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ إِنْ مَنَعَ فِي الدُّنْيَا أَخَذَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَافِيَةٌ أَحْوَجَ مَا يَكُونُ لِنَيْهَا؛ الخصال، ج ۲، ص ۶۰۲.

۲. تَعَاهَدُوا الْقُرْآنَ بِالتَّذْكِرَةِ؛ كَلِيدُ حِفْظِ الْقُرْآنِ، ص ۶۷، به نقل از اسدالغابة، ج ۳، ص ۵۳۷.

۳. إِذَا قَامَ صَاحِبُ الْقُرْآنِ قَرَأَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ذَكَرَهُ وَ إِذَا لَمْ يَقُمْ بِهِ نَسِيَهُ؛ همان ص ۶۸، به نقل از صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۴۴، حدیث ۲۲۷.



یافته] را مشاهده می کند، می گوید: تو چقدر زیبا هستی، ای کاش تو برای من بودی؛ پس آن سوره پاسخ می دهد: آیا مرا نمی شناسی؟ من فلان سوره هستم، اگر مرا فراموش نمی کردی تو را به این درجه معنوی [والا] میرساندم.<sup>۱</sup>

### آموزش برخی دعاها برای فراموش نکردن قرآن

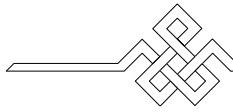
یکی از شواهد بسیار ارزشمند در شناخت سیره پیامبر گرامی و فرزندان پاکش علیهم السلام درباره حفظ قرآن، وارد شدن برخی ادعیه مخصوص حفظ و فراموش نکردن آیات قرآن است. پیامبر اکرم دعایی را به حضرت علی علیه السلام برای فراموش نکردن قرآن آموختند و فرمودند: این گونه دعا کن:

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعْصِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَارْحَمْنِي مِنْ تَكَلُّفِ مَا لَا يَعْينِي وَارْزُقْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا يُرْضِيكَ، وَالْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي وَارْزُقْنِي أَنْ أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِكِتَابِكَ بَصْرِي وَأَشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَأَطْلُقْ بِهِ لِسَانِي وَاسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي وَقَوِّنِي بِهِ عَلَى ذَلِكَ وَأَعِنِّي عَلَيْهِ إِنَّهُ لَا يُعِينُ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.<sup>۲</sup>

«بارخدا! یا! به من رحمت آر که تا زنده هستم هیچگاه نافرمانی تو نکنم و به من رحمت آر که در چیزهای بیهوده به زحمت نیفتم و نیک اندیشی در آنچه که تو را خشنود میکند، روزیم فرما و حفظ کردن کتابت را آن گونه که به من آموختی با قلبم ملازم و همراه گردان و تلاوت آن را به گونه ای که تو را از من خشنود گرداند، روزیم فرما. بارخدا یا! به وسیله کتابت دیده (بصیرت) مرا روشن گردان و سینه ام را فراخ ساز و زبانم را باز و گویا کن و پیکرم را در راه آن به کار گیر و در این باره با قرآن نیرویم بخش و بر آن کمک فرما که در این زمینه جز تو کسی کمک نکند؛ معبودی جز تو نیست.»

۱. مَنْ نَسِيَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ مَثَلَتْ لَهُ فِي صُورَةِ حَسَنَةٍ وَدَرَجَةٍ رَفِيعَةٍ فَإِذَا رَأَاهَا قَالَ مَا أَنْتَ مَا أَحْسَنَكَ لَيْتَكَ لِي فَيَقُولُ أَمَا تَعْرِفُنِي أَنَا سُورَةٌ كَذَا وَكَذَا وَلَوْ لَمْ تَنْسِنِي رَفَعْتَكِ إِلَيَّ هَذَا؛ الكافي؛ ج ۲، ص ۶۰۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۰۸.



در برخی کتابهای روایی نماز مخصوصی برای شروع حفظ قرآن کریم با آداب ویژه‌ای، ذکر شده است. همه این امور به خوبی نشان دهنده ارزش والای حفظ قرآن و جایگاه آن نزد رهبران حقیقی جامعه اسلامی است.<sup>۱</sup>

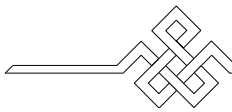
### توصیه‌های اخلاقی ویژه به حافظان قرآن

در سیره پیامبر گرامی اسلام به فرمایشاتی بر میخوریم که آن حضرت نکات اخلاقی ویژه‌ای را به حافظان و حاملان قرآن کریم گوشزد نموده اند. توصیه‌های اخلاقی ویژه به حافظان، نشانگر جایگاه اجتماعی مهمی است که اهل قرآن در جامعه نبوی از آن برخوردار بوده اند و اعمال و رفتار آنان به صورت خاص مورد توجه پیامبر گرامی اسلام نیز بوده است. طبیعی است این افتخار بزرگ و امتیاز ویژه یعنی حفظ آیات و انس با مفاهیم انسان ساز آن کتاب عزیز و جایگاه با کرامت خود قرآن به عنوان قانون اساسی مسلمانان و برترین کتاب هدایت و سعادت آنان، باعث می شد همواره در جامعه دینی و در میان مسلمانان مورد توجه و عنایت خاص باشند. در نتیجه حافظان قرآن افراد برگزیده و ممتازی به شمار آمده و مورد توجه دیگر مؤمنان به عنوان الگو و اسوه مطرح بوده اند. این در جای خود امری صحیح و برگرفته از فرهنگ دینی بود. چنان که امام صادق (علیه السلام) از قول جد بزرگوارشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کنند که حضرت فرمود: «اهل قرآن از لحاظ رتبه های معنوی در زمره برترین انسان ها (به جز انبیاء و پیامبران) هستند. حقوق اهل قرآن را پایمال نکنید. زیرا آنان دارای مقام والایی نزد خداوند هستند».<sup>۲</sup>

اما این امر، مسئولیت سنگینی را به دوش حافظان و حاملان قرآن می گذارد. چرا که همواره به عنوان الگوهای رفتاری دیگر مسلمانان، زیر ذره بین دقیق آنان قرار گرفته و صلاح و سلامت اخلاقی آنان در باقی افراد جامعه نیز تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر، انحرافات اخلاقی و خصوصیات نازیبا و ناشایست، احتمال سستی، انحراف و خدای ناکرده بدبینی نسبت به دین و

۱. ار.ک: مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۸۴ تا ۳۸۶، ح ۴۹۸۶ و ۴۹۸۷ و بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۸۸.

۲. ثواب الأعمال، ص ۹۹.

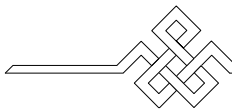


پیروان آن را در پی خواهد داشت. اکنون نمونه هایی از دغدغه های نبی مکرم اسلام را بازگو می کنیم:

حضرت در بیاناتی فرمود: «سزاوارترین مردم به خشوع داشتن در آشکار و نهان، حامل قرآن است. سزاوارترین افراد به انجام عبادات، نماز و روزه در آشکار و نهان، حامل قرآن است. سپس با صدای بلند فرمود: ای حامل قرآن به واسطه قرآن تواضع نما تا خدا درجه تو را بالا برد و تکبر نوزد تا خدا تو را زبون نسازد؛ ای حامل قرآن خود را با قرآن برای خدا بیاری، تا خدا به تو آراستگی دهد. نه برای مردم تا خدا تو را بدان زشت کند. هر که قرآن را ختم نماید، گویی نبوت در سینه اش جای داده شده است، جز این که بر او وحی نمی شود. کسی که قرآن را در سینه خود جای داده با کسی که با او به جهالت برخورد میکند، جاهلانه رفتار نمیکند و بر کسی که بر او غضب کند، غضب نمیکند و با کسی که با او تندی کند، به تندی برخورد نمیکند؛ بلکه با عفو و گذشت و بخشش برخورد می کند و به جهت تعظیم و بزرگداشت قرآن، صبر و بردباری می نماید...»<sup>۱</sup>

نبی رحمت با موشکافی دقیق و بازکاوی جایگاه حاملان قرآن، این توصیه ها را بیان فرموده است. پرداختن به این موضوع بسیار حائز اهمیت است که چرا حضرت بر انجام عبادات و تذکر و خشوع در برابر خداوند هم در نهان و هم به صورت آشکارا تأکید میفرماید؟ پیداست که این جایگاه، آن قدر خطیر است که حاملان قرآن در معرض برخی خطرات و

عَمُرُو بَنِ جَمِيعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا حَامِلِ الْقُرْآنِ تَوَاضِعْ بِهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ وَلَا تَعَزَّزْ بِهِ فَيُدْلِكَ اللَّهُ يَا حَامِلِ الْقُرْآنِ تَزَيَّنْ بِهِ لِلَّهِ يَزِينُكَ اللَّهُ بِهِ وَلَا تَزَيَّنْ بِهِ لِلنَّاسِ فَيَشِينُكَ اللَّهُ بِهِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا أُدْرِجَتْ النُّبُوَّةُ بَيْنَ جَنْبَيْهِ وَكَأَنَّهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ وَمَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فَنَوَّلَهُ لَا يَجْهَلُ مَعَهُ مَنْ يَجْهَلُ عَلَيْهِ وَلَا يَغْضَبُ فِيمَنْ يَغْضَبُ عَلَيْهِ وَلَا يَجِدُ فِيمَنْ يَجِدُ وَكَأَنَّهُ يَغْفُو وَيَصْمَحُ وَيَغْفِرُ وَيَحْلُمُ لَتَعْظِيمِ الْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْتِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ أَوْ تَى أَفْضَلَ مِمَّا أَوْتِيَ فَقَدْ عَظَّمَ مَا حَقَّرَ اللَّهُ وَحَقَّرَ مَا عَظَّمَ اللَّهُ وَفِيهِ، وَرَوَى لَا تَبْلَى عَشْرَةَ الْغَازِي وَالْمُؤَدِّنَ وَالْعَالِمَ وَحَامِلِ الْقُرْآنِ وَالشَّهِيدَ وَالنَّبِيَّ وَالْمَرْأَةَ إِذَا مَاتَتْ فِي نَفْسِهَا وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا وَمَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ لَيْلَتِهَا؛ وَسَائِلُ الشَّيْخَةِ، ج ٦، ص ١٨١.



آسیب های اخلاقی و اجتماعی هستند؛ از همین رو اگر اهل دقت و خودسازی و توجه به معبود نباشند، نمی توانند به سلامت، راه معرفت را پیمایند و احتمال لغزش برای آنان بسیار وجود دارد. نکته قابل توجه این است که معمولاً در فرهنگ دینی، انجام عبادات واجب به صورت آشکار و عبادت های مستحب، به صورت نهانی فضیلت دارد. هر یک از این دو شیوه نیز ثمرات و اثرات متفاوتی دارد. بنابراین با توجه به تأکید یادشده، حامل قرآن برای یاری طلبیدن از خدای متعال در انجام وظایف خود و بیمه شدن در برابر لغزشگاه ها، لازم است ارتباط خویش با معبود را به خصوص در خلوت، ارتقاء بخشیده، با او انس گرفته و برای راه یابی و ماندگاری در صراط مستقیم و پیمودن راه معرفت، از او مدد جوید.

### رهنمودهایی درباره تقویت حافظه<sup>۱</sup>

در یک نگاه کلی به احادیثی که درباره پیش گیری از ناتوان شدن نیروی حافظه و یا تقویت، شادابی و جوان ماندن نیروی عقل وارد شده است، می توان آن ها را به چهار دسته تقسیم نمود:  
یکم: احادیثی که برای پیشگیری از فرسودگی نیروی حافظه و یا تقویت آن، رعایت برخی از امور بهداشتی را توصیه کرده اند.

دوم: روایاتی که تغذیه درست و استفاده از برخی خوردنی ها و اجتناب از برخی دیگر را در جوان ماندن نیروی حافظه و قوای ادراکی مؤثر می دانند.

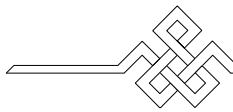
سوم: رهنمودهایی که قوت و یا ضعف قوه حافظه را از بُعد مسایل روانی نگرسته و با آن مرتبط دانسته و برخی اقدامات فرهنگی را در این زمینه سودمند میدانند.

چهارم: روایاتی که تأکید دارند، پیش گیری از ناتوانی نیروی حافظه و تقویت آن، از طریق به کارگیری و ورزش دادن آن امکان پذیر است.

اکنون برخی از این رهنمودها را بیان می نمایم:

الف) رعایت بهداشت

۱. برگرفته از مباحث مطرح شده در کتاب کلید حفظ قرآن، صص ۴۸ تا ۵۳ با اندکی تصرف.



سلامتی و توان مندی قوای ادراکی و نیروی حافظه، ارتباط مستقیم با سلامتی و شادابی جسم دارد؛ تا آن جا که در مثل آمده است: «عقل سالم در بدن سالم است». این امر مورد قبول روایات نیز هست. از این رو اجتناب از همه عوامل بیماری‌زا و بهره‌گیری از اموری که موجب تقویت و نشاط جسم است، مانند ورزش و تفریحات سالم، در جوان ماندن قدرت حافظه مؤثر است. علاوه بر آن در روایات اسلامی بر موارد دیگری از جمله، مسواک زدن، ناخن گرفتن، روغن مالی پوست، استراحت کافی، خواب میان روز و حجامت کردن تأکید شده است.

### ب) تغذیه سالم

غذای سالم و استفاده درست از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز مانند موارد پیشین، برای پیش‌گیری از فرسودگی نیروی حافظه، ضروری است. اما آنچه در این باره مورد توجه روایات است عبارت است از:

عسل، عدس، گوشت، کرفس، کدو، به، خرفه، اترج، باقلا، سرکه، انار همراه پیه‌آن، مویز، حلوا، گندر، زعفران، قرنفل، حرمل (سداب)، چغندر.

همچنین پرهیز از خوردن پنیر، سیب ترش، گشنیز و پس خورده موش که در روایات

۱. قَالَ خَسُّ خَسَالٍ مَنْ قَفَّدَ وَاحِدَةً مِنْهُمْ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مُشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلَاهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ ... ؛ وسائل الشیعة ج ۲۰، ص ۵۱، ح ۲۵۰۱۰.

۲. ثَلَاثَةٌ تَذْهَبُ الْبَلْغَمَ وَ تَرِيدُ فِي الْحَنْظِ الصُّومُ وَ السُّوَاكُ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ؛ بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۷۲.

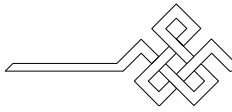
۳. به ویژه گوشت نزدیک گردن.

۴. مویز یا زیبب به انگور سیاه که دانه‌های آنها درشت است گفته می‌شود وقتی که این دانه‌ها را خشک کنند بدان مویز می‌گویند. اگر کسی بخواهد از حافظه قدرتمندی برخوردار باشد باید صبح‌ها ناشتا (قبل از صبحانه) بیست و یک دانه به ویژه اگر سرخ و بی دانه باشد، مصرف کند. محققان می‌گویند خوردن مویز از بروز بیماری آلزایمر جلوگیری می‌کند.

۵. کندر: تراوش‌های خشک و صمغی شکل که پس از شکاف بر روی تنه گونه‌های مختلف از گونه (Boswellia) و خانواده (Burseraleae) به دست می‌آید و دارای ۲۴ گونه است. کندر دارای خواص بسیار زیادی از جمله تقویت کننده و تیز کننده حافظه و ضد فراموشی است. نام فارسی آن کندر و نام علمیش (Boswellia Papyrifera-Hocst) می‌باشد. (به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن تحقیقات طب سنتی ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران).

۶. قرنفل گیاهی است دو ساله از جنس میخک‌ها (Dianthus)، راسته میخک‌سانان (Caryophyllales)، خانواده میخکیان (Caryophyllaceae) با گل‌های کوچک، مخملی به رنگ‌های صورتی، سفید، قرمز، بنفش و مخلوط سفید و قرمز. قرنفل به نام‌های لونک و قرفلون نیز نامیده می‌شود، دارای خواص بسیاری از جمله تقویت حافظه، نشاط آور و تقویت کننده اعصاب می‌باشد.

۷. نام‌های فارسی: اسفند، اسپند، سپند، سداب کوهی، حرمل، حرمله، سهنج، اورلیک و نام‌های انگلیسی آن: Wild rue-syrian rue-harme-African rue می‌باشد. حرمل یا اسفند، گیاهی چند ساله و علفی است که در بسیاری از زمینها و مراتع ایران می‌روید. گیاهی پر برگ است و برگ‌های آن به رنگ سبز روشن و دارای تقسیمات باریک، دراز و نامنظم هستند. دارای خواص بسیاری از جمله آمیب کش، ضد باکتری، ضد عفونی کننده، مسکن و ... می‌باشد. در کشورهای مختلف به نحوه‌های گوناگونی از جمله روغن، محلول و ... استفاده می‌شود. مصرف این گیاه دارویی حتماً باید با مشورت و تجویز اهل فن و پزشک باشد.



اسلامی موجب کم شدن حافظه و فراموشی معرفی شده است. مهمترین نکته‌ای که در پیشگیری از ضعف قوای ادراکی و حافظه از نظر تغذیه مورد تأکید روایات است، عبارت است از اجتناب از پرخوری و عادت دادن خود به کم خوری و روزه داری.

#### ج) تقویت روان

اموری که موجب تقویت روانی انسان است نیز به جوان ماندن قدرت اندیشه و نیروی حافظه کمک می‌کند:

یاد خدا و یاری جستن از او، قرائت قرآن به ویژه خواندن «آیه الکرسی»، رعایت ادب و مهربانی با افراد نادان، از عوامل تقویت نیروی عقل و حافظه شمرده شده است. در برخی روایات از مولا علی (علیه السلام) به نقل از نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، خواندن این دعا بعد از هر نماز توصیه شده است:<sup>۱</sup>

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْأَوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

د) ورزش حافظه

ورزش، همان طور که می‌تواند قوای جسمانی انسان را تقویت کند، قادر است قوای روحی و ادراکی او را نیز توانمند و شاداب و بانشاط سازد؛ ورزش قوای ادراکی، به کارگیری صحیح و منظم آن در تحصیل دانش است. از این رو در روایات اسلامی تحصیل علم و زیاد بودن فعالیت های علمی یکی از عوامل پیش گیری از فراموشی و تقویت اندیشه شناخته شده است. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «آن که بسیار به بحث و درس علمی بپردازد، آن چهار فراگرفته فراموش نکند...»<sup>۲</sup>

#### فوائد حفظ

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۷۸، ح ۵۳۹۱.

۲. مَنْ أَكْثَرَ مُدَارَسَةَ الْعِلْمِ لَمْ يَسْ مَا عِلْمٌ...؛ غررالحکم، ص ۴۹، ح ۲۷۱.



با مطالعه روایات اسلامی، فوائد زیادی برای حفظ قرآن به دست می آید، که عبارتند از:  
یکم: توفیق تدبّر

یکی از مهم ترین اهداف نزول قرآن، تدبّر در آیات آن می باشد:

کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبّروا آیاته<sup>۱</sup>

تدبّر در آیات با یک بار و دو بار خواندن حاصل نمی شود و نیاز به انس دائمی با قرآن دارد. از بهترین شیوه های انس با قرآن، حفظ آیات کریمه آن می باشد. پس حفظ قرآن یکی از مقدمات تدبّر در قرآن می باشد. چرا که حافظ برای تسلط بر محفوظات خویش، توفیق می یابد به صورت دائمی، روزانه آیات فراوانی از قرآن را تلاوت کند و این به معنای فرصتی مناسب برای تدبّر و فهم قرآن است

دوم: تسلط بر دستورالعمل هدایت و بندگی

این تعبیر از بزرگان نقل شده است که امروزه هر تجهیزاتی که به دست بشر به بازار عرضه میشود، در کنارش دفترچه ای به عنوان راهنمای استفاده از آن قرار داده میشود. پس آیا ممکن است که پیچیده ترین موجود این عالم خاکی، با این ابعاد مختلف وجودی، دارای دستورالعمل و دفترچه راهنما نباشد؟! البته که ممکن نیست حکیم ترین خالق برای پیچیده ترین مخلوق خود، کتاب هدایت قرار ندهد. پس در صورتی انسان توان عمل به مقتضای این کتاب هدایت را خواهد داشت که از تک تک دستورات، مفاهیم و جایگاه آیات اطلاع داشته باشد.

مرحوم آیت الله بهجت هدف از حفظ قرآن را این گونه ترسیم می فرمودند:

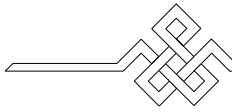
« قرآن را حفظ کنیم تا همیشه با ما باشد و ما با او باشیم، به قرآن تحصّن بکنیم و آن را وسیله

حفظمان در فتن و شداید دنیا قرار بدهیم».<sup>۲</sup>

کسی که طالب عمل به قانون الهی است، باید به تک تک قوانین، اشراف و تسلط کامل

۱. سوره صاد، ۲۹.

۲. به سوی محبوب، ص ۷۱.



داشته باشد و اصولاً بهترین و کیل، کسی است که کتاب قانون را از بر داشته باشد. قرآن نیز قانون زندگی است و کسی که خواهان عمل به آیات قرآن است، باید در این حد با آن آشنا و مأنوس باشد.

#### سوم: توفیق عمل

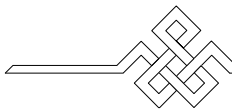
یکی از فواید بسیار مشهود حفظ قرآن کریم، توفیق عمل به آیات قرآن است. یکی از آثار و برکات انس با قرآن، اثر تربیتی و سازنده انس با این کتاب شریف است. مولای متقیان و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در وصف قرآن کریم می‌فرمایند: «... بدانید که قرآن مشاوری است که خیانت نمی‌ورزد و راهنمایی است که گمراه نمی‌کند و گوینده‌ای است که دروغ نمی‌گوید. هیچ کس با این قرآن نشست، مگر این که با افزایش یا کاهش از نزد آن برخاست: افزایش در هدایت یا کاهش در کوری و گمراهی»<sup>۱</sup>.

آری حافظ قرآن با انس مستمر با گزاره‌های انسان ساز قرآن، تأمل و تدبّر در آیات، زمینه مناسب تری برای عمل به دستورات قرآن کریم دارد. در هر حادثه و واقعه‌ای، ناخودآگاه قرآن به عنوان مشاور راستین که همواره، همراه حافظ و صاحب خویش است، نقش هدایت بخش خود را ایفا نموده و آیه‌ای نورانی را به عنوان دستورالعمل در ذهن حافظ تداعی و یادآوری می‌نماید. مطابق فرمایش مولا علی (علیه السلام)، صرف نشست و برخاست با قرآن، زمینه ساز هدایت و عمل به آیات و رفع نقصانها و افزایش در هدایت و صلاح است.

#### چهارم: افتخار آفرینی برای تشیع

بسیاری از فرق مسلمین فراگیر نبودن حفظ قرآن در میان شیعه را بهانه و دست آویزی جهت تضعیف و تخریب شیعه قرار داده‌اند و همواره در کتابها و رسانه‌های خود به آن دامن می‌زنند. تا جایی که بعضی از مفسران این فرقه‌ها و دیگر نویسندگان آنان از انواع تهمت‌ها و افتراهای واهی مبنی بر عدم توجه به قرآن و اعتقاد به تحریف آن در حق شیعه دریغ نکرده‌اند. اگر چه ظهور

<sup>۱</sup> میزان الحکمه، ح ۱۶۴۱۳.



چهره‌های قرآنی و حفظ قرآن از خردسال و نوجوان و جوان در میان شیعه، به برکت انقلاب اسلامی تا حد زیادی این شبهات را پاسخ گفته است؛ اما این مقدار کافی نبوده و اهتمام همگان را می‌طلبد.

پنجم: پاسخ گویی به شبهات

غالب شبهاتی که نسبت به عقاید شیعه مطرح می‌گردد با آیات قرآنی، قابل پاسخگویی است. چرا که تنها مرجع معرفتی که در میان مسلمانان در اصل آن اختلافی نیست و برای منصفان مورد قبول است، قرآن کریم است. البته این امر نیاز به تسلط و آشنایی با تک تک آیات قرآن و مفاهیم آن دارد تا شخص بتواند در موارد نیاز از آن بهره گیرد. حافظان قرآن از این نعمت برخوردار بوده و به خوبی قادرند پاسخ گوی شبهات و مدافع ساحت پاک تشیع باشند.

در خاطرات یکی از علما آمده است که در یکی از سفرهای حج در کنار آرامگاه نبوی مشغول زیارت و عبادت بودم. یکی از زائران ایرانی بر پیامبر خدا درود و سلام فرستاد. فردی از مأموران وهابی، با صدای بلند فریاد زد سلام شما به مردگان بی فایده است. او که صدایت را نمی‌شنود. چرا سلام می‌کنی؟ ناگهان فردی که حافظ قرآن بود، پاسخ داد: گفتار شما کاملاً بی اساس و با منطق قرآن سازگار نیست. مأمور وهابی که حیرت زده شده بود، گفت: به چه دلیلی این حرف را می‌گویی؟ او پاسخ داد به خاطر این که اولین کسی که به افرادی که در قید حیات دنیوی نیستند سلام کرده است، خدای تعالی است؛ چرا که مکرر در قرآن بر پیامبران خویش سلام نموده است؛ از جمله:

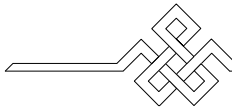
«سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ»، «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»، «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ»، و.... در

برابر این پاسخ بسیار روشن و متین، آن فرد خجل و ساکت گشت.

۱.سوره صافات: آیه ۷۹.

۲.همان: آیه ۱۰۹.

۳.همان: آیه ۱۲۰.



### آشنایی با روشهای رایج حفظ قرآن

در یک تقسیم بندی کلی، که بر اساس روش های رایج حفظ و اصول حاکم بر آن مطرح میشود، می توان حفظ را به سه گونه تقسیم کرد:

#### اول - حفظ سطر محور

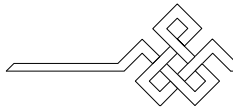
در این شیوه، حافظ با برنامه ریزی مشخصی روزانه، چند سطر از قرآن را به حافظه می سپارد. عامل تعیین کننده برای انتخاب میزان حفظ روزمره، تعداد سطرهای مشخص شده است. به عبارت دیگر اگر حافظ قصد دارد کل قرآن را در سه سال حفظ نماید، تلاش می کند روزانه، ده سطر از قرآن را حفظ نماید. چندان اهمیتی ندارد که این ده سطر از کجا آغاز گشته و به چه آیه ای ختم می شود. از ابتدای یک موضوع یا وسط آن شروع شده است. در انتهای ده سطر، موضوع مورد بحث هم پایان می یابد یا خیر؟ آنچه اهمیت دارد این است که هر روز ده سطر حفظ شود.

در این شیوه یک مصحف خاص همانند مصحف به خط عثمان طه (خطاط سوری) مبنای شمارش سطرها قرار گرفته و سهمیه هر روز از آن حفظ می گردد. مقادیر حفظ بر همین اساس تعیین می گردد و به جایگاه آیات در صفحه، توجه ویژه ای مبذول می گردد. برای جلوگیری از اشتباه در آیاتی که با هم مشابهت دارند، نیز بیش از هر چیز به خط و شیوه نگارش آن توجه می شود.

این رویکرد دارای کاستی هایی می باشد که در صورت بی توجهی به آن، حافظ در آینده با چالش ها و مشکلاتی روبرو می گردد. با بررسی شیوه هایی که در ادامه می آید، می توان به برخی از آن آسیب ها پی برد.

#### دوم - حفظ لحن محور

در این رویکرد، لحن تلاوت یک استاد خاص، محور قرار گرفته و حافظ تلاش می کند، آیات را بر اساس شیوه تلاوت او به ذهن بسپارد. تک تک آیات و کلمات باید مطابق تلاوت



مبنا، حفظ گردد. این شیوه بیشتر برای خردسالان که توانایی خواندن قرآن از روی مصحف را ندارند یا افراد نابینا که قادر به خواندن از روی مصحف نیستند، مناسب به نظر می‌رسد؛ در صورت افراط در این شیوه، احتمال شرطی شدن حافظه وجود دارد. بدین گونه که در صورت تداعی لحن تلاوت آن استاد، آیات هم به یاد حافظ می‌آید. در غیر این صورت به محض فراموشی لحن، آیات نیز با فراموشی مواجه می‌گردد.

#### سوم - حفظ محتوا محور

از نظر ما برترین شیوه، حفظ محتوا محور است. در این شیوه، تکیه‌ی حافظ بیشتر بر محتوای آیات است و بر همین اساس مقاطع مشخص شده برای هر روز را با توجه به معانی قرآن انتخاب میکند. در حفظ محتوا محور، دیگر سخن از حفظ نیم صفحه یا یک صفحه نیست، بلکه سخن از حفظ یک مقطع یا دو مقطع است؛ مانند رکوعات قرآن که تقسیماتی است که بر اساس معانی قرآن شکل گرفته و هر مقطع محتوایی، یک رکوع دانسته شده است که می‌تواند در نمازهای مستحبی در یک رکعت بعد از حمد و قبل از رکوع تلاوت گردد. این مقاطع در برخی قرآن‌ها با قرار دادن حرف عین در پایان هر مقطع معین می‌گردد.

با تأمل در خود قرآن، امر به تدبیر در آیات متعددی به چشم می‌خورد. از جمله این آیه که می‌فرماید:

افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها؛<sup>۱</sup>

«آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند و یا این که بر دل‌هایشان مهر زده شده است؟».

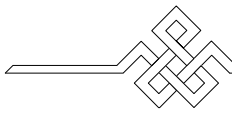
مولا امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: «در قرآن تدبیر نموده از آن عبرت بگیرید؛

چرا که قرآن رساترین عبرت‌ها است».<sup>۲</sup>

از همین رو یکی از مزایای حفظ محتوا محور این است که حافظ، آیات را در قالب

۱. سوره محمد: آیه ۲۴.

۲. تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَأَعْتَبُوا بِهِنَّ فَإِنَّهُنَّ أَبْلَغُ الْعِبَرِ؛ غرر الحکم، ص ۱۱۱، ح ۱۹۸۵.



موضوعات در ذهن دسته بندی و ثبت می‌نماید. در این حالت، یادسپاری آیات، با سرعت بیشتری انجام گرفته و در ذهن، پایدارتر خواهد ماند. چرا که آیات به صورت مفهومی در یک ارتباط زنجیروار، حفظ می‌گردد. در صورت همراه کردن الفاظ با مفاهیم و معانی، می‌توان پیوستگی آنها را به خوبی آموخت؛ در نتیجه هنگام مرور در پایان هر آیه به خوبی آیه بعدی در ذهن حافظ تداعی می‌شود. با اجرای این شیوه اشکالات حفظ به حداقل رسیده و اتقان محفوظات افزایش می‌یابد.

توجه شود که لازم نیست در حفظ محتوا محور، هر مقطع در یک روز حفظ شود؛ بلکه آنچه مهم است، دسته بندی آیات مربوط به هم در ذهن است. از همین رو ممکن است حفظ یک مقطع چند روز زمان نیاز داشته باشد.

از روایات وارد شده در باب فضیلت حفظ قرآن نیز این گونه استفاده می‌گردد که هدف اصلی از حفظ قرآن، زمینه سازی برای فهم و توجه به معانی آن است.

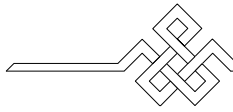
شایان توجه است که در دو شیوه دیگر تدبیر منتفی نیست و حفظ می‌تواند با توجه به معنا صورت گیرد. لیکن امتیاز حفظ محتوا محور در دسته بندی آیات مرتبط با هم در ذهن است که کمک بزرگی به حافظ قرآن می‌نماید.

از همین رو بهترین شیوه برای حفظ قرآن کریم، حفظ محتوا محور است.

#### روشهای آموزش حفظ

با توجه به تحقیقات به عمل آمده در برخی از کشورها همچون سوریه، حفظ قرآن مبتنی بر «تلقین» استاد است. او با تکرار برای طالب، زمینه را برای حفظ او مهیا می‌نماید. در برخی دیگر از کشورها مانند الجزایر و مغرب و حتی مصر روش حفظ مبتنی بر «کتابت» است و در برخی از کشورها همانند لیبی هر دو روش موجود است. برخی از کشورها نیز همانند ترکیه و عمان محوریت حفظ با خود حافظ بوده و از شیوه تکرار و تمرین بهره می‌گیرند.

در مقایسه این روش‌ها به نظر می‌رسد هر یک از آنها دارای مزایایی است که می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. حفظ کردن مبتنی بر کتابت، علاوه بر این که زمان بر است و مدت زمان



زیادی از وقت حافظ را به خود اختصاص می دهد، باعث می شود از حافظه تصویری نیز استفاده مناسبی صورت نگیرد و جایگاه و مکان آیات در مصحف، در ذهن حافظ ثبت نگردد. از این رو به نظر می رسد، بهتر است کتابت به عنوان مکمل حفظ و نه محور حفظ، مورد استفاده قرار بگیرد.

استفاده از روش تلقین نیز اگر چه مزایای خود را دارد اما ضرورتی برای استفاده از این روش جز در مورد خردسالان احساس نمی شود. حفظ مبتنی بر تمرین و تکرار شخصی از سرعت بالایی برخوردار است و از این رو می توان با صرف زمان کمتر بهره بیشتری را برد.

البته چنانچه مدارس شبانه روزی حفظ دائر شود و قرار باشد حفظ قرآن در مراکز شبانه روزی انجام پذیرد، روش تلقین با توجه به مزایایی که دارد، مناسب تر خواهد بود از آیات قرآن و روایات، برتری این روش (در آموزش قرآن) استفاده می گردد.

قرآن کریم فرموده است: سنقرئک فلا تنسی که شیوه خداوند در آموزش قرآن به پیامبر را مبتنی بر إقراء می داند.

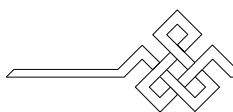
از سویی در روایات نیز میخوانیم که پیامبر اکرم علاقمندان به آموزش قرآن را با تلقین آیات بر قرآن مسلط مینمودند و اساساً تعلیم قرآن در آن زمان به همین شیوه بوده است. از این رو به نظر میرسد این شیوه برتر از سایر شیوه های موجود در آموزش قرآن (در سطوح مختلف) باشد.

### نتیجه

با تأمل در روایات فراوانی که در باب اهمیت حفظ وارد شده است به ضرورت این موضوع واقف گشتیم و فوائد فراوان حفظ را بازگو نمودیم.

۱. سوره اعلی، آیه ۶.

۲. رَوَى أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ لِيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ فَأَنْتَهَى إِلَيْهِ قَوْلَهُ تَعَالَى فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ فَقَالَ يَكْفِينِي هَذَا وَانصَرَفَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ انصَرَفَ الرَّجُلُ وَهُوَ فَقِيهٌ بحار الأنوار، ۸۹، ۱۰۷، باب ۹ فضل التدبر في القرآن ص ۱۰۶۲



## ضرورت و روش حفظ قرآن از دیدگاه قرآن و روایات

در بررسی روشهای حفظ قرآن به این نکته اشاره کردیم که بهترین روش برای حفظ قرآن روش مبتنی بر مفاهیم (محتوا محور) است که هم ماندگاری بیشتری دارد و هم زمینه کاربرد بیشتری از آیات را فراهم مینماید.

در مورد بهترین شیوه آموزش حفظ نیز شیوه مبتنی بر تلقین و تکرار، بهتر از سایر شیوه ها می باشد.





## حفظ قرآن، به مثابه آغاز تعلیم

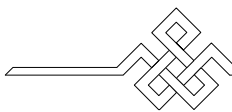
دکتر ابوالفضل خوش منش<sup>۱</sup>

### چکیده

تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت خلاصه مأموریتی است که خداوند متعال بر دوش آخرین فرستاده خود نهاده است. تعلیم قرآن کریم در سیره و سنت نبوی و در طول تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی بر تعلیم دانسته‌های دیگر تقدم و برتری داشته است. از سویی، قرن بیستم مقطع تحولاتی سریع در دنیای غرب و سرایت آن تحولات گوناگون به سرزمینهای شرقی و اسلامی است. یکی از این تحولات، تحولات مربوط به آموزش و پرورش است که طی آن بسیاری از داشته‌ها و موارث بومی و اسلامی و از جمله موضوع تقدم آموزش قرآن بر دیگر دانسته‌ها به دست فراموشی سپرده شد.

شیوه‌های گذشته دارای نقاط ضعف و قوتی بودند که جا دارد امت اسلامی در زمان حاضر - زمانی که امت اسلامی می‌تواند تمدنی اسلامی و قرآنی را به دنیای خسته و مشتاق عرضه کند - آنها را مورد بازبینی قرار دهد و پس از تصحیح و اصلاح لازم، پایه تعلیم و تربیت خود را از نو بر آن قرار دهد و از مواهب آن بهره‌مند شود. مقاله حاضر از حفظ قرآن - به مثابه پایه تعلیم و تربیت - و آثار مختلف تقدم این نوع آموزش و تعلیم برای انسان مسلمان سخن می‌گوید.

**کلید واژگان:** حفظ قرآن، تحفیظ قرآن، تعلیم قرآن، تعلیم اسلامی، تربیت اسلامی، تمدن اسلامی



## مقدمه

قرآن در زمانی طولانی در بسیاری از بلاد اسلامی به شکلی که از آن گاهی به «سنتی» و «مکتبخانه‌ای» یاد می‌شود، تعلیم می‌شد و نهادهای تعلیم قرآن در حد مقدور خود قرین توفیق بودند؛ در عین حالیکه از پاره‌ای نقص و نارسایی‌ها نیز میرا نبودند.

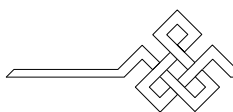
امت اسلامی و دستگاه گسترده تعلیم و تربیت به اشکال خود در کشور جمهوری اسلامی ایران می‌تواند و باید با اتکا به مبانی و تجارب غنی خود در امر آموزش چندین هزارساله خود، موضوع آموزش صحیح و پیراسته قرآن کریم را مد نظر خود قرار دهد. یکی از اصول مهم در تاریخ آموزش قرآن کریم، تقدم آموزش آن بر دیگر دانسته‌ها بوده است.

لازم به ذکر است که آمدن عبارت «حفظ قرآن» در آغاز مقاله جهت اتصال به عنوان همایش محترم می‌باشد و مراد از حفظ قرآن، آموزشی از قرآن است که قرین انس و رهاورد تعامل صحیح با کلام الله مجید باشد؛ (مقصود از حفظ در اینجا لزوماً حفظ اجباری و تحمیلی قرآن کریم نیست.) از چنین حفظی می‌توان به «تعلیم قرآن» و «حمل قرآن» نیز یاد کرد. اگر امت اسلامی و دستگاه تعلیم و تربیت آن و به صورت نقد، جمهوری اسلامی ایران، با برنامه‌ریزی صحیح، تقدیم آموزش قرآن را بر دیگر آموزشها در مقاطع مختلف مد نظر قرار دهد، به آثار و برکات ارزنده و ماندگاری دست خواهد یافت که این مقاله به اشاره به پاره‌ای از آنها می‌پردازد.

## آغاز تعلیم

تأثیر علمی و فرهنگی قرآن کریم و نقش آن به عنوان متنی جامع و پایه معارف دیگر، بر کسی پوشیده نیست. در تأثیر قرآن همین بس که خود، دوران ماقبل از خود را دوران جاهلیت می‌خواند.

نزول قرآن در سرزمین پهناوری که قوم عرب یک کتاب و متن مکتوب دارای آغاز و انجام روشن برای خود نداشتند، نفخه صوری برای برآوردن انسانها از قبرستان رقود و رکود بود. دیری



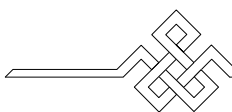
نپایید که از بذر هر سخنی از سخنان قرآن، اصله‌ها و شاخه‌های مختلفی در علوم و فنون گوناگون سر بر کرد و سلیقه بشری هم با این دانش‌ها درآمیخت. اما در این بین یک چیز وجود داشت که نمی‌بایست در محاق فراموشی می‌افتاد و آن، پایه و مایه تمام این شور و تحرک یعنی کلام‌الله مجید بود. اصالت و مرجعیت قرآن و تقدّم تعلّم آن بر تعلّم هر علمی دیگر، اصلی بنیادین درسیره نبوی و مکتب اهل بیت بود. اصل قرآن به صورتهای مختلف و اندازه‌های متفاوت به تفصیلی که در اینجا نمی‌گنجد، در فرهنگ و تمدن اسلامی مکتب خلفا به تدریج در معرض آفت نسیان قرار گرفت و انبوه شاخ و برگ درخت تمدن اسلامی، دیدگان بسیاری را پر کرد و ریشه درخت را از نظرها نمان داشت.

این ریشه اهمیت خود را در نظر اهل قرآن و خریداران واقعی آن هیچگاه از دست نداده و نخواهد داد. توجه به این ریشه و کاراییهای آن در زمان حاضر با توجه، موقعیت ویژه‌ای که امت اسلامی در آن قرار گرفته است، اهمیتی افزون می‌یابد.

آموزش قرآن کریم طی قرون متمادی تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت اسلامی، پایه «تعلیم» بوده است. مکتبخانه‌هایی که تا چند دهه پیش در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی وجود داشت و هنوز نیز می‌توان از آنها در گوشه و کنار قری و مُدن اسلامی سراغ گرفت، نقشی مؤثر را در این بین ایفا کردند و در حد مقدمات خود، این پایه‌ریزی و شالوده-فکنی را به انجامی نیکو رساندند. انجامی که باری به هر جهت نیازهای زمان را پاسخ می‌گفت و بذر آیات قرآن کریم را در مرتع اطلاعات و فرهنگ عمومی مردم می‌نشانده.

شالوده‌ریزی و پی‌افکنی فکر و فرهنگ مردم با آیات قرآن، سنت اسلامی مهمی بوده که در حال حاضر تقریباً به دست فراموشی سپرده شده است و توجه به آن به صورت روزآمد لازم است.

صدرنشینی مأموریت «یتلوا علیهم آیاته» بر کارهای دیگری که همچنان متصل و مرتبط به آن است، جدا از اصل عقلی، بر تقدّم و اولویت تعلّم قرآن تأکید روشنی دارد. دانشی که پس از «دانش قرآن» به تدریج در میان مسلمانان شکل خود را گرفت، «دانش



حدیث» بود. حافظان زیادی از سنین خردسالی به فراگیری و حفظ ده‌ها هزار حدیث و سلسله اسناد آن‌ها نزد استاد می‌پرداختند. تا قرن‌ها، «حدیث» مرادف «علم» بود و لقب علمی «حافظ» به طور مطلق، به حافظ حدیث انصراف می‌یافت، اما در عرف علمی، حافظ حدیث زمانی می‌توانست حافظ حدیث شود که حفظ قرآن را به پایان برده باشد و تعلیم حدیث به کسی که قرآن نمی‌دانست وجه و معنایی نمی‌توانست داشته باشد.

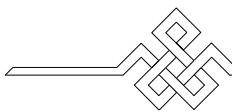
شهید ثانی در کتاب منیة المرید فی آداب المفید و المستفید آورده است:

«مهم‌ترین وظیفه شاگرد - که از لحاظ اهمیت در درجه نخست قرار دارد - حفظ دقیق و درست قرآن کریم با دقت و اهتمام ویژه است زیرا قرآن کریم است که اساس همه علوم می‌باشد. دانشمندان سلف، گذشته از علم حدیث، دیگر علوم اسلامی همچون فقه را منحصرأ به کسانی تعلیم می‌دادند که حافظ قرآن بوده باشند. همچنین زمانی که طالب علم، در کار حفظ قرآن می‌شود، باید خویشتن را سرگرم کارهای دیگر نسازد تا امور دیگر منجر به نسیان پاره‌ای از قرآن نشود، بلکه او باید استمرار عمل و همبستگی خود را با خواندن قرآن و مرور آن حفظ کند. شاگرد باید پس از حفظ کردن قرآن، به سایر علوم مربوط به قرآن روی آورد و آن‌ها را به طور دقیق و درست فراگیرد و ذیل آن فنون را بشناسد، و در فراگرفتن کلیات فنون و صناعت‌های علمی، فنون مهم‌تر را به ترتیب بر فنون دیگر ترجیح دهد»<sup>۱</sup>.

نظامی عروضی در چهار مقاله پس از بیان تعریف «دبیری» و مهارت‌های مختلفی که با آن مرتبط است، چنین آورده است: «...پس دبیر باید که کریم‌الاصیل، شریف‌العرض، دقیق‌النظر، عمیق‌الفکر، ثاقب‌الرأی باشد و از ادب و ثمرات آن قسم اکبر و حظاً اوافر نصیب او رسیده باشد... پس عادت باید کرد به خواندن کلام ربّ‌العزّه و اخبار مصطفی و آثار صحابه و امثال عرب و کلمات عجم و مطالعه کتب سلف و مناظره صحف خلف... اما چون قرآن داند به یک

۱. منیرالدین، نهاد آموزش در اسلام، ص ۲۴.

۲. العاملی، آداب تعلیم و تعلّم در اسلام، ص ۴۱۶-۴۱۷.



آیتی، از عهده ولایتی بیرون آید!

«امروزه در کشور مصر کسی می‌تواند عالم و روحانی نامیده شود که حافظ قرآن باشد. همچنین محل‌هایی جهت تعلیم قرآن در تمام استان‌ها و اماکن مصر گسترده‌اند و گاه ممکن است شخصی با داشتن ۶۰ سال سن، وارد این اماکن شود و قرآن را فراگیرد و حفظ کند!»<sup>۱</sup> این موضوع انحصاری به کشور مصر ندارد. بلکه در کشورهای متعدد اسلامی - آسیایی و آفریقایی - این حالت وجود دارد و عنوان عالم دینی معادل «حجت‌الاسلام» در ایران بر کسی قابل اطلاق است و تصدیق مناصبی همچون امامت جماعت و جمعه و وعظ و خطابه مردم برای کسی میسر و از کسی مقبول است که حافظ قرآن کریم باشد.

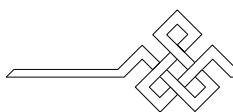
نکته‌ای که نباید آن را از نظر دور داشت جایگاه قرآن کریم در فرهنگ آموزشی و عرف فرهنگی و مدیریتی جامعه بوده است. یک خلیفه، والی، امیر و فرمانده جنگی اگر دانش قرآن را همراه خود نمی‌داشت، نمی‌توانست بر زیردستان خود به آسانی آمریت و ارشادت داشته باشد. از همین روست که در طول تاریخ، سخن از قرآن و حتی اقداماتی نظیر کتابت قرآن و استنساخ و ارسال مصاحف و گاه ابداعات در امر ترویج قرآن کریم از سوی حاکمان و والیان غاصب فراوان دیده می‌شود.

ما در حال حاضر در کشور خود جدایی گسترده‌ای میان «تعلّم» و «قرآن» می‌بینیم. به گفته علامه طباطبایی:

علوم حوزوی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که به هیچ وجه به قرآن احتیاج ندارند. به طوری که شخص متعلّم می‌تواند تمام این علوم را از صرف و نحو، بیان، لغت، حدیث، رجال، درایه، فقه و اصول فراگرفته به آخر برسد و آن‌گاه متخصص در آن‌ها بشود و ماهر شده در آن‌ها اجتهاد کند، لکن اساساً قرآن نخواند و به جلد آن هم دست نزند. در حقیقت برای قرآن چیزی جز تلاوت کردنش برای کسب ثواب و یا بازوبندی فرزندان که از حوادث روزگار حفظشان کند، چیزی

۱. نظامی عروضی، چهارمقاله، ص ۶-۸.

۲. زندگی نامه قاریان مشهور جهان، ص ۸۷.



نمانده است، حال اگر اهل عبرتی، عبرت بگیر. <sup>۱</sup>

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در این زمینه می‌گویند:

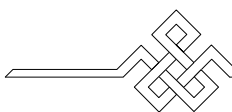
نپرداختن به حفظ قرآن در حال حاضر، واقعاً نقیصه‌ای در حوزه‌های ما به شمار می‌آید. در بعضی از حوزه‌های اهل سنت همان طور که مسبوق است از بدو ورود حفظ قرآن جزء شرایط است. در دیگر حوزه‌ها نیز اگر شرط، حفظ قرآن نباشد، ولی بدان تشویق می‌شوند. غالب عالمان اهل سنت با قرآن انس زیادتری دارند؛ در حالی که ما در حوزه‌های خودمان، شاهد طلبه‌هایی هستیم که مقداری هم درس خوانده‌اند، لیکن هنوز بر همین قرائت رایج قرآن که ما با آن انس داریم، تسلط ندارند. یعنی هنوز در تلاوتشان اشکالاتی وجود دارد، چه رسد به این که قرائت دیگری را نیز بدانند.

علتش عدم آموزش قرائت قرآن در حوزه است. در گذشته، قرآن خوانی در مکتب‌خانه‌ها تأمین می‌شد لذا هر کسی وارد میدان علم می‌شد، قرآن را یاد گرفته بود. بعد که مکتب‌خانه‌ها برچیده شد، در مدارس جدید هم قرآن خوانی به آن شکل شروع نشد و این خلأ همچنان باقی مانده است. حالا اگر کسی شانس داشته باشد و پدر یا مادری عاشق و مأنوس به قرآن کنار دستش بودند، دوره قرآنی را یاد می‌گرفته، در غیراین صورت اگر کسی این موقعیت را نداشته باشد و وارد حوزه شود، حوزه به او قرآن نخواهد داد و ظواهر و متن و آموزشهای ابتدایی قرآن را فرانش خواهد گرفت. هر چند معارف و فقهی را که می‌خواند، بالاخره فقه قرآن و محصول قرآن است؛ اما متن قرآن و خواندن آن در برنامه‌ها نیست.

من یک وقت در سال‌های قبل از انقلاب در مشهد در درس تفسیر، به طلبه‌ها می‌گفتم که ما از اول «بدان ایدک الله»، تا وقتی که ورقه اجتهادمان را می‌گیریم، می‌توانیم حتی یک بار به قرآن مراجعه نکنیم! یعنی وضع درسی ما این طوری است که اگر طلبه‌ای از ابتدا حتی یک بار به قرآن مراجعه نکند، می‌تواند همین رشته ما را از اول تا آخر سیر کند و مجتهد بشود! چرا؟ چون

۱. المیزان، ج ۵، ص ۴۵۰.

۲. [farsi.khamenei.ir/speech-content](http://farsi.khamenei.ir/speech-content).



درس ما اصلاً از قرآن عبور نمی‌کند. متأسفانه حالا هم که نگاه می‌کنم، می‌بینم همان طور است. ما در فقه گاهی مثلاً یک آیه قرآن را ذکر می‌کنیم، آن هم خیلی رویش کار و تحقیق نمی‌شود؛ به قدری که در روایات ما بحث می‌شود و کار می‌شود!

اسلوب حوزه‌ها باید به گونه‌ای باشد که طلاب بیش‌تر با قرآن سر و کار داشته باشند. چه اشکالی داشت اولین روزی که من طلبه شدم به جای ضرب زید عمرواً می‌گفتند ضَرْبَ اللَّهِ مَثَلًا! یک اشتباه که ما کردیم و کلاه سر ما رفت این بود که می‌گفتند: اگر درسهای حوزه را بخوانید، قرآن را بهتر می‌فهمید و من شهادت می‌دهم که دروغ است. زیرا وقتی یک طلبه (تنها با اکتفا به همان دروس) در جامعه آمد که یک حجت الاسلام فلج است. یعنی دستش از قرآن و نهج البلاغه کوتاه است!<sup>۲</sup>

به گفته متفکر و مصلح قرآنی، سید جمال الدین اسدآبادی، مسلمانان معتقد در آغاز، هنگامی به فراگیری علمی همچون فلسفه افلاطون و ارسطو، طب بقراط و جالینوس و هندسه اقلیدس و نجوم بطلمیوس همت گماشتند که پایه‌های ایمان خود را استوار کرده بودند؛ مسلمان امروزی نیز تنها باید زمانی به فرهنگ و تمدن اروپایی روی آورد که دین خود را به خوبی شناخته، توان نقادی آن تمدن را داشته باشد.

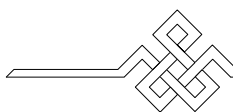
سید قطب فلسفه‌های رایج امروزی را که به نام فلسفه اسلامی مطرح اند، فلسفه اسلامی نمی‌داند و معتقد است نباید فلسفه واقعی و حقیقی اسلام را نزد ابن سینا و ابن رشد و فارابی و امثال آنان طلب نمود، که فلسفه همه اینان سایه‌هایی از فلسفه یونان بوده و به حسب حقیقت از روح اسلام بیگانه اند.<sup>۳</sup> بلکه به عقیده او فلسفه اسلامی، فلسفه‌ای است که از بطن قرآن و حدیث پس از فراگیری و فهم قرآن استخراج شود.

۱. [farsi.khamenei.ir/speech-content](http://farsi.khamenei.ir/speech-content)

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲۴.

۳. مؤسسه معارف اسلامی امام رضا، بیانات، شماره ۹، بهار ۱۳۷۵، گفت و گو با حجت الاسلام قرائتی.

۴. احمدی، سید قطب آیت جهاد، ص ۷۶.



اگر امت اسلامی، نخواهد به آیات و روایات متعددی که درباره جامعیت قرآن و «تبیان» بودن آن سخن گفته‌اند، به عین یقین بنگرد و به تبع، بنا را بر استخراج علوم از قرآن کریم بگذارد، باید دست کم جایگاه اولویت و تقدم را برای قرآن کریم در این بین محفوظ دارد و دانش‌های گوناگون را دست کم، قبل از ترویج و رسمیت بخشیدن، به تأیید کلام الله رسانده و آن‌ها را با آن همسان و همساز کرده باشد!

آیات و روایات متعدّد در باب جامعیت قرآن و تبیان عامّ آن، تکلیف یک طالب علم مسلمان را در این زمینه روشن کرده است.

قرآن، نقطه جمع‌الجمع فکر و فرهنگ عاقله بشری و بنیان مرصوص دانش و بینش اوست. بر روی این بنیان مرصوص و این سازه و اسکلت مستحکم است که می‌توان هرچیز دیگری را استوار و نیز طبقه‌بندی کرد.

به عبارت دیگر قرآن کریم جدا از نقش تعالی‌بخشی که ارزانی انسان می‌کند و دیدگان او را در همه زمینه‌ها می‌گشاید، یک ویژگی مهم دیگر نیز دارد و آن، توان طبقه‌بندی دانسته‌های انسان است.

قرآن کریم پدیده‌ای منحصر به فرد است و خصوصیات اصلی آن در هیچ کتاب دیگری وجود ندارد. این کتاب دارای زبان و حتی رسم‌الخطی خاص خود است و مجموع مشخصات این کتاب و شیوه نزول و طبقه‌بندی مطالب آن نیز عیناً مانند دیگر کتب بشری و حتی آسمانی نیست. فصول قرآن کریم و نحوه ورود و خروج آن به موضوعات مختلف به سان دیگر کتب متداول جهان نیست و برای قرآن نمی‌توان به سان دیگر کتب، فهرست‌نگاری کرد. قرآن کریم در این زمینه دارای نظم و تدوین مخصوصی است که از قضا راز عمده دو ویژگی مهم آن یعنی جامعیت و ابدیت است.

با توجه به همین نظم و تدوین مخصوص می‌توان و باید چپ‌نویس انبوه اطلاعات داخل مغز را

۱. نگا، حکیمی، مکتب تفکیک، ص ۱۸ و ۵۲.





سامان داد و سازمان بخشید و یک حامل قرآن می‌تواند به چنین ورزیدگی دست پیدا کند.

تقدّم تعلّم قرآن بر دانش‌های دیگر دستاورد مهم دیگری نیز دارد و آن توسعه معلومات بر اساس خطّ مشی قرآن و نیاز زاینده از آن است. یعنی کسی که قرآن را فراگرفت، «زبان عربی» و صرف و نحو و بلاغت آن را نیز با تکیه بر آن فرا می‌گیرد و چندان که در امر فراگیری قرآن پیش می‌رود، به پرسشهایی برمی‌خورد که به سراغ یافتن پاسخهای آنها می‌رود و همچنان که شجره طیبه قرآن در سینه او ریشه می‌کند و شاخ و برگ می‌دهد، پرسشهای جدید در زمینه‌های مختلف برای وی پدید می‌آید و او بر حسب «نیاز»ی که پیدا کرده و نه بر حسب اجبار و تکلف و تصنّعی که امروزه گریبانگیر آموزش و پژوهش ما را گرفته است، در صدد یافتن پاسخهای خود برمی‌آید.

هنوز نیز بقایای سنت فراگیری و حفظ مکتبخانه‌ای قرآن در گوشه و کنار عالم اسلامی دیده می‌شود که بر اساس آن، کودکان اغلب در سنین ده تا پانزده سالگی حافظ قرآن شده‌اند و اینان دهها سال از عمری را که در پیش رو دارند، با ذهن و زبانی که شالوده‌اش را قرآن کریم ریخته است، می‌گذرانند و با شدت و ضعفی که به شیوه‌های آموزش ایشان بازمی‌گردد، از مواهب حضور قرآن در جسم و جان خود تا پایان عمر بهره‌مند می‌شوند!

آنچه در میان این همه مهم است، این است که قرآن، متن و ریشه قرار داده شود و حاشیه‌نشین محفل دانش نباشد. آنچه پیش روی ماست و ارزانی ما شده، تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ و کتاب‌خدایی است که هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ است. و شأن این صحیفه علم الهی و «دانش‌نامه خدا» جز این نیست که اول و آخر و ظاهر و باطن باشد.

۱. در بعض کشورهای مورد اشاره که دولت امکان تأسیس مدارس را در همه شهرها و روستاها ندارد، به افرادی که در سنین کودکی در «معاهد» و «حلقات قرآنی» به حفظ قرآن کریم می‌پردازند، مدرک دوره ابتدایی می‌دهد.
۲. سوره غافر، آیه ۲.
۳. سوره حدید، آیه ۳.



### آیات قرآن کریم به مثابه یک شبکه ارتباطی

آیات قرآن کریم در درجه نخست، شبکه‌ای بسیار پیچیده و پیشرفته از جاده‌های ارتباطی و مواصلاتی علم و اندیشه فرهنگ انسانی و اسلامی‌اند. همانگونه که اگر کشوری برخوردار از شبکه جاده‌ای و مواصلاتی پیشرفته‌ای باشد، می‌تواند به صورت صحیح و منظم به ساکنان خود آذوقه و نیازهای زندگی برساند و در مواقع خطر به دفاع از سرزمین خود بپردازد، آحاد امت اسلامی به خصوص قشر فرهیخته می‌توانند به مدد مواصلات شبکه سخن قرآن با یکدیگر تبادل رأی و اندیشه کنند و آرای خود را بر روی جاده‌ها و «ریل»های کارآمد و استاندارد قرآن به قلب یکدیگر برسانند.

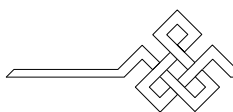
در میان دو رکن این تشبیه، یک تفاوت مهم نیز وجود دارد و آن اینکه آیات قرآن، تنها «راه» نیستند، بلکه راهی هستند که در آنها «بار»های معرفت و محتوا نیز در حال رفت و آمد هستند؛ جاده‌هایی‌اند که بر روی آنها مرکبهای راهوار نیز قرار داده شده‌اند.

امروزه چه بسیار پیش می‌آید که یک عالم و حافظ قرآن می‌کوشد با مخاطبی که به ظناً او کارشناس دین است و فهم و ادراک قرآنی دارد، به زبان قرآن سخن بگوید، اما در کمال نومیدی و سرخوردگی درمی‌یابد که مخاطب او چیزی از آیات قرآن در نمی‌یابد و یکباره با بی‌اعتنایی خود راه سخن را بر او می‌بندد و کلام را بر زبان او می‌خشکاند و در نهایت اگر جانب ادب نگاه دارد، «زل» می‌زند و به او نگاه می‌کند:

سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (اعراف: ۱۹۳)

وَتَرَاهُمْ يُنظَرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (اعراف: ۱۹۸)

در نقطه مقابل نیز بسیار اتفاق می‌افتد دو «عالم» و تحصیل کرده مسلمان از یک شهر و یک زبان نمی‌توانند با «زبان قرآن» با یکدیگر سخن بگویند، اما تو با توشه قرآن در سفری دوردست با کسی از رنگ و فرهنگ و زبان دیگری مواجه می‌شوی که اگر «قرآن‌دان» باشد، در اندک زمانی رابطه‌ای نیکو برقرار می‌کند و به مدد سخن قرآن، موانع و فاصله‌ها را برداشته می‌بینی. با توجه به آنچه گذشت، تفاوت بسیار زیاد است بین کسی که قرآن دیدگان وی را در



دانش‌های دیگر بگشاید و کسی که دانسته‌های دیگر خواسته باشند دیدگان او را در قرآن بگشایند و برای سیر در قرآن و بهره‌برداری از آن به او خط بدهند و تفاوت بسیاری است میان کسی که انبوه دانسته‌های خود را بر روی بنیان مرصوص قرآن استوار کرده و منشأ هریک از فروع علم او، آیه و سوره‌ای از قرآن است و کسی که تبار و نسب دانسته‌های خود را به چیزهای دیگر رسانده و به جاهای دیگر بسته است.

نگارنده، سالها قبل، تمثیلی را برای بیان استحکام ساختمان یکی از مساجد می‌شنید: اینکه اگر فرضاً دستگاهی گوشه‌ای از این ساختمان را بلند کند، تمام آن ساختمان همراه آن قسمت بلند خواهد شد.

اینکه چنین چیزی تا چه میزانی عملی باشد، موضوع سخن ما نیست. اما این حقیقت در مورد بنای سترگ و بنیان مرصوصی که قرآن مجید باشد، واقعیت دارد و اتفاق افتاده است.

این سخن سیمای شاخص حمل قرآن در زمان ما، علامه طباطبایی است:

«اگر فرصتی بود، تمام معارف قرآنی را از یک آیه از قرآن استخراج می‌کردم»

ثمره چنین حالتی برای حامل قرآن، امکان تمسک و تعرض<sup>۱</sup> او به تمام این سخن بر حسب توان و ظرفیت وجودی او و به نسبت انشراحی است که سینه وی از سخن قرآن پیدا می‌کند.

اسلوب بهره‌گیری از قرآن کریم، بسیار سودمند و آسان است:

آلت اصلی بهره‌گیری از قرآن داشتن دلی بدون قفل است و هرچه این قلب، سلیم‌تر باشد، راه راهیابی قرآن در آن هموارتر خواهد بود و هرچه سخن قرآن در قلبی بیشتر راه یابد، آن قلب و سینه از مدد قرآن، منشرح‌تر و گشاده‌تر خواهد گردید و برای چنین وسعتی، غایت و نهایی متصور نیست و سخن قرآن و نور آن تمام‌شدنی نخواهد بود.

۱. تاجدینی، یادها و یادگارها - خاطراتی از عارف و مفسر قرآن علامه طباطبایی، ص ۹۴.

۲. مصدر «تعرض» در این سخن در معنای عربی آن به کار رفته است، یعنی خویشتن را در معرض قرار دادن. (بر گرفته از حدیث نبوی: ان لله فی آیام دهرکم نفاتح الا فتعرضوا لها)



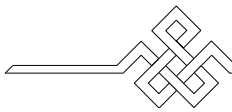
### شکل‌گیری شبکه قرآن در قلب انسان

راننده یک وسیله نقلیه عمومی را در نظر بگیریم که سی سال در کوچه‌ها و خیابانهای شهری بزرگ در حال حرکت و رفت و آمد بوده است. او با هر رفت و آمدی که از روز نخست آغاز گردیده است، خطی را در خاطر خود نوشته و تصویری از کوچه‌ای و خیابانی را در ذاکره خود نگاشته است. حال او پس از این همه «سلوک» در شهر تقریباً با هر مقصد و مقصودی آشناست؛ از پیوندهای بزرگ و کوچک کوچه‌ها و خیابانها به یکدیگر مطلع است؛ پیوندهای موجود میان یک و چند کوچه کوچک و یک خیابان و چندین اتوبان را می‌شناسد؛ نیز پیوندهای چندلایه و پلهای چندطبقه را و پیوندهایی که صرفاً در یک نقطه میان کوچه‌ها و خیابانهای مختلف از یک مسیر و گاهی به طور همزمان از چند مسیر میسر است و پیوندهایی که دارای یک لایه است و پیوندهای دیگری که دارای چندین و چندلایه و عبارت از پلهای چندطبقه است؛ پیوندهایی که بر روی زمین برقرار شده و پیوندهایی که علاوه بر آن، از طریق پلهای و تونلهای زیرزمینی هم برقرار می‌شود؛ پیوندهایی که برای استفاده عموم است و پیوندهایی که شمار معدودی از افراد و شهروندان، حق یا توان استفاده از آن را دارند.

او با راههای امن و مطمئن کسب آشنایی کرده، در عین حال، با بیراهه‌هایی که ظاهر یک راه درست و قانونی را دارند، آشناست و خطرات گوناگون و احتمالی ناشی از هر یک را نیز می‌شناسد. در حافظه این راننده به محض شنیدن یک نشانی، تصویر یک یا چند مسیری که وی را بدانجا می‌رساند، از میان صدها خیابان کوچک و بزرگ شهر نقش می‌بندد و او بی‌درنگ بدان سو روان می‌شود.

یک حامل قرآن نیز که در کهکشان قرآن در حال سیر است و قرآن در قلب وی «سلوک» داده می‌شود، با هر سیری در آیات و سوره قرآن، قطعه‌ای از منظومه‌های قرآن را در قلب خود جای می‌دهد تا این نقشه به تدریج تکمیل گردد و نقشه قرآن و نقش چهره پیوسته آن در سینه او جای گیرد.

قرآن کریم دو بار از «سلوک» خود در قلب «مجرمین» سخن گفته است. عنوان «مجرمین»



کافی است تا وصف حال بی نتیجه بودن آن سلوک را بکنند. یعنی قرآن مجید پیش از آنکه خبر از بی نتیجه بودن این «سلوک» بدهد، از مجرم بودن قوم سخن گفته است:

كَذَلِكَ نَسُلكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (حجر: ۱۲ و ۱۳)

كَذَلِكَ سَلَكَنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (شعراء: ۲۰۰ و ۲۰۱)

نیازی نیست که این «مجرم»، گروهی بیرون از جامعه اسلامی باشند، بلکه این «قوم» می تواند

متصف به وصفی چون «قوم رسول اکرم» باشد:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ

الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (فرقان: ۳۰ و ۳۱)

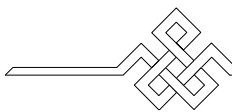
حال باز گردیم و بیان موضوع «سلوک» را همچنان در قرآن بنگریم.

قرآن کریم یک بار از «سلوک» آب در زمین و احیاگری آن سخن می گوید و پس از آن به موضوع نزول قرآن و ارتباط آن با سینه و قلب انسان می پردازد و یک بار دیگر از موضوع قلب مرده و فسرده ای سخن می گوید که کاری با قرآن ندارد و پس از آن از احیاگری «آب» بر روی زمینهای مرده و فسرده سخن می گوید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَرَّاهُ مَصْفُورًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَبْصَارِ \* أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ \* اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعُرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ (زمر: ۲۳ - ۲۱)

و نیز:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ \* اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (حديد: ۱۷ و ۱۶)



### حضور و حیات قرآن

قرآن کریم یک بنیان مرصوص دانش، بینش، فکر و فرهنگ است. بنیانی منتظم با نظمی ورای نظمهای کتب بشری. اگر نقش این بنیان در سینه آدمی نقش بست یک طبقه‌بندی منظمی نیز در آن سینه پدید خواهد آمد. در آن صورت هر مطلبی در آینده جایگاه خود را در بنیان و سازه‌ای که قرآن کریم در سینه پدید آورده است، خواهد یافت.

در چنین حالتی می‌توان سخن از «حیات قرآنی» گفت. «حیات قرآنی» در هر دو معنای آن: حیات به معنای حضور زنده قرآن در متن و بطن مردم و اجتماع و نیز «حیات قرآنی» به معنای همان «حیات طیبه» جامعه انسانی و عائله بشری در نور و در ظلّ ظلیل قرآن.

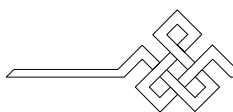
### قرآن منطوق و مسموع

ما می‌دانیم که زنده و قائم بودن یک «زبان» منوط به رواج و رونق صورت صوتی زبان نزد اهل آن است. کسی زبانی را به این دلیل که برای آن کتابهای بسیار دقیق دستور و لغت نوشته شده و آن کتابها در قفسه‌های کتابخانه‌ها حاضرند، زبانی زنده نمی‌خواند، به همین ترتیب نیز «حی و حاضر» بودن «قرآن» در جامعه نمی‌تواند به وجود صدها دوره تفسیر در کتابخانه‌ها منوط باشد. بلکه حضور قرآنی، عبارت از حضور قرآن در ذهن و زبان «انسانها» است و به صورت صوتی قرآن وابسته است.

به طور کلی یک قرآن صامت و یک قرآن ناطق وجود دارد. پیامبر و اهل بیت ایشان، معلمان قرآن‌اند، اما پس از ایشان سیر تعلیم قرآن و تدبیر در آن هیچگاه از پای نمی‌ایستد. به همین صورت است که ایشان در زمان حضور و ظهور خود، قرآن ناطق‌اند، اما پس از ایشان منصب تلاوت قرآن و وظایف «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» به هریک از آحاد امت اسلامی می‌تواند و باید منتقل شود.

با وجود قرآن ناطق، قرآن منطوق و مسموع رقم می‌خورد. آن قرآن است که می‌تواند با پوست و گوشت آدمی به صورت واقعی در آمیخته شود.

قرآنی که در حوزه و دانشگاه ما تعلیم می‌شود، نوعاً قرآن صامت است. راه تمسک به قرآن



ناطق می‌تواند مختلف باشد. از تغنی و ترنم به قرآن در حد مؤثر و کافی گرفته تا سماع تلاوت‌های شایسته و مقبول.

### قرآن زنده و تدبّر در آن

در قرآن منطوق و مسموع است که می‌توان تدبّری زنده و حاضر کرد. قرآن مسموع، در قلب حضوری زنده و عینی دارد که قرآنی که غیر آن است، آن را فاقد می‌باشد. در چنین حالتی طائر اندیشه مجال پرواز در آسمان و آسمانهای قرآنی را خواهد داشت.

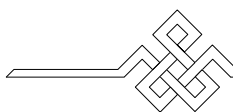
اساس تدبّر که اخذ شیء بعد شیء است یا بر اصل «تداعی» است و تداعی در اصل و به صورت اغلب با یادآوری صورت مسموع الفاظ و عبارات و نه فرضاً تصویر مکتوب آنها صورت می‌گیرد. قرآن کریم تدبّر را در دو موضع به صورت تدبّر قرآن و نه فرضاً تدبّر کتاب مطرح کرده است. (محمد: ۲۴ و نساء: ۸۲)

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که گذشت، گفته شد که در قرون گذشته فراگیری قرآن کریم بر دیگر علوم تقدم داشته است. وقوع چنین حالتی از سر صدفه یا ناچاری ناشی از نبود دیگر متون آموزشی و ابزارهای کمک آموزشی نبوده است، بلکه بنای چنین چیزی بر پایه‌های دلالت‌های روشن عقل و سیره و سنت موجود بوده است.

اگر بعث پیامبر اکرم در زمان حاضر نیز اتفاق می‌افتاد، آنچه آغاز تعلیم و پایه انواع آموزشها قرار می‌گرفت، چیزی جز کلام الله مجید نمی‌بود.

قرآن کریم در گذشته‌ها و در آموزشهای مکتبخانه‌ای که تا دهه‌های اخیر در بسیاری از نقاط ایران و کشورهای اسلامی رایج بوده، پایه و نقطه آغاز تعلیم بوده و آثار و برکات فراوانی نیز از حیث علمی، فرهنگی و اخلاقی در بر داشته است. امروزه این اصل اساسی یعنی تقدم تعلّم قرآن بر تعلّم دیگر علوم تقریباً از یاد رفته و توجه به آن همچنان لازم است. مقصود سخن در مقاله حاضر بازگشت به «آموزشهای مکتبخانه‌ای» و به کارگیری نقاط ضعف و قوت شیوه‌های گذشته



نیست. می‌توان و باید نقاط سلبی و منفی شیوه‌های گذشته را به کنار نهاد، اما آنچه هم‌اکنون اتفاق افتاده است، از دست دادن نقاط منفی و بسیاری از نقاط قوی و مثبت گذشته با هم است. اگر قرآن به صورتی علمی و کارشناسانه همچنان نقطه آغاز تعلیم باشد و انسانها در طول تعلیم نیز یار صادق آن باشند، می‌توان انتظار داشت که:

اساس آموزش بر روی یک بنیان مرصوص الهی بنا شود؛

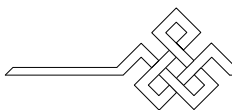
تمام آیات قرآن کریم به مثابه یک شبکه ارتباطی در قلب و روح علمی و عملی و معنوی

انسان عمل کنند؛

«سلوک قرآن» در دل و جان انسان حس شود؛

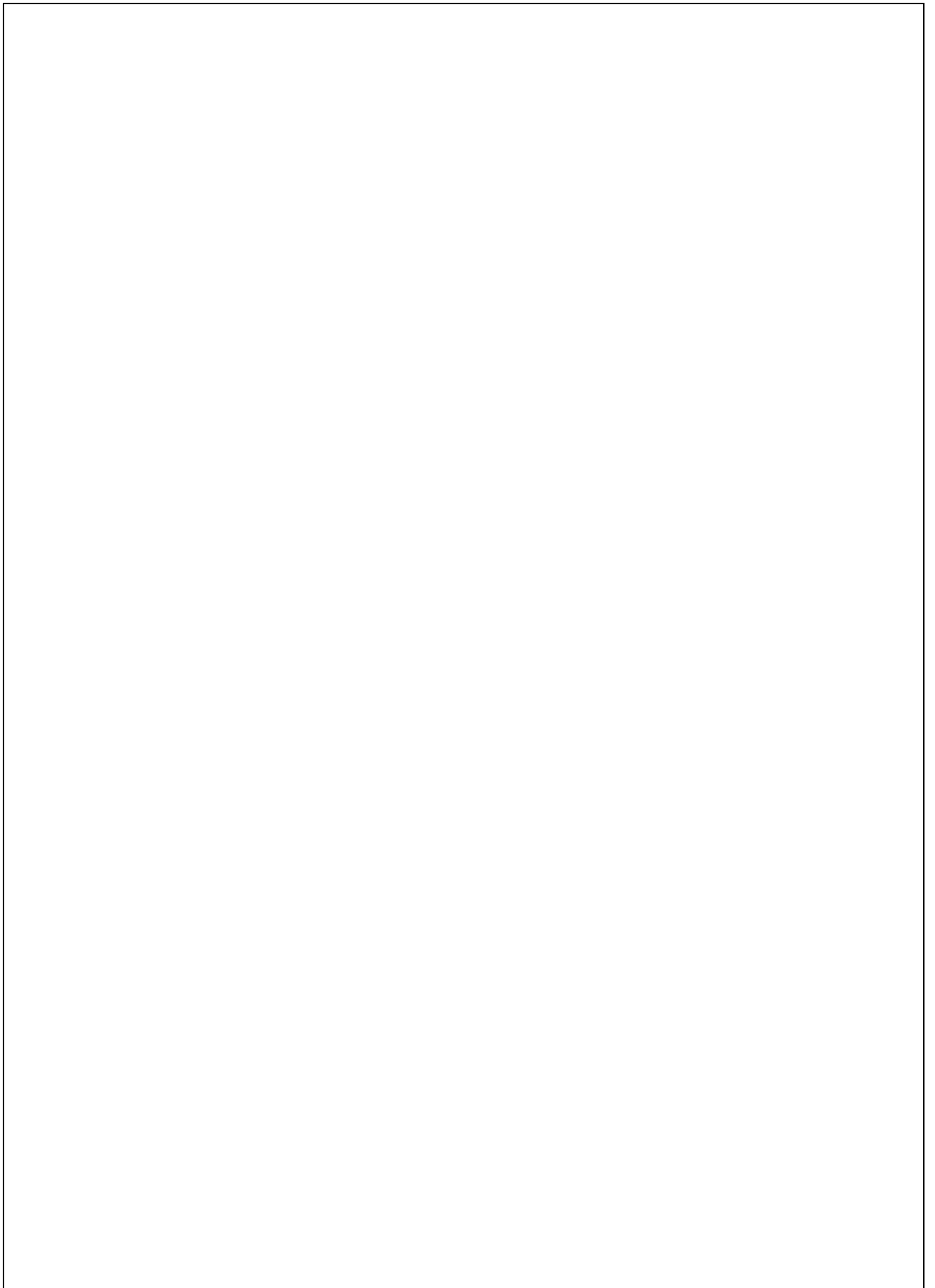
حیات قرآن در حیات علمی و فرهنگی و اخلاقی جامعه به صورت عملی حاضر باشد.





### فهرست اہم منابع

۱. احمدی، علی. سید قطب، آیت جہاد، تہران: مجمع تقریب بین مذاہب اسلامی، ۱۳۸۳.
۲. تاجدینی، یادھا و یادگارھا، خاطراتی از عارف و مفسر قرآن علامہ طباطبائی، کانون انتشارات پیام نور، تہران، ۱۳۷۴.
۳. حکیمی، محمد رضا، مکتب تفکیک، قم: مرکز بررسی های اسلامی، ۱۳۷۳.
۴. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین، قم، بی تا.
۵. العاملی، زین الدین (شہید ثانی)، آداب تعلیم و تعلّم در اسلام، ترجمہ و نگارش سیدمحمدباقر حجّتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تہران، ۱۳۶۵.
۶. منیرالدین، احمد، نهاد آموزش در اسلام، ترجمہ محمدحسین ساکت، بی جا، ۱۳۶۸.
۷. مؤسسہ معارف اسلامی امام رضا، بینات، شماره ۹، بہار ۱۳۷۵، گفت و گو با حجت الاسلام قرائتی.
۸. نظامی عروضی، چہارمقالہ، بہ کوشش جعفر شعار، تہران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۹. [con-farsi.khamenei.ir/speech](http://con-farsi.khamenei.ir/speech)





## جایگاه و اهمیت حفظ قرآن از دیدگاه معصومان (علیهم السلام)

دکتر کریم پارچه باف دولتی<sup>۱</sup>

محمد امیری<sup>۲</sup>

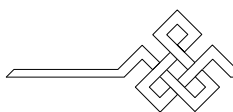
### چکیده

خداوند متعال قرآن را از آن رو «قرآن» نامید که «خواندنی» است. خواندنی بودن قرآن به این معناست که در بهره بردن از آن، «قرائت» هم طریقت دارد و هم موضوعیت و بسیاری از اهداف متعالی نزول قرآن، در خلال تلاوت و قرائت مداوم آن تحقق می‌یابد؛ زیربنای عمل انسان قرار گرفته، در وجود او تجلی می‌کند و فرد را به صورت عینی به وجودی قرآنی مبدل می‌سازد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی بازشناسی اهمیت و جایگاه حفظ قرآن در سیره معصومان (علیهم السلام) برآمده و پس از بحث و بررسی آیات و روایات وارده، به این نتیجه رسیده که در مکتب معصومان (علیهم السلام) یکی از مراتب و جلوه‌های آموزش قرآن، حفظ قرآن است و تأکید ایشان به امر حفظ قرآن، به سبب ایجاد انس و تکرار دائمی آیات بوده و این تداوم، شکل‌دهنده تدبیر در قرآن، و تدبیر، شاهره عمل به قرآن و تجلی قرآن در وجود انسان است.

**کلید واژگان:** آموزش قرآن، حفظ قرآن، تدبیر، سیره معصومان (علیهم السلام)

kdownlati@chmail.ir

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی تهران  
۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.



## مقدمه

قرآن کتاب هدایت تمام انسان‌ها در همه زمان‌ها و زمینه‌هاست که خدای حکیم بر پیامبرش، نازل کرد و یکی از وظایف او را تعلیم آن قرار داد تا در ضمن آن، بشریت به سر منزل پاکی و معرفت باریابد و به قلّه خلیفه اللّهی نائل شود.

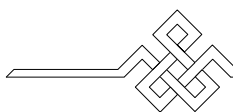
بیداری اسلامی و اقبال ملت‌ها به قرآن کریم به عنوان یگانه نقشه راهبردی و جامع در برقراری مناسبات انسانی و حاکمیتی، ضرورت توجه به مبانی آموزشی قرآن کریم در بیان معلمان حقیقی آن را دوچندان می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان سلسله‌جنبان رجوع به قرآن و جامعه‌سازی قرآنی نیز سخت محتاج راهبردها و راهکارهای بیان شده در این زمینه در بیان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است. امروزه در ایران اسلامی شاهد توجه روز افزون به امر آموزش و ترویج قرآن کریم هستیم تا آن‌جا که ارتقای تعداد حافظان قرآن به ده میلیون نفر یکی از برجسته‌ترین محورهای سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه‌الله) در دیدار حافظان و قاریان قرآن کشور در طلیعه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۰ بود. از این رو شناخت جایگاه و اهمیت حفظ قرآن می‌تواند ما را در نیل به این هدف بزرگ یاری نماید.

## اهداف نزول قرآن

قرآن بیان الهی برای تمام مردم (آل عمران: ۱۳۸)، شفاء و رحمتی برای مؤمنان (اسراء: ۸۲)، مایه هدایت پرهیزگاران (بقره: ۲) و بلکه تمام مردم (بقره: ۱۸۵) است. اما تمام این اهداف، در پرتو «تدبّر» در آیات قرآن حاصل می‌شود، آن‌جا که خدای متعال، قرآن را نخست برای تدبّر مردم معرفی نموده، اهداف نزولش، نظیر هدایت، انذار، تبشیر، تذکر و تزکیه را به کلید تدبّر سپرده است:

« كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ » (ص: ۲۹).

در مکتب معصومان (علیهم‌السلام)، قرآن برای قرائت نازل شده است و تلاوت آن پاداش بزرگ و بالاتر از آن، آثار تعلیمی و تربیتی شگرفی دارد و همه این آثار مهم، در پرتو تلاوت صحیح و اصولی قرآن است، و راهی دیگر برای بهره بردن از این آثار تربیتی و تعلیمی قرآن در مکتب



اهل بیت (علیهم السلام) مطرح نمی شود:

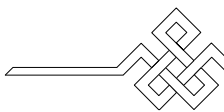
«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه: ۲).

بنابراین باید گفت قرآن برای تلاوت نازل شده است، ولی نه به این معنا که تلاوت آن تنها موجب اجر گردد و بس؛ بلکه نازل شده است تا با تلاوت آیات آن، زنگارها و غبارها را از آینه دل تلاوت کننده بزدايد؛ «فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَسَبَبُهُ الْأَمِينُ وَفِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ وَبِنَابِيعِ الْعِلْمِ وَمَا لِلْقَلْبِ جَلَاءٌ غَيْرُهُ» (نهج البلاغه، خ ۱۷۶) او را متذکر به آیات الهی کند (زخرف: ۴۴) و این تذکر، او را به تدبّر و تفکر در آیات بکشانند (ص: ۲۹) تا آن جا که او را در صراط مستقیم قرار دهد و قدم به قدم به متکلم - خدای متعال - نزدیک و نزدیک تر گرداند.

#### مفهوم آموزش قرآن در سیره معصومان (علیهم السلام)

امروزه، هنگامی که سخن از آموزش قرآن مطرح می شود، تصویری از جلسات متداول روخوانی، تجوید، حفظ، صوت و لحن، مفاهیم، تفسیر و نظایر آن در ذهن نقش می بندد. اما این سؤال مطرح است که آموزش قرآن در مکتب معصومان (علیهم السلام) چه تعریفی دارد و چه جلسه ای را می توان جلسه آموزش قرآن نامید؟

در پاسخ، باید به صدر اسلام بازگشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از دریافت وحی، آیات قرآن را برای مسلمانان می خواندند و مسلمانان نیز تمام همّت و کوشش خویش را به کار می بستند تا آیتی که شنیده بودند را به دل و جان نشان بسپارند و آن آیات را حفظ کنند (نیشابوری، ۲، ۲۳۳). در آن زمان، هر مسلمانی، با هر سن و در هر کسوت و بهره هوشی، به فراگیری قرآن اقدام می کرد. با گسترش قلمرو حکومت اسلامی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) افرادی را برای تعلیم قرآن به اقصی نقاط جامعه اسلامی می فرستادند (زرقانی، ۱، ۲۴۲؛ ابن خلدون، ۴، ۴۵۰؛ طبری، ۴، ۱۴۱۳). این سنت پس از پیامبر نیز ادامه یافت (طبری، ۵، ۲۰۳۹)، تا آن جا که قرآن آموزی جزء لاینفک فرهنگ اسلامی قلمداد می شد و فراگرفتن قرآن یکی از وظایف



مسلمانان و نیز یکی از شئون مسلمانی تلقی گردید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آموختن قرآن را حقی الهی بر گردن تمام مسلمانان برمی شمردند و بی هیچ قیدی، همگان را به ادای این تکلیف الهی فرامی خواندند: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ ذَكَرَ أَوْ أُتِيَ حُرٌّ أَوْ مَمْلُوكٌ إِلَّا وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ أَنْ يَتَعَلَّمَ مِنَ الْقُرْآنِ وَ يَتَّقَهُ فِيهِ» (نوری، ۴، ۲۳۲)؛ هیچ فرد مؤمنی نیست چه زن و چه مرد، چه آزاد و چه برده مگر این که بر گردن او حق واجب از جانب خداست و آن این است که قرآن را بیاموزد و در آن تفقه کند. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ» (کلینی، ۲، ۶۰۷)؛ شایسته است که فرد مؤمن نمیرد تا این که قرآن را بیاموزد یا در حال آموختن آن باشد.

حال باید به پاسخ این سؤال پرداخت که در مکتب معصومان (علیهم السلام) فراگرفتن و آموختن قرآن چه معنایی دارد. روایاتی که در ادامه مطرح می شود، در واقع پاسخ این سؤال است.

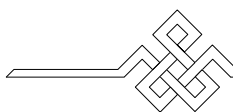
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «الَا انبئکم بما هو اکثر ربحاً؟ رجل تعلم عشر آیات» (متقی هندی، ح ۲۴۷۳)؛ آیا به شما بگویم چه کسی از همه بیشتر سود می کند؟ آن فرد، کسی است که ده آیه بیاموزد. معنای آموختن ده آیه، آموختن فنّ روخوانی ده آیه نیست؛ زیرا در این صورت هر کس روخوانی ده آیه را بیاموزد با اندک تلاشی می تواند تمام قرآن را بخواند و خواندن ده آیه و تعلیم و تعلم ده آیه - با تأکید بر عدد ده - معنا و مفهومی در پی ندارد. این سخن به تجوید یا صرف مفاهیم نیز نمی تواند اشاره ای داشته باشد زیرا اشکال مطرح شده به نوعی دیگر پابرجاست.

تصریح به حفظ قرآن و ترغیب و تشویق به آن، در روایات متعددی مشاهده می شود. از امام موسی کاظم (علیه السلام) از قول پدرانیشان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «عَدَدُ دَرَجِ الْجَنَّةِ عَدَدُ آيِ الْقُرْآنِ فَإِذَا دَخَلَ صَاحِبُ الْقُرْآنِ الْجَنَّةَ قِيلَ لَهُ أَقْرَأَ وَ أَرْقَأَ لِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةٌ فَلَا تَكُونُ فَوْقَ حَافِظِ الْقُرْآنِ دَرَجَةً» (مجلسی، ۲۲، ۸۹)؛ تعداد درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است، در روز قیامت به حامل قرآن می گویند بخوان و بالا برو که برای هر آیه ای در بهشت درجه ای است. پس هیچ درجه ای بالاتر از درجه حامل قرآن نیست. در روایت دیگری، امام علی (علیه السلام) از قول



پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «افْرُؤُوا الْقُرْآنَ وَ اسْتَظْهِرُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَأَيْعَذِبُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنَ» (مجلسی، ۱۹، ۸۹)؛ قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید، زیرا خدای متعال، قلبی که ظرف قرآن شده باشد را عذاب نمی کند. استظهار در لغت به معنای از حفظ و از بر خواندن است چنانکه خواندن (من ظهر القلب) را حفظ کردن و خواندن از حفظ می دانند (فراهیدی، ۳۸، ۴). در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که خطاب به مسلمانان می فرمایند: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ»؛ قرآن را یاد بگیرید. (کلینی، ۶۰۳، ۲) آن گاه بدون هیچ توضیحی در مورد یاد گرفتن قرآن، از فضیلت و برتری حافظان قرآن سخن می گویند و او را به مردی تشبیه می کنند که کیسهٔ مُشکی حمل می کند و هر گاه آن را می گشاید بوی خوشش فضا را عطر آگین می کند. «فَإِنَّ مَثَلَ حَامِلِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ رَجُلٍ حَمَلَ جِرَابًا مَمْلُوءًا مِسْكَاً إِنْ فَتَحَهُ فَتَحَ طِيبًا وَ إِنْ أَوْعَاهُ أَوْعَاهُ طِيبًا»؛ پس همانا مَثَلِ حَامِلِ قرآن مانند مَثَلِ کسی است که کیسه‌ای پر از مشک حمل می کند، اگر آن را بگشاید، چیز خوش بویی را گشوده و اگر آن را حفظ کند چیز خوش بویی را حفظ کرده است. (نوری، ۴، ۲۴۶) این روایت می تواند بدین معنا باشد که در نظر ایشان تعلیم قرآن (در صورت فراهم بودن شرایط خاص) به معنای حفظ قرآن است.

با توجه به این روایات، می توان گفت که در صدر اسلام و به ویژه در مکتب معصومان (علیهم السلام) آموزش قرآن به معنای به قلب سپردن آیات کلام الهی و توانایی از بر خواندن آیات بوده است. در این مکتب، همهٔ مردم با هر سن و بهره‌ای از حافظه، برای آموختن قرآن شایسته است آیات آن را حفظ کنند. برای اثبات و بیات این مدعا می توان به روایات بسیاری اشاره کرد که برای کسانی که با سختی قرآن را فرا می گیرند اجر بیشتری قائل شده است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «مَنْ شَدَّدَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ كَانَ لَهُ أَجْرَانِ وَ مَنْ يُسِّرَ عَلَيْهِ كَانَ مَعَ الْأَبْرَارِ» (مجلسی، ۸۹، ۱۸۷)؛ هر کس [آموزش] قرآن بر وی سخت باشد دو اجر دارد و هر که [آموزش قرآن] بر وی آسان باشد با ابرار است. روایات مشابه این روایت بسیارند. در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) به وضوح روایت شده که هر کس به واسطهٔ کمی حافظه‌اش، قرآن را به سختی حفظ کند، اجر دو چندان دارد. «إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ لِيَحْفَظَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلَّةٍ حِفْظِهِ لَهُ أَجْرَانِ»



(مجلسی، ۲۰۲، ۸۹)؛ همانا کسی که به قرآن ممارست کند تا آن را حفظ کند به خاطر سختی آن و کمی حافظه‌اش، دوبرابر اجر و پاداش دارد. از باب تأکید بر این ادعا که آموزش قرآن در مکتب معصومان (علیهم السلام) می‌تواند بمعنای حفظ آیات باشد، به روایاتی که در باب فراموش کردن قرآن نقل شده استناد کرد. به یقین هر کس روخوانی، روان‌خوانی، تجوید، صوت و لحن را بیاموزد در حالت عادی هیچ‌گاه آن را فراموش نخواهد کرد و تنها در حفظ آیات، ممکن است فرد دچار نسیان گردد. به عنوان نمونه به روایت امام موسی کاظم (علیه السلام) اشاره می‌شود، ایشان از پدران بزرگوارشان از قول پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «عُرِضَتْ عَلَيَّ الذُّنُوبُ فَلَمْ أُصِبْ أَعْظَمَ مِنْ رَجُلٍ حَمَلَ الْقُرْآنَ ثُمَّ تَرَكَهُ» (مجلسی، ۱۹۰، ۸۹)؛ گناهان بر من عرضه شد و من گناهی بزرگ‌تر از گناه کسی که قرآن را حمل کرده و سپس آن را ترک کرده باشد برخوردار نکردم. یا این روایت از امام صادق (علیه السلام) که می‌فرمایند: «مَنْ نَسِيَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ مَثَلَتْ لَهُ فِي صُورَةِ حَسَنَةٍ وَ دَرَجَةِ رَفِيعَةٍ فِي الْجَنَّةِ فَإِذَا رَأَاهَا قَالَ مَا أَنْتَ مَا أَحْسَنَكَ لَيْتَكَ لِي فَيَقُولُ أَمَا تَعْرِفُنِي أَنَا سُورَةٌ كَذَّاءٌ وَ كَذَّاءٌ وَ لَوْ لَمْ تُنْسِنِي رَفَعْتُكَ إِلَى هَذَا» (کلینی، ۶۰۷، ۲)؛ هر کس سوره‌ای از قرآن را فراموش کند، آن سوره در صورتی نیکو و درجه‌ای رفیع در بهشت برای وی تمثیل پیدا می‌کند. پس هنگامی که او آن سوره را می‌بیند می‌گوید: تو کیستی؟ چقدر نیکو و زیبایی! ای کاش از آن من بودی. سوره می‌گوید: آیا مرا نمی‌شناسی؟! من فلان سوره هستم و اگر مرا فراموش نمی‌کردی تو را به این مقام می‌رساندم.

### حفظ، مقدمه تکرار و انس دائمی با قرآن

پس از این که فردی حافظ آیت‌های از کلام الهی شد، باید این آیات را ملکه خویش کند و با تکرار زیاد و مؤانست دائمی با قرآن، آن را ذکر شب و روز خویش گرداند تا این شجره طیبه، در وجودش ریشه دوانده و مستحکم‌تر شود.

روایات بسیاری وجود دارد که بیانگر انس دائمی معصومان (علیهم السلام) با قرآن می‌باشد. امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) در احوال پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «كَانَ رَسُولٌ





اللَّهُ لَا يَحْجُزُهُ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ إِلَّا الْجَنَابَةُ» (نوری، ۱۴۶۵)؛ هیچ چیزی جز جنابت مانع از قرائت قرآن توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نمی شد. عبارت «کان رسول الله» در این روایت، به سیره دائمی آن حضرت اشاره دارد. در احوال امام رضا (علیه السلام) هم روایت شده است: «كَانَ الرَّضَا فِي طَرِيقِ خُرَّاسَانَ يَكْتَرُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تَلَاوَةِ الْقُرْآنِ. فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّدَ بِهِ مِنَ النَّارِ». (مجلسی، ۸۹، ۲۰۴)؛ امام رضا (علیه السلام) در راه خراسان، شب‌ها در بسترشان بسیار قرآن می خواندند، پس هنگامی که به آیه‌ای که در آن یادی از بهشت یا جهنم شده بود می رسیدند، می گریستند و از خداوند بهشت را درخواست می کردند و به او از جهنم پناه می بردند.

در روایت دیگری بیان شده است: «كَانَ الرَّضَا يَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ ثَلَاثٍ وَ يَقُولُ لَوْ أَرَدْتُ أَنْ أَخْتِمَهُ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ لَخْتَمْتُهُ وَ لَكِنْ مَا مَرَرْتُ بِآيَةٍ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتُ وَ فِي أَيِّ وَقْتٍ فَلِذَلِكَ صِرْتُ أُخْتِمُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (مجلسی، ۸۹، ۲۰۴)؛ امام رضا (علیه السلام) قرآن را در هر سه روز ختم می کردند و می گفتند که اگر می خواستم آن را در کمتر از سه روز ختم کنم می توانستم، اما هرگز به آیه‌ای نرسیدم مگر این که در آن فکر کردم که درباره چه چیزی نازل شده و در چه زمانی، و بدین خاطر قرآن را در سه روز ختم می کنم. در این روایات هم از عبارت «کان الرضا» استفاده شده است که بیانگر سیره دائمی آن حضرت بوده است.

علاوه بر سیره عملی ائمه معصوم (علیهم السلام) در انس با قرآن، در روایات، شواهد زیادی در ترغیب و تشویق مردم به انس با قرآن وجود دارد. از جمله، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده است: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ وَ رَجُلٌ آتَاهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ» (مجلسی، ۸۹، ۱۹۸)؛ حسادت جایز نیست مگر در دو مورد؛ یکی فردی که خدا به او مال فراوانی داده است و او شب و روز از آن در راه خدا انفاق می کند، و دیگری کسی که به او قرآن داده شده است و او شب و روز را بدان سپری می کند. ایشان طبق روایت امام صادق (علیه السلام)، در وصیت خود به امام علی (علیه السلام) سفارش می فرمایند که در همه حال قرآن را تلاوت کنند (حرعاملی، ۱۸۶، ۶).

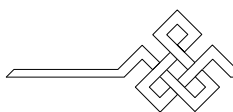
در مکتب معصومان (علیهم السلام) سعی بر این است که مسلمانان به قدری با قرآن مأنوس باشند



که لب‌هایشان مدام به ذکر قرآن معطر باشد و زمزمه آیات روح‌بخش کلام الهی جزء لاینفک برنامه‌های روزانه‌شان باشد و اگر مشغله‌های روزانه از این مهم ممانعت کرد، دیگر از تلاوت یک سوره یا ده آیه از قرآن غفلت نکنند. فضیل از امام صادق (علیه‌السلام) در حدیثی سرشار از مهر و عاطفه در کلام روایت می‌کند: «مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سَوْقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ فَيُكْتَبَ لَهُ مِنْهَا كُلُّ آيَةٍ يَقْرُوهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيَمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ» (مجلسی، ۲۰۲، ۸۹)؛ چه چیزی تاجر و کاسب را از این بازمی‌دارد که پس از بازگشت به خانه‌اش، نخواست تا یک سوره از سوره‌های قرآن را بخواند و به واسطه آن به ازای هر آیه‌ای که تلاوت می‌کند ده حسنه برایش نوشته شود و ده گناه و خطا از او محو گردد.

در ادامه این بحث لازم است به روایاتی که در باب ختم قرآن و بازه زمانی هر ختم قرآن آمده اشاره کنیم. از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کنند: از وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سؤال شد: بهترین مردمان چه کسانی هستند؟ حضرت پاسخ دادند: «الْحَالُّ الْمُرْتَحِلُ». پرسیدند: ای رسول خدا! «حال مرتحل» کیست؟ ایشان فرمودند: «الْفَاتِحُ الْخَاتِمُ الَّذِي يَفْتَحُ الْقُرْآنَ وَيَخْتَمُهُ؛ فله عند الله دعوة مستجابة» (حرعاملی، ۱۸۹، ۶)؛ حال مرتحل، گشاینده تمام کننده است. کسی که قرآن را می‌گشاید و آن را ختم می‌کند پس برای او نزد خداوند یک دعای مستجاب است. در روایتی دیگر، راوی از امام سجاد (علیه‌السلام) سؤال می‌کند: کدام اعمال بافضیلت‌ترند؟ حضرت فرمودند: «الْحَالُّ الْمُرْتَحِلُ». راوی سؤال می‌کند: «حال مرتحل» کیست؟ ایشان می‌فرمایند: «فتح القرآن و ختمه. كلما حلَّ في أوله ارتحل في آخره» (مجلسی، ۲۰۴، ۸۹)؛ باز کردن قرآن و ختم آن، هنگامی که از ابتدای آن آغاز نماید در آخر آن فرود آید.

دربارۀ مدت زمان هر ختم قرآن، روایات بسیاری وجود دارد. برخی از این روایات حداقل تلاوت در شبانه‌روز را ده (مجلسی، ۱۹۷، ۸۹) و برخی دیگر این حداقل را پنجاه آیه ذکر کرده‌اند، نظیر این روایت از امام صادق (علیه‌السلام): «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَيَّ خَلَقَهُ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً» (حرعاملی، ۶، ۱۹۸)؛ قرآن پیمان خدا بر بندگانش است، پس همانا بر فرد مسلمان شایسته است که در پیمان الهی بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را



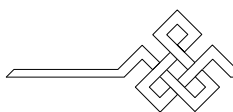
بخواند. یا این حدیث از امام رضا (علیه السلام) که می فرمایند: «يَبْنِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ يقرأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً» (حرعاملی، ۶، ۱۹۸)؛ شایسته است که فرد هنگامی که صبح شد بعد از تعقیبات [نماز] پنجاه آیه بخواند.

اما درباره حد اکثر میزان تلاوت روزانه، می توان گفت که این میزان نسبت به افراد مختلف و زمان های مختلف، متفاوت است. تا آن جا که گاه ختم قرآن را در سی روز (کلینی، ۲، ۶۱۷)، گاه در چهارده روز (همان، ۶۱۸)، گاه در شش روز (همان، ص ۶۱۹) و گاه در ماه رمضان در سه روز نیز جایز می شمارند (همان)، و حتی گاه ختم چهل بار قرآن در این ماه مبارک را تجویز می نمایند (همان، ۶۱۸). به نظر می رسد که حضرات معصوم (علیهم السلام) با در نظر گرفتن ظرفیت مخاطبان خود و این که اصل در تلاوت قرآن بر تدبیر، تفکر و متذکر شدن به آیات الهی است، محدوده های مختلفی را ذکر می کنند و تا آنجا که کمیت تلاوت، تدبیر و تفکر در آیات را تحت الشعاع قرار ندهد، هیچ سقفی قرار نمی دهند.

به وضوح مشاهده می شود که همه روایات یاد شده در این بخش درصدد تشویق و ترغیب مسلمانان به تلاوت قرآن و ایجاد مؤانست دائمی در آنها است.

در آیات قرآن (انفال: ۲) و مکتب معصومان (علیهم السلام) (کلینی، ۲، ۶۰۶؛ مجلسی، ۹۲، ۱۹۵؛ فیض کاشانی، ۲، ۲۴۶؛ متقی هندی، ح ۲۴۰۲)، تلاوت قرآن باید باعث ازدیاد ایمان و خشوع قلب قاری گردد. هدف از تلاوت قرآن تدبیر، تأثر دل و تذکر قلب است و این در پرتو آمادگی دل و جان به دست می آید؛ ولی اگر قلب آماده و پذیرا نباشد، چه ثمری بر چنین تلاوت با اکراه مترتب است؟!

باید در نظر داشت در مکتب معصومان (علیهم السلام) اصل بر کیفیت در تلاوت است و اگر کمیت از کیفیت قرائت بکاهد، به شدت مورد نهی قرار می گیرد، همانند روایت امام رضا (علیه السلام) که ختم قرآن را در سه روز بیان فرموده است، اما زمانی که کیفیت حاصل شد، قاری می تواند تا حدی که دل و جانش کشش و ظرفیت دارد، قرآن بخواند.

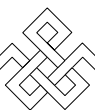


### انس دائمی و تکرار آیات، مقدمه تدبیر در قرآن

از روایاتی که تاکنون ذکر شد، به روشنی برمی آید مؤانست با قرآن و تکرار آیات آن نقش مهمی در شکل دهی شخصیت یک فرد مسلمان و به تبع آن فرهنگ جامعه اسلامی بر مبنای قرآن ایفا می کند. اما در اینجا سؤال دیگری مطرح می شود و آن اینست که مؤانست با قرآن و تکرار مداوم آن چگونه به تدبیر در قرآن می انجامد؟ در پاسخ به این سؤال و چگونگی این تأثیر باز هم به سیره معصومان (علیهم السلام) و روایات وارده از این بزرگواران می پردازیم. با یک نگاه کلی به وضوح مشخص می شود که تکرار قرائت قرآن و استمرار در آن موجب تدبیر بهتر و بیش تر می شود. در این روایات کاملاً مشهود است تدبیر در آغوش تکرار و زمزمه آیات، شکل می گیرد و پرورش می یابد و قاری قرآن را به مراتب بالای انس با حقیقت قرآن می رساند. هر چه این تکرار تلاوت و زمزمه آیات بیش تر و اصولی تر باشد، قاری حظّ و بهره بیش تری از خوان گسترده الهی خواهد برد. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می شود.

در احوال امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: روزی حالت بی هوشی به ایشان دست داد. پس از به هوش آمدن علت را جویا شدند. حضرت در پاسخ فرمودند: «مازلت اردد الایة علی قلبی و علی سمعی، حتی سمعتها من المتکلم بها فلم یثبت جسمی لمعاينة قدرته» (فیض کاشانی، ۲، ۲۴۷)؛ آنقدر این آیه را بر قلب و گوشم خواندم و تکرار کردم تا جایی که آن را مستقیماً از متکلم آن شنیدم. از این رو، (با دیدن قدرت او) از حال رفتم. در نقل مشابهی روایت شده است حضرت در حال نماز بیهوش شدند و وقتی به هوش آمدند علت بیهوشی را تکرار آیات قرآن ذکر کردند به طوری که گویی آیات را از زبان خداوند متعال می شنوند (نوری، ۴، ۱۰۶).

روایات متعدد نشان می دهند معصومان (علیهم السلام) یا برخی از اصحاب ایشان، آیه یا آیاتی از قرآن کریم را به مناسبت های مختلف برای تدبیر در معنای آنها تکرار می کردند. فیض کاشانی می نویسد: روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) «بسم الله الرحمن الرحیم» را قرائت کرد و آن را فقط به منظور تدبیر در آن بیست مرتبه تکرار کرد (فیض کاشانی، ۲، ۲۳۷). و یا در جای دیگر ذکر می کنند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه «إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

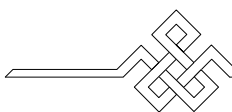


الْحَكِيمُ» (مانده: ۱۱۸) را یک شب تا صبح تکرار کردند (پیشین، ۲، ۲۳۸). همچنین در این زمینه نقل شده است: هنگامی که امام سجاد (علیه السلام) آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را قرائت می کردند، آن قدر تکرار می نمودند تا جایی که نزدیک بود جان به جان آفرین تسلیم کنند (کلینی، ۲، ۶۰۳). سعید بن جبیر، تابعی بزرگ و از موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) آیه «وَأَمَّا زُورُ الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ» (یس: ۵۹) را گاهی از اول شب تا آخر شب مکرراً تلاوت می کرده است (فیض کاشانی، ۲، ۲۳۸). همچنین وی، سوره هود را تا شش ماه تکرار می کرد به گونه ای که نمی توانست از تدبیر در آن فارغ شود (پیشین).

نظیر این روایات بسیار است، نکته جالب توجه در آن ها این است که این گونه تکرارها، از آن جا که زمینه فهم و راه یابی به بطون آیات را فراهم می کند، برای آنان مطلوب بوده است. فیض کاشانی تصریح می کند این تکرار برای تدبیر در آیات بوده است (پیشین، ۲، ۲۳۷).

البته تلاوت قرآن در سیره معصومان (علیهم السلام) آداب و شرایط خاصی دارد به طوری که با رعایت آن آداب موجبات تذکر و تدبیر در قرآن فراهم می آید. همین قدر باید گفت که وقتی تدبیر حاصل شد، قرآن با گوشت و پوست و خون انسان ممزوج و مخلوط می شود (مجلسی، ۱۸۷، ۸۹) و همه عقاید، گفتار و رفتار و همه حرکات و سکنات این انسان قرآنی خواهد شد و انسان به صورت عینی قرآن بدل می گردد تا آنجا که قرآن از درون، هدایت های خود را ناخودآگاه در همه اعمال و گفتار وی متجلی می سازد.

و این است نکته ظریف و مهمی که رهبر معظم (حفظه الله) نیز تأکید خاصی بر آن دارند، یعنی: هدف نبودن حفظ، بلکه مقدمه بودن آن برای تدبیر و تفکر در قرآن. ایشان در دیدار با شرکت کنندگان در بیست و هشتمین دوره مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن در تیرماه ۱۳۹۰ بیان فرمودند: «آنچه من حالا در این جلسه می خواهم به طور خاص به قرآنی های عزیز کشورمان بگویم این است که به سمت حفظ قرآن بیش تر بروید. حفظ وسیله است؛ وسیله است برای این که انسان، آسان بخواند، آسان تکرار کند و امکان تدبیر پیدا کند.... وقتی که حفظ حاصل شد، آن وقت توان و فرصت برای تدبیر بیش تر پیدا خواهد شد و همین تدبیر است که کلید است.

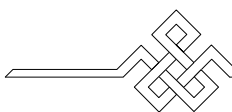


کلید اصلی، همین تدبّر در قرآن و فکر کردن در قرآن است». همچنین ایشان در نخستین روز ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۰ در دیدار اساتید، قاریان و حافظان کشور با تأکید مجدد بر حفظ قرآن، آن را مقدمه تدبّر دانسته و فرمودند: «البته توجه داشته باشید که حفظ قرآن قدم اول است. اولاً حفظ را باید نگه داشت. بنابراین، حافظ قرآن باید تلاوت کننده‌ی مستمر قرآن باشد؛ یعنی مرتباً بایستی قرآن را تلاوت کند و الا حفظ از دست خواهد رفت. بعد بایستی این حفظ کمک کند به تدبّر، که اینجور هم هست؛ حفظ حقیقتاً کمک می‌کند به تدبّر. آن جایی که شما قرآن را تکرار می‌کنید، فرصت تدبّر و تعمق در آیات قرآن برای شما پیدا می‌شود».

### اهمیت و جایگاه تدبّر

«تدبّر» در لغت از ریشه «دبر» به معنای عقب است (ابن منظور، ۴، ۲۶۸). برخی از اهل ادب تدبّر را به معنای تفکر (پیشین، ۴، ۲۷۳) و برخی دیگر به معنای درنگ و تأمل در عواقب امور معنا کرده‌اند (طریحی، ۳، ۲۹۸؛ قرشی، ۲، ۳۲۷). علامه طباطبایی تدبّر را به معنای گرفتن چیزی بعد از چیز دیگر می‌داند و در مورد آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲) تدبّر را به معنای تأمل در یک آیه بعد از آیه‌ای دیگر یا تأمل و دقت بعد از دقت دیگر در آیه می‌گیرند (طباطبایی، ۵، ۲۰). همچنین ایشان در ذیل آیه «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹) با مقابله بین جملات «لِيَدَّبَّرُوا» و «لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» مخاطب تدبّر در آیات قرآن را عموم مردم دانسته، تدبّر را وسیله هدایت آنان می‌داند و سپس آیه را این گونه معنا می‌کند: «این قرآن کتابی است که ما آن را به سوی تو نازل کردیم، کتابی است که خیرات و برکات بسیار برای عوام و خواص مردم دارد، تا مردم در آن تدبّر نموده به همین وسیله هدایت شوند، یا آن که حجت بر آنان تمام شود، و نیز برای این که صاحبان خرد از راه استحضار حجّت‌های آن و تلقّی بیاناتش متذکّر گشته، به سوی حق هدایت شوند» (طباطبایی، ۱۷، ۱۹۷).

آیت‌الله جوادی آملی با دو سویه دانستن تأثیر و تأثر تدبّر در قرآن و طهارت نفس، هم پاکی و طهارت نفس از رذایل و خبائث را مقدمه تدبّر می‌داند و هم تدبّر را عامل طهارت نفس و



بردن بهره علمی و عقلی از قرآن. ایشان تصریح می‌کنند: «خدای سبحان قرآن را برای تدبّر نازل کرده است؛ « كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ » (ص: ۲۹). بعضی از متدبّران، بهره علمی و برخی از آنان بهره عقلی می‌برند و خردورزان با تدبّر در قرآن فطریات فراموش شده خود را به خوبی به یاد می‌آورند و قرآن نسبت به آنان تذکره و یادآوری‌کننده گم‌شده‌ای است که فطرت نیز آن را می‌طلبد. انسان بسته‌دل از تدبّر محروم است؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴)؛ پس تدبّر در قرآن بهره قلبی است که در آن قلب، گشوده باشد و راز تدبّر نکردن برخی انسان‌ها در قرآن این است که در قلب خود را با گناه، غفلت، عصبیت و تقلید قفل کرده‌اند؛ «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین: ۱۴). غبار و چرک و زنگار گناه که تبهکار با سوء اختیار خویش کسب کرده قلب او را می‌بندد و اگر در قلب بسته شد نه موعظه الهی و مطلب حق از بیرون در آن نفوذ می‌کند و نه عقیده باطل و عادات سوء از آن خارج می‌شود؛ یعنی نه ازاله خباثت ممکن است و نه اعطای طهارت میسر است» (جوادی آملی، ۶، ۳۹۳).

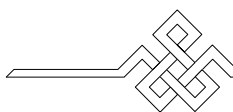
علامه طباطبایی در بحثی روایی ذیل آیه ۱۲۱ سوره بقره، (درباره حق تلاوت) به نقل حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌پردازند. آن حضرت می‌فرمایند: «یرتلون آیاته، و یتفقّهون به، و یعملون بأحكامه، و یرجون وعده، و یخافون وعیده، و یعتبرون بقصصه، و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیة ما هو والله حفظ آیاته و درس حروفه و تلاوة سوره و درس أعشاره و أحماسه حفظوا حروفه و أضاعوا حدوده و إنما هو تدبّر آیاته و العمل بأحكامه. قال الله تعالی: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ؛ آنانی که حق تلاوت قرآن را رعایت می‌کنند و آن را به شایستگی تلاوت می‌کنند کسانی هستند که آیات آن را شمرده شمرده می‌خوانند، در معنای آن تدبّر نموده و به احکامش عمل می‌کنند، به وعده‌هایش امید می‌بندند و از تهدیدهایش می‌هراسند و از داستان‌هایش عبرت می‌گیرند. اوامرش را به کار بسته، از نواهی‌اش اجتناب می‌کنند. به خدا سوگند، معنای حق تلاوت این است، نه این که تنها آیاتش را حفظ کنند، و حروفش را درس بگیرند و سوره‌هایش را بخوانند و آیات آن را به ده‌تایی و پنج‌تایی تقسیم کنند. چه بسیار افرادی هستند



که حروف آن را کامل ادا می کنند، ولی حدودش را ضایع می گذارند. حق تلاوت فقط به معنای تدبّر در آیات قرآن و عمل به احکام آن است، هم چنان که خدای تعالی فرمود: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ»؛ قرآن کتابی است مبارک که به تو نازل کردیم، تا در آیاتش تدبّر کنند (طباطبایی، ۱، ۲۶۶).

در این بیان نورانی، با محصور کردن حق تلاوت در تدبّر کردن در آیات قرآن و عمل به آن پیوند ناگسستنی تلاوت و تبعیت از آیات را گوشزد می نمایند. در این زمینه روایات بسیاری وجود دارد که صراحتاً به عمل به احکام قرآن اشاره شده است و حافظان عامل به قرآن را در جایگاه والایی وصف می کند. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است: «ثَلَاثَةٌ لَا يُبَالُونَ بِالْحِسَابِ وَلَا يَخَافُونَ الصَّبْحَةَ وَالْفَزَعَ الْأَكْبَرَ رَجُلٌ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَحَفِظَهُ وَعَمِلَ بِهِ فَإِنَّهُ يَأْتِي اللَّهَ تَعَالَى سَيِّدًا شَرِيفًا» (نوری، ۴، ۲۱)؛ سه گروه اند که از حساب و کتاب قیامت و جزع و فزع آن روز بیمی ندارند. یکی از آنها گروهی است که قرآن را فرا گرفته، به حفظ آن مبادرت ورزیده و به معارفش جامه عمل پوشانده اند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز در وصیت خود، مخاطبان کلامش را به اهمیت عمل به قرآن متوجه ساخته و می فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقُكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ أَحَدٌ غَيْرُكُمْ» (سید رضی، ۴۲۲)؛ (مراقب باشید) خدا را خدا را درباره قرآن، کسی در عمل به آن از شما پیشی نگیرد. در این زمینه از امام صادق (علیه السلام) نیز روایت شده است: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ» (حرعاملی، ۶، ۱۷۶)؛ حافظ قرآنی که به معارف آن عمل می کند، همنشین فرشتگان مقرب الهی است. یا در جای دیگری می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ يَعْلَمُ السُّورَةَ ثُمَّ نَسَبَهَا أَوْ تَرَكَهَا وَدَخَلَ الْجَنَّةَ أَشْرَفَتْ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقٍ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ فَتَقُولُ تَعْرِفُنِي فَيَقُولُ لَا فَتَقُولُ أَنَا سُورَةٌ كَذَا وَكَذَا لَمْ تَعْمَلْ بِي وَتَرَكَتَنِي أَمَا وَاللَّهِ لَوْ عَمَلْتُ بِي لَبَلَّغْتُ بِكَ هَذِهِ الدَّرَجَةَ وَأَشَارَتْ بِيَدِهَا إِلَيَّ فَوْقَهَا» (کلینی، ۲، ۶۰۷)؛ اگر فردی سوره ای را بیاموزد سپس آن را فراموش کند یا به آن عمل نکند و به بهشت وارد شود، آن سوره در بهشت در قالب بهترین صورت بر وی اشراف می یابد و می گوید: مرا می شناسی؟ فرد می گوید: نه. پس سوره می گوید: من فلان سوره هستم که تو به من عمل نکردی و مرا ترک کردی. به خدا سوگند که اگر به من عمل می کردی تو را به این مقام



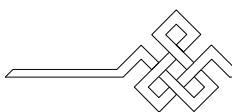


می‌رساندم و با دستش به بالا اشاره می‌کند.

چنین افرادی به طور ویژه مورد توجه حق تعالی قرار دارند، چنانکه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «حملة القرآن المخصوصون برحمة الله، الملبسون نور الله، المعلمون كلام الله، المقربون عند الله، من والاهم فقد والى الله و من عاداهم فقد عادى الله» (مجلسی، ۸۹، ۱۸۲)؛ حاملان قرآن، مشمول رحمت خاص خداوند هستند، همانا که نور خدا را به تن کرده‌اند، آن‌ها معلمان کلام خداوند هستند، و نزدیک شدگان به خدا. هر کس آن‌ها را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر که با آن‌ها دشمنی ورزد با خدا دشمنی ورزیده است. همچنین از ایشان نقل شده است: «فضل حملة القرآن على الذى لم يحمله كفضل الخالق على المخلوق» (متقی‌هندی، ح ۲۲۹۹)؛ فضیلت و برتری حامل قرآن بر کسی که حامل آن نیست، مانند فضیلت و برتری خالق بر مخلوق است. یا در حدیث دیگری می‌فرماید: «طوبى لمن بيعت يوم القيامة و جوفه محشو بالقرآن» (متقی‌هندی، ح ۲۲۹۸)؛ خوشا به حال کسی که روز قیامت محشور شود در حالی که قلبش آکنده از قرآن باشد. اهل قرآن، اهل خدا و خاصان درگاه اویند (متقی‌هندی، ح ۲۳۴۴)؛ سرشناسان بهشتیان‌اند (مجلسی، ۱۷۷، ۸۹)؛ بی‌نیازترین مردم‌اند (متقی‌هندی، ۱، ۵۱۰).

با این توصیفات واضح است هر قرآن‌آموزی مصداق حامل قرآن، و به تبع آن چنین اوصافی نیست. بسیاری کسانى که قرآن را آموخته‌اند و حتى حافظ آن نیز هستند اما بی‌نیازی در خود احساس نمی‌کنند. مسأله بی‌نیازی با قرآن، یک شعار و قرارداد عاری از حقیقت نیست. یقیناً هر کس که قلبش جایگاه قرآن باشد، در همین دنیا بی‌نیازترین انسان‌ها خواهد بود؛ در هر آن، برکت‌های معرفتی و کاربردی قرآن را مشاهده خواهد کرد؛ قلبش محل جوشش چشمه‌های گوناگون حکمت حقیقی خواهد بود؛ قطره‌های باران شفا بخش و هدایت‌گر قرآن در همه ابعاد زندگی، لحظه به لحظه، در دل او ریزش خواهد داشت و در خواب و بیداری، شاهد تنزیلات قرآنی خواهد بود.

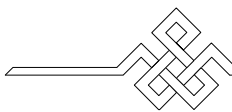
و این چنین مقام عمل از شاه‌راه تدبّر می‌گذرد و پس از تدبّر در آیات الهی، معارف ناب قرآنی تجلی می‌کنند و فرد را به غور بیش‌تر در اقیانوس این معارف و استخراج بیش‌تر



گوهرهای آن و مزین شدن به این زینت‌ها فرامی‌خوانند تا اینکه قرآن مُمَثَل شود و با انس با آن به حیات متألّهانه زنده گردد.

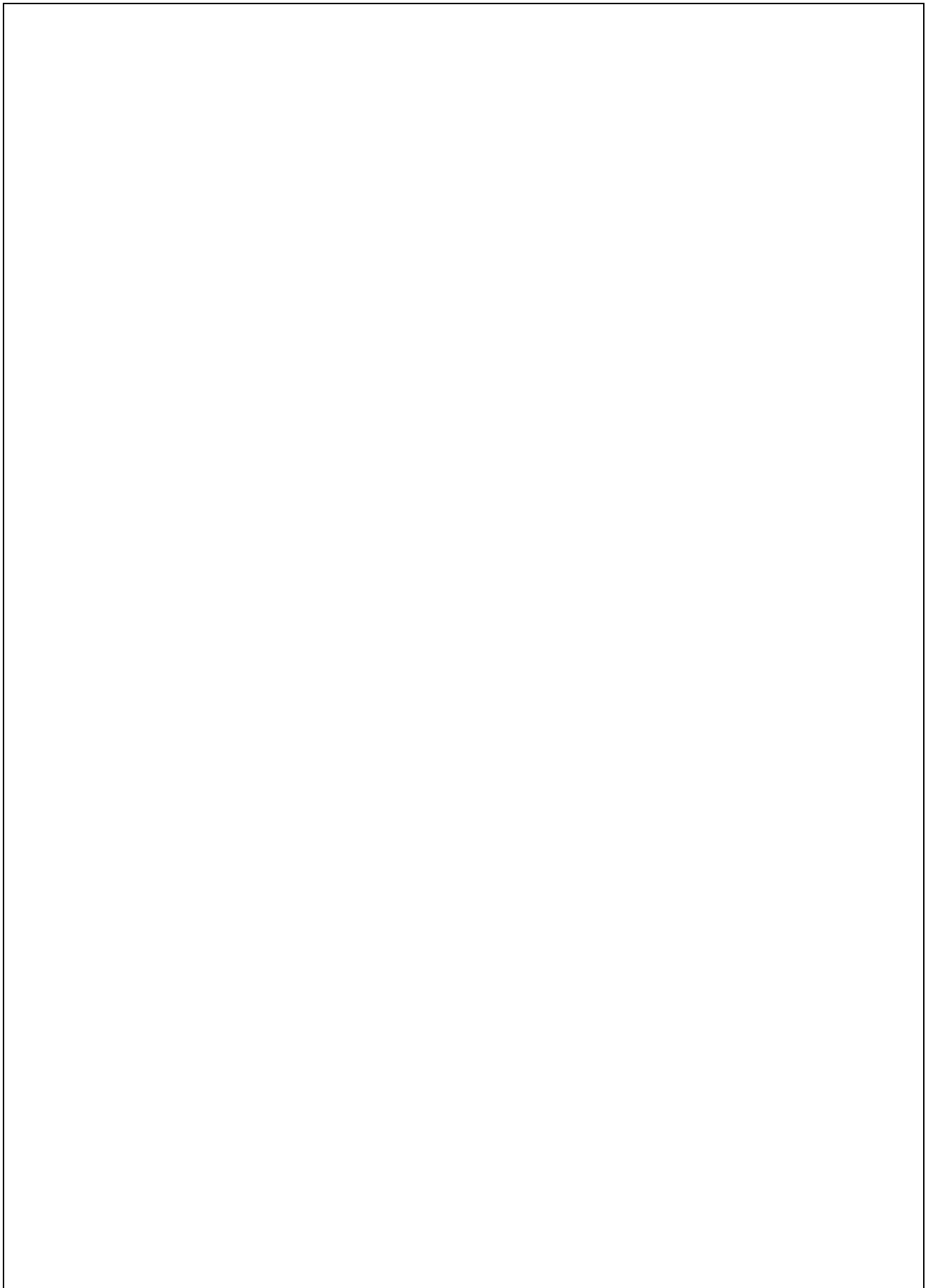
### نتیجه‌گیری

۱. هدف از نزول قرآن، تدبّر در آیات آن است و سایر اهداف، در سایه‌سار تدبّر شکل می‌گیرند.
۲. همچنان که از کلمه «قرآن» برمی‌آید، «قرائت» قرآن، هم طریقیّت دارد، هم موضوعیّت.
۳. حفظ قرآن تنها وسیله‌ای برای انس دائمی با کلام وحی و تکرار و ممارست در تلاوت آن به شمار می‌رود. ترغیب و تشویق‌های زیادی که به تلاوت و ختم قرآن در مکتب معصومان (علیهم‌السلام) وجود دارد در همین راستا ارزیابی می‌شود.
۴. سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اصحاب خاص ایشان بیانگر این مطلب ظریف است که تدبّر در قرآن در قالب تکرار اصولی و مستمرّ آیات شکل می‌گیرد.
۵. هدف اصلی از آموزش قرآن، تدبّر و تفکّر در آیات آن، متذکّر و متنبّه شدن از آن، و بهره بردن از مواعظ و معارف آن است.
۶. مقام عمل به قرآن و تبعیّت از آن از شاهراه تدبّر می‌گذرد، به گونه‌ای که قرآن در اندیشه، اخلاق، رفتار و گفتار فرد تجلّی کرده و انسان را صورت عینیّه قرآن قرار می‌دهد.



### فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: نشر اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ ش.
۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه، بی تا.
۶. حرّعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق و بیروت: دار العلم و الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۹. سید رضی، ابوالحسن محمد بن ابی احمد، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: انتشارات دار الهجره، بی تا.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ش.
۱۲. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۴. فیض کاشانی، محمد، المحجة البيضاء، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۷. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.



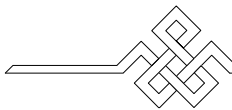


## حفظ آسان، کاربردی و ماندگار

علی رجبی<sup>۱</sup>

### مقدمه

موضوع حفظ قرآن کریم در کشور ما به نسبت بسیاری از ممالک اسلامی نوپاست. در یک ارزیابی اجمالی متوجه این نکته ساده اما مهم خواهیم شد که حافظان قرآن در جامعه ایران در حال گذار تاریخی از دوره اقبال عمومی و متزاید که از پس انقلاب شکوهمند اسلامی نسبت به مقوله حفظ قرآن کریم ایجاد شده است می‌باشند و آرام آرام به شکل تخصصی و حرفه‌ای به این مقوله وارد می‌گردند. لازم است در یک پایش پویا و مستمر روند حرکت کیفی و کمی قرآنیان عزیز توسط اساتید و نخبگان حفظ قرآن کریم ارزیابی شده و نقاط رشد و آسیب‌ها شناسایی شوند. آنچه در سال‌های اخیر فراوان مشاهده می‌شود آن است که به دلیل افزایش صعودی علاقمندان به حفظ قرآن کریم و در مقابل کمبود متخصصین صاحب تجربه در این عرصه بسیاری از استعدادها تهدیر گردیده و مشتاقین فراوانی در مسیر حفظ قرآن کریم به دلیل عدم شناخت صحیح و اشراف جامع بر موضوع، مع الاسف یا به اهداف خود نرسیده‌اند و حافظ

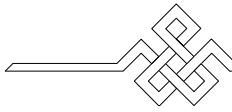


قرآن نشده‌اند و یا با صرف انرژی شدید و فشار بر خود به حسب ظاهر حافظ اجزایی از کلام وحی شده‌اند اما از کیفیت ضعیف و فرار محفوظات رنج می‌برند. شناخت جنس حافظه هر فرد و نقاط ضعف و قوت آن و همچنین ارزیابی دائم نسبت به رشد حافظه و متعادل نمودن قدرت تمرکز در حافظه متناسب با میزان محفوظات وی و نیز ایجاد فضایی پُرانگیزه و پویا و وسوق دادن حافظ به سمت درک آیات به جای حفظ ظاهر آیات، از جمله وظایف مهم هر استاد حفظ قرآن کریم است. لازم به ذکر است که حسن حفظ مربی در رشد کیفیت و کمیت محفوظات شاگردان وی اثر مستقیم دارد و در این مسیر استاد نیز باید دائماً به فکر ارتقاء کیفیت کار خود باشد. در این مقاله تلاش شده است به شکل موجز به اهم نکات اساسی لازم در شروع و تداوم حفظ قرآن اشاره گردد. همین جا لازم می‌دانم متذکر شوم که مجموعه نکات مربوط به تنظیم و ارتقاء حافظه نیازمند ده‌ها صفحه نگارش و توضیح می‌باشد اما خوانندگان محترم با دقت و ظرافت خود، خواهند توانست به ژرفای مسایل مطرح شده در این مقاله دست یابند.

### ۱- پیش شرط نبودن لحن ترتیل برای حفظ قرآن کریم

باید دانست آشنایی با تلاوت ترتیل و به اصطلاح خواندن قرآن همراه با لحن و آوای ترتیل چه بصورت تقلیدی یا بصورت ترکیبی، به هیچ وجه پیش شرط شروع حفظ قرآن کریم نمی‌باشد. به بیان دیگر صدای خوش و تلاوت زیبا نمی‌بایست در اذهان علاقه‌مندان به آشنایی با حفظ قرآن کریم مقدمه این کار شناسانده شود. تجربه اثبات کرده است که ممزوج کردن اجباری حفظ آیات با اجرای ترتیل موجب اضرار بر روند حفظ، حافظه و محفوظات قرآن آموز می‌شود که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

الف - تهدیر زمان: دو فرد حافظ را در نظر بگیرید که یکی در تکرار اجزا به سبک ترتیل برنامه‌های خود را انجام می‌دهد و دیگری بدون تکلف و بصورت ساده و روان و به اصطلاح به سبک محاوره و همانند یک سخنران آیات را تکرار می‌نماید. شخص اول در تکرار هر جزء از محفوظات بایستی حدود یک ساعت وقت صرف نماید ولی شخص دوم در تکرار هر جزء ۲۰ تا



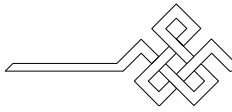
۳۰ دقیقه زمان صرف خواهد نمود و این یعنی اینکه در بازه زمانی روزانه، هفتگی و ماهانه شخصی که بدون ترتیل محفوظاتش را تکرار می نماید، حجم بالاتری را می تواند تکرار کرده و در بلند مدت کیفیت حفظ بهتری خواهد داشت.

ب - خستگی حنجره: ساعت‌ها تکرار به سبک ترتیل باعث می شود تارهای صوتی و عضلات کنار حنجره دچار خستگی شدید شوند و این خستگی جسمی آرام آرام به خستگی ذهنی تبدیل خواهد شد. حافظ زیرک کسی است که مصرف انرژی جسمی و ذهنی را در برنامه‌های روزمره خود به شایستگی مدیریت نماید و نگذارد بی جهت فشار بر حافظه تشدید گردد پس لزومی ندارد تکرارها بصورت ترتیل باشد، بلکه بایستی ساده و روان وبدون فشار بر تارهای صوتی انجام گردد.

ج - عدم موازنه ذهنی بین حفظ و ترتیل: به تجربه ثابت شده است حفاظی که روش ترتیل را برای حفظ یا تکرار محفوظات خود انتخاب می نمایند چون ذهنشان در گیر دو موضوع است یکی حسن حفظ و دیگری لحن ترتیل، عملاً نه ترتیل فاخری خواهند داشت و نه حسن حفظ مطلوبی و این دو، دست و پا گیر یکدیگر خواهند شد. نمی شود هم زمان لحن مربوط به ترتیل را در ذهن کنترل کرد و در عین حال تمرکز ایده آلی بر حسن حفظ داشت. لذا عملاً یکی از این دو موضوع ضربه خواهد خورد.

## ۲ - لزوم استفاده صحیح از حافظه تصویری

مطابق آخرین تحقیقات علمی ۸۰ درصد دریافت ها و آنچه توسط مغز انسان درک و تحلیل می شود و سپس در حافظه قرار می گیرد از طریق چشم است، پس چرا علاقه مندان به حفظ قرآن کریم در کشورمان اصرار بر حافظه شنیداری دارند و یا چرا بدون تقویت حافظه بصری و گاه حتی صرفاً به استمداد از لوح‌های فشرده تلاوت ترتیل اصرار بر ارسال آیات به حافظه خود دارند؟ این واقعاً یک سؤال جدی است که چرا در ایران از نعمت نگاه و چشم نافذ در حین حفظ آیات قرآن کریم بسیار محدود و ناقص استفاده می شود؟ این را باید دانست که هر زمان حافظ

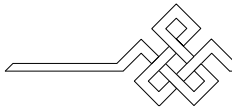


در تصویر ذهنی خود از صفحاتی که اجرا می‌نماید تصویری ناقص همراه با تشویش و یا احیاناً پرش تصویر داشته باشد دچار اختلالاتی از جمله شک، فراموشی، انتقال به آیات مشابه، استرس، عدم اعتماد به نفس، ناامیدی نسبت به حفظ کل، خستگی ذهنی، اختلال خواب و بسیاری از اشکالات احتمالی آزاردهنده خواهد شد. تجربه نشان داده است که اتکا بر حافظه شنیداری و مثلاً صدای تلاوت ترتیل فلان استاد ایرانی یا مصری پایه قدرتمندی از حفظ را در حافظه شخص قرآن آموز ایجاد نخواهد کرد و اگر تصویر شفاف و روشنی از متن مصحف شریف در ذهن نداشته باشد، می‌بایست با فشار فراوان لحن ترتیل آن استاد را به یاد بیاورد تا بتواند آیات را اجرا نماید.

### ۳- تأثیر تمرکز در ارتقاء کیفیت محفوظات

آن قسمتی از مغز که کنترل ذهن را عهده دار است و به عبارتی امیر و فرمانده ذهن است در ادبیات عامه به عنوان تمرکز شناخته می‌شود. به بیان ساده تمرکز یعنی اراده ذهنی شخص حافظ نسبت به باقی ماندن در مسیر مربوط به اجرای صحیح آیات در هنگام تلاوت. قبل از اینکه شخص حافظ به فکر تقویت تمرکز خود باشد، می‌بایست آسیب‌ها و مزاحمت‌های مربوط به تمرکز خود را شناخته و نسبت به رفع آن موانع، تدبیر لازم را اتخاذ نماید. به عنوان مثال در زمان تمرینات حفظی روزانه که شامل حفظ آیات جدید و یا تکرار محفوظات سابق می‌باشد، نباید فکر مشغول موضوعات غیر مرتبط شود، نباید با حال عدم حضور قلب و شاخه به شاخه شدن ذهن توقع همکاری از حافظه خود داشته باشد. تا برای مزاحمت‌های فکری تدبیری نشود آن افکار بی‌ربط باعث تحلیل رفتن و کاهش پیشرفت حافظه شده و عملکرد روزانه قرآن آموز را مختل می‌نماید. برای ارتقاء تمرکز دو پیشنهاد ساده اما کاربردی مطرح می‌شود: در شرایط شروع تمرینات روزانه قرار بگیرید قرآن حفظی خود را باز کرده و به حسب ظاهر آماده شروع تکالیف حفظی خود شوید، اما شروع نکنید! ببینیدشید که الآن به چه چیز فکر می‌کنید، ذهن خود را مدیریت کنید. مثلاً اگر کاری را باید امروز انجام دهید و فرضاً تماسی با یکی از دوستان خود

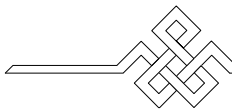




بگیرید یا به جایی باید سر بزنید و... این کارها را در دفترچه کوچکی یادداشت کنید و به خود بگویید در فرصت مناسب پیگیری خواهم نمود. این نگارش باعث می‌شود که آن موضوعات پراکنده ذهن شما را پراکنده نکند و در حین تمرینات حفظی دست انداز و سرعت گیر برای ذهن شما ایجاد نکند. پیشنهاد دوم ارتقاء حس معنوی و حضور قلب ایمانی قبل از شروع به کار حفظ است. اندیشه کنید که چه کار خطیر و مهمی می‌خواهید انجام دهید برخورد نهب بزنید و روح و جسم خود را متوجه سازید که در محضر چه کتاب بلند مقام و مهمی قرار گرفته‌اید و احترام و ارزش این کار ارزشمند را به قلب خود متذکر شوید. با این دو کار ساده یعنی مدیریت افکار و برنامه‌های روزانه و کسب حضور قلب معنوی، قبل از شروع به تمرینات، خواهید توانست عیار کیفیت تمرینات روزانه خود را ارتقاء داده و از دوباره کاری و اضافه کاری و تهدیر زمان اجتناب ورزید.

#### ۴- شرایط لازم مکان و زمان حفظ

مکان و زمان حفظ باید خوب انتخاب شوند. مکان حفظ ترجیحاً باید ثابت باشد و شخص حافظ برای خود گوشه‌ای از خانه را جای ثابت حفظی خود قرار دهد. مکان مناسب حفظ جایی است که موجب تشدید تمرکز ذهن باشد، رنگ آمیزی محیط، ابعاد فضا، نوع نور مکان و حتی تهویه مطبوع همگی در کیفیت تمرینات روزانه مؤثراند. در مکان حفظ باید سکوت حاکم باشد نباید رفت و آمد و سرو صدایی باشد چه بسا که حرف زدن با دیگران یا شنیدن صدای گفتگوی دیگران حین انجام حفظ روزانه باعث ایجاد تشتت فکر و پرش تمرکز شود و انرژی حافظه را تهدیر نماید. زمان مناسب حفظ امری است شخصی. بهترین زمان حفظ ابداً نمی‌تواند شامل پیشنهادی عمومی باشد. به صلاح نیست که مربی حفظ زمان خاصی را به شکل دستوری بر شاگردان خویش تحمیل نماید. بهترین زمان حفظ در افراد مختلف است، اما می‌توان یک ملاک کلی صحیح در اتخاذ بهترین زمان برای حفظ روزانه داد و آن اینکه برترین زمان برای انجام حفظ روزانه آن هنگامی است که شخص بالاترین سطح گیرایی و آمادگی ذهنی را برای حفظ آیات قرآن کریم در خود احساس می‌نماید.



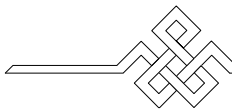
## ۵- تأثیر نظم در تقویت حافظه و ماندگاری محفوظات

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم. پشتکار و نظم، پایه هر پیشرفتی است به خصوص موضوع حسّاسی همچون حفظ قرآن کریم. تا نظم و پشتکار نباشد حافظه شخص تقویت نشده و دچار اختلالات شدیدی خواهد گردید. متأسفانه بسیاری از حفّاظ صرفاً اصرار بر انباشت محفوظات در مغز دارند و به عبارت ساده محفوظاتشان زیاد شده اما حافظه‌شان قوی‌تر نشده است. آن چیزی که باعث تقویت حافظه می‌شود نظم و استمرار در کار است. در مقام تمثیل، اگر شخصی بیمار شود و نسخه درمانی پزشک را ناقص و بی‌نظم انجام دهد نباید توقع بهبودی داشته باشد. اگر حافظ در مسیر حفظ توقّف‌ها و بی‌نظمی‌های فراوان در بین اجزاء و سوره‌ها از خود نشان دهد نباید توقع اوج گرفتن و تقویت حافظه خود را داشته باشد، ضمن اینکه پشتکار و نظم در ماندگاری محفوظات در بلندمدت اثر مستقیم دارد. چه بسیار علاقه‌مندانی که علی‌رغم استعداد سرشار به دلیل بی‌نظمی کارشان متوقف شده است. خلاصه آنکه:

رهرو آن نیست که گه تند و گه‌ی خسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

## ۶- استفاده نابجا از تکرارهای مکرر جهت ارسال آیات به حافظه

برخی حفّاظ با استفاده از تکرارهای افراطی و نابجا اصرار بر ارسال آیات به ذهن خود دارند! راه حفظ قرآن صرفاً تکرار فراوان و فشار بر ذهن نیست. گاهی دیده می‌شود شخص حافظ یک آیه را بیش از ۱۰ و گاه حتی بیش از ۲۰ بار در یک زمان، تکرار افراطی می‌نماید و انرژی ذهن خود را در همان اوایل کار تخریب و تهدیر می‌نماید. همان‌طور که کم‌کاری و بی‌نظمی موجب توقف کار و کاهش کیفیت محفوظات می‌شود، افراط و زیاده روی در تکرار نیز عوارضی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌نمایم: اختلال در چینش کلمات آیات در ذهن، خستگی مفرط، سردردهای مزمن، احساس کاذب پرشدن حافظه، تداخل آیات در ذهن، افزایش استرس، از دست دادن زمان مفید حفظ قرآن کریم و...

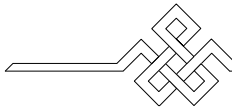


پس نه افراط و نه تفریط هیچ کدام آینده ساز نیستند.

#### ۷- شناخت خصوصیات حافظه کوتاه مدت و بلند مدت و نوع ارتباط بین آن دو

هر انسانی دو نوع حافظه دارد، حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت. اکثر واردات ذهنی انسان ها در حافظه کوتاه مدت ذخیره می شود و پس از مدت کوتاهی از ذهن خارج شده و یا کمرنگ می گردد. ارسال آیات به حافظه بلند مدت یا همان بایگانی مغز، باید به مرور و با حوصله و مبتنی بر تقویت قسمت های مختلف مربوط به اصول حفظ آیات قرآن کریم باشد. باید تا مدتی بشکل روزانه، صفحه حفظ شده آرام و کم فشار تکرار شود. همچنین تصویر آیات جداگانه کار شود و نیز مفاهیم به شکل حسی درآمده مورد درک قرار گیرد، و هم چنین باید اشکالات کلمه ای یا عبارتی محفوظات جداگانه کار شده، اصلاح گردد. پس از مدتی شخص حافظ احساس می کند که آیات آن صفحه را با اطمینان و از حافظه بلند مدت خود استخراج می کند. ویژگی حافظه بلند مدت این است که وابستگی کیفیت آیات به تکرار و مرور کمرنگ شده و از حال فرار بودن یا سخت به ذهن آمدن فاصله می گیرد و این زمانی است که می توان به محفوظات اعتماد کرد. خلاصه آنکه حافظه کوتاه مدت دریچه حافظه بلند مدت است و نباید توقع داشت که بدون طی سلسله مراتب علمی محفوظات تثبیت گردد.

برخی از آسیب های عمومی حافظه کوتاه مدت عبارت اند از: فراموشی ابتدای آیات، عدم شفافیت تصویر آیات، پرش آنی تمرکز در استخراج آیات، فراموشی قسمت هایی از آیات حفظی جدید، فشار و خستگی ذهن و حس عدم اعتماد به حافظه. هر کدام از این اختلالات باید با روشی صحیح و تحت نظارت مربی برطرف شود. برخی از آسیب های عمومی حافظه بلند مدت عبارت اند از: ضعف در نقشه یابی آیات حین پرسش، انتقال به آیات مشابه و غیر مشابه، تصور ناقص از تصویر چینی آیات، عدم توانایی ذهن بر سلسله موضوع و ترتیب مفاهیم آیات حین تلاوت، پراکندگی تمرکز در تکرار محفوظات. اختلالات حافظه بلند مدت و روش های اصلاحی آن موضوعی است دقیق و حساس که باید حتماً تحت نظارت مربی کاربلد انجام پذیرد و به هیچ وجه نسخه عمومی یا ساده ندارد، لذا از توصیه های عمومی یا بیان روش های کم اثر



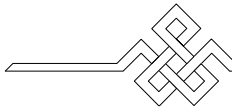
اجتناب می‌کنم و حفاظ محترم را به حضور در محضر اساتید ارجمند حفظ قرآن کریم ارجاع می‌دهم.

#### ۸- آشنایی با مفاهیم، پشتوانه تثبیت محفوظات

مغز انسان برای نگاهداشت آیاتی که مفهوم آن را بدرستی درک نکرده است، ظرفیت بسیار محدودی نشان خواهد داد. حفظ قرآن از روز اول باید ممزوج با کار مفاهیمی و درک ترجمه عبارات و آیات قرآن باشد. بسیار دیده ایم که افرادی کار حفظ قرآن خود را بدون احساس مسئولیت نسبت به فهم آیات و بشکل کاملاً بی‌روح و پرفشار به پیش برده‌اند و پس از حفظ چند جزء، مغزشان به اصطلاح قفل کرده است. کار حفظ قرآن کار پیچیده‌ای است و اگر تدبّر و درک مفاهیم از آن حذف شود، فشار سنگینی بر حافظه وارد خواهد آمد. درک مفاهیم باعث خواهد شد که بخش زیادی از کار حفظ آیات جدید در همان لحظه کار مفاهیمی انجام شده و عملاً قسمت‌های مهمی از آیات را به ذهن بسپاریم. آشنایی با ترجمه و مفاهیم در زمان به یادآوری و تکرار محفوظات نیز به شخص حافظ بسیار کمک می‌کند و باعث خواهد شد که فشار از روی حافظه برداشته شود و حفظ منطوق تبدیل به حفظ مفهوم گردد. همچنین با کار مفاهیمی شایسته جذابیت حفظ قرآن چند برابر شده انس و علاقه حافظ نسبت به محفوظاتش ارتقاء خواهد یافت. اثر سومی که مایلیم روی آن تأکید نمایم آن است که تسلط بر ترجمه و مفاهیم آیات، نیاز ذهن را نسبت به تکرار محفوظات کاهش داده و با افزایش غنای محفوظات، ماندگاری آیات در ذهن را چند برابر خواهد نمود. نکته آخر این است که اصولاً حفظ قرآن مقدمه‌ای است برای درک قرآن. پس اگر روش حفظ ما آن هدف مقدس را تمهید و تأمین نکند، می‌توان گفت مسیری که شخص قرآن آموز برای خود انتخاب کرده دور از دستورات دینی و منویات قرآن کریم است.

#### ۹- نقش ارزیابی فنی ایرادات و اغلاط حفظی در تکرارها جهت ارتقاء غنای تکرارها

و ماندگاری محفوظات



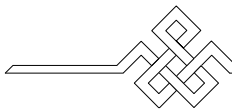
هر حافظ باید دفتری برای ثبت اشکالات و اغلاط محفوظات خود داشته باشد. در دفتر ثبت اغلاط سه نوع از اشکالات حفظ را باید یادداشت کرد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. قبل از آن باید این مطلب را بدانیم که اشتباه است اگر برای اصلاح ایرادات حفظی خود صرفاً بر تکرارهای مکرر حساب کنیم. تا زمانی که ایراد حفظی مهم رفع نشود احتمال تکرار آن و ریسک خطا همواره با شخص حافظ همراه است. نگارش و ثبت اشکالات در تمرینات روزانه و مرور جداگانه آنها باعث می‌شود داوری ذهنی شخص حافظ فعال گردیده و مدیریت بر محفوظات ارتقاء یابد. سه نوع اشکالی که باید جداگانه یادداشت و تمرین خاص بر روی آن انجام شود بشکل ساده عبارتند از:

الف - ایراد حفظی کوتاه با زمان بری اصلاح بلند: شخص حافظ در تکرار محفوظات خود عبارتی کوتاه مثلاً کلمه «قالوا» را جا انداخته است ولی در به یادآوری آن تائیه‌های زیادی را مصروف داشته. این اشکال باید در دفتر ثبت اغلاط نگارش شود.

ب - ایراد حفظی بلند با زمان بری اصلاح بلند: مثلاً عبارت یا جمله ای چند کلمه ای را فراموش کرده یا اضافه و یا جابجا کرده است و همچنین لحظات زیادی طول کشیده تا عبارت صحیح را به یاد بیاورد. این اشکال از آن اشکال اولی بدتر است و باید جداگانه نگارش و تمرین شود.

ج - ایراد حفظی بلند با زمان بری اصلاح کوتاه: در این حالت تعداد حروف و کلماتی که در حین اجرای محفوظات همراه با اختلال اجرا شده، زیاد می‌باشد، اما بدون صرف زمان خاص اصلاح شده است.

در اینجا شخص حافظ باز هم به اعتبار آنکه جمله یا آیه یا عبارتی طولانی را اشکال داشته، هر چند که سریع اصلاح نموده ولی باید مورد را ثبت و تمرین جداگانه‌ای بر روی آن انجام دهد. منظور از تمرین جداگانه، تمرینی است که بعد از اتمام تکرار جزء و بصورت مطالعه دقیق بر روی آیاتی که اشکالات حفظی داشته است، انجام می‌شود و مجدداً خطاهای حفظی مرور می‌شود تا زمینه پرهیز از تکرار آن ایرادات ایجاد شده و شخص حافظ در مدیریت ذهن خویش



پیشرفت نماید.

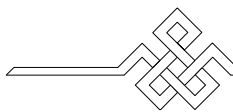
چهارمین ایراد حفظی که لزومی به نگارش در دفتر ثبت اغلاط و ایرادات را ندارد آن است که اولاً اشکال در حد یک کلمه بوده و ثانیاً به سرعت اصلاح شده باشد. نکته دیگر آنکه حفاظ باید بدانند هر زمان در اجرای حفظ دچار ایراد و به اصطلاح اشتباه حفظی شدند، بدترین کار این است که بدون دقت و تمرکز صرفاً از روی متن مصحف نگاه کنند و به عبارت دیگر به ذهن خود فرصت تقلب دهند. چنانچه دچار چنین خطایی گردند هیچ گاه حافظه شان قوی نخواهد شد، بلکه حافظه آنها همواره وابسته به متن مصحف باقی خواهد ماند. نکته پایانی اینکه حافظ زیرک، کسی است که ارزیابی ذهنی و داوری لحظه‌ای اشکالات و اشتباهات حفظی خود را جدی بگیرد و نیک بنگرد که چرا و به چه دلیل در فلان آیه، فلان ایراد حفظی را داشته است.

#### ۱۰- بررسی مهمترین انواع شکایات عارض بر حافظه

در هنگام تلاوت محفوظات، گاه شخص حافظ دچار شک می‌شود و در حالت ذهنی خود دچار نوعی از تردیدها می‌گردد. بطور خلاصه شکایات عارض بر حافظه در حین اجرای حفظ از چهار حال خارج نیست:

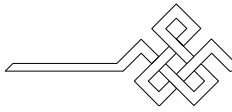
اول - شک قبل از اجرای کلمه یا جمله: مثلاً شخص حافظ در آیه شریفه «وقال الملک ائتونی به فلما» دقیقاً پس از خواندن کلمه «به» شک می‌کند که عبارت بعد با فلماً شروع می‌شود یا ولماً دوم - شک در حین تلاوت: یعنی آنکه به محض خواندن عبارت یا کلمه‌ای به ناگاه متوقف و ساکت شده و شک می‌کند که آیا آنچه خوانده بوده صحیح خوانده یا خطا نموده است. در آیه مورد مثال، پس از تلاوت جمله «فلما کلمه قال...» لحظه‌ای شک می‌کند که نکند اشتباه خوانده باشد و «ولماً» صحیح باشد.

سوم - شک پس از تلاوت فقره‌ای از آیه: در آیه مورد مثال، پس از اتمام آیه و یا حتی در وسط آیه بعد، نسبت به صحّت تلاوت آیه قبل شک می‌نماید.



چهارم - شک در اصل کلمه: در آیه مثال، حافظ شک ندارد که «فلماً» درست است یا «ولماً»، بلکه می‌داند اگر این کلمه در آیه باشد حتماً «فلماً» است لکن اصولاً شک دارد که آیا چنین عبارتی در آیه وجود دارد یا خیر. به عبارت دیگر شک حافظ، بین دو کلمه نمی‌باشد، بلکه در اصل وجود کلمه یا عبارتی شک می‌نماید.

شک از نوع اول معمولاً از ضعف کیفیت حفظ در حافظه ناشی می‌شود که به دلایل مختلفی از جمله عدم استفاده از روش صحیح حفظ، تکرارهای نامنظم و متقاطع، پراکنندگی تمرکز در هنگام تمرینات روزانه و فشارهای بی‌مورد بر مغز به هنگام تمرینات، باز می‌گردد. اما شک نوع دوم معمولاً به دلیل عدم اعتماد به نفس یا استرس و یا خستگی ذهنی و یا وسواس شخصیتی می‌باشد. در نوع سوم معمولاً شخص حافظ دچار ضعف و پرش شدید تمرکز بوده یا بر مفاهیم آیات تسلط ندارد، زیرا سلسله کلام از دستش خارج شده و آیات در ذهن وی مشوش و مبهم می‌باشد. در نوع چهارم معمولاً اشکال از آنجا ناشی می‌شود که حفظ اصولاً خوب، دقیق و واضح انجام نشده است و شخص حافظ تصویر واضحی از متن مصحف در ذهن ندارد و لذا کلمات مشابه را مشکوک می‌بیند و یا آنکه به اتکای حافظه شنیداری و یا بصورت پراکنده و نامنظم، حفظ خود را پیش برده است. بطور کلی راه حل اصلی در این چهار دسته از شکایات عمومی عارض بر محفوظات، عبارت است از اینکه: شخص حافظ نباید در لحظه ایجاد شک فوراً به قرآن نگاه کند، بلکه باید ابتدا سکوت کرده و فکر کند. حافظه خویش را تحریک کرده و تلاش کند ادامه مطلب را به ذهن بیاورد. اگر نشد باز هم حق تقلب ندارد، بلکه باید به ابتدای آیه‌ای که تلاوت کرده مراجعه کند و مجدداً آن را به آهستگی بخواند و در این کار نباید به محل فراموشی یا ضعف حفظ خود فکر کند بلکه به حال عادی و بدون استرس آیه را مجدداً تلاوت نماید. اگر این کار درست انجام دهد به کمک حافظه تسلسلی، کلمات آیه یکدیگر را در ذهن حافظ پیدا کرده و باعث ازاله آن محل شک و فراموشی خواهند شد، اما چنانچه با تلاوت مجدد آیه باز هم شک و فراموشی برطرف نشد، باید سریعاً و بدن فشار افراطی، مصحف را نگاه کند و ضعف حفظی خود را با احیای تصویری و ارزیابی مفاهیمی آیه به ذهن سپاری



نماید. باید این را بدانیم که فضای متشّت ذهنی و افکار پر ترافیک در مغز، خود به خود باعث افزایش شکوک و فراموشی‌ها و اختلالات گوناگون حافظه‌ای خواهند شد، لذا قبل از شروع برنامه حفظ روزانه می‌بایست ذهن را گرم کرده، جمیع مزاحمت‌های فکری و جسمی را از مسیر تمرینات مرتفع نماییم.

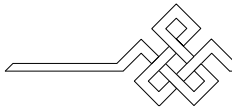
### ۱۱- انواع ارتباط خواتیم آیات با مضمون آیات

در نگاه عامیانه جملات پایانی آیات یا همان خواتیم آیات قرآن کریم نقش تزئینی و تکمیلی دارند، اما این اشتباه است. حفاظ محترم باید بدانند که میان جمله پایانی آیات و مضمون و مفهوم آن آیات ارتباط وثیق تفسیری وجود دارد. به عبارت دیگر خواتیم آیات اشارتی است زیبا به مفهوم کلی آیات و نتیجه‌گیری از موضوع آیات. بسیاری از حفاظ در جملات پایانی آیات دچار فراموشی و یا شک و یا جا به جایی می‌شوند. راه صحیح برطرف کردن این ایرادات آن است که از ارتباط مفاهیمی خاتمه آیه و مضمون و موضوع آن آیه کشف رمز شده حلقه ارتباط بین آیه و خاتمه آیه در ذهن محکم شود. ارتباط خواتیم آیات با متن آیه از نظر سطح تفسیری به ۳ دسته تقسیم می‌شود:

یک - ارتباط سهل و ساده: در بسیاری از آیات با اندک توجه مفاهیمی و تسلط ترجمه‌ای می‌توان رابطه بین جمله پایانی و مفهوم کلی آیه را کشف و حفظ کرد. مثلاً در آیه شریفه «قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم»، ملائکه خطاب به پروردگار ضمن نفی علم از خود، دانش را فقط برای پروردگار اثبات می‌کنند. لذا آیه با صفات علیم و حکیم که موضوعیت دارد به اتمام می‌رسد پس اگر حافظ دقت مفاهیمی را از جمله اولویت‌های برنامه قرآنی خویش قرار دهد، استواری خواتیم در ذهنش همچون فولاد خواهد شد.

دو- ارتباط دقیق و عمیق: در این نوع آیات، کشف ارتباط جمله پایانی آیه با موضوع آن آیه، نیاز به برداشت مفاهیمی کامل تر و تدبّر عمیق تر در مفهوم آیه دارد. مثلاً در آیه «واذا علم من آیاتنا شیئاً اتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین» چرا از عذاب مهین استفاده شده است؟ آیا کلمه

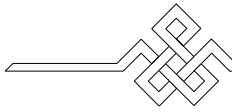




مهین بی دلیل آورده شده؟ خیر! با تدبر در مفهوم آیه این مطلب را خواهیم فهمید که چون قصد آن کسی که مورد مذمت این آیه است آن بوده که آیات الهی را به استهزا بگیرد و آیات الهی را در اذهان مردم خوار و تخریب نماید، لذا خداوند می فرماید: برای او عذابی است خوارکننده پس با تدبر در مفاهیم آیات می توان تسلط بر حفظ را ارتقا داد و مانع از بسیاری از اشتباهات احتمالی در اجرای محفوظات شد.

سه - ارتباط تفسیری و ثیق: در بعضی از آیات کشف ارتباط جمله پایانی با مفهوم آیه نیاز به تسلط تفسیری و واکاوی دقیق معنا دارد و در نگاه اول ارتباط خاصی بین خاتمه آیه و متن آیه مشاهده نمی شود، اتفاقاً در این نوع آیات فصاحت و زیبایی کلام در حدی است که مفسرین برداشت های خاص و زیبای تفسیری خود را به چالش می کشند. مثال: «ما خلقکم ولا بعثکم الا کنفس واحده ان الله سمیع بصیر» در نگاه اول بین جمله پایانی و موضوع آیه ارتباط سهل و ساده ای نمی توان یافت. این که چرا خداوند در موضوع خلقت و قیامت از صفت سمیع و بصیر استفاده کرده است؟ دلیل این ارتباط به شکل موجز عبارت است از: مشرکین و ملحدین نسبت به موضوع برانگیخته شدن مردگان و بررسی پرونده اعمال آنها در صحنه محشر دو اشکال را مطرح می کردند: اول توان و قدرت خداوند بر زنده کردن میلیاردها انسان پس از مردن و دوم توان و قدرت خداوند بر رسیدگی به اعمال انسانها پس از گذشت قرن ها. قسمت اول آیه که می فرماید خلقت و برانگیختن همه شما انسان ها برای خداوند همچون زنده کردن و برانگیختن یک انسان می باشد جواب استشکال اول مشرکین است و جمله پایانی آیه که می فرماید که خداوند شنوا و بینای مطلق است جواب استشکال دوم آنها. به عبارت دیگر «الشاهد هو الحاکم» یعنی بررسی پرونده اعمال انسانها به دست آن خدایی است که سمیع و بصیر بوده و تمام آن اعمال را در لحظه انجام و ارتکاب رصد نموده است پس این داوری و بررسی به هیچ وجه بر او گران نخواهد آمد. پس ارتباط جمله پایانی این آیه به متن آن در حقیقت پاسخگویی به دو اشکال هم جنس است.

\* در پایان مایلم به برخی از عناوین مهم در تشکیل ساختار حفظ قرآن حرفه ای به شکل



خلاصه اشاره نمایم: روش حفظ آسان و ماندگار، پشتکار، نظم، دقت، تقویت تمرکز، توجه به مفاهیم، انتخاب حریف تمرینی خوب، امید و انگیزه، تکرارهای منظم، حضور در جلسات تخصصی حفظ قرآن کریم، شبیه سازی مسابقات در منزل، استفاده از تجربه حفاظ برتر، اجتناب از هرگونه افراط و تفریط، شناخت جنس حافظه شخصی، انتخاب حجم حفظ روزانه متناسب با استعداد، اجتناب از روش‌های بی کیفیت، اجتناب از هرگونه فشار غیر منطقی بر تارهای صوتی، تخلیه افکار غیر مرتبط و پراکنده در هنگام تمرینات.

سخن آخر: حفظ قرآن کریم توفیقی است فاخر و نعمتی است شایان که قدر شناسی از آن موجب مزید توفیقات حافظ قرآن کریم خواهد بود.



## بازخوانی مفهوم روایت نبوی: من تعلم القرآن ثم نسیه لقی الله اجذم

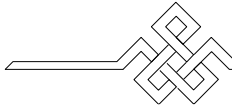
حسن زرنوشه فراهانی<sup>۱</sup>

### چکیده

اعتقاد به قداست حفظ قرآن کریم، موضوعی است که همواره از صدر اسلام تا به حال در جوامع اسلامی وجود داشته است و لذا مسلمانان، فراموش کردن الفاظ قرآن پس از حفظ آن را امری ناپسند قلمداد می‌نمایند. این باور گاه تا به آن جا پیش می‌رود که بر مبنای برخی روایات نظیر حدیث نبوی «مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَ لَقِيَ اللَّهَ أَجْذَمًا» فراموش کننده قرآن را مستحق عقوبت در روز قیامت می‌دانند. پژوهش پیش رو، جهت دستیابی به مفهومی صحیح از حدیث مذکور، ابتدا با استفاده از قواعد و معیارهای حدیث شناختی، به بررسی سلسله سند حدیث می‌پردازد (و اشکالات آن را مطرح می‌کند) سپس با نگاهی به نظرات شارحان و محدثان، به تحلیل متن حدیث می‌پردازد و به مفهوم صحیح آن که نوعی تشبیه و یا کنایه است، دست می‌یابد.

**کلید واژگان:** حدیث شناسی، غریب الحدیث، تعلم قرآن، اجذم، یزید بن ابی زیاد و عیسی بن فائد

۱. حافظ کل قرآن کریم، دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی zafar\_211@yahoo.com



۱- حدیث مورد نظر در منابع شیعه

قدیمی ترین کتب شیعی که به این حدیث اشاره کرده اند، عبارتند از:

المجازات النبویة سید رضی (ص ۲۳۱) و امالی سید مرتضی (۱، ۵) که روایت را با متنی یکسان: «من تعلم القرآن ثم نسیه لقی الله سبحانه (وتعالی) و هو أجذم» به نقل از غریب الحدیث ابو عبید قاسم بن سلام و به طور مرسل ذکر کرده اند. همچنین واسطه نقل ابو عبید تا پیامبر اکرم (ص) که باید حدوداً چهار یا پنج واسطه باشد نیز روشن نیست. قاسم بن سلام گرچه از بزرگان عصر خود بوده (زرکلی، ۱۷۶، ۵)، اما غیر شیعی بوده و در کتب رجالی ما نیز نامی از او به میان نیامده است. در کتب متأخر حدیثی شیعه نیز این حدیث بدون ذکر سند آورده شده است؛ مثلاً در بحار الانوار (مجلسی، ۲۶۷، ۲) و مرآة العقول (مجلسی، ۴، ۳۳۳) به صورت مرسل از «النهاية» و «مستدرک الوسائل» (نوری، ۴، ۲۶۳) و جامع احادیث الشیعة (بروجردی، ۱۵، ۴۳) به صورت مرسل از امالی سید مرتضی نقل شده است.

در نتیجه بررسی رجالی حدیث در منابع شیعی امکان پذیر نمی باشد.

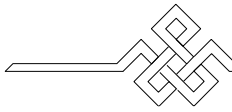
۲- حدیث مورد نظر در منابع اهل سنت

حدیث مورد بحث در بسیاری از منابع متقدم و متأخر حدیثی و غیر حدیثی اهل سنت مشاهده می شود که در غالب آنها حدیث با ذکر سند آورده شده است. از این میان، ما به بررسی حدیث در پنج منبع که قدمت آنها به قرن سوم هجری و یا قبل از آن برمی گردد، می پردازیم:

۱. عبدالرزاق عن ابن عیینة عن یزید بن ابی زید عن عیسی بن فائد عن سعد بن عبادة أن النبی قال: «من تعلم القرآن ثم نسیه لقی الله أجذم» (صنعانی، ۳، ۳۶۵).

۲. حدَّثنا عبدالله حدَّثنی أبی حدَّثنا عبدالصمد حدَّثنا عبدالعزیز یعنی ابن مسلم حدَّثنی یزید بن ابی زید عن عیسی بن فائد عن عبادة بن الصامت قال: قال رسول الله: «... ما من رجل تعلم القرآن ثم نسیه إلّا لقی الله يوم القيامة أجذم» (ابن حنبل، ۵، ۳۲۳).

حدَّثنا عبدالله حدَّثنا علی بن شعيب البزاز حدَّثنا یعقوب بن اسحاق الحضرمی أخبرنی أبو عوانة



عن یزید بن ابی زیاد عن عیسی قال و كان أميراً على الرقة عن عبادة بن الصامت قال: قال رسول الله: «... و من تعلم القرآن ثم نسيه لقي الله و هو أجزم» (همان، ۳۲۸، ۳).

۳. حدثنا سعيد بن عامر عن شعبة عن يزيد بن ابی زیاد عن عیسی عن رجل عن سعيد بن عبادة أن رسول الله قال: «ما من رجل يتعلم القرآن ثم ينساه إلاً لقي الله يوم القيامة و هو أجزم» (دارمی، ۴۳۷، ۲).

۴. حدثنا محمد بن العلاء أخبرنا ابن إدريس عن يزيد بن ابی زیاد عن عیسی بن فائد عن سعد بن عبادة قال: قال رسول الله: «ما من امرئ يقرأ القرآن ثم ينساه إلاً لقي الله عزوجل يوم القيامة أجزم» (سجستانی، ۳۳۱، ۱).

۵. حدثنا مسدد حدثنا خالد عن يزيد بن ابی زیاد عن عیسی بن فائد عن رجل عن سعد بن عبادة سمعت النبي يقول: «من قرأ القرآن ثم نسيه لقي الله أجزم» (الحری، ۴۲۸، ۲).

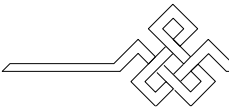
علاوه بر این پنج کتاب، در سایر کتب حدیثی اهل سنت که در قرن های بعد نگاشته شده اند نیز این حدیث به چشم می خورد که در واقع از کتب متقدم و با همان طرق و یا به طور مرسل حدیث را نقل کرده اند (نک: ابن عبدالبر، ۱۴، ۱۳۱؛ ابن اثیر، ۱، ۲۵۱؛ نووی، ۲، ۱۶۹؛ هیشمی، ۷، ۱۶۷). همچنین در برخی کتب لغت ذیل ریشه جزم به این حدیث اشاره شده است (نک: ابن فارس، ۴۳۹، ۱؛ زمخشری، ۸۶؛ ابن منظور، ۱۲۸۷).

همانطور که مشاهده می شود، این روایات از نظر متنی دارای تفاوت هایی با یکدیگر هستند، از جمله در روایات اول، دوم و سوم به تعلم قرآن و در روایات چهارم و پنجم به خواندن قرآن اشاره شده که به قرینه معنای نسیان که در ادامه حدیث بیان شده به نظر می رسد دلالت تعلم قرآن (به انحاء مختلف آن مانند روخوانی، حفظ، مفاهیم و...) بر معنای حدیث روشن تر باشد.

در باره سایر تفاوت ها نیز به دلیل اینکه تغییری در دلالت الفاظ حدیث ایجاد نمی کنند، نیازی بر ترجیح متنی نمی باشد.

### ۳- بررسی احوال راویان حدیث

همانطور که در سند روایات مشاهده می شود، راویان اصلی حدیث، دو تن هستند: یکی یزید



بن ابی زیاد و دیگری عیسی بن فائد؛ لذا به بررسی احوال این دو نفر در کتب رجال می‌پردازیم:

۳-۱- یزید بن ابی زیاد (۴۷-۱۳۶)

نظرات رجال شناسان درباره این شخص به دو دسته قابل تقسیم است:

گروهی وی را صراحتاً تضعیف کرده‌اند، نسائی (ص ۲۵۲) از او با تعبیر «لیس بالقوی» یاد می‌کند. جرجانی (۷، ۲۷۵) تعبیر «ضعیف الحدیث»، «لا یحتج بحدیثه»، «لیس بالقوی»، «لیس بذاک» و «یضعفون حدیثه» را به نقل از افراد مختلف در تضعیف او ذکر می‌کند. ذهبی (۴، ۴۲۳) وی را مشهور به سوء حفظ معرفی می‌کند و از افراد مختلف تعبیر «لیس بالقوی»، «لا یحتج به»، «إرم به» و «رفاعاً» را دال بر ضعف او نقل می‌کند. ابن حجر عسقلانی (۱۱، ۲۸۷) نیز تعبیر متعددی را به نقل از برخی در تضعیف او بیان می‌کند.

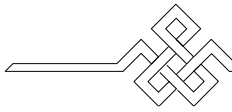
در مقابل، برخی دیگر از رجالیون وی را به جز در اواخر عمرش توثیق کرده‌اند:

العجلی (۲، ۳۶۴) وی را ثقه و جائز الحدیث معرفی می‌کند به جز اینکه در اواخر عمرش دچار تلقین شده است. وی در بخشی دیگر از کتابش (همان، ۱، ۲۴۴) برادر یزید، یعنی برد بن ابی زیاد را ثقه تر و برتر از او معرفی می‌کند.

از قرار دادن این دو گزاره در کنار یکدیگر می‌توان دریافت وی درصد بالایی از وثاقت برای یزید بن ابی زیاد قائل نمی‌باشد.

ابن حبان (۳، ۱۰۱) نیز از او با تعبیر «صدوق» یاد می‌کند، به جز زمان پیری که دچار سوء حافظه شده و به دلیل کمک گرفتن از دیگران در به یادآوری احادیثی که قبلاً حفظ بوده، احادیث منکری در میان احادیثش واقع شده است. لذا ابن حبان نتیجه می‌گیرد چنانچه کسی قبل از ورود او به کوفه و در اوائل عمرش از او حدیث شنیده باشد، سماع او صحیح و چنانچه کسی در اواخر عمر او از وی حدیثی شنیده باشد، سماع او صحیح نمی‌باشد.

نتیجه اینکه قریب به اتفاق رجالیون وی را تضعیف نموده‌اند به جز العجلی و ابن حبان که آن‌ها نیز صحت احادیث او را متوقف بر عدم نقل در دوران پیری دانسته‌اند. لذا از آن جا که نمی‌توان تشخیص داد که وی حدیث مزبور را در چه برهه‌ای از حیاتش نقل کرده است، پس



حکم به صحت این حدیث امکان پذیر نمی‌باشد.

۲-۳- عیسی بن فائد

همانطور که در سند روایات مشاهده می‌شود، نقل عیسی بن فائد از طبقه صحابه به سه شکل صورت گرفته است:

(الف) عیسی بن فائد عن سعد بن عبادة (حدیث اول و چهارم)

(ب) عیسی بن فائد عن رجل عن سعد بن عبادة (حدیث سوم و پنجم)

(ج) عیسی بن فائد عن عبادة بن الصامت (حدیث دوم)

در شهرت و توثیق سعد بن عبادة و عبادة بن الصامت که عیسی بن فائد از آن‌ها نقل می‌کند، تردیدی وجود ندارد؛ چرا که سعد بن عبادة از صحابیان مشهور پیامبر، یکی از دوازده نقیب و سید انصار بود (نک: ابن سعد، ۷، ۳۸۹؛ ابن حبان، ۳، ۱۴۹؛ ابن اثیر، ۲، ۲۸۳؛ خطیب تبریزی، ۸۲) و عبادة بن الصامت نیز از نخستین شیعیانی بود که به علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) پیوستند (نک: حلی، ۲۲۴؛ عاملی، ۴۳۲؛ اردبیلی، ۱، ۴۳۱).

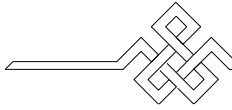
اما بر اساس آن چه در کتب رجال بیان شده، نقل مستقیم عیسی بن فائد از سعد بن عبادة صحیح نمی‌باشد، چرا که از او سماع نداشته و او را درک نکرده است (ذهبی، ۲، ۱۱۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۸، ۲۰۴).

ابن حجر عسقلانی روایت او از صحابه را مرسل می‌داند (۱، ۷۷۴).

هم چنین در حدیث سوم و پنجم که به نقل از فردی مجهول (عن رجل) از سعد بن عبادة نقل می‌کند، شخص مجهول مشخص نیست و لذا موجب ضعف در سند حدیث می‌شود. در نتیجه به دلیل تضعیف یزید بن ابی زیاد توسط رجالیون و عدم امکان نقل مستقیم عیسی بن فائد از سعد بن عبادة و نیز مجهول بودن (عن رجل)، هیچ کدام از طرق حدیث، خالی از اشکال نمی‌باشد.

۴- بررسی معنای حدیث

به نظر می‌رسد از میان الفاظ حدیث مزبور، دو واژه نیاز به بررسی و توضیح دارد و فهم



معنای حدیث نیز متوقف بر فهم صحیح آن‌ها می‌باشد: ۱. نسیه (ینسأه) ۲. أجذم

۴-۱- بررسی معنای نسیه (ینسأه)

چنانچه از ظاهر حدیث بر می‌آید، کسی که قرآن را فراگیرد، سپس آن را فراموش کند، به صورت اجذم خداوند را ملاقات می‌کند. اما در اینکه مراد از فراموشی قرآن، فراموشی لفظ قرآن است و یا چیز دیگر، مطلبی از حدیث استنتاج نمی‌شود. لذا جهت فهم معنای نسیان، به بررسی سایر احادیثی که مفهومی مشابه با حدیث مذکور دارند، می‌پردازیم:

۱. روایتی که صدوق (۴،۱۲) با طریقی از امام صادق (علیه السلام) از پدران خود از امام علی (علیه السلام) نقل می‌کند که پیامبر اکرم از اموری نهی فرمودند که از آن جمله این بود: «...من تعلم القرآن ثم نسیه لقی الله يوم القيامة مغلولاً يسأل الله عزوجل بكل آية منه حية تكون قرينته إلى النار إلا أن يغفر الله له...».

همین روایت با اندکی تغییر در متن از جمله ذکر قید «متعمداً» پس از «ثم نسیه»، در ثواب الاعمال (ص ۲۸۲) و امالی صدوق (ص ۴۲۷) ذکر شده است و بر اساس آن می‌توان گفت مراد از نسیان، فراموشی آیات به صورت تعمدی و یا از روی سبک شمردن آیات الهی است.

۲. روایتی که در کافی (کلینی، ۲، ۶۳۳) با طریقی از سعید بن عبدالله الاعرج نقل شده که گفت: سألت أبا عبد الله عن الرجل يقرأ القرآن ثم ينسأه ثم يقرأه ثم ينسأه عليه فيه حرج فقال لا.

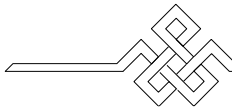
۳. روایتی که در کافی (۲، ۶۰۸) با طریقی از هیثم بن عیید نقل شده که گفت: سألت أبا عبد الله عن رجل قرأ القرآن ثم نسيه فرددت عليه ثلاثاً أعلیه فيه حرج قال لا.

بر اساس این دو روایت، چنانچه شخصی قرآن را فراگیرد، سپس آن را فراموش کند، حرجی (گناهی) بر او نیست.

همچنین الحریبی (۲، ۴۳۱) در شرح این حدیث، معنای نسیان را ترك عمل به قرآن دانسته است.

برخی مفسران (ابن کثیر، ۵، ۲۸۵؛ زحیلی، ۱۶، ۲۹۹؛ قاسمی، ۷، ۱۶۴) نیز در ذیل آیه قال رب لم حشرتني أعمى وقد كنت بصيراً قال كذلك أتتك آياتنا فنسيتها وكذلك اليوم تُنسى (طه: ۱۲۵ و ۱۲۶)





بیان می‌کنند که نسیانِ لفظ قرآن در حالیکه معنای آن فهمیده شود و به مقتضای آیات عمل شود، داخل در وعید خاص آیه نیست (هرچند نسبت به فراموشی آیات در سنت، نهی شدید وارد شده است) و سپس به حدیث مورد بحث اشاره می‌کنند.

نتیجه اینکه به نظر می‌رسد منظور از فراموشی قرآن، فراموشی الفاظ قرآن از روی سبک شمردن آیات الهی و یا عدم عمل به فرامین آیات الهی باشد و لذا صرف فراموشی الفاظ قرآن پس از حفظ و یادگیری آن، داخل در معنای حدیث نمی‌باشد.

#### ۲-۴- بررسی معنای اجذم

درباره مفهوم واژه «اجذم» که لفظ غریب حدیث مذکور و در واقع کلید واژه این حدیث محسوب می‌شود، نظرات مختلفی وجود دارد.

ابتدا به بررسی این واژه از نظر لغت شناسان می‌پردازیم:

الجیم و الذال و المیم أصلٌ واحدٌ، و هو القطع (ابن فارس، ۱۴۳۹). جَذَمَهُ يَجْذِمُهُ جَذْمًا: قَطَعَهُ فَهُوَ جَذِيمٌ (ابن منظور، ۱۲۸۷). الجذم: سرعة القطع، و الجذم: مصدر الأجدم الید، و هو الذی ذهبت أصابع کفیه (فراهیدی، ۹۶، ۶؛ اسماعیل بن عباد، ۷۰، ۷).

برخی از لغت شناسان (ابن فارس، همانجا؛ زمخشری، ۱۰۱۷۳) نیز با ذکر حدیث مورد بحث، اجذم را به معنی «المقطوع الید» بیان کرده‌اند.

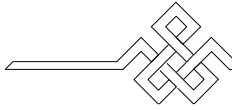
پس بر طبق نظر لغت شناسان، ریشه «جذم» به معنای «قطع» می‌باشد.

اما نظرات حدیث شناسان درباره این واژه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که در ادامه به

بررسی و تحلیل هریک از آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۱-۲-۴ دیدگاه ابو عبید

ابو عبید قاسم بن سلّام (۳، ۴۸) در توضیح این حدیث، «اجذم» را به معنی «المقطوع الید» بیان می‌کند و می‌گوید: «جذمت یدہ تجذّم جذماً إذا انقطعت و ذهبت، و إن قطعها أنت قلت: جذمتها جذماً فأنا أجدّمها». سپس در تأیید رأی خود به حدیثی از امام علی اشاره می‌کند که فرمود: «من نکث بیعتہ لقی الله یوم القیامة أجدم لیست له ید»: هر کس بیعتش را بشکند، روز قیامت در حالیکه اجذم



است و دست ندارد، خداوند را ملاقات می کند.

همچنین به شعری (از متلمس) که مؤید نظر اوست، تمسک می جوید:

«و هل كنت إلا مثل قاطع كفّه بكفّ له أخرى فأصبح أجذماً»:

و آیا جز مثل کسی هستم که دو دستش قطع شده و اجذم شده است؟

همانطور که بیان شد، برخی از لغویون نیز در این رأی با وی هم عقیده هستند.

اما بر این رأی اشکالاتی وارد شده است، از جمله:

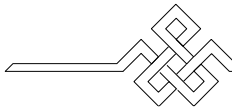
ابن اثیر (۱،۲۵۱) در ردّ استناد ابو عبید به حدیث امام علی می گوید: «در حدیث منقول از علی معنایی وجود دارد که در حدیث نسیان قرآن نیست، زیرا از بین اعضای بدن، دست است که بیعت را انجام می دهد و بیعت کننده هنگام بیعت دستش را در دست امام قرار می دهد و به وسیله دست بیعت گرفته می شود».

ابن قتیبه عقوبت قطع دست را متناسب با گناه فراموشی قرآن نمی بیند، لذا نظر ابو عبید را رد می کند و خود، رأیی را بیان می کند که در ادامه مقاله آن را بیان خواهیم کرد.

سید مرتضی (۱،۷) که خود در این باره صاحب رأی است، رأی ابو عبید را به دلیل اینکه قطع دست را بر سیل عقوبت گرفته، رد می کند و می گوید: «قطع، عقوبت محسوب نمی شود، زیرا خداوند اعضای بدن اولیاء و بندگان صالح خود را نیز به سبب امراضی قطع می کند و یا اصلاً ناقص الخلقه آفریده می شوند، پس قطع ملازم عقوبت نیست. علاوه بر این اگر فراموش کننده قرآن به سبب فراموشی آن مستحق عقوبت گردد، لازم است که حفظ کامل قرآن امری واجب و حتمی باشد، زیرا عقوبت به ترک آن چه واجب نیست، تعلق نمی گیرد، در حالیکه حفظ تمام قرآن واجب نیست».

۲-۲-۴ دیدگاه ابن قتیبه

همانطور که گفته شد، ابن قتیبه، رأی ابو عبید را به دلیل عدم تناسب قطع دست با گناه فراموشی قرآن نمی پذیرد. وی می گوید: «فساد رأی ابو عبید به دلیل بیعتی است که به آن استشهاد می کند، چرا که هر اجذمی، مقطوع الید نیست و اگر ما حدیث را بر آن چه ابو عبید بیان داشته،



حمل کنیم، می بینیم که عقوبت گناه تناسبی با گناه ندارد، زیرا دست، نقشی در فراموشی قرآن ندارد، و عقوبات خداوند تعالی به تناسب گناهان است».

وی در تأیید نظر خود، به آیه: *الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ... (بقره: ۲۷۵)*؛ استناد می کند و می گوید: شکم کسانی که ربا می خورند از آن سنگین می شود، پس چون برمی خیزند، می افتند، مانند کسی که شیطان او را به شدت زده است.

نیز این سخن پیامبر را به عنوان شاهد رأی خویش می آورد: «رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي قَوْمًا تَقْرَضُ شَفَاهُهُمْ بِالْمَقَارِيضِ؛ كَلَّمَا قُرِضَتْ وَفَتٌ، فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: هَؤُلَاءِ حُطَبَاءُ أُمَّتِكَ الَّذِينَ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ؛ لِأَنَّهُمْ قَالُوا بِأَفْوَاهِهِمْ، فَعُوقِبُوا فِيهَا...».

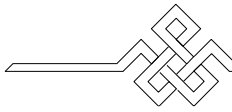
سپس می گوید: «اجذم در اینجا (در روایت مورد بحث) به معنای مجذوم است... مگر اینکه به حدیث «أَنَّهُ يُحْشَرُ أَقْطَعُ الْيَدِ» استناد شود که در این صورت ما این نظر را می پذیریم. به این خاطر کسی که انگشتان دست او قطع شده و دچار نقص جسمی شده، اجذم نامیده می شود... هم چنانکه اقطع هم به این فرد گفته می شود، ولی اجذم در نشان دادن عقوبت روشن تر است، زیرا قرآن بیماری را از جسم فرد دفع می کند و موجب حفظ سلامتی او می شود و هنگامی که قرآن را فراموش کند، سلامتی از او دور می شود و بیماری تمام بدن او را فرا می گیرد و هیچ بیماری فراگیرتر و آسیب رساتر از جذام به بدن نمی باشد».

بر این اساس ابن قتیبه هیچ اولویتی برای دست در عقوبت فراموشی قرآن قائل نیست و این عقوبت را به صورت جذام و شامل تمام اعضای بدن می داند.

بر این دیدگاه نیز اشکالاتی وارد شده است، از جمله:

ابن الانباری (صص ۶۱۴-۶۱۶) پس از پذیرش رأی ابو عبید، سخن ابن قتیبه را به سه دلیل رد می کند:

۱. استناد به حدیث منقول از علی که فرمود: «من نكث ببعته لقي الله يوم القيامة أجذم ليست له يد».
۲. اگر قرار باشد که مجازات فقط به عضوی که معصیت را مرتکب شده، تعلق گیرد، در این صورت زانی نباید به آتش جهنم در آخرت و به جلد و رجم در دنیا عقوبت شود، چرا که



اگر بر پشت او شلاق زنند، آن غیر از عضوی است که معصیت را مرتکب شده... و از این گونه مثال‌ها بسیار است.

۳. استناد به سخن پیامبر اکرم که فرمود: «یحشر الناس يوم القيامة بهما»؛ یعنی با جسم‌هایی سالم محشور می‌شوند تا جاودانه در آن بمانند، چه در بهشت و چه در جهنم... این تفسیر ابو عبید است که ابن قتیبه نیز به صحت آن معترف است. پس کسی که می‌داند که مردم با جسم سالم محشور می‌شوند، چگونه قائل به این می‌شود که فراموش‌کننده قرآن مجذوم محشور شود، در حالیکه جذام از بزرگترین بیماری‌هاست.

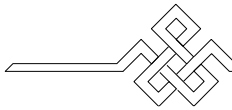
اما از آنجا که دلیل سوم، خود ردی است بر رأی ابو عبید، چرا که او نیز قائل به حشر ناسی قرآن به صورت مقطوع الید است، ابن الانباری به تأویل رأی ابو عبید می‌پردازد و آن را به «مقطوع الحجة» تفسیر می‌کند و می‌گوید عرب، حجت را مجازاً دست می‌نامد.

این تأویل هرچند فی نفسه می‌تواند صحیح باشد و برخی (ابن عبدالبر، ۱۴، ۱۳۱) نیز بدان اشاره کرده‌اند؛ اما از سخن ابو عبید چنین مطلبی بر نمی‌آید.

در نتیجه سخن ابن الانباری علاوه بر رد نظر ابن قتیبه، دیدگاه ابو عبید را نیز رد می‌کند.

سید مرتضی (۱، ۵-۸) نیز نظر ابن قتیبه را نسبت به نظر ابو عبید دارای اشکالات بیشتری می‌داند و رأی او را به دلیل اینکه وی گمان کرده عقوبت جز بر محل گناه واقع نمی‌شود، رد می‌کند و می‌گوید: «لازمه سخن ابن قتیبه این است که پشت زانی را شلاق نزنند، بلکه عقوبت به فرج او اختصاص یابد و نیز کسی که تهمت می‌زند را به زبانش و نه سایر اعضای بدن مجازات کنند، و خبری که ابن قتیبه بدان استناد کرده است نیز علیه رأی او گواهی می‌دهد، چرا که خطای کلام، بیشتر از جانب زبان رخ می‌دهد تا از جانب لب، پس چرا عقوبت به جای آن که بر زبان تعلق بگیرد بر لب واقع شده است! و خطای او در مورد آیه ۲۷۵ از سوره بقره نیز از آنجاست که وی توهم کرده که تَخْبَطِ رباخوار و سقوط او مربوط به برخاستن دنیوی است... در حالیکه ما ضرورتاً

۱. هم چنانکه در معنای اجذم، «منقطع السبب» نیز گفته شده است و در تأیید آن به حدیث «القرآن سبب بیدالله و سبب باید یکم، فمن نسیه فقد قطع سببه» استناد شده است (ابن اثیر، ۱، ۲۵۱).



خلاف آن را می دانیم و می بینیم که بسیاری از رباخواران به آسانی برمی خیزند و قیام می کنند... پس معنای صحیح آیه براساس آن چه مفسران ذکر کرده اند مربوط به برخاستن از قبورشان می باشد».

هم چنین در ردّ اینکه اجذم به معنای مجذوم باشد، می گوید: «معروف نیست که اجذم به معنای مجذوم باشد، ابن قتیبه معنای جذام را مشتق از جذم به معنای قطع دانسته که ایجاب می کند هر بیماری که منجر به نقص عضو شود، جذام نامیده شود مانند جُدُری و آکله (آبله و قنقاریا) و هرکسی که این بیماری را دارد، اجذم نامیده شود».

به نظر نگارنده، سید مرتضی از جذام معنای اصطلاحی و اسم خاص آن (یعنی فردی که بیماری جذام دارد) را اراده کرده است، در حالیکه این واضح است که هیچ کس به فردی که آبله دارد، جذامی به معنای اسم خاص آن نمی گوید.

به هر حال، نظر ابن قتیبه به این دلیل که وی اجذم را بر سبیل عقوبت فهم و معنا کرده است، مردود می باشد.

#### ۳-۲-۴- اجذم در مقام تشبیه و کنایه

این وجه از سوی برخی از عالمان و محدثان ذکر شده است، از جمله:

سید مرتضی (۷-۱،۶) مراد پیامبر اکرم از «یحشر أجذم» را مبالغه در توصیف فرد فراموش کننده قرآن، به نقصان از کمال و فقدان زینت ناشی از دانستن قرآن می داند و در بیانی زیبا می گوید: «تشبیه چنین فردی به اجذم، تشبیهی نیکو و شگرف است؛ زیرا دست، از اعضای شریف بدن است که بسیاری از کارها تنها با آن انجام می شود. و تنها با آن بسیاری از منافع فراچنگ می آید. پس کسی که دست ندارد، فاقد کمال حاصل از آن بوده، سود و منفعتی را که به وسیله دست خود به دست می آورد، از دست می دهد. حال فراموش کننده قرآن نیز چنین است؛ زیرا او جمال فرو پوشیده و پاداش استحقاق یافته خود را از دست داده است. این گونه سخن گفتن، شیوه شناخته شده عرب است. آنها به کسی که یار و یاور خود را از دست داده، می گویند: «فلان بعد فلان أجذع، و قد بقی بعده أجذم». فرزدق در رثای مالک بن مسمع گوید:



تَضَعَّ طوداً وائل بعد مالکٍ وَأَصْبَحَ مِنْهَا مَعَطِسٌ الْعَزَّ أَجْدَعًا

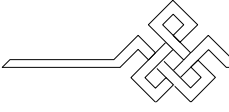
(دو کوه بلند وائل پس از مالک فروپاشید و با خاک یکسان شد و بر اثر آن بینی عزت بریده شد).  
مراد حضرت رسول، همان است که گفتیم. عرب زبانان گویش‌هایی در کلام خود و اشاراتی به اغراض و کنایه‌هایی به معانی مورد نظر دارند. هر کس بدون فهم این امور، در صدد تفسیر سخن و تأویل خطاب آنان برآید، بر خویشتن ستم کرده، و از مرز خود فراتر رفته است». به نظر می‌رسد، این وجه، وجهی نیکوست و لذا اشکالی نیز از سوی عالمان و شارحان حدیث بر آن وارد نشده است.

نیز سخن الحربی (۲،۴۳۱) که اجذم را به معنای «مقطوع الید عن التناول من خیر الآخرة شیئاً» بیان کرده را می‌توان بر این وجه حمل کرد و آن را پذیرفت.  
همچنین خطابی بر طبق نظر ابن الاعرابی، معنای حدیث را از باب کنایه می‌داند و می‌گوید: «کسی که قرآن را فراموش کند، در حالیکه دستش از خیر و ثواب خالی است، خداوند را دیدار می‌کند» (ابن اثیر، ۱، ۲۵۱).

### نتیجه

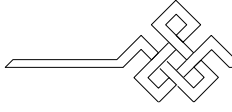
حاصل سخن آن که:

- ۱- هیچ کدام از اسانید و طرق حدیث خالی از ضعف نیست.
- ۲- نسیان به معنای فراموش کردن الفاظ قرآن از روی سبک شمردن، استخفاف و یا تعمّد است؛ نه صرف فراموشی الفاظ قرآن.
- ۳- اجذم دارای مفهومی تشبیهی و یا کنایه‌ی و به معنای دوری از خیر و پاداشی که امکان دستیابی به آن در صورت عدم نسیان ممکن بود، می‌باشد و لذا نباید آن را بر مفهومی که ملازم عقوبت است، حمل کرد.



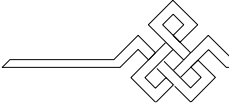
## منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر جزری، محمد بن ابی بکر، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۲. —، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق محمود محمد طنحی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن انباری، محمد بن قاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، تحقیق یحیی مراد، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی الصدوق، تهران: انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۵. —، ثواب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۶. —، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن حبان، محمد، الثقات، هند: دائرة المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۳ق.
۸. —، المجروحین، تحقیق محمود ابراهیم زاید، مکه: دارالباز، بی تا.
۹. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، تقریب التهذیب، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۰. —، تهذیب التهذیب، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۱. ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دارصادر، بی تا.
۱۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر، بی تا.
۱۳. ابن عبدالبر قرطبی، یوسف بن عبدالله، التمهید فی الموطأ من المعانی و الأسانید، تحقیق مصطفی بن احمد العلوی و محمد عبدالکبیر البکری، مغرب: وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۳۸۷ق.
۱۴. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، مکتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیرالقرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۷. ابوعبید، قاسم بن سلام هروی، غریب الحدیث، هند: دائرة المعارف العثمانیة، چاپ اول، ۱۹۶۶م.



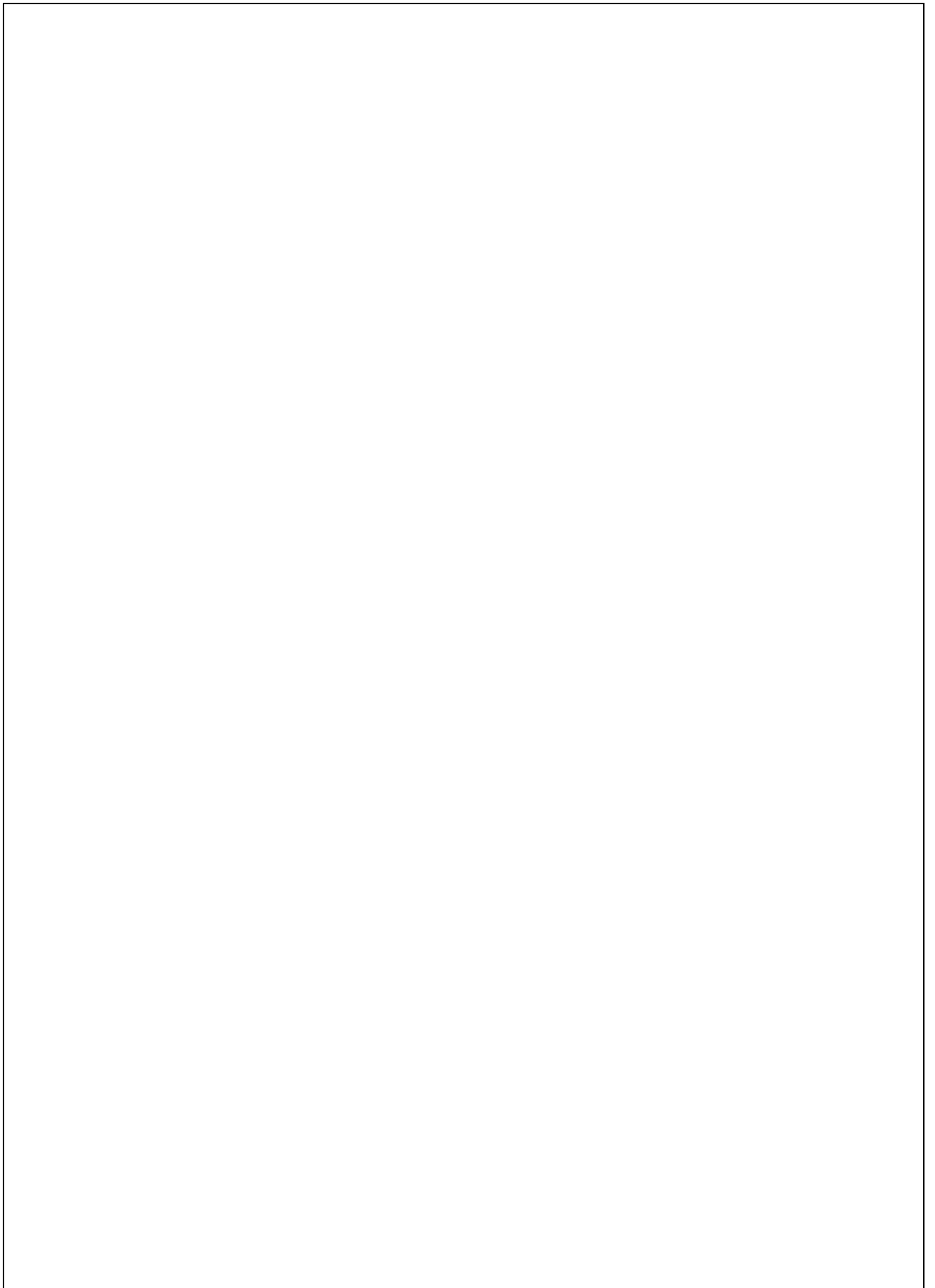
۱۸. اردبیلی، محمد علی، جامع الرواة، مكتبة محمدی، بی تا.
۱۹. اسماعیل بن عباد، ابوالقاسم، المحيط فی اللغة، تحقیق محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الكتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۰. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعة، قم: مطبعة المهر، ۱۴۰۹ق.
۲۱. جرجانی، عبدالله بن عدی، الكامل، تحقیق یحیی مختار غزاوی، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.
۲۲. حربی، ابراهیم بن اسحاق، غریب الحدیث، تحقیق سلیمان بن ابراهیم، جدة: دارالمدینة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۲۳. حلّی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، تحقیق شیخ جواد قیومی، مؤسسة نشر الفقاهة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۴. خطیب تبریزی، محمد بن عبدالله، الاکمال فی اسماء الرجال، تحقیق حافظ محمد عبدالله النصارى، قم: مؤسسة اهل البيت، بی تا.
۲۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمان، سنن الدارمی، دمشق: مطبعة العدل، ۱۳۴۹ق.
۲۶. ذهبی، شمس الدین محمد، الکاشف فی معرفة من له رواية فی کتب الستة، تحقیق محمد عوامة و احمد محمد نمر الخطیب، جدة: دارالقبلة للثقافة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۷. —، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۲۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۲۹. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ پنجم، ۱۹۸۰م.
۳۰. زمخشری، محمود، اساس البلاغة، قاهرة: دار و مطابع الشعب، ۱۹۶۰م.
۳۱. —، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳۲. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۳. سید رضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، تحقیق مهدی هوشمند، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۴. سید مرتضی، علی بن حسین، امالی المرتضی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهرة: دارالفکر العربی، چاپ





اول، ۱۹۹۸م.

۳۵. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، تحقیق حبيب الرحمان الاعظمی، منشورات المجلس العلمی، بی تا.
۳۶. عاملی، حسن بن زیدالدین، التحریر الطاووسی، تحقیق فاضل جواهری، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۷. عجلی، احمد بن عبدالله، معرفة الثقات، مدينة: مکتبه الدار، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۳۸. فراهیدی، خليل بن احمد، کتاب العين، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۹. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۲. — ، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۳. نسائی، احمد بن شعيب، الضعفاء و المتروکین، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۴۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۴۵. نووی، یحیی بن شرف، المجموع، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۴۶. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.





## نقش مجموعه‌های مردمی و دولتی در نهادینه کردن حفظ در اقشار جامعه

حجت الاسلام حمید محمدی<sup>۱</sup>

بنده با توجه به دو بخش این نشست، مواضع مشترک این دو موضوع را یادآوری می‌کنم. بحث خیلی مهم، تعیین جایگاه تلاوت و حفظ در توسعه فرهنگ قرآنی است. نسبت به این موضوع خیلی کم توجهی شده است هدف از این نشست باید تولید ادبیات و مبانی نظری جهت تلاوت و حفظ مطلوب قرآن و تعیین راهبردها باشد.

پرداختن بموضوع تلاوت با سه رویکرد می‌تواند فضای جدید را برای ما تولید کند:

۱- توجه به جنبه تزکیه و تعلیم: يتلو عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة

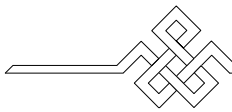
۲- رویکرد عبادی و روحانی

۳- هنری و زیبا شناسانه

دور نمای هنر تلاوت نشان دهنده اصیل بودن آنست. شاید زیر ساختی‌ترین حرکت‌ها، همین بُعد باشد.

---

۱. فارغ التحصیل سطح چهار (دکتری) رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن از حوزه علمیه قم.



تنزیل و نزول قرآن به شکل کلمه در عالم طبیعت متوکل شد در دو چهرهٔ سمعی: ( اقرأ باسم ربك الذی خلق) و کتبی ( الذی علم بالقلم )

همه انسانها نیازمند این دو حظ هستند. دو علم قرائت و کتابت از اینجا متوکل شد و برای هر دو، دین اسلام جایگاه فوق العاده و بس رفیع قایل شده است و من بشدت متأسفم برای کسانی که خود را منتسب به روحانیت و حوزهٔ علمیه می‌کنند و منکر فضیلت و کرامت تلاوت و قرائت در سطوح عالی هستند. اینان اگر یکبار روایات و تفسیر آیات مرتبط با قرائت را مرور کنند، متوجه شأنیت این بحث می‌شوند یا تأکید بی وقفه مقام معظم رهبری در بحث اهمیت و جایگاه قرائت را لااقل درک کنند.

لذا هنر تلاوت و هنر خوش نویسی همراه با نزول حقیقت نورانیه قرآن در این عالم و تجلی آن در قالب کلمه متوکل می‌شود. تلاوت یک هنر سمعی و آوایی است که زیباترین جلوه مسموع کلام وحی را که جمال حق تعالی است نشان می‌دهد، خوش نویسی نیز هنر تجسمی است که زیباترین جلوه عینی و مرئی کلام را نشان می‌دهد.

امر به قرائت: ورتل القرآن ترتیلاً

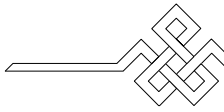
امر به خوشنویسی: پیامبر اکرم فرمودند: «من كتب بسم الله الرحمن الرحيم بحسن الخط وجبت له الجنة»

شرافت قرائت بر کتابت روشن است چون قرائت همزاد خود قرآن است ولی کتابت بعد از قرآن پدید آمده. اگر کلام وحی به دل آدمی نفوذ کند آن وقت است که تلاوت، تأثیر عمیق در مخاطب دارد.

و ما نمونه های فراوانی از این مسأله را در سیرهٔ معصومین علیهم السلام می‌بینیم که آثار هنری بر جای مانده بیش از هزار سال از خلق قرآن را می‌شود در طول این سنوات مشاهده کرد.

یکی از اصطلاحات که می‌تواند مدنظر پژوهشگران در این نشست باشد، مسامع قلوب است قلب‌ها گوش دارند گوش قلب‌ها را باز گذارید و قرآن را در آن نفوذ دهید.

یکی از زیباترین جنبه‌های اعجاز قرآن، اعجاز در لفظ است. قرآن به دلیل استحکام و اتقان



معانی، در عقل‌ها و به دلیل زیبا بودن و فطری بودن الفاظ، در قلب‌ها نفوذ میکند. اگر حق قرآن در تلاوت، فهم، تدبیر و تفسیر ادا شود، قرآن تمام ساحت‌های نیاز بشر را تأمین میکند. ولی متأسفانه یا در ایمان ما ضعف هست یا در نحوه تعامل ما با قرآن. اگر معنای قرآن بر جان قاری بنشیند قطعاً صوت او بر دل مستمعین خواهد نشست. لذا پیشنهادی دارم (از روی دغدغه خودم) در زمان حاضر شیوه‌های مرسوم قرائت معصومین بخصوص: پیامبر اکرم، امام سجاد، امام باقر و امام کاظم علیهم السلام که روایت‌های زیادی در قرائت استادانه این بزرگواران داریم، پژوهش کنیم و شاخص‌های تعلیمی و آرایه قرائت هنرمندانه و معنا گرای آنان را بررسی کنیم. بستر این بحث باز است و ما بشدت از آن غفلت کرده‌ایم. در روایات منقوله چهار صفت مفحّم (با جلال و شکوه)، محزون (نرمی و لطافت) تخاطب (گفتگو با مستمع) و ترجیع را داریم.

قرائت حضرت امام کاظم علیه السلام محزون بود و گویی انسانی را مخاطب قرار میداد از خشیت الهی آن قدر می‌گریست که محاسن مبارکش آغشته به اشک می‌شد. در کتاب صحیح مسلم آمده که پیامبر در سال فتح مکه سوار بر مرکب، سوره فتح را بصورت ترجیعی خواندند و راوی می‌گوید اگر ترس از ازدحام مردم نبود، (کیفیت آن را) برای شما نقل می‌کردم.

با تحلیل مفهومی این جنس روایات، به دو محور دست می‌یابیم:

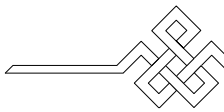
- ۱- تلاوت قرآن به صورت زمزمه در حال سواره و پیاده مطلوب است.
- ۲- نیاز به آرایه برخی تلاوت‌های خاص و شاذ در بین عامه مردم نیست بلکه در فضاهای خاص باید باشد.

عمومی ترین وصف برای تلاوت معصومین، حسن بودن صوت آنان است.

انبیاء علیهم السلام هم خوش سیما بودند هم خوش صدا.

پیامبر اکرم « احسن الناس صوتاً » بوده است.

صدای تلاوت ائمه اطهار(ع) نیز همین طور بوده است طوری که شنونده را مدهوش می‌کرده



است که نشان از نهایت شیفتگی و تأثیرپذیری است. از امام سجاد علیه السلام سؤال شد که آیا پیامبر اکرم در نمازها با صدای زیبا قرآن می‌خواندند؟

اشکال کننده می‌پرسد آیا موجب بطلان نماز مأمومین نمی‌شده است؟ جواب این سؤال را از روایت دیگر از امام کاظم علیه السلام متوجه می‌شویم که می‌فرمایند پیامبر و امامان به قدر طاقت مأمومین تلاوت می‌کردند.

از ویژگی‌های تلاوت امام سجاد و امام باقر علیهما السلام نیز چنین وصفی وارد شده است. باید توجه داشت تزکیه و تعلیم بدون تلاوت صحیح و حق تلاوت امکان ندارد. تلاوت با قرائت تفاوت دارد در تلاوت، تدبّر حتماً وجود دارد ولی در قرائت لزوماً چنین نیست.

### بخش دوم - اهمیت و جایگاه حفظ

در قرآن به این معنای مصطلح وارد نشده بلکه حفظ کردن قرآن به خود خداوند نسبت داده شده است: *أنا نحن نزلنا الذكر و أناله لحافظون*

در روایات در خصوص حفظ، واژه «حمل» آمده است. در این زمینه کتاب حمل قرآن (تألیف آقای دکتر خوش منش) به طور مفصل بحث شده است.

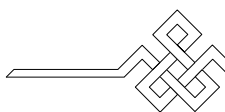
حفظ، انتقال قرآن به ذهن است حال اگر از ذهن به قلب و جوارح وارد شد و به صورت نوری در باطن انسان شد و راسخ در روح انسان شد به این حالت می‌گویند: «حمل».

یعنی اگر قرآن در جوارح ما نفوذ کرد می‌شود «حمل» و اگر به جوارح ما نفوذ کرد یعنی دست ما با قرآن کار کرد، چشم ما با قرآن دید و ... این می‌شود «عمل».

آنچه در حفظ مطلوب است: حافظ حامل عامل است. ما باید از این آیه سوره جمعه برحذر باشیم که مبادا گرفتار: «*حملوا التوراة ثم لم يحملوها*» شویم. لذا پرچمداری اسلام، دست حاملان قرآن است. به حامل القرآن، حامل رایة الاسلام گفته‌اند

ما به کارکرد فرهنگی حفظ قرآن باید توجه ویژه داشته باشیم که از دست ندهیم.

نکته بعد: بعد از مطالبه قاطع رهبر معظم نسبت به تأمین ده میلیون حافظ در کشور این یک



تحلیل مفهومی می‌خواهد. این مطالبه را جور دیگر هم میتوان دید و آن این است که ده میلیون را در سی جزء قرآن ضرب کنیم، می‌شود، سیصد میلیون جزء نفر حفظ در کشور، این که ده میلیون حافظ کل داشته باشیم فعلاً دست نیافتنی است متولیان امر حفظ در کشور آمار حافظ کل را حدود ۵ هزار و حافظ ده، بیست و کل روی هم حدود سی هزار نفر اعلام کرده‌اند. بنابراین عملیات آسان نیست ولی می‌توانیم با برنامه‌ریزی جامع به سمت فرهنگ کردن حفظ قرآن پیش رویم.

عده‌ای می‌توانند سه جزء، کمتر یا بیشتر، موضوعی یا ترتیبی حفظ کنند، این اشکال ندارد و نباید جلوی آنان را گرفت.

به نظر بنده محور تحولات در جامعه اسلامی، حفظ است چون ما دنبال انس هستیم؛ انس، آن چشم انداز راهبردی و کلیدی ماست، انس وقتی اتفاق می‌افتد که عملیات رفتاری ما بر اساس قرآن شکل بگیرد و این عملیات وقتی شکل می‌گیرد که ما از قرآن یک فهم تدبیری داشته باشیم. تدبیر هم وقتی صورت می‌گیرد که ارتباط با قرآن زیاد داشته باشیم، رفت و برگشت به قرآن داشته باشیم و عالی‌ترین رفت و برگشت، حفظ است.

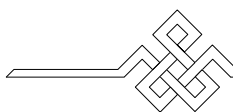
لذا مقام معظم رهبری فرمودند حفظ، هدف نیست بلکه از جهت مقدمه بودن برای فهم و تدبیر و انس و عمل است که موضوعیت پیدا میکند.

پس مدخل و نقطه آغازین تحولات معنایی و تدبیری و تفسیری و رفتاری و نهایتاً انس با قرآن کریم، حفظ قرآن کریم است.

البته باید توجه داشت که حفظ نباید اجباری باشد از طرفی خیلی افراد قرآنی خود بخود به دلیل انس، آیات قرآن را حفظ هستند. اصطلاح سازی در حفظ قرآن لازم است مثلاً کسی که ۳ جزء حفظ است چه اسمی به او باید داد؟ کسی که ۵ جزء حفظ است چه اسمی؟ و ....

مثلاً بگوئیم: حفظ مقدماتی، حفظ پایه است و....

در شورای علمی و راهبردی که غالب مسئولین مراکز قرآنی در آن حضور دارند، حفظ سه ستاد دارد: دانش آموزی، دانشجویی، سایر اقشار.



مطابق سند چشم انداز، بنا داریم با روند حفظ ۴ جزء در سال، یعنی حفظ هشت ساله پروسه حفظ ملی را پیش ببریم که سیصد میلیون جزء نفر را محقق کنیم.

به نظر بنده این جنس نشست‌ها اگر بخواهد محصول داشته باشد باید راهبردهایی که در توسعه فرهنگ قرآنی که از رهگذر تلاوت و حفظ به دست می‌آید، طراحی شود. شاخص‌های ارزیابی قاریان و حافظان از منابع اسلامی استخراج و در مراجع ذیصلاح تصویب و قانون شود و همه دستگاه‌ها ملزم به رعایت آن‌ها باشد. آن موقع است که اتفاقات خیلی خوب و اساسی رخ خواهد داد.





## مقایسه تطبیقی وضعیت حفظ در ایران و کشورهای اسلامی

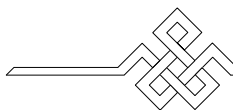
رضا نجفی<sup>۱</sup>

### چکیده:

نگرش ویژه اهل سنت به مقوله حفظ و تحفیظ قرآن کریم و اقبال عموم مردم در کشورهای اسلامی موجب توسعه چشمگیر آن شده است. این امر به گونه ای است که اکنون کشورهایی همچون عربستان سعودی، سودان، پاکستان و بسیاری دیگر، در عرصه حفظ قرآن کریم به موفقیت های نسبی و قابل قبولی دست یافته اند. اگر چه از جنبه های مختلف فنون قرائت دچار ضعف های جدی هستند، اما تکیه بر ترتیل خوانی و شاید در مواردی تحدیر خوانی، تکریم عمومی حفاظ و تبلیغ یک سویه و تک بعدی قرآن خوانی منهای اهل بیت، موجبات گسترش قرآن کریم در مجامع خود را نموده اند. متقابلاً فضای قرآنی جمهوری اسلامی ایران با بهره گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری و بر مبنای تعالیم روح بخش اهل بیت عصمت و طهارت حرکت پر شتاب توسعه قرآنی را طی دهه های گذشته آغاز نموده خصوصاً قله پروری، ارائه تلاوت های ترتیل و تحقیق با شاخصه های تلاوت های استادانه، حضور پر رنگ در عرصه های بین المللی از موفقیت های غیر قابل انکار می باشد.

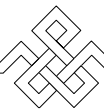
---

۱. حافظ کل قرآن کریم، عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر. پژوهشگر و نویسنده Rezanajafi95@yahoo.com



به نظر می رسد اصرار بر تبلیغات رسانه ای و میدانی مستمر، ایجاد مؤسسات مردمی تحفیظ قرآن، مدارس شبانه روزی حفظ و کشاندن مقوله تحفیظ به سطوح عمومی جامعه می تواند مقدمات پیشرفت پردامنه حفظ را رقم زند. لازم است تاکید گردد واگذاری فعالیت های قرآنی به بخش های غیر دولتی از ضرورت های قطعی است که باید نگاهی ویژه به آن منعطف شود.

کلید واژگان: حفظ قرآن کریم، ترتیل، ایران، کشورهای اسلامی، مقایسه تطبیقی

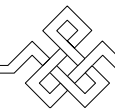


## مقدمه:

با نزول قرآن کریم و توسعه روز افزون آن در جامعه تازه مسلمان مکه ضرورت پاسداشت آیات و عبارات کریمه آن بیشتر خودنمایی می نمود؛ خصوصاً آنکه نبی مکرم اسلام تأکیدات قابل توجهی در حراست قرآن ارائه کرده و مسلمانان صدر اسلام را نسبت به این مهم به خوبی توجیه فرمودند. تعداد انگشت شمار باسوادان در مکه و ذهن حساس و حافظه مثال زدنی اعراب، آنان را واداشت تا در مسیر صیانت از قرآن کریم، به ذهن سپاری آیات و سوره را جدی انگارند. براساس آنچه از تاریخ قرآن برداشت می گردد، روند مذکور با هجرت پیامبر به مدینه و تشکیل نظام مند جامعه اسلامی آن روز حرکتی پرشتاب به خود گرفت. انشقاق در امت واحده اسلام و محدودیت های شدید امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و شیعیان آن حضرت، مسیر انس با قرآن را اندکی دچار تک روی کرده و قرآن منهای عترت را تبلیغ نمود که شرح مفصل آن در کتابهای مربوطه از جمله تاریخ قرآن و علوم قرآنی به گونه ای مشروح منعکس گردیده است.

کافیست به همین قدر بسنده شود که خلیفه دوم شعار «حسبنا کتاب الله» را چنان بر سر زبان ها مشهور نمود که مسلمانان آن روز و پیروان خلفا، خود را صرفاً در برابر کلام الله مجید مسئول دانستند حال آنکه آموزه های مکرر وحی و نیز تعالیم شخص نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چیز دیگری بود. حلقه های گسترده حفظ و تحفیظ قرآن کریم از همان دوره در میان پیروان خلفا شکلی محوری به خود گرفت و چنان شد که حفظ قرآن کریم امروزه در مجامع اهل سنت از گستردگی عمومی قابل توجهی برخوردار گردیده است.

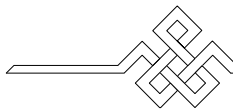
مع الاسف و در کمال تأثر قلبی باید پذیرفت که علی رغم تأکیدات فراوان ائمه طاهرین (علیهم السلام)، حفظ قرآن در جوامع شیعی از توسعه لازم برخوردار نشده و در مقایسه با اهل سنت حرکتی بسیار کندتر و شاید بتوان گفت نامحسوس، به خود گرفته است. نمی شود انکار نمود که امروزه بسیاری از کشورهای مسلمان، مقوله حفظ قرآن را در سطح عموم جامعه به گونه ای گسترده رواج داده اند. چاره ای نیست جز آنکه به صورت کاملاً بی طرف و منصفانه درخصوص جایگاه حفظ، روش های تحفیظ و فضای عمومی جوامع اهل سنت در مواجهه با



حفظ قرآن تحلیلی جامع انجام گردد که استناد آن پژوهشی کامل و اندیشمندانه باشد. تحقیقی در ابعاد گفته شده هیچگاه به شکلی مطلوب صورت نگرفته یا لااقل نگارنده از آن بی اطلاع است، لکن بررسی محصولات ارائه شده در این زمینه بیانگر همین واقعیت تلخ می‌باشد که حق مطلب را اداء ننموده ایم! از سوی دیگر مطالعه آنچه بدان اشاره شد نیازمند تحقیقی میدانی می‌باشد، چرا که نه در لابلای کتاب‌ها و مقالات، مستندی موجود است و نه اساساً با بررسی چند نوشتار کتابخانه‌ای می‌توان زوایای مختلف موضوع را تحلیل نمود. بر همین مبنا پژوهشی میدانی با هدف «مطالعه و تحلیل روش‌های حفظ و تحفیظ قرآن کریم در کشورهای اسلامی» از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ صورت گرفت که نگارنده خود به عنوان پژوهشگر به کشورهای مختلف اسلامی سفر نموده و از نزدیک فرایند آموزش، جایگاه حفظ، میزان گستردگی عمومی، تعلیم و تحفیظ و سایر موارد را مطالعه کرده است. آنچه در ادامه تقدیم می‌گردد بخشی از نتایج به دست آمده می‌باشد.

روش کار در پژوهش انجام شده به شکلی میدانی پیش‌بینی شده است. در مرحله نخست تلاش گردید تا حدود بیست کشور اسلامی در آسیا و آفریقا به صورت نرم افزاری مطالعه گردد. شناسایی طلاب و دانشجویان خارجی مقیم ایران و مصاحبه با آنان، حضور پژوهشگر در مسابقات بین‌المللی ایران، مسابقات بین‌المللی دانشجویان و مصاحبه با حفاظ و اساتید، جستجوی اینترنتی از کشورهای گروه هدف و در نهایت گفتگوی تلفنی یا ایمیل با برخی اساتید در کشورهای اسلامی، مجموعه‌ای از اطلاعات را در اختیارمان قرار داد.

در مرحله دوم پژوهشگر با حضور در پنج کشور پاکستان، ترکیه، سعودی، اندونزی و لبنان با نگاهی عمیق به گفتگو با اساتید، حفاظ و صاحب‌نظران پرداخته و در ده‌ها کلاس تعلیم و تحفیظ حضور می‌یابد. اگرچه در این بخش به دلیل محدودیت‌های اعتبار، زمان لازم و دشواری‌های ارتباط با مجامع تخصصی اهل سنت، پژوهش با موانعی برخورد نمود، لکن به عنوان گشایش‌پلی به تحقیقات بنیادین قرآنی، در نوع خود به خوبی انجام گردید. نهایتاً در مرحله سوم تحلیلی کامل نسبت به زمینه‌ها، روش‌ها و مبانی تحفیظ قرآن کریم در کشورهای



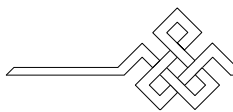
گروه هدف انجام گرفت. اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که ده ها جلد کتاب تحفیظ که محصول مطالعات، پژوهش و نگارش اساتید دیگر کشورهاست، گردآوری شده و از مطالب و تحلیل های آنها به خوبی بهره برداری گردید که حاوی نکات بسیار ارزشمند و مفیدی در خصوص روش های رایج تحفیظ و تعلیم در بین اهل سنت بودند.

در همین مجال جا دارد از معاون محترم وقت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جناب حجت الاسلام حمید محمدی در پشتیبانی پژوهش و نیز از فاضل ارجمند جناب آقای دکتر ابوالفضل خوش منش در همکاری، مشاوره و نظارت بر تحقیقات انجام شده تشکر و قدردانی نمایم.

### ترتیل خوانی در مجامع اهل سنت، پایه تحفیظ

ویژگی مشهور مجامع اهل سنت، سبک ترتیل خوانی است که تقریباً در کشورهای مسلمان عمومیت دارد. مبنای آموزش های قرآنی در بسیاری از این کشورها روش ترتیل خوانی است که به طور رسمی در محافل، مجالس و مسابقات عرضه می شود. مجموعه های متنوع قرائت ترتیل که از اساتید و قاریان کشورهای مسلمان در جهان اسلام منتشر گردیده، گویای همین موضوع می باشد. تعیین سبک تلاوت به روش ترتیل برگرفته از آیات کریمه کلام الله مجید است: «ورتل القرآن ترتیلاً» (مزمل: ۴)

در این عبارت قرآنی، خداوند متعال پیامبر خود را توصیه می فرماید که عبارات و آیات وحی را به گونه ای شمرده و گویا تلاوت نماید. این روش هم اکنون «ترتیل» نامیده شده است که اهل سنت آن را منطبق بر سنت نبوی نیز برشمرده و بر سایر شیوه های تلاوت قرآن، ارجحیت داده اند. تلاوت قرآن کریم به روش ترتیل خوانی، هم سویی قابل توجهی با تحفیظ قرآن کریم دارد که آن نیز منطبق بر آموزه های قرآن، سنت نبی مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و صحابه صدر اسلام است. مجموع آنچه که اجمالی از آن بازنگری شد و تفصیل آن فراوان در کتب علوم قرآنی، تاریخ و حدیث، تحلیل گردیده نشان می دهد که میان روش ترتیل خوانی در مجامع اهل سنت و رونق آن از یک سو و توسعه کمی حفظ و تحفیظ از سوی دیگر ارتباط محکمی برقرار است. نتایج این ارتباط را می توان در نگاهی علمی و دقیق در کشورهای همچون



مصر که پرچمدار ابداع روش ها و سبک های متنوع ترتیل و تحقیق است، مشاهده نمود. برخی از این موارد به شرح ذیل است:

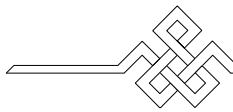
### ۱- تأکید قاریان مشهور بر ارائه مجموعه های ترتیل

تقریباً همه قاریان مشهور کشورهای اسلامی اقدام به ارائه یک مجموعه ترتیل و گاهی چند مجموعه مجزا از ترتیل خوانی نموده اند. در حقیقت بسیاری از اساتید به نام و قاریان ممتاز در جهان اسلام مانایی تلاوت خود را مدیون سبک ترتیل خود می دانند؛ گرچه در تلاوت های تحقیق و مجلسی نیز ممتاز و گاه بی بدیل ثبت شده اند. مجموعه ترتیل زیبا و ماندگار شیخ محمد صدیق منشاوی و شیخ عبدالباسط و شیخ خلیل الحصری شاهدی بر این گفتار است. جدای از آن تلاوت ترتیل قاریانی چون شاطری، محمد ایوب، سعدالغامدی، عبدالرحمن سدیس و دیگران نیز به نوعی جایگاه خود را در میان علاقمندان خود پیدا نموده است. علاوه بر آنچه اشاره شد در میان بسیاری از مسلمانان که عموماً حافظ کل یا بخشی از آیات هستند، روش سریع تر یعنی «تحدیر» (حدر: سرازیر کردن، شیب دادن. تحدیر: خواندن قرآن با سرعت زیاد) نیز رایج است که شاید گستردگی عمومی آن در میان گروه های مختلف حفاظ و غیر آن به مراتب بیشتر باشد.

درحقیقت روش ترتیل خوانی بستر و پایه مناسبی را جهت ارائه محفوظات فراهم نموده که نسبت به سایر روش ها کارایی بهتری دارد.

### ۲- حفظ مقدم بر دیگر فنون قرائت

بی تردید در کشورهای مسلمان، حفظ قرآن کریم مقدم بر سایر فنون قرائت می باشد. خصوصاً در کشورهای عرب زبان که خواندن ساده و روان آیات تقریباً امری طبیعی است، کودکان و نوجوانان علاقمند در نخستین گام، اقدام به حفظ آیات نموده و به ذهن سپاری قرآن کریم را با جدیت دنبال می نمایند. اساتید و معلمان نیز با درک صحیحی از موضوع، حفظ را به عنوان اولویت برتر آموزش های قرآنی معرفی می نمایند و تلاش فراوانی دارند تا شاگردانشان



مراحل نهایی تحفیظ را تجربه کرده و در این راه موفق باشند. قاریان برجسته و مشهور جهان اسلام چه آنان که تنها به روش ترتیل، قرائت نموده اند و چه آنان که تلاوت های ماندگار مجلسی ارائه کرده اند نیز پیش از آنکه تجوید، صوت و الحان را بیاموزند حافظ کل قرآن کریم بوده اند. گفتگو با برخی از اساتید و داوران بین المللی و چهره های ممتاز قرآنی کشورهای مسلمان، مؤید رویکرد فعال آنان نسبت به حفظ قرآن کریم می باشد. قاریان مشهور و اساتید به نام معتقدند تلاوت های مجلسی که به صورت حفظ ارائه می گردد، تأثیر به مراتب بیشتری بر مخاطب دارد و نوای دلنشین قرآن در جان مستمع به خوبی می نشیند. مرحوم استاد شحات محمد انور که تلاوت های جاودانه وی نگین زرین هنرنمایی قاریان مصری است، بر این باور بود که حرکات چشم تأثیر فراوانی در القاء مفهوم به شنونده دارد. استاد سید متولی عبدالعال تلاوت قاری از حفظ را کمک قابل توجهی به امتداد صوت و افزایش حجم نفس گیری او می داند. دلیل وی چگونگی قرار گرفتن قاری و حالت دستگاه تنفسی و شکل فیزیکی مجاری ورود و خروج هوا در هنگام تلاوت است که به صورت حفظ همه این موارد به گونه ای خواهد بود که موجب موفقیت قاری در تلاوت طولانی تر آیات و عبارات می گردد. حال آنکه عکس این روش، قاری را محدود در نگاه مستمر به کلمات قرآن کریم نموده و از امکان تسلط کافی بر هنرنمایی به میزان زیادی می کاهد، چرا که شکل قرار گرفتن اعضاء و جوارح بدن نامناسب است. بنابراین از لحاظ ابعاد فنی، قاریان و اساتید قرائت در جهان اسلام، قبل از هر چیز توصیه می نمایند که آیات و سوره های قرآن کریم به ذهن سپرده شوند. و خلاصه آن که: قاری خوب کسی است که نخست حافظ قرآن باشد.

### ۳- حفظ موجب تسلط بر معنا

کشورهای اسلامی را از جنبه زبان و گویش می توان به دو دسته تقسیم نمود:

- ۱- کشورهای مسلمان عرب زبان
- ۲- کشورهای مسلمان غیر عرب زبان

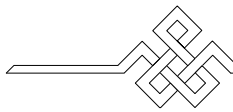


چه آن کشورهایی که از گویش عربی برخوردارند و چه آنان که غیر عرب زبانند، معتقدند که کامل ترین روش فهم آیات، به ذهن سپاری آنها می باشد. به طور نمونه مسلمانان پاکستان که علاقه زیادی به حفظ قرآن کریم دارند، معتقدند که حفظ آیات جدای از همه فضایی که برای آن وجود دارد نزدیکترین راه به دانستن مفهوم عبارات و ممارست بر درک معانی آنهاست. استاد محمد مشتاق انور، نویسنده کتاب «افهام التجوید» و قاری برجسته پاکستانی به صراحت حفظ را مقدمه ای بنیادین بر دانستن مفهوم آیات معرفی می کند. وی می گوید «ترجمه با مفهوم آیات متفاوت است. شاید کسی ترجمه آیه ای را بداند اما از مفهوم آن ناتوان باشد. بنابراین باید بکوشد تا با مطالعه دقیق آیه و تکرار آن علاوه بر تسلط بر ترجمه، معنا و مفهوم را نیز درک نماید. حفظ قرآن به دلیل مؤانست حافظ و تمرین دایمی محفوظات به این فهم کمک می کند.»

سایر کشورهای عرب زبان نیز به همین میزان ارتباط میان درک مفاهیم آیات یا حفظ را تنگاتنگ دانسته و بر آن تاکید دارند گرچه عرب زبانند. بی تردید همه قاریان بر این نکته اتفاق نظر دارند که تلاوت قرآن در صورتی که همراه با فهم آیات و درک صحیحی از آنها باشد به مراتب از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. قاری قرآن آنگاه که الفاظ و عبارات را با علم به معانی و مفاهیم به زیبایی تلاوت می نماید، گویا با مخاطب سخن می گوید و به خوبی می داند که هر عبارتی را با چه لحنی تلاوت کند تا حق مطلب اداء گردد. تجربه نیز نشان دهنده همین موضوع است که قاریانی که مسلط بر مفاهیم هستند، تلاوتی رسا و عالمانه دارند.

همچنانکه بسیاری از قاریان و اساتید قرائت اذعان دارند، راز این موفقیت را باید در حفظ قرآن جستجو نمود. اگرچه در میان قاریان ایرانی مرسوم شده که همان قسمتی از آیات را که در نظر است تلاوت نمایند از قبل به ذهن می سپارند و از حفظ در مجالس و محافل عرضه می کنند، اما در سایر کشورهای اسلامی به خصوص جمهوری عربی مصر که موفقیت های بی نظیری در علم و هنر تلاوت داشته و دارند، حفظ نه به گونه ای حاشیه ای، بلکه به صورت رسمی و جدی در میان قاریان رایج است تا ره آورد آن تسلط و اشراف قاری بر مفاهیم، کنترل الحان و نغمات و در نهایت ارائه تلاوتی کامل و موفق تر باشد. همین نگاه را می توان در کشورهای مسلمان





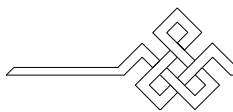
جنوب شرق آسیا نیز مشاهده نمود. اگرچه قرائت در میان آنان به گستردگی کشورهای همچون ایران و مصر نمی‌باشد.

### ویژگی های تعلیم و تحفیظ در کشورهای اسلامی

با مطالعه میدانی درخصوص مبانی و روش های حفظ قرآن کریم در کشورهای اسلامی، وجوه مشترکی به دست می آید که برخی مبتنی بر اعتقاد اهل سنت و برخی براساس فرهنگ جوامع اسلامی و نگاه آنان نسبت به حفظ و تحفیظ می‌باشد. همین امر موجب گردیده تا مقوله حفظ قرآن در کشورهای مسلمان سنی نشین از گسترش قابل توجهی برخوردار شود. مع الاسف باید اذعان نمود در همان کشورهای سنی نشین، برادران شیعی نه تنها حفظ و تحفیظ را در مجامع خود ترویج ننموده‌اند، که گاه مشاهده می گردد به حدی از قرآن فاصله گرفته‌اند که در نوک پیکان اتهام اهل سنت قرار گرفته اند مبنی بر اینکه شیعیان نسبت به قرآن بی توجه و بی اهمیتند! اگرچه این سخن برخی گروه های افراطی اهل سنت و اتهاماتشان علیه شیعه بی اساس است، ولی ضروری است دلایل تفاوت رویکرد شیعه و اهل سنت در مطالعه ای بجا و دقیق مورد بررسی قرار گیرد که البته در این مقاله مختصر مجال آن نمی‌باشد. در ادامه به بخشی از خصوصیات مشترک تحفیظ قرآن در کشورهای اسلامی می‌پردازیم:

#### ۱- عمومیت همگانی حفظ

در بسیاری از کشورهای اسلامی همچون سعودی، پاکستان، سودان، لیبی و... حفظ قرآن در سطحی گسترده در میان مردم عمومیت دارد. حفظ قرآن به عنوان هنری دینی و اسلامی مورد توجه اقشار مختلف مردم در مناطق گوناگون کشورهای اسلامی است. اشخاصی گوناگون در صنف های متفاوت، بخش های جزئی یا کلی قرآن کریم را از برنموده اند. کمتر مسجدی مشاهده می‌شود که حلقه حفظ قرآن در آن فعال نباشد. مطالعه میدانی و بررسی آماری در کشورهای اسلامی نشان می دهد که در خانواده ها نسبت به این مهم، اهتمام قابل توجهی است و فرزندان را جهت آموزش حفظ به مراکز تحفیظ یا مساجد می سپارند. شاید بتوان عمومیت حفظ



قرآن در کشورهای اسلامی را با گسترش روخوانی و روانخوانی و عمومیت آن در ایران طی سال های اخیر مشابه دانست.

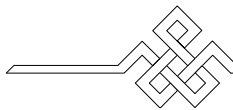
## ۲- داشتن نقش مؤثر مردم در اداره امور قرآنی

اگرچه برخی دولت ها در کشورهای اسلامی با اهداف مختلف سیاسی، اجتماعی، فرقه ای و شاید نظامی از برخی فعالیتهای دینی و مذهبی حمایت کرده، بستر توسعه ملی و بین المللی فرقه های خاص مذهبی در ابعاد جغرافیایی، منطقه ای و فرا منطقه ای را فراهم می نمایند اما عموماً در امور آموزشی قرآنی مداخله و نقشی ندارند. در حقیقت نظام هماهنگ، سازمان دهی شده و سامان یافته ای جهت گسترش و تعمیق آموزش های عمومی وجود ندارد. شاید عمده حضور دولت ها در این فرآیند، برگزاری دوره ای مسابقه ملی و بین المللی، چاپ قرآن و برخی تسهیلات برای حفاظ و قاریان باشد. از این جهت نظام مقدس جمهوری اسلامی طی سال های اخیر و پس از تاکیدات مقام معظم رهبری از نقش پررنگی برخوردار بوده است که به نظر می رسد شکل ورود دستگاه های دولتی در امور آموزشی و اجرایی قرآنی مستلزم پاره ای ملاحظات و بررسی های کارشناسانه می باشد. در همین خصوص باز هم رهنمون های رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در واگذاری امور به مردم به خوبی راهگشا بوده است.

عموماً در کشورهای اسلامی، مراکز قرآنی که با عناوین مختلف شکل گرفته اند، توسط مردم اداره شده و کاملاً خودجوش فعالیت می نمایند. نکته جالب توجه اینکه بیشتر مراکز موجود در کشورهای اسلامی در زمینه تحفیظ فعال هستند.

## ۳- وقف، پشتوانه توسعه قرآنی در کشورهای اسلامی

سنت وقف در کشورهای مسلمان، پشتوانه مناسبی جهت گسترش مردمی فعالیت های قرآنی به شمار می رود. عمده موقوفات اهل سنت در زمینه قرآنی است و واقف با نیت خدمتگزاری به قرآن اقدام به وقف نموده است. وضعیت عمومی موقوفات قرآنی در



کشورهای اسلامی را می‌توان با شرایط موجود محرم و صفر در ایران مقایسه نمود. در کشور ترکیه موارد فراوانی از موقوفات توسط نگارنده بازدید گردید که در اختیار مراکز حفظ بوده و بهره برداری می‌گردید. در کشور پاکستان شالیزارهای گسترده‌ای در مناطق مختلف به عنوان موقوفه در خدمت آموزش و ترویج قرآن و مدارس علمیه قرار دارد. در کشور اندونزی خیرین و واقفین با علاقمندی منابع مالی خود را در راستای تعلیم و تحفیظ قرآن هزینه می‌نمایند. در کشورهای مذکور نگارنده از نزدیک با تعدادی از وقف کنندگان و مراکز خیریه به گفتگو پرداخت.

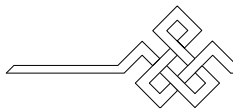
لازم است در جمهوری اسلامی ایران نیز با هدایت سنت حسنه وقف و توجیه واقفین، تلاش شود در کنار موقوفات محرم و صفر و عزاداری‌ها، بخشی نیز به تناسب و تعادل در اختیار توسعه قرآنی قرار داده شود.

#### ۴- شخصیت اجتماعی حفاظ

قطعاً ضرورت دارد طی پژوهشی مستقل در کشورهای اسلامی، ریشه‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی «احترام ویژه به حافظان قرآن» مطالعه گردد. جایگاه اجتماعی مذکور در کشورهای مختلف، متفاوت است؛ لکن عموماً حافظان قرآن محترمند. اگرچه در مجامع مذهبی و قرآنی برخی کشورها، تعداد حافظان در سطوح مختلف فراوان است، اما همچنان اعتبار و شخصیت آنان در نگاه عمومی، جلوه‌ای خاص دارد. همین موضوع موجب گردیده تا رغبت و علاقه نوجوانان و جوانان نسبت به حفظ قرآن کریم افزایش یابد.

#### ۵- آموزش‌های مستمر

مراکز شبانه روزی تعلیم و تحفیظ قرآن کریم در برخی از کشورهای اسلامی قابل توجه است. حضور مستمر، برنامه‌ریزی شده و منظم قرآن آموزان طی دوره‌ای مشخص در هر یک از این مراکز، زمینه‌ساز موفقیت آنان در خصوص حفظ قرآن شده است. وجود بیش از ششصد

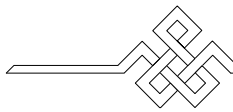


مرکز آموزش و حفظ قرآن فقط در شهر استانبول، ترکیه و حومه آن که به صورت شبانه روزی فعال هستند، بستر مناسبی را فراهم نموده تا علاقمندان قرآن کریم طی دوره‌ای پانزده یا سی ماهه و به صورت منظم حفظ کنند. در مراکز یاد شده، قرآن آموزان علاوه بر فراگیری فنون قرائت و حفظ، سایر علوم مرتبط با قرآن همچون ادبیات عرب، مفاهیم قرآنی و فقه را نیز می‌آموزند.

در کشور پاکستان، کمتر خیابانی مشاهده می‌گردد که در آن مراکز تعلیم و تحفیظ قرآن کریم، تحت عناوین مختلف فعال نباشد. اگر چه آمار رسمی و محکمی وجود ندارد، اما عموماً معتقدند که صدها هزار نفر از جوانان و نوجوانان این کشور در همین مراکز قرآنی به حفظ مبادرت نموده‌اند. درصد بالایی از مؤسسات آموزشی و تعلیمات قرآنی در پاکستان شبانه روزی است که قرآن آموز الزاماً تحت آموزش مستمر و منظم قرار دارد و مراکز آموزشی پاکستان علاوه بر حفظ قرآن کریم، دروس فقه، ادبیات عرب و حدیث را نیز به طلاب می‌آموزند. تأکید بر نظم و انضباط آموزشی و آداب شاگرد و استاد و نیز استمرار تعلیم و تحفیظ از ویژگی‌های عمومی این مراکز در کشور پاکستان می‌باشد. تعدادی از این آموزشگاه‌ها با دانشگاه‌هایی از شهرهای مختلف پاکستان قراردادهای علمی منعقد نموده‌اند که طلاب علاوه بر آموختن دروس دینی و حفظ قرآن، به صورت غیرحضوری در آزمون دانشگاهی شرکت نموده و در نهایت موفق به اخذ مدارک علمی می‌شوند. برخی از این مراکز نیز خود به صورت دانشگاه و آکادمی خدمات آموزشی ارائه می‌نمایند. «منهاج القرآن» با ده‌ها شعبه در داخل و خارج از پاکستان، نمونه‌ای از اینگونه مراکز موفق تحفیظ قرآن است که به صورت شبانه روزی برای دختران و پسران علاقمند فعالیت می‌نماید. در اندونزی نیز برخی از مدارس علوم دینی اهل سنت با همین سبک اداره می‌شوند. در دیگر کشورهای اسلامی نیز تا حدودی بر همین اساس عمل می‌شود. پشتوانه اداره مراکز شبانه روزی در بیشتر موارد موقوفات و در پاره‌ای، حمایت‌های هدفمند دولت‌های عربی و هابی مسلک می‌باشد.

## ۶- تکیه بر شیوه دیداری در حفظ آیات

با عنایت به پژوهش‌های انجام شده و همچنین مطالعات میدانی و نرم افزاری در کشورهای



اسلامی روش‌های حفظ و تحفیظ در میان مسلمانان متفاوت است. عموماً در کشورهای اسلامی، روش حفظ دیداری مینا بوده و کمتر مشاهده یا شنیده شده که استاد یا شاگردی مینای کار خود را بر روش شنیداری قرار دهد. به عبارت دیگر حفظ سماعی به کمک نرم‌افزارهای ترتیل مرسوم نبوده و مورد استفاده از آنها صرفاً جهت مرور و تثبیت محفوظات است.

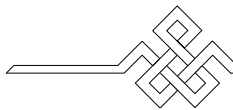
روش حفظ دیداری با استفاده مستقیم از کتاب شریف قرآن کریم و در حضور استاد انجام می‌شود. شاگرد ملزم است از روی قرآن آیات را به ذهن سپرده یا بنویسد تا از برشود و سپس در مقابل استاد محفوظات خود را ارائه نماید. مسجدالحرام، مسجد النبی و سایر مساجد دو شهر مقدس مکه و مدینه محل برپایی حلقه‌های تحفیظ قرآن کریم است که در نوع خود دیدنی است.

### تحلیل تطابقی شرایط قرآنی ایران و سایر کشورهای موفق

همچنانکه در فواصل سرفصل‌های پیشین به گونه‌ای گذرا مقایسه‌ای میان شرایط موجود کشورمان و دیگر بلاد اسلامی ارائه گردیده، لازم است اندکی بیشتر بدان پرداخته گردد؛ اگر چه بی‌تردید تحلیلی جامع و تطبیقی کامل از موضوع مجالی گسترده می‌طلبد، لکن می‌توان در حد نوشتار حاضر اجمالی از اهم مطالب را بررسی نمود.

۱- مهمترین رکن و شاخص امتیاز جامعه اسلامی ایران که بی‌تردید مایه افتخار، سربلندی و موجب پیشرفت تدریجی فرهنگ دینی گردیده، وجود مقام معظم رهبری و ارائه طریق معظم له در مواقع حساس و نیز نیاز سنجی ایشان در عرصه‌های فرهنگی، دینی و قرآنی است. رسوخ بی‌بدیل فرهنگ قرآنی در جامعه ایران اسلامی، عرصه‌ای جدید را در معاملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر نوید بخش رویکردی نوین نسبت به آموزه‌های متعالی قرآن کریم می‌باشد.

۲- قله‌پروری و ممتازپروری در رشته‌های مختلف حفظ، قرائت و تفسیر کلام الله مجید، امتیازی مسلم در عرصه‌های بین‌المللی است که ایران اسلامی به آن مفتخر است. سال‌هاست که می‌توان به جرأت استناد نمود که کمتر رقابت قرآنی در مجامع بین‌المللی رخ داده و جوانان ایرانی در کسب رتبه‌های برتر آن پیشتاز نبوده‌اند و این موفقیتی است که بدون شک منحصر

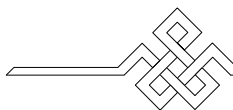


بفرد و مختص ایران اسلامی است. از سوی دیگر برخلاف رویه حفاظ بسیاری از کشورهای اسلامی که صرفاً به حفظ آیات اهتمام دارند، حافظان پرتوان جمهوری اسلامی ایران نه تنها از تسلط مثال زدنی برخوردارند، که از اشراف و احاطه لازم و کافی بر فنون قرائت و الحان و موسیقایی نیز به خوبی برخوردارند. تلاوت های ماندگار تحقیق و ترتیل قاریان و حافظان ایرانی، شاهدهی بر این حقیقت ممتاز است سایر کشورهای اسلامی عموماً از توانایی محدود برخوردارند تا جاییکه اساتید به نام مصری در برابر تلاوت های مانا و توانمندی اعجاز گونه قاریان و حافظان ایرانی - بارها و بارها - زبان به تحسین گشوده‌اند.

بسیاری از حافظان مسلمان صرفاً متن آیات را به ذهن سپرده و به روش تحذیر بدون لحاظ تجوید، صوت و لحن تلاوت می‌نمایند. از این جهت برتری و حسن امتیاز قاریان ایرانی کاملاً مشخص است.

۳- اگر چه طی سالهای اخیر فعالیت‌های قرآنی در قالب مؤسسات مردمی به بخش‌های غیر دولتی واگذار گردیده، لکن حضور نهادهای وابسته به دولت یا برخی از وزارتخانه‌ها به صورت مشهود نمایان است. این دستگاه‌ها هنوز به عنوان رقیب بخش مردمی فعالیت می‌نمایند. حال آنکه ضروری است شأن آنان در سه محور هدایت، حمایت و نظارت نهادینه گردد تا مردم خود در برنامه ریزی، اجراء و ارتقاء فعالیت‌های قرآنی در صحنه قرار گیرند. عموماً کشورهای اسلامی همین گونه‌اند و مردم متوکی امور قرآنی هستند. صد البته نباید اهتمام دولت‌ها را در توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی نادیده گرفت اما لزوم سیاست گذاری واحد و اجرای مردمی، امری ضروری است.

۴- ایجاد مؤسسات شبانه روزی با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش جهت توأم نمودن آموزش های رسمی و حفظ قرآن با هم می‌تواند به عنوان گام مؤثری در توسعه حفظ به شمار آید. برخی کشورها همچون پاکستان و ترکیه با ایجاد مراکز شبانه روزی حفظ قرآن، در نوع خود به موفقیت‌های خوبی دست یافته‌اند. این امر بستری را فراهم می‌کند تا حفاظ طی دوره‌های مشخص، همراه با نظم، موفق به حفظ قرآن شوند. شاید تخصصی کردن برخی از مدارس علمیه



در شهرهای مقدس و دیگر شهرهای سراسر کشور گامی نزدیک تر به این هدف باشد.

۵- برخی روش های ناکار آمد، سلیقه‌ای و گاه نمایشی که موجب هدر رفتن انرژی علاقمندان و حفاظ می‌شود، به عنوان آسیبی جدی مطرح است که لازم است مورد تجزیه و تحلیل دقیق علمی قرار گیرد. بهره‌گیری از روش‌های مرسوم و متداول در کشورهای اسلامی، راه را جهت توسعه قرآنی هموار نموده و از روش‌های مبتنی بر آزمون و خطا پیشگیری می‌نماید.

بررسی شیوه‌های تحفیظ در کشورهای اسلامی نگارشی مجزا می‌طلبد.

### منابع و ماخذ

۱. اسرار حفظ القرآن الکریم، احمد بن سالم بادویلان، مکه: دارالحضارة للنشر والتوزیع
۲. اصول و روشهای حفظ قرآن کریم، یعقوب کریمی، قم: انتشارات نسیم حیات
۳. بهترین روش حفظ قرآن کریم، علاء بصیری، ترجمه موسی دانش، مشهد: آستان قدس رضوی
۴. حفظ قرآن کریم، احمد حسین عبد الکریم، دمشق: دارالغوثانی للدراسات القرآنیة
۵. حقق حلمک فی حفظ القرآن الکریم، دکتر عبدالله الملحم، الکویت: شركة الابداع الفکری للنشر والتوزیع
۶. درسنامه حفظ قرآن کریم، دکتر محمد حاج ابوالقاسم، تهران: انتشارات تلاوت
۷. روش حفظ قرآن کریم، کاظم گرامی، مشهد: آستان قدس رضوی
۸. طریقه حفظ القرآن الکریم، ابراهیم بن حب الحسنی الشنقیطی، مدینه: مکتبه بیت الاسلام
۹. کیف تحفظ القرآن الکریم، دکتر یحیی بن عبد الرزاق الغوثانی، دمشق: دار الغوثانی للدراسات القرآنیة
۱۰. کیف تحفظ القرآن، دکتر مصطفی مراد، مصر: جامعة الازهر
۱۱. نحوه اداء متمیز حلقات تحفیظ القرآن الکریم، مؤسسۀ صلاح السلیم للنشر والتوزیع، مکتبه ملک فهد
۱۲. نگاه تحلیلی بر مبانی و روشهای حفظ قرآن کریم، رضا نجفی، تهران: پیام عدالت
۱۳. هکذا نحفظ القرآن، محمد مصطفی شعیب، بیروت: دارنور المکتبات

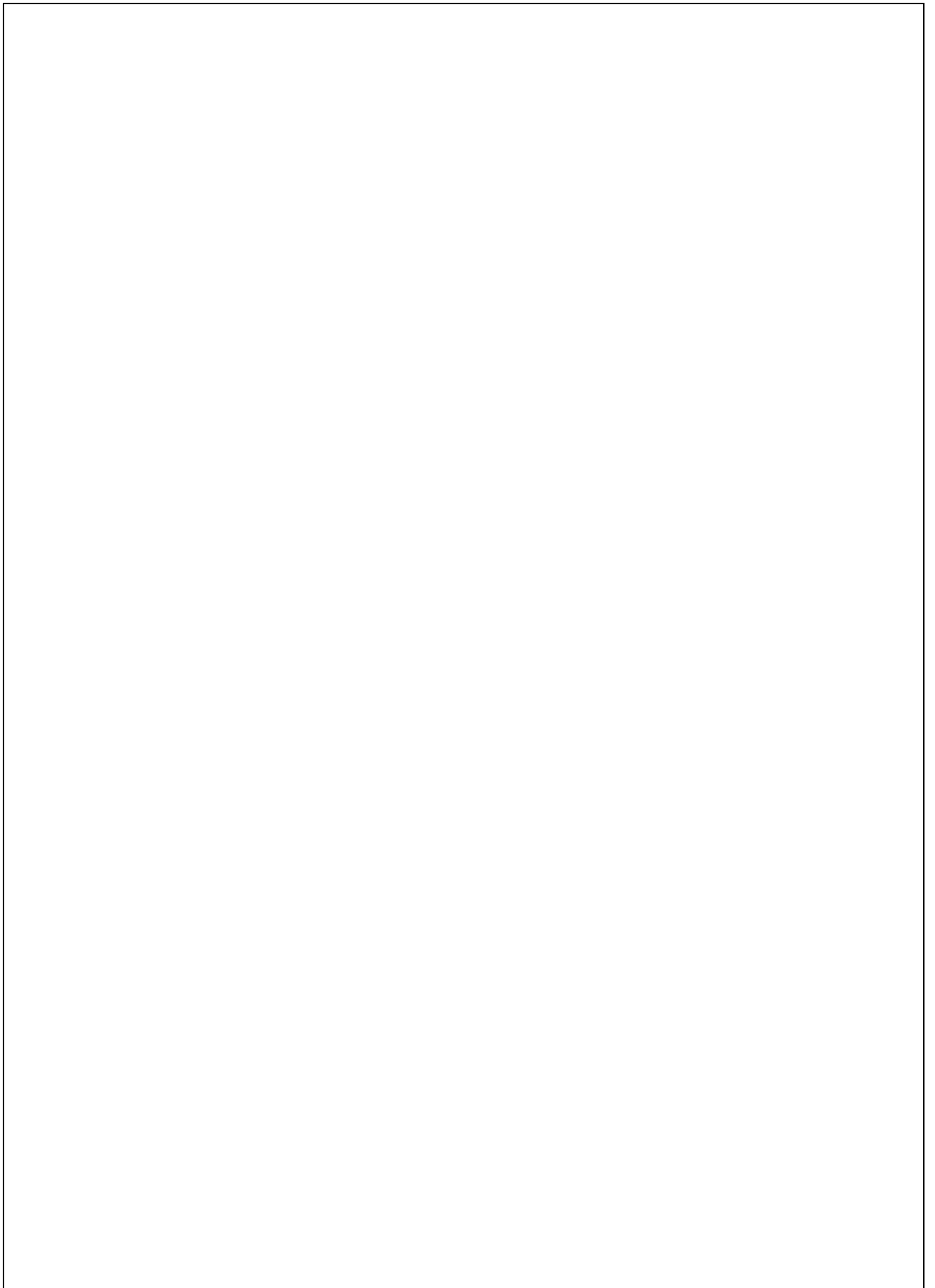


مکتب  
ولایت  
نصار  
فطرت  
چاود  
پول  
نہیں نسبت  
مختص  
رہنما  
یا



آشنائی با

مزایای قانونی قاریان حافظان قرآن کریم





## مزایای قانونی قاریان و حافظان قرآن کریم

محمدحسین فریدونی<sup>۱</sup>

حسین فرجی<sup>۲</sup>

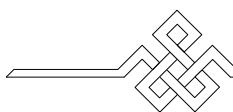
### چکیده

از ابتدای انقلاب اسلامی، توجه به قرآن در ابعاد مختلف، خصوصاً در حوزه آموزش قرائت، حفظ و مفاهیم آن روند رو به رشدی داشته است. در این میان بخش‌های مختلف نظام به منظور تقدیر از فعالان این عرصه به ویژه قاریان و حافظان قرآن، مزایای اداری و قانونی را مد نظر داشته‌اند. این مزایا در قالب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات هیأت وزیران، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای توسعه فرهنگ قرآنی و بخش‌نامه‌های نیروهای مسلح و دستگاه‌ها، شکل حقوقی گرفته و به اجرا درآمده است. در مجموعه حاضر به گردآوری موارد مرتبط با حافظان و قاریان و نحوه استفاده از آن پرداخته شده است که مهمترین آنها عبارتند از:

پذیرش حافظان کل قرآن مجید در برخی از رشته‌های دانشگاهی بدون شرکت در آزمون سراسری پذیرش بدون کنکور دو نفر از کسانی که هر ساله در مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن رتبه اول را کسب می‌کنند.  
قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن کریم

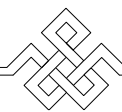
۱ . fereidooni\_mh@yahoo.com

۲ . hosaynfaraj@gmail.com



## مزایای قانونی قاریان و حافظان قرآن کریم

قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن کریم  
تحصیل رایگان در دانشگاه‌ها برای حافظان کل قرآن کریم  
مصوبه‌های اعطای مدرک تخصصی دارای مزایای استخدامی به حافظان، قاریان و مدرسان قرائت قرآن



### مقدمه

اطلاع دقیق و به روز از قوانین<sup>۱</sup> و مقررات<sup>۲</sup> وضع شده از بدو قانون‌گذاری در ایران، برای اقشار و آحاد مردم و به خصوص مسئولان دستگاه‌های اجرایی اهمیت ویژه‌ای داشته و دارد. در پرتو این آگاهی، هر یک از مسئولان نظام و افراد جامعه از حقوق خود مطلع شده و می‌توانند به تکالیف خود به درستی عمل کنند. قشر فرهیخته جامعه نیز می‌توانند بینش خویش را بر این دانش افزوده و با ارائه طرح‌هایی نو در پی‌ریزی قوانینی کارآمد، مددکار قانون‌گذاران باشند. همچنین افزایش حجم قوانین و مقررات مصوب در مقاطع مختلف توسط مراجع متعدد، اطلاع از قوانین لازم‌الاجرا را ضروری‌تر ساخته است. مراجع قانون‌گذار نیز زمانی در تدوین و تصویب قوانین و مقررات متقن، اصولی، کارشناسانه و پژوهش‌بنیان موفق خواهند بود که در گام نخست، اطلاعات کامل و جامعی از قوانین و مقررات موجود داشته باشند.

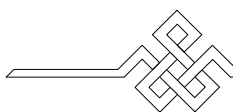
از سوی دیگر، ضروری است قوانین و مقررات اقشار خاص به نحو مطلوب به آنان اطلاع‌رسانی شود. بررسی‌های قبلی نشان می‌دهد در سال‌های گذشته تنها معدودی از فعالان قرآنی از وجود مقررات و مزایای قانونی مصوب در این حوزه و تعداد کمتری از مفاد آن مطلع بوده‌اند.

آنچه در این نوشتار بیان خواهد شد، قوانین و مقرراتی است که توسط مراجع قانونی کشور درخصوص مزایای تحصیلی، شغلی و رفاهی برای حافظان و قاریان قرآن تصویب و ابلاغ شده است. این مراجع عبارت است از:

۱. مجلس شورای اسلامی (قانون)
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای توسعه فرهنگ قرآنی (مصوبه در حکم قانون)
۳. هیئت وزیران (آیین‌نامه اجرایی)

۱. قانون عبارت از تصمیماتی است که برای اشخاص (حقیقی و حقوقی) یا قوای سه‌گانه و سایر نهادها منشأ ایجاد حق و تکلیف است و سایر مقررات از آن نشأت می‌گیرد.

۲. مقرر عبارت از تصمیماتی است که مشتمل بر تعیین روش اجرای یک یا چند قانون، تنظیم سازمان‌های اداری و دیگر تصمیمات می‌باشد که توسط مراجع ذی‌صلاح وضع و به اجرا گذاشته می‌شود.



۴. شوراهای دولتی دارای اختیارات قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی، همانند شورای امور اداری و استخدامی (مقررات)
۵. ستاد کل نیروهای مسلح (ابلاغیه فرماندهی کل قوا)
۶. دستگاه‌ها و نهادها (بخش‌نامه‌های داخلی)

### مهمترین مزایای قانونی مصوب

۱. پذیرش بدون کنکور حافظان کل قرآن مجید در مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها در یکصد و نودمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۶، این مزایای تحصیلی تصویب شده است، این مصوبه در واقع اولین مصوبه قانونی در کشور است که به گروهی از فعالان قرآنی اختصاص یافته است.

### متن مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی

پذیرش حافظان کل قرآن مجید در برخی از رشته‌های دانشگاهی بدون شرکت در آزمون سراسری

مصوب ۱۹۰ جلسه مورخ ۱۳۶۸/۴/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی

شماره ابلاغ: ۱۳۶۴/دش تاریخ ابلاغ: ۱۳۶۸/۴/۱۵

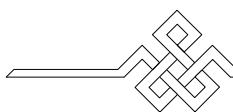
#### شرح:

حسب تقاضای سازمان حج و اوقاف دایر به پذیرش حافظان کل قرآن مجید در رشته‌های معارف اسلامی و زبان و ادبیات عرب تصویب گردید که:

۱- هر ساله دو مرد و دو زن از میان حافظان قرآن توسط سازمان حج و اوقاف انتخاب شوند و بدون کنکور وارد دانشگاه شوند. این چهار تن باید دارای دیپلم متوسطه باشند، همه قرآن مجید را حفظ باشند، و در امتحانات قرآنی که از طرف سازمان اوقاف برگزار می‌شود شرکت جسته و بالاترین امتیازها را کسب کرده باشند.

۲- رشته‌هایی که حافظان مزبور بدون کنکور در آنها شرکت خواهند کرد رشته علوم قرآنی دانشکده‌های الهیات، و زبان و ادبیات عرب در دانشکده‌های ادبیات است.

۳- وزارت فرهنگ و آموزش عالی موظف است آیین‌نامه اجرایی این مصوبه را تهیه و به سازمان حج و اوقاف ابلاغ نماید.



اگرچه این مصوبه در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده اما تا سال ۱۳۸۳ به دلیل عدم پیگیری سازمان اوقاف اجرا نشده و بخش‌های قرآنی دستگاه‌های دولتی و مردمی از وجود آن بی‌خبر بوده‌اند.

لازم به ذکر است که منظور از امتحانات قرآنی مندرج در بند ۱، مسابقات سراسری سازمان اوقاف و امور خیریه در رشته حفظ کل قرآن است. هر ساله دو نفر از برگزیدگان این مسابقات در دو گروه خواهران و برادران می‌توانند پس از معرفی سازمان اوقاف و امور خیریه به سازمان سنجش آموزش کشور، در مقطع کارشناسی رشته علوم قرآنی یا زبان و ادبیات عرب در یکی از دانشگاه‌های مورد نظر خود مشغول به تحصیل شوند.

## ۲. مزایای ادامه تحصیل قاریان رتبه اول بین‌المللی

این مصوبه در سال ۱۳۷۱ به پیشنهاد یکی از قاریان دارای رتبه اول بین‌المللی به رئیس جمهور وقت مطرح و تصویب شده است.

### متن مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی

پذیرش بدون کنکور دو نفر از کسانی که هر ساله در مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن رتبه اول را کسب می‌کنند

مصوب ۲۹۹ جلسه مورخ ۷۱/۱۱/۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی

شماره ابلاغ: ۴۱۴۶/دش تاریخ ابلاغ: ۷۱/۱۱/۱۲

شرح:

برحسب پیشنهاد مطروحه شورا تصویب کرد که هر ساله از دونفر کسانی که در قرائت قرآن در مسابقه بین‌المللی رتبه اول را کسب کرده باشند می‌توانند بدون کنکور در رشته علوم قرآنی وارد دانشگاه شوند یا اگر در دانشگاه باشند بدون امتحان ورودی به یک مقطع بالاتر بروند.

این قانون پس از تصویب و ابلاغ به اجرا درآمده است. بر این اساس هر ساله دو نفر از قاریانی که دارای رتبه اول بین‌المللی بوده‌اند، توسط سازمان اوقاف و امور خیریه به سازمان سنجش آموزش کشور معرفی شده‌اند. تعداد قابل توجهی از آنان پس از تحصیل در مراکز

آموزش عالی همچون دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، موفق به اخذ مدرک کارشناسی علوم قرآن و حدیث شده‌اند.

اطلاق کلمه «کنکور» و عبارت «یا اگر در دانشگاه باشند» موجب خروج این مصوبه از انحصار در رشته علوم قرآنی و مقطع کارشناسی شده امکان ادامه تحصیل قاریان رتبه اول دانش آموخته سایر رشته‌ها را در همان رشته یا علوم قرآنی در مقاطع بالاتر فراهم کرده است. این امکان در پاسخ به استعمال سازمان سنجش آموزش کشور از دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورد تصریح قرار گرفته است:

شماره: ۱۰۴۲۰۳۰۰۳  
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۹/۰۸  
پست: .....

باسمه تعالی  
جمهوری اسلامی ایران  
شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی

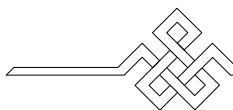
جناب آقای دکتر رحیمی  
معاون محترم وزیر و رئیس سازمان سنجش آموزش کشور

با سلام؛  
احتراماً، عطف به نامه شماره ۶۱۱۸۲ مورخ ۷۹/۹/۲۰ در رابطه با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر پذیرش بدون آزمون دو نفر از قاریان رتبه اول مسابقات بین‌المللی موارد ذیل به اطلاع می‌رسد.  
۱- مصوبه مذکور کسائی را که در مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن پس از پیروزی انقلاب اسلامی حائز رتبه اول شده‌اند شامل می‌گردد.  
۲- برای افرادی که رتبه اول بین‌المللی را کسب کرده‌اند محدودیت زمانی برای استفاده از تسهیلات این مصوبه وجود ندارد.  
۳- با مراجعه به مشروح مذاکرات شورای عالی انقلاب فرهنگی قرینه‌ای دال بر ممنوعیت ادامه تحصیل قاریان رتبه اول فارغ التحصیل، در رشته‌های غیر علوم قرآنی یافت نشد. لذا عطف به سوابق اعمال شده از سوی آن سازمان، ادامه تحصیل ایشان در رشته قبلی با استفاده از تسهیلات این مصوبه بلا مانع است.  
۴- سازمان اوقاف و امور خیریه مرجع تشخیص رتبه اول و معرفی به سازمان سنجش آموزش کشور می‌باشد. ای: ۶۵/۶۲

دکتر محمدعلی کی نژاد  
رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی

رونوشت:  
□ کمیته هماهنگی و توسعه علوم قرآنی جهت اطلاع  
□ دفتر معاونت اجرایی جهت اطلاع





با توجه به اسناد فوق قاریان رتبه اول بین‌المللی که در زمان کسب رتبه دانشجوی یا فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی هستند، می‌توانند این امکان را در مقطع کارشناسی ارشد استفاده کرده یا آن را برای مقطع دکتری یا فوق دکتری ذخیره کنند.

### ۳. قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن کریم

این قانون، مهمترین امتیاز تحصیلی کشور است که خاص حافظان کل قرآن تصویب شده است. هیچ صنفی، در هیچ رشته‌ای دارای چنین امتیازی نیست. حتی دارندگان رتبه اول المپیادهای علمی جهانی نیز از چنین امتیاز تحصیلی برخوردار نیستند. مطابق متن این ماده واحده، افرادی که دارای دو ویژگی حفظ کل قرآن و داشتن سواد تخصصی هم‌تراز دانش‌آموختگان کارشناسی علوم قرآن و حدیث، باشند می‌توانند تنها با شرکت در آزمون ویژه، بدون شرکت و قبولی در کنکور، بدون گذراندن واحدهای درسی کارشناسی و بدون حضور در کلاس‌های درس دانشگاه موفق به دریافت مدرک کارشناسی علوم قرآن و حدیث شوند. در این قانون هر حافظ کل قرآن با هر مدرک تحصیلی از تحصیلات ابتدایی تا دکتری تخصصی، می‌تواند داوطلب دریافت مدرک کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث شود. این قانون نوعی هنجارشکنی در نظام آموزش عمومی و آموزش عالی کشور بوده است. به همین جهت علیرغم تصویب آن در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ و برگزاری آزمون سالانه از اسفند ماه سال ۱۳۷۸، عبور از پیچ و خم‌های متعدد اداری، اعطای اولین مدارک کارشناسی را تا شهریورماه سال ۱۳۸۲ به تأخیر انداخت. همچنین شکایت برخی از حافظان و مؤسسات قرآنی منجر به صدور و ابلاغ حکم دیوان عدالت اداری به مجری قانون شد.

قانون اعطاء مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید قانون اعطاء مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید

مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۲/۱۶

تاریخ تأیید شورای نگهبان: ۱۳۷۵/۲/۲۶

شرح:

ماده واحده - به منظور گسترش فرهنگ حفظ توأم با درک مفاهیم قرآن مجید، وزارت فرهنگ و آموزش عالی موظف است هر ساله یک دوره آزمون ویژه برای حافظان کل قرآن که آشنا با ترجمه و تفسیر و علوم قرآنی و دروس اختصاصی در سطح کارشناسی این رشته باشند، برگزار نموده، به قبول شدن مدرک رسمی کارشناسی رشته علوم قرآنی و حدیث اعطاء نماید.

تبصره ۱ - افرادی که از طریق این قانون موفق به اخذ مدرک می‌شوند می‌توانند در مدارج بالاتر بر اساس ضوابط وزارت فرهنگ و آموزش عالی شرکت نمایند.

تبصره ۲ - حافظانی که مدرک رسمی کارشناسی علوم قرآنی را دارا هستند و از مزایای این قانون استفاده نکرده‌اند می‌توانند در آزمون ویژه‌ای که برای کلیه دروس کارشناسی ارشد مصوب رشته علوم قرآنی برگزار می‌گردد شرکت نمایند و در صورت موفقیت پس از ارائه یک رساله تحقیقی در علوم قرآنی مدرک رسمی کارشناسی ارشد به آن‌ها داده می‌شود.

تبصره ۳ - شرکت یا قبولی در این آزمون مانع از شرکت در آزمون دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و یا تحصیل در آن‌ها نمی‌باشد.

تبصره ۴ - هزینه برگزاری این آزمون به عهده متقاضیان خواهد بود.

تبصره ۵ - مرجع تشخیص حافظ بودن کل قرآن برای استفاده از مزایای ماده واحده وزارت فرهنگ و آموزش عالی می‌باشد.

آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر تا سه ماه پس از تصویب توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی تدوین و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و پنج تبصره در جلسه روز یکشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۵،۲،۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رییس مجلس شورای اسلامی - علی‌اکبر ناطق نوری

آیین‌نامه اجرایی قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید

مصوب هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۵

۲۴۶ - ۱۳۷۶/۱۱/۰۷ - ۵۱۸۹۲۱ - ۷۳۵۷۴

شرح:

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۶،۱۱،۵ بنا به پیشنهاد شماره ۱۷۶۳۷ و مورخ ۱۳۷۶،۸،۲۵ وزارت فرهنگ و آموزش عالی و به استناد تبصره (۵) قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید - مصوب ۱۳۷۵ - آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر تصویب نمود:

«آیین‌نامه اجرایی قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید»

ماده ۱ - سازمان سنجش آموزش کشور موظف است همه ساله آزمون ویژه‌ای در رشته علوم قرآنی و حدیث برای حافظان کل قرآن مجید که متقاضی دریافت مدرک رسمی کارشناسی هستند برگزار نماید. شرکت‌کنندگان در این آزمون در صورت کسب حد نصاب نمره قبولی متعارف در دانشگاه‌ها، به دریافت مدرک کارشناسی نایل می‌شوند.

تبصره ۱ - تعیین مرجع ذی‌صلاح برای تشخیص حافظ کل قرآن بودن متقاضیان بر عهده وزارت فرهنگ و آموزش عالی است.

تبصره ۲ - مواد امتحانی آزمون موضوع این ماده، آشنایی با ترجمه، تفسیر و علوم قرآنی و نیز دروس اختصاصی در سطح کارشناسی این رشته خواهد بود که به پیشنهاد سازمان سنجش آموزش کشور و تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی تعیین می‌گردد. مواد امتحانی قبلاً به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

ماده ۲\* - آن دسته از حافظان کل قرآن که دارای مدرک کارشناسی علوم قرآنی بوده و از مزایای این قانون استفاده نکرده‌اند، توسط سازمان سنجش آموزش کشور برای شرکت در آزمون دروس مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی و حدیث، مطابق برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی به دانشگاه‌های مجری معرفی می‌شوند و در صورت کسب موفقیت در گذراندن واحدهای مربوط، پس از ارائه یک رساله تحقیقی در زمینه علوم قرآنی، مدرک رسمی کارشناسی ارشد دریافت خواهند نمود. تبصره - داوطلبانی که دارای مدرک کارشناسی رشته‌های غیر علوم قرآنی بوده و حافظ کل قرآن مجید می‌باشند، باید دروس جبرانی مورد نیاز را نیز با موفقیت بگذرانند.

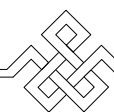
ماده ۳ - پرداخت هزینه برگزاری آزمون و ارائه رساله تحقیقی، به تشخیص سازمان سنجش آموزش کشور بر عهده متقاضیان خواهد بود.

ماده ۴ - استفاده از مزایای این قانون برای یک بار و در یک مقطع امکان‌پذیر است. ولی شرکت مردودین در آزمون سالیانه بعد بلامانع خواهد بود.

ماده ۵ - مدرک پذیرفته‌شدگان توسط معاونت دانشجویی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی صادر می‌شود.

حسن حبیبی - معاون اول رییس جمهور

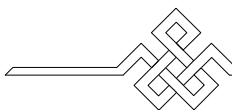
\*. ماده ۲ و تبصره آن به موجب رأی دیوان عدالت اداری ابطال شده است.



## فرآیندهای اجرایی قانون:

الف - نحوه دریافت مدرک کارشناسی

مطابق متن قانون و آیین نامه اجرایی آن، برگزاری آزمون ویژه سالانه برای حافظان کل قرآن داوطلب دریافت مدرک کارشناسی بر عهده سازمان سنجش آموزش کشور است. در این آزمون ویژه باید سطح دانش حافظان در ترجمه، تفسیر و علوم قرآنی و دروس اختصاصی کارشناسی علوم قرآن و حدیث مورد سنجش قرار گرفته در صورت احراز نمره متعارف قبولی و احراز حفظ کل قرآن مدرک رسمی کارشناسی به آنان اعطا شود. این سازمان به منظور دسترسی آسان و سهولت ثبت نام و شرکت در آزمون، همچنین افزایش ضریب دقت آزمون مذکور، احراز سواد علوم قرآن و حدیث داوطلبان را منوط به موفقیت در آزمون ورودی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور نموده است؛ آزمون ورودی کارشناسی ارشد در واقع امتحانی از تمام دروس اختصاصی دوره کارشناسی محسوب می‌شود. طبق این تصمیم، تمام حافظان داوطلب دریافت مدرک کارشناسی در کدرشته ۱۱۱۱ آزمون ورودی کارشناسی ارشد ثبت نام کرده و در فرم ثبت نام حافظ بودن خود را اعلام می‌کنند. پس از شرکت در آزمون طبق فرمول اعلامی در نامه شماره ۲/۲۷۳۷۱، مورخ ۸۵/۵/۱۱ معاون فنی و آماری سازمان سنجش به هیئت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، حد نصاب شصت درصد میانگین نمره ۳ نفر اول آزمون کدرشته ۱۱۱۱، به عنوان نمره قبولی حافظان و داشتن سواد کارشناسی علوم قرآن و حدیث تلقی می‌شود، به عنوان مثال اگر متوسط درصد دروس نفرات اول آزمون، با اعمال ضرایب دروس، ۸۰ درصد شود داوطلب حافظ قرآن با کسب متوسط نمره ۵۰ درصد در این آزمون پذیرفته شده و برای احراز صحت حفظ کل قرآن به سازمان اوقاف معرفی می‌شود. پس از قبولی در آزمون حفظ کل قرآن (یا ارائه مدرک درجه ۱ تا ۳ حفظ قرآن)، دانشنامه کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث با امضای مشترک «معاون وزیر و رئیس سازمان سنجش آموزش کشور» و «معاون دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» به وی اعطا می‌شود.

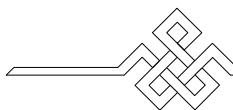


خوشبختانه اجرای این قانون به صورت رویه ثابت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درآمده و مورد توجه ویژه فعالان جامعه قرآنی قرار گرفته است.

#### ب - نحوه دریافت مدرک کارشناسی ارشد

طبق تبصره ۲ این قانون، حافظان دارای مدرک کارشناسی علوم قرآنی اباید در آزمون ویژه‌ای که برای کلیه دروس کارشناسی ارشد مصوب رشته علوم قرآنی (۱۴ عنوان درسی مصوب) برگزار می‌گردد، نمره قبولی را کسب کنند. پس از این مرحله با ارائه یک رساله تحقیقی، موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد می‌شوند. با وجود تصریح موجود در قانون به برگزاری آزمون ویژه انتظار می‌رفت یک آزمون سالانه (مثلا آزمون ورودی مقطع دکتری) مستقیماً توسط سازمان سنجش برگزار شده یا گروه علوم قرآنی یکی از دانشگاه‌های معتبر زیر نظر این سازمان آزمون ویژه را برگزار کرده و مراحل تعریف و دفاعیه پایان‌نامه را متکفل شوند. اما روال اجرایی فعلی این قانون به صورت دیگری درآمده است. در این روال، حافظان دارای مدرک کارشناسی علوم قرآنی نیز همراه با سایر داوطلبان دارای مدرک کارشناسی، در آزمون ورودی آزمون کارشناسی ارشد کدرشته ۱۱۱۱ ثبت نام می‌کنند و کارت شرکت در آزمون برای ایشان صادر می‌شود. این حافظان پس از این مرحله، در هر صورت، حتی بدون شرکت در جلسه آزمون، برای احراز صحت حفظ کل قرآن به سازمان اوقاف معرفی شده و پس از تأیید حفظ، یکی از دانشگاه‌های مجری کارشناسی ارشد علوم قرآنی را برای تحصیل انتخاب و به سازمان سنجش آموزش کشور اعلام می‌کنند. در واقع به جای شرکت در آزمون ویژه، جهت تحصیل و گذراندن واحدهای درسی و پایان‌نامه به دانشگاه مجری معرفی می‌شوند. تلقی

۱ . داوطلبان باید دانش آموخته کارشناسی در یکی از رشته‌های مربوط به علوم قرآنی شامل: علوم قرآن مجید، تفسیر قرآن مجید، تربیت معلم قرآن مجید، فنون قرائت، تلاوت و کتابت قرآن مجید، علوم قرآن و حدیث، معارف قرآن کریم، علوم و معارف قرآن، علوم و معارف قرآنی و الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث، همچنین سطح ۳ حوزه در گرایش علوم قرآن و حدیث باشند. این قانون شامل رشته علوم حدیث و سایر گرایش‌های رشته الهیات و معارف اسلامی از جمله فقه و مبانی حقوق، فلسفه و کلام اسلامی و ... نمی‌شود.



مسئولان سازمان سنجش آموزش کشور این بوده که تحصیل در دانشگاه و گذراندن واحدهای درسی به معنای موفقیت در آزمون کلیه دروس کارشناسی ارشد است. این در حالی است که کلمه «ویژه» در متن قانون بر استقلال آزمون صراحت دارد و متن واحده نیز حاکی از برگزاری سالانه آن است. تعیین هزینه آزمون بر عهده حافظان در تبصره ۴ نیز شاهد دیگری بر موضوع است.

اگرچه تا کنون تعداد قابل توجهی از حافظان از این روند استقبال کرده و موفق به فارغ‌التحصیلی در دوره کارشناسی ارشد شده‌اند، اما این رویه خلاف متن قانون بوده در مواردی موجب بروز مشکل بین حافظ و گروه آموزشی دانشگاه شده است؛ از جمله اینکه برخی حافظان با استناد به متن قانون از حضور در کلاس درس امتناع داشته و تنها متقاضی شرکت در آزمون پایان نیمسال تحصیلی بوده‌اند. علاوه بر این، دو نفر از حافظان که سواد کافی از دوره کارشناسی نداشته و دانشگاه‌های برجسته تهران را برای تحصیل انتخاب کرده‌اند، موفق به گذراندن واحدهای درسی کارشناسی ارشد نشده یا نتوانسته‌اند از پایان‌نامه دفاع کنند.

متأسفانه عدول از متن قانون و فرستادن حافظان به بدنه نظام آموزشی، موجب ذهنیت منفی در دانشجویان عادی و برخی اساتید علوم قرآنی نسبت به اصل قانون شده است.

۴. تحصیل رایگان حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری در دانشگاه‌ها با توجه به سابقه امکان تحصیل رایگان ایثارگران و مشمولان نهادهای حمایتی همانند کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی، با پیگیری فعالان قرآنی مجلس شورای اسلامی، زمینه استفاده از این امتیاز در قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ برای حافظان قرآن کریم نیز فراهم شد. این قانون براساس دستورالعمل ضوابط مصوب شورای توسعه فرهنگ قرآنی، طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اجرا شده است. در قانون بودجه سال ۱۳۹۲ علاوه بر حافظان کل قرآن، قاریان ممتاز کشوری نیز مشمول استفاده از این مزایا شده‌اند.



تحصیل رایگان حافظان کل قرآن کریم در دانشگاه‌ها

مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹

تاریخ تأیید شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۳/۲۰

شرح:

۹۵- تحصیل ایثارگران، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری و مشمولان بند(ک) ماده(۲۰) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی رایگان است. هزینه‌های مربوط به دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه‌های علمی - کاربردی و دوره‌های شبانه و همچنین مراکز آموزشی و پژوهشی غیردولتی از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اعم از بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان اوقاف و امور خیریه در ابتدای هر نیمسال تحصیلی از محل اعتبارات برنامه ۳۰۴۶۷ پیوست شماره(۴) این قانون به صورت صددرصد تخصیص یافته و پرداخت می‌شود.

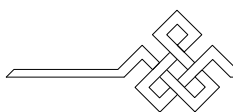
آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور ظرف دوماه به تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد.

با توجه به بروز مشکلات متعدد در نحوه اجرای تحصیل رایگان ایثارگران و سایر مشمولان در دانشگاه‌های غیردولتی که در مواردی موجب بی‌احترامی به آنان می‌شود، در دستورالعمل ضوابط مصوب شورای توسعه فرهنگ قرآنی در سال‌های ۹۰ و ۹۱ مقرر شد که سازمان اوقاف و امورخیریه پس از مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، اعتبار لازم برای پرداخت هزینه تحصیلی حافظان را دریافت کند. حافظان دانشجوی با تحویل اسناد مالی تحصیلی خود به این سازمان تا پایان هر نیمسال تحصیلی هزینه مربوط را دریافت کرده‌اند.

۵. اعطای مدرک تخصصی دارای مزایای استخدامی به حافظان، قاریان و مدرسان قرائت قرآن

الف. مصوبه حافظان

شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۸، ضوابطی را برای ارزیابی و اعطای



مدرک تخصصی حفظ قرآن تصویب کرده است. این مدارک فاقد ارزش دانشگاهی و تنها مشمول مزایای اداری و استخدامی می‌باشد

ضوابط ارزیابی حافظان قرآن کریم		
مصوب ۵۷۳ جلسه مورخ ۱۳۸۴/۹/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی		
شماره ابلاغ: ۴۲۰۵/دش تاریخ ابلاغ: ۱۳۸۴/۱۰/۱۱		
<p>شرح:</p> <p>شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۷۳ مورخ ۸۴/۹/۸ ضوابط ارزیابی حافظان قرآن کریم را به شرح ذیل تصویب نمود:</p> <p>ماده یک: به منظور ساماندهی و تسهیل خدمت رسانی دستگاه‌های اجرایی کشور به حافظان قرآن کریم، هر سال حداقل یک دوره آزمون تخصصی حفظ قرآن کریم، به شرح مواد این آیین نامه، برگزار و به قبول شدگان مدرک تخصصی حفظ قرآن اعطا می‌شود.</p> <p>ماده دو: در این آیین نامه، حافظ به کسی اطلاق می‌شود که توانایی دارد آیات قرآن را بصورت روان، فصیح و همراه با درک معنای آیات از حفظ بخواند.</p> <p>ماده سه: مدرک تخصصی حفظ قرآن، در پنج درجه و با عناوین و شرایط زیر اعطا خواهد شد</p>		
درجه تخصصی	عنوان	شرایط لازم
۱.	استاد حفظ قرآن	حافظ ممتاز قرآن، آشنا با تفسیر و علوم قرآنی و دارای ۱۰ سال سابقه تدریس و تربیت حافظان قرآن
۲.	حافظ ممتاز قرآن	تسلط بر تلاوت مرتل کل قرآن از حفظ، ترجمه آیات و مفردات قرآن
۳.	حافظ کل قرآن	تسلط بر خواندن کل قرآن از حفظ، همراه با درک معنای آیات
۴.	حافظ ۲۰ جزء قرآن	تسلط بر خواندن بیست جزء پیوسته قرآن از حفظ؛ همراه با درک معنای آیات
۵.	حافظ ۱۰ جزء قرآن	تسلط بر خواندن ده جزء پیوسته قرآن از حفظ؛ همراه با درک معنای آیات



ماده چهارم: به منظور تصویب ضوابط علمی و دستورالعمل‌های اجرایی و نظارت بر برگزاری آزمون‌ها، شورایی متشکل از هفت نفر از کارشناسان و متخصصان قرآنی، به شرح ذیل در سازمان تبلیغات اسلامی تشکیل می‌شود

- ۱- سه نفر از استادان برجسته حفظ قرآن (با معرفی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رییس سازمان تبلیغات اسلامی و رییس سازمان اوقاف و امور خیریه - هر کدام یک نفر)
  - ۲- دو نفر استاد تفسیر و علوم قرآنی - ترجیحاً حافظ قرآن (با معرفی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و مدیریت حوزه علمیه قم - هر کدام یک نفر)
  - ۳- یک نفر حافظ و استاد قرائت قرآن (با معرفی اتحادیه تشکل‌های قرآنی کشور)
  - ۴- بالاترین مقام مسئول فعالیت‌های قرآنی سازمان تبلیغات اسلامی (دبیر شورا)
- تبصره یک: عضویت اعضای بندهای ۱ تا ۳ برای مدت سه سال خواهد بود و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره دو: رییس شورا از بین اعضای حافظ قرآن شورا و با رأی آنان برای مدت سه سال انتخاب می‌شود. مصوبات شورا با امضای رییس ابلاغ می‌شود.

تبصره سه: مدرک تخصصی حفظ قرآن با امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس سازمان تبلیغات اسلامی صادر خواهد شد.

ماده پنج: دارندگان مدرک تخصصی حفظ قرآن، از مزایای درجات یک تا پنج هنری، موضوع مصوبه جلسه ۵۴۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی برخوردار خواهند شد.

ماده شش: از ابتدای مهر ماه ۱۳۸۵، استفاده از هر گونه مزایای قانونی مربوط به حافظان قرآن در مراکز مختلف کشور، برای متقاضیان جدید، منوط به ارایه مدرک تخصصی حفظ قرآن مندرج در این آیین‌نامه می‌باشد.

ماده هفت: این آیین‌نامه در هفت ماده و سه تبصره در جلسه مورخ ۸/۹/۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و جهت اجرا به سازمان تبلیغات اسلامی ابلاغ می‌شود.

براساس این مصوبه دارندگان مدرک تخصصی حفظ قرآن، از مزایای درجات یک تا پنج هنری، برخوردار می‌شوند. اجرای این مصوبه برعهده سازمان تبلیغات اسلامی است و سازمان

۱. پیشینه اعطای مدارک تخصصی به هنرمندان به دوران قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد، فعالان رشته‌های مختلف هنری ⇐

دارالقرآن‌الکریم به عنوان بخش تخصصی این سازمان، سالانه اقدام به فراخوان و برگزاری آزمون‌های چندمرحله‌ای می‌کند.

با توجه به عدم اطلاع کافی دستگاه‌های اجرایی از امتیازات اداری و استخدامی درجات هنری و بروز مشکلات برای حافظان دارای مدرک، با پیگیری سازمان دارالقرآن‌الکریم و به منظور شفاف‌سازی امتیازات اداری و استخدامی، شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی کشور بخش‌نامه ذیل را به تصویب رساند:

بخشنامه در ارتباط با اختصاص امتیازات اداری و استخدامی حافظان قرآن کریم

مصوب شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، جلسه مورخ ۹۰/۵/۲۲

شماره ابلاغ: ۲۰۰/۱۳۷۳۶، تاریخ ابلاغ: ۱۳۹۰/۶/۱۴

شرح:

شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی در جلسه مورخ ۹۰/۵/۲۲ بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور، در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ قرآنی و ایجاد انگیزه در جهت فراگیری علوم قرآنی، امتیازاتی به شرح پیوست برای حافظان قرآن کریم (موضوع ماده ۳ مصوبه جلسه ۵۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۹/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی) تصویب نمود که جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

۱- درجات (۱ تا ۴) حفظ قرآن (موضوع ماده ۳ مصوبه جلسه ۵۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۹/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی)، که در شرایط احراز مشاغل جدول موضوع این بند پیش بینی شده، دارای ارزش استخدامی به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- درجه (۱) حفظ قرآن، همتراز با مدرک تحصیلی دکترا
- ۲- درجه (۲) حفظ قرآن، همتراز با مدرک تحصیلی فوق لیسانس
- ۳- درجه (۳) حفظ قرآن، همتراز با مدرک تحصیلی لیسانس
- ۴- درجه (۴) حفظ قرآن، همتراز با مدرک تحصیلی فوق دیپلم

↳ در بیش از پنجاه عنوان، پس از ارزیابی در شورای ارزشیابی هنرمندان، طبق امتیازات مأخوذه از مؤلفه‌های داوری در درجات پنج‌گانه طبقه‌بندی می‌شوند. برای این مدارک مزایای اداری استخدامی تصویب شده است. برای نمونه خوشنویس دارای مدرک استادی (درجه ۱) انجمن خوشنویسان ایران در صورتی که در پست مرتبط با رشته هنری خود استخدام شود، مدرک او معادل استخدامی سطح دکتری تلقی می‌شود.

تبصره - درجه پنج حفظ قرآن در مشاغلی که در شرایط احراز آن دیپلم پیش بینی شده به شرط دارا بودن گواهینامه پایان دوره اول متوسطه از لحاظ استخدامی همتراز دیپلم می باشد.

درجه تخصصی	شرایط لازم
درجات قرآن	شغل
درجات ۱ تا ۳	کارشناس برنامه ریزی امورتربیتی (رسته آموزشی و فرهنگی)
درجات ۳ تا ۴	کاردان برنامه ریزی امورتربیتی (رسته آموزشی و فرهنگی)
درجات ۱ تا ۳	کارشناس امور فرهنگی (رسته آموزشی و فرهنگی)
درجات ۳ تا ۴	کاردان امور فرهنگی (رسته آموزشی و فرهنگی)
درجات ۱ تا ۳	کارشناس امور دینی (رسته امور اجتماعی)
درجات ۳ تا ۴	کاردان امور دینی (رسته امور اجتماعی)
درجات ۱ تا ۳	آموزگار ( رشته های تحصیلی مربوط گروه معارف اسلامی ) از طرح طبقه بندی مشاغل معلمان
درجات ۲ تا ۳	دبیر راهنمایی ( رشته های تحصیلی مربوط گروه معارف اسلامی ) از طرح طبقه بندی مشاغل معلمان
درجات ۲ تا ۳	دبیر دبیرستان ( رشته های تحصیلی مربوط گروه معارف اسلامی ) از طرح طبقه بندی مشاغل معلمان
درجات ۱ تا ۳	مربی امورتربیتی مدارس ( رشته های تحصیلی مربوط گروه معارف اسلامی ) از طرح طبقه بندی مشاغل معلمان

۲- به امتیاز مکتسبه حافظان قرآن دارای درجات (۵ تا ۱) حفظ قرآن در آزمون استخدامی در دستگاه های اجرایی ۱۰ درصد امتیاز در امتحان عمومی و به همین میزان، در امتحان تخصصی یا مسابقه تخصصی یا مصاحبه تخصصی اضافه خواهد شد.

۳- دارندگان درجه (۱)، (۲) و (۳) حفظ قرآن که دارای مدرک تحصیلی مرتبط با شغل مورد تصدی می باشند از امتیاز ارتقا یک طبقه یا گروه ( حسب مورد) برای یک بار در طول مدت خدمت بهره مند می گردند  
 ۴- حافظان قرآن درجه (۳) که دارای مدرک تحصیلی غیر مرتبط با شغل مورد تصدی می باشند از یک سال تعجیل در ارتقا طبقه یا گروه ( حسب مورد)، درجه (۲)، (۲) سال و درجه (۱)، (۳) سال برای یک بار در طول مدت خدمت بهره مند می گردند.

تبصره - بهره مندی حافظان قرآن موضوع بخشنامه شماره ۰۶/۹۶۸۶۰ ط مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۹ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق) از امتیازات بخشنامه فوق در صورتی که مشمول بندهای (۳) و (۴) شوند مانع از استفاده از امتیازات بندهای مذکور نمی باشد.



ب. مصوبه قاریان و مدرسان

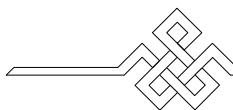
پس از تصویب و اجرای مصوبه ارزیابی تخصصی و اعطای مدرک به حافظان قرآن، موضوع اعطای مدرک تخصصی به قاریان و مدرسان قرائت در دستور کار قرار گرفت. نهایتاً شورای توسعه فرهنگ قرآنی در جلسه نهم مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۷ آیین نامه ضوابط ارزیابی قاریان و مدرسان قرائت قرآن کریم را به تصویب رساند. اجرای این مصوبه برعهده شورای عالی قرآن صدا و سیما، گذاشته شد.

آیین نامه ضوابط ارزیابی قاریان و مدرسان قرائت قرآن کریم
مصوب جلسه نهم شورای توسعه فرهنگ قرآنی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۷ شماره ابلاغ: ۸۹/۱۳۰۶۵/دش، تاریخ ابلاغ: ۱۳۸۹/۱۲/۲۸
<p>شرح:</p> <p>ماده ۱- به منظور شناسایی و رتبه بندی قاریان و مدرسان قرائت قرآن کریم و تسهیل تعامل و خدمت رسانی دستگاه های مختلف با ایشان، هر سال حداقل یک دوره آزمون تخصصی، به شرح مواد این آیین نامه، برگزار و به قبول شدگان گواهی نامه تخصصی قرائت قرآن اعطا می شود.</p> <p>ماده ۲- تعاریف</p> <p>قاری قرآن: فردی که آیات قرآن مجید را با صوت حسن و با توجه به معنا و رعایت فنون و قواعد تلاوت صحیح بخواند.</p> <p>مدرس قرائت قرآن: فردی که دارای شایستگی ها و توانایی های لازم در یکی از سطوح آموزش قرائت قرآن باشد.</p> <p>ماده ۳- گواهی نامه تخصصی قرائت قرآن، به تفکیک در دو گروه قاریان و مدرسان قرائت قرآن، هر یک در چهار سطح، با عناوین و شرایط عمومی و اختصاصی جداول پیوست اعطا خواهد شد. هر گونه بازنگری در مفاد جداول به پیشنهاد شورای مندرج در ماده چهار و تصویب شورای توسعه فرهنگ قرآنی انجام می شود.</p> <p>ماده ۴- به منظور تصویب ضوابط علمی و دستورالعمل های اجرایی و نظارت بر نحوه احراز شرایط و برگزاری آزمون ها، «شورای ارزیابی قاریان و مدرسان قرائت قرآن» متشکل از ۱۱ نفر از کارشناسان و متخصصان قرآنی، به شرح ذیل تشکیل می شود:</p>

۱. شورای عالی قرآن صدا و سیما، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران و کمیته اعزام و دعوت از قاریان قرآن کریم، سه نهاد قرآنی وابسته به دفتر مقام معظم رهبری است که با دستور معظم له تشکیل شده و زیر نظر مستقیم این دفتر فعالیت می کند.
۲. جداول شرایط عمومی و اختصاصی در سایت شورای عالی قرآن به آدرس [WWW.QURANSHORA.IR](http://WWW.QURANSHORA.IR) / سامانه جامع طرح ارزیابی قاریان و مدرسان قرائت قرآن کریم، بخش آئین نامه ها قابل دسترسی است.

۱. پنج نفر استاد برجسته آموزش قرائت قرآن (با معرفی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، وزیر آموزش و پرورش و رئیس شورای عالی قرآن صدا و سیما - هر کدام یک نفر)
  ۲. سه نفر استاد تفسیر و علوم قرآنی - ترجیحاً قاری قرآن (با معرفی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، مدیریت حوزه علمیه قم و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها - هر کدام یک نفر)
  ۳. یک نفر صاحب‌نظر در بهداشت صدا و حنجره (با معرفی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)
  ۴. یک نفر حافظ ممتاز و قاری قرآن (با معرفی اتحادیه تشکل‌ها و مؤسسات قرآنی مردمی کشور)
  ۵. دبیر شورا - با انتخاب رئیس شورای عالی قرآن صدا و سیما
- تبصره ۱- عضویت اعضای بندهای ۱ تا ۴ برای مدت سه سال خواهد بود و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.
- تبصره ۲- رئیس شورا از بین اعضا و با رأی آنان برای مدت سه سال انتخاب و مصوبات شورا با امضای رئیس ابلاغ می‌شود.
- تبصره ۳- دبیرخانه شورا در شورای عالی قرآن صدا و سیما استقرار یافته و موظف به اجرای مصوبات شورا می‌باشد.
- تبصره ۴- گواهی‌نامه تخصصی قرائت قرآن کریم با امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس شورای عالی قرآن صدا و سیما صادر خواهد شد.
- ماده ۵- دارندگان گواهی‌نامه تخصصی قرائت قرآن کریم، از کلیه مزایای درجات یک تا چهار هنری، موضوع مصوبه جلسه ۴۷۷ و ۵۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی برخوردار خواهند شد.
۶. ماده ۶- این آیین‌نامه در ۶ ماده و ۴ تبصره در جلسه نهم مورخ ۸۹/۱۲/۷ شورای توسعه فرهنگ قرآنی به تصویب رسید و پس از ابلاغ لازم‌الاجراست.

همچنانکه در متن دو مصوبه آمده است، مسئولیت تعیین دستورالعمل‌ها و نظارت بر اجرای آزمون بر عهده شورایی متشکل از استادان حفظ، قرائت، تفسیر و علوم قرآنی است که توسط رؤسای دستگاه‌های مرتبط تعیین می‌شوند. مدارک تخصصی نیز با امضای مشترک دستگاه مجری و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌شود.



۶. مزایای نخبگان و استعداد‌های برتر برای قاریان و حافظان قرآن

بنیاد ملی نخبگان که تحت نظر نهاد ریاست جمهوری فعالیت می‌کند، مسئولیت شناسایی و حمایت از نخبگان کشور در تمام رشته‌ها را بر عهده دارد. مضمون آیین‌نامه بنیاد ملی نخبگان در دو سطح ۱ و ۲ طبقه‌بندی می‌شوند که به سطح ۱، عنوان نخبه و به سطح ۲ عنوان استعداد برتر اطلاق می‌شود.

بند ۴-۵ آیین‌نامه احراز استعداد‌های برتر و نخبگی مصوب پانصد و هشتاد و نهمین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۰۶/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی مربوط به استعداد‌های برتر قرآنی است:

۴-۵- برترین‌های مسابقات علوم قرآنی

برگزیدگان نفرات اول تا سوم مسابقات معتبر قرآنی داخلی و بین‌المللی با تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان استعداد برتر تبصره: تشخیص اعتبار مسابقه با بنیاد است.

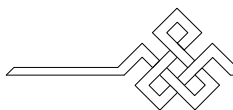
کمیسیون دائمی هیأت امنای بنیاد ملی نخبگان در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۱۱، جدول ذیل را به

تصویب رسانده است:



مشمولان	مزایا	
<p>✓ نفرات اول تا سوم مسابقات قرآنی بین‌المللی در کشورهای ایران و مالزی در رشته قرائت</p> <p>✓ نفرات اول تا سوم مسابقات قرآنی بین‌المللی در کشورهای ایران و عربستان در رشته حفظ کل</p> <p>✓ دارندگان مدرک تخصصی درجه ۱ حفظ قرآن کریم</p>	<p>– تسهیلات نظام وظیفه<sup>۱</sup></p> <p>(الف - معافیت تحصیلی در تمام مقاطع تحصیلی که مستمراً توسط مشمول گذرانده می‌شود.</p> <p>ب - طی خدمت نظام وظیفه با انجام دوره آموزش نظامی به اضافه پژوهش در قالب طرح تحقیقاتی برای نیروهای مسلح با موضوعات مورد نیاز کشور</p> <p>ج - خروج از کشور بدون سپردن وثیقه برای شرکت در همایش‌ها و مسابقات علمی</p> <p>د- خروج از کشور بدون سپردن وثیقه برای طی دوره فرصت مطالعاتی دانشجویان دکتری پس از تصویب رساله)</p> <p>– جوایز تحصیلی دانشجویی یا حوزوی در سطح یک متناسب با مقطع تحصیلی</p> <p>– سفر عمره مفرده</p> <p>– اعتبار پژوهشی ویژه استادیاران جوان</p> <p>– اعتبار پژوهش و نوآوری</p> <p>– کمک‌هزینه شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدت و فرصت مطالعاتی</p> <p>– اعتبار آموزش قرآن جهت تشکیل کلاس‌های آموزشی در زمینه تخصصی قرآنی</p> <p>– وام مسکن ویژه نخبگان در سطح یک</p> <p>– جایزه علمی شهید چمران به محققین دوره‌های پسا دکتری</p>	سطح یک
<p>✓ نفرات اول تا سوم مسابقات کشوری سازمان اوقاف و امور خیریه</p> <p>✓ نفرات اول تا سوم مسابقات برجسته بین‌المللی قرآن در کشورهای مختلف مشروط بر اینکه با معرفی سازمان اوقاف و امور خیریه در این مسابقات شرکت کرده باشند.</p> <p>✓ نفرات اول تا سوم مسابقات برجسته بین‌المللی قرآن دانشجویان کشورهای اسلامی</p>	<p>– تسهیلات نظام وظیفه</p> <p>– جوایز تحصیلی دانشجویی یا حوزوی در سطح دو متناسب با مقطع تحصیلی</p> <p>– سفر عمره مفرده</p> <p>– اعتبار پژوهشی ویژه استادیاران جوان</p> <p>– وام مسکن ویژه نخبگان در سطح یک</p> <p>– جایزه علمی شهید چمران به محققین دوره‌های پسا دکتری</p>	سطح دو

۱. در این تسهیلات نخبگان و استعدادهای برتر پس از گذراندن دوره آموزش نظامی، به جای اعزام به خدمت سربازی، پروژه تحقیقاتی انجام می‌دهند.



۷. پرسنل نظامی

الف. کادر نیروهای مسلح (پایور)

براساس این ابلاغیه، ارشیدیت‌های زیر به حافظان و قاریان قرآن اعطا می‌گردد:

نفرات برگزیده	حافظ کل	حافظ ۲۰ جزء	حافظ ۱۰ جزء
مدت ارشیدیت	ماه ۴۸	ماه ۲۴	ماه ۱۲

نفرات برگزیده	نوع مسابقات			کلیات
	بین‌المللی	سطح کشور	نیروهای مسلح	
نفر اول	ماه ۲۶	ماه ۱۸	ماه ۱۲	میزان ارشیدیت اعطایی به قاریان
نفر دوم	ماه ۲۴	ماه ۱۲	ماه ۹	
نفر سوم	ماه ۱۲	ماه ۹	ماه ۶	

ب. پرسنل وظیفه؛ دستورالعمل تشویق مشمولان و پرسنل وظیفه حافظ قرآن کریم ابلاغی

شماره ۵۲/۵/۲۰۱۰/۴/۶۰۸/ن، مورخ ۱۱/۱۱/۷۳ ستاد کل نیروهای مسلح

ماده ۳: مقام معظم فرماندهی کل قوا مقرر فرمودند به «حافظ کل» قرآن کریم مجموع

امتیازات زیر اعطاء شود:

الف: یک درجه بالاتر از درجه استحقاقی.

ب: ۲ ماه (۶۰ روز) مرخصی تشویقی.

ج: تعیین محل خدمت (برابر روش).

ماده ۴: در اجرای اوامر صادره معظم‌له به کسانی که نیمی یا ثلثی از کلام‌الله مجید را حفظ

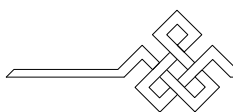
کرده‌اند، نیز امتیازاتی در زمینه‌های «اعطاء مرخصی» و «تعیین محل خدمت» برابر روش پیش‌بینی

شده در این دستورالعمل اعطاء خواهد شد.

ماده ۵: امتیازات مصوب مذکور در ماده ۳ بالا به کلیه کسانی که قبل از احضار و اعزام به

خدمت (زیر سن مشمولیت) و یا پس از آن و نیز در حین انجام خدمت سربازی موفق به حفظ





قرآن کریم شده یا بشوند حسب مورد اعطاء خواهد شد.

ماده ۶: آن دسته از مشمولان حافظ کل قرآن کریم که برابر مقررات نظام وظیفه در دفترچه آنان مهر غیبت زده شده است نیز می توانند از این امتیازات استفاده نمایند.

۸. سایر مزایای اداری و استخدامی

۸-۱. کارمندان دولت؛ مصوب شورای امور اداری و استخدامی کشور، مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۶

طبق این مصوبه:

- دارندگان عناوین اول تا سوم مسابقات سراسری کشور از چهار سال ارشدیت در ارتقاء گروه استفاده خواهند نمود.
- دارندگان عناوین اول تا سوم مسابقات سراسری کارمندان دولت از سه سال ارشدیت در ارتقاء گروه استفاده خواهند نمود.
- دارندگان عناوین اول تا سوم مسابقات استان‌ها از یک سال ارشدیت استفاده خواهند نمود.

۸-۲. نقل و انتقال معلمان؛ شیوه‌نامه نقل و انتقالات بین منطقه‌ای و استانی فرهنگیان آموزش

و پرورش

طبق این شیوه‌نامه در حالت عادی به ازاء حفظ هر جزء قرآن کریم یک امتیاز، حداکثر ۳۰ امتیاز برای داوطلب نقل و انتقال اختصاص می‌یابد.

علاوه بر این، حافظان ۲۰ جزء قرآن کریم، استثناءاً و برای یکبار در طول خدمت در اولویت نقل و انتقال قرار می‌گیرند.

۸-۳. بیمه فعالان قرآنی

**شرایط اختصاصی برای قاریان قرآن**

۱. کسب رتبه اول تا پنجم مسابقات بین‌المللی معتبر، مقام اول تا سوم مسابقات کشوری

سازمان اوقاف و امور خیریه، مسابقات استانی سازمان اوقاف و امور خیریه

۲. داشتن حداقل ۳ سال سابقه تلاوت قرآن

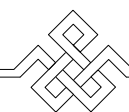


### شرایط اختصاصی برای حافظان قرآن و نهج البلاغه

۱. کسب رتبه اول تا پنجم حفظ حداقل ۱۰ جزء قرآن در مسابقات بین‌المللی معتبر یا مسابقات کشوری و استانی سازمان اوقاف و امور خیریه
  ۲. کسب درجه ممتاز یا عالی حفظ حداقل ۱۰ جزء قرآن کریم از معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
  ۳. کسب درجه ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ مدرک تخصصی حفظ قرآن کریم از سازمان تبلیغات اسلامی
  ۴. کسب گواهینامه حفظ خطبه‌ها یا نامه‌ها یا حکمت‌های نهج البلاغه از معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۴-۸. تخفیف شهریه دانشگاه آزاد اسلامی

تأمین کننده تخفیف شهریه	تخفیف های اعطایی به ترتیب رتبه و درصد			مقطع حفظ و ترجمه فارسی	سطح مسابقات یا جشنواره
	سوم	دوم	اول		
۱۰۰ درصد توسط واحد دانشگاهی با ارائه گواهی از مرکز فعالیت ها و پژوهش های قرآن و عترت	-	-	۱۰	جزء ۱۰	مسابقات سراسری دانشگاه آزاد اسلامی
	-	-	۱۰	جزء ۱۵	
	۵	۱۰	۱۵	جزء ۲۰	
	۵	۱۰	۱۵	جزء ۲۵	
۵۰ درصد توسط واحد دانشگاهی مربوط و ۵۰ درصد توسط سازمان مرکزی، ارائه گواهی از دبیرخانه یا سازمان برگزار کننده و تأیید مرکز فعالیت ها و پژوهش های قرآن و عترت	-	-	۱۰	جزء ۱۰	مسابقات سراسری دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه های دولتی، مسابقات کشوری، سازمان اوقاف و امور خیریه
	-	-	۱۰	جزء ۱۵	
	۵	۱۰	۱۵	جزء ۲۰	
	۱۰	۱۵	۲۰	جزء ۲۵	
فعالیت ها و پژوهش های قرآن و عترت	۱۵	۲۰	۲۵	جزء ۳۰	مسابقات بین المللی
	۱۰	۱۵	۲۰	جزء ۱۵	
	۱۰	۱۵	۲۰	جزء ۲۰	
	۱۵	۲۰	۲۵	جزء ۲۵	
	۲۰	۲۵	۳۰	جزء ۳۰	

۵-۸. مرخصی برای زندانیان در مدت تحمل کیفر؛ اصلاحیه آیین نامه اجرایی سازمان



زندانیانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب قوه قضائیه، تاریخ ۱۳۸۹/۲/۲۱ براساس این آیین‌نامه، آن دسته از زندانیانی که در مدت تحمل کیفر، در زمینه حفظ قرآن مجید با التزام عملی به سایر احکام، توفیقاتی به دست آورند، علاوه بر ده روز مرخصی سالیانه، می‌توانند به ازاء حفظ هر جزء قرآن، از سه روز مرخصی با رعایت شرایط ذکر شده در آیین‌نامه زندان‌ها استفاده کنند.

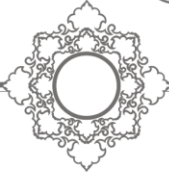
در پایان تذکر این نکته لازم است که با توجه به توسعه مطالبات فعالان قرآنی، قوانین در این حوزه رو به تغییر و ازدیاد است. امید است که اطلاعات این متن در بازه زمانی مناسبی، مورد استفاده قرار گیرد.

#### جدول شماره ۱: شرایط عمومی ارزیابی و طبقه‌بندی قاریان و مدرسان قرآن کریم

(پیوست آیین‌نامه ضوابط ارزیابی قاریان و مدرسان قرائت قرآن کریم، مصوب جلسه نهم شورای توسعه فرهنگ قرآنی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۷)

ردیف	شرایط عمومی و صلاحیت‌های فردی
۱	تابعیت ایرانی
۲	اعتقاد به دین مبین اسلام و التزام عملی به احکام نورانی آن
۳	اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه، قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی
۴	رعایت اخلاق اسلامی و شئون اهل قرآن در گفتار، رفتار، پوشش و آرایش ظاهری
۵	عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر، اعتیاد به مواد مخدر و مفسد اخلاقی و مالی (مگر اینکه توبه و شایستگی آنها احراز شود).
۶	عدم وابستگی و هواداری از احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های غیرقانونی و منحرف
* جدول شرایط عمومی متقاضیان غیرایرانی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط، متناسب با کلیات جدول فوق، توسط شورای ارزیابی قاریان و مدرسان قرائت قرآن تعیین می‌شود.	
** شورای ارزیابی قاریان و مدرسان قرائت قرآن موظف است در صورت از دست دادن هر یک از صلاحیت‌های عمومی مندرج در جدول شماره یک، نسبت به لغو اعتبار گواهی‌نامه فرد مورد نظر و اعلام آن به مراجع مربوط اقدام نماید.	

میزبان  
و میزبان  
فطرت  
چهارمین  
سخن پنجم  
استاد  
استاد



# به روایت تصویر



مراسم افتتاحیه



رونمایی از کتاب نشست تخصصی سال ۱۳۹۲

آغاز به کار نشست با حضور اساتید، قاریان و حافظان ممتاز سراسر کشور

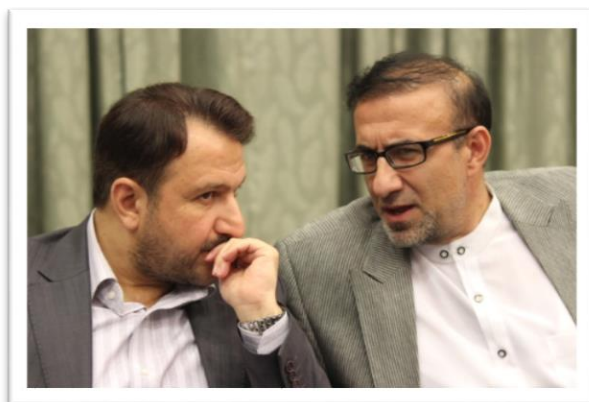












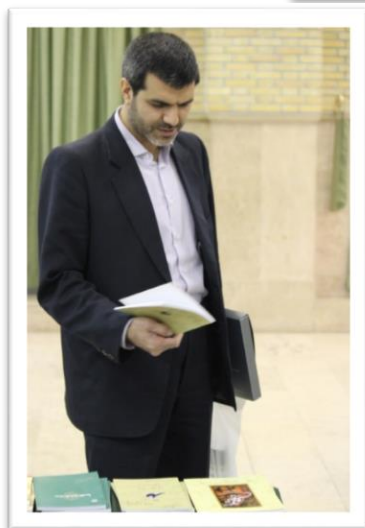
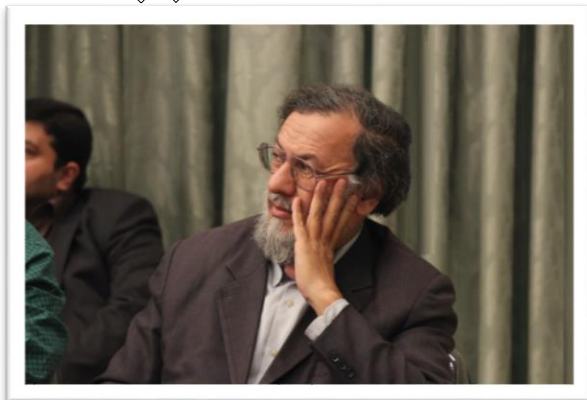








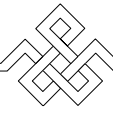






تقدیر از مقالات منتخب رسیده به دبیرخانه نشست





محفل انس با قرآن در حسینیه جماران





قاریانی که در خلال نشست به تلاوت پرداختند



تعدادی از عوامل اجرایی نشست

